

فراموشخانه و فراماسوئری در ایران

جلد سوم

نوشته: اسماعیل رائین



مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۵۷

استفاده از متن کتاب، اسناد و دیپلمها، عکسها و تصاویر،
بدون اجازه کتبی نگارنده ممنوع است.



دالین، اسماعیل

فراموشخانه و فراماسونری در ایران (جلد سوم)

چاپ اول: ایتالیا، دسامبر ۱۹۶۸

چاپ چهارم: ۱۳۵۷

چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر، تهران

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مندرجات

فصل بیست و پنجم	لژهایون - باشگاه حافظ	۱ - ۱۰۸
فصل بیست و ششم	لژ روشنائی در ایران	۱۰۹ - ۱۸۵
فصل بیست و هفتم	لژهای انگلیسی تابع قانون اساسی اسکاتلند در ایران :	۱۸۶ - ۳۳۰
	۱ - لژ تهران ۲ - لژ کورش	
	۳ - لژ خیام ۴ - لژ اصفهان	
	۵ - لژ خوزستان ۶ - لژ اندارک	
	۷ - لژ نور ۸ - لژ آریا	
	۹ - لژ اهواز ۱۰ - لژ کرمان	
	باشگاه رازی - انجمن طرفداران حکیم زکریای رازی	
فصل بیست و هشتم	لژهای فراماسونری فرانسه در ایران :	۳۳۱ - ۴۱۸
	۱ - لژ مولوی ۲ - لژ سعدی	
	۳ - لژ حافظ ۴ - لژ مرزدا	
	۵ - لژ ابن سینا ۶ - لژ لافرانس	
	۷ - لژ کسرا	
	سازمانهای نیمه مخفی :	۴۱۹ - ۴۴۵
	انجمن بوعلی سینا - باشگاه خورشید تابان	
	انجمن خواجه نصیر طوسی - انجمن فارابی	

سازمان‌های علنی و تشکیلات مخفی :

- ۱ - تسلیح اخلاقی ۲ - روتاری کلوب
- ۳ - جمعیت برادری جهانی ۴ - باشگاه لاینز
- ۵ - ده انجمن خیریه دیگر فراماسونری آمریکا

لژهای تابع اتحادیه لژهای آلمان در ایران

وگراند لژ مستقل ایران :

- ۱ - لژهای : مهر - آفتاب - وفا - صفا
- ۲ - لژهای : ستاره سحر - ناهید
- ۳ - آئین نامه لژهای مستقل
- ۴ - اتحادیه جهانی فراماسون ها I.U.F

عقاید نویسندگان ایرانی

معرفی ۸۵۷ نفر از فراماسونهای کنونی

مکاتبه با گراند لژهای جهانی

ضمائیم :

۱ - مکاتبه با لژهای انگلیسی و آمریکائی


۲ - قانون اساسی - آئین نامه - نظامنامه

لژهای تابع قانون اسکاتلند در ایران

ماخذ و منابع فراماسونری در کتب ، جراید

و مجلات زبان فارسی

فیل از اینسکه در باره علل و چگونگی تأسیس لژ همایون در تهران سخنی گفته شود، لازم است، مردی را معرفی کنیم که در تاریخ فراماسونری ایران نقش مؤثری داشته است. این شخص محمد خلیل جواهری، اولین فراماسون ایرانی است که بدون ترس و واهمه علناً خود را معرفی کرده است. او در روز یکشنبه ۵ آبان ۱۳۳۶ در روزنامه اطلاعات اعلان درگذشت پسر خود را با علامت فراماسونها و کلمه (G) بدین شرح منتشر کرد:



محمد خلیل جواهری

بمناسبت شهادت یگانه فرزند ناکام
بیست و هفت ساله ام خلیل جواهری در اثر تصادف
با کامیون پستی کولا در راه خرمشهر برای قبول
تسلیم برادران خود روز سه شنبه هفتم آبانماه از
ساعت هفصیح الی ظهر و از ساعت چهار الی هشت
بعد از ظهر در منزل آماده میباشم. رهبر ماسونهای
قدیمی ایران

آ- ۱۶۶۵۱

«بمناسبت شهادت یگانه فرزند ناکام بیست و هفت ساله ام خلیل جواهری در اثر تصادف با کامیون پستی کولا در راه خرمشهر برای قبول تسلیم برادران خود روز سه شنبه هفتم آبانماه از ساعت چهار الی هشت بعد از ظهر در منزل آماده میباشم. رهبر ماسونهای قدیمی ایران محمد خلیل جواهری.»

جواهری که در روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۴ در جلسه علنی مجلس شورای ملی مورد حمله و کلا قرار گرفت و عده ای او را مؤسس لژ همایون معرفی کردند، نخستین فراماسون ایرانی است که بدون نگرانی در يك روزنامه مهم کشور علناً اسم و رسم فراماسونی خود را ذکر کرده است.

از روزیکه نخستین ایرانی در پاریس وارد سازمان فراماسونری شد تاکنون همچنان افراد و سازمانهای این فرقه در پرده اختفا باقی مانده اند و هیچکس از

فصل بیست و پنجم



لژ همایون



استاد. محمد خلیل جواهری مؤسس لژ همایون

افراد و اعمال آنها اطلاعی پیدا نکرده است و خود ماسنها نیز تاکنون از معرفی خود امتناع داشته و دارند. ولی محمد خلیل جواهری که درجهٔ مافوق ۳۳ را دارد، خود را معرفی کرده و در اطاق پذیرائی خانه‌اش نیز فرمانها و عکسهای خویش را در لباس ماسونی بمعرض تماشا گذارده است.

محمد خلیل جواهری، فرزند خلیل شیرازی است که ۱۳۰ سال قبل اجداد او از شیراز به سوریه مهاجرت کردند. شغل اصلی فامیل جواهری «حمله‌داری» کاروانهای حجاج از ایران به خانهٔ کعبه بوده و برای انجام این شغل ناصرالدین‌شاه فرمان مخصوصی به این خانواده اعطا کرده است. خانوادهٔ جواهری اصولاً دمشق را مرکز کارهای حمله‌داری و تجاری خود قرار داده‌اند و در سوریه به خانوادهٔ «عجسی» معروف هستند. تا پیدا شدن اتومبیل و مسافرت حجاج با وسائل نقلیهٔ موتوری، خانوادهٔ جواهری به حمله‌داری مشغول بودند و آخرین فرد این خانواده «خلیل» پدر محمد جواهری بود که تا چهل سال قبل حجاج را به مکه می‌رسانید. محمد جواهری که با ذکر نام پدرش (محمد خلیل جواهری) نامیده می‌شود، تحصیلات مقدماتی خود را در دمشق و تحصیلات عالی را در کالج بیروت و دانشگاه اسلامبول به پایان رسانیده و در رشته روزنامه نگاری، فلسفه و تاریخ فارغ التحصیل شده است. وی پس از خاتمه تحصیل در شهر سامسون ترکیه روزنامهٔ «رنگین» را که به معنی «فضا» است منتشر کرد. او پس از ۱۵ سال اقامت در اسلامبول یا داشتن گذرنامه ایرانی به دمشق مراجعت نمود و علاوه بر تجارت، خبرنگاری روزنامه‌های اردن، فلسطین و لبنان را نیز عهده‌دار بود.

محمد خلیل در سال ۱۳۱۹ شمسی (۱۹۴۰ م) برای اولین بار به ایران آمد و دو کتاب خود را به نامهای «آلبوم مسافرت رضاشاه به ترکیه» و «یادبود دوستی ایران و ترکیه» به زبان فارسی منتشر ساخت. او این دو کتاب را در شام چاپ کرده بود و در تهران توزیع کرد.

وی پس از یکسال اقامت در تهران «آژانس شرق» را در خیابان لاله‌زار

تأسیس کرد و شروع به ارسال اخبار ایران برای روزنامه‌ها و مجلات هفتگی سوریه، ترکیه، لبنان و سایر ممالک خاور میانه نمود و مقالاتی هم در این روزنامه‌ها می‌نوشت. در مقابل مقالات و اخبار جراید خاور میانه را نیز در تهران توزیع مینمود.

در تمام مدت جنگ جهانی دوم (آژانس شرق) در تهران دایر بود، و طی فعالیتهای خود بیوگرافی‌های چرچیل، رضا شاه کبیر، روزولت، ابن سعود و تاریخ جنگ دوم و جزو هائی در باره کشورهای مجاور ایران مانند عراق، سوریه و لبنان منتشر ساخت و از سال ۱۳۲۸ شمسی (۱۹۵۷ م) تا کنون فعالیت مطبوعاتی را ترك گفته و مشغول بازرگانی و انجام قراردادهای مصالح ساختمانی و ساختمان است و هرگز از اعلام این نکته که فراماسون و حتی مؤسس نژه‌مایون در ایران بوده امتناعی نداشته و ندارد.

وی در باره اینکه چگونه وارد سازمان فراماسونری

چگونه وارد ماسونی شد، چنین می‌گوید:

شدم در سال ۱۳۰۱ ش (۱۹۲۲ م) وارد سازمان فیلمبرداری

معلولین جنگی ارتش ترکیه شدم. در آن زمان در ارتش

ترکیه يك سازمان فیلمبرداری وجود داشت که درآمد آن مختص معلولین جنگ

بود. من که در آن اوقات بیکار بودم، در این سازمان مدت سه ماه تعلیمات دیدم

و موقع امتحان فرار شد، مستقلاً فیلمی تهیه‌کنم و به اتفاق دو نفر دستیار به ازمیر

بروم و از فرار یونانیها فیلمبرداری کنم. از این رو با يك کشتی مسافری فرانسوی

به نام «لامارین» از اسلامبول به ازمیر رفتم و از مناظر فرار یونانیها و آتش زدن

شهر مدت هشت ساعت فیلم برداری کردم و با همان کشتی به بیروت بازگشتم. ولی

در طول این مسافرت واقعه جالبی روی داد. در چهارمیلی ازمیر به يك قایق پاروئی

که در آن بیش از ده نفر نشسته بودند، برخوردیم. سر نشینان قایق با تکان دادن

دست و دستمال کشتی را به کمک طلبیدند ولی ناخدای کشتی بدون توجه به حرکت

خود ادامه داد. اما من، از دیدن قیافه مضطرب و وحشت زده سر نشینان قایق

تا راحت شدم و با اصرار و التماس از ناخدا درخواست کردم که به کمک آن عده و ازگون بخت بشتابد. ولی به علت آنکه قایق نشینان یونانی بودند، ناخدا به اینکار راضی نشد. ناچار با تهدید اینکه به کمک مافرین او را دستگیر خواهم کرد، وی حاضر به نجات قایق نشینان گردید و قرار گذاشتیم از سرعت کشتی کم کند تا با کمک کارکنان کشتی آن بیچارگان را نجات دهیم.

نجات افراد خانواده فراری یونانی یک ساعت طول کشید و آنها وقتی به عرشه کشتی رسیدند، مستقیماً به طرف فرمانده رفتند تا دست او را ببوسند ولی ناخدا مرا به آنان نشان داد و گفت این جوان شمارا نجات داده است، و من بر اثر اصرار او مجبور به کم کردن سرعت کشتی و نجات شما شده‌ام.

افراد خانواده یونانی ابتدا تصور می‌کردند که من یونانی و یا لاف‌سیاهی هستم ولی وقتی مطلع شدند که مسلمان هستم و در خدمت ارتش ترکیه می‌باشم تعجبشان بیشتر شد. در حالیکه مشغول صحبت با نجات یافتگان بودم، يك پروفیسور فرانسوی که قیافه آرام و دوست داشتنی داشت، به ما نزدیک شد و خود را پروفیسور «ژوبل» معرفی کرده و خطاب به من اظهار داشت: از وقتی که برای نجات این خانواده اقدام کردید، تا این لحظه دقیقه‌ای شمارا از نظر دور نداشته‌ام. من هم ابتدا تصور می‌کردم شما مسیحی هستید ولی حال که فهمیدم مسلمان و در خدمت ارتش ترکیه می‌باشید بسیار تعجب کردم زیرا شما و یونانیها با هم در حال جنگ هستید و بالطبع بایستی وسائل غرق این خانواده را فراهم می‌کردید.

به پروفیسور گفتم، من فارغ التحصیل رشته روزنامه‌نگاری و فلسفه هستم، در باره جنگ و علل و فلسفه آن بحثی نمی‌کنم ولی اینرا نمی‌توانم فراموش کنم که انسانیت و بشریت، ترك، یونانی، مسیحی و مسلمان نمی‌شناسد، همه ما يك نوع ساختمان بدنی داریم و بعلاوه من فرزند سرزمین سعدی در ایران هستم که هفتصد سال قبل گفته است «بنی آدم اعضای یکدیگرند» بنابراین غیر از رفتاری که کردم، کار دیگری نمی‌توانستم بکنم.

پروفر (ژویل) از من خواست کرد که در بیروت به ملاقات او بروم. من قبول کردم. با وجودیکه مدت توقفم در این شهر کوتاه بود، بدیدنش رفتم و او در میان بهت و تحیر فوق العاده ای به من گفت: هر چه از شما دیدم به محفل فراماسونی بیروت گزاری دادم و پیشنهاد کردم شما را به عضویت ماسونی بپذیرند. ژویل بعد از آنکه دو روز درباره فرقه ماسونی با من صحبت کرد، مرا طی تشریفات وارد سازمان ماسونی بیروت کردند. چند روز بعد در حالیکه مقام اول فراماسونی یعنی «شاگرد» بدست آورده بودم، باسلامبول برگشتم.

وقتی وارد اسلامبول شدم چون قبلاً مرا از بیروت به این لژ معرفی کرده بودند، در لژ مزبور شروع به فعالیت کردم. در مدت شش سال درجات شاگرد، کارگر و استاد را گذراندم. معارف این ایام مصطفی کمال اتاتورک زمامدار ترکیه شد و با وجود اینکه ماسنها در تغییر رژیم ترکیه و پیروزی انقلاب به اتاتورک و انقلابیون کمکهای فراوانی کرده بودند، معذک به علت افراط کاریهائی که در انقلاب صورت گرفت به مخالفت با رژیم جدید برخاستند و سرانجام بنا به خواست اتاتورک لژهای ماسونی گراند اوریان ترکیه کار خود را تعطیل کردند.

در سال ۱۳۱۴ ش (۱۹۳۵ م) از اسلامبول به بیروت رفتم و تا سال ۱۳۱۷ ش (۱۹۳۸ م) در لبنان چند لژ ماسونی تأسیس کردم، در مقابل هر لژی که تأسیس می کردم و یا هر فعالیت انسانی که از من سر میزد یک درجه می گرفتم، بطوریکه تا درجه ۳۳ ارتقاء پیدا کردم. چون مرکز ماسنی گراند اوریان مرتباً اعمال مرا تقدیر می کرد، درجه ۱۴ مکرر را که مقام عالی است به من دادند و در سال ۱۳۱۷ ش (۱۹۳۸ م) به ایران آمدم.

در ایران با مرحوم فروغی، حکیم الملک و طباطبائی [سید محمد صادق] ملاقات کردم و مطلع شدم که فعالیت ماسونی در این منطقه تقریباً تعطیل شده است. بدینجهت از آنها خواستم که مجدداً فعالیت خود را آغاز کنند. ولی مؤسین لژ گراند اوریان ایران با نظر من مخالفت نمودند، و مقرر گردید که در صورت احتیاج

از اسناد موجود در خانه حکیم الملک که مربوط به لژ (بیداری ایران) بود استفاده کنم و از حافظه و اطلاعات ۱۴ نفر اعضای لژ بیداری ایران که در قید حیات بودند کمک بخواهم. چون احسان می‌کردم که محیط آنروز ایران احتیاج مبرمی به تزکیه روح و اخلاق و تعلیمات ماسونی دارد، لذا از هیچ‌گونه کوششی خودداری نکردم. ولی هرگاه بایکی از مؤسسين لژ بیداری ایران سخن می‌گفتم، جواب می‌دادند که محیط اجتماعی وقت، آماده فعالیت نیست.

حادثه شهر یور ۱۳۲۰ تا (۱۹۴۱م) و زمامداری مرحوم فروغی بهمن فرصتی داد تا بار دیگر درباره امکان فعالیت لژهای فراماسونری در ایران مطالعه کنم. از این روز چند ماه بعد از زمامداری مرحوم فروغی، روزی آن مرحوم را ملاقات نمودم و با وی درباره فعالیت لژ گفتگو کردم. فروغی ضمن ابراز خوشوقتی از افکارم گفت که از دو ماه قبل اعضاء لژ بیداری ایران مجدداً شروع به فعالیت کرده‌اند منهم می‌توانم با آنها کار کنم.

چون در آن هنگام فرانسه در اشغال قوای هیتلری بود و مرکز گرانداوریان نمی‌توانست فعالیت در خارج از فرانسه بنماید، بناچار با قاهره تماس گرفتم و پس از چندی با لژ الپینای سوئیس نیز مکاتبه برقرار کردم و در جواب این نامه را دریافت نمودم که عیناً در اختیار تان قرار میدهم:

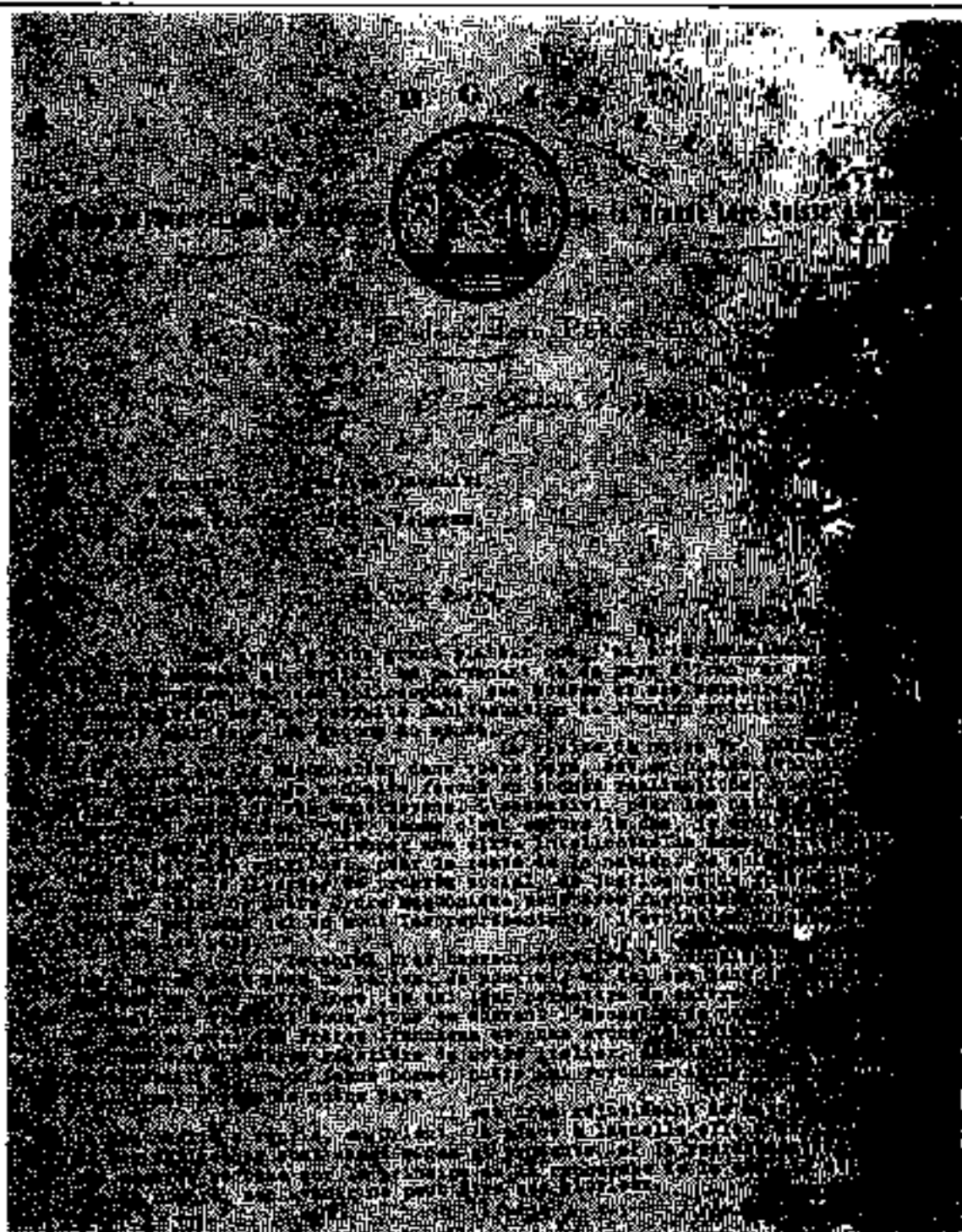
ژنو ۲۰ اکتبر ۱۹۵۴.

به آقای خلیل جواهری خیابان کاخ شماره ۱۱۲ تهران..

برادر بسیار عزیزم

پیام محبت آمیز شما را از کشور ایران که دارای سوابق تاریخی، فلاسفه و شعرا و متفکرین است با خوشوقتی کامل دریافت داشتم. مضمون آن نماینده بارزی از اتحاد روحی است که تمام ماسونهای جهانی را بهم مرتبط می‌سازد.

ضمن ملاقات برادرمان... هدایتی چنین استنباط کردم که در کشور شما ماسونری در حال تکامل است و آرزو مندم نتایج خوبی برای سعادت هموطنان شما



بیار آورد. برای مللی مانند ملت شما ایران که در جستجوی راه ترقی هستند بهترین طریق این است که يك طبقه منورالفکر بتواند با وحدت فکری لازم مجتمع شود.

یقین دارم که آرزوی آزادی و پیشرفت اجتماعی و عدالت و برادری که سرمشق و دستورالعمل همه ماسونها است، بخوبی می تواند سرمشق ترقی و تکامل تمام کشورها بشود.

بسیار خوشوقت خواهم شد که با برادرانی که درباره آنها به من اطلاع داده اید در صورتی که میل داشته باشند ملاقات نمایم و آنها را به لژ خودمان معرفی کنم، تا شاید بدین وسیله موفق شوند در جریان کارهای ما قرار بگیرند.

اغلب اوقات ما برادران ایرانی را ملاقات می کنیم و بسیاری از آنها از سال ۱۸۹۰ اعضای دائم و مرتب کارگاه ما می باشند. بین آنها مرد جوانی وجود دارد که دوست ما است و نام او ابوالقاسم فروهر است که وزیر مختار ایران در کشور ما می باشد. بسیار جای خوشوقتی است که مطلع می شویم ماسونری در شرق جا و مقام شایسته خود را کسب نموده است. اگر رهبران لژها عاقل و محتاط باشند و اگر در انتخاب اعضاء اصلی تحقیق نمایند و صفات اشخاص نه تعداد آنها را در نظر بگیرند آینده لژها محققاً افتخارآمیز خواهد بود.

فرا ماسونری يك وسیله تفریح و تفنن اجتماعی نیست و باید يك طبقه منورالفکر آنرا تشکیل دهند، تا اعضای آن بتوانند وظیفه سنگین خود را به انجام برسانند، نباید فراموش کرد که این تشکیلات ابتکاری فقط با توجه به صفات روحی و عواطف قلبی افراد هدایت می شود و نمی تواند دست آوریز عامه گردد.

برای اینکه نفوذ و قدرت لژ به نحو شایسته ای توسعه یابد، باید مخفی ولی در حال فعالیت بمانند و راهنمای آن باید به منزله منبع نورانی و درخشانی باشد که معبد را روشن می کند. لازم است همواره در اطراف لژها ابتکارات جدید و مداوم احساس گردد، تا از این راه تشکیلات ما بتواند در بهبود وضع خانواده

بزرگ بشريت وظيفه خویش را انجام دهد .

امضاء . استاد اعظم

باری ، لژ الهینا طی یکی از نامه‌های خود در جواب اظهار داشت که فقط در داخله کشور سوئیس می‌تواند فعالیت کند و از فعالیت در خارج از این کشور عاجز است . پس از خاتمه جنگ و آزادی فرانسه لژ گرانداوریان نیز به من اطلاع داد ترتیباتی بدجهت تا هفت نفر به پاریس بروند و پس از تکمیل مقدمات ، فرمان تأسیس لژ صادر شود .

چون جواب مرکز لژ فراماسونری مصر «المحفل الاکبر العالی العالمی» از همه مساعدتر بود ، لذا مکاتبه را با لژ فراماسونری مذکور که شعبه‌ای از گرانداوریان فرانسه بود ، دنبال کردم ، و در نتیجه قرار شد شخصی را به تهران بفرستند . در همین وقت يك كنفرانس بين المللی مرکب از لژهای گرانداوریان در قاهره تشکیل شد . من نیز به قاهره رفتم و در آنجا از نزدیک درباره ایران و عدم امکان فعالیت علنی شعبه و پوشیدن لباس و استعمال علامات ماسونی صحبت کردم و موضوع را به اطلاع رؤساء لژ قاهره رسانیدم ، و تأکید کردم که در ایران کلمه ماسونی در حکم کلمه جاسوس است و حتی مردم این سرزمین با سوء ظن شدید به این تشکیلات نگاه می‌کنند و حتی این فرقه طرف سوء ظن سازمانهای دولتی که در اکثر آنها فراماسنهای قدیمی کار می‌کنند می‌باشد . لژ قاهره موافقت کرد که نماینده‌ای برای مطالعه به تهران بفرستد که تا در صورت موافقت او ، لژ جدید در تهران تأسیس گردد .

در سال ۱۳۲۹ ش (۱۹۵۰ م) یکی از ماسنهای معروف مصری بنام «حنّا بورا شد» به تهران آمد ، پس از مطالعه کامل در اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران و ملاقات با عده‌ای از ماسنهای قدیمی تصمیم گرفت موافقت خود را با تأسیس لژ جدید اعلام کند ، ولی ناگهان اطلاع رسید که ماسنهای قدیمی ، مرحوم سپهبد رزم آرا را وادار به مخالفت با تأسیس لژ کرده‌اند و حتی خبر زیر در مجله تهران مصور^۱ تحت

خود مؤثر بودند .

اما بعد از روی کار آمدن سپهبد زاهدی و زمامداری این نخست وزیر مقتدر که فقط مجری او امر شخص اول مملکت بود، بتدریج احساس شد که وجود باشگاه حافظ و دخالت‌های بی جا و بی مورد فراماسونها در امور مملکت ، لازم نیست بدین سبب دستور انحلال باشگاه مذکور داده شد .

همینکه دستور انحلال لژ همایون و باشگاه حافظ صادر شد ، هیئت مدیره باشگاه دعوتی از سی و پنج نفر اعضاء مؤسس باشگاه کرد تا مقدمات تعطیل و انحلال را صادر کنند .

در روز ۲۳ شهر یور ۱۳۳۵ بیست و چهار نفر از اعضاء مؤسس که اسامی آنها به شرح زیر است ، در محل باشگاه اجتماع کردند :

- ۱- دکتر احمد هومن ۲- دکتر اسمعیل فیلسوفی ۳- دکتر رحمت مرشدزاده ۴- دکتر یحیی شهردار ۵- دکتر ذوالریاستین ۶- دکتر حبیب‌الله یدیدی ۷- دکتر فتح‌الله امیرجلالی ۸- دکتر جعفر جهانی ۹- مهندس تقی مصباحی امین ۱۰- سیداسدالله موسوی ۱۱- عباس شایان ۱۲- مصطفی عامری ۱۳- عبدالله ظلی ۱۴- غلامحسین یوربور ۱۵- سید علی نصر ۱۶- سید محمد میرهادی ۱۷- علی کوچکعلی ۱۸- مهدی منصور ۱۹- سید ابوالحسن شاهی ۲۰- سیدعلی اکبر موسوی ۲۱- محمدعلی امام شوشتری ۲۲- محمد رضا افتخار ۲۳- علی اصغر سلسبیلی و یک نفر دیگر که اسم او خوانده نشد .

این عده در همان جلسه فرمایشی ، باشگاه پنج ساله خود را منحل کرده جعفر جهان و صادق سرمد را مأمور تصفیه امور باشگاه کردند . همه لوازم و دارائی باشگاه عیناً به لژ مولوی که تازه تأسیس شده بود ، اختصاص داده شد و با

۱- پس از تشکیل لژ مولوی و سایر سازمانهای وابسته ماسونی در ایران دو نفر از اعضاء باشگاه حافظ حاضر بادامه فعالیت ماسونیک نشدند . اولی مهدی منصور صاحب منصب بازمنسته و شرافتمند وزارت دارائی و دیگری دکتر حبیب اله یدیدی کلیمی دارد - ساز بود .

از راست به چپ: محمد خلیل
جو آهري - ابراهيم حكيمى
(حكيم الملك) استاد اعظم
لژمرا ئداوريان فرانسه كه
پنجاه و سه سال فراماسون
بود - علي اصغر سلسبيلي



فراماسون‌های شورستانی لژ همایون

چاپ آگهی زیر در روزنامه رسمی کشور و روزنامه اطلاعات در روز ۲۷ شهریور ۱۳۳۵ باشگاهی که نیم میلیون تومان دارائی داشت منحل گردید :

« ... پیرو آگهی های منتشره در روزنامه اطلاعات و طلوع دائر بدعوت اعضاء باشگاه حافظ برای تشکیل مجمع عمومی در تاریخ وساعت مقرر اعضاء کنندگان زیر در باشگاه حاضر و پس از مذاکرات کافی در اطراف انحلال باشگاه معتقد بانحلال باشگاه شدیم. لذا آقای جعفر جهان را بعنوان مدیر تصفیه تعیین کرده و ذیل این ورقه را امضاء نمودیم که مراتب به اطلاع ثبت شرکت ها برسد ۲۵ شهریور ۱۳۳۵ »

در میان اسناد باقیمانده لژ همایون يك جزوه خطی بنام **يك رساله مختفی** اثرهای اولیه ای که برادری در من کرده است و وجود دارد که نموداری از افکار مؤسسين و کارگردانان فراماسونی و طرز کار لژ همایون می باشد ، بدنیست عین این رساله را نقل کنیم :

آنچه که باید يك فراماسون بداند

اثر اول : راجع به مفهوم برادری و فلسفه آن .

برادر - مردی است آزاد و متقی . نیکوکار و خوش رفتار . یا راهنما و حامی و مدافع هر برادر و دوست تمام مردم دنیا از سفید و سیاه و فقیر و غنی بشرط آنکه متقی باشد .

برادری - اجتماعی است محرمانه و جهانی - مرکب از مردانی که براساس شرائط مذکور در فوق انتخاب شده اند . این تشکیلات دارای سنتی است موروثی و قدیمی که اسرار آنرا تشکیل می دهند و اسرار دیگری بر حسب مقتضیات به وجود می آیند و نیز ممکن است طبق مصلحت روز در يك مملکت وجود محفل و هویت برادران جزء اسرار قرار گیرد « مانند وضع فعلی ایران »

محیط - فعالیت این جمعیت در تمام نقاطی است که نوع بشر در آن زندگی می کند و هدف آن سعادت مردم دنیا از راه جستجوی حقیقت و حکمت و علم و معرفت و جمال می باشد .

فلسفه - مکتب برادری عبارت است از : اعتقاد و ایمان قطعی بوجود مهندس

بزرگ عالم و بیرونی از قوانینی که از راه توجه و بوسیله چراغ عقل می بینیم او یعنی خداوند در نهاد طبیعت قرار داده است^۱. اهم این قوانین در مورد نوع و اجتماعات بشر عبارتند از: آزادی - مساوات - برادری.

غرض از آزادی خودسری و هرج و مرج نیست بلکه این کلمه را برادر همیشه باید با دستور ذیل: «آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگران روا مدار و آنچه از دیگران در حق خود انتظار داری در باره آنها بجا آور.» توأمأ و یکجا در مد نظر قرار دهند زیرا: آزادی هر فرد محدود است به آزادی دیگران و در نلوه همین معنی آزادی هر برادر محدود است به:

اصول - مکتب برادری یعنی: مساوات. برادری. و خدمت بنوع.
دلیل - پیدایش و بقاء مکتب و تشکیلات برادری عبارت است از: لزوم یافتن نور حقیقت و حکمت و ادب و هنر و اخلاق و همچنین لزوم تأمین آزادی و اجرای حق و عدالت برای سعادت بشر.

نتیجه - این فلسفه و توسعه این مکتب و تشکیلات عبارت خواهد بود از:
اشاعه تقوی و ازدیاد اشخاص متقی - توسعه نیکوکاری و خدمت بخلق - ترقی و تکامل انسان و نتایج کارهای آن و وسائل زندگی نوع بشر، چون هر کس برادر می شود معمولاً پایبند به فلسفه دین خود و وجدان ملی و حس قومیت خود یا وطن پرستی نیز می باشد لازم می دانم رابطه مکتب برادری با دین و نیز ارتباط آن با ملیت و وطن پرستی روشن باشد و بعقیده من:

۱ - قبول فلسفه مکتب برادری با داشتن مذهب مباینت ندارد بلکه «تا این مرحله از سیر تکاملی که بشر رسیده و ما هستیم» با آن ملازمه دارد زیرا: اعتقاد بوجود مهندس بزرگ عالم که پایه مکتب برادری است اولین اصل هر یک از مذاهب آسمانی نیز می باشد - کسیکه به این اصل معتقد نباشد برادر نیست و

۱ - فراماسونها استاد اعظم خود را «مهندس بزرگ عالم» خطاب می کنند و خداوند را در وجود طبیعت می دانند.

هر کس این اصل را مسلم داند اولین پایه تمام مذاهب آسمانی را هم قبول کرده است. منتهی برادری چون خواهان آزادی نوع بشر است نسبت به بقیه اصول مذاهب برادر را بر حسب مذهبی که دارد آزاد می‌گذارد و هر برادر در عین حال که مذهب خود را حفظ می‌کند بصاحبان مذاهب دیگر بشرط خداپرست بودن آنها با دیده اغماض و احترام متقابل می‌نگرد و اختلاف مذهب را مانع برادر شدن ندانسته و سعی می‌کند تمام مردم دنیا را در زیر لوای ایمان بوجود مهندس بزرگ عالم متحد نماید.

۲- و نیز بعقیده من: مادام که آزادی و مساوات و برادری بین تمام اقوام و ملل و افراد نوع بشر بدرجه کمال نرسیده و این اصول در تمام نقاط دنیا بی هیچ استثناء از طرف نوع انسان پیروی نشود برادری با وطن پرستی نیز ملازمه دارد زیرا: وجدان ملی بمفهوم واقعی و معدوح کلمه چیزی جز فداکاری در راه آزادی هموطنان و برقراری مساوات بین ابناء وطن با سایر ملل عالم در حقوق بین الملل و حفظ حقوق و شرافت هموطنان در مقابل متجاوزین و تعدی کنندگان نبوده و نیز جز نیکوکاری درباره مردم میهن و کمک به آنها بر اساس یاری حق بر ضد باطل و بهره‌مند ساختن آنها از عدالت و سعادت چیز دیگر نیست - بنابراین وطنپرستی و حس قومیت مادام که بمرحله تجاوز به حقوق دیگران نرسیده باشد بدبختی و بردگی سایر ملل عالم را بنبغ میهن مشخص مد نظر نداشته باشد هم با برادری مبیانت نداشته و هم با فلسفه این مکتب ملازمه دارد و زیست شرافتمند که وظیفه هر برادری است نیز به او حکم می‌کند که در راه حفظ شرافت ملت خود از هیچ فداکاری و جانبازی خودداری ننماید.

بعلاوه چنانچه افراد هر ملت و مملکت وطن پرستی را به مفهومی که ذکر شد حقیقتاً پیروی کنند و در عین حال معتقد به آزادی فردی و اجتماعی و مساوات و برادری برای تمام ملل و ابناء بشر نیز باشند بی هیچ شبهه سعادت نوع بشر بطور کلی که هدف اصلی مکتب ما و فلسفه برادری است خود بخود حاصل و صلح و

صفا را در دنیا برقرار و ضمناً تمام نقاط کره زمین آباد و وسایل زندگانی تمام مردم دنیا به اوج نرفی خواهد رسید.

۳ - ضمناً باید گفته شود که مکتب برادری حزب سیاسی نیست - فقط برادران با ورود در احزابی که منکر آزادی - مساوات و برادری بوده یا برخلاف اصول آن عمل کنند مبنایست دارد.

وظائف برادر - بنابر توضیحات فوق وظایف يك برادر را می توان در چهار جمله خلاصه کرد :

عشق بخدا یا مهندس بزرگ عالم - عشق به هموع - عشق به شرافت خود
 یعنی کافی و رافی در حفظ نوامیس برادری و تشکیلات و اسرار آن - اینك توضیح :
 ۱ - عشق به خداوند عبارت است از پرستش و شکر مهندس بزرگ عالم و
 بیق رضایت او از راه خدمت به خلق و کمک به بیچارگان از دل و جان و دلسوزی
 ال اشخاص منحرف و سعی در عودت دادن آنها به راه راست .

۲ - عشق به هموع - عبارتست از مراعات آزادی دیگران و رفتار و معامله
 مردم بر اساس مراعات برادری و انصاف و حکم در باره آنها از روی
 لیت متقابل و ترجیح دادن منافع عموم بر منافع شخص خود . عبارت اخری و
 زیاده قبلا گفته شد - برادر باید نسبت بدیگران همانطور رفتار کند که باطناً
 آن است دیگران درباره او عمل کنند و آنچه بر خود نمی پسندد نباید بر دیگران
 ادا دارد .

۳ - عشق بخود - البته مقصود خوردخواهی و خود پرستی نیست - بلکه
 عکس کسیکه برادر می شود دیگر بخود تعلق ندارد . مقصود از این عشق این
 است که برادر همیشه باید با در نظر داشتن حقیقت و اهمیت امور از هر عمل یا
 کاریا گفتاری که موجب هتك شرافت یا تنزل حیثیت او می شود اجتناب ورزد -
 اکت و عفت بیان و عفت قلم را حتی در مواقع ذبح و مظلوم واقع شدن رعایت

کند و خود را در زندگی طوری هدایت کند که در پیشگاه عقل و در دادگاه عدل مفتخر و سربلند و شرافتمند باشد. - بهمین جهت بر هر برادر واجب است که از بلند پروازیهای بیجا - تکبر و غرور - داشتن و دادن نظریات بی اساس - و بالخصوص از اشتباه و خبط احتراز کنند و در عین حال با جهل و دروغ و تعصبهای خرافاتی و موهومات که چهار بلا و چهار مانع سعادت بشوند، جداً مبارزه نماید. و در جهت عکس بلند همتی و پشتکار و استحکام اخلاقی و استقامت و صمیمیت و صراحت را همواره شعار خود قرار دهد.

۴ - سعی کافی و وافی در حفظ جمعیت و تشکیلات و اسرار برادری بطور خلاصه عبارت از این است که برادر باید در رعایت انضباط جمعیت برادری نهایت درجه بکوشد و اسرار این جمعیت و اسرار برادران را حتی به قیمت جان خود حفظ نماید و در راه پیشرفت هدف مکتب برادری و کمک به برادران از هیچ چیز مضایقه و دریغ ننماید و همیشه در نظر داشته باشد که در صورت خیانت به برادری یا به برادر مستحق شدیدترین مجازاتها خواهد بود.

اثر دوم : آنچه از علامات و تصاویر و البسه و نشانها و سنن موروثی برادری و ترقیب دادن محفل و زینتهای آن و بالاخره هر يك از اسرار برادری استنباط می کنم این است که هیچيك از آنها بی دلیل مقرر نشده و بی فلسفه نیست. مثلاً وقتی : در موقع انجام تشریفات قبولی برادر تمام شمشیرها بطرف تازم وارد روی می آورند اولاً علامت این است که در مواقع گرفتاری و احتیاج تمام برادران به کمک برادر خواهند شتافت و ثانیاً - در صورت بروز رفتار ناجوانمردانه و مغرضانه از طرف برادری نسبت به برادر دیگر - یا فاش کردن اسرار برادری و خیانت باین اجتماع تمام برادران در گرفتن انتقام و مجازات مشارکت نموده یا از یکدیگر سبقت خواهند گرفت.

اثر سوم : تعجب من است از تضادی که بین مکتب برادری و افکار عمومی

مردم ایران نسبت به آن وجود دارد. البته چون برادری برای تأمین آزادی و مساوات و پیشرفت حقیقت برضد دیکتاتوری و بردگی نوع بشر مبارزه می کند همیشه از طرف حکومت‌های استبدادی و طرفداران آنها و هم چنین از طرف رهنمائی که ستونهای قدرت خود را بر روی تعصبات و خرافات مردم جاهل قرار دهند مورد حملات ناروا و موضوع تبلیغات سوء بوده است ولی در هیچ يك از تلك دنیا که شکل حکومت آنها مانند ما بصورت دیکراسی باشد تا این درجه قدرت برادری وارونه و برعکس معرفی نشده است و اینجانب برای تخفیف این بیان تأسف آور راهی بنظرم رسیده که هر موقع اساتید و بزرگان محفل ما مع بداند بعرض خواهم رسانید.

اثر چهارم: با اینکه ایران مهد زردشت یعنی موطن یکی از بزرگترین ملی است که تاریخ برادری، نام آنها را بعنوان مؤسسين مکتب خود ثبت و با دل از فلسفه و نحوه عمل آنها استفاده و اقتباس کرده است، معذلك امروز در ملل متمدن دنیا کمتر ملتى بقدر ایرانیان از اصول و روش برادری دوری شده و کمتر مردمى باندازه هموطنان ما احتیاج به ارشاد دارند. نظر به نکات اخیر این ما برادران ایران قاعدتاً باید نسبت به برادران سایر ممالك متمدن وظایف بین‌تر و بیشتری بر روی دوشهای خود حس کنیم و وظایف ذیل را علاوه بر آن قبلاً گفته شد انجام دهیم:

۱- کوشش زیاد در ازدیاد تعداد برادران و در عین حال دقت بیشتر در قبول ناس و مخصوصاً اجتناب از اشخاص ظاهراً صالحی که با حربه دو روئی و نیکوئی برای حفظ موقعیت خود بهر سازی می رقصدند.

۲- سعی بیشتری در سری نگاهداشتن تشکیلات و محفل و هویت برادران نسبت به سایر ممالك دنیا.

۳- کوشش فراوان در اجرای اصل نیکوکاری و کمک فوق العاده در راه.

تأمین سعادت ملت ایران .

ما اگر واقعاً برادریم باید با جهل و ظلم و دروغ و خرافات و فقر که گریبان ملت ما را گرفته است شدیداً مبارزه کنیم و بیش از این نگذاریم این کشور در خرابی و عقبماندگی و این ملت در بدبختی باقی بماند .





ODGE LIGHT IN IRAN

№ 1191 S. C.

TEHRAN, PERSIA.

فصل بیست و ششم

نور و شنائی در ایران

عنوان «نشان و حمایل فراموشخانه» منتشر شد :

«در این هفته مردی بنام (حنا ابوراشد) وارد تهران شده است که مدعی است برای يك مقام عالی ایران نشان فراموشخانه آورده است . هنوز مقامات مملکتی بطور رسمی از ورود این شخص اطلاعی ندارند ولی در محافل سیاسی گفته شده است نشانی که این مرد آورده است ، نشان و حمایل درجه سی و سوم یعنی عالیترین نشان افتخاری فراموشخانه است . از این نشان فقط به ژرژ ششم ، ترومن و ولسن اوریول رئیس جمهور فرانسه داده شده است . در میان این سه نفر فقط ترومن عضو فراموشخانه است . هنوز نیز معلوم نیست در صورتی که حامل نشان مراجعه کند ، این نشان افتخاری مورد قبول واقع خواهد شد یا نه ؟»

این خبر که شخص رزم آرا آنرا دیکته کرده و بدستور او در مجله تهران مصور منتشر شده بود ، زنگ خطری بود که برای فراماسونها بصدور آمد . به همین جهت فراماسو نهای ایران از آن روز دشمن سر سخت دهقان مؤسس تهران مصور شدند و حال آنکه چون او ناسیونالیست افراطی بود ، با تأسیس فراماسونری در ایران مخالفت می کرد .

با وجودی که فکر تأسیس لژ فراماسونری با عدم موفقیت مواجه شده بود ، معذلك همچنان در صدد تأسیس لژ در ایران بودم . زیرا مرکز لژی که من عضو آن بودم ، پس از استماع گزارش «حنا ابوراشد» و اطلاع از مشکلات ، تعصبات و حتی کارشکنیهای بعضی از ماستهای قدیمی ایران به من اطلاع داد که همچنان تصمیم دارد شعبه ای در ایران تأسیس کند ، به این منظور به زودی نماینده دیگری به ایران فرستاد .

این نماینده که بنام (خلیل ابوالخود) بود با در دست داشتن اعتبارنامه و دستور صریح استاد اعظم لژ «المحفل الاکبر المثلثی العالمی»^۱ به تهران آمد و در نیمه دوم سال ۱۹۵۱ م - (۱۳۳۰ ش) در هتل گیلان شش نفر از افرادی را که من

لژ روشنائی در شیراز

نخستین لژ فراماسونری با اجازه انگلیس در ایران، که می‌توان آن را قدیمی‌ترین لژ دانست، لژ نظامیان انگلیسی بنام «روشنائی در شیراز» Light in Shiraz است. این لژ که بموجب فرمان، گرانند لژ اسکاتلند در روز بیستم فوریه ۱۹۱۹ (۱۳۳۷ هـ) در شهر شیراز بوسیله افسران و گروه‌بانان ارتش مستعمراتی انگلیس تشکیل شد، مدت نیم قرن است که با شماره ۱۹۱۱ بفعالیت خود ادامه می‌دهد. فرمان تأسیس لژ مذکور بموجب فرمان کتبی و ضمانت برادر بسیار ارجمند فراماسونی انگلیس بنام مائور ژنرال جنینگر W. E. Jennings. M. D. IMS صادر شده است و افسران زیر را می‌توان از جمله مؤسسين این لژ در ایران دانست:

Rt. Wor. Bro. W. H. Hallsworth .

- ‘ E. F. Orton .
- ‘ C. H. Carr .
- ‘ S/ Howard .
- ‘ J. E. B. Horson .
- ‘ F. W. Hurre .
- ‘ N. Briggs .
- ‘ J. B. Dalzell - Hunter .
- ‘ A. G. Woosnam .
- ‘ W. Hayes .
- ‘ H. M. McIntyre .
- ‘ J. W. Smalley .
- ‘ H. Webber .
- ‘ A. D. Wise .
- ‘ J. H. Kerson .
- ‘ A. Williams .
- ‘ De. V. Condon .
- ‘ H. A. K. Gongh .
- ‘ W. J. Marmion .

از روزیکه وزارت مستعمرات انگلیس برای پیش بردن مقاصد شوم استعماری و استعماری خود در صدد استفاده از سازمانهای فراماسونری برآمد، ایجاد لژهای نظامی انگلیس، در مناطقی که مورد نظر استعمار طلبان امپراتوری بریتانیا بود، آغاز شد و گسترش یافت.

نخستین باری که استعمار طلبان انگلیس در صدد استفاده از لژهای فراماسونری نظامی در مناطق مختلف گیتی برآمدند، سال ۱۷۲۸ - ۲ (۱۳۴۶) - و در جبل الطارق بود. در آن ایام، تنگه جبل الطارق شاهراه حیاتی انگلیس به پایگاه منحصر بفردی برای نفوذ و هجوم ارتش امپراتوری به افریقا و خاورمیانه

لژ نظامی مانند سایر تأسیسات هنگهای ارتش انگلیس که به افریقا و میانهمیانه اعزام می شدند، در حال حرکت نبود، بلکه سازمانی بود که همیشه در از محیط سر باز خانه استقرار داشت. بعد از تشکیل این لژ فراماسونی انگلیس ۱۷۳۲ - م (۱۱۴۴ - ه) گراند لژ ایرلند، فرمانی برای تأسیس لژ فراماسونی یک شماره یک ایرلند صادر کرده و در سال ۱۷۴۷ - م (۱۱۵۹ - ه) نیز گراند لژ ایرلند لژی بنام «دوک اف نور فوک» را در دوازدهمین هنگ پیاده اسکاتلند که اکنون بنام هنگ «سافوک» نامیده می شود تأسیس کرد.

تأیید سودمندی که استعمارگران انگلیسی از تأسیس لژهای فراماسونری انگلستان در پیشرفت هدفهای مستعمراتی خود در مناطق مورد نظر گرفتند، تا همه ساله لژهای نظامی در کشورهای که هدف وزارت مستعمرات بودند، شود.

آخرین لژهای نظامی که انگلیس ها تشکیل دادند لژ «دوستان اجتماعی» نام داشت و وابسته به هنگ هشتاد و نهم سلطنتی ایرلند بود، و در ۱۹۰۰ تشکیل شد بموجب نوشته مجله «فراماسونری رکورد» در فرمانی که «سکچ» صادر کرده است، تمام سر بازانی که در ایرلند در لژهای نظامی هستند، لژ را محسوب می شوند و هر کدام از آنها دارای فرامین بخصوصی می باشند، مانند مثل یک لژ مقیم و ثابت فعالیت کنند و با هنگ ها عزیمت نکنند. در مجله فراماسونری، اهمیت لژهای نظامی تشریح شده و آنها را مانند «پلیم و ثابتی در تاریخ فراماسونی انگلیس» با اهمیت معرفی می کند. در همین

فرمان نوشته شده است «بدون شك و تردید ترویج فراماسونی در ماوراء دریاها، مرهون مجاهدتها و فعالیت‌های مستمر اعضای لژهای نظامی بوده است. اعضای لژهای نظامی بهر جای می‌نهادند، همراه خودشان فراماسونری را رواج می‌دادند، ایشان که مدت کوتاهی در پادگان‌ها و شهرها مقیم بودند، فراماسونری را برای مردم سرزمین‌های دوردست و ماوراء بحار به ارمغان می‌بردند، و درحالی‌که خود آنها بعد از مدتی آن نفاط را ترك می‌کردند، لژهای ماسونری را همچنان در آن کشورها باقی می‌گذاشتند که تا به امروز نیز مشغول کار و فعالیتند.»

لژروشنائی درایران که مدت کوتاهی نیز بنام لژشیراز موسوم بود بوسیله افسران نظامی انگلیس و قشون مستعمراتی «اس. پی. آر» در فارس و جنوب ایران تأسیس شد.

طراحان نظامی و مستعمراتی انگلیس از اوایل قرن نوزدهم، همواره درصدد تشکیل نیروی نظامی در جنوب ایران بودند، دیپلماتها و نظامیان انگلیسی، هرگاه فرصتی بدست می‌آوردند، سعی می‌کردند، يك نیروی نظامی قوی در جنوب ایران تشکیل دهند. در اوایل سال ۱۹۰۳ - م (۱۳۲۰ - ه) این فکر شوم بمرحله اجراء درآمد و دولت انگلیس اعلام کرد که نیروئی بنام «پلیس بومی» در جنوب ایران بوجود می‌آورد. نخستین اظهار نظر رسمی که در این باره شده، در روز پنجم مه ۱۹۰۳ - م (۱۳۲۰ - ه) بوسیله لرد «لانسدوان» وزیر امور خارجه وقت انگلیس و در مجلس اعیان آن کشور بوده است. او در نطقی که در آنروز ایراد کرد، گفت: «... ما کوشش کرده‌ایم که تجارت و نفوذ بریتانیا را بهر وسیله‌ای که در دست داریم تأمین و تشویق کنیم و همچنین پروژه‌های متعددی روی همین زمینه از قبیل تشکیل يك قوه پلیس بومی برای حفظ امنیت راههای جنوبی - تحت مطالعه است...»^۱

تلاش دیپلماتی انگلیس برای تأسیس «پلیس بومی» در جنوب ایران با نام

و زیر عنوان فریبنده «حفظ امنیت تجارت و راه‌های تجارتي» با مقاومت دولت و مردم ایران مواجه شد. و در مقابل این اقدام يك جانبه انگلیسها، فکر تشکیل اندامی تحت نظر افسران سوئدی بمرحله عمل در آمد. انگلیسها ابتدا با فکر موافقت کردند ولی بطوریکه بعدها رجال انگلیسی گفتند آنها تصور کردند که با انتخاب افسران طرف اعتماد و یما تحت نفوذ خودشان خواهند است مقاصد خویش را بوسیله افسران ایرانی و سوئدی بمرحله عمل در آورند. پس از تشکیل ژاندارمری و شروع فعالیت افسران سوئدی، انگلیسها متوجه راه خود شدند و بقول جهانگیر قائم مقامی «... افسران سوئدی دریافتند که انگلیسها قصد دارند آنها را آلت اجرای مقاصد خود نمایند. آنها نیت و مقاصدی با اصول خدمتگذاری ایشان نسبت بدولت ایران وفق نمیداد» در سال ۱۹۰۷ م (۱۳۸۶ هـ) که نقشه شوم تجزیه ایران بدو منطقه نفوذ انگلیس و روس به روی آمد، در معاهده مزبور قایید شده بود که منطقه بیطرف از میان رفته است. لکن روس و انگلیس این امتیاز و حق را برای خود قائل هستند که بتوانند يك لشکری از سربازان ایرانی تحت هدایت و فرماندهی افسران خویش در نفوذ خود تشکیل و تربیت دهند.^۱

پس از امضاء این قرارداد، روسها بلافاصله شروع بکار کرده، بریکاد قزاق اعزام دادند و امتیاز نامه ۱۹۰۷ م (۱۳۲۴ هـ) را منطبق با این اقدام دانستند. انگلیسها هم برای اینکه از رقیب خود عقب نمانده باشند، بدون موافقت دولت ایران سازمان تفنگچیان جنوب ایران South Persian rifelle را که مخفف آن S. P. R. نشان داده می‌شد، تشکیل دادند. این سازمان تحت نظر ان سریرسی سایکس^۲ اداره می‌شد.

و ثوق الدوله که در آن زمان رئیس الوزراء ایران بود وقتی خود را در برابر

۱ - تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران ص ۲۰۵.

عملی انجام شده دید، برای اینکه اثر آنها تا اندازه‌ای خنثی و یا لااقل تعدیل کرده باشد^۱ به صورتی موافقت کرده که پلیس جنوب تا پایان جنگ، آنها بطور موقت، در فارس و کرمان دائر باشد.

پلیس جنوب در حقیقت سیاهی منظم و مرکب از ۵۴۰۰ گروهبان و سرباز ۴۷ افسر ارشد انگلیسی و ۱۹۰ افسر ایرانی و ۲۵۶ افسر جزء انگلیسی و هندی بود.

مورخ الموله سپهر در این باره می‌نویسد: «این نیروی نظامی تحت اوامر یکنفر صاحب منصب انگلیسی بعنوان جنرال اینس یکتور قرار گرفته و ارکان حرب او در شیراز مرکب است از هشت نفر صاحب منصب اقامت‌آور انگلیسی و سه افسر ایرانی و بریگاد تقسیم شده باسم بریگاد فارس و بریگاد کرمان. مرکز فرماندهی هم یکی در شیراز و دیگری در کرمان جای دارد. فرماندهی هر دو بریگاد با افسران انگلیسی بود و بهر یک از دو فرمانده، چهار نفر افسر انگلیسی و دو افسر ایرانی کمک داده شده بود...»^۲

در تهران سفارت انگلیس و مقامات نظامی سعی داشتند سندی بدست آورند که بموجب آن دولت ایران «پلیس جنوب» را برسمیت بشناسد، تا بدین ترتیب بتوانند به عملیات خود سرانه خود جنبه رسمیت بدهند.

هنگامیکه وثوق الدوله در ماده سوم قرارداد شوم ۹ اوت ۱۹۱۹ (۱۲۳۳۷ هـ) موافقت کرد که «... قشون ایران متحدالشکل شود و پلیس جنوب هم بدان منضم گردد...» انگلیسها نظر خود را تأمین شده دیدند. چون اگر این قرارداد تصویب می‌شد، علاوه بر رسمیت یافتن «پلیس جنوب» محققاً بار سنگین مخارج آن نیز به بودجه دولت ایران تحمیل می‌شد. ولی در نتیجه مبارزاتی که مردم، مطبوعات، نمایندگان مجلس، دولتها و رجال مملکتی با انگلیسها کردند آنان در این زمینه موفقیتی بدست نیاوردند.

۱- ایران در جنگ بزرگ - ص ۱۲۷.

۲- ایضاً همین کتب ص ۱۲۷.

پس از کودتای ۱۲۹۹ - ش (۱۹۲۰ - م) سید ضیاءالدین طباطبائی تلگرافچی به والی فارس مخاطره کرده و اطلاع داد: «... بفروماندهی قشون جنوب امر شده که یک بتون قشون بانو پخانه به تهران اعزام دارد...»^۱ سید ضیاء می خواست بدین وسیله پلیس جنوب را منحل و آنرا ضمیمه ژاندارمری ایران کند، ولی انگلیسها موافقت نکردند، زیرا رؤسای ژاندارمری همه از دشمنان انگلیسها بودند.

پس از اینکه سردار سپه ارتش را متحدالشکل کرد و آنرا به صورت منظمی آورد، در صدر انحلال پلیس جنوب برآمد و به سفارت انگلیس در تهران فشار داد تا انحلال پلیس جنوب را رسماً اعلام کند. روز سوم اسفند ۱۳۰۰ - ش (۱۹۲۱ - م) لرد کرزن نطقی در مجلس عوام انگلیس ایراد کرد و گفت: «پس جنوب روزهای آخر عمر خود را طی می کند، در نتیجه انحلال پلیس جنوب، ندهی انگلیس دواب خود را کشته، آذوقه و علوفه را آتش زده با باقیمانده ساز و برگ از ایران رفقتند»^۲ اکنون بدینیم افسران و اعضاء پلیس (ا.س. ا.) در لژ فراماسونری چه می کردند.

لژ روشنائی شیراز، در سالهایی که در شیراز کار می کرد، علاوه بر نظامیان انگلیسی، عده ای از اتباع آندولت را نیز به عضویت پذیرفت، که در بین آنها ژنرال کنسول انگلیس در شیراز، رئیس بانک شاهی، رئیس گاراژ و تجارتخانه زیگلرا انگلیس و چند انگلیسی دیگر را می توان نام برد.

انجمن افسران
پلیسی در لژ
فراماسونری

این لژ اولین دبیر و کارگردانی که شیرازی های سرشناس او را می شناختند، یک «هنتر» بود. او محفل فراماسونی «روشنائی در شیراز» را در خانه وفتح - شیرازی، تشکیل می داد و مبلغان مخصوص لژ را که از هندوستان آورده از بعد از تعطیل لژ به «مارتیروس سرکیس» تحویل دادند.

۱ - کتاب تاریخ سیاسی نظام ایران ص ۲۲۱

۲ - ابناً همین کتاب ص ۲۲۱

مارتیروس سرکیس ارمنی تنها ایرانی غیر نظامی عضولتر روشنائی در شیراز است که مدت‌ها پیش در لندن به عضویت یکی از لژهای انگلند درآمده بود. او سال‌ها قبل به نویسنده گفت: «پس از تشکیل لژ روشنائی، فرمانفرما - والی فارس - وقوام شیرازی، هر دو به ژنرال سایکس مراجعه کرده و از او می‌خواهند تا وسائل ورود آنان را به لژ فراهم کند. ولی ژنرال سایکس به آنها می‌گوید، فقط رؤساء و کارگردانان لژ می‌توانند در این باره تصمیم بگیرند... نه من و نه سفیر انگلیس، هیچکدام نمی‌توانیم شماها را به لژ تحمیل کنیم...» این جملات که عیناً از دفترچه خاطرات سرکیس نقل شده، تا اندازه‌ای اغراق آمیز به نظر می‌رسد. زیرا در حالیکه خود او، یا چند افسر ایرانی دیگر عضو این لژ بودند، تصور نمی‌رود ژنرال سایکس پیشنهاد دو شخصیت مهم فارس را برای عضویت در لژ روشنائی رد کند!

یکی از افسران قشون «اس. پی. آر» که مدت پنجاه سال عضویت لژ روشنائی در ایران را داشت و در شیراز به این سازمان فراماسونی ملحق شده بود دکتر امیر مظفرالدین ارفع السلطنه خان فرخ بود، که در سال ۱۹۰۰ م (۱۳۱۷- ه) در آمریکا به لژ ماسونی پیوست. او فرزند میرزا علی نقی خان بود که همراه مهدعلیا به حج رفته و مدت‌ها در قاهره بسر برده بود.

میرزا علی نقی خان پس از ۱۲ سال اقامت اجباری در مصر و همکاری با سید جمال‌الدین اسدآبادی به وسیله مهد علیا تقاضای بازگشت به تهران را کرد. شش ماه بعد از ورود به تهران، يك روز هنگام عبور از پاقاپوق شاهد کشته شدن سه نفر به دست فراشهای شاهی بود. او از دیدن این وضع ناراحت شده روز بعد بایکی از درباریان ملاقات کرد و ضمن اعتراض باین عمل فراشان، گفت: «این وضع قابل تحمل نیست.» چند روز بعد نلعه‌ای که به آقاخان نوشته بود بدست شاه افتاد، شاه او را احضار کرد، پس از فحاشی فراوان مجدداً از ایران تبعیدش کرد. میرزا علی - نقی خان بار دیگر به مصر رفت و یکسال در آنجا بسر برد. او در ایضدت با مخالفین شاه ایران همکاری می‌کرد.

وقتی شاه ایران از این جریان با خبر شد قاصدی به مصر فرستاد تا فرمان قتل میرزا علی نقی خان را به سفیر ایران برساند. همینکه قاصد به مصر رسید، سفیر میرزا علی نقی خان را احضار کرد و در حضور قاصد شاه دستور قهوه داد. وقتی خدمت قهوه را آورد سفیر در یکی از قهوه‌ها مقداری زهر ریخت... و بدین ترتیب میرزا علی نقی خان را به قتل رسانید و جسد او را در «تل زبیده» بخاک سپردند.

در آنوقت امیر مظفرالدین فرخ در تهران بسر می‌برد و متخارج زندگی بسرپرستی او را خاله‌اش عهده‌دار شده بود. هنگامیکه به سن ۱۲ سالگی رسید، او به مصر فرستادند تا با بقیه دارائی و اموال پدرش زندگی کند. و امیر مظفرالدین بدین ترتیب بسر برد... وقتی دارائی پدرش تمام شد یکی از آمریکائیان گفتند او را به امریکا برد تا در مدرسه نظام کلمبیا به تحصیل بپردازد.

پس از مراجعت به ایران وارد خدمت وزارت دارائی شده در مکران، هستان و کرمان بخدمت مشغول شد و سپس وارد خدمت «اس. پی. آر» گردید. در وجه سرگردی ترقی کرد. پس از انحلال «اس. پی. آر» وارد خدمت شرکت نفت پارس جان کدمن^۱ کار می‌کرد.

در اعتصاب ۱۳۰۸ کارگران در آبادان، از پست سیاسی شرکت نفت معزول شد.^۱ بطوریکه تحقیق شده است، پس از آن دکتر امیر مظفرالدین خان فرخ به بوشهر به شیراز و تهران آمده مدتی بیکار می‌ماند و سپس وارد خدمت نگاه تهران شده، استاد زبان انگلیسی می‌شود. او در همه دورانی که لژ پائی در ایران پنهانی و در اختفا کار می‌کرد و جلسات خود را در کلیسای انجیلی پهل می‌داد، در روزهای سه‌شنبه آخر هر ماه مسیحی به محفل ماسونی انگلیسها رفت. در يك سند رسمی ماسونی که در اختیار نویسنده است، نوشته شده: «لژ

۱- برای اطلاع بیشتر از حالات او رجوع شود به (دست پنهانی سیاست انگلیس در

LARGE TYPE IN TYPE

NO. 110A S.C.

P.O. BOX NO. 500

Tehran.

Tel: 44000

10th April 1959.

Dear Sir and Brother,

A Cocktail Party in Honour of Bro. Arfa Za Soltaneh, who celebrates his 30th Anniversary in the Craft this year, will be held at the Tehran Club on Monday 22nd April 1959 from 8.30 to 9.30 p.m.

All Messrs and their Ladies are cordially invited to this Cocktail Party for which the cost will be \$15.00/- per person.

If you wish to attend, please send in your name with the appropriate amount to me at the above address before 10th April 1959.

Yours sincerely and fraternally,

C. J. Paisley,
Secretary.

دعوتنامه استاداعظم لژیروشنائی در ایران بمناسبت پنجاهمین سال فراماسونی خاد فرخ

لژیروشنائی در ایران نمره ۱۱۹۱- اس. س.

تهران ۵ اپریل ۱۹۵۹ -

سرور و برادر عزیز

بمناسبت آغاز پنجاهمین سالگرد عضویت برادر ارفع السلطنه

(خان فرخ) در سازمان عالی فراماسونری، ضیافتی در روز دوشنبه ۲۰

آوریل ۱۹۵۹ در تهران کلوب از ساعت ۶۳۰ - تا ۸۳۰ - بعد از ظهر

منعقد خواهد بود.

از همه برادران فراماسون و بانوان آنان دعوت می شود که در

ضیافت کوکتنل مشارالیه شرکت فرمایند. هزینه شرکت برای هر یک

از مدعوین ۱۵۰ ریال می باشد.

چنانچه جنابعالی مایل به حضور درین ضیافت باشید، خواهشمندم

موافقت خودتان را قبل از روز ۱۶ آوریل ۱۹۵۹ به اینجانب اطلاع دهید.

برادر وفادار شما - سی. ای فری

دیر لژیروشنائی در ایران



مجترب الدین ارفع -
 خان فرخ، فراماسونی
 و سال در ژوهای امریکا
 ان عضویت داشت و
 استار سبز و پیش بند
 بود -



خلیل ابوالغضنود استاد
اعظم لڑایده آل جهانی
که برای تاسیس لڑ
همایون پنهان آمد.

قبلاً از آمادگی آنها اطمینان یافته بودم ، به عضویت فراماسونری در آوردم .
ابن شش نفر به ترتیب عبارت بودند از : دکتر احمد هومن - دکتر محمود
هومن - سید ذبیح الله ملک پور - محمد علی امام شوشتری - ابراهیم پناه - میر اسلاو -
بادین .

خلیل ابولغضنود ، در مدت بیست روزی که در تهران اقامت داشت ، شش نفر
فوق الذکر را با انجام تشریفات مختصری به عضویت «مجلس اکبر ایدیه آلی جهانی»
در آورد و به آنها درجات مختلف نا مقام استادی داد . باید دانست که آئین نامه و

مزبور در مدت ۱۶ سال سلطنت اعلیحضرت رضاشاه فقید همچنان محرمانه کار می کرد ولی طبق تعهدی که مقامات لژ به پلیس ایران سپرده بودند، لژ حق پذیرفتن اعضای ایرانی را نداشت، اما می توانست «اتباع انگلستان» را به عضویت قبول کند. خود دکتر فرخ به نویسنده اظهار داشت «دولت ایران مدت ۱۶ سالی که اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر سلطنت می کرد، همواره از عضویت من با اطلاع بودند و هرگاه دولت تغییر می کرد، لژ روشنائی در ایران عضویت مرا به اطلاع رئیس دولت جدید می رساند».

دکتر ارفع السلطنه بعلمت طول مدت عضویت در لژ روشنائی صاحب بزرگترین مقام فراماسونی در ایران بود و دستار طلائی داشت. علی مشیری محقق ایرانی پس از سه بستری شدن در لژ در باره او مینویسد «اخیراً شخصیت ایرانی بسیار بزرگی در لندن ماه رمضان سرطان در گذشته، که واقعاً باعث افتخار ایرانیان در تمام جهان بود مشارالیه تنها ایرانی بود که دارای عالی ترین درجات فراماسونی در دنیا بود و درجه او همردیف سلاطین و رؤساء جمهوری بود که ماسون می باشند مشارالیه شخصی بود بسیار پاک، خداشناس و مذهبی، نام آن فقید پروفیسور دکتر امیر مظفرالدین فرخ (ارفع السلطنه) بود که در ۹۱ سالگی در لندن درگذشت»^۱.

در سال ۱۳۲۸ شمسی (۱۹۵۹ م) لژ روشنائی ایران ضیافتی با افتخار پنجاهمین سال فراماسونی او ترتیب داد و دعوتنامه ای را برای فراماسونهای ایرانی فرستاد که جداگانه نقل شده.

اگر چه مرحوم ارفع السلطنه مورد احترام همه فراماسونهای ایرانی بود، با اینحال رفتار و کردار عده ای از فراماسونها همواره موجب شکوه و گلایه او بود و آنها را گرگانی در لباس آدمی می دانست. یک روز در حضور سر تیب بهرامی افسر بازنشسته ارتش برای نویسنده حکایت می کرد:

یکی از برادران فراماسونش که وکالت او را در دادگستری پذیرفته بود، با وجود دریافت مبلغ هنگفتی به عنوان حق الوکاله با طرف دعوای او سازش کرده

و باعث محکومیت او در محاکم دادگستری شده است ... و این بود سر نوشت تنها ایرانی فراماسون دستار طلائی عضو لژروشنائی در ایران که در انگلیس در گذشت.

پس از انحلال پلیس جنوب (اس - پی - آر) در ایران و

لژروشنائی عزیمت افسران و گروه‌بانان انگلیسی و هندی عضو لژ

در ایران روشنائی در شیراز، این لژ در اکتبر ۱۹۲۱م (ایان ۱۳۰۰هـ)

رسماً تعطیل شد. ولی بار دیگر روز دوازدهم نوامبر

۱۹۲۱م (ایان ۱۳۰۱ش) زیر نظر لژ بزرگ اسکاتلند در هندوستان و با نام جدید

روشنائی در ایران تجدید حیات کرد. احیاء کنندگان لژ مذکور در تهران عبارت

از :

William Cunningham Fairly, Lodge Radnor E.C.No

Dr. Joseph Scott. M.D. Lodge St.Campbelltown
S.C. No. 141.

James McMurray C.B.E., Lodge St. John Falkirk,
S. c. No. 16.

Edward Thompson, Lodge Wyden-shawe, Cheshire,
S. C. No. 2688.

Henry Ian Dawglas; Lodge St. Andfes S.C.

Bernard Messervy, Lodge Light in Iran S.C.No. 11

William Hubbert Ward, O.B.E., Lodge McMahon QU
E. C. No. 3262.

Frederick York Hamphreys, Lodge Ordanance E.C.No

Alan Henry Wright, Lodge Light in Iran S.C.No.

Alfred John Gardener, Lodge Sir Edward Clark,
E. C. No. 3601.

George Julian Ieverse, Lodge Anglo Argentine,
E. C. No. 3623.

Arthur Robbettson, Lodge Union E.C. No. 767.

George Alfred Jacob, Lodge Union E.C. No. 767.

این لژ که از روز نخست بمنظور حفظ موقعیت و پاسداری مستعمره بزرگ انگلیس یعنی هندوستان تأسیس شده بود، در سال ۱۹۳۲ م (۱۳۱۱ ش) تقاضا نامه‌ای به لژ بزرگ فراماسونری سراسر اسکاتلند در هندوستان تقدیم داشت و طی آن تقاضا کرد که رابطه‌اش با لژ هند، قطع شده و در عوض تحت فرمان لژ بزرگ اسکاتلند در «ادینبورگ» در آید.

در این ایام شوم، دولت ایران مشغول مبارزه با تر است بزرگ نفتی انگلیس «بریتیش پیترولیوم» بود. مبارزه‌ای که از آن سال آغاز شد، تا سال‌های بعد همچنان ادامه داشت. انگلیسها برای اینکه بتوانند هسته مرکزی قابل اعتمادی با پوشش نام فراماسونری و اجتماع در کلیسای انجیلی داشته باشند ارتباط تنها لژ فراماسونری خود را مستقیماً با اسکاتلند برقرار کردند. بدین ترتیب که تقاضا نامه رؤسای کرسی لژ مورد قبول واقع شده و برادر بسیار ارجمند «آرنولد» و «فورستر» انگلیسی و کشیش خدا پرست امریکائی (ج - د - پین) مأمور اداره لژ در تهران و ایجاد ارتباط مستقیم با انگلستان شدند.

جالب اینجاست که «پین» Payne امریکائی که در لباس زهد و تقوی و بعنوان خدمت به عالم مسیحیت در ایران می‌زیست، در خدمت سازمانهای مختلف انگلیسی بود و در سال‌های شوم اشغال ایران بوسیله انگلیسها با سازمان‌های اطلاعاتی قوای اشغالگر نیز کمک می‌کرد. او که ۱۲ سال قبل از ایران رفت، بعدها دوبار برای تشکیل لژهای «تهران» و «کورش» به ایران آمد و اکنون عکس اوزیست - بخش محفل فراماسونری انگلیس در خیابان شاهرضا کوچه پشت دبیرستان انوشیروان دادگر می‌باشد. نخستین اقدام لژروشنائی در ایران تهیه و تنظیم آئین نامه داخلی لژ بود که بتصویب گراند لژ اسکاتلند رسیده و به این شرح است:

قانون ویژه محلی لژ روشنائی در ایران

بشماره ۱۱۹۱ - ق - ۱ - ۱۹

جلسات لژ بزرگ آزادی قدیم و قبول شده بوسیله ماسون‌های اسکاتلند .

اول - جلسات لژ

۱ - تمام جلسات ملاقات باید در سالن ماسونیک واقع در داخل محوطه بیون امریکا واقع در خیابان استالین در تهران تشکیل گردد .

ساعت : ۲ - جلسات مرتب باید در آخرین سه شنبه هر ماه در ساعت ۶/۳۰ از ظهر و یا در ساعاتی که لژ در جلسه قبل تعیین کرده باشد تشکیل گردد .

انتخابات : ۳ - تعیین و انتخاب کارکنان اداره و اعضای مؤثر کمیته عمومی همیشه تحقیق باید در جلسه منظم در ماه مارس صورت گیرد .

سالیانه : ۴ - جلسه سالیانه باید جلسه منظمی باشد که در آخرین سه شنبه اپریل تشکیل می‌گردد . در آن جلسه باید حساب و گزارشهای سالیانه تحت آافه قرار گیرد . و همچنین اداره کنندگان اداره برای سال آینده تعیین گردند .

اعلان : ۵ - تمام جلسات بجز آنهاییکه بعد به آن اشاره می‌شود باید با صدور شننامه که ۵ روز قبل از تشکیل آن بوسیله پست و یا نامه رسائی به هر يك از نمای مقیم در ایران تسلیم می‌گردد ، تشکیل شود . جلساتی که در آن باید خواست‌های عضویت مورد مذاقه قرار گیرد ، باید بموجب قانون شماره ۱۷۹ تشکیل شود . جلساتی که در آن باید درجه افتخاری کاندیداهائی که رأی آورده‌اند داده شود ، باید پس از اعلان بخشنامه‌ای ۴۸ ساعت تشکیل گردد همان طوریکه در این اشاره می‌شود :

استاد ارجمند .

نایب رئیس اول

قائم مقام استاد

معاون استاد

سرپرست اول

سرپرست دوم

دبیر

خزانه دار

راهنمای اول

راهنمای دوم

نگهبان داخلی

نگهبان خارجی

سر پیشخدمت

دوم - انتخاب و انتصاب

انتخاب شوندگان و انتصاب شوندگان : ۱ - رئیس باید معاون خود را تعیین کند .

۲ - تمام کارکنان اداره باید هر سال بوسیله لژ انتخاب شوند :

سوم : کمیته عمومی

اعضاء - ۱ - کمیته عمومی باید مرکب باشد از رئیس و معاون رئیس لژ که می توانند از اعضای صاحب صلاحیت باشند و مدیران ارشد و کوچک و منشی خزانه - دار و دو عضو صاحب صلاحیت دیگر باید در جلسه منظم لژ که در ماه مارس هر سال تشکیل می گردد انتخاب شوند .

وظایف کمیته : ۲ - تمام اموال موروثی ، قابل حمل بهر تفصیلی بجز موجودی نقدی در بانک باید زیر نظر کمیته عمومی قرار گیرد و تحت اختیار و اداره لژ می باشد .

۳ - کمیته عمومی باید اموال لژ را در مقابل کم شدن و خسارت دیدن و آتش سوزی و سرقت بهر قیمتی که لازم بنظر می آید بیعه کند .

کمیته تحقیق : ۴ - کمیته تحقیق باید مرکب باشد از کارکنان اداره که بموجب

قانون شماره ۱۷۷ تعیین شده اند و دو عضو دیگر باید سالیانه در جلسات منظم ماه مارس بوسیله لژ انتخاب گردند.

چهارم-حق عضویت

- ۱- برای ورود و قبول و نمره گرفتن و ارتقاء ۳۰۰۰ ریال
- ۲- برای نمره گرفتن (ثبت نام دیپلم) ۱۰۰ "
- ۳- برای هم بستگی با قانون اساسی اسکاتلند ۵۰۰ "
- ۴- برای هم بستگی با قانون اساسی دیگر ۷۰۰ "
- ۵- شهریه سالیانه هر يك از اعضای بزرگ ماسیون که در ۱۰ میلی مرکز بران زندگی می کنند قابل پرداخت بطور بیش پرداخت دوبار در سال اول آوریل
اول اکتوبر هر سال ۳۶۰ ریال
- ۶- شهریه سالیانه هر يك از اعضای بزرگ ماسیون که خارج از شعاع بالا زندگی می کنند . بیش پرداخت در اول آوریل هر سال ۱۰۰ ریال
- ۷- حق ارتقاء-

اعضای مقیم ۳۶۰۰ ریال

اعضای غیر مقیم ۱۰۰۰ "

مگر اینکه در مورد اعضای غیر مقیم چنانچه به شعاع محل اقامت عضو بیم بازگشت نماید وی مختار خواهد بود در هر زمانی پس از مراجعت تفاوت بین شهریه عضو غیر مقیم و نیز شهریه عضو مقیم را در تاریخی که شهریه سالیانه را می پردازد پرداخت نماید .

تا مادامیکه چنین کاری نکرده نامبرده باید شهریه سالیانه را بصورت عضو بیم پردازد .

این اختیار باید برای هر عضو غیر مقیم بصورت گواهی عضویت مادام العمر صادر گردد .

۸- برای هر کناره گیری ۲۰ ریال .

۹- شهریه قابل پرداخت به بودجه عمومی لژ بزرگ بوسیله هر عضو تازه-

وارد و منصوب از هر حوزه دیگر ۳۵ ریال

۱۰ - شهریه افتخاری .

رئیس ۲۰۰ ریال

سرپرست ارشد ۱۰۰ ریال

سرپرست کوچک ۵۰ ریال

ششم : بودجه شهریه تغییرات

وجوهی که از این حساب سالیانه برداشت می شود بموجب قانون باید ۱۰ درصد وجه موجود در حساب در آخر سال مالی هر سال باشد .

هفتم - بودجه خیریه

اعتبارات : ۱ - بودجه خیریه باید از هر شهریه - سالیانه ۳۶ ریال دریافت دارد و نیز نسبت معادل با مبلغی که سالیانه از بودجه تغییرات برداشت می شود .
اداره امور : ۲ - بودجه خیریه باید زیر نظر کمیته عمومی اداره شود .
۳ - رئیس می تواند با اداره خود گاهی اوقات خیریه و کمک بپردازد ولی در هیچیک از موارد جمع مبلغی که يك شخصي پرداخت می شود نباید از ۳۰۰ ریال تجاوز کند .

هشتم - صورت حساب

بازرسان : ۱ - در جلسات منظم ماه اپریل باید بازرس و یا بازرسانی که عضو کمیته عمومی نیستند انتخاب گردند تا فهرستی از موجودی لباس و سایر اموال لث بردارند و نیز باید دفاتر و اوراق دفاتر حساب و کتاب های خزانه داری را هر سال تا پایان ۲۱ مارس بازرسی و در عرض ۱۴ روز قبل از شروع جلسه سالیانه گزارش لازم را تهیه نمایند .

صورت وضعیت : ۲ - صورت وضعیت حساب و ترازنامه و گزارش بازرس باید چاپ و به همراه بخش نامه اعلام تاریخ تشکیل جلسه سالیانه برای اعضای ذی-

نهم - اعلامیه‌ها و قوانین محلی

اعلامیه‌ها، قوانین محلی باید لااقل سالی یکبار در لژهای علنی خوانده شود. یکسال پس از تشکیل لژ روشنائی در ایران، در آبادان لژهای تابعه لژ دیگری بنام پیشاهنگ Pioneer و در سال ۱۹۲۴ - م اسکاتلند در ایران (۱۳۰۳ - ش) نیز لژی بنام «مسجد سلیمان» در منطقه نفتی مسجد سلیمان تشکیل شد.

در این لژها کلیه مکاتبات، گفتار و اعمال و افعال به زبان انگلیسی انجام می‌شد، و صدی نود از اعضای آن انگلیسی‌های عضو شرکت سابق نفت بودند. موجب گزارش ضمیمه نامه ۱۴ فوریه ۱۹۶۶ دبیر کل لژ اسکاتلند که به علامت (M. O. 1/1) مشخص شده و خطاب به یکی از فراماسونهای ایرانی است: «در سه لژ انگلیسی زبان اولیه در ایران عموماً اتباع انگلیسی پذیرفته می‌شدند. فقط در شش از آنها تعداد کمی ایرانی فعالیت می‌نمودند».

این سه لژ انگلیسی بدون تردید به خاطر حفظ منطقه نفت خیز خوزستان ایران فعالیت می‌کردند. ولی از سال ۱۹۲۹ - م (۱۳۰۸ - ش) که اعتصاب بزرگ بکران نفت در آبادان بوجود آمد و بدستور اعلیحضرت فقید کلنل «الکنتن» مدیر کل نفت «گاردنر» کنسول انگلیس مقیم خوزستان از ایران اخراج شدند، دامنه الیت فراماسونری در منطقه نفت خیز محدود شد، و بدستور پلیس ایران از این هیچیک از ایرانیان حق نداشتند، با لژهای فراماسونری همکاری کنند. آنها حضور ایرانیان در لژها ممنوع شد، بلکه بدستور پلیس ایران دکتر خان «ارفع السلطنه» نیز که در لژ پیشاهنگ آبادان شرکت می‌کرد، از این شهر حذف شد.

آغاز مبارزات نفتی اول ایران با شرکت سابق ۱۹۳۲ - م (۱۳۱۱ - ش) که شاه دولت و مردم ایران همه از این دستگاه جابر و غارتگر نفرت داشتند و

از الغاء قرارداد داری ابراز خرسندی می کردند ، افراد زیر عهده دار گرسی
لژ روشنائی در ایران بودند :

List of Officers 1931/32

Rt. Wor. Bro. R. H. Arnold . . .	R. W. M.
Wor. Bro. E. J. Goodwin . . .	I. P. M.
" " F. Y. Humphreys . . .	P. M.
" " A. G. Forster . . .	W. S. W.
" " J. D. Payne . . .	W. J. W.
Bro. C. M. George . . .	Secretary
" P. C. Dodd . . .	Treasurer
" Rt. Rev. Bishop J. H. Linton D. D.	Chaplain
" Rev. Dean Hutchison . . .	Asst. Chaplain
" W. Kennedy . . .	S. D.
" W. Spence . . .	J. D.
" J. Legatte Wood . . .	I. G.
" W. J. Townshend-Smith . . .	Tyler

بعد از اینکه دولت ایران با تهدید نیروی دریائی انگلیس و قشون کشی این
دولت به شط العرب و خوزستان، رو برگشت و مجبور به امضاء قرارداد جدید نفت با
شرکت سابق شد، نه تنها در خوزستان بلکه در تهران و سراسر مملکت نیز تنفر عامه
نسبت به انگلیسها افزایش یافت، در این زمان افکار عمومی متوجه آلمان ها شد و هیجان

۱ - از دستور (Agenda) ماهانه لژ برای شرکت در جلسه روز ۲۶ اپریل ۱۹۳۱ .

عمومی مردم سبب گردید که بتدریج از فعالیت لژ روشنائی در ایران کاسته شود، تا جایی که لژ مزبور فقط ماهی یکبار تشکیل می شد آنهم در اختفای بسیار شدید و بدون امکان دخالت در کارهای عمومی و مملکتی.

پس از اشغال ایران نیز با آنکه انگلیس ها در جنوب کشور قدرت زیادی داشت آوردند، با اینحال فراماسونها نتوانستند خود را ظاهر سازند و با فعالیت تشدداری را بنفع اربابان لژ نشین اسکاتلند خود آغاز کنند.

زیرا فرمایش شاهنشاه آریامهر مداخلات پی در پی متفقین در امور سیاسی کشور ایران من و مردم ایران را کاملاً متنفر کرده بود... من اصولاً و عملاً با عمل متفقین در اشغال ایران مخالف بودم و بنظر من بدون جهت به استقلال و حق حاکمیت ما زده بودند. بهر طرف چشم می انداختم مردم کشور ایران را اگر فکاربدهختی و ناشی که نمره روش سیاسی و اقتصادی متفقین بود می دیدم. و روح من از آزمندی بعضی از روتمندان ایرانی که پشت پا بمنافع کشور ایران و رفاه مردم این سامان زده بودند شتر از هر چیز رنج می برد...^۱ این اشاره صریح شاهنشاه آریامهر، به آن دسته از گران اجنبی و عمال متفقین در آن روزهای شوم است که از بستگی به هر دسته و مقامی آنها را به خارجیان نزدیکتر می کرد، دریغ نداشتند. و متأسفانه باید اقرار کرد که فتنه و طعنه و ریشخند و روشنفکران ایران، فراماسونها را از عوامل انگلیس می دانند، یعنی عوامل همان کشوری که به اعتقاد مردم ایران بدهختی، عقب افتادگی، فقر و مزبذبه در دست سال اخیر کشور ما ناشی از سوء نیت، عناد، دشمنی و نظراستعماری انگلیسها می باشد و بس. به همین سبب درین سال های شوم تا اخراج ارتش های مهاجم انگلیس و روس از ایران، فراماسونها لژ روشنائی، پیشرفتی نصیبشان نشد، در این سال های شوم و از اول تشکیل لژ روشنائی در ایران تا سال ۱۹۴۷ - م (۱۳۲۶ - ش) ایران و کارگردانان لژ روشنائی در ایران بشرح زیر بودند:

۱ - مأموریت برای وطنم ص ۹۶

۲ - ایضاً ص ۹۹

قانون اساسی ماسنی، به گرانند لثرها حق میدهد که در مواقع فوری و ضروری و در مدتی کوتاه درجات مختلف را به ماسنها بدهند.

باری ابوالخود پس از انجام تشریفات به مصر بازگشت و تقاضای کتبی تشکیل لث را باخود به قاهره برد و پس از چندی اوراق رسمی را که هفت استاد فراماسنی می بایست ضمن تنظیم آنها تقاضای برقراری لث بکنند، به تهران فرستاد، این اوراق را در حضور هرشش استاد ماسنی تکمیل کرده، و پس از امضاء کامل به قاهره برگردانیدم. یکماه بعد اجازه تأسیس لث ... شرق ۴۵۱ برای ما فرستاده شد.

فرمان تشکیل لث روز ۲۴ نوامبر ۱۹۵۱ که مطابق با سال فراماسنی ۵۹۵۱ و سال ۱۳۳۰ شمسی بود صادر گردید و به امضاء رسید. در این فرمان تأکید شده است که رئیس لث محمد خلیل جواهری و اعضاء مؤسس آن: دکتر احمد هومن - میر سالو - بادین - جعفر رائد - محمد علی امام - محمد قریشی و ارنست برون می باشند. چون نام لث مورد اعتراض واقع گردید، با اجازه استاد اعظم قاهره نام آن را به «همایون» تغییر دادیم و شروع به کار کردیم اولین جلسه لث در خانه مسکونی اینجانب واقع در خیابان کاخ شماره ۲۱۲ تشکیل گردید.

در این جلسه و جلسات دیگر همه آداب و رسوم و ریتول های اولیه انجام نشد زیرا با توجه به شرایط سخت آن روز، برگزاری همه تشریفات میسر نبود و لذا با اجازه استاد اعظم و آنچه را که مقدور بود و می توانستیم برای رسمیت تشریفات بکار بردیم. پس از تشکیل لث و پایان مراسم اولیه، شروع به ترجمه قانون اساسی و آئین نامه های فراماسونی کردیم و این ترجمه ها را برای تصویب استاد اعظم به قاهره فرستادیم و آنگاه قسم نامه، وصیت نامه و تقاضا نامه را به فارسی تنظیم و در چاپخانه نقش جهان چاپ نمودیم.

در آن روزها حزب منحل شده در تمام چاپخانه ها سازمان وسیعی داشت، لذا مامی بایست با احتیاط فراوان کار می کردیم. بدین جهت بود که با کمک مدیر چاپخانه

<u>Year</u>	<u>Rt. Worship Master</u>	<u>Senior Warden</u>	<u>Junior Warden</u>
1919-20	W. H. Hallsworth	E. F. Orton	C. H. Carr
1920-21	W. H. Hallsworth	J. B. Dalzell-Hunter	H. C. Jenkins
1921-22	J. B. Dalzell-Hunter J. T. Avison	J. T. Avison A. J. Arthur	A. J. Arthur C. M. Renshaw
1922-24	W. C. Fairly	J. Scott	A. H. Wright
1924-26	J. Scott	E. Thompson	F. J. Harris
1926-27	E. Thompson	F. J. Harris	B. Messervy
1927-28	E. Thompson	F. Y. Humpherys	W. T. Trower
1928-29	F. Y. Humpherys	E. Wilkinson	W. T. Trower
1929-39	F. Y. Humpherys	W. T. Trower	E. J. Goodwin
1930-31	E. J. Goodwin	G. J. Mackie	H. M. Eyres
1932-33	J. D. Payne	W. Kennedy	W. Spence
1933-34	M. B. Hicks	G. J. Mackie	J. L. Wood
1934-35	W. J. A. D'Alton	S. E. Akerib	G. S. Goldsworthy
1935-36	S. E. Akerib	C. D. Lunn	Arfa es-Saltaneh
1936-37	M. B. Hicks	J. F. Luttrell	A. Binns
1937-38	A. Binns	G. R. Wright	J. Badhni
1938-39	G. R. Wright	J. Badhni	E. Blair
1939-40	J. Badhni	G. S. Goldsworthy	C. H. Goadby
1940-41	F. L. Peters	J. Phillips	A. W. W. Bessel
1941-44	D. J. Payne	T. M. Tagg	C. B. Fisher
1944-45	C. B. Fisher	E. A. Connolly	G. Obadiah
1945-46	W. R. Fenwick	G. Obadiah	R. H. Stirling
1946-47	G. Obadiah	R. H. Stirling	C. H. Goadby





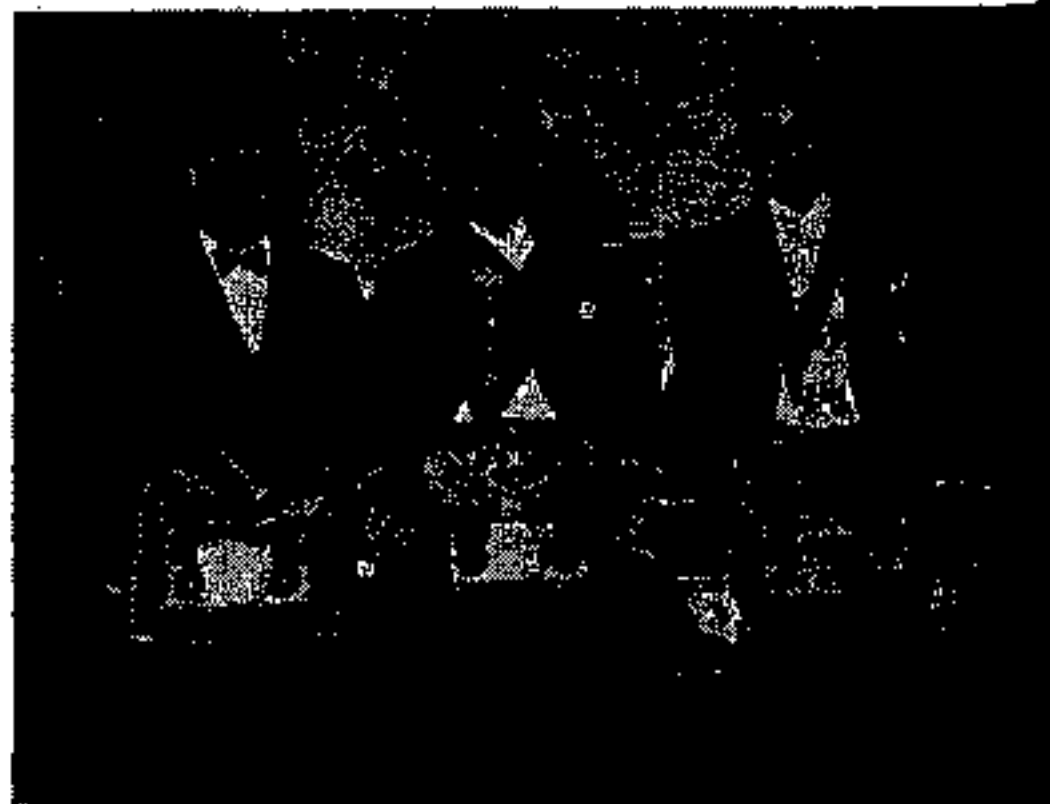
اعضاء کرسی نژادشنائی در ایران در سال ۱۹۴۵ - در این تصویر يك ایرانی (دکتر خان فرخ) ایستاده از چپ به راست نفر دوم دیده می شود تا این سال هنوز ایرانیان فرامانگون عضویت نژادهای انگلیسی را نداشتند



ده نفر از استادان کرسی نژادشنائی در ایران در سال ۱۹۶۳ - در این سال تعداد یهودیان کارگردان لیبی عذکوری بیشتر از مسیحیان بودند .



پایزده دلی از رؤساء از روشنائی در ایران در سال ۱۹۶۵- این تصویر از سالن محفل
فراماسونری در کلیسای انجیلی خیابان قوام السلطنه برداشته شده



به برادر فراماسون ، الیاس دین یهودی هریب دکتريخان فرخ استاد دانشگاه-

ضیافت در زیر پرچم قراماسونری



در مهمانی سفید لژ تهران در کلوب تهران و از راست به چپ: دریادار فلامی - (پانوی شناخته
نشده) - دکتر مختاریار - اوانجیف



پاک اسکاتلندی و یک کتا ادانی عضو لژ روشنائی

دو استاد اعظم فراماسونری



مظفر الدین ارفیق السلطنہ خان فرخ استاد دانشگاہ - زردز او انستف مدیری شرکت حملہ
 زردز فراماسونری دو استاد اعظم - مرجوم فرخ ، فقطبہ او انستف ارادت می دزد یہ



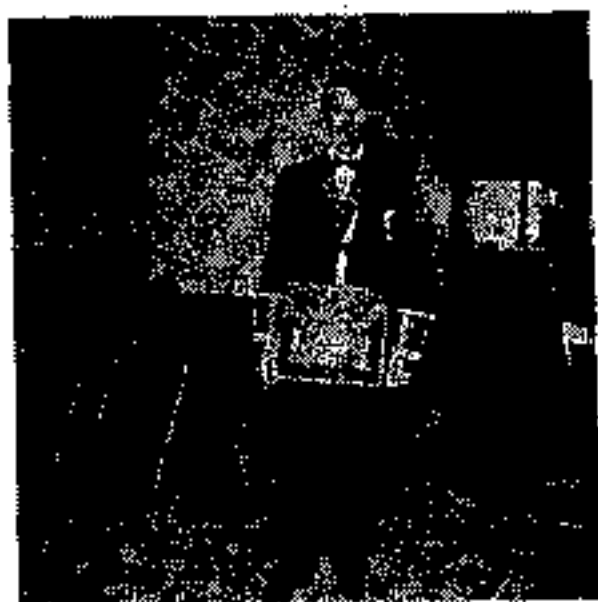
سه استاد لئاسکاتلند - از راست پچی ، صالح جتایات - دکتر خان فرخ - کریستوفر اسحق فری



زیادت سهید در کلوب تهران-دورین مهنائی همزمان قرااسونهای در شام برادرانه شرکت دادند



استاد فراماسونری انگلیسی با کوبه‌های مخصوص زیارت لژ در کنار کرسی استادی



آ - دراپر Drapper عضو کنسرسیوم نفت و استاد فراماسونری - شهرت دارد که این انگلیسی معادن سازمان ایتالیاجنس سرویس در سازمان اطلاعات کنسرسیوم نفت در ایران بوده که در پنجسال اول تأسیس کنسرسیوم فعالیت می‌کرد.

پس از خروج ارتش انگلیس از ایران باردیگر
از فعالیت فراماسونهای لژهای روشنائی،
پیشاهنگ و مسجد سلیمان کاسته شد، تا اینکه
در تهران محمد خلیل جواهری لژ همایون

تجدید فعالیت لژ روشنائی در ایران

را تأسیس کرد. بطوریکه برخی از کارگردانان این لژ قدیمی مدعی هستند وی
با کمک میجر جاکسن انگلیسی که در سفارت انگلیس در تهران سمت ظاهری
(وابستگی اقتصادی) داشت عده‌ای از افراد مورد نظر سفارت انگلیس را وارد این
تشکیلات کرد.

استقبالی که طبقه مخصوصی از دستگاه حاکمه ایران از لژ همایون کردند،
سبب شد تا لژ روشنائی در ایران نیز در صدد فعالیت وسیع‌تر و پذیرفتن عضو ایرانی
برآید، بدین منظور یخشنامه زیر در سال ۱۹۵۶ - م (۱۳۳۵ - ش) از طرف رؤسای
کرسی لژ روشنائی و بامضاء دورابچی خطاب به همه فراماسونهای خارجی و ایرانی
سرتاسر ایران صادر شد:

ساختمان پیرنیا - کاشی شماره ۵

لژ روشنائی در ایران

خیابان چرچیل

تهران - ایران

بتاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۵۶ -

سرور و برادر گرام

چون دیر زمانی است که اطلاعی از گروه نسبتاً زیادی از اعضای خود در
کشورهای خارج و مخصوصاً از اعضای قدیمی لژ خود نداریم احساس می‌کنیم که
شاید بعضی از اعضاء نشانی خود را بدون اطلاع ما تغییر داده و این امر باعث قطع
مراوده بین ما شده باشد.

ازینرو کمیته تصمیم گرفته است که در فهرست اعضاء تجدید نظر کرده و
آنها اصلاح سازد، برای انجام اینکار خواهشمند است قسمت پائین این نامه را
پر کرده و هرچه زودتر آنها برای اینجانب بفرستید.

LODGE LIGHT IN IRAN
No 1191 S. C.
Tehran, Iran

PIRUSIA BUILDING
5, Avenue Churchill
Tehran, Iran

20th June 1956

Dear Sir and Brother,

As we have not heard for a long time from a considerable number of our overseas members, especially from our older members, it is felt that we may have lost touch with them due to a change in their address which has not been notified.

The Committee has therefore decided to review our Membership List and to bring it up to date. In order that this may be done, I shall be most grateful if you will kindly fill in the slip below and return it to me as soon as possible.

If we get no response from you within a reasonable time it will be assumed that we have lost touch with you, and we shall have no alternative but to drop you very reluctantly from our membership list. However we do not want to take this step if it can be avoided, and would therefore ask your co-operation which will be greatly appreciated. In order to give you the least amount of trouble, I enclose an addressed envelope for your reply.

Yours sincerely and fraternally,

F. S. Dargatzis,
Secretary.

Kindly detach the slip below and return it, duly filled in, to:-
F. S. Dargatzis, Pirusia Building, 5, Avenue Churchill, Tehran, Iran.

The Secretary,
Lodge Light in Iran, No. 1191 S. C.,
Tehran.

Date _____

Dear Sir and Brother,

Kindly retain my name on your Membership List.

Name in full (in block) _____

Present address: _____

Permanent address: _____

Signature _____

دعوت عام و یخشامه دیر لژ روشنائی برای تجدید فعالیت در سال ۱۹۵۷

اگر در عرض مدت کافی پاسخی از شما نرسد، فرض می‌کنیم که تماس ما قطع شده است و چاره‌ای، هر چند با اکراه باشد، جز حذف نام شما از فهرست نیست. بویست نخواهیم داشت.

البته مایل هستیم تا آنجا که مقدور باشد از انجام چنین کاری خود داری بپوشیم و بنابراین همکاری شما در این مورد باعث مزید تشکر خواهد بود. برای آنکه زحمت شما را بعد اقل برسانیم یک پاکت نشانی‌دار برای ارسال پاسخ شما

به پست فرستاده شد . دوستدار و مخلص برادر شما .

ف . س . ، دورا بجی

چند هفته پس از ارسال بخشنامه مزبور، عده‌ای از انگلیسی‌هائی که عضویت لژ را داشتند ولی برای همیشه ایران را ترك گفته بودند، به سایر لژهای تابع اسکاتلند در دنیا پیوستند . و عده‌ای نیز کماکان به عضویت در لژ تهران باقی ماندند و باب مکاتبه را با دبیر لژ همچنان مفتوح نگاهداشته‌اند .

در نتیجه خروج عده‌ای از لژ تهران و با موافقت دبیر اعظم لژ اسکاتلند، قرار شد که به جای آنها یک که در خارج از ایران هستند و در سایر لژها کار می‌کنند، عده‌ای ایرانی که تقاضای عضویت کرده بودند به عضویت لژ در ایران پذیرفته شوند. علاوه بر این مرکز لژ اسکاتلند موافقت کرد که از مجموع ۹ عضوی که حد نصاب پذیرفتن عضو جدید برای لژ روشنائی در ایران است، همه ساله صدی بیست عضو ایرانی و صدی هشتاد بقیه عضو انگلیسی زبان و تابع انگلستان به عضویت پذیرفته شوند .

باید دانست که هر يك از لژهای فراماسونی برای پذیرفتن عضو جدید تعداد معینی سهمیه دارند که از طرف مرکز لژ اسکاتلند تعیین می‌شود و نسبت به تعداد پذیرش عضو جدید جلسات سالیانه تعیین می‌شود که در آن شرایط ورود عضو مورد بررسی قرار می‌گیرد .

در هر يك از جلساتی که پیشنهاد عضو جدید و اوراق تکمیل او را مورد بررسی قرار می‌دهند، چنانچه با نظر همه اعضاء و به اتفاق آراء صلاحیت عضو جدید مورد قبول واقع شد، رسمیت عضو را اعلام می‌کنند . و در غیر این صورت بار دیگر که شاید تا یکسال طول بکشد، پیشنهاد عضویت بنمویق می‌افتد و آنگاه مجدداً مطرح می‌شود، و چنانچه همه حضار هنگام اخذ رأی با (مهره سفید) به (تقاضای بیگانه) رأی دادند، عضویت او رسمیت پیدا می‌کند و وی را با تشریفات وارد لژ می‌کنند .

اینک به معرفی و فعالیت لژ روشنائی و سایر لژهای انگلیسی زبان در ایران که در کتابهای سال گرانند لژ اسکاتلند چاپ شده می‌پردازیم :

لژ شماره ۱۱۹۱ بنام روشنائی در ایران Light in Iran

مرکز این لژ از سال ۱۹۱۹ - م (۱۲۹۸ - ش) در تهران خیابان قوام السلطنه کلیسای میسیون مذهبی امریکائی و کلیسای انجیلی تهران است که هر سه شنبه آخر ماه مسیحی. کلیه اعضاء، در محل کلیسا اجتماع می‌کنند. لژ مزبور روز هفتم اگست ۱۹۱۹ در تهران افتتاح شده است. چون از سال ۱۹۵۲ - م (۱۳۳۱ - ش) کتابهای سال فراماسونی وابسته به گرانند لژ اسکاتلند منتشر شده، لذا فقط به ذکر اسامی رؤساء لژ از آن سال به بعد اکتفا می‌شود :

سال ۱۹۵۲ :

LT, - col. Albert G. Campbell, 75 Leamington terrace pr. m. Edinburgh, 10 .

James R. Cameron, 2 western terrace, Edinburgh, 12 Pr. S.W. Pr. Archibald Ramsay, 20 wood street, coatbridge .

J D. Payne, American mission, Avenue Marshal Stalin, Teheran

سال ۱۹۵۳ :

در این سال هیچگونه تغییراتی در رؤسای لژ در ادنبورگ و تهران داده نشده است .

سال ۱۹۵۴ :

در سال ۱۹۵۴ تغییرات نسبتاً مهمی در لژ روشنائی در ایران دیده شد، که می‌توان آنرا مقدمه فعالیت بعدی آنها دانست. بین Payne که ۲۵ سال در ایران به عنوان کشیش کلیسای انجیلی امریکائیان روزهای یکشنبه موعظه می‌کرد و روزهای سه شنبه آخر هر ماه مدیر و خزانه دار جلسات لژ بود، با هم‌ریکا رفت. فراماسونهای ایرانی هنگام عزیمتش ضیافت بزرگی به افتخار وی برپا کردند. اینک قالیچه گرانها نیز بتوان یاد بود بار هدیه شد، که هم اکنون در خانه‌اش ویران است .

رئیس کل لژ روشنائی نیز بنام آلبرت کامبل برگزار شد و بجای او شخص دیگری مأمور ارتباط و اداره لژ در انگلستان گردید. تغییرات مزبور با انتصاب فیروزدورابجی که درسرای دلگشا واقع در خیابان بوذرجمهری تجارت می کند، بسمت دبیر لژ آغاز شد. پس از ۳۳ سال این اولین باری بود که يك شرقی دبیری لژ روشنائی را که مخصوص انگلیسی زبانهاست عهده دار می شد. شاید بتوان این تغییرات را برای پذیرفتن اعضای ایرانی انگلیسی زبان دانست که از آن سال به بعد بمعنویت پذیرفته شدند. تغییرات مزبور باین شرح است:

James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12 Archibald Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge.

Firoz S. Dorabje, Serai Delgosha Avenue, Buzarjomehri, Teheran Iran.

در سال ۱۹۵۵ بار دیگر کارگردانان لژ دچار تغییر و تبدیل شدند باین شرح:

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk.

James R Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12.

Archibald Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge.

Firoza S. Dorabje, Seraye Delgosha, Teheran, Iran.

در سال ۱۹۵۶ هیچگونه تغییراتی در کادر لژ و اداره کنندگان آنها در انگلستان روی نداده است.

در این سال کماکان اتباع انگلیسی در بریتانیا، ماسون های ایرانی را در ایران رهبری و اداره می کردند و اجازه ندادند که ایرانیان در اداره لژ شرکت داشته باشند.

سال ۱۹۵۷ کارگردانان لژ دارای مقام های زیر بودند:

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk James.

R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12.

Archibald Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge.

Firoz S. Dorabje, Pirnia building, 5 avenue Churchill, Tehran Iran.

در سال ۱۹۵۸ بار دیگر تغییراتی در لژ داده شد و به عنوان دبیر لژ نیز

مانند سالهای قبل از انتخاب «دورابجی»، یک نفر انگلیسی انتخاب گردید.
 گریستوفر فری که همسر ایرانی (خواهر یوسف مازندی خبرنگار خبرگزاری
 یولابندپرس) را دارد، بجای دورابجی بسمت دبیر انتخاب و یک تغییر دیگر نیز باین
 طرح در انگلستان رویداد:

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk.

James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12.

John P. Tupper, 107 Cluny Gardens, Edinburgh, 10.

Christopher J. Ralrey C/O Lynch and Co. Avenue Foroughi, Teheran.

در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ تغییراتی دیده نمی شود و مثل سال قبل همچنان
 کلیسی زبانها و اتباع انگلستان بر لژ مزبور حکومت می کردند. ولی در سال
 ذیل تغییرات در واسطه ها و سازمان های لژ مذکور پدید آمد:

سال ۱۹۶۱:

peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk

James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12

John P. Tupper, 107 Cluny Gardens, Edinburgh, 10

Firoze S. Dorabjee, 77 Avenue Fardowsi, Teheran. Iran

از سال ۱۹۶۲ به بعد چون لژهای فارسی زبان وابسته به این سازمان
 الماسواری انگلیس بوجود آمدند، تغییرات آن ذکر نمی شود. و تنها آنچه را
 در سالنامه سال ۱۹۶۸ نوشته شده است، نقل می کنیم:

واسطه این لژ در سال ۱۹۶۸ در انگلستان:

Peter Mcmain, 712 Parkfoot Court, Glenbrac, Falkirk.

ومنشی لژ در ایران Percy J. Waghorn, P. O. Box 1508 می باشند.

لژ مذکور کماکان روزهای سه شنبه آخر هر ماه مسیحی در کلیسای انجیلی
 پادشاهان قوام السلطنه تشکیل جلسه می دهد و وعده ای از هموطنان ایرانی با شرکت
 بلسات آن، به دست بوسی استادان اعظم انگلیسی لژ روشنائی نائل می شوند
 و این افتخار را در خاندان خود باقی می گذارند.

اینک به معرفی دولتر انگلیسی زبان دیگر که خوشبختانه با ملی شدن صنعت نفت و اخراج انگلیسها از خوزستان، تعطیل شد، می پردازیم :

لتر شماره ۱۳۰۵ بنام پیشاهنگ Pioneer

این لتر در اول فوریه سال ۱۹۲۳ (بهمن ۱۳۰۱) در شهر آبادان تشکیل شد. اکثریت قریب باتفاق اعضای این لتر فراماسونی که وابسته به گراند لتر اسکاتلند بود، اعضای شرکت نفت مقیم آبادان بودند. همانطور که اشاره شد، محل لتر مذکور در قسمت اروپائی نشین شهر آبادان بود و محل مخصوص معبد را بخرج شرکت نفت ساخته بودند. اهالی آبادان به لتر مزبور و محفل آنها (شیطون خانه) می گفتند. در موقع ملی شدن صنعت نفت و اخراج کارکنان انگلیسی از آبادان، لتر مزبور تعطیل و کلیه اثاثیه و لوازم آن موقتاً به بصره حمل شد. فقط تعدادی عکس اعضای لتر بدست ایرانیان افتاد که آنها مفقود شد و از بین رفت.

در سال ۱۹۵۲ که نخستین نشریه سالانه گراند لتر اسکاتلند منتشر گردید، این لتر تعطیل شد و متینگهای ماهانه آن برگزار نمی شد، معذالک اشخاص زیر ستهای مختلفی در آن داشتند :

W. H. Robinson, Barrington House, 8 Hepscoth, South Shields.

William Cunningham, 11 Blinkbonny road, Edinburgh. 4.

Jack Wiscombe, 3 Riverside, Woodmead Road, Lyme Regis, Dorset.

در سال های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ تغییراتی که در لتر مزبور داده شده فقط تعویض

دبیر لتر بوده. بدین ترتیب که در سال ۱۹۵۳ :

Frederick. T. Yorwarth, Beach Lodge, 11 Granville road. Littlehampton. Sussex.

دبیر لتر پیشاهنگ شده و سال بعد :

Jack Wiscombe, 3 Riverside, Woodmead road, Lyme Regis, Dorset.

بسمت دبیری انتخاب گردید. در سال ۱۹۵۶ نیز یکی از اعضای شرکت نفت عدن بنام (E. L. Allsup) دبیر لتر شد. لتر مزبور، با همان تشکیلات و سازمان اداره کنند.

در حال تعطیل بود، تا اینکه در سال ۱۹۵۷ با تصویب گراندر لژ اسکاتلند، لژ مزبور با همان نام به عدن منتقل شد. در عدن این لژ اعضای انگلیسی زبان عضو شرکت نفت را عضویت پذیرفته و هیئت رئیسه و اداره کننده ای باین شرح از طرف لژ برای شروع بکار لژ تعیین نمود:

W. H. Robinson, Barrington House, 8 Hepscott Terrace, South Shields.

William Cunningham, 11 Blinkbonny Road, Edinburgh, 4.

Walter J. Smith, 85 Dalkeith Road, Dundee.

John I. Hanson, c/o B. P. Refinery (Aden) Ltd. P.O. Box 80

Aden.

این لژ در دومین سه شنبه هر ماه جلسات تشکیل می شده و مدت ضیافت لژ از اکتبر تا اپریل هر سال بوده است. اثر مذکور نیز پس از سال ۳۴ در ایران منحل شد و به عدن منتقل گردید. از سال ۱۹۵۹ به بعد لژ پیشاهنگ در عدن در وقت لژ (فعال) و مشغول (عمل و کار) در آمده است. محفل آن از اکتبر تا بهار است. هر چهار شنبه هفته مسیحی در ماه، جلسات لژ مزبور تشکیل می شود. و بعداً این لژ بنام «Arabia Felix» نامیده شده است.

لژ شماره ۱۳۴۴ بنام مسجد سلیمان Masjid - I - suleman

لژ مسجد سلیمان در روز ۷ فوریه ۱۹۲۴ (بهمن ۱۳۰۲) یعنی یکسال و هفت ماه بعد از لژ پیشاهنگ آبادان برای انگلیسیان و تعداد معدودی ایرانی که انگلیسی تکلم می کردند، در منطقه مسجد سلیمان و اهواز تشکیل شد. لژ تا قبل از اخراج انگلیسها از آبادان، هر سه شنبه آخر ماه و از اکتبر تا بهار هر سال باز بود و فعالیت می کرد.

شرکت سابق نفت محل بزرگ و مجللی، مخصوص لژ ساخته بود که پس از انقلاب کلیه انائیه و لوازم آن برچیده شد و کاشیهای کف و دیوارها که به اشکال و طرحهای مزین بود تا تصرف تأسیسات نفت بوسیله ایرانیان همچنان باقی بود. چون

این محل بعداً محل حسابداری شرکت‌های عامل نفت شد، متصدیان امر روی کاشیها را با گچ سفید مستور کردند و کاشیهای کف محفل نیز تعویض شد.

از سابقه فعالیت این لژ مثل سایر لژهایی که در مناطق شرکت نفت سابق بود، هیچگونه اطلاعی در دست نیست و برای اولین بار در سال ۱۹۵۶ در نشریه سالانه گرانند لژ اسکاتلند، نام را بطین این لژ در حال تعطیل باین شرح نوشته شده است:

John Bernard, 18 Lansdowne Crescent Glasgow, N.W

James Pearson, Cemetery Lodge, East kilbride.

James Maitland, 8 Comely Bank Grove, Edinburgh, 4

Robert L. Cunningham, Victoria Motel, Largs.

در سالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ لژ مسجد سلیمان با همان نام و مشخصات، کماکان تعطیل بود و رؤسا و اداره کنندگان آنهم تغییری نیافتند. در سال ۱۹۵۵ فقط

James H. Mcnamare, 30 Prestwick Street, Glasgow, S. W. 3

با داشتن سمت (استادی) بریاست لژ در حال تعطیل برگزیده شد و به استاد و اداره کننده سالهای قبل این لژ، سمت دیگری دادند.

کسانیکه مسئول و اداره کننده لژ در حال تعطیل بودند، تا سال ۱۹۵۷ کماکان سمت‌های سابق را داشتند. در سال ۱۹۵۸ رؤسای لژ تغییر کردند و فقط یک نفر دبیر Robert L. Cunningham در پست خود باقی بود و برای سایر مشاغل مسئولی تعیین نشد.

از سال ۱۹۵۹ به بعد در کتاب سال گرانند لژ اسکاتلند، حتی شماره ردیف لژ مسجد سلیمان حذف شده است. چنین بنظر می‌رسد که گرانند لژ اسکاتلند این حقیقت مسلم را که انحلال لژ با اخراج انگلیسها از خوزستان کاریست انجام شده و اجتناب ناپذیر، قبول کرده است. منتهی چون امید به بازگشت انگلیسها به خوزستان در منطقه نفت خیز را داشته‌اند، لژ مزبور را به نام مسجد سلیمان حفظ کرده‌اند تا بار دیگر فعالیت خود را از سر گیرد.

نکته جالب توجه اینکه فراماسونری اسکاتلند، تا قبل از ملی شدن صنعت

ملت در ایران، لژ فراماسونری «اندربو مقدس» را که در بحرین فعالیت می کرد، زیر نظر لژ روشنائی در ایران قرار داده بود، که بعد از اخراج انگلیسها از آبادان، این لژ نیز زیر نظر لژهای خلیج فارس به فعالیت پرداخت. اینک این لژ را بطور عمال معرفی می کنیم :

لژ شماره ۱۴۴۱ بنام اندربو مقدس بحرین Bahrein st Andrew

لژ مزبور روز ۴ نوامبر ۱۹۴۸ در اوالی مرکز جزیره بحرین تشکیل شد. لژ هر ۱۵ روز یکبار آنهم روزهای سه شنبه تشکیل می شود و اعضای انگلیسی بحرینی در جلسات لژ شرکت دارند. مدت تشکیل لژ از سپتامبر تا می هر سال، در سالنامه سالانه از نشانی لژ ذکری نشده، فقط نام شماره صندوق پستی آن در نشریه آمده است. در لیست رؤساء لژ مزبور فقط نام منشی لژ مقیم بحرین، لژ مزبور جزو لژهای فراماسونی منطقه ایران است و رئیس آن استاد اعظم ایران می باشد.

در سال ۱۹۵۲ رؤسای لژ مزبور بدین شرح بوده اند :

Andrew Macbride C/O Sutherland, 144 Woodlands Road
Glasgow, C. 3

William P. Burgess, 227 Wilton Street, Glasgow, N. W.

George B. Watson, West End House, Pillochry.

C. H. P. Smith, P. O. Box 173. Awali, Bahrain Island, Persian Gulf

در سال ۱۹۵۳ هیچگونه تغییراتی در لژ بحرین داده نشد، ولی در سال

۱۹۵۴ بر تعداد جلسات سالانه آنها اضافه شده و در این تغییرات هر دو مین سه شنبه و مین چهار شنبه ماه جلساتشان تشکیل می شده است.

در سال ۱۹۵۵ کلیه رؤساء و کارگردانان همچنان مسئول اداره و واسطه لژ

نشد، ولی منشی لژ عوض شده است. این شخص بنام :

William M. Kil Gour, 113 Bangorshill Street, Thornliebank Glasgow

در سال ۱۹۵۶ در اداره کنندگان لژ در انگلستان و بحرین فقط يك تغییر

داده شده و آنهم دبیر لژ بوده است .

دبیر لژ در این سال :

Lawrence Johns, Box 471, Awali, Bahrein, Persian Gulf می باشد .

در ۱۹۵۷ بار دیگر دبیر لژ عوض شده و در کادر اداره کنند. در انگلستان

نیز تغییراتی باین شرح پیدا شده است :

Andrew Macbride, 144 Woodlands Road, Glasgow, C. 3

William P. Burgess, 227 Wilton Street, Glasgow, N. W.

George B. Watson, 52 High Street, Elie, fife.

E. W. Huschmann, P. O. Box 893, Awali, Bahrin Island, Persian Gulf.

در ۱۹۵۸ نیز بار دیگر دبیر لژ عوض شده ولی در سمتهای کارکردانان دیگر

تغییراتی داده نشده .

دبیر لژ در این سال: Alen H. Bland, Box 700 Awali Bahrein بوده است.

در ۱۹۵۹ نیز دبیر لژ بحرین عوض شده و يك انگلیسی دیگر بنام :

Herbert S. Clarkson, Box 118, Awali, Bahrain . میباشد .

سال ۱۹۶۱ :

در این سال دبیر لژ تغییر سمت یافته و Patrick A. Bishop, C/O Hapco 3

که ساکن خانه ۳۸ شهر اوال بحرین می باشد به سمت دبیر انتخاب شده است .

در سال ۱۹۶۲ نیز بار دیگر دبیر این لژ تغییر کرده و شخصی بنام

John D. Taylor بدین سمت منصوب گردیده است .

در سال ۱۹۶۸ لژ اندریو مقدس بحرین در خیابان رفاه شرقی شهر منامه

تشکیل می گردد . نماینده و واسطه انگلیسی این لژ در ادنبورگ اسکاتلند :

W. S. Wallace, 17 Murray Field, Ave. می باشد .

و دبیر لژ در بحرین يك یهودی بنام: Samuel Barr, P. O. Box 268 مقیم خیابان

اوالی شهر منامه است. فراماسونها انگلیسی به علت عنادی که با ایرانیان دارند در آدرس

این لژ بجای خلیج فارس ، خلیج عربی ذکر می کنند .

لژ روشنائی در ایران، از روزی که شروع به کار کرد، محل
 تشکیلات محفل ماسونی و فعالیت خود را کلیسای انجیلی
 خیابان قوام السلطنه قرارداد. این کلیساکه در سال ۱۹۲۲ - م
 (۱۳۰۱ هـ) مقارن با تأسیس لژ روشنائی در ایران ساخته شد، بموجب قوانین ایران
 از اکثر مذہبی را از شرکت در فعالیت‌های سیاسی منع کرده است، حق نداشت
 فعالیت‌های غیر مذہبی شرکت کند. زیرا بموجب ماده ۳۵ قانون مدنی ایران:
 «هادت بر این جاری است که نمایندگان دیپلماتیک بتوانند در داخل مسکن
 عمودی داشته باشند» با اینکه مؤسین کلیسای انجیلی از روز آغاز فعالیت
 شده بودند که در امور سیاسی کشور مداخله نکنند، با اینحال اولیای کلیسای
 المی پنجاه سال است که به فراماسونها اجازه می‌دهند تا در داخل کلیسا اجتماع
 و با شرکت در بحث‌های سیاسی و مذاکرات دیپلماتیک، رسماً در امور که
 مربوط ارتباطی ندارد، مداخله نمایند. با وجودیکه در قوانین و مقررات موضوعه
 صریحاً اینان را از فعالیت در امور غیر مذہبی منع کرده^۱، با اینحال
 کشیش امریکائی کلیسا بیست سال کارگردان اصلی لژ روشنائی در ایران بود.
 در دوران بیست ساله سلطنت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر که تشکیل
 ملت غیر ایرانی قدغن بود، فراماسونهای انگلیسی و امریکائی بنام انجام

۱ - بموجب مصوب نامه هیئت وزیران که عین آن در نشریه شماره سوم جلد اول شهرپور
 وزارت امور خارجه چاپ شده، پیردان مذاهب نمی‌توانند پیشوای مذہبی غیر ایرانی
 باشند و در امور سیاسی دخالت کنند. با اینحال بطوریکه دیدیم (بین) کشیش کلیسای
 بیست سال در خدمت تشکیلات مخفی انگلستان بود و به آنها خدمت می‌کرد.
 ماده از مصوب نامه را نقل می‌کنیم:

«اول - به پیردان کلیه مذاهب مختلفی که در کشور شاهنشاهی اقامت دارند راز مزایای
 جاریه کشور استفاده می‌نمایند اخطار می‌گردد که پیشوایان مذاهب خود را از پیردان
 مذاهب که تبعه دولت شاهنشاهی هستند انتخاب نمایند.»

دوم - پیشوایان انتخاب شده فقط در امور مذہبی شرکت خواهند نمود.

رحمه فرمان رئیس نیز همایون و از جناب حنا بی را شد استاد اعظم

و رئیس بزرگ نیز شرق اکبر مثالی عالمی

بنام خدای آفریدگار - مهندس کون اعظم -

شرق بزرگ مثالی عالمی - از طرف رئیس اعظم

بنوده بنایان آزاده حقیقت پرور قدیم و پذیرفته در میان دولتهای عالم به بنایان آزاد ما ، با احترام نام ، و به آنان که به احترام و حرمت فائق آمده در رؤسای محترم و به برادران عزیز ... سلام نام و بزرگداشت و اکرام

اما بعد - ما اطلاع یافتیم که برادران گرامی ، استاد ما آقایان محمد خلیل جواهری و دکتر

احمد هومن و محمود هومن و مینا لایو دین و جعفر راند و محمد علی امام و محمد قریشی و ارست هرون خواسته اند که در باره ایجاد محفلی از محافل بنایان آزاده حقیقت پرور بنام محفل همایون تصمیم شود که تابع محفل بزرگ مثالی عالمی امور اطوری ایران باشد در تحت نظام های شرق اکبر مثالی . و بسبب آنچه از قدرت فرمان جهانی ، ما راست ، که اصول بنایت آزاده اقتضای آنرا داد و خواست آنان را بپذیریم ، و ما خواهش آنهارا با لیلیک اجابت کرده و بنایت توصیه از محفل بزرگ آنها را بپذیریم . و به علت اینکه ما به ایشان وثوق و اعتماد داریم موافقت کردیم به ایجاد محفلی اقدام شود به نام محفل همایون بشماره $\frac{1}{48}$ که در شرق - تهران - ایران دایر شود و بدین محفل در زمان اجتماع قانونی خود اجازه دادیم که طالبان را بپذیرد و آنهارا با سرار بنایان آزاده آگاه نماید و برادران ما را بدرجه دوم و سوم ارتقاء دهد و نیز غیر از اینها طالبانی را که بخواهند ملحق شوند ، پذیرا شود و اعمال دیگری که بحسب دستور ماسونی جهانی باشد و موافق با نظام و احکام داورى آن ، قبول نمایند .

جهت اجابت به تقاضای این گروه از برادران ، آقای محمد خلیل جواهری را رئیس محترم این محفل انتخاب کردیم و آقای دکتر احمد هومن را به عنوان استاد ارجمند اول و آقای محمد علی امام را به سمت استاد ارجمند دوم او برگزیدیم . و بر عهده رئیس محترم است که محفل را بنام آفریدگار بزرگ جهان بگشاید ، و با اداره اعمال آن قیام نماید و بگرداندن امور آن اهتمام کند تا آنجا که او برای خورش جان شبی از برادران محترم سابق و یا از کسانی که عهده دار و نایب بنائی در محفل حقیقت پرور منظم باشد ، برگزینند ، و پس از انتخاب بر کسی ریاست خود به نشیند بر حسب اصول بنایان آزاده کهن تا او را قدرتی کامل باشد که با آن ، قیام بوظایف خویش را قندیر نماید . و ما باو تأکید می کنیم ، کسانی که از برادران با او همکاری می کنند اعتماد کنند و از آنها اعتماد بگیرد و آنهارا به هدایت و آگاهی راهبر باشد ، و اینکه چنانکه به تصور فرمان و نظام عمومی و قرارهایی را که شرق اکبر مثالی عالمی ، و محفل بزرگ مثالی وطنی هم قسم صادر کرده و می کنند ، عمل کنند ، و اینکه با این آئین نامه داخلی جهت اداره محفل بنویسند بطرزى که مخالف قوانین و دستورات ماسونی مثالی عالمی و نظام عمومی نباشد بعد از تنظیم این آئین نامه داخلی ، آنرا برای گواهی از طرف محفل بزرگ حقیقت پرور امهر اطور ایرانی تسلیم برایشان برای ما بفرستند و اینکه متعهد به لایحه و جمیع مواهید آن باشند و بوعده وفا کنند و به پیمان خویش عمل نمایند ، که از پیمان سؤال کنند .

و بموجب این فرمان به آنها اجازه میدهم که بدان عمل نمایند تا زمانیکه بر این وصایا محافظ و مطیع باشند و در سجل عمومی مقید باشند .

این فرمان صادر شد از طرف بنایان آزاده حقیقت پرور جهانی بدستور ما مهر زده شد به مهر شرق اکبر مثالی عالمی در شهر قاهره و بیروت - روز شنبه ۲۴ نوامبر ۱۹۵۱ موافق ۲۳ نوامبر سال ۱۳۵۱ از تاریخ عمومی مهر جا مل ختم اعظم - مهر و امضاء خزانه دار کل - مهر معمار بزرگ - کاتم - بر اصنام - رئیس دیوان اعظم - استاد اعظم

سماخ بنایان آزاد



نمای خارجی کوسای انجیلی که بنام هیادشگاه ساخته شده ، دلی فراماسونهای انگلیسی آنرا سماخ بنایان آزاد می نامند و جلسات لز را در آنجا تشکیل می دهند



دریچه ای که شب های سه شنبه هفته چهارم هر ماه مسیحی پرست در ورودی کوسای انجیلی نصب می شود ، این دریچه کیسه سیاهی است که نگهبان داخلی لز روشنائی با آن ناز و وارد را می بیند و علامت مخصوص را رد و بدل می کند

مراسم مذهبی از ساعت شش بعد از ظهر، روزهای سه شنبه چهارمین هفته هر ماه مسیحی، در یکی از سالن‌های اجتماعات مذهبی کلیسای انجیلی گرد می‌آمدند، لژ روشنائی در ایران را تشکیل می‌دادند که تا به امروز نیز تشکیل این جلسات ادامه دارد.

چون در ایران همواره آزادی مذهب وجود داشته و پیروان مذاهب مختلف الهام آداب و رسوم مذهبی خویش آزادی کامل داشته‌اند، فراماسونهای عضو لژ، با سوء استفاده از این آزادی و به عنوان تشکیل جلسات مذهبی، در این لژ اجتماع کرده و می‌کنند.

تشکیل این جلسات، همراه با تشریفات جالب و مراسم خاصی است که در غیر ماسون از آن آگاهی ندارند. و این مراسم بدین نحو است که یکساعت از آغاز مذاکرات رسمی لژ، دو نفر از اعضای کرسی روشنائی در ایران که سمت مأمور تشریفات و دبیر انتخاب شده‌اند، سالن را تزئین کرده، پرچم موصوف لژ روشنائی را با مثلثی که چشم خدای فراماسونها در آن نقش شده است، راه با سایر تزئینات بدر و دیوار نصب می‌کنند. در ساعاتی که جلسات لژ تشکیل می‌شود، مشغول فعالیت است، بمنظور استتار محل دریاچه‌های سالن که با شیشه‌های آینه‌ای تزئین شده، با پرده‌های سیاه پوشانیده می‌شود و برای اینکه (غیر ماسون) وارد این سالن نشود، در خارج ساختمان دو مستخدم واردین را کنترل می‌کنند. وقتی اعضای لژ از در ساختمان وارد سالن کوچک و رخت‌کن می‌شوند، همان داخلی لژ که قبلاً برگزیده و انتخاب شده است و شمشیر برهنه‌ای در دست دارد، ترازو را یکبار دیگر و بدقت کنترل می‌کند. آنگاه عضو دومت راست خود را به محفظه مثلث شکلی که از آن طرف سالن یا پارچه‌ای بطول نیم متر و بشکل آستین کت احداث شده است، فرو می‌کند و نگاهبان داخلی لژ که در آنسوی دیوار است دست می‌دهد. لازم به یادآوری

است، که فراماسونها برای اینکه همدیگر را بشناسند، بطرز مخصوصی با هم دست می‌دهند و با انگشتان دست، مخصوصاً با انگشت سیابه دست راست علامت لژ را بطرف منتقل می‌کنند. همینکه نگهبان داخلی شمشیر بدست، مطمئن شد که تازه وارد بیکانه نیست، دیورودی داخلی سالن لژ را باز می‌کند و اجازه ورود به معبد را می‌دهد. هنگامی که کار لژ پس از چهار ساعت پایان یافت، مأثور تشریفات لژ با کمک دو نگهبان داخلی و خارجی، همه علائم و عکس‌ها و پرچم لژ و سایر لوازم تزئینی را جمع کرده، داخل چمدانی می‌گذارند و آن را به منزل دبیر لژ و یا محل دیگری که قبلاً در باره آن با استاد اعظم توافق شده است، می‌برند.

در سایر لژهای فراماسونری که دارای محل مخصوص و محفل و معبد هستند، چنین تشریفات صورت نمی‌گیرد، زیرا اماکنی که برای لژها تعیین شده، در اختیار اعضاء کرسی انتخاب شده می‌باشد و نگهبانی سالن و اطاق‌های پذیرایی و دفتر و رخت‌کن با استاد اعظم و دبیر لژ است.

بدین ترتیب ملاحظه فرمودید که چگونه در راه تأمین اغراض و هدف‌های سیاسی و استعماری، حتی مذهب و الهیات نیز بصورت بازیچه و ابزار و وسیله در می‌آید. یعنی محلی که با تکیه به معتقدات معنوی انسان و برای انجام فرایض و آداب و مراسم مذهبی بنا شده است، با سوء استفاده از اصل آزادی مذهب و زیر سرپوش تشکیل اجتماعات مذهبی، بمرکز توطئه و محل تشکیل جلسات سیاسی و دخالت در امور کشور مستقلاً که هدفش تأمین (سیاست مستقل ملی) است، مبدل می‌گردد.

از سال ۱۹۲۲ - م (۱۳۴۰ - ه) که کلیسای انجیلی تهران بنا شده است، تا با امروز - یعنی نزدیک به نیم قرن - هر ماه یکبار و در حقیقت متجاوز از شصت جلسه و اجتماع لژ فراماسونری انگلیسی درین کلیسای مذهبی امریکائی که بنام مسیحیت و خداپرستی بوجود آمده، تشکیل شده است. و اعضای لژ روشنائی در ایران، زیر سرپوش اجتماعات مذهبی و در پناه ساختمان کلیسا، بیش

از ششصد بار در جلساتی که هدف آن مذاکرات سیاسی و دخالت در امور کشوری که به آنها آزادی اجتماعات مذهبی داده است، شرکت کرده و به بحث و مذاکره، پرداخته‌اند. اینکاش روزی می‌آمد که این لایدهای فساد (مذهبی و سیاسی) درین مملکت برچیده می‌شد تا مردم میهن ما از تحریکات و دسیسه‌ها رهائی می‌یافتند.^۱

۱- تاریخ تأسیس کلیسای انجیلی تهران بموجب نوشته دکتر «جوان‌الدین» بدین شرح است: «... ناده اول پس از سال ۱۹۲۰، در شهر تهران دو کلیسای انجیلی وجود داشت، که یکی مخصوص ارمنیان بود، و دیگری به مسیحیان فارسی زبان اختصاص داشت. چون عده مسیحیان فارسی زبان رو به فزونی نهاد، آن‌ها تصمیم گرفتند برای خود پریشگاهی بنا کنند. در سال ۱۹۲۲ کلیسای تهران بنام «کلیسای انجیلی تهران» موسوم گشت، ولی هنوز دارای دو شعبه با دو سازمان متفاوت بود. در سال ۱۹۳۳، این دو سازمان بهم ملحق گردیدند.

هنگام تعطیل مدارس میسیون، کلیسای تهران نیز آموزشگاهی بنام دبستان مهر تأسیس نمود، که هنوز پرجاست... در فصول قبل باشغال شهر رشت در سال ۱۹۲۰ توسط کمونیست‌ها، و تاراج اناتیه میسون اشاره شد [منظور از کمونیست‌ها، حزب کمونیست احسان‌الدخان می‌باشد که بنام فرقه کمونیست خوانده می‌شد،] نقل از (تاریخ میسون امریکائی ایران ترجمه مهیل آذری ص ۹۵).

فنگ

نفرت

نفرتین

بر آن

ایرانی

که دست پیگانه‌ای ببوسد

ناظر اعظم لژ فاحیه ایران



کریستوفر استحق‌ق‌ری استاد اعظم و ناظر اعظم لژ فاحیه ایران که شصند
ایرانی پر دست از بوسه می‌زنند ۱۱

کریستوفر اسحق فری یهودی الاصل تبعه انگلیس

اکنون می‌پردازیم به معرفی یکی از برجسته‌ترین اعضای لژ روشنائی در ایران که هم اکنون بر دوازده لژ دیگر وابسته به سازمانهای جهانی گرانده لژ اسکاتلند در ایران ریاست دارد. او که دو سال قبل به سمت ناظر اعظم لژهای انگلیس در ایران انتخاب شده، «کریستوفر اسحق فری» نام دارد و تبعه انگلیس است. این انگلیسی یهودی الاصل^۱ که مدعی پیروی از مذهب مسیح است از چهل سال قبل تا کنون در ایران بسر می‌برد. از سوابق او در انگلستان هیچ اطلاعی در دست نداریم ولی از دوران اولیه خدمتش در شرکت سابق نفت گزارشهای تأسف آمیزی موجود است.

او زمانی در تجارخانه شرکت نفت و بعدها در سازمانهای کسب اطلاعات شرکت سابق نفت فعالیت داشت و آخرین پستش ریاست اداره کارگزینی بوده است که پس از ملی شدن صنعت نفت به خدمتش خاتمه داده‌اند. فری پس از اخراج از ایران به عراق رفت و مدتی در بصره علیه دولت ایران فعالیت می‌کرد، ولی بعداً به ردزیا رفته و پس از دو سال بار دیگر به تهران بازگشت. شغل ظاهری او نمایندگی شرکت‌های انگلیسی در ایران و داد و ستدهای بازرگانی است. دوران فعالیت سیاسی و فراماسونری کریستوفر فری از سال ۱۹۴۵ - م (۱۳۲۴ - ش) در شهر آبادان آغاز می‌شود. بدینترتیب که او در این شهر وارد لژ پیشاهنگ Pioneer که لژ شماره ۱۳۰۵ - وابسته به لژ اسکاتلند بود، شد. او در سال ۱۹۵۰ - م (۱۳۳۰ - ش) به لژ روشنائی در ایران پیوست^۲ و پس از اینکه بدستور حکومت وقت ایران از خدمت در شرکت نفت اخراج شد، فعالیت فراماسونری خود را در لژ فراماسونری (فیحا Faiba شماره ۱۳۱۱) که یکی از لژهای تابعه اسکاتلند

۱ - در سالنامه سال ۱۹۶۸ - گرانده لژ اسکاتلند اسم اول او را اسحق Isaac ذکر می‌کنند و این خود بهترین دلیل یهودی بودن اوست. رجوع شود به صفحه ۲۱ سطر ۱۶ سالنامه سال ۱۹۶۸.
۲ - ایضاً ص ۲۱ سالنامه سال ۱۹۶۸ گرانده لژ اسکاتلند.

در بصره است و اساس آنرا پسران شیخ خزعل بنیان نهاده‌اند دنبال کرد. در سال ۱۹۵۳ - م (۱۳۳۲ - ش) که مجدداً به ایران بازگشت باردیگر در لژ روشنائی در ایران فعالیت خود را از سر گرفت و به موجب مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۸ گراند لژ اسکاتلند در بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷ (۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶) یکی از معروفترین و فعالترین اعضای لژهای انگلیسی در ایران بوده است، بطوریکه در کتاب سال مذکور، این دوران از فعالیت او را با عنوان «Master Thereof» توصیف کرده‌اند. هنگامی که لژ تهران شماره ۱۵۴۱ وابسته به لژ اسکاتلند که مؤسسين آن در بصره، زیر نظر شیخ خزعلی به افتخار عضویت در سازمانهای فراماسونری درآمدند و این لژ در تهران تأسیس شد، اسحق فری عضویت لژ تهران در آمد و از آن پس در سایر لژهای فراماسونری ایران نقش اصلی و اساسی را داشته است و دارد. فعالیت او در لژهای انگلیسی، بدان پایه و مقام رسیده که استاد اعظم لژ اسکاتلند به این یهودی انگلیسی مقام **Honorary Junior Grand Warden** را داده است. کریستوفر اسحق فری یهودی‌الاصل که همه جا نظاهر به دیانت مسیح می‌کند، از روزی که از خدمت شرکت نفت اخراج شده تا به امروز عنوان اداره چندین شرکت و مشاغل گوناگون را داشته است و هم اکنون نیز در پناه این عناوین به زندگی سیاسی، اجتماعی و فعالیت فراماسونری خود ادامه می‌دهد. چنانکه اینک به اتفاق یوسف مازندی - برادر همسر درگذشته‌اش - شرکت **ASCO** در خیابان سپهبد زاهدی را اداره می‌کند.

این یهودی انگلیسی که در سازمان فراماسونری به مقام «ناظر اعظم» لژ «ناحیه ایران» رسیده است، بالاترین مقام را در سازمان ماسونی ایران دارد. او برپایه نظر از فراماسون‌های انگلیسی، تبعه ایران حکومت می‌کند، و این گروه ناچارند دست او را ببوسند و فرامین او را بدون درنگ و چون و چرا اطاعت و اجرا کنند. فراماسونها از روزیکه تأسیسات خود را در جهان گسترش داده‌اند تا به امروز همواره مدعی بوده و هستند که معلم اخلاق، مجسمه شرافت و درستی و پاکدامنی

۱ - در اصطلاح فراماسونری این گونه انقلابات را (Affiliated) می‌گویند.

می‌باشند. شاید بتوان قبول کرد که در بین فراماسونهای ایرانی، در گذشته و حال مردان شرافتمند، درستکار و طرفدار حق و عدالت، و معتقد به دیانت اسلام و وجود ذات باری تعالی، وجود داشته و دارند. چنانچه هم اکنون نیز در اجتماعات فراماسونهای ایرانی - و در لژهای وابسته به انگلیس، فرانسه، آلمان و لژ مستقل ایران که وابستگی به هیچیک از سازمان‌های جهانی را ندارد - چنین افرادی یافت می‌شوند. اینان در اجتماع ایران نیز به نیکنامی و پاکدامنی مشهور هستند و خود نیز بدین صفات عالیله انسانی اعتقاد دارند.

ولی بطوریکه در جلد چهارم همین کتاب خواهد آمد^۱ عده‌ای از فراماسونهای کنونی ایران مورد تنفر عامه مردم هستند، بلکه در محاکم دادگستری ایران - سوابقی داشته‌ودر بسیاری از سوء استفاده‌ها و سوء جریانات سهم و شریک بوده‌اند. و هنوز هم هستند... و پرونده‌های بعضی از آنها به پایه محکومیت قطعی نیز رسیده است.

به عنوان مثال همین اسحق فری ناظر اعظم فراماسونری ایران و کسیکه یانصد فراماسون ایرانی مجبور به بوسیدن دستهایش هستند، پرونده‌هایی در شعبه اول دادسرای تهران واقع در خیابان فرصت دارد که خلاصه‌ای از آنرا برای شناختن هر چه بیشتر این استاد اعظم و رهبر سازمان فراماسونری انگلیس در ایران، نقل می‌کنیم: این پرونده‌ها که به شماره ۴۶ - ۲۹۸۹ و ۴۷ - ۴۹۰ در شعبه اول دادگاه بخش تهران تشکیل شده مبنی بر ادعای او علیه بانو «انی مازندی» مادر همسر فقید او «رزی مازندی» است. قبل از اینکه خلاصه پرونده او را نقل کنیم لازم است، شمه‌ای از زندگی خانوادگی وی را که منجر به طلاق همسر او و ازدواج با رزی مازندی شده است، بنظر خوانندگان ارجمند برسانیم:

۱ - در جلد چهارم سوابق انگین سوء استفاده و محکومیت سی و هفت نفر از صاحبان مقام فراماسونری کنونی ایران با اسناد و مدارک انکارناپذیر منعکس شده است، که در ایتالیا زیر چاپ می‌باشد.

هنگامیکه اسحق فری به ایران آمد همسری بنام «مادلین ماتیلدا» داشت که او را بنام خانوادگی شوهرش «مادلین فری» می نامیدند. دوران زندگی این زن و شوهر همیشه با نزاع و کشمکش توأم بود. و با اینکه آنان يك پسر و يك دختر نیز داشتند، با اینحال فری در ۲۹ مه ۱۹۴۷ همسرش را طلاق داد. در این ایام رزی مازندی در آبادان در شرکت سابق نفت کار می کرد. و اسحق فری نیز سرکارگر چهارخانه و با اصطلاح کارگران نفتی (فورمن) بود، «رزی» در این ایام دو خواستگار داشت. نخست یک نفر هندی با مقام و درآمد بیشتر و دیگری اسحق-رزی کارگر چهارخانه که همسر اولش را طلاق داده بود. فری بعد از چندین سال الف و آمد به خانه مازندی سرانجام «رزی» را حاضر به ازدواج با خود ساخت. وجود اینکه بین اسحق فری متولد هفتم ماه ۱۸۹۸ - با «رزی» که از او بیست سال جوان تر بوده است، اختلافات سنی زیادی وجود داشت. با اینحال «رزی» حاضر به ازدواج با اسحق شد. قبل از انجام مراسم عقد بموجب قوانین مدنی ایران «اسحق فری» که مذهب خود را مسیحی اعلام کرده بود می بایستی به دین اسلام درآید. زیرا بموجب ماده ۱۹۵۹ قانون مدنی ایران (نکاح مسلمة با غیر مسلم جایز نیست) به دنبال این ماده قانون، قانونگذار ماده دیگری تصویب کرده که می گوید: (ماده - ۱۰۶۰ ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در موردی هم که تابع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است).

بناچار اسحق فری در محضر یکی از علمای شرع (احتمالاً مرحوم آیت الله بهبهانی بوده) به دین اسلام در آمده و نام «علی» را بجای «اسحق» بر روی خود گذاشت. سپس ازدواج این دو که در تهران انجام شد، در محضر رسمی نیز به ثبت رسید و در قباله ازدواج مذهب زوجین مسلمان عنوان شده است. ولی ملیت رزی مازندی «ایرانی» و ملیت «علی فری» انگلیسی به ثبت رسیده است.

۱ - دختر باقی مانده از «مادلین» شغل اولیه اش اریست. در مراجع مختلف بوده که هم اکنون همسر يك امریکائی نرومقد است. پسرش نیز خلبان هواپیماست.

در حرفه‌چین را که عضو حزب منحلّه توده نبودند، به‌اختیار گرفتیم و کلیه اوراق لثرا به صورت حروف و صفحات درآوردیم و همین دو تن را به کار چاپ آنها واداشته از اواخر سال ۱۳۳۰ شمسی (۱۹۵۲ م) فعالیت زیرزمینی ما با رعایت کلیه آداب و رسوم مخفی برای قبول عضو جدید و تشکیل جلسات شروع شد. البته در جلسات لباس رسمی نمی‌پوشیدیم. زیرا وسیله و محل تعویض لباس و سایر تشریفات در اختیارمان نبود. فقط سوگندنامه‌ای تنظیم کردیم که هر کس می‌خواند خود به‌خود عضو لثر همایون می‌شد. به‌عظم سوگندنامه را دکتر احمد هومن انشاء کرده و در آن چنین نوشته شده بود:

بنام با عظمت معمار بزرگ جهان

من ... از سکنه ... و تبعه ... بخداوند بزرگ و به کتاب مقدس و عزیز و به شرافت خودم قسم می‌خورم که نسبت به لثر خودم همایون که تابع لثر بزرگ ایده‌آلی جهانی است وفادار باشم و عملی کردن آئین‌نامه‌ی اساسی و داخلی آنرا عهده‌دار گردم و به پادشاهم و دولتم و میهنم شرافتمندانه و صمیمانه و صادقانه خدمت کنم و از شرافت خود و خانواده‌ام محافظت نمایم و نسبت به برادرانم در لثر و هر برادری که از عشیره آزاد است وفادار باشم و هیچگاه وجود خداوند یا یکی از ادیان آسمانی را انکار نکنم و هر تکب هیچگونه عمل زشتی تشوم که از مقام عشیره من بکاهد. و خانواده برادر فراماسون خود را خانواده خود و پدر و مادرش را پدر و مادر خویش و زنش را خواهر خود و نیز خواهرش را خواهر خود و دخترش را دختر خود و فرزندان او را فرزندان خود بدانم و تعهد می‌کنم که اسرار فراماسنی را فاش نکنم و راجع بر موز با کلمات یا اشارات آن چیزی ننویسم و نگویم و آنچه از دستم برآید در راه خدمت به برادران فراماسنیم دریغ نکنم و نسبت به فقراء و نیازمندان مساعدت نمایم و نسبت به بیماران مهربانی کنم و همیشه در راه خدمت به بشریت بکوشم و از آلام و دردهای آن بکاهم و دایم در فکر ایجاد نقشه‌های انسانی و عمرانی بشفع برادران فراماسنیم علی‌الخصوص و به

پس از اینکه زوجین از تهران به آبادان رفتند «فری» که در پاسپورت انگلیسی‌اش نام او را کریستو فرایزاک (اسحق) فری نوشته‌اند، ازدواج با همسرش «رزی مازندی» را در جون ۱۹۴۷ - م (تیر ماه ۱۳۲۶) به کنسولگری انگلیس در خرمشهر اطلاع داد. از دوران زندگی مشترک این دو نفر که بیست سال و سه روز بطول انجامید، ذکر نمی‌کنیم، زیرا نمی‌خواهیم وارد خصوصیات اخلاقی طرفین و اختلافات خانوادگی استاد اعظم فراماسونری که می‌بایستی مری اخلاق و مجسمه درستی و درستکاری باشد - بشویم. همینقدر می‌گوئیم که رزی مازندی مبتلا به ناراحتی اعصاب شده، تا جائیکه مرتباً با خوردن قرص‌های خواب آور، اعصاب خود را تسکین می‌داد. او هر چند سال یکبار وصیت‌نامه‌ای می‌نوشت که یک نسخه از آن را به مادرش و نسخه دیگری به خواهرش که همسر کاشانی (عضو کنسرسیوم) و فراماسون لژ آریا وابسته به اسکاتلند است، می‌سپرد.

در روز اول مرداد ۱۳۴۶ که مدت دو سال مهلت وصیت‌نامه‌اش بسر آمده بود، بار دیگر وصیت‌نامه‌ای به وسیله هاشین نویس کنسرسیوم نوشت که نسخه‌ای از آن را به همسرش «اسحق فری» و نسخه دیگری به «لیلی کاشانی» خواهرش سپرد. در وصیت‌نامه خواهرش مبلغی از موجودی یکی از بانک‌های انگلیس را به او بخشیده و مبلغی را نیز به مادرش اختصاص داده بود. جالب توجه اینکه در سال‌های اخیر «رزی مازندی» از زندگی خانوادگی خود ابراز تنفر می‌کرده و همواره از عملیات و کارهای عمومی شوهرش شکایت داشته است. در همین ایام «اسحق فری» به - همسرش پیشنهاد می‌کند که پس از آغاز تعطیلات تابستانی لژهای فراماسونری به اتفاق او به انگلستان برود. با اینکه رزی تبعه ایران بود، با اینحال همسرش با کمک دوستان فراماسونرش در سفارت انگلیس برای او پاسپورت انگلیسی می‌گیرد. و حال آنکه تا آن تاریخ در همه اسناد رسمی و پرونده کنسرسیوم، ملیت او را ایرانی نوشته‌اند، و هیچ مجوز و مصوبه‌ای نیز وجود ندارد که باستناد آن، دولت ایران به وی اجازه ترك تابعیت داده باشد.

پاسپورت و ویزای کنسولگری انگلیس روزه ۱۸ جولای ۱۹۶۷ صادر می شود. «رزی فری» راضی به رفتن به انگلیس نبوده و به دوستان و اقوامش گفته بود: «جمهور به عزیمت از ایران شوم نمی دانم چه کنم... از طرفی همسرتن اصرار است که با اتفاق وی عازم انگلستان شود. این کشاکش خانوادگی ادامه داشته تا اینکه روز ۱۴ جولای (۳ مرداد ۱۳۴۶) موقعیکه مستخدم منزل طبق نامه همه روزه، برای بیدار کردن «رزی» می رود و روزنامه را به اطلاق خواب آلودها می برد، وی را نیمه جان می یابد. بلافاصله برادر و مادر و همسرش او را به بیمارستان رضاییه لوی شیران می برند ولی معالجات مؤثر واقع نمی شود و در بیمارستان فوت می کند.

مرگ رزی در دفتر گورستان به شماره ۸۶۸۱ روز سوم مرداد ۱۳۴۶ ثبت است و او را در محل مقبره «ظهیرالدوله به خاک سپرده اند. در جواز دفن هویت مشارالیه را بموجب شناسنامه شماره ۴۳۳۲ سلمان و تبعه ایران ثبت کرده اند، مراسم ختم او نیز در مسجد مجدد و هفته و چهارم در گذشتش را در سر «ظهیرالدوله، طبق آئین اسلام برگزار کردند.

يك هفته بعد از خاتمه تشریفات مذهبی خانواده مازندی و اسحق فری دور جمع می شوند و موضوع ماترك و باقیمانده دارائی «رزی» را مطرح می کنند. این جلسه ابتدا خانم لیلی کاشانی نوشته و وصیتنامه او را عنوان کرده و عین الهای را که همراه داشته بدست «فری» داد. ولی او نوشته رزی را در حالیکه گریست پاره کرد و گفت: «بین من و برادران فراماسونم (یوسف مازندی و کاشانی) مادر رزی کاغذ و نوشته لازم نیست و بزودی ترتیب تقسیم ارثیه و ماترك آن بر خودم در می دهیم، چندی بعد اسحق فری و مادر مازندی مشترکاً و کالئنامه ای به صادق بهداد وکیل پایه يك دادگستری دادند، تا وی پرونده انحصار وراثت را در

محاكم دنبال کند. صادق بهداد به علت دوستی که با یوسف مازندی دارد، حاضر شد و کالت افتخاری مادر او را بپذیرد، و موضوع را تعقیب نماید. پس از این توافق، او از طرف بازماندگان «رزی» عرضحالی به شعبه اول دادگاه بخش تسلیم کرده و پرونده‌ای با شماره ۴۶-۲۹۸۹ تشکیل شد، ولی ناگهان اسحق فری یهودی‌الاصل که خود را مسیحی و همسرش را نیز پیرو همین دین معرفی می‌کرد، با انتخاب سید محمد باقر حجازی بوکالت خود، عرضحالی به همین دادگاه تسلیم کرد و باستناد قوانین مسیحیت از دادگاه خواست که مادر همسر و سایر افراد خانواده‌اش را از حق الارث محروم کند. اسحق فری در عرضحال ۱۲ خرداد ۱۳۴۷ - و هم چنین در پرونده ۴۷/۴۹۰ می‌نویسد: طبق ورقه نکاحیه ثبت شده در کنسولگری انگلیس بانوی مزبور عیال اینجانب تبعه انگلستان می‌باشد و طبق قوانین انگلستان کلیه دارائی آنسرحومه به اینجانب تعلق دارد.

دارائی شخصی «رزی» عبارت بود: از يك خانه چهار هزار متری در نیاوران به ارزش يك میلیون و پانصد هزار تومان - موجودی او در بانك انگلیس (که قبل از خاتمه انحصار وراثت «فری» آنها را برداشت کرده بود)، موجودی دفترچه پس انداز بانك ایران و انگلیس شعبه تخت جمشید - حساب سیار شماره ۵۱۸۹۰ بانك بازرگانی مرکز و سایر دارائی نقدینه‌اش باضافه جواهرات و البسه...

مادر مازندی که بانوئی بدون درآمد و حقوق بازنشستگی است، و سال‌ها قبل همه دارائی و عیالک خود را به دخترش «رزی» داده بود، وقتی با این رفتار و رویه استاد اعظم فراماسونی که خود را معلم اخلاق و رهبر بیش از پانصد فراماسون ایرانی و مدافع (آزادی، برابری و برادری) می‌دانست، روبرو شد، از وکیل افتخارش تقاضا کرد تا عرضحالی علیه «فری» به محکمه بدهد. صادق بهداد در عرضحال تقدیمی به محکمه به دلایل زیر ادعای امتداد فراماسونها را ناصحیح و غلط می‌داند:

- ۱ - رزی مازندی تا هنگام فوت ایرانی بوده و شناسنامه ایرانی داشته است .
- چنانچه سند فوت او بموجب شناسنامه شماره ۴۳۳۲ تنظیم و باطل شده است .
- ۲ - هیچیک از زنان مسلمان نمی توانند ، به عقد مرد غیر مسلمان در آیند ، مگر اینکه شوهر او قبل از ازدواج مسلمان شده باشد .
- ۳ - طبق ماده ۹۸۸ قانون مدنی هیچیک از اتباع ایرانی نمی توانند ، تبعیت خود را ترك کنند ، مگر با اجازه و تصویب هیئت وزیران .
- ۴ - رزی مازندی بموجب شناسنامه شماره ۴۳۳۲ که تا زمان فوت معتبر بوده و همچنین طبق اسنادی که در اوراق هویت او در پرونده استخدامیش در کنسرسیوم موجود است ، تابعیت ایرانی داشته و برای تکمیل اثبات ایرانی بودن او به حساب های او در بانکهای زیر استناد می شود :
- ۱ - بانک ایران و انگلیس شعبه تخت جمشید که در سند شماره ۱۰۲۰۶۲ - ملیت او را ایرانی ذکر کرده اند .
- ۲ - حساب شماره ۵۱۸۹۰ بانک بازرگانی مرکز .
- ۳ - حساب بانک اعتبارات شعبه نادری ساختمان آلومینیم .
- (که خود آن مرحومه در همه این موارد ملیت خود را ایرانی اعلام کرده است .)
- ۵ - هیچ تبعه خارجی حق داشتن ملك غیر منقول در ایران ندارد . و حال آنکه طبق سند شماره ۱۰۳۰۱۹ - رزی مازندی صاحب ملك شخصی در نیاوران است .
- ۶ - هیچ تبعه خارجی نمی تواند در ایران اقامت نماید مگر اینکه اداره گذرنامه شهر بانی به او ورقه اقامت بدهد ، و هویت و محل اقامت و سایر مشخصات او در پرونده ها و اسناد اداره اتباع خارجی مقیم ایران ثبت شده باشد .
- ۷ - هیچ تبعه خارجی حق اشتغال بکار در ایران را ندارد ، مگر با اجازه وزارت کار . حال آنکه رزی مازندی از بدو استخدام در شرکت نفت همواره خود را تبعه ایران دانسته و احتیاج و لزومی بداشتن ورقه کار نداشته است .

۸ - بموجب قبالة ازدواج موجود در پرونده دادگاه بخش زوجین مسلمان هستند و ثبت ازدواج آنان که اسحق فری مدعی است در کنسولگری انگلیس ثبت شده، صحیح نبوده و کنسولگری مذکور حق ثبت این ازدواج را نداشته است. بعد از تقدیم این عرضحال به دادگاه ساعت ۸ صبح روز هفتم آبانماه ۱۳۴۷ را برای رسیدگی به عرضحال اسحق و دلایل و مدارك اشاره شده وکیل مدافع تعیین کرد. ... البته اسحق منتظر اعلام رأی دادگاه نشد و در حدود دو ماه قبل از تشکیل جلسه دادگاه با سومین همسر خود - عیال سابق مرحوم حاجی استاد لثرفراماسونی تهران - ازدواج کرد. این زن وارث چندین میلیون تومان ثروت از شوهر درگذشته خویش است.

امید است با مطالعه این شرح اجمالی بخصوصیات اخلاقی، زندگی اجتماعی و بطور کلی رفتار و کردار مردمی که مدعی پیامبری اخلاق و تمدن و عالیتترین خصوصیات انسانی هستند واقف شده باشید. منظور از انعکاس این مطالب فقط و فقط هشدار به آن گروه از ایرانیان پاك نهادی است که بدون آگاهی دقیق و کامل از منظوره‌های سیاسی و هدفهای استعماری بیگانگان، تنها به این دلخوشی که در راه اصلاح اصول اخلاقی و انسانی بشر گام برمی دارند، ناچار به دست بوسی و تبعیت از افرادی می شوند که خود فرسنگها از اخلاق و انسانیت بدورند. هشدار به کسانی است که با اطاعت کورکورانه‌ی خود از سازمانهای ساخته و پرداخته بیگانه، تنگ و نفرین ابدی را برای خود و خانواده و اعقاب خویش می خرند ... غافل از اینکه تاریخ قاضی عادل است که هرگز مرتکب گناه نمی شود. و تنگ و نفرت دست بوسی بیگانگان - آنهم با خصوصیات اخلاقی و اجتماعی اشاره شده - برای همیشه در صفحات تاریخ بر پیشانی این افراد و فرزندان آنها باقی خواهد ماند.

۱ - متأسفانه چون تاریخ تشکیل جلسات دادگاه مصادف با روزهایی بوده که صفحات این کتاب زیر چاپ می رفت، موفق به انعکاس رأی نهائی دادگاه نشدیم.

لژ روشنائی در ایران برای اینکه برتری و سروری خود را بر روی همه فراماسونهای ایرانی و کنترل خود را بر اعمال آنان حفظ کند، و از کارها و اطلاعات آنها حداکثر بهره - برداری را بنماید مسئله «نظارت کامل» را عنوان کرده و این بر لژهای ایران تحمیل نموده است.

این اقدام که به نفع سازمان های اطلاعاتی، اقتصادی و سیاسی انگلیس در آن است بدون درنگ با موافقت مرکز لژ اسکاتلند در ادنبورگ روبرو شد. بنا به کارگردانان لژ-دستور دادند تا «سروری» و «برتری» و قبول «عبودیت» گرانند لژ اسکاتلند را در هر زمینه بر لژهای انگلیسی، فرانسوی و آلمانی برپا نمایند. عده ای از فراماسونهای جوان که قبل از ورود به لژهای اصولی هدف این تشکیلات مخفی را فقط و فقط استعانت و کمک و همراهی به مع بشر می دانستند، با قبول برتری و سروری و عبودیت لژهای انگلیس مخالفت کردند، ولی چون قوانین فراماسونی اطاعت محض و کورکورانه از دستورات لژ را ایجاب می کند، به ناچار همه فراماسونهای سه دسته مذکور حاضر به «برفتن» «عبودیت» و «سروری» و «برتری» گرانند لژ اسکاتلند شدند و بدین - ترتیب است که بعد از مدت کوتاهی «کریستوفر اسحق فری» یهودی تبعه انگلیس همه جا خود را حاکم مطلق و آمر حقیقی فراماسونهای ایرانی می داند، در این کلبه سازمانهای ماسونی قرار می گیرد. منتهی چون در این ایام زمزمه های مخالفت در لژها علیه این انتصاب برخاست و بیشتر اعضای لژهای آلمانی با اطاعت از کورانه و قبول عبودیت انگلیس ها مبارزه ای شدید را آغاز کردند، موضوع انتخاب سناتور دکتر سعید مالک در رأس گرانند لژ محلی ایران عنوان شد.

این سازمان فراماسونری که District Grand Lodge of Iran نامیده می شود، وظیفه اش ایجاد هماهنگی بر مجموع فعالیت ها، کسب اطلاعات واصله، حتی نظارت بر مشاغل است که در ایران به افراد واگذار می شود. گرچه سازمانهای

انگلیسی با انتصاب سنا تور دکتور سعید مالک در رأس این سازمان موافقت کردند، ولی يك معاون دائمی بنام «کلنل استراکر» در لندن برای او تعیین شد که وظایفش را در ایران به «گریستوفر-فری» واگذار کرد. انتخاب سنا تور دکتور سعید مالک که مورد اعتماد دستگاه حاکمه ایران است، و به علت عدم آلودگی به فساد و رشوه - خواری مورد احترام عده زیادی از فراماسنهاست، تا اندازه‌ای به مخالفت‌ها و مبارزات مورد بحث پایان داد. ولی کارگردانان انگلیسی لژها از این حسن انتخاب سوء استفاده کرده و سازمان‌گراند لژ محلی ایران را به صورت پوششی بر روی اعمال خود در آوردند. این بهره‌برداری نادرست، همراه با تحریکات و گفتگوهای که از درون لژهای انگلیسی شنیده می‌شد و مخالفت‌هایی که انگلیسی‌های عضو لژ علیه کارهای عمومی مملکتی آغاز کرده بودند بار دیگر حوادثی در لژها بوجود آورد که جدا شدن لژهای آلمانی (مهر - وفا - آفتاب - ستاره - بحر) از گراند لژ محلی ایران را بایستی نتیجه آن و اولین نشانه طغیان دسته جمعی علیه «عبودیت لژهای انگلیسی» دانست.

این مبارزات تا سالهای اخیر تیز ادامه داشت. یکی از استادان فراماسونری انگلیس که نامه سپتامبر سال جاری دبیر کل و استاد اعظم لژ اسکاتلند را خطاب به «گریستوفر-فری» خوانده بود، می‌گفت: در این نامه از اینکه دکتور احمد هومن با او به مبارزه برخاسته و مانع انتخاب او در گراند لژ ملی ایران شده است، ابراز تأسف شده و باو تأکید کرده بودند که دکتور هومن همیشه خودخواهی داشته است. منتهی شما سعی کنید بهر نحوی هست در این سازمان انتخاب شوید و نگذارید ایرانیها شما را کنار بگذارند.

همانطور که گفته شد، طغیان علنی علیه سیاست انگلستان

طغیان علیه سیاست انگلستان
در سالهای اخیر افزایش یافت تا جائیکه در بین بعضی از جوانان که در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی عضو لژهای فراماسونری شده‌اند حالت عصبانیت و طغیان علیه سیاست

جابرانه انگلستان در ایران دیده می شود. این جوانها با آنکه می دانند سیاست : اطاعت محض از فرامین و اوامر استادان اعظم لژ، و بدکردن نهادن طوق عبودیت استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند و انگلند و همچنین پیروی کورکورانه و تبعیدی از گراند لژهای انگلستان و پذیرفتن رهبری و برتری سازمانهای انگلیسی نخستین دستور در سازمانهای فراماسونری است؛ معذالک گاهی دیده شده که یکی دو جوان ایرانی حسن ناسیونالیستی و وطنپرستی را بر قبول دستورات و اوامر استادان و بر ناسیونالیستها ترجیح داده ، علیه سیاست جابرانه انگلستان سخن گفته و یا مقاله و کتاب نوشته اند .

شاهد زنده این گونه جوانها « حسین رامتین » نویسنده کتاب « امریکا ثیان در ایران » است . وی که به اتفاق برادرش در لژهای تهران و کورش وابسته به لژ شنائی در ایران و در سالهای اخیر در گراند لژ انگلستان عضویت و رهبری دارند ، با اینحال او در کتاب مذکور درباره سیاست ظالمانه و سبعمانه انگلستان در ایران که مجریان آنها اکثراً « برادران فراماسون » و یا « لژهای ماسونی » هستند چنین می نویسد :

« ... تاریخ دوست ساله اخیر روابط بین المللی بهترین شاهد ، مشکلات و احتمیهای است که از شمال و جنوب ایران، یا صریحتر بگوئیم از جانب حامداران روس و انگلیس برای ما فراهم شده است .

« برای ایرانی که قدری در اوضاع فعلی و گذشته سرزمین خود عمیق شود و با تاریخ سالهای اخیر را تحت مطالعه دقیق قرار دهد ناچار است با کمال صراحت برآورد کند که هر چه بر سر این ملت آمده است نتیجه سیاستهای استعماری همسایگان شمالی و جنوبی ما بوده است و پس .

هدفها و مقاصد استعماری انگلستان در سراسر آسیای میانه ، جنوبی و مرکزی بطوری چشمان مأمورین و متصدیان امور کشورهای این مناطق را کور کرده بود که جز سیادت و نفوذ انگلستان بهیچ چیز دیگر نمی اندیشیدند و سرزمین خود را ملک طلق و منطقه نفوذ این سیاست استعماری می دانستند . دیگر برای

آنها هیچ فرقی نداشت که با چه وسیله و بدست چگونه اشخاصی این نفوذ و قدرت سیاسی اعمال می شود .

و آنها فقط هدف خود را می دیدند و کوچکترین تفکر درباره نحوه اعمال نفوذ و ترحمی نسبت به مردم نداشتند ، گاهی راهزنی را از پشت کوهی می آوردند و بر جان و مال مردم مسلط می ساختند و زمانی آخوند بیسواد روضه خوانی را از دهستانی دور افتاده ... هنگامی نیز یکی از اشراف جتایتکار و دزد را پروبال می دادند که با هر وسیله و عنوانی که میسر است بقدرت برسد و بر مردم بی پناه این کشور حکومت کند . طبعاً اینگونه افراد پس از استقرار بر سریر حکومت آنچه در قدرت داشتند ، از بی شرافتی و دزدی و غارت اموال مردم و هر خیانت دیگری ... کوتاهی نمی کردند فقط وظیفه آنها این بود که دستور ها و اوامر نمایندگی عالی یا سفیر اعظم بریتانیا را اطاعت کنند ... !!»

این نویسنده فراماسون در حالیکه خود از نفوذ برادران ماسونش در سازمانهای دولتی : مقننه ، مجریه و قضائیه مملکت در دوران مشروطیت آگاه است ، با صراحت فراوان و بدون ذره ای ترحم ، آنها و سایر نوکران و دست پروردگان سیاست استعماری را کوبیده و تنها آرزوی خود را محو و نابودی این لانه های جاسوسی و تار عنکبوتی که بدست و پای مردم ایران بسته شده عنوان کرده است . « حسین رامتین » روش قاطع و راه نهائی برای محو سیاست استعماری انگلستان را نابودی فراماسنها ، جاسوسان انگلستان و عمال مارکدار آنان ، و حتی اطفال شیرخوار این گروه دانسته ، و چنین می نویسد :

«... مردم ایران بهیچ وجه من الوجوه باور ندارند که پسران و اعقاب و اخلاف آن خانواده ها با کتاب خواندن و نطق کردن و انقلابی شدن رنگ واقعی خود را از دست داده باشند .

مردم ایران تا وقتی به چشم خود نبینند که ریشه این دسته فاسد الاصل از بیخ و بن کنده شده و دیگر اثری از اطفال شیرخواره آنها هم یافت نمی شود ، نمی توانند قبول کنند که تخم فساد که بوسیله سیاست استعماری سیاه انگلستان و روسیه از دو قرن پیش در این کشور کاشته شده ، بکلی نیست و نابود گردیده است . »



کارگردانان لژهای انگلیسی، برای اینکه بدون مزاحمت و اشکال تراشی و مخالفت لژهای فرانسوی به کار خود ادامه دهند، ایجاد «لژ اعظم ناحیه ایران» را به مرکز گرانند لژ در لورک پیشنهاد کردند. استاد اعظم گرانند لژ اسکاتلند، بدون درنگ با تشکیل «اعظم» موافقت کرد و ضمن پذیرفتن این پیشنهاد به رؤسای لژهای انگلیسی ملار کرد که در توسعه سازمانهای فراماسونی در ایران و ایجاد لژهای تابعه مانند اقدامات وسیع و دامنه‌داری را آغاز کنند.

برای تأسیس و باصطلاح خود فراماسونها «تنصیب» لژ اعظم ناحیه ایران به پروس وزیر دربارداری انگلیس و استاد اعظم سال ۱۹۶۶ - م (۱۳۴۵ - ش) به زبان آمد، و باشکوه و عظمت خاص فراماسنها، این سازمان فراماسونری را به ایران بوجود آورد.

سازمان مذکور بموجب مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۸ گرانند لژ اسکاتلند^۱ است اشخاص زیر سپرده شد:

ناظر اعظم لژ اعظم ناحیه ایران	گریستوفر اسحق فری
قائم مقام ناظر اعظم مقیم انگلستان	کنت، او. بیرس ^۲

۱- رجوع شود به صفحه ۳۳ سالنامه.

۲- در صفحه ۳۳ سالنامه مذکور این شخص Kenneth. O. Byers مقیم لاشار

انگلیس معرفی شده است.

نفع دیگران بطور عموم باشم و با دیگر برادرانم در راه مبارزه با ظلم و استبداد و دیکتاتوری مخرب و توانفرسا همدست باشم و در هیچ حالی بداندیش یا مستبد یا ستمکار نباشم و در کلیه کارهایم بشردوست باشم و به هم میهنانم کمک کنم تا پیشرفت کنند و سعادتمند شوند و از ظلم و جور نجات یابند و نسبت به حیثیت کشورم و میهنم صدمه‌ای نرسانم و با برادرانم اعضای لژ در هر کوششی که بنفع فراماسنی است، همکاری نمایم تا اینکه هر برادر فراماسن يك هم میهن بین‌المللی شود که هم دارای حرمت ملی و احترام شخصی است و هم دارای مقام عالی در جامعه جهانی باشد و اندیشه خود را بسوی ایده‌آلهائی که ضامن پیشرفت آزادی و مساوات و برادری هستند اوج دهد و به طبقه جوان تحصیلکرده میدان بدهم تا فراماسوئری از او يك نسل جدید^۱ که دارای اندیشه‌هائی بلند است بوجود آورد و به آزادی افراد براساس قاعده معقیاس مساوات در نمایندگی دوستانه بین هیئت‌های آنست^۲ و به برادری بین افراد بشر براساس قاعده «برادری و همکاری در اتحاد بین دولتها و ملتها بدون در نظر گرفتن اختلاف نژاد است» کمک نمایم و با برادرانم بکوشم تا علماء و رهبران فکری و روزنامه‌نگاران و ادباء را بطرف خود جلب کنیم و برادرانی را که از فعالیت لژ باز نرفته‌اند بتکان آوریم تا به مقصود خودمان که عملی کردن هدفهای فراماسنی است برسیم و وقتی نتیجه مطلوب بدست خواهد آمد که در پستهای مهم مردانی دارای علم و اخلاق و اراده خلل‌ناپذیر و دل‌بیدار و شایستگی فوق‌العاده پشتیبان ما باشند تا در نتیجه هدفهای تحقق پذیرد، و به پیروزی حقیقی مورد نظر برسیم و در آن هنگام خواهیم دید که دیگر رهبران و متفکرین نه به‌اسم و بجاه و مقام محدود بلکه بعمل و خیر مطلق رهبر و متفکر خواهند بود و مشعل مثلث آزادی، برادری و مساوات را در دست خواهند داشت

۱- در اثر همایون و لژ مولوی نکته‌لی که خورد توجه دقیق مؤسسين و کارگردانان بوده و هست عضویت عناصر جدید بخصوص جوانان است. این نکته موجب تا رضایتی دستجات دیگر فراماسوئری بخصوص اعضاء قدیمی را فراهم آورده است.

شهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تهر
۱۳۱۲	۱۳۱۲	۱۳۱۲	۱۳۱۲	۱۳۱۲	۱۳۱۲	۱۳۱۲	۱۳۱۲	۱۳۱۲	۱۳۱۲
1963	1963	1963	1964	1964	1964	1964	1964	1964	1964
	۱۱ 2 Nov.								لر بزرگ ناحیه ایسران
	۳ 25 Sep.	۱ 27 Nov.		۲ 22 Jan.			۲ 22 Avril	۱ 27 Mai	شاپور ولوی
	۱۱ 6 Oct.	۱۰ 1 Dec.		۱۲ 1 Feb.			۱۱ 5 Avril	۱۲ 7 Juin	لرخی ۶۷
	۱ 1 Oct.	۱۱ 3 Dec.	۱۲ 7 Jan.	۱۰ 4 Feb.	۱۲ 3 Mars	۱۸ 7 Avril	۱۰ 5 Mai	۱۲ 2 Juin	حاج احمد ۶۸
	۱ 1 Oct.	۱۱ 3 Dec.	۱۲ 7 Jan.	۱۰ 4 Feb.	۱۲ 3 Mars	۱۸ 7 Avril	۱۰ 5 Mai	۱۲ 2 Juin	نصرت پوری ۷۲
	۱۱ 10 Spt.	۱۱ 12 Nov.	۱۱ 14 Jan.	۱۱ 11 Feb.	۱۲ 10 Mars	۱۸ 14 Avril	۱۲ 12 Mai	۱۱ 1 Juin	محمّدی ۶۶
	۱۱ 17 Sep.	۱۸ 19 Nov.	۲۱ 21 Jan.	۲۱ 18 Feb.	۲۱ 21 Avril	۲۱ 21 Avril	۲۱ 19 Mai		مولوی ۶۹
	۱۷ 19 Oct.	۲۰ 16 Nov.	۲۸ 18 Jan.	۱۱ 15 Feb.	۲۱ 14 Mars	۲۱ 18 Avril	۲۱ 16 Mai		ابن سینا ۷۶
	۱۱ 7 Sep.	۱۱ 2 Nov.	۱۱ 4 Jan.		۱۷ 7 Mars		۱۲ 2 Mai		سزدا ۷۹
		۷ 29 Oct.	۱۰ 31 Dec.	۸ 28 Jan.	۶ 25 Feb.	۱۱ 31 Mars	۸ 28 Avril	۵ 26 Mai	لایت ابن ابراهیم ۱۱۹۱
	۱۰ 7 Sep.	۱۲ 4 Nov.	۱۱ 6 Jan.	۱۱ 3 Feb.	۱۲ 2 Mars	۱۷ 6 Avril	۱۱ 4 Mai	۱۱ 1 Juin	عبدال ۱۰۸۰
	۱۲ 14 Sep.	۱۸ 9 Nov.	۲۲ 14 Dec.	۱۱ 8 Feb.	۲۱ 14 Mars	۲۲ 11 Avril	۱۱ 7 Mai	۱۲ 13 Juin	تهرانی ۱۰۱۱
	۱۲ 18 Sep.	۲۷ 20 Nov.	۲۷ 18 Dec.	۲۰ 19 Feb.	۲۸ 18 Mars	۲۱ 15 Avril	۲۰ 20 Mai	۱۲ 27 Juin	نوروزی ۱۰۷۱
	۱۱ 8 Oct.	۱۱ 10 Dec.		۲۲ 11 Feb.			۱۲ 12 Mai		شاپور ابراهیم

مهندس حسین شقاقی

فیروز دورابی

صالح چتایات یهودی

فتح الله فرود

ژرژ اوانسف

مهندس علی اصغر بختیار

شمشیردار لژ اعظم ناحیه ایران

این سازمان که بر دوازده لژ فراماسونری انگلیس نظارت کامل دارد،

بال فقط چهار روز، آنهم در ماههای (خرداد - شهریور - آذر - اسفند) که

با ماههای مسیحی (ژوئن - سپتامبر - دسامبر - فوریه) است، تشکیل می شود.

روزهائی که این سازمان ماسونی انگلیسی در ایران در انجمن رازی تشکیل

می دهد، درباره خط مشی و طرز کار و فعالیت لژهای ایران، تراژنامه سالانه،

لژهای جدید و بالاخره بهره برداری از اطلاعات و فعالیت های سیاسی و

سادی اعضای لژ در سرتاسر ایران مذاکره می شود. در روزهای تشکیل جلسات

به آن نام «جلسات ارتباطیه» داده اند هر يك از لژها نماینده ای برای شرکت

جلسات اعزام می دارد و به دستورات و کارها رسیدگی می کنند.

چون در تشکیل لژ ناحیه اعظم ایران نامی از «صالح چتایات»

برده شد، بی مناسبت نیست که ایشان را از قول یکی از

یهودیانی که سالها با او کار می کرده است معرفی کنیم^۱:

یهودیان مهاجر

لژ روشنائی

صالح چتایات یهودی عراقی که سالها پیش به ایران

هجرت کرده از سال ۱۹۴۵ تاکنون چندین بار مقام های عالی از جمله ریاست کرسی

روشنائی در ایران را داشته است و هم اکنون نیز از فعالین سازمان ماسونی انگلیس

ایران است. در رسالدهای که اسحق یعقوبیان دانشجوی علوم اجتماعی (ساکن

۱- رسالدهای که این قسمت از آنرا نقل کرده ایم در کتابخانه انجمن کتاب به شماره

۵۵۲ ثبت شده است.

تهران، خیابان سیروس، کوچه سادات اخوی، شماره ۱۰) نوشته در باره صالح چتایات و سایر مهاجران عرب فراماسون چنین نوشته است :

«... سازمان جاسوسی انگلستان در ایران (ام-آی-۵ M. I. 5) که هموطنان ما به غلط و یا به اصطلاح معمولی آن را «اینتلیجنت سرویس» می نامند، ریشه قدیمی و کهن دارد. یکصد و هشتاد سال است که این سازمان لعنتی در ایران کشتار می کند، رژیم عوض می کند، خانواده ها برباد می دهد، اقتصاد و سیاست ما در دست عمال کثیف «اینتلیجنت سرویس» است بچه های شیرخواره ایرانی در گهواره بدست جاسوسان اینتلیجنت سرویس خفه می شوند. پیر مردان و وطن پرستان ایرانی را بخاک سیاه می نشانند و آنرا بعنوان «سکته» و مرگ ناگهانی بدیار عدم می فرستند. عمال این سازمان قدیمی در ایران بیشتر مهاجران و عده کمی هم اقلیت های مذهبی هستند. بیشتر عمال «اینتلیجنت سرویس» در سی ساله اخیر که شناخته شده اند، جهودهای عرب هستند که از کشورهای سوریه - لبنان - عراق و مصر با ایران آمده اند.

اینها روزی که با ایران آمدند بظاهر صراف - ماشین دار - نماینده کمپانیهای خارجی بودند و با سرمایه هایی که می آوردند بهترین کارهای تجارتي را در دست می گرفتند.

همین ها پس از مدتی که در ایران متوقف می شوند با پرداخت پول و رشوه ورقه تابعیت ایران را بدست می آورند - و بنام يك ایرانی مشغول کار می شوند...» اسحق یعقوبیان آنگاه نحوه کار این سازمانها و افراد آنها چنین تشریح می کند :

«... اینتلیجنت سرویس برای اینکه پرده بر چهره کثیف عمالش بکشد، برای آنها شرکت های سهامی تشکیل می دهد، و مقداری از سرمایه این نوع شرکتها که بصورت سهام در می آید با نام و مقداری بدون نام است. سهام بانام، بنام مدیران و اعضای شرکت است و سهام بی نام در گاو صندوق اینتلیجنت سرویس در

ایران باقی می ماند .

الکلیسها هر وقت بخواهند به عمال تازه خود کمک کنند ، بآنها سهام بون نام می دهند . اگر ارزش کار عمال و جاسوسان آنها کم و کوچک باشد بیکي هر کتهای سهامی دستور می دهند که از فروش و یا مازاد در آمد ، مبلغی بجیب جاسوسان مورد نظر بریزند .

چهار شرکتی که سهام آن در دست اینتلیجنت سرویس است و نیمی از آنها مستقیماً بجیب عمال این سازمان می رود و از پنجاه سال قبل ویا اندکی در ایران تشکیل شده [اند] عبارتست از :

۱ - شرکت الکلیسی لینچ واقع در خیابان ثبت .

۲ - شرکت سهامی سیار خیابان سعدی .

۳ - شرکت کتانه خیابان برق .

۴ - شرکت شبدریز خیابان سعدی .

شاید کمتر کسی باشد که کلنل «استراکر» رئیس شرکت لینچ در ایران را سال در تهران بود و در سال ۱۳۴۰ از ایران رفت نشناسد .

این کلنل کاسب کار انگلیسی که در عین حال رئیس لژ فراماسونری در عراق - کویت و بحرین نیز بود ، سالها در ایران بشغل شریف (تجارت) بک بود .

او بر برادران فراماسونش در لژهای اسکاتلند که در شرکت شبدریز هستند اتشمنشو و برادرانش و همچنین دامادش ادوارد همیشه ریاست (برادرانه) داشت . کلنل استراکر هیچگاه برادران فراماسون ارجمنده خویش را در شرکت سیار اموش نمی کرد - الیاس دبی - صالح چقاییات - جمشید ... - شائول ناتان آن فراماسون او که همگی عضو اینتلیجنت سرویس نیز هستند ، همیشه مورد نهایت مخصوص کلنل استراکر بودند . اینان در شرکت سیار و سایر تشکیلات یهودیت افسر سازمان جاسوسی انگلستان را بگردن می نهند و هر چه معمار



آلیاس دابی یهودی عرب سهامدار
نعمه شرکت سیار

اعظم «فرمایشی» با آنها بگویند و بیا هر دستوری که برای خرابکاری بدهد آنها اطاعت می نمایند...

کلنل استراکر که یوسف مازندی خبرنگار خیرگزاری یونانیستدیرین هنگام عزیمتش از ایران ضیافت مجللی در الهیه باقتضای اوداد وقتی استراکر و داماد انگلیسی مازندی (گریستوفر-اسحق) را بمدعوین معرفی می کرد، خیلی از عوامل جاسوسی اش را بگریه انداخت... نویسنده رساله بدنبال این بحث چنین ادامه می دهد:

شرکت سیار در حین اشغال ایران بوسیله قوای انگلیس و روس در تهران



همایان، یهودی عرب‌سپاهمدار
شرکت بشیر، در کنار پرچم
فرمانروایی لژیونرانی

آن‌گونه دیدند. مؤسس این شرکت يك عرب جهود عراقی بنام «شائول ناتان» است.
هم اکنون روزها فقط به‌شغل تجارت و داد و ستد و معامله بحال و شب به‌شغل
خفین و ارسال خبر و اداره شبکه ... مشغول است.

روزی که ناتان از عراق بایران آمد تا «شرکت سیار» را تشکیل دهد. سازمان
آرمی «اینستلیجنت سرویس» یکی از یادوهای باهوش و زرنگ خود را بنام «جمشید»
مأمور می و تحمیل کرد. ... این دو نفر شریك دیگری بنام «ناوی» داشتند. این

ناوی که دخترش را بعقد صالح چتایات درآورده بزودی جای خود را به «چتایات» داد. چتایات عرب که يك انگشت او هنگام جنگ «کویت‌العمار» و در حین عملیات علیه عثمانیها و بنفع انگلیسها قطع شده است، از ۱۷ سال قبل تا کنون ظاهراً فقط بشغل تجارّت مشغول است و ابداً کاری با سازمان جاسوسی انگلیس در ایران ندارد. و اورئیس شبکه‌ای در این سازمان مخوف نیست!! صالح چتایات شريك و همدم جمشید... که اطاق مجلّی در شرکت سیار دارد، در عین حال رئیس لژ فراماسونری «لایت در ایران» وابسته به اسکاتلند بوده و فقط برای تفریح و تفتن «کلوپ تهران» را که مخصوص انگلیسها و تعدادی از ایرانیان علاقمند سیاست انگلستان است نیز اداره می‌کند. چتایات نه تنها با کمک کشفی در سازمان‌های مختلف... فعالیت می‌کند، بلکه شرکت سیار را نیز که محل دیگری برای ایجاد ارتباط با عوامل فراماسونی و انگلیس‌ها و... است، اداره می‌کند. تهران کلوپ را که با اصطلاح جاسوسان (مندوق پست) سازمان جاسوسی انگلستان است صالح چتایات و دیگر اعراب یهودی اداره می‌کنند. اکنون سالهاست که جمشید... با همکاری ناتان و صالح چتایات و شعبه مشغول خرابکاری و ایجاد ارتباط با عوامل انگلیسی است...»

این بود قسمتی از آنچه را که اسحق یعقوبیان در باره چندین تن از فراماسونها نوشته و صحت و نسقم آن بعهدہ نویسنده رساله است و بس. به علت عدم دسترسی به اسناد و مدارک و اتهاماتی که نویسنده این رساله به یهودیان مهاجر عرب و اعضاء لژ فراماسونری وارد آورده، نمی‌توان همه مندرجات رساله را که در باره فعالیت ایندسته از فراماسونهاست، نقل کرد. امید است روزی مندرجات این رساله مورد توجه محققین و کسانی که علاقمند به شناخت بیشتر آنها هستند، قرار گیرد.

بولتن اطلاعات فراماسونری سازمان فراماسونری اسکاتلند که مرکز آن در شهر «ادنبورگ» است، همه ماهه بولتن اخبار مخصوصی دارد که برای استادان اعظم فراماسونری وابسته به این لژ در سراسر جهان می فرستد. این بولتن نیز مثل همه اسناد و مدارك ماسونی ماهانه است و غیر ماسون ها (بیگانگان) حق ندارند بدانها دسترسی پیدا کنند. به عنوان بوسیله یکی از محققین، شماره های اخیر این بولتن بدست ما رسید که برای نشان دادن این اخبار و اطلاعات بسیار بسیار مجرمانه ای که فراماسونها آنرا از جمله اسرار ماسونیک می دانند! ترجمه بولتن شماره پنجم ماه سپتامبر ۱۹۶۸ را نقل می کنیم:

بولتن شماره ۵ نخست امیدواریم که کلیه برادران توانسته باشند، در تعطیلات تابستانی استراحت کافی کرده و از ایام گذشته استفاده نمر. بخشی برده باشند. امید است که برادران برای شروع فعالیت در سال ماسونی جدید که دارای اهمیت فوق العاده بخود را آماده کنند. زیرا در این سال جلسه همگانی سه ساله (یعنی جلساتی که به سال یکبار تشکیل می شود) کلیه مجامع و سازمان های فراماسونی در ماه [آذر ماه - دی] تشکیل خواهد شد.

مقررات عمومی ماسونیک صراحت دارد که کلیه پیشنهادات (جلسه همگانی) بایستی حداقل شش هفته قبل از تشکیل مجمع، برای دبیر کل جلسه شود، تا وی آنها را تسلیم کمیسیون عالی نماید. کمیسیون عالی پس از پیشنهادات نظر خود را درباره طرح و یا رد پیشنهادات مطرح و اعلام می کند. برای اینکه لژهای مختلف بتوانند به نمایندگان خود که در جلسه همگانی می کنند، دستورات لازم را بدهند، دبیر کل کلیه اطلاعات ضروری را در مورد بولتن تشکیلات در ماه اکتبر برای این مجمع خواهد فرستاد. امسال احتمالاً یک ساعت چهار بعد از ظهر جمعه ششم سپتامبر و صبح شنبه هفتم سپتامبر

MASONIC INFORMATION BULLETIN

September 1968

1968 - N° 5

Let us first express the hope that all Brn. have been able to enjoy a summer vacation, both restful and beneficial, so as to be ready to face a new Masonic year of more than usual importance, since the Triennial General Meeting of Grand Lodge will take place in the course of December.

In accordance with the terms of Art. 8 of our General Regulations, the Grand Master and Grand Treasurer will be elected at this Assembly for the ensuing three-year period.

The General Regulations lay down, moreover, that "all propositions must be addressed in writing to the Grand Secretary at least six weeks before the date of the Assembly, for submission to the Sovereign Grand Committee who will decide whether or not they shall be put on the agenda."

In order to allow Lodges to give complete instructions to their Delegates for the work done in Commissions, the Grand Secretary will send all relevant information to the Lodges, during the month of October, regarding the present state of the Obedience.

This year, it is likely that the Commissions will meet on Friday afternoon, December 6th., at approx. 4.00 p.m. as well as on Saturday morning December 7th.

Bienfaisance Maçonnique

A General Meeting of the Bienfaisance Maçonnique is foreseen for Saturday, December 7th during the forenoon. It would no doubt be helpful if Lodges prior to this Assembly, would look into ways and means of endowing the Bienfaisance Maçonnique with regular sources of income.

بولتن ماهانه مرام اند نو اسکاتلند

(از مستر رابرت ال درج استاد دانشگاه مشکریم که فتو کی بولتن فوق را برای نویسنده فرستاد.)

تشکیل خواهد شد .

همچنین يك جلسه همگانی در این سال پیش‌بینی شده است که پیش از ظهر روز شنبه هفتم سپتامبر تشکیل می‌گردد . بدون شك بسیار بجا خواهد بود ، اگر لژهای ماسونی قبل تشکیل این مجمع مطالعاتی در راه جمع‌آوری عطابای بیشتری در آمد معمولی حالات بنمایند .

جمع‌آوری اعانه

تشکیل کریسمس

لژهاییکه مایلند در جشن‌های کریسمس شرکت نمایند، لطفاً هر چه زودتر مراتب را به اطلاع دبیر کل برسانند . استاد اعظم و ریاست عالیہ ماسونی جهانی روز ۲۱ سپتامبر در مراسم موقوفه معبد ماسونی لژ استراسبورگ ما ، که بنام (کارلوس مگنوس)^۱ می‌باشد ، برای مدت محدودی نظارت خواهد داشت . این مجلس تقدیس ، در معبد ماسونی جی - اف - اف در شهر متز^۲ برپا خواهد بود .

شماره ۱۳۸

لوس مگنوس

يك مجلس تقدیس لژ ماسونيك ديگر در روز ششم اکتبر ۱۹۶۸ ساعت دهنیم صبح برای تشکیل لژانتا^۳ ۱۳۲ در مغل دراکوابکنان^۴ به سرپرستی استاد اعظم جهانی برپا خواهد شد . اطلاعات مربوط به این لژ جدید را می‌توان از جی - اف - اف یا شورای طریقت کسب نمود .

شماره

۱۳۲ انتا

استاد اعظم جهانی فراماسونری و هیئت کمیته بزرگ ، پس از اطلاع از وقوع زلزله اسفتاک ایران ، درخواست فوری به تمام لژهای اسکاتلند در جهان فرستاد . او پیشنهاد کرد

تحت در ایران

1 - Carolus Magnus .

2 - Metz .

3 - Antea .

4 - Draguignan .

وصیت

اینجانب رضا جعفری از ساکنین تهران و تبعه ایران

بشرافت خودم و بکتاب مقدس سوگند میخورم که نسبت بمحصل خودم
محصل که تابع محفل اکبر ایده آلی جهانی است وفادار باشم و
اجرای آئین نامه اساسی و آئین نامه داخلی آنرا بعهده بگیرم و برشرافت
خود و شرافت خانواده ام محافظت نمایم و پادشاهم و میهنم صمیمانه و
شرافتمندانه و صادقانه خدمت کنم اگر چه در راه آن جان خود را از دست
دهم و بنام نیک کشورم و میهنم بهیچوجه آسیبی نرسانم و از برادر
فراماسون و خانواده او نگهداری کنم و وجود خداوند یا دینهای آسمانی
را انکار ننمایم و عمل زشتی مرتکب نشوم که برخلاف قانون باشد و اگر
بچیزی از آنچه گفتم عمل نکنم بحکم هیئت عالی فراماسونی سر فرود
بیاورم اگر چه بریختن خون من و گرفتن جان من حکم کند

رضا جعفری
۱۳۰۴/۴/۲۵

LODGE LIGHT IN IRAN
No. 1101 S.C. Tehran

77 Avenue Persopol,
Tehran.
6th January 1953

Dear Sir and Brother,

You are hereby summoned to attend to 400th Emergency meeting of this Lodge to be held at the Masonic Hall, Tehran, on Tuesday 15th. January 1953 at 5.30. p.m.

By command of the R. W. M.

S. F. S. Dorabjee,
Secretary.

Dress: Black Tie or Uniform.

AGENDA

1. To open the Lodge.
2. To read the summons convening the meeting.
3. To pass the Lodge to the Fourcraft Degree and examine us to their proficiency in the Second Degree, Bros. Leonard H. Black, and George A. Stracke.
4. To open the Lodge in the Third Degree, and Raise to the Sublime Degree of Master Mason, the following:

Bro. Leonard H. BLACK, (Courtesy to Army Lodge No. 1105,
San Antonio, Texas.)

Bro. George A. STRACKE, (Courtesy to Chairman Lodge No. 2,
Las Vegas, New Mexico.)

5. To close the Lodge in the Third and Second Degree.
6. To pass the broken column.
7. To close the Lodge.

There will be no dinner after this meeting.

جلسه ارتقاء مقام به دو فراماسون امریکایی بنام های: لئونارد بلک عضو لژ نمبر ۱۱۰۵
و ایست به ایستگاه تلند در سان آنتونیو تکزاس و «جورج ستریک» عضو لژ دلاس و ۱۳۴۱
تیو مکزیکو در لژ روشنائی ایران

فراماسون های انگلیسی، سعی زیادی در حفظ آداب و رسوم و حفظ نظم در برقراری جلسات خود دارند. لااقل يك هفته قبل از تشكيل جلسه ماهانه، دعوت نامه ای از طرف دبیر لژ برای اعضا فرستاده می شود. درین دعوت نامه ها ضمن تعیین روز و حتی ساعات تشكيل لژ، دستور جلسات و موضوع هایی که مطرح خواهد شد، قبلاً به اطلاع اعضا می رسد. در پایان هر جلسه ای طبق معمول

LODGE LIGHT IN IRAN.
No. 1101, S.C., Tehran.

17, Ave. Fardowsi.
Tehran,
6th. January 1963

Dear Sir and Brother,

You are hereby summoned to attend the 401st. Regular meeting of this Lodge to be held at the masjed Hall, Tehran, on Tuesday, 28th. January 1963 at 8.30 p.m.

By command of the Right worshipful Master.

Dress: Black tie or uniform.

F. S. Dornbjer.
Secretary.

A G E N D A

1. To open the Lodge.
2. To read the summons convening the meeting.
3. To read and put for confirmation the minutes of the following meetings:-
388th. Regular Meeting held on 19th. January 1963.
General & Enquiry Committee Meeting held on 30th. December 1962.
400th. Emergency Meeting held on 16th. January 1963.
4. To pass the Lodge to the followingcraft Degree, and examine as to their proficiency in the 2nd. Degree, Bro. Alexander C. Nicholas and Bro. John D. Miller.
5. To Raise the Lodge to the 3rd. Degree, and Raise to the Sublime Degree of Master Mason, the following:-
Bro. Alexander Gregory Nicholas.
Bro. John D. Miller. (Courtesy to west University Lodge No. 1282, Houston, Texas.)
6. To close the Lodge in the 3rd. and 2nd. Degrees.
7. To transact any other business which may be properly brought forward.
8. To pass Bro broken column.
9. To close the Lodge.

After the meeting there will be a dinner as usual at the Tehran Club.
Price Rs. 300/-per person.

جلسه ارتقاء مقام‌های : دکتر اندر گریگوری نیکولوس و «جان میلر» امریکایی که از لژ تابع اسکاتلند در «هوستن تگزاس» به لژ روشنائی در تهران منتقل شده بودند ، این جلسه در روز دوشنبه ۱۹۶۳ در کلیسای انجیلی تهران برگزار شده است .

شام بر گزار می‌شود . لژ روشنائی به علت اینکه در کلیسا تشکیل می‌شود ، در آنجا شام میسر نیست و لذا « شام برادرانه » را در (تهران کلوب) که بوسیله عده‌ای انگلیسی برای آشنائی با جلسات عادی لژ روشنائی دو دعوتنامه و برنامه تنظیمی این لژ عیناً می‌شود .

که تا حدود امکان از طریق جمع آوری اعانات برای اهداء به قربانیان زلزله فاجعه آمیزی که قسمتی از ایران را ویران کرده است، اقدام نمایند. خواهشمند است هدایا را فوراً به صندوقدار کل جی - ال - ان - اف با ذکر جمله «وجوه کمک به فاجعه ایران» ارسال نمایید.

وجوه جمع آوری شده فوق، برای رئیس کل منطقه‌ای تشکیلات ما در ایران ارسال خواهد شد. و بنظر می‌رسد برادران ما در ایران کوشش لازم را برای التیام این فاجعه تا حد ممکن معمول خواهند داشت.

برادران قراماسون ما از خبر درگذشت، همسر برادر ما مجلس یاد بود «امانوئل دراپانسکی» متألم خواهند شد. سپاس ما به ذکوت فوق‌العاده و استعداد سازنده او. مدام ژرمن موردانت - دراپانسکی^۱ رهبر دسته کراپرای پاریس بود. وی سال‌ها بود که به خاطر کارهای برجسته‌اش بخصوص تشکیلات دادن عملیات و برنامه‌های هنری فستیوال بزرگ گران لژ بانوان، موفقیت‌های شایانی داشت و از طرف کلیه برادران قدردانی می‌شد.

به همین علت نه فقط بخاطر همدردی با برادر دراپانسکی برای ضایعه موله‌اش - بلکه بیشتر بخاطر وداع با يك دوست که جمعی از برادران نیکوکار در مراسم یاد بود او در روز سیزدهم سپتامبر در Eglise de la sainte شرکت دارند. مراتب را به اطلاع می‌رسانیم.

دبیر کل به اطلاع لژهایی که مایلند در متن سالنامه گران لژ اطلاعیه دبیر کل تغییراتی بدهند، می‌رساند، که باید هرچه زودتر جزئیات موضوعات تجدید نظر شده را برای دبیر کل بفرستند.

دبیر کل و خزانه دار کل به علت نزدیک شدن سال ماسونی جدید، از کلیه دبیران لژها و صندوقداران لژها درخواست می‌کنند که در ارسال اسناد و مدارک

اداری چه مربوط به حوزه خودشان و چه گراندهای محلی و ایالتی تأخیر نمایند.
 در سالهایی که مشغول تحقیق در باره لژهای فراماسونری
 در ایران بودم، با بسیاری از سازمانهای فراماسونی جهان
 نامه دبیر کل لژ اسکاتلند
 مکاتبه کرده و از آنها اطلاعات لازم و منابع برای مطالعه
 خواستیم. چند گرانده لژ امریکائی و همچنین شورای عالی
 فراماسونری امریکا با ارسال فتوکپی بعضی از صفحات مختلف خود ما را
 ی کردند، ولی گرانده لژ اسکاتلند پس از ارسال چند نامه در جواب سؤالات
 اکنون این نامه را به امضاء دبیر کل گرانده لژ، برای نگارنده فرستاده:

۱۹ - اکتبر - ۱۹۶۰ - R/I/I

آقای اسماعیل راتین، تهران، ایران

آقای عزیز

عطف بنامه مورخ ۱۱ اکتبر معلوم می شود که نماینده ما با شما تماس نداشته
 آنها دلیلی که سبب تعجب و تحیر اینجانب شده آن است که معمولاً تاریخ
 اسویری را فقط آقایانی برشته تحریر در می آورند، که خودشان حتماً فراماسون
 و چون جنابعالی از جمله برادران فراماسون ما نیستید، نماینده ما در
 چنین تشخیص داد که تماس با شما را صلاح ندانسته است.

تا آنجا که من اطلاع دارم راجع به فراماسونری بین سالهای ۱۸۰۰ تا
 در مملکت شما اطلاعاتی در دست نیست. و از نظر پرونده های لژ اسکاتلند
 در این امر وجود ندارد. و گمان می کنم که از نظر لژهای ایرلند و انگلستان
 نیز این نباشد. باز هم تکرار می کنم که اطلاعات من در باره سالهای ۱۸۰۰
 اینست که لژ فراماسونری بریتانیا اصلاً در ایران وجود نداشته است و
 هم که سال ۱۹۱۹ لژی در ایران تشکیل شده، اعضای آن فقط انگلیسی و
 گائی بودند.

THE GRAND LODGE OF SCOTLAND

Telephone Address
"MASONIC LODGE, EDINBURGH"

FREEMASONS HALL
26 GEORGE STREET
EDINBURGH 2

28/1/1.

18th October, 1920.

Ismael Amini, Esq.,
Bahratabad, Kooy Shafel,
House 11,
Tehran, I r a n.

Dear Sir,

With reference to your letter of 11th October, I note that our Representative has not been in touch with you, in a way I am not surprised as I would say that normally histories of Freemasonry are only written by gentlemen who happen to be Freemasons themselves, and as you are not a Freemason our Representative has obviously come to the conclusion that it would not be advisable to get in touch with you. I would say, however, that as far as I know there is no information available about Freemasonry in your country between the years 1800 and 1920. That is certainly true as far as Scotland is concerned, and I should imagine that England and Ireland are in the same position. As far as I am aware there were no British Masonic Lodges at all in Persia (or Iran) between 1800 and 1920, and, indeed, when one was established in 1919, its members were composed of British and Americans. After that there were two lodges whose members were employed by the old Anglo-Persian Oil Company, but when this Company left Persia the lodges there ceased to exist. My own view is that there is no one in Tehran who would know about Freemasonry between the years 1800 and 1920 unless there were lodges from such places as France, Syria, etc.

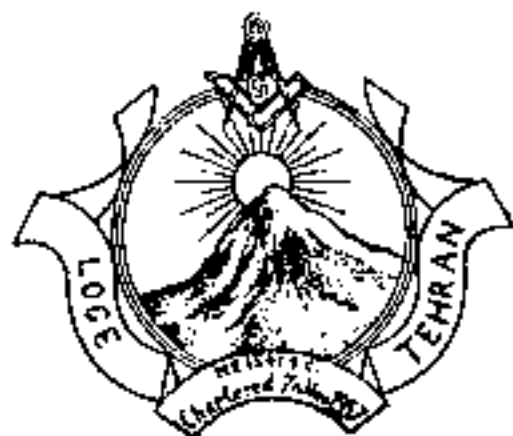
Yours faithfully,

Alfred T. Jones
Grand Secretary.

نامه دبیر کل سمر آند لژ اسکاتلند به نویسنده

بعدها نیز دولتر دیگر در ایران تشکیل شده که اعضای آن کارکنان شرکت نفت انگلیس و ایران بودند. و با رفتن شرکت نفت از ایران لژها نیز از بین رفتند. نظر شخصی ام این است که اکنون در تهران هیچکس نیست که بتواند در باره فراماسونری بین سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۹۲۰ اطلاعات و دانستنی‌هایی داشته باشد. تنها اطلاع این است که لژهایی از فرانسه و سوریه و غیره در کشور شما تشکیلانی داشته‌اند.

ارادتمند شما - الکس - ج. جوانان، دبیر کل



آرم لژ تهران

فصل بیست و هفتم

لژهای انگلیسی

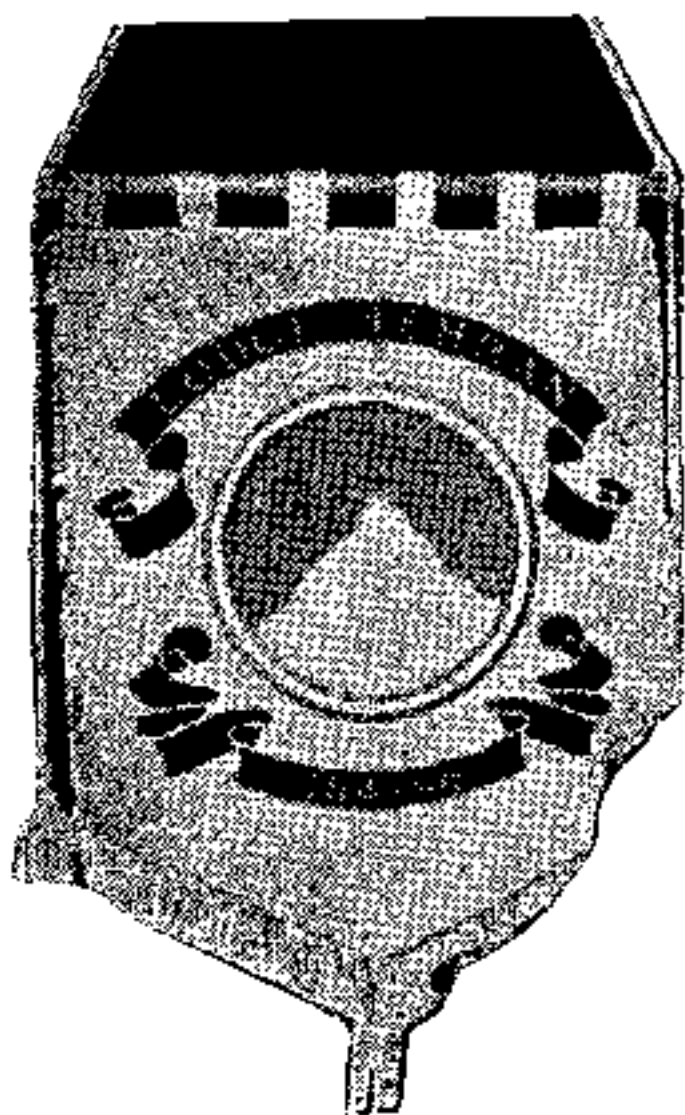
تابع

قانون اساسی اسکاتلند

در ایران

(۱)

لژ تهران



پرچم لژ تهران

لژ تهران ۱۵۴۱ ق. اس

نخستین لژ رسمی که با اجازه فراماسونری انگلیس در ایران به زبان فارسی کار می‌کند لژ تهران (شماره ۱۵۴۱) است. این لژ که با صدور منشوری از طرف استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند، در ایران رسمیت یافت، پایه اولیه‌ای برای تربیت و تعلیم فراماسونهای ایرانی، در تشکیل لژهای فارسی زبان سال‌های اخیر شد. تأسیس لژ فارسی زبان فراماسونری در ایران بعد از انحلال لژهایون صورت گرفت. همانطوریکه در فصول قبل گفته شده انگلیس‌ها اساساً چندان رغبتی نسبت به تشکیل لژ رسمی و با اجازه فراماسونری در ایران که همه تشریفات و اعمال را ب زبان فارسی انجام بدهد نداشتند. ولی هجوم و استقبال بعضی از اعضای هیئت حاکمه ایران و برخی افراد سودپرست و مقام دوست از لژهایون تغییراتی در تصمیمات فراماسونهای انگلیسی بوجود آورد. بخصوص که سیاست شکست خورده انگلیس در ایران بعد از جنگ جهانی دوم و حوادثی که منجر به ملی شدن صنعت نفت شد، نه تنها عوامل و طرفداران آنها را بدامن امریکائی‌ها انداخته بود، بلکه سختگیرانهائی که از جانب دستگاه‌های دولتی علیه عمال و عوامل همه خاورجیان در ایران بعمل می‌آمد، لزوم توسعه شبکه‌های مخفی فراماسونری انگلیسی را در این کشور ایجاب می‌کرد.

این باز انگلیس‌ها به جانب سازمانی روی آوردند که در قرون گذشته همواره مورد توجه ایرانیان بوده. تاروپود این تشکیلات مخوف، و شبکه‌های مخفی آن یا اسرار و سکوت محض و اطاعت بدون چون و چرائیکه، اوامر آن از طرف مرکز «گراند لژ در انگلستان» صادر می‌شود، تشکیل یافته و با این مرکز پیوند و پیوستگی دارد. اگر در قرون گذشته گاه‌گاهی عمال انگلیس در ایران از دستورات اربابان انگلیسی سرپیچی می‌کردند و حاضر به ادامه خدمتگذاری نمی‌شدند، حداقل

مجازات آنان برکناری از سیاست و خانه نشینی بود. ولی این بار انگلیسها، اینگونه افراد را گرفتار مقررات سخت و وحشتناک فراماسونری و تهدید به مجازات قتل و نابودی خود و خاندانشان می نمایند. بدین سبب رهائی از دام سازمان مخوف فراماسونری را برای فراماسون ایرانی غیر ممکن و بالا اقل بسیار دشوار می سازد. انگلیسی های فرصت طلب برای اینکه پایه های محکمی را برای فراماسونری در ایران بنیان نهند، چند تن از عوامل و اتباع طرف اعتماد و شایسته خود را که در لژ روشنائی در ایران فعالیت داشتند، مأمور لژهای فارسی زبانان کردند. که از جمله کلنل استراکنز - کریستوفر اسحق فری - اوانس و انسف - چتایات - الیاس دبی و غیره را می توان نامبرد.

در سال ۱۳۳۳ - ش (۱۹۵۴ - م) لژ روشنائی در ایران هفت نفر از فراماسونهای عضو لژ همایون را بشرح زیر انتخاب و به لژ فیحای بصره معرفی کرد:

مهندس حسین شقاقی - سلیمان بهبودی - مهندس فروغی - دکتر کیان - دکتر خشایار - مهندس ناصر بهبودی - نصرالله آذری

این هفت نفر با معرفی و ضمانت شیخ احمد خزعلی که از خاندان شیخ خزعل است و با مهندس حسین شقاقی خویشاوندی سببی دارد، به عضویت لژ فیحا در آمدند. اینان پس از گرفتن مقامهایی که بوسیله آن بتوانند در ایران لژ تشکیل دهند، به تهران باز گشتند. منتهی سازمان فراماسونری اسکاتلند که مفید به اجرای همه اصول و آداب و رسوم و تشریفات ماسونی است، برای اینکه تعلیم یافتگان در کارها و عملیات آینده دچار اشتباه نشوند، سه سال آنها را در لژ روشنائی پذیرفته و تحت تعلیم قرارداد. در این مدت اینان، هم درجات بالاتری را احراز کردند و هم به رموز و تعالیم و دستورات سری و علنی آگاه شدند.

پس از اینکه این هفت نفر مورد اعتماد و اطمینان کامل انگلیسها و مرکز لژ در ادنبروک واقع شدند، تقاضای تشکیل لژ فارسی زبان را بنام «تهران» و به شماره «۱۵۴۱» کردند. این لژ که تابعیت انگلیسی دارد، ابتدا عبودیت و برتری و سروری لژهای انگلیسی را قبول کرد، سپس فرمان تشکیل لژ بنام آنها صادر گردید.

منشور و فرمان تأسیس این لژ در روز ۱۶ آبان ۱۳۳۶ - (۷ نوامبر ۱۹۵۷ م) بنام چهارده عضو لژ روشنائی و سایر لژها که افراد زیر بودند، صادر گردید:

- ۱ - برادر مهندس حسین شقاقی .
- ۲ - برادر دکتر غلامرضا کیان .
- ۳ - برادر شیخ احمد فیصل خزعلی .
- ۴ - برادر مهندس ابدال بختیار .
- ۵ - برادر دکتر محمد حسایی .
- ۶ - برادر دکتر علی اصغر خشایار .
- ۷ - برادر مهندس عبدالرسول میر عبدالباقی .
- ۸ - برادر مهندس ناصر بهبودی .
- ۹ - برادر مهندس فروغی .
- ۱۰ - برادر مهندس عباس محمدی .
- ۱۱ - برادر مهندس کیقباد ظفر .
- ۱۲ - برادر حسن اسکندری .
- ۱۳ - برادر دکتر عبدالحسین راجی .
- ۱۴ - برادر نصراله آنری .

مؤسسين لژ مذکور، پس از انجام تشریفات عادی «لژ تهران» را در روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷ - (۹ می ۱۹۵۸ م) در تهران تأسیس و رسمیت آنرا به همه سازمان‌های فراماسونری جهان اعلام داشتند .

برای تأسیس لژ مذکور دو شخصیت مهم گرانند لژ اسکاتلند به نام‌های :

- ۱ - دکتر الکساندر فیرلی بوخان Alexander. P. Buchan که عنوان عالی ماسونی «حضرت دبیر ارجمند اعظم» Right Worshipful grand Secretary را دارد .

۲ - ماکنیل واتسون D. Macneill Watson که دارای عنوان حضرت خزانه -

درخواست نامه داوطلب

جناب آقای رئیس و اعضای محترم هیئت



احسان می‌نماید. اشتیاق فراوان من را بر آن می‌گذارد که خواهان
دانشجویی به نام خود در رشته ... می‌باشم. من به علم و ادب آن بزرگوار
از چندین هزاره دانش‌آموزی ابتداء و من از هر طریقی که باشد می‌کوشم
از این امر به تأیید این درخواست می‌نمایم که با اینجانب که با این
بند و در هر که سابق آنرا در ... فنی می‌باشد.

با تقدیم احترامات مجدد

مهره ...

نام و نام خانوادگی

شماره ...

تاریخ ...

محل ...

شماره ...

محل ...

محل ...

محل ...

محل ...

محل ...

دار ارجمند اعظم Rightworshipful Grand Treasurer است، بتهران آمدند که در حضور آنها و همه استادان فراماسونی حاضر در تهران لژ مذکور را رسمیت و تشکیل دهند.

همان روز یک «لژ تهران» با اصطلاح فراماسونها «تفدیس» یافت، فراماسونهای زیر به عنوان «اولین افسران لژ تهران شماره ۱۵۴۱ - ق. اس» به مرکز لژ در انگلستان معرفی شدند:

افسران لژ تهران شماره ۱۵۴۱ ق. اس

- ۱ - حضرت استاد ارجمند - برادر مهندس حسین شقاقی
- ۲ - قائم مقام استاد « دکتر غلامرضا کیان
- ۳ - معاون استاد « ابدال بختیار
- ۴ - سرپرست اول « دکتر محمد حسایی
- ۵ - سرپرست دوم « دکتر علی اصغر خشیایار
- ۶ - دبیر « مهندس عبدالرسول میر عبدالباقی
- ۷ - خزانه دار « سلیمان بهبودی
- ۸ - امین خیریه « مهندس محسن فروغی
- ۹ - خطیب « مهندس عباس محمدی
- ۱۰ - رهنمای اول « مهندس قباد ظفر
- ۱۱ - رهنمای دوم « مهندس ناصر بهبودی
- ۱۲ - مدیر تشریفات « سر لشکر اسماعیل شقائی
- ۱۳ - زیور دار « نصراله آذری
- ۱۴ - کتاب بر « رضا مشیری
- ۱۵ - نگهبان داخلی « حسن اسکندری
- ۱۶ - نگهبان خارجی « دکتر عبدالحسین راجی
- ۱۷ - کارپرداز « محمود فرمند

پنج ماه بعد، دومین انتخابات «افرن لژ تهران» بدین شرح صورت گرفت:

دوره اجلاسیه سال ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸

و نتیجه انتخابات روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷

- | | |
|-----------------------|---|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | دکتر محمد حسایی |
| ۲ - رئیس محترم قبلی | مهندس حسین شقاقی |
| ۳ - قائم مقام استاد | دکتر غلامرضا کیان |
| ۴ - معاون استاد | ابدال بختیار |
| ۵ - سرپرست ارجمند دوم | دکتر علی اصغر خشیار |
| ۶ - سرپرست ارجمند دوم | مهندس قباد ظفر |
| ۷ - دبیر | مهندس میر عبدالباقی |
| ۸ - خزانه دار | محمود فرمند |
| ۹ - کمک خزانه دار | مهندس علی اصغر بختیار |
| ۱۰ - امین خیریه | مهندس محسن فروغی |
| ۱۱ - خطیب | سلیمان بهبودی |
| ۱۲ - راهنمای اول | مهندس ناصر بهبودی |
| ۱۳ - راهنمای دوم | حسن اسکندری |
| ۱۴ - نشریات | سر لشکر اسماعیل شقاقی |
| ۱۵ - زیور دار | هادی مصدقی |
| ۱۶ - کتاب پر | مهندس عباس محمدی (ناد) |
| ۱۷ - نگهبان داخلی | حسن اسکندری - محمود فرمند - فضل الله مقدم |
| ۱۸ - نگهبان خارجی | سرهنگ فضل الله مقدم |
| ۱۹ - بازرسان حساب | سی - ای - فری - اف - اس - دورابچی |

همانطوریکه گفته شد، هنگام افتتاح «لژ تهران» دو نماینده
 گزارش افتتاح عالیقدر از طرف «فراماسون اعظم اسکاتلند» تهران آمدند.
 لژ تهران اعزام این دو نماینده، درجه اهمیت افتتاح لژ فارسی زبان

را در ایران ثابت می‌کند. پس از خانمه تشریفات افتتاح
 لژ و انتخاب اولین دوره کارگردانان لژ تهران، دکتر بوخان و ماکنیل واتسون
 به انگلستان برگشتند، تا گزارش کارهای انجام شده را به استاد اعظم بدهند.
 چندی بعد، ماکنیل واتسون گزارش عادی و غیرمصرمانه افتتاح لژ را در سالنامه
 گرانند لژ اسکاتلند، منتشر کرد. توجه به سطور این گزارش بسیاری از مسائل
 مهم و مبهم را روشن می‌کند. در این گزارش واتسون نقش پسر شیخ خزعل و
 تأییری که لژ (فیجایی) بصره در تشکیل لژ تهران داشته، بخوبی آشکار و روشن
 شده است. دقت در کلمات - واتسون این نکته را روشن می‌کند که لژ فراماسونی
 فرانسه گرانند لژ ناسیونال دفرانس در جهان و ایران با لژ اسکاتلند هر دو دارای
 اشتراك منافع بوده و در صورتیکه لازم باشد از همکاری با یکدیگر دریغ نخواهند
 ورزید.

مقاله واتسون نکات تاریک دیگری را هم روشن می‌کند که خواننده از لابلای
 سطور آن می‌تواند پی به حقایقی ببرد. این نکته را هم بایستی تذکر داد که از
 سال ۱۹۵۲ که گرانند لژ اسکاتلند، همه ساله سالنامه منتشر می‌کند^۱، این نخستین
 گزارشی است که درباره فعالیت فراماسونی در ایران در سالنامه این لژ نقل می‌شود.
 اینک ترجمه متن کامل گزارش (برادر قابل پرستش) تحت عنوان «سفر به ایران»:
 وقتی که فراماسون اعظم بمن افتخار داد، به همراه دبیر کل برای تأسیس
 و تقدیس لژ تهران شماره ۱۵۴۱ به دعوت برادران فراماسون و بتوان میهمان

۱ - گرانند لژ اسکاتلند از سال ۱۹۵۲ - سالنامه‌ای منتشر می‌کند که در آن مشخصات
 لژهای تابعه در سراسر جهان و همچنین اطلاعات دیگر چاپ و منعکس می‌شود. گزارش افتتاح
 لژ تهران در سالنامه سال ۱۹۵۹ درج شده است.

اداره کنندگان لژ به ایران سفر کنم ، احساس کردم که این مسافرت بسیار جالب توجه خواهد بود .

در آنوقت من اطلاعی از اوضاع ایران و عراق نداشتم لذا این سفر را با چشم و گوش باز آغاز نمودم . در آنده مدتی دریافتم که لژ بزرگ اسکاتلند در ایران دارای يك لژ بسیار فعال و قدیمی است که تحت عنوان و نام (روشنائی در ایران شماره ۱۱۹۱) خوانده می شود . و در عرض سال گذشته برای اولین بار این لژ به عنوان سرپرست ناحیه ای این قسمت از خاورمیانه تعیین شده است که لژهای ما را در ایران ، عراق و بحرین سرپرستی می کند . اعضای لژروشنائی در ایران را بیشتر اتباع انگلیسی ، تشکیل می دهند و چند نفر امریکائی و ایرانی و ملیت های دیگر نیز در آن عضویت دارند .

سه و یا چهار سال پیش عده ای ایرانی تصمیم گرفتند که به عضویت فراماسونری در آیند ، و بالاخره موفق شدند ، اجازه تأسیس لژی را در تهران بگیرند . این ها از آن دسته برادران ماسونی هستند که توانستند با قبول طریقت اسکاتلندی و بیعت از اساسنامه گراند لژ اسکاتلندی ، لژ جدیدی برای خود تأسیس کنند . این برادران فراماسون از ما [گراند لژ اسکاتلند] خواستند تا اقدام به افتتاح و تقدیس لژ آنها کنیم . ما آنها را فراماسونهای بسیار علاقمند دریافتیم که به خوبی متوجه اهمیت کاری که می خواهند بکنند ، هستند . ولی با اینکه سه سال است آنها تقاضای منشور تأسیس لژ کرده اند ، معذک مادام که همه نکات را نیاموخته اند ، نمی توانند به افتخار دریافت منشور (تأسیس لژ) نائل آیند .

آنها در طی مدتی که انتظار دریافت منشور را می کشیدند ، بطور دائم معلومات فراماسونری خود را توسعه داده و شعائر ماسونیک (فراماسون بودن) و همچنین اداره لژ را بخوبی فرا گرفته اند . برادران ما در این مدت شعائر ما را به زبان

فارسی، یعنی زبانی که لژ با آن فعالیت خواهد کرد، ترجمه کرده‌اند.^۱ [منظور نویسنده ترجمه ریتول‌هاست]

برادر لینیول-د-استراکر^۲ سرپرست ناحیه و بسیاری از برادران لژروشنائی در ایران - شماره ۱۱۹۱ - بخصوص برادر کریستوفر فری استاد اعظم و همچنین برادر اف - اس - دورابجی^۳ استاد اعظم دیگر در تهیه مقدمات و تدارکات تشکیل لژ تهران کمکهای شایانی نموده‌اند.

هنگام ورود به تهران ما با استقبال شایانی روبرو شدیم و خود را در یک محیط سرمست‌کننده یافتیم که آکنده از برادری و دوستی و محبت بود.

ما را به محفل و معبد جدید لژ طهران راهنمایی کردند و این لژ را بسیار عالی یافتیم. این لژ در محلی که سابقاً خانه مسکونی بود، تأسیس شده و حقیقتاً لژی امیدوارکننده بود.^۴

ما این لژ جدید را تحت ریاست برادر ا. ح. [مهندس حسین] شقاقی و کمک برادران لژ روشنائی در ایران ۱۱۹۱ و کمکهای بی‌شایبه برادر شیخ احمد خزعلی استاد اعظم لژ فیحا شماره ۱۳۱۱ که در بصره واقع در عراق تشکیل می‌شود، افتتاح و تقدیس نمودیم.

برادر خزعلی به عنوان ستون قدرتی برای برادران لژ تهران در کمک به

۱- در سال ۱۳۳۹ لژ تهران تعداد زیادی ترجمه فارسی ریتول‌ها را از لندن دارد تهران کرد. این استاد که بنام مهندس میرعبدالباقی بود، در گمرک ضبط شده و سازمانهای انتظامی اجازه خروج آنها را از گمرک ندادند. ولی تلفن یکی از متنفذین که طبق اظهار میرعبدالباقی عضو شرکت ملی نفت (مرحوم حنین علاء بوده‌است) گمرک احکامات پستی اوراق مامونی را به عنوان رساله خاتمه تحصیلی مهندس میرعبدالباقی شناخته و اجازه ترخیص آنها را می‌دهد.

۲- L. D. Straker سالها رئیس شرکت لینچ در ایران بوده. او در سال ۱۳۳۸ - از ایران رفت و تنبیر مأموریت یافت. ولی باز دینگو برای سرپرستی لژهای ناحیه ایران در سال ۱۳۴۰ - بتهران بازگشت و مدتی در آبادان - اهواز و شیراز بود.

۳- دورابجی تبعه هند است که شرح حال او خواهد آمد.

۴- اولین محل جدید لژ طهران، خیابان شاعر رضا کوچه ننائی بود.

فعالیت آنها بوده است. لژ جدید خوشبختانه دارای دبیری فعال و پرکار چون برادر
 ۱- ار میرباقی [مهندس میرعبدالباقی] نیز می باشد که در ایران بهر کجا که رفتیم
 ما را راهنمایی و همراهی کرد.

شب بعد، ما دیدار کوتاه یکساعت و نیمی از لژ مولوی شماره ۴۹ نمودیم
 که نسبتاً لژ جدیدی است که تحت نظر لژ بزرگ ناسیونال ملی فرانسه تأسیس
 شده. در اینجا ما با استقبال بسیار دوستانه و برادرانه‌ای روبرو شدیم و بقیه این
 شب را در لژ روشنائی ایران شماره ۱۱۹۱ گذرانیدیم.

در اینجا ما گزارش دست اولی را از طرف استاد اعظم لژ استماع نمودیم و
 دریافتیم که نحوه کار حقیقتاً عالی است. روز بعد ما با پرواز ۵۰۰ میل به شیراز
 رفتیم. در اینجا یکدسته فراماسون از ما پذیرائی کردند در حالیکه تا بحال در
 شیراز لژ تأسیس نشده است. در طی اقامت خود از آثار کاخ تخت جمشید بازدید
 کردیم و شب هنگام افتخار صرف شام را بطور غیر رسمی در حضور یکی از نخست
 وزیران و دون از وزرای وی که یکی از آنها خدمتگذار اداری لژ تهران^۱ می باشد
 کسب کردیم.

در خاتمه نیز باردیگر با احساساتی سرورکننده و صمیمی و علاقه واقعی
 به این حرفه مخصوص «طنیفه اسکاتلندی» در ایران روبرو و مواجه شدیم.

روز بعد ما با طی مسافت سیصد میل راه با اتومبیل به اصفهان
در اصفهان و بصره سفر کردیم. در اصفهان نیز ما دسته‌ای از فراماسون‌ها را
 ملاقات کردیم و از آنجا با پرواز چهارصد میل عازم آبادان
 شدیم. در آبادان یکی از رؤسای شرکت نفت ضیافت ناهاری بافتخار مائرتیب داد،
 سپس از مرز گذشته به بصره واقع در خاگ عراق وارد شدیم.
 در بصره عده زیادی از افراد لژ (فیجا) شماره ۱۳۱۹ در سرحد از ما استقبال
 کردند.

۱- دکتر غلامرضا کیان معاون نخست وزیر وقت.

شامگاهان ما در جلسه لژ شرکت کردیم، در حالیکه برادر شیخ خزعلی روی صندلی مخصوص قرار داشت، مراسمی بسیار عالی به زبان عربی انجام پذیرفت. روز بعد ما از بغداد به سوی اسکاتلند پرواز کردیم.

در خاتمه و بطور خلاصه من عقیده دارم که فراماسونری هم اکنون در ایران برپایه ای مستحکم استوار است. این پایه می تواند منشاء توسعه خوبی گردد. گوا اینکه فراماسونری ایران هم اکنون وچک می باشد.

در روزهاییکه دکتر بوخان و ماکنیل واتسون در تهران اولین استاد اعظم بودند، نخستین استاد اعظم ایرانی (مهندس حسین شقاقی) انگلیسی در ایران انتخاب شد. در مراسم تنصیب وی، تشریفات مخصوصی انجام گردید که عیناً از رساله های که به زبان های فارسی و انگلیسی نوشته شده نقل می کنیم. این نخستین باری است که در تشریفات فارسی و یا احتمالاً در جهان، اسناد محرمانه و کاملاً سری فراماسونها منتشر می گردد:





لژ تهران ۱۵۴۱

تابع

قانون اساسی اسکاتلند

لژ اعظم اسکا تلند

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی

تأسیس و تقدیس

لژ تهران

شماره ۱۵۴۱

در محل لژ

در تاریخ دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷

و

تفصیب

برادر حسین شقاقی

بسمت

حضرت استاد ارجمند

و

افسران لژ

بوسیله

برادر دکتر الکا ندر فیروزی بوخان

حضرت دبیر ارجمند اعظم

و

برادر د. ماکنیل واتسون

حضرت خزانه دار ارجمند اعظم

افسران تقدیس کننده لژ اعظم اسکا تلند

افسر تقدیس کننده و استاد تنصیب کننده

برادر الکساندر فیروزی بوخان

حضرت دبیر ارجمند اعظم

(با معاونت)

(برادر د. ماکنیل واتسون)

حضرت خزانه دار ارجمند اعظم

سرپرست اول تنصیب کننده برادر ل. د. استریکر حضرت ناظر ارجمند

ناحیه و ناظم اعظم ارجمند افتخاری

سرپرست دوم تنصیب کننده برادر . ف . س . دورابجی رهنمای اعظم دوم

بسیار ارجمند افتخاری

مشطیب تنصیب کننده برادر . د . د . ماکنیل واتسون خزانه دار

اعظم ارجمند

رئیس تشریفات تنصیب کننده برادر . د . د . ماکنیل واتسون خزانه دار

اعظم ارجمند

شمسیردار تنصیب کننده برادر ث . ی . فیری رهنمای اعظم دوم بسیار

ارجمند افتخاری

نگهبان داخلی تنصیب کننده برادر ارفع السلطنه کتاب بر اعظم افتخاری

کارپرداز تنصیب کننده برادر شیخ احمد خزعلی رهنمای اعظم بسیار

ارجمند افتخاری

والله اعلم بهیچ مانعی مرا از ادای وظیفه‌ام باز نخواهد داشت زیرا عنایت الهی نگهبان و راهنمای من است و مرایاری می‌کند و خدا دست ما را می‌گیرد تا آنچه در آن سعادت اعضای ما و سعادت عشیره آزاد و سعادت افراد بشر است انجام دهیم.

اگر خلافتی از من نسبت به آنچه در این سوگند خود تعهد کرده‌ام سر بزنند خون من حلالست و مطابق تصمیمات هیئت عالی در مجلس عالی لژ بزرگ آینده آلی جهانی که افتخار وابستگی به محافل آنرا دارم و مطابق آئین‌نامه‌های فراماسونی عمومی مستحق خواهم بود که سر مرا بزنند و زبانم را از بیخ بکنند و مرا رسوا و بی‌آبرو نمایند.

علاوه بر این، کسیکه وارد این لژ میشد وصیت‌نامه‌ای نیز از اومی گرفتند که مژیل آن را امضاء میکرد:

وصیت نامه

اینچانب.....از ساکنین.....تبعه.....

بشرافت خودم و به کتاب مقدس سوگند می‌خورم که نسبت به لژ خودم لژ... که تابع لژ بزرگ آینده آلی جهانی است وفادار باشم و اجرای آئین‌نامه اساسی و آئین‌نامه داخلی آنرا بعهده بگیرم و بر شرافت خود و شرافت خانواده‌ام محافظت نمایم و به پادشاهم و میهنم صمیمانه و شرافتمندانه و صادقانه خدمت کنم اگر چه در راه آن جان خود را از دست دهم و بنام نیک کشورم و میهنم بهیچوجه آسیبی نرسانم و از برادر فراماسن و خانواده او نگهداری کنم و وجود خداوند یارینهای آسمانی را انکار ننمایم و عمل زشتی مرتکب نشوم که برخلاف قانون باشد و اگر به چیزی از آنچه گفتم عمل نکنم بحکم هیئت عالی فراماسنی سرفروود بیاورم اگر چه بر یختن خون من و گرفتن جان من حکم میکند.

(محل امضاء)

اولین کاری که لژ همایون کرد، ترجمه و چاپ قانون اساسی و آئین‌نامه داخلی لژ به این شرح بود:

برنامه

- ۱- برادران در طالار مجتمع شده می‌ایستند .
- ۲- هیئت نمایندگی لژ اعظم اسکا تلند بدسته منظم داخل لژ می‌شوند .
- ۳- لژ بنایان آزاد :
- در درجه اول افتتاح می‌شود .
- بدرجه دوم برده می‌شود .
- بدرجه سوم ارتقاء می‌یابد .
- ۴- خطیب تنصیب‌کننده دعا می‌خواند .
- ۵- برادران سرود تقدیس را می‌سرایند .

سرود تقدیس

آهنگ ملکمب

ای تونی که از قدرت آفرینندگیت
جهان در آغاز به نظم در آمد
و از راههای روشن خرد
انسان ها را پراف برادری هدایت کردی
ما بر تو درود می‌فرستیم برای انگیزه‌دارستین

Consecration Hymn Tune Melcombe.

Oh Thou by whose creative might
The world at first in order stood.
And who in wisdom's ways of light
Hast led men on to brotherhood.
We bless Thee for the impulse true
The motive pure the purpose high.
That first possessed a faithful few
In concord's bond to live and die.
Let masonry thus born on earth
Lead every virtue in its train,
And gather men of sense and worth
To projects wise from pursuits vain.
Bless now, we pray thee, God of Grace,
This Lodge, we consecrate to Thee,
And may the brightness of The face
Shine on our whole fraternity.

- 6 -

برای انگیزه پاک برای قصد والا .
که در ابتدا فقط به دل وفادارانی چند
که عیناً یکرنگی برای زیستن و حرکت بسته بودند ، راه یافت
بگذار ماسونری که بدرینمان بر زمین زاده شده
همه صفات نیک را به دنبال داشته باشد
و مردان هوشمند و با ارزش را
مرد کارهای خردمندانه جمع کند و از امور غرورآمیز بازدارد
ای خدای عنایت ، ما به درگاهت دعا می کنیم
که این لژ را به نام تو تبرک می کنیم
مشمول رحمت خود سازی
و نور سیمای تو بر تمامی جامعه اخوت ما بتابد

۶- خطیب تمصیب کننده هر مور ۱۳۳ را قرائت می نماید .

سرود از داوود

آیه ۱- اینک چه خوش و چه دلپسند است. که برادران ییگدلی یا همساکن شوند.

آیه ۲- مثل دوتن نیکویر است. که بریش فرود می آید. یعنی بریش هارون.

آیه ۳- که بدامن ردایش فرود می آید.

و مثل شبنم حرمون است. که برگوهای صهیون فرود می آید. (پرا) که در

آنجا خداوند برگت خود را فرموده است. یعنی حیات را تا ابد آلا باد.

۷- دبیر اعظم برای برادران خطبه ایراد می کنند.

۸- افسران تنصیب کننده لژ اعظم ناحیه منظم دور لژ می گردند و در این

هنگام بخش اول مزمور سرانیده می شود.

افسران مزمور در شرق توقف کرده حضرت دبیر اعظم ارجمند بنبرافشانی

می نمایند.

مزمور بخش ۱

آهنگ گریموند

Psalm 23, Verse 1.

Tune Crimond

The Lord's my Shepherd, I'll not not want
He makes me down to lie.
In pastures green; He leadeth me
The quiet waters by.

آیه ۱- ۳۱- خداوند شبان من
است. - محتاج هیچ چیز نخواهم بود.
در مراتعی سبز مرا می خواباند. نزد
آبهای راحت مرا رهبری می کند.

۹- دسته افسران مزمور دور لژ می گردند و در این هنگام بخش دوم

مزمور ۲۳ سرانیده می شود و سپس دسته افسران در غرب توقف کرده و حضرت

دبیر اعظم ارجمند شراب می ریزد.

۱- کتاب مقدس - کتاب مزامیر یعنی زبور داود (از تورات) ص ۹۳۶

۲- مزمور ۲۳ آیه های یک تا سه از تورات به نقل از کتاب مقدس ص ۸۴۵

مز مور ۲۳ - بخش ۲

Psalm 23. Verse 2.

My Soul he doth restore again;
And me to walk doth make
Within the paths of righteousness,
Ee'n for his own name's sake.

آیه - ۲ - جان مرا برمی گرداند.
و بطاهر نام خود براه های عدالت
هدایت می نماید

۱۰ - دسته مز مور برای بار سوم دور لژ می گردند و در این حال بخش سوم
مز مور سرانیده می شود. دسته در جنوب توقف کرده و حضرت دبیر اعظم ارجمند
تلاوت می ریزد.

مز مور ۲۳ - بخش ۳

Psalm 23. Verse 3.

Yea, though I walk in death's dark vale
Yet will I fear none ill;
For Thou art with me; and thy rod
And staff me comfort still.

آیه - ۳ - چون در وادی سایه
هوت نیز راه روم. از بدی نخواهم
ترسید زیرا تو با من هستی. عصا و
چوب دستی تو مرا تسلی خواهند داد

7

۱۱ - دبیر اعظم و افسران اعظم بمقرهای خود باز می گردند.
۱۲ - دبیر اعظم فرمانیکه به عنوان لژ تهران شماره ۱۵۴۱ صادر شده است
قرائت می نمایند.

۱۳ - خزانهدار اعظم به مدیر تشریفات دستور می دهد تا سیل لژ را اعلام نماید.
۱۴ - خطیب تنصیب کننده خطبه برکت را ایراد می نماید.

۱۵ - مدیر تشریفات افسران تعیین شده لژ تهران را دعوت می نماید که دور
لژ گشته و بوسیله دادن سلام استادی به حضرت دبیر اعظم نسبت به لژ اعظم ادای
احترام نمایند.

۱۶ - خطیب تنصیب کننده دعا می خواند

۱۷. حضرت دبیر اعظم ارجمند می‌گویند: در عرش اعلا تجلیل برای ایزد
متعال

برادران در پاسخ می‌گویند: و در روی زمین صلح و سعادت برای بشر
۱۸ - مزمور ۷۲ سرائیده می‌شود.

مزمور ۷۲ - آهنگ دانفرملاین

Psalm 72 - Tune Dunfermline

How blessed be the Lord our God	آیه ۱۸ - متبارک یا دیهوه خدا که
The God of Israel,	خدای اسرائیل، که اوقات کارهای عجیب
For He alone doth wondrous works,	می‌کند
In glory that excel.	آیه ۹ - و متبارک باد نام مجید
And blessed be His glorious name to all	او تا ابد الابد، و تعالی زمین الزجلل
Eternity;	او پر شود. آمین و آمین
The whole earth let his glory fill,	
Amen, so let it be.	

۱۹ - لژ بنحوه مقرر و باستانی بسته می‌شود.

مراسم تنصیب

۲۰ - لژ تهران شماره ۱۵۴۱ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده
در درجه اول افتتاح می‌شود.

۲۱ - مدیر تشریفات برادر حسین شقاقی استاد تعیین شده را معرفی می‌نماید.

۲۲ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه‌ای برای استاد تعیین شده
ایراد می‌نماید.

۲۳ - مدیر تشریفات خلاصه‌ای از تکالیف باستانی را قرائت می‌نماید.

۲۴ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده مراسم یاد کردن سوگند و وفاداری
را اداره می‌نمایند.

۲۵ - انجام مراسم سرود.

۱ - ترجمه کتاب مقدس تورات می ۸۸۵

سفر اعداد^۱

آیه ۲۴ - یهوه تو را برکت دهد
و تو را محافظت نماید

The Lord bless thee and keep thee;
The Lord make his face to shine upon thee
And be gracious unto thee.
The Lord lift up his countenance
Upon thee and give thee peace.

آیه ۲۵ - یهوه روی خود را بر
تو تابان سازد و بر تو رحمت کند
آیه ۲۶ - یهوه روی خود را بر
تو برافرازد و تو را سلامتی بخشد
آیه ۲۷ - و نام مرا بر بنی اسرائیل
بگذارند و من ایشان را برکت خواهم
داد

۲۶ - کارآموزان از لژ خارج می‌شوند. لژ بدرجه دوم برده می‌شود.

۲۷ - کاریاران از لژ خارج می‌شوند. لژ بدرجه سوم ارتقاء می‌یابد.

۲۸ - استاد بنایان از لژ خارج می‌شوند. هیئت استادان تنصیب شده تشکیل

می‌گردد.

۴۹ - تنصیب

۳۰ - لژ در درجه سوم ادامه داده می‌شود - استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته

می‌شوند.

۳۱ - به حضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می‌شود و ابزار استادی باو

ارائه می‌شود.

۳۲ - لژ بدرجه دوم تنزل داده می‌شود و کاریاران به داخل لژ پذیرفته می‌گردند.

۳۳ - به حضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می‌شود و ابزار کاریاری به

او ارائه می‌گردد.

۳۴ - لژ به درجه اول تنزل داده می‌شود و کارآموزان به داخل لژ پذیرفته

می‌گردند.

۳۵ - به حضرت استاد ارجمند از جنوب سلام داده می شود و ابزار کار آموزشی بار ارائه داده می شود .

۳۶ - فرمان و قانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی باستاد لژ ارائه می شود . .

۳۷ - سایر افسران لژ سوگند یاد می نمایند و با دریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می شوند .

۳۸ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطبه هایی ایراد می نماید .

برای - حضرت استاد ارجمند

سرپرستان ارجمند

برادران

۳۹ - برادران مزبور صدم را می سرایند - (آهنگ صدم قدیم) .

آیه ۱ و ۲ - ای تمامی روی زمین ،

خداوند را آواز شادمانی دهید

خداوند را با شادی عبادت نمائید و

بمحمود او با ترنم بیائید

آیه ۳ - بدانید که یهوه خداست او

ما را آفرید ، ما قوم او هستیم و

گوسفندان مرتع او

آیه ۴ - بدروازه های او با حمد

بیایید . و بصحن های او با تسبیح .

او را حمد گوید و نام او را متبارک

خوانند

آیه ۵ - زیرا که خداوند نیکو است

و رحمت ابدی . و رحمت وی تا ابد

الابد

All people that on earth dwell
Sing to the Lord with cheerful voice
Him serve with mirth, his praise Forthtell
Come ye before Him and rejoice.
Know that the Lord is God indeed,
Without our aid he did us make
We are his flock, He doth us feed,
And for His sheep He doth us take.

۴۰ - خواندن دعا بوسیله خطیب .

۴۱ - حضرت دبیر اعظم ارجمند کوبه را که علامت قدرت است از طرف لژ

اعظم به حضرت استاد ارجمند اعطا می نماید .

۴۲ - حضرت استاد ارجمند پاسخ می دهد .

۴۳ - اعطای عصای مدیریت تشریفات برادر د. ماکنیل خزانهدار ارجمند اعظم .

۴۴ - برادر شقاقی مدیر ارجمند تشریفات جواب می دهد .

۴۵ - حضرت استاد ارجمند درپلم ها و نشانهای مؤسین و نشانهای لیافت اعطا می نماید .

۴۶ - هیئت نمایندگی لژ اعظم اسکاتلند بدسته منظم از لژ خارج می شوند .

۴۷ - لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می شود .

۴۸- سرود اختتام - آهنگ الرس

Closing Ode - Tune Ellers

Father again to Thy dear name We raise
With one accord our parting hymn of praise
We stand to bless Thee ce'r our worship
cease

Then lowly kneeling wait Thy word of peace
Grant us Thy peace Lord through the
coming night

Turn Thou for us it's darkness into light
From harm and danger keep Thy children free
For dark and light are both alike to Thee.

پدر بار دیگر به نام تو یکصد
سرود پرستایش بدرد خود را
میرالیم

می ایستیم تا پیش از پایان نیایش
درد خود را بر تو نثار کنیم
سپس از سر تو واضح را نوزدان در
ظلمات کلام آشتی تو می مانیم

نهاد و لدمارا روشنی خود را در این
شب که در راه است بما عنایت فرما
و تاریکی آنرا بروی ما بدروشنی
تبدیل ساز

اطفال خود را از گزند و خطر فارغ
نگاهدار

چون تاریکی و روشنی هر دو برای
ما یکسانند .



Dr. Alexander F . Buchan

M . B . E و SC و F . PH . D

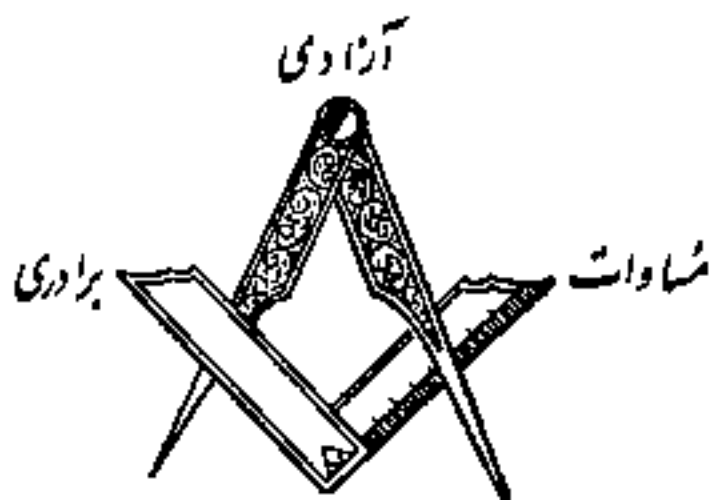
دکتر الکساندر فرلی بوخان: دبیر اعظم نژاد اسکاتلند که نخستین نژاد فارسی زبان را در ایران افتتاح کرد.



D. macneill watson

هاکنیل واتسون خزانده دار اعظم همراه دکتر اسکاتلند که اولین گزارش افتتاح
 بیمارستان را در سالنامه عجز عارفه لومنتشر کرد .

قانون اساسی لژ همایون



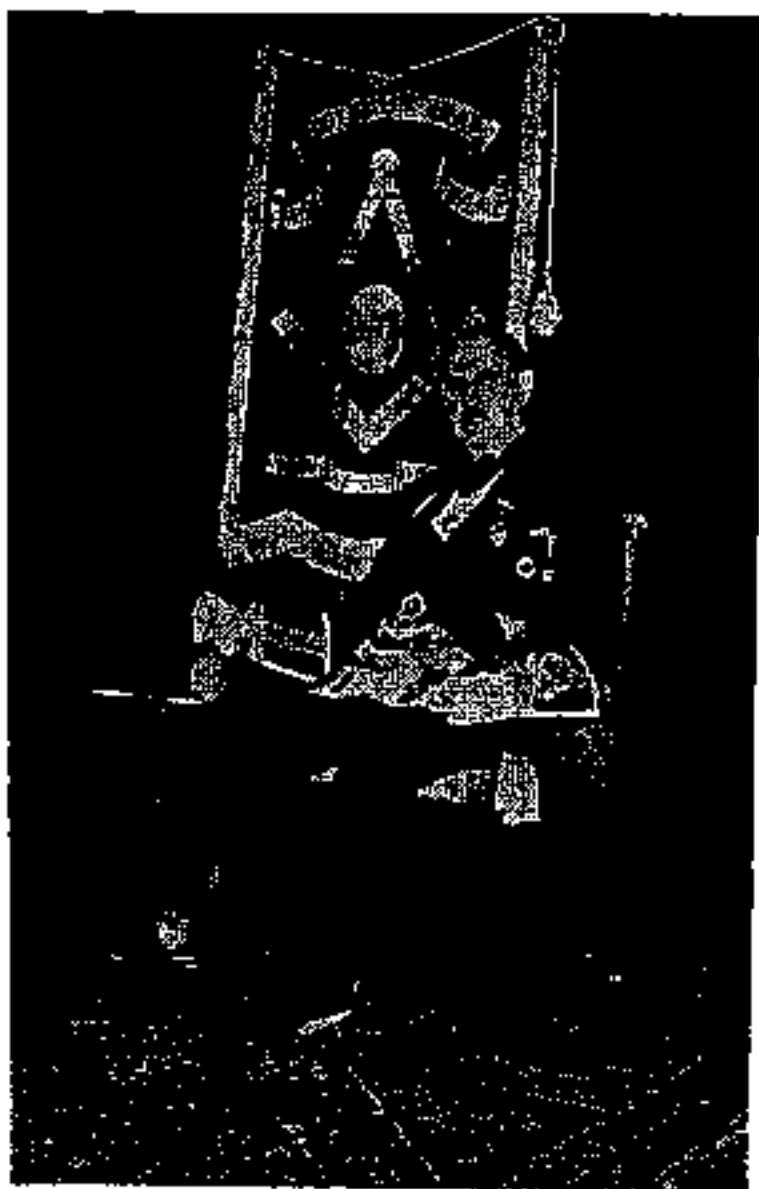
قانون اساسی - درباره فراماسن ایده آلی و اصول آن

ماده اول - فراماسونی ایده آلی يك سازمان بشری جهانی است كه هدف آن خیر مطلق و جستجوی حقیقت و حكمت و معرفت و جمال میباشد. این سازمان با فضیلت سروكار دارد و بدینش علم و ادب و هنر می پردازد و در راه حق و عدالت می-كوشد و به ضعیفان و مستمیدگان كمك می كند و همه این كارها را بر اساس « آزادی و جدان و همکاری بشری » انجام میدهد .

ماده دوم - این عشیره ایده آلی بر سه پایه قرار دارد كه عبارت است از :

آزادی . . مساوات . . برادری . .

ماده سوم - فراماسنی ایده آلی خواهان احترام متقابل بین پیروان ادیان و مرامهای فلسفی و اجتماعی است و جداً سعی می كند كه آنها در زیر پرچم ایمان بوجود خداوند آفریدگار و مهندس اعظم جهان متحد شوند و نیز به كتب مقدس آسمانی و



L. D. Straker

ل. د. استراکر، رئیس شرکت لیج در ایران و استاد اعظم فراماسوئری در حالیکه کوبه استادی را بدست راست دارد. پشت سر او پرچم لژ روشنائی در ایران آویزان است. او ۲۰ سال در فراماسوئیه‌های ایرانی ریاست وسووری داشته و هنوز هم دارد.



شیخ احمد خزعلی، استاد اعظم، توفیحا در بصره که هفت ایرانی را در توفیحا فراماسون کرده و آنها را مأمور تشکیل توفیسی زبان در تهران کرد.



میتاس حسین شقاقی نخستین استاد اعظم لراسکا نلند، در ایران و مؤسس لراسکا،
او عورت احترام بسیاری از هموطنان لراسکا را می‌باشد

اکنون که برای نخستین بار، با سرودهای رسمی فراماسونری
سرودهای رسمی که در مراسم افتتاح لژها و سایر تشریفات مخصوص، همراه
فراماسونری با موزیک خوانده می شود، آشنا شدید، و ملاحظه فرمودید
«توسفندان یهوه» که چگونه این سرودها، عیناً از «توراة» - کتاب مذهبی
 یهودیان - اقتباس شده است، و ما نیز بمنظور حفظ امانت
 در ترجمه و مستند بودن مطالب کتاب، متن این سرودها را از ترجمه فارسی و
 رسمی مزامیرداورد، از «کتاب مقدس» - انتشارات دارالسلطنه لندن - نقل کردیم،
 بدیست از نکته بسیار جالبی نیز، که در جریان ترجمه و نقل این سرودها،
 بر لکارنده فاش شد، آگاه شوید.

از هنگامی که «لژ تهران» در پایتخت ما تأسیس شد و فعالیت خود را آغاز
 کرد، تا به امروز دهها رساله درباره «افتتاح لژها»، «تتمیب مقام استادی» و سایر
 مراسم تشریفات بطور محرمانه از طرف لژها تدوین و طبع و بین فراماسونهای
 ایرانی توزیع شده است. نکته حیرت انگیزی که در همه این رسالات و انتشارات
 بیچشم می خورد، این بود که فراماسونها با وجود ابداع واژه ها و اصطلاحات مخصوص،
 برای ترجمه و برگردان کلیه مطالب خود بزبان فارسی، همه جا از ترجمه فارسی
 سرودهای فراماسونری و قسم نامه های توأم با موزیک طفره رفته و از نقل ترجمه
 سرودها خودداری کرده اند.

البته این مطلب در آغاز زیاد غیر عادی بنظر نمی رسد، چرا که بسیاری
 از سرودها و ادعیه و اوراد، در میان فرق و مذاهب و آئین های مختلف، از زمان
 پیدایش زبانهای سانسکریت، عبری، عربی و بطور کلی بصورت اولیه و با زبان اصلی
 آن فرقه و آئین باقی مانده و بعدها نیز، طی قرون و اعصار، پیروان آن مذاهب
 و فرق، ترجیح داده اند که ادعیه و اوراد و یا سرودهای رسمی خود را با همان
 زبانهای اولیه بیاموزند و بکار ببرند. چنانکه در مورد دین حنیف اسلام نیز، ایرانیان
 که پیرو این آئین مقدس و شریف هستند، نماز و بسیاری از آداب و مراسم مذهبی

دیگر خود را ، با زبان اولیه آن ، یعنی عربی که زبان کلام الله مجید و پیامبر بزرگ اسلام است ، برگزار می کنند ، نه با زبان فارسی ...

طبعاً با این منطق خودداری فراماسونها از ترجمه متن سرودهای رسمی و قسم نامه ها ، غیر عادی بنظر نمی رسد ، اما چون همه جا ، در متن همین رسالات که بزبان انگلیسی منتشر شده ، عین سرودهای آئین گشایش ، تنصیب مقام استادی و قسم نامه ها نقل و منعکس شده بود ، حس کنجکاوی نگارنده تحریک شد ، زیرا بدانکه گفتیم فراماسونها نه تنها همه رسالات و مراسم و آئین خود را به فارسی ترجمه می کنند ، بلکه در اغلب موارد ، لغات و اصطلاحات واژه های خاصی نیز برای بیان مقاصد خود ابداع کرده اند که نمونه هایی از آن در همین کتاب آمده است . با توجه به این مقدمات ، و آگاهی بر این امر که هیچیک از اقدامات لژها بدون علت و انگیزه نمی تواند باشد ، برای ترجمه دقیق متن سرودهای رسمی و قسم نامه ها اقدام شد . و در جریان همین کار بعثت خودداری و طفره رفتن از ترجمه سرودها آگاهی یافتیم .

توضیح اینکه هنگام ترجمه قسمتی از سرودها و آنچه که همراه با موزیک اجرا می شود جملات و کلمه ها آشنا بنظر می رسد ، و آمدن اسامی خاصی چون «یهوه» تأکید بر پرستش او ، نگارنده را باصل و منبع این سرودها رهنمون شد . با این اهمائی متن انگلیسی توراۃ را گشودیم و در اینجا بود که بعثت خودداری فراماسونها از ترجمه سرودها پی بردیم ، زیرا این سرودها جز مزامیس داوود که از کتاب مقدس نقل شده بود چیز دیگری نبود و طبعاً کسانی که قصد داشتند پیروان همه مذاهب ، از جمله گروهی از مسلمانان ساده دل را ، زیر عنوان « برادری » همکاری با خود بخوانند ، چگونه امکان داشت علناً آنها را وادار سازند که بنام سرود رسمی « یهوه » را پرستند و خود را « گوسفندان او » بخوانند ؟

با وقوف بر این حقیقت هنگام نقل رساله تشریفات نخستین استاد اعظم ترجمه آیات توراۃ را از « کتاب مقدس » - چاپ لندن ، ۱۹۵۴ - با ذکر صفحات و

مطور آن بیان کردیم و اینک برای اینکه بدانیم فراماسنها، در لژهای خود چه سوگندهائی یاد می‌کنند و چگونه بیروان همه مذاهب را به پرستش و یهوه - خدای اسرائیل - واهی دارند، یکبار دیگر قسمتی از آیات توراۃ - «مزمور صدم» را نقل می‌کنیم و سپس توضیحانی درباره سرودهای فراماسونها می‌دهیم:

«ای تمامی روی زمین * خداوند را باشادی عبادت نمایند *»

«و به‌حضور او یا ترنم بپایند * بدانید که یهوه خداست . او ما را آفرید *»

«ما قوم او هستیم و گوسفندان مرتع او *»

بطوریکه قبلاً گفته شد، در آئین تشکیل و گشایش لژهای فراماسونری برقراری سمت استادی، سرودهای مخصوصی همراه با موزیک خوانده می‌شود و شرکت‌کننده‌گان اعم از مسلمان یا مسیحی - مسلمانان عادی یا پیشوایان روحانی که در آن جلسات حضور دارند، در مراسم با این سرودها به تشریفات فراماسونی خود تبرک و هیجنت می‌بخشند.

تردید نیست که استفاده از سرودهای مخصوص و احیاناً ترنم موزیک در اینگونه مراسم و آداب و تشریفات مشابه، امری غیر عادی نیست. و هرگروه و دسته و سازمانی می‌توانند، برای خود سرودهای مخصوصی داشته باشند. اما نکته اینجاست که سرودهای مخصوص فراماسنها چنانکه در آئین برقراری سمت نخستین استاد اعظم فراماسونری انگلیسی، ملاحظه فرمودید، جملات و آیاتی از مزامیر داوود - از توراۃ - از کتاب مقدس یهودیان است که طی آن بارها، یهوه را خداوند آدیان شناخته و همه مردم را بندگان و گوسفندان مرتع او دانسته است. چنانکه طی فصول این کتاب ملاحظه شد، در طول مدت فعالیت سازمان‌های

فراماسونری در ایران، بسیاری از کسانی که خود را پیرو دین مبین اسلام می‌دانستند و حتی داعیه هدایت دیگران را داشتند و به کسوت شریف پیشوایان مذهبی درآمده بودند، عضویت این سازمانها را پذیرفته و ضمن بوسه زدن بر دست استاد اعظم، همراه با سایر اعضاء بارها همین سرودهای رسمی را می‌خوانده‌اند و طبعاً هنوز اینگونه افراد در خدمت لژهای فراماسونی هستند...

هنوز هم در کسوت شریف روحانیت، بر دست‌های اساتید اعظم! بوسه می‌زنند و هم‌صدا با سایر «برادران» می‌خوانند که:

«مبارک باد یهوه خدا، که خدای اسرائیل است»

و این جملات بر زبان کسانی جاری می‌شود که نه تنها داعیه مسلمانی و پیروی از دین حنیف اسلام را دارند، بلکه مدعی هدایت دیگران و آشنا ساختن طبقات مردم با اصول مذهب و وادار ساختن آنان به پرستش خدای یگانه نیز هستند. آنچه مسلم است، عضویت این افراد در سازمان‌های فراهاسونری و انجام آداب و مراسم مخصوص از طرف آنان - از جمله خواندن سرودهای رسمی اجباری مشمول یکی از این دو حالت است:

نخست اینکه ناآگاهانه و بدون اطلاع از مقاصد اصلی گردانندگان، و تنها بخاطر خدمت به مردم و اجتماع از طریق اخلاق و انسانیت باین سازمان‌ها پیوسته‌اند و از مفهوم سرودهایی که می‌خوانند آگاه نیستند... که درین صورت، همین مطالبی که از نظرتان می‌گذرد، می‌تواند هشدار برای همه آنان باشد، بدین معنی که: - آقایان! شما که خود را مسلمان می‌دانید... شما آقای آیت‌الهی که در کسوت شریف روحانیت هستید، و همه شماها که به قصد و منظور خدمت به خلق بوسه بردست یگانگان می‌زنید، شما که با گفتن «اشهدان لا اله الا الله» به وحدانیت خدای یگانه ایمان آورده‌اید، ببینید، چگونه افرادی که ظاهراً ملیت و مقدسات مذهبی را محترم شمرده‌اند، ندانسته شما را به راه دیگر می‌کشانند. معتقدات مذهبی شما را بدریش‌خند و مسخره می‌گیرند. شما را وامیدارند، با جملاتی که خود از معنی و مفهوم آن آگاه نیستند، وجود خدای یگانه، پیامبر مرسل و آیات کلام‌اله مجید را تکذیب کنید و هم‌زبان با آنان بگوئید:

«بدانید که یهوه خدای ماست، ما قوم او و گوسفندان مرتع او هستیم»

و هم‌چنین وادارتان می‌سازند که تعلیمات تو را ما کلمه به کلمه اجرا کنید:

«خداوند را با شادی عبادت نمائید و به حضور او با ترنم بیایید»

و با استناد به همین تعلیمات، به اصطلاح سرودهای مخصوص را همراه با موزیک اجرایی کنند.

اگر به راستی نادانسته و ناخودآگاه قدم درین راه نهاده‌اید، اکنون بخود آئید و یکبار دیگر کلمات این «سرودهای مخصوص» را که ترجمه فارسی آن‌ها را از کتاب مقدس چاپ لندن نقل کرده‌ایم، مرور نمائید و بخوانید و ببینید که چگونه معتقدات الهی و مقدسات مذهبی شما نیز به ریشخند و مسخره گرفته شده است.

... و اما گروه دوم، آنان که آگاهانه و با اطلاع از معنی و مفهوم سرودهای مخصوص، با سایر اعضا هم زبان می‌شوند، تکلیفشان روشن است. این گروه نه تنها با دین مقدس اسلام بیگانه‌اند، بلکه پیرو هیچ شریعت و آئینی نمی‌توانند باشند. آنان کسوت شریف روحانیت و یا نام مقدس اسلام را با وجود خود آلوده‌اند. لباس روحانیت و افتخار به مسلمانی، تنها سرپوشی است برای اقدامات سودجویانه آنان و انجام فعالیت‌های زیان‌بخشی که فرامین اجرای آن از طرف بیگانگان صادر شده است.

گفتیم که اینان پیرو هیچ طریقت و آئینی نیستند، زیرا کسی که در ملاعام، منابر و مساجد، بخاطر دین و بنام اسلام گریبان چاک می‌کند و در پنهان بر دست بیگانه‌ای که پیرو مذهب دیگری است، بوسه می‌زند و از آن بالاتر با خواندن ادعیه و اوراد تورات و «سرودهای مخصوص» وجود خدای یگانه را رسماً انکار می‌کند و بجای تعالیم عالی و آسمانی قرآن کریم، جملات و اوراد کتاب مذهبی دیگری را می‌خواند که در آن «یهوه» خدای عالمیان شناخته شده است و همراه با ترنم موسیقی، آداب و مراسمی را انجام می‌دهد که در کتاب «تورات» توصیه شده است، جز یک فرد «هرهری و لامذهب» چه نامی می‌توان روی او نهاد.

همین افراد هستند که با سوء استفاده از نام اسلام و کسوت شریف روحانیت

به همه مقدسات مردم پشت پا می‌زنند و باعث رواج حس بدبینی در میان مردم نسبت به همه روحانیون واقعی و شریف و سلب اعتماد آنان از گفتارها و تعالیم مذهبی می‌گردند. در مورد گروه دوم هرگونه هشدار یا راهنمایی بی‌نتیجه است، زیرا اینان خود بخوبی واقفند که چه راهی را در پیش گرفته‌اند. اعتقاد آنها بدین مقدس اسلام، از حدود اعتقادشان به «یهوه» تجاوز نمی‌کند، و دین و مذهب برایشان فقط يك دكان تجارت و منبع سود و درآمد است. و در مورد آنان، این مردم هستند که بایستی با هوشیاری و دقت افراد فاسق و فاجر را از مردمان حقیقی و پرهیزگار و روحانیون واقعی تمیز دهند. با برداشتن نقاب پرهیزکاران و شناساندن سیمای واقعی آنها به همه مردم نشان دهند که چگونه افرادی که دعوی روحانیت می‌کنند، افرادی که لباس مقدس روحانیت را بتن دارند، ولی بردست و شانه «استاد اعظم یهودی و مسیحی» خود بوسه می‌زنند و با قرائت «سرودهای مخصوص» که آیاتی از «توراة» است، تعلیمات این کتاب مقدس را بکار می‌بندند و خدای یهودیان را پرستش می‌کنند!

اجرای مراسم تقدیس و تقصیب‌لرها و استادان فراماسونری
يك نظریه عالمانه باتر نیم‌موزيك و خواندن اوراد و آیات توراة و مغایرتی که این مراسم و سرودهای آن با آئین مقدس اسلام دارد، چون برای نخستین بار است که در زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد، به تفسیر و اظهار نظر بیشتری احتیاج دارد. زیرا چنانکه اشاره شد ناکنون در این زمینه بحث و گفتگویی نشده است. بدین سبب در صدد برآمدیم تا نظریه یکی از دانشمندان معاصر را در این باره استفسار کنیم. بادانشمند محترم استاد محمد محیط طباطبائی که مطالعات عمیقی در مسائل مذهبی و تاریخی دارند، صحبتی داشتیم، ایشان نظر خود را کتباً برایمان نوشتند که اینك عین نوشته استاد را نقل می‌کنیم:

جلویدان روان اقرار می‌کند و حقوق انسان و آزادی او را در عقیده و عبادت محترم می‌شمارد .

ماده چهارم - - طریقه فراماسونی ایده آلی - همه قانونها و آئینها و مقامات حاکمه موجوده را محترم می‌شمارد و از آلوده شدن به کشاکشهای سیاسی و حزبی اجتناب می‌ورزد و همیشه بنفع کشورهایی که در آن اقامت دارد می‌کوشد و با مساوات در حقوق اعضای خود را از عدالت بهره‌مند می‌سازد .

ماده پنجم - فراماسنهای قدیمی و فراماسنهای پذیرفته شده يك نوع عادات و رموز موروثی دارند که مقصود از آنها امروز فضایی است که باید هر برادر ایده آلی در شرق و غرب بدانها آراسته گردد .

ماده ششم - يك فراماسن ایده آلی از نظر اینکه یا THEM میهن بین المللی است باید بازبان و قلم و سر مشق دیگران تمدن و آداب فراماسونی را توسعه و انتشار دهد و از کمک و راهنمایی و حمایت برادر خود ، گرچه به قیمت جان هم شده دریغ نکند و از او براساس یاری حق برضد باطل دفاع نماید .



«ایرادی که در این قسمت بر مسلمانان تازه وارد به لژ فراحاسو نری گرفته‌اید وارد و درخور یادآوری است :

به فرض اینکه سوگند به خدای اسرائیل و توسل به یهوه و ایلویهیم (به صیغه جمع عبری) برای مسیحیان به اعتبار اینکه تورات کتاب دینی معتبر ایشان است و هنوز بیش از عهد جدید رفع نیازمندیهای ایشان را می‌کند، اثری مانوس و انشاء مزامیر داود در کلیسا همچون کنیسه معمول باشد؛ برای مسلمانان که تورات زبور و انجیل را پس از نزول قرآن منسوخ و غیر قابل پیروی می‌دانند و به خدای یگانه و عادلّی اعتقاد دارند که پروردگار جهانیان یارب العالمین است و در میان بنی اسرائیل و بنی - اسماعیل و یا اسرائیل و اردن با مصر و سوریه تفاوتی نمی‌گذارند، توسل به یهوه صباوت خدای اختصاصی اسرائیل که با هیچ قوم و ملت و خلق دیگری نظر عنایت بلکه حق توجه ندارد، مخالف اساس اعتقاد دینی ایشان است. علاوه بر این اشکال عقیده‌ای که در این توسل و تشبث به خدای خاص بنی اسرائیل وجود دارد مشکل تازه قضیه در دلالت لفظ اسرائیل بر مفهوم جدیدی غیر از مصداق دیرین معهود از این کلمه است و آن کشوری و دولتی جدید متشکل از یهودیان آلمانی و روسی مهاجر در سرزمین فلسطین است که اینک به نام اسرائیل معروف شده است. کثرت اتصال و اختصاص این مفهوم سیاسی و اعتباری جدید به لفظ اسرائیل دیگر برای خدای اسرائیل در ذهن مردم عصر ما جز خدای دولت اسرائیل مفهومی ندارد که آنهم مانند ستاره شش پر دیگر مهر و محبت و ظلمت و یکبختی دعا نویسان نیست بلکه نشان رسمی یک کشور نو زادی شمرده می‌شود .

در این صورت توسل بخدای اسرائیل در روزی که دیگر مردم روی زمین از این کلمه مفهوم قوم مظلوم و آواره‌ای را در نمی‌یابند که از ستم

مسیحیان در رنج و عذاب باشد بلکه دلالت بر مفهوم حکومتی نوظهور دارد که به سعی انگلیس و آمریکا در قلب عالم اسلام پدید آمده و با جنگ و تصرف اراضی مسلمانان اثبات وجود می‌کند. آنهم از طرف يك فرد مسلمان تازم وارد به لژ فراماسونری، ناشی از جهل این مسلمان به حقیقت امور و اوضاع و قضایای اجتماعی و تاریخی است.

صرف نظر از جنبه‌های دینی و تاریخی و اخلاقی چنین امری باروش عمومی مسلمانان در این قضیه سیاسی مشترك هم آهنگی و موافقت ندارد. با غلبه روح سودپرستی در عصر ما بر افراد و جماعات مسلم است که غالباً شرکت در اینگونه جمعیت‌های رمزی و پوشیده از انظار، برای تأمین مصالح خصوصی و جلب کمک‌های غیبی به منافع شخصی صورت می‌پذیرد و ابداً جنبه اخلاقی و یا قصد قربتی در کار نیست.

بنابر این وقتی که فراموشخانه دیگر در انگلیس و فرانسه هم نمی‌تواند به ایجاد رابطه برادری و دوستی حقیقی در میان یهود و مسیحی کمک کند بطور اولی قادر نخواهد بود که میان يك تن یهودی با مسلمانی متأثر از سیاست تجاوز کارانه اسرائیل در منطقه خاور میانه، بازگر نام‌گذاری اسرائیل و توسل به یهود صهیون، عقد محبت و اخوتی ببندد.

از خدای جهانیان و پروردگار عالمان باید خواست تا چشم خردبندگان خود را بگشاید و عقل و وجدان اجتماعی را به جای غرور و غرائز و دسایس در نهاد همگنان متصکن دارد و همه افراد جوامع را در ظل مفهوم انسانیت مطلق نیکخواه و خدمتگزار واقعی بشریت تربیت کند تا این توطئه‌های کهن جهت استقرار روابط خصوصی میان دسته‌ها و افراد معین از میان بر خیزد و صفای حقیقی جای این سرابهای زندگانی را بگیرد. محیط طباطبائی،

نخستین اقدام لژ تهران، تهیه و تنظیم آئین نامه داخلی برای

آئین نامه
داخلی لژها اداره لژهای فارسی زبان بود. به موجب این آئین نامه، هر عضو تازه وارد می بایستی مبلغ شصت تومان ورودیه بدهد.

که از این مبلغ، چهارصد تومان آن را به نفع مرکز گراند لژ بدارز تبدیل گردیده به ادنبورگ می فرستند. همچنین مقررات دیگری برای حق عضویت، ارتقاء مقام، دریافت نشان، دیپلم و غیره وضع کرده اند که هر يك از آنها نیز متضمن درآمدهای دیگری برای لژ است، و از اینگونه درآمدها نیز، بیشتر از نصف مبلغ پرداختی هر عضو به اسکاوتلند حواله می شود. اینك عین آئین نامه داخلی را که هم اکنون در همه لژهای فارسی زبان اجراء می شود، نقل می کنیم:

آئین نامه داخلی ل. شماره ۱۵۷۴ تاریخ قانون اساسی لی اعظم اسکاوتلند

طهران - ایران

۱- جلسات ل. در خیابان ————— طهران ایران تشکیل می گردد.

۲- جلسات عادی ل. باستثناء ماههای ژوئیه و اوت (تیر و مرداد) در سومین چهارشنبه هر ماه میلادی در ساعات شش و نیم بعد از ظهر یا در ساعتی که ل. در جلسات عادی قبل تعیین کرده است تشکیل می گردد.

۳- افسران عبارتند از ۱۰۱ - ۱۰۱ پیشین - قائم مقام ۱۰۱ - جانشین ۱۰۱ - س. اول - س. دوم - دبیر - خزانه دار - مدیر تشریفات - خطیب - کتاب بر - ر. اول - ر. دوم - کارپرداز دو نفر - ن. داخلی - ن. خ.

۴- تعیین و انتخاب افسران ل. و کمیته امور عمومی و کمیته تحقیق بایستی در جلسه عادی ل. که در ماه آوریل (اردیبهشت) منعقد می گردد بعمل آید.

۵- جلسه سالیانه يك جلسه عادی است که در سومین چهارشنبه ماه می (خرداد) تشکیل می گردد.

در همین جلسه محاسبات سالیانه و گزارشهای مربوطه شنیده شده و افسران

انتخاب شده منصوب می گردند.

۶- جز در مواردی که قوانین اسکا تلند ترتیب خاصی مقرر کرده و عو تنامه ها و ست دستور کار جلسه بایستی حداقل پنج روز قبل از تشکیل ب جلسه عادی و ۴۸ ساعت قبل از تشکیل جلسه فوق العاده بدست برادران برسد.

۷- قائم مقام ۱۰۱۰ در جلسه ای که افسران تنصیب می گردند از طرف ۱۰۱۰ تعیین و تنصیب می شود.

۸- اعضاء کمیته امور عمومی عبارت می باشند از ۱۰۱۰-۱۰۱۰ های قبلی. قائم- و جانشین ۱۰۱۰- س اول- س دوم- دبیر خزانه دار و دو نفر از استادان که ب جلسه عادی ل که در ماه آوریل (اردیبهشت) تشکیل می شود انتخاب می گردند. وظائف کمیته امور عمومی عبارت است از نظارت و حفظ اموال موجود اعم منقول و غیر منقول (باستثنای وجوه نقدی در بانک) از هر قبیل در تمام دوره بندی کمیته بعهده آن کمیته و تحت نظر ل خواهد بود.

۹- کمیته تحقیق عبارتند از افسران مذکور در ماده ۱۷۷ ق ۱ و دو نفر استاد از طرف ل در جلسه عادی ماه آوریل (اردیبهشت) انتخاب می گردند.

۱۰- تعرفه حقوق بشرح زیر است :

حق ورود و ترفیع و ارتفاع و هارک ۶۶۰۰ ریال حق الحاق اعضاء ل های تابع اسکا تلند ۱۲۰۰ ریال

حق الحاق از سایر ل های اعظم ۱۶۰۰ ریال

حق عضویت سالیانه (تهران و حومه) ۱۸۰۰ ریال

حق عضویت سالیانه (خارج از تهران و حومه) ۸۰۰ ریال حق انتصاب ۱۰۱۰ ۱۰۰۰ ریال

حق انتصاب س اول ۵۰۰ ریال

حق انتصاب س دوم ۲۵۰ ریال

حق السهم بهل اعظم اسکا تلند برای ورود و الحاق از ل های غیر اسکا تلند طبق

مقررات ل اعظم اسکا تلند)

حق استعفاى ازل ۱۰۰۰ ریال

حق عضویت دائمی (تهران و حومه) ۱۸۰۰۰ ریال

حق عضویت دائمی (برای دائم خارج از تهران و حومه) ۵۰۰۰ ریال

۱۱- هر عضو که بیست و یکسال مرتباً حق عضویت سالیانه را پرداخته است برای تمام عمر از پرداخت حق عضویت تصدیق سالیانه معاف شده عضویت دائمی را دریافت خواهد داشت .

۱۲- از هر حق عضویت سالیانه مبلغ ۵۰ ریال بصندوق خیریه داده می شود و بهمین تناسب از حق ورودیه و حق عضویت های شامل تخفیف نیز برداشت می شود. همچنین از کلیه هدایا و عطایا هم بصندوق مزبور پرداخت می گردد .

۱۳- صندوق خیریه تحت نظارت کمیته امور عمومی اداره می شود .

۱۴- ۱۰۱۰۱ می تواند تا مبلغ دو هزار ریال به تشخیص خود در موارد لازم به يك برادر بپردازد .

۱۵- هر سال يك یا چند بازرس که از اعضاء کمیته های امور عمومی و تحقیق باشند باید در جلسه عادی ماه مارس (فروردین) انتخاب گردند تا بکلیه اساسیه و اموال ل و همچنین به دفاتر خزانه دار و حسابهای او در سال مالی رسیدگی کند و گزارش آنرا کتباً ۱۴ روز قبل از جلسه عادی سالیانه که در ماه می (خرداد) تشکیل می شود بدهند .

۱۶- تکالیف باستانی و آئین نامه را بایستی لاقل سالی يك بار در جلسه عادی و علنی ل قرائت نمود .

ترجمه لغات	یکی از اقدامات بسیار مفید و لازمی که «لتر تهران» از بدو
فراها سو فری	تأسیس انجام داده، ترجمه صحیح و دقیق لغات و اصطلاحات
	مخصوص فراماسونهاست . شاید همه مترجمین و محققین
	که تا کنون در این باره مطالعه کرده اند ، برای پیدا کردن

لغات و اصطلاحات و واژه‌هایی که مشابه آنها در زبان فارسی وجود ندارد، دچار مشکلات و گرفتاریهای ناشی از نارسائی ترجمه و نبودن کلمات معادل این اصطلاحات شده باشند. بدین جهت و بمنظور استفاده محققان و مترجمانی که قصد مطالعه و کار در این زمینه را داشته باشند، با استناد به مجموع اسناد و مدارك، رسالات و نشریاتی که بدو زبان (انگلیسی - فارسی) بوسیله لژ تهران و سایر لژهای تابعه اسکاتلند چاپ و منتشر شده، این کلمات و اصطلاحات مخصوص با ترجمه فارسی آنها در اینجا منعکس می‌شود. لازم به تذکر است که ترجمه این لغات مورد تأیید و قبول لژهای مذکور می‌باشد:

Ancient	باستانی
Summary of the Ancient charges	تکالیف و مقررات باستانی
Constitution and Laws	قانون اساسی
Laws of the Lodge	آئین نامه داخلی لژ
Charter	فرمان منشور
Accepted	پذیرفته شده
Installation	تنصیب
Lodge Funder Members	بنیانگذاران لژ
Officer bearers	افسران لژ
Respective Kings and Rulers	پادشاهان و رؤساء کشورها
The G.L of Scotland rulers	لژ اعظم اسکاتلند
of the craft	و رؤساء آن
Rulers of Sister Constitutions	رؤساء لژهای اعظم وابسته
The D. S. And G. officers of	رؤساء و افسران لژ اسکاتلند
the G. L. of Scotland in Iran	در ایران

Craef	دعای برکت
Warden	سرپرست
Loyal Toast	به سلامتی هنگام صرف شام
Cavel	کوبه استادی فراماسو نری
The Adress	خطبه
Obligated	قسم خوردن

در مراسم تأسیس لژهای فراماسو نری اصطلاحات زیر بکار می رود :

Board of Installed Masters	هیئت استادان تنصیب شده
Installing High Wopshipful Master	حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده
Installing Past Master	حضرت استاد ارجمند پیشین تنصیب کننده
Installing Junior Master	سرپرست ارجمند اول تنصیب کننده
Installing Junior Master	سرپرست ارجمند دوم تنصیب کننده
Installing Master of Ceremonies	رئیس تشریفات تنصیب کننده
Installing Inner Guard	نگهبان داخلی تنصیب کننده
Installing Tyler	نگهبان خارجی تنصیب کننده

در لژهای انگلیسی مقام ها و اصطلاحات زیر بکار می رود :

The 2 nd Degree	لژ درجه دوم
The 3 nd Degree	لژ درجه سوم
M. M. (Master Mason)	استاد بنایان (با علامت مخفف)
E. As	کارآموزان
E. Cs	کاریاران

افسران لژ که برای يك سال فراماسونری (مهر تا خرداد) انتخاب می‌شوند

Right Worshipful Master	حضرت استاد ارجمند
Deputa Master	قائم مقام استاد
Substitute Master	معاون استاد
Senior Warden	سرپرست اول
Jonior Warden	دوم
Secretary	دبیر
Treasurer	خزانه‌دار
Senior Deacon	راهنمای اول
Jonior Deacon	دوم
Director of Ceremonies	مدیر تشریفات
Bible Bearer	کتاب بر (حامل کتاب مقدس)
Inner Guard	نگهبان داخلی
Tyler	نگهبان خارجی

از سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶ - ه) که «لژ تهران» - نخستین لژ فارسی زبان تابع اسکاتلند - رسمیت یافت، در سالنامه‌های گرانند لژ مذکور مشخصات لژ و همچنین اسامی و مشخصات واسطه‌ها، رابطین، دبیران و رؤسای لژ در انگلستان و ایران در ردیف ۱۵۴۱ لژهای جهانی اسکاتلند، همه ساله مرتباً چاپ می‌شود. برای آشنا شدن با نظر گرانند لژ اسکاتلند، درباره لژ تهران و مطالبی که از طرف مرکز جهانی این لژ پیرامون فعالیت فراماسونری‌های ایرانی منتشر می‌شود، در اینجا قسمتهای کوتاهی از مندرجات سال‌های مختلف سالنامه گرانند لژ اسکاتلند را نقل می‌کنیم:

**معرفی لژ تهران
در کتاب سال
لژ اسکاتلند**

اولین واسطه‌هایی که نام آنها در ردیف لژ مذکور ثبت شده،
 لژ تهران ۱۳۴۱ دو انگلیسی مقیم انگلستان هستند. یکی «جیمز مک نامارا»
 که سال‌ها در لژ مسجد سلیمان فعالیت داشته و دیگری یکی
 از اعضای شرکت سابق نفت در ایران می‌باشد که به این شرح معرفی شده‌اند :

سال ۱۹۵۷

James H. McNamara, 32 Prestwick street, Glasgow, S. W.3 pr.M.
 Thomas I. Robertson, 19 the crescent, Gowkshill, Gorebridge
 Pr. S. W.

در سال ۱۹۵۸ هیچگونه تغییراتی در مشخصات داده نشده، ولی سال بعد
 شخص دیگری بنام :

James M. Gray, 223 Broomfield
 Crescent, Edinburgh, 12

بهمندرجات سالنامه اضافه شده است.

سال ۱۹۶۱ بدون تغییرات است و سال بعد تا ۱۹۶۴ رابطه لژ در انگلستان
 و تهران این اشخاص بوده‌اند :

James H. McNamara, 32 Prestwick street, Glasgow.
 Thomas I. Robertson, 19 The crescent, gewkshill, Goreb.
 James M. Gray, 228 Broomfield crescent, Edinbourg, 12 .
 Dr. Hadi mossadaghi, 94 Boulward Nahri Karadg, Teheran,

در آخرین سالنامه گران لژ اسکاتلند، نماینده و رابط لژ در انگلستان
 «جیمز مک نامارا» سابق الذکر و در ایران دکتر جواد پیروزبخت ساکن خیابان
 تنائی کوی شفا شماره ۵۵ معرفی شده‌اند.
 آخرین انتخابات داخلی لژ تهران که تا آغاز چاپ کتاب صورت گرفته‌یز
 بدین شرح می‌باشد :

صورت پیشنهادی کمیته انتخابات لژ تهران^۱
برای سال ۱۳۴۷ - ۴۸ - ۶۸ - ۱۹۶۹ -

- ۱- استاد ارجمند برادر مصطفی عامری
- ۲- استاد ارجمند قبلی برادر محمود فرمند
- ۳- قائم مقام استاد برادر دکتر نصرالله هنجی
- ۴- معاون استاد برادر خستو
- ۵- سرپرست ارجمند اول برادر دکتر ضیاءالدین صفی بیا
- ۶- سرپرست ارجمند دوم برادر مهندس علیرضا امیرسلیمانی
- ۷- دبیر برادر مهندس جمال گنجی
- ۸- خزانه دار برادر علی اصغر توکلیان
- ۹- امین خیرید برادر عباس خرازی
- ۱۰- خطیب ارجمند برادر دکتر محمد حسن نوری
- ۱۱- راهنمای اول برادر دکتر بهادر عامری
- ۱۲- راهنمای دوم برادر مهندس همایون فرود
- ۱۳- مدیر ارجمند تشریفات برادر دکتر فتح اله فرود
- ۱۴- کتابدار ارجمند برادر دکتر غلامرضا کیان
- ۱۵- مهندس کارگاه برادر مهندس محمد علی قطبی
- ۱۶- زیوردار برادر دکتر محمد حسن اسدی
- ۱۷- حامل ارجمند کتاب برادر مهندس حسین شفاقی
- ۱۸- شاعر کارگاه برادر حسنعلی حکمت
- ۱۹- شمشیردار ارجمند برادر دکتر پرویز کاظمی
- ۲۰- معاون رئیس تشریفات برادر بهرام داوید خانیان

۱- توضیح اینکه انتخاب کارگردانان لژ تهران پایانش سال فراماسوئری است نه سال

آئین نامه داخلی

مجلس شرق ایران - ۱

تحت سرپرستی

مجلس اکبر ایده آلی جهانی

- ۱- داوطلب عضویت و تنصیب درخواست نامه ای تقدیم میکند که در آن نام و نام فامیلی و حرفه و محل اقامت و سال خود را می نویسد .
- ۲- تنصیب و عضویت یکماه بعد از تقدیم درخواست صورت می گیرد ولی ممکن است با موافقت استاد اعظم زودتر انجام یابد .
- ۳- کسیکه بعزت ارتکاب جنایتی بازداشت شده و یا مرتکب عمل زشتی شده باشد و کسیکه ادیان آسمانی را انکار کند یا به عظمت آفریننده بشر مهندس اعظم جهان اقرار ننماید به عضویت پذیرفته نمیشود .
- ۴- داوطلب باید دارای شرایط زیر باشد:
 - الف - دارای آزادی عمل باشد .
 - ب - کمتر از بیست و یکسال نداشته باشد .
 - ج - دارای رفتار پسندیده و اخلاق خوب باشد و نیز حرفه شریف و آزادی داشته باشد و بتواند وسائل زندگی خود را بطور کافی تهیه کند .
- ۵- داوطلب باید سوگند یاد کند که نسبت به مجلس اکبر ایده آلی جهان فرامین دار خواهد بود و آئین نامه های اساسی و داخلی را اجرا خواهد کرد و از

- ۲۱- معاون دبیر برادر دکتر حمید بهزاد
- ۲۲- مدیر ارجمند انتظامات برادر دکتر علی اصغر خشیار
- ۲۳- برقر دار برادر ارجمند مدرسی چهاردهی
- ۲۴- نگهبان داخلی برادر حسن سراج حبازی
- ۲۵- میهمان دار برادر کاظم کورس
- ۲۶- کارپرداز برادر دکتر هیئت
- ۲۷- نگهبان خارجی برادر سرهنگ مقدم
- ۲۸- عضو کمیته تحقیق و امور عمومی برادر محمد عربی
- ۲۹- عضو کمیته تحقیق و امور عمومی برادر دکتر رضا امینی
- ۳۰- ممیز حساب برادر حمید نیری
- ۳۱- ممیز حساب برادر محمد کاریابی

لڑهای فراماسونری علاوه بر اعمال و افعال کاعلا سری و
يك نمونه از برنامه محرمانه که دست یافتن به آنها برای غیر فراماسون ها
جلسات ماهانه بسیار دشوار ، حتی درپاره‌ای موارد مستنع است ، درجلیات
 معینی بدامور زیر منی پردازند :

- ۱- دادن ارتقاء مقام بداعضای پیشین لژ
- ۲- اهداء نشان و دیپلم به « برادران » ی که برای دریافت این عناوین
 پیشنهاد شده‌اند .
- ۳- موافقت باتقاضای عضویت و پذیرش « بیگانگان » به لژ جدید که با مراجع
 به آراء اعضای لژ صورت می‌گیرد .
- برای انجام این منظورها قبلا دبیر لژ دعوتنامه‌ای برای همه اعضای لژ
 می‌فرستد که در آن برنامه کار آنروز و آن جلسه بخصوص ذکر شده است .

اینک برای نمونه، یکی از دعوتنامه‌های لژ تهران را عیناً نقل می‌کنیم:

آقای گرامی و برادر عزیز

بنا به تصمیم کمیته لژ - محترم طهران جلسه عادی لژ - محترم طهران در ساعت شش و نیم بعد از ظهر روز شنبه نوزدهم آبانماه ۱۳۴۱ - (دهم نوامبر ۱۹۶۲) در میدان فردوسی کوچه نیائی شماره ۱۱ تشکیل می‌گردد. بدینوسیله از آن برادر گرام تقاضا می‌شود که در این جلسه حضور بهم رسانند. سلطان محمد سلطانی

برنامه

۱- افتتاح لژ.

۲- قرائت دعوتنامه

۳- قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۱ مهرماه ۱۳۴۱ و صورت جلسه کمیته

تحقیق و امور عمومی مورخ ۲۹ مهرماه ۱۳۴۱

۴- مراسم ارتقاء برادران نامبرده زیر بدرجه استادی:

احمد صدريد- هوشنگ اربابی- علی تیموریان- محمد علی نشاط

۵- گردانیدن کیسه خیریه

۶- انجام امور دیگری که طبق مقرر لازم آید

۷- بستن لژ - ۸- صرف شام

در لژهای فراماسونری صرف شام، بعد از انجام تشریفات

شام برادرانه رسمی ضروری است. به موجب آداب و رسوم جهسانی

فراماسونری، دو نوع مراسم «شام برادرانه» وجود دارد.

یکی مراسم شام عادی بعد از خاتمه کارهای لژ، در مواقع عادی و دیگری شام رسمی بعد از پایان تشریفات رسمی. تشریفات رسمی لژها هم به سه طریق برگزار می‌شود:

۱- تشریفات رسمی صرف شام، بعد از پایان اعطای مقام استادی به اعضا.

۲- در مراسم تشکیل و تقدیس لژها.

۳- ضیافت‌های رسمی که به افتخار رؤسای لژ در انگلستان یا سایر مراکز

لژها برپا می‌شود.

TOAST LIST

TOLST MASTER: BRO. DR. A. KHASHAYAR

Crisis	Bro. Eng. Djafar Farooqi
Loyal Toast.	
His Majesty the Shahanshah	Bro. " " "
Respective Kings and Rulers	Bro. " " "
The G. L. of Se and Rulers	
of the Crafts	Bro. " " "
Rulers of Sister Commissions	Bro. " " "
The R. W. M.	Bro. Dr. Zafarfar
Reply	Bro. Eng. Djafar Farooqi
Int. M. and P. M.	" " " "
Reply	Bro. Fakhrah Farooqi
The Visitors.	Bro. Riza Djafar
Reply	Bro. Dr. Amir Hekmat
The Founder Members	Bro. Ali Asghar Mahdavi
Reply	Bro. Dr. R. Morsheid
The D.S. and G. Officers of	Bro. R. W. Shaghoghi
the G. L. of Scotland in IRAN	
Reply	Bro. R. W. C. I. Farooqi (D.S.)
Tyson's Toast	Bro. Dr. Farooqi

برنامه میز شام برادران
بربان انگلیسی

برای آشنا شدن با چگونگی تشریفات رسمی این قبیل «شام‌های برادران»
و انجام مراسم مخصوص، در اینجا تشریفات را که به مناسبت ارتقاء و تفویض مقام
استادی به مهندس جعفر فزونی انجام شده، عیناً نقل می‌کنیم:

تشریفات سر میز شام

رئیس تشریفات میز: برادر بسیار ارجمند مهندس شقایق

برادر مهندس جعفر فزونی

دعای برکت

سلامتی پادشاهان و رؤسای کشورهای

" " " "

برادران حاضر

" " " "

سلامتی لژ اعظم اسکاتلند و رؤسای آن

" " " "

سلامتی رؤسای لژهای اعظم وابسته

برادر ارجمند ذوالریاستین

سلامتی ح. ا. ا.

فزونی " "

جواب " "

فزونی " "

سلامتی استاد تنصیب کننده و استاد پیشین

جواب

برادر ارجمند فتح الله فرود

سلامتی مهمانان

» » رضا جعفری

جواب

» » دکتر امیر حکمت

سلامتی اعضاء مؤسس

برادر علی اصغر محمدی

جواب

برادر ارجمند مرشدزاده

سلامتی ن. ا. ن. و اقربان

لژ اسکاتلند در ایران

برادر بسیار ارجمند شقایق

جواب

برادر ك. ی. فری ن. ا. ن.

دعای نگهبان خارجی او انسف

برادر ارجمند دکتر پرتو

فراموشیهای انگلیسی در حفظ همه تشریفات و انجام آداب

روزهای تشکیل

و رسوم و حتی منظور داشتن روزهای تشکیل جلسات، مقید

لژهای انگلیسی

هستند. هیچیک از لژها حق ندارند، جلسات لژ خود را به

جز در روزهایی که در منشور تأسیس لژ از مرکز «گراوندلژ»

صادر شده، در روز دیگری تشکیل دهند. عده زیادی از لژها از سال ۱۷۱۷

تاکنون، بهیچوجه تغییری در روز تشکیل جلسات لژ نداده اند، لژ روشنائی در ایران

این جلسات ماهانه خود را در روز چهارمین سه شنبه هر ماه مسیحی تشکیل می دهد و

در مدت چهار و نه سال گذشته حتی برای یکبار هم، تغییری در روز تشکیل لژ

مذکور داده نشده است.

لژهای فارسی زبان هم از روزیکه تشکیل شده اند، مرتباً جلسات خود را

در روز تعیین شده در منشور تأسیس لژ و حتی ساعت مقرر، برگزار می کنند.

ساعات تشکیل لژهایی که ذیلا خواهد آمد، از ساعت ۶ بعد از ظهر تا پایان کار

لژها می باشد، که در باشگاه رازی واقع در کوی انوشیروان دادگر در خیابان

شاهرضا، برگزار می شود. در نقل روزهای تشکیل لژها نام لژ کرمان که در روز

دهم آبان ۱۳۴۷ تشکیل شده، نیامده و امید است در جلد چهارم از آن یاد شود:

روزهای تشکیل لژهای انگلیسی تابع گراندد لژ اسکاتلند
در هفته‌های معین

اسم	شماره	جلسات
لایت ^۱	۱۱۹۱	چهارمین سه‌شنبه ماه مسیحی
تهران	۱۵۴۱	دومین شنبه * *
کورش	۱۵۷۴	سومین چهارشنبه * *
خیام	۱۵۸۵	اولین دوشنبه * *
اصفهان	۱۶۱۰	چهارمین چهارشنبه *
آریا	۱۶۲۲	دومین سه‌شنبه * *
خوزستان	۱۶۲۳	اولین سه‌شنبه * *
زانداریک	۱۶۰۸	چهارمین چهارشنبه *
نور	۱۶۳۱	دومین چهارشنبه * *
اهواز	۱۶۲۷	سومین دوشنبه * *
ل. ا. ن. ا. ^۲	- -	خرداد - شهرپور - آذر - اسفند

۱- به زبان انگلیسی کار می‌کند.

۲- لژ اعظم ناحیه ایران.

جشنات	اهواز	نور	زاهدان	خوزستان	آذربایجان	اصفهان	خیام	کورش	تهران		لایه	
									دوشنبه	شنبه		
جمله ارتباطیه ل. ا. د. ۱		۳۴			۳۱	۱		۳۹				شهریور
		۱۹	۵		۱۸	۵	۱۰	۲۶	۳۲			مهر
	۲۹	۱۷	۳	۱۶	۲۳	۳	۱۵	۲۴	۲۰	۲		بهمن
جمله ارتباطیه ل. ا. د. ۱	۳۷	۳۳	۱	۱۴	۳۱	۸	۱۳	۳۹	۱۸	۷		آذر
	۲۵	۲۰	۶	۱۳	۱۹	۶	۱۱	۳۷	۲۳	۵		دی
	۳۰	۲۵	۴	۱۷	۲۴	۱۱	۱۶		۲۱	۱۰		بهار
جمله ارتباطیه ل. ا. د. ۱	۲۸	۳۳	۹	۱۵	۲۲	۹	۱۴	۳۰ ^۲	۱۹	۸		اسفند
	۳۶	۳۱	۷	۱۳	۲۰	۷	۱۳	۲۸	۳۴	۶		فروردین
	۳۰	۱۸	۴	۱۷	۲۴	۴	۱۶	۲۵	۲۱	۱۰		اردیبهشت
جمله ارتباطیه ل. ا. د. ۱	۳۷		۱	۱۴		۸	۱۳	۳۹	۱۸	۷		خرداد

فراماسوئری در ایران نیز مثل احزاب و جمعیت‌هایی که بعد
اتهامات و از جنگ بین‌المللی دوم تشکیل شدند، گرفتار عدم‌زیادی
اختلافات جاسوس و کسانی که سوابق سیاسی و اجتماعی ننگینی دارند
 و حتی افرادی که دست‌هایشان در اختلاس‌ها و سوء استفاده‌ها آلوده بوده و هست
 شد، در بین استادان فراماسوئری ایران، رؤساء و کارگردانان و مؤسسين لژها
 افرادی وجود دارند که در دادگستری ایران سوابق دزدی، اختلاس و رشوه‌خواری
 دارند.

در یکی از سالنامه‌های گران‌لر اسکاتلند، عکسی از مؤسسين يك لژ در
 تهران چاپ شده که بسیار جالب است.

در این عکس دو ایرانی باگردن افراشته دیده می‌شوند که یکی از آنها در
 محاکم دادگستری ایران به‌علت سوء استفاده و اختلاس، محکومیت پیدا کرده و
 برای مدت ده سال از حقوق اجتماعی محروم شده است.

پزشك داروسازی‌ها نیز که رئیس یکی از مؤسسات داروئی کشور بوده و در
 لژ تهران عضویت دارد می‌شناسیم که از این فرد ناپاك یازده پرونده سوء استفاده
 موجود است که مشخصات آنها در بازرسی نخست وزیری و دیوان‌کیفر منعکس شده
 است.

در همین لژ مقاطعه‌کار دیگری عرض اندام می‌نمود که بیش از ۳۵ سال
 برای شرکت نفت سابق جاسوسی می‌کرد و در حوادث شهریور سال ۱۳۲۰ علمدار
 و پیشقراول قشون انگلیسی هنگام اشغال خوزستان بوده و خود او شخصاً در
 دستگیری ایرانیان و تنگ‌نظرست و معرفی آنها به سازمان اینتلیجنس سرویس انگلستان،
 در خوزستان شرکت داشت و بعد از تشکیل کنسرسیوم نفت نیز، او بزرگترین
 کارچاق‌کن و سوءاستفاده‌چی بوده.

تا آنجا که مقدور بوده و توانسته‌ایم مشخصات ۷۲ نفر از کسانی را که دارای
 سوابق تنگین سیاسی و اجتماعی هستند، تهیه کرده‌ایم که در جلد چهارم کتاب آنها

را معرفی خواهیم کرد. در این فصل به نقل چند سند می‌پردازیم و ضمن معرفی یکی دو نفر از مقامات مهم و اختلافاتی را که بین دسته‌های فراماسون و در درون سپاه پرده‌های لژها رویداده است فاش می‌کنیم :

نخستین برخورد و مبارزه‌ای که بین فراماسنهای ایرانی
 رویداده و طرفین یکدیگر را متهم بدسوء استفاده از لژهای
 فراماسونری در راه‌های غیر صحیح کرده‌اند ، پس از تعطیل
 لژ همایون بوده است .

دسته‌ای از فراماسونها که خود را از قید اطاعت و ریاست مرحوم محمد خلیل
 جواهری مؤسس لژ همایون آزاد کرده بودند ، هر وقت در هر محفل و در هر گزارشی
 صحبت از مشارالیه می‌شد ، درباره وی آنچه را که نمی‌بایست می‌گفتند ، تاجاییکه هر
 گزارشی که لژروشنائی در ایران برای سرگرد « باتیسا » ی امریکائی تهیه کرده درباره
 او چنین می‌نوشتند : « در میان این ۲۵۰ نفر بسیاری از اشخاص ثروتمند و صاحب
 نفوذ کشور بودند ، ولیکن جواهری مانند خدائی بر آنها حکومت می‌کرد و تا
 می‌توانست از آن‌ها پول می‌گرفت .

البته هدف او امور خیریه فراماسونری نبود ، بلکه پولها را بنفع خودش
 ضبط می‌کرد. او عقیده داشت چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است »

مرحوم محمد خلیل جواهری مدتها درباره اتهاماتی که باو می‌زدند سکوت
 می‌کرد او بارها می‌گفت : « اگر من سوء استفاده‌چی بودم ، لااقل صاحب يك خانه
 مسكونی و یا برنده يك مقاطعه بزرگ و یا حکم يك پرونده می‌شدم » پس از اینکه
 نسخه‌ای از گزارش لژروشنائی در ایران را برای لژ امریکائی و امریکائیان فراماسون
 بدست آوردیم باو مراجعه نموده و آنچه را که در بالا نقل شده برای ایشان خواندیم.
 محمد خلیل جواهری باز هم درباره خود سکوت کرده و تنها عکسی از گزارش
 ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۴-۲۵ نیر ۱۳۳۳ دکتر احمد هومن که خود را نخستین گرانده متر
 « استاد اعظم » ایرانی می‌داند ، در اختیار گذاشتند .

که در این کار رعایای دین که بنا بر صورت نامه این هیئت در ایران پیرو حق می نمایند
 این کار عده را که حق مسلم ~~کلیه~~ رعایای دین که در این کار حق مسلم را برده اند
 است و بطوریکه هیچ صاحب و نشانی را که در این کار حق و طائف انسانیت است اگر این کار شود
 متوجه مبلغی از حق الوکاله آنرا بر سر ترخیص داد دیگر منظور از آن استاد ارفع هتم
 نامه ای که بر سر حکم هتم همان نامه ای که در حکم بر ارسال فرستاده هر چه
 می خواهم بر آنست که در حکم در این نامه است و آنست که در این نامه است
 و از آن قبیل که تصب شده و از آن قبیل که تصب شده و از آن قبیل که تصب شده
 و پیشتر در این نامه است و از آن قبیل که تصب شده و از آن قبیل که تصب شده
 و از آن قبیل که تصب شده و از آن قبیل که تصب شده و از آن قبیل که تصب شده

در صفحه دوم و سوم این گزارش چنین نوشته شده است: «خواهشمندم به آقای
 عدل وزیر کشاورزی تلفن بفرمائید که راجع بکار رعایای و نك که بنا بر تصویب نامه آنرا
 به هیئت وزیران پیروند معاینه نمائید. اینکار علاوه بر آنکه حق مسلم رعایاست
 اساساً همانطوریکه با جنابعالی و بنده مذاکره کرده اند جزء وظایف انسانیت است.
 اگر این کار بشود، می شود مبلغی از حق الوکاله آنرا برای ترخیص داد. دیگر
 منتظر دستور آن استاد ارجعند هتم...» جریبان پیرونده و نك و حقوقی که عده ای
 متنفذ بنام «رعایای و نك» مطالبه می کنند بدموجب مندرجات پیرونده شماره ۹۰۳-۲۸
 در دیوان کشور بدین شرح است:

پیرونده ۴۶ ساله

«سی و شش سال است که دولت با عده ای از مالکان قریه اوین که در پشت سر
 آنها متنفذین و ثروتمندان بزرگ ایستاده اند در محاکمه دادگستری طرح دعوی دارد. این
 محاکمه بر سر احراز مالکیت قسمت زیادی از اراضی اوین است که به ۸۱۵۷۶۰۰
 متر مربع بالغ می شود. مدعیان این اراضی ابتدا ۴۲ نفر از ساکنان قریه اوین
 بودند، ولی اکنون ۶۷۲ نفر از بازماندگان آنها در این پیرونده سهم هستند، در

سال ۱۳۳۲ که برای چهارمین بار اراضی مذکور تقویم شد. ۷۶۵/۰۰۰/۰۰۰ میلیون تومان ارزش داشت ولی امروز ارزش واقعی آن ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیارد تومان است.
حق الوکاله و هزینه دادرسی

طرفین دعوا در مورد این اراضی، دولت و دو نفر از اهالی اوین و ۳۹ نفر از متنفذین و سرشناسان پایتخت هستند. در پرونده قطور این دعوی ۲۴ قاضی شرکت داشتند که در مدت ۳۶ سال گذشته بآن رسیدگی کرده‌اند و نام چندین وکیل مدافع مشهور در آن بیستم می‌خورد.

حق الوکاله هشت میلیون متر از اراضی مذکور بالغ بر ۲۵ میلیون تومان می‌شود که تاکنون همه با وعده و وعید بوده است. اگر مدعیان پرونده بخواهند هزینه تعمیر پرونده را با محاسبه هفتصد میلیون تومان بهای ملک مورد دعوی بپردازند، می‌بایستی ۷/۱۱۰/۰۰۰ تومان پول نصیب صندوق دادگستری تأدیه کنند. چنانچه این عده محکوم شوند، مبلغی که می‌بایستی بابت هزینه دادرسی توسط آنها پرداخت شود معادل صدی شش می‌باشد که جمعاً بالغ بر ۴/۲۰۰/۰۰۰ تومان می‌گردد.
سابقه تاریخی

قریه اوین که در شمال غربی تهران واقعست قریب ۸/۱۵۷ میلیون متر مربع مساحت دارد که اراضی واقع در داخل و اطراف قریه هزروعی و مشجر و از سنوات قبل در تصرف زارعین اوین بوده و آنها حتی قبل از شروع محاکمات مربوطه در دادگستری کم و بیش بدولت حق الارض و بهره می‌پرداخته‌اند.

در آن قسمت از این اراضی که در خارج از قریه و شامل اراضی بسیار مرغوب و قیمتی است تأسیسات دولتی و ملی ساخته شده و بقیه ابتدا در تصرف بنگاه خالصه، بعد در تصرف بانک ساختمانی بوده و بالاخره در اختیار وزارت آبادانی و مسکن قرار گرفته است.

جالب است که شش دانگ قریه اوین قبلاً موقوفه استان قدس رضوی بوده و بموجب وقف نامه عضدالملکی که از معتبرترین وقف نامه‌های ایران است جزو موقوفات حضرت رضا علیه السلام بشمار می‌رفته است.

محفلی که در آن پذیرفته شده اطاعت خواهد نمود .

۶- شخص بعد از تنصیب نمی تواند به درجه بالاتری ارتقاء یابد مگر اینکه سه ماه از تاریخ تنصیب یا گرفتن درجه قبلی گذشته باشد ولی با اجازه مخصوص استاد اعظم ممکن است استثناء داده شود .

و نیز نمی تواند شخص به درجه بالاتری ترقی کند مگر اینکه راجع به درجه ای که حائز آنست قبلاً امتحان بدهد .

۷- داوطلب عضویت جز با اجازه مخصوص استاد اعظم از پرداخت حق تنصیب و حق درجه معاف نمی شود .

۸- اگر در حال پذیرفتن یا تنصیب معلوم شد که یکی از گزارشها خوب نیست یا در صندوق دو سنگ سیاه دیده شد، تنصیب موقوف میشود و محترم محفل يك كميسيون مخفی تعیین می کنند که از علت گذاشتن دو سنگ سیاه تحقیق نماید و در باره اخلاق داوطلب مخفیانه تحقیقات بعمل آورد در این صورت اگر کمیسیون رأی موافق داد در جلسه دیگری نسبت به پذیرفتن داوطلب اخذ رأی به عمل می آید و اگر دوباره دو سنگ سیاه دیده شد درخواست داوطلب مدت شش ماه را کد می ماند و پس از پایان مدت در جلسه سومی در باره درخواست او رأی گرفته می شود و اگر باز هم دو سنگ سیاه پیدا شد درخواست داوطلب رد می شود .

۹- داوطلبی که درخواست او از طرف يك محفل یا بیشتر برای سه بار رد شود دیگر نباید درخواست او در هیچيك از محافل تابع محفل اكبر ایستاده آلی جهای مطرح گردد .

۱۰- درخواست تنصیب داوطلب جدید پذیرفته نمیشود مگر بعد از اینکه جوابهای محافل مثبت و درست درباره او دریافت گردد .

۱۱- هر تنصیبی که برخلاف مقررات قانون فراماسونی بشود برخلاف آنچه گفته شد صورت گیرد لغو است و هیچ ارزشی ندارد و محفلی هم که این خلاف را بکند، یا منهدم می گردد یا کارهای او متوقف می شود .

در سال ۱۳۰۸ که ثبت شمیران آنکهی ثبت اراضی اوین را منتشر کرد اشخاصی زاده معروف آنرا مالك طابق خود دانست و ادعای ثبت آنرا نمود ولی چون نتوانست سند ثبتی با وقفنامه‌ای برای احراز مالکیت آن ارائه دهد، پس از چندی از ادعای خود صرف نظر نمود.

نود روز پس از ادعای خالصی زاده مبنی بر مالکیت اوین، نقیبزاده مشایخ وکیل دادگستری بنمایندگی ۴۲ نفر از رعایا به ثبت استان قدس رضوی اعتراض می‌کند و در نامه اعتراضیه‌اش می‌نویسد که این اراضی متعلق به رعایای اوین است و استبهادی که شامل امضاهای گوناگون بوده است ارائه می‌دهد. موضوع در شورای عالی ثبت مطرح و قرار می‌شود اعتراض مزبور بدادگاه‌های عمومی احاله گردد. بدین طریق از روز ۲۸ اسفند ۱۳۰۸ که اعتراض نقیبزاده به نمایندگی ساکنان اوین در دادگستری مطرح می‌گردد، پرونده بجزریان می‌افتد. تا در سال ۱۳۱۸ بنگاه خالصه تصمیم می‌گیرد اراضی مزبور را با ۳۵ میلیون متر زمین در سرخس معاوضه کند. پس از يك سلسله مکاتبات که بین نایب‌التولیه استان قدس رضوی و دولت صورت می‌گیرد، بالاخره تعویض اراضی عملی می‌گردد و بموجب سند رسمی بنام بنگاه خالصه بدولت انتقال داده می‌شود.

نقض حکم

در شکایت و اعتراضی که نقیبزاده مشایخ در سال ۱۳۰۸ به ثبت شمیران و سپس محاکم دادگستری داده مدعی شده است که بموجب حکم محکمه صلح مرّاز صادره ۲۶ اسفند ۱۳۰۸ قریه اوین متعلق به ساکنان این قریه است. ولی وی در دادخواستی که برای اثبات این ادعا نوشت مرتکب اشتباه کوچکی شد و سواد حکم صادر از «محکمه صلح» و حتی وکالتنامه اهالی اوین را بنام خود ضمیمه نکرد. وکلای دولت، بنگاه خالصه و استان قدس رضوی از این نقطه ضعف پرونده استفاده کردند و لوایح مجددی به مراجع دادگستری دادند. در سال ۱۳۳۳ که این پرونده جالب به شعبه ۱۳ دادگاه شهرستان تهران احاله شد نقیب زاده مشایخ از وکالت رعایای اوین استعفا داد و در استعفا نامه‌اش ذکر کرد که برای رفع نقائص پرونده

باید بخود اهالی ارین رجوع شود. از این بعد که پرونده با جدیت و دقت جریان پیدا می کند عده ای از متنفذین و سرمایه داران پایتخت بنام این که قسمتهائی از اراضی بآنها منتقل شده است، با اعمال نفوذهای فراوان سعی کردند، رأی شعبه ۱۳ دادگاه را بنفع خود برگردانند ولی چنانکه گفته شده قاضی محکمه زیر بار بر رفت و رائی را که خود صحیح می دانست صادر کرد و دیوان کشور نیز بعداً آنرا تأیید و ابلاغ نمود وزارت کشاورزی و بنگاه خالصه پس از صدور این حکم از نخست وزیر تقاضا کردند که دکتر کیانوری را مورد تقدیر قرار دهد و برای وی پاداشی در نظر گرفته شود لیکن پس از چندی که دولت تغییر کرد کیانوری بجای نهد پاداش از خدمت برکنار گردید و شعبه ۱۳ دادگاه شهرستان منحل شد.

دومین مبارزه

دومین مبارزه ای که در بین فراماسونهای ایرانی بر سر احراز مقامات لژ و تطاهر احراز مقامات ماسونی، بین دودسته از اعضاء لژ تهران، ویداد، در سال ۱۹۶۲-م (۱۳۴۱ - ش) بود. درین سال بین مهندس عباس تاد (که سابقاً نام خانوادگی وی محمدی بوده) با مهندس حسین شقاقی و عده ای از فراماسونهای دیگر درباره دستهبندی هائی که بین فراماسونها می شود، و همچنین وجود عده ای از افراد ناباب که متهم به سوءاستفاده هستند، رویداد. مهندس تاد که در خارج از ایران به عضویت لژ فراماسونری در آمده و مرد پاك و درست و شایسته ایست، عقیده داشت که عده ای ناباب را بایستی از لژ جدید التاسیس تهران طرد کرده و دسته بندیهای انتخاباتی کرسی استادی لژ را از بین برد.

کار اختلاف آنها تا مرکز لژ در «ادببورگ» کشیده شد و طرفین موافقت کردند که دکتر خان فرخ و کریستو فر فری دو استاد فراماسون واسطه شده آنها را آشتی داده و اختلافات را حل کنند، ولی مهندس تاد حاضر به قبول نظرات هیچیک از برادران فراماسونش نشد و از فعالیت در لژهای ایران دست کشید. نامه زیر سند ارزنده و بسیار جالبی است که واقعیت درون لژهای فراماسونری ایران را فاش می سازد، و امیدواریم با نقل این نامه موفق شده باشیم گوشه ای از فعالیت درون لژها را آشکار کنیم:

يك سنداز : اختلافات واتهامات و نزاع داخلي در لژ تهران



The Grand Lodge of Scotland

OF FORTHING FREE AND ACCEPTED MASONRY

Telephone No.
Cable No. 12 5104/5

FREEMASONS' HALL
24 GEORGE STREET
EDINBURGH 2

Branches in District—
List of Branches on the 31st Dec 1960

1912-1913
MASONIC CHURCH (Edinburgh)

Pa/1/2

28th September, 1962.

Dr. Arfa de Farrokh,
c/o Leicester Court Hotel,
41 Queen's Gate Gardens,
South Kensington,
LONDON, S.W.7.

Dear Brother Dr. Farrokh,

I acknowledge with thanks your very kind letter of 27th September.

Like yourself I am indeed very upset by the unhappiness which has recently been prevailing in Lodge Tehran. I had hoped that after the Office-bearers of the Lodge had their meeting with Brother Fairley they would all withdraw their resignations. From what I can gather the Office-bearers of the Lodge, with the exception of Brother Tod, withdrew their resignations but Brother Tod did not. It might quite well be that Brother Tod had very good reasons for this but if he did hand in his resignation and did not offer to withdraw it, it seems to me that the Lodge had no choice but to accept it. I am naturally very sorry about this and I did explain to Brother Fairley that despite the resignation of the Master, the Brethren of the Lodge could not elect a new Master until the next regular day of election. It might quite well be that Brother Tod has the view that by his resignation he is doing what is best for the Lodge and quite frankly it would be unwise for me to interfere as I am quite sure that Brother Tod and Brother Fairley must have gone into this matter very carefully.

You will be interested to know that at the meeting of Grand Committee held here last Thursday the sum of £500 was granted to the Persian Earthquake Relief Fund. About a month ago I had a delightful visit from Brother Morandi who was in Edinburgh for a few weeks.

۲۶ سپتامبر ۱۹۶۲ - شماره ف الف ۲/۱

دکتر ارفع فرخ

برادر عزیز دکتر فرخ

وصول نامه مورخ ۲۶ سپتامبر شما را با عرض تشکر اطلاع می دهد . منم مثل جنابعالی از مصیبتی که بر کرسی تهران بدنبال ملاقات با برادر فری استعفا نامه های خود را پس بگیرند . آنچه درك می كنم این است كه متصدیان كرسی پس از ملاقات با فری استعفا نامه های خود را پس گرفتند ولی برادر تاد پس نگرفت . بعید نیست كه برادر تاد دلایل قانع كننده ای در این باره داشته باشد و كرسی نیز چاره ای جز قبول آن نداشته است . بدیهی است كه از این امر متأسف هستم و به برادر تاد توضیح دادم كه با وجود استعفاء رئیس لژ سایر برادران كرسی نمی تواند تا روز فرارسیدن روز مخصوص انتخابات رئیس جدید را تعیین كنند . ممكنست برادر تاد تصور کرده كه با فعل خود كاری به نفع كرسی انجام داده است . وبدون پرده پوشی باید بگویم كه زحالت بنده در این امر عاقلانه نخواهد بود . زیرا كاملاً مطمئن هستم كه برادر تاد برادر فری با دقت هر چه تمامتر به این موضوع رسیدگی كرده اند . مسلماً خوشحال می شوند اگر اطلاع حاصل كنند ، در جلسه كمیته بزرگ كه روز پنجشنبه گذشته در اینجا تشكيل شده مبلغ پانصد لیره برای كمك به زلزله زدگان ایران صوب كسریده . يكماه قبل جلسه لذت بخشی با برادر مرندی كه جز هفته ای در وینسورك توقف نموده ، بوده داشتم . امیدوارم حالتان خوب باشد و از مسافرت خود به این كشور مستفیض شده باشید . با احترامات فائقه دوستدار و فادار دیركل

همین دكتر خان فرخ ارفع السلطنه كه به سبب وصلت

با خانواده علی اصغر حكمت و هم چنین فارسی بودن به ما

نظر لطف و محبت داشت در روزهای واپسین عمرش روزی با

عجله مرا بر بستر بیماری خود احضار كرد .

شریك دزد و

رفیق قافله

وقتی در کنارش نشستیم بی اختیار گریست. او که قطب و پیر طریقت بیش از چهارصد فراماسون ایرانی، انگلیسی، امریکائی و سایر ملیتها در تهران بود و هر روز جمعه ده‌ها برادر فراماسون بدیدنش می‌رفتند و روی او را می‌بوسیدند و مطابق سنین ماسونی مصافحه ماسونی می‌کردند، آن روز خود را بی‌کس، تنها و درمانده می‌دالت. و می‌گفت ای تف به برادران بی‌حقیقتم. من که بالا بحث و جدال بر سر فراماسونهای ایرانی داشتم در آن روز لبخندی به‌صورت اشک آلوده اوزده، در جوابش گفتم خوشحالم که جدال و بحث چند ساله‌ام امروز به ثمر رسیده و شمارا مثل خودم بدین و متنفر می‌بینم. او تقاضا کرد سکوت کنم و لب فروبندم.

سپس رو نویشتی از وکالتنامه‌ای که می‌خواستند از او بگیرند بدستم داد و از من خواست که با فریدون منوکیل دادگستری که سر تپ بهرامی او را معرفی کرده و وکالت ایشان را پذیرفته بود تماس بگیرم. در آن روز مرحوم دکتر فرخ به من گفت که دو نفر از برادران فراماسون او با گرفتن وکالتنامه و حق الوکاله هنگام با طرف دعوایش که مالک سابق خانه‌اش بوده همدست شده و او را در چند مرحله در محاکم دادگستری محکوم کرده‌اند. دکتر فرخ از آن روز به بعد به‌همه می‌گفت که دکتر ج. ج. - وکیل دادگستری که از استادان فراماسونی است، از نادرست‌ترین مردان جهان است. او هم از تو بره می‌خورد هم از آخور. این داستان تأسف آور را که یقیناً یکی از علل مرگ استاد اعظم فراماسونری ایران که ۶۵ سال در لشرهای امریکائی و انگلیسی و ایرانی عضو بوده، از آن جهت نقل کردیم تا اگر عده‌ای فریب کلمه (برادری) و کما و معاضدت برادران فراماسون با یکدیگر را می‌خورند چشمشان باز شده و به امید داشتن برادران و یاران فداکار و از خود گذشته، خود را به دام لشر نشینان نیاندازند!

(۱) مرحوم دکتر فرخ سالها در خیابان لاله کوی کاخ سکونت داشت و خانه او مدتها مرکز لشر فراماسونری و اجتماع فراماسونها بوده.

در بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ شمسی (۱۹۵۶-۱۹۶۱ م) لژ دو قالی باعلائم روشنائی در ایران که شعبه‌ای از گراندر اسکاتلند است و همچنین لژهای تهران (لژ تهران) که مؤسسين آن «تخصیص شده» از گراندر لژ عراق (فیحا) است، دو قالی با آرمهای مختلف که کار یکی از معروفترین قالیبافان اصفهان است، سفارش دادند.

قالیباف مذکور که در ساختن قالیهای نفیس تازه و ابتکاری در جهان پی‌رغیب است، در مدت چهار سال موفق شد قالیچه‌های سفارش شده را تهیه کند. مدت‌ها بود که در باره این دو قالیچه نفیس لژهای فراماسونی فعلی تهران داستانهای شنیده بودیم. ولی چون می‌دانستیم این قالیچه‌ها به موزه گراندر لژ اسکاتلند در شهر «ادنبورگ» انگلستان داده شده و دیگری نیز در لژ تهران و در داخل محفل فراماسونی لژ در باشگاه رازی آویران است، لذا هیچ‌امیدی بدیدن قالیچه‌ها و اطلاع از نقش آنها نداشتیم. اتفاقاً در یکی از روزهای گرم تابستان سال ۱۳۳۹ ش - (۱۹۶۰ م) که از چهارراه منیرالدوله (میدان ۲۸ مرداد فعلی) می‌گنشتیم، در مغازه عتیقه‌فروشی باقری چشمم به قالیچه‌ای افتاد که با علامات فراماسونی لژ اسکاتلند منقوش بود، و در زیر نقوش این قالیچه با حروف لاتین و سه کلمه Lodge of Teheran و به فارسی نیز لژ تهران نوشته شده بود. از باقری در باره این قالیچه و قیمت آن جو‌با شدم. او گفت که قیمت آن یکصد هزار ریال و بافت هنرمند معروف اصفهانی است. مگر هیچ‌گاه در تمام مدت عمر چنین مبلغی نداشته‌ایم، در باره قیمت قالیچه صحبتی نکردیم، فقط از او خواش کردم که اجازه عکسبرداری از آن را بدهد. صاحب مغازه با تهیه عکسی از آن موافقت کرد. ولی روز بعد که به مغازه عتیقه‌فروشی مذکور رفتم، متأسفانه قالیچه را ندیدم و صاحب مغازه گفت آنرا یکی از علاقمندان به آثار عتیقه فروخته است.

شش ماه بعد در نوروز سال ۱۴۴۰ ش (۱۹۶۱ م) یکی از دوستانم ضمن دیداری



که از ما کرد گفت بهترین عیدی که می توانم ب تو بدهم این است که تو را از محل
 ملك قالیچه فراماسونی آگاه کنم . و سپس مالك قالیچه را که اسماعیل اصائلو
 مدیر التولیه^۱ بود ، بمن معرفی کرد .

روزی که به ملاقات اصائلو رفتم اتفاقاً دکتر عبدالله معظمی استاد دانشگاه و
 آینده سابق مجلس شورای ملی نیز حضور داشتند . پس از اینکه علت ملاقات را
 بچندادم ، ایشان بدون مضایقه قالی نفیس را بمن نشان داده و حتی اجازه عکسبرداری
 بآنها را در کتاب دادند .

قالی مزبور يك متر و ۴۰ سانتیمتر طول و يك متر عرض دارد . زمینه آن
 رنگ است و سد حاشیه برنگهای قرمز ، کرم و آبی دارد و نوع جنس آن كرك و
 پشم است . در نقوش قالی که علامت لژ اسکانلند است ، رنگهای آبی سفید ، بژ سبز
 اکستری ، کرم و قرمز بکار برده شده است . آقای اصائلو توضیح دادند ، که
 هنرمند اصفهانی پس از بافتن قالی سفارشی لژ تهران چون نمی دانست که نمی بایستی
 نقش و نگار و طرحی که برای بافت آن تهیه کرده کپیهای نهیه کند ، به همین
 جهت دومین قالی را که اینک در اختیار من می باشد ، بافته و برای فروش به تهران
 برده است . من این قالی را بقیمت مناسبی خریداری کرده ام . گرچه خودم فراماسون
 هستم ولی چون هنرمند ایرانی در ساختن طرح مزبور اعجاز نموده از آن جهت
 لیچه را خیلی عزیز می دارم و از آن نگهداری می کنم . بعدها شنیدیم که لژ تهران
 برای خرید قالیچه مزبور تلاش کرده ولی موفق نشده است .

۱ - اسماعیل اصائلو از خاندان اهل اصائلو خیمه است که سالهای قبل اجدادش به تهران
 آمده و در پایتخت سکونت دارند . وی سالها در خدمت وزارت کشور بوده ، استاد ارغوب -
 کردستان و مدیر کل وزارت کشور و يك دوره (دوره پنجم) نیز نماینده مجلس شورای ملی بوده
 است . اکنون ایشان باز نشسته اند و دارای سه فرزند بنامهای مهندس داریوش ، مهندس منوچهر
 و دکتر جراح پلاستیک اصائلو می باشد . زبان فرانسه می دانند و آثاری ترجمه کرده اند ، و با شباهت
 متبینه علاقه و وابستگی فراوانی دارند .



از چپ به راست: دکتر محمدی، دکتر محمود هومن، مهندس شقایق، صالح چایات، دکتر راسا



از راست به چپ: دکتر خشایار، دکتر کهان، اسحاق فری

در ضیافت سفید کلوب تهران
و دکتر میرجم فیاضی
او انبیا خانم دیلانیان -
زوریک دیلانیان عضو
سفارت انگلیس



در ضیافت سفید کلوب تهران

از راست به چپ: دکتر ضیائی و همسرش، دکتر رحمتیان، دکتر میرجم



۱۲- درخواست کننده عضویت حق ندارد به محفلی که منتسب بیک محفل تابع لغو ییگانه است وابستگی پیدا کند .

۱۳- اعمال زیر جرائم درجه يك فراماسنی بشمار می رود :

۱- نقض تعهدات .

۲- فروش و توزیع اوراق فراماسنی یا چاپ آنها .

۳- فاش کردن اسرار .

۴- تعهد ضرر نسبت به شخص دیگر یا حیثیت یا دارائی او .

۵- تعدی اخلاقی نسبت به برادر فراماسنی و هر عملی که از مقام جامعه انسانی

بگاهد یا به ضرر آن تمام شود .

هر تکب این نوع جرائم از حقوق و حمایت فراماسنی محروم می گردد و

برای همیشه از آن طرد می شود .

۱۴- اعمال زیر از جرائم درجه ۲ بشمار می رود .

نافرمانی در صورت تکرار بعد از اجرای کیفر و آشکار گذاشتن علامتهای

فراماسنی در معابر عمومی هر تکب یکی از دو جرم مذکور کیفرش محرومیت از

حقوق و وظائف فراماسنی برای مدت سه ماه خواهد بود .

۱۵- داوطلب باید تعهد شدید کند که نسبت به محفل اکبر ایده آلی جهانی

صمیمی و فرما بر دار خواهد بود و نسبت به هر چه مربوط به مسائل فراماسنی بین -

المللی است صادقانه تبعیت خواهد کرد و این تعهد از لحظه ای که وارد اسرار

فراماسنی از هر درجه ای می شود الزام آور است .

اگر شخصی این تعهد را نقض کند محفل می تواند برای کیفر او از کلیه طرق

قانونی و مطابق آئین نامه های اساسی و داخلی استفاده کند .

۱۶- هر برادر فراماسنی که به علت ارتکاب به عمل غیر شرافتمندانه ای حضوراً

محکوم شود آناً از فراماسونی طرد می گردد و نیز همین کیفر برای کسیکه از حقوق

ملی یا مدنی یا خانوادگی محروم شده یا کسیکه مدعی افلاس دروغ بضرر دیگران

به استاد فراماسونری در حال نوشیدن شراب به سلامتی رؤساء، لزج‌های انگلیسی و اسکاتلندی



در این تصویر از چپ به راست: دکتر محمود دومن، مهندس حسین شقاقی، فتح‌الله فروغ، دکتر خشایار، دکتر کیان، کریستوفر اسحق قری، صالح چغایات دیده می‌شوند



در داخل محفل از روبرو تا چپ:
دوایران، از چپ به راست،
دکتر مرشدزاده، دکتر
کیان، فرمند، عرب
شیبانی، نجات‌فرما کوژلو
عبدالرسول.



در این تصویر از راست به چپ : موجد ، کوچکملی ، قراگوزلو ، چالالی ، رشیدی خاوری ، الهاس
دبی ، خان فرخ ، فری ، ایتون پرسر مین شام برادرانه دیده می شوند



در مقامات سفید کلوپ
پهروانی از چپ به راست :
آلین مندی ، جعفر جهان ،
آوا کسرمی تشاری زسا ، فرحنگ
ویا لوانشان .



شهادت سفید. و شام برادرانه
 در تهران کلوپ، در نزد
 آرام فراها - و نری
 از راست به چپ:
 ارمیند، دکتان بخان فرخ -
 روزی و اهللی بازار نهی -
 یوسف مازندی



از چپ به راست: مهندس جعفر قزوینی، ملکی یزدی، دکتر یونو، غلامحسین مازنی، دکتر مرشدزاده، مهندس مستندی

در ضیافت سفید در همین محفل لژ تهران در کوچه ثنائی



از راست به چپ: نفردوم، دکتر حسابی، سرهنگ فضل‌الله مقدم، افخمی، رضا جعفری، جمشیدی، حکمت

تا پایان سال ۱۳۳۹-ش (۱۹۶۰-م) جلسات لژهای تهران و باشگاه رازی کورش در محل لژ (لایت) واقع در کلیسای انجیلی تهران در خیابان قوام السلطنه تشکیل می‌شد. در این سال محمد جواد مستوفی زاده مقاطعه کار نفت و کنسرسیوم که سرمایه هنگفتش را از راه انجام مقاطعه کاری و خدمت به شرکت نفت ایران و انگلیس بدست آورده، محلی در خیابان شاهرضا - کوچه نیائی - پلاک شماره ۲۹ - برای شعبات لژ «روشنائی در ایران» خریداری کرد که سپس بمحل جدید منتقل شد.

محمد جواد مستوفی زاده همواره به برادران ماسون خود می‌گفته «من بودم که شما را از آن محل کثیف نجات دادم» محل جدید که بنام باشگاه رازی نامیده می‌شود، خانه بزرگی است که طبقه فوقانی آن را با علائم و اشکال ماسونی تزئین کرده‌اند. و اکنون در این محل لژهای تهران، کورش، خیام، نور، ژاندارك، واریا باتمام تشریفات تشکیل می‌شود. هنگام تشکیل جلسات لژها، هیچیک از افراد غیر ماسون حق رفتن به طبقه فوقانی را ندارند. باشگاه رازی سومین (۱) سازمان نیمه مخفی لژهای ماسونی انگلیسی و فرانسوی است که در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱ م) تقاضای تشکیل و ثبت آن از وزارت کشور، ثبت اسناد و شهربانی شده و موافقت این سازمان‌های دولتی در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ (اپریل ۱۹۶۲-م) اعلام شده است.

فراماسونهای عضو لژهای انگلیسی برای اینکه محل تشکیل لژهای خود را از نظر مردم و سازمانهای دولتی مخفی کنند، با استفاده از مقررات تأسیس باشگاهها و مجامع مشابه مصوب سال ۱۳۰۴ هیئت دولت، تقاضای ثبت مؤسسه مذکور را نموده‌اند. تقاضای تأسیس لژ از شهربانی بوسیله دکتر علی‌شین یرقو عضو سابق وزارت خارجه و رئیس فعلی کتابخانه دانشکده پزشکی تسلیم شده است.

او در تقاضا نامه‌اش نام: محمد جواد مستوفی زاده - دکتر رحمت مرشدزاده -

(۱) جلسات لژهای فرانسوی در خیابان ابن سینا کاشی ۴۱۰ د لژ لایت در کلیسای انجیلی

تشکیل می‌شود.

سرهنگ فضل‌الد مقدم (۱) و حسین رامین را بعنوان عضو هیئت‌مدیره ذکر کرده و دکتر ذوالریاستین و دکتر جعفر جهان را بنام بازرسین باشگاه معرفی نموده است. بموجب ماده هشتم، مقررات سال ۱۳۰۴ - ش (۱۹۲۵ - م) که در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰ - م) تکمیل و تأیید شده است^۵ اعمال، مقاصد و مذاکرات سیاسی و ایراد خطابه و مبینک‌ها و نطق‌هایی که جنبه سیاسی داشته باشد در کلوپ‌ها، فرائضخانه و مجامع ممنوع است و حال آنکه باشگاه رازی برای تشکیل جلسات مجمع سیاسی فراماسونی بوجود آمده و در همه جلسات نطق و گفتگو و مذاکرات سیاسی می‌شود.

مقررات خاص و استثنائی باشگاه رازی نموداری از طرز تفکر و چگونگی پنهان کردن مقاصد اصلی کارگردانان فراماسونی از نظر مردم و اجتماع است. در ماده دوم اساسنامه باشگاه رازی نوشته شده:

«... منظور از تشکیل باشگاه رازی عبارتست از: ایجاد روابط دوستی بین اعضای باشگاه بمنظور تعاون و معاضدت و راهنمایی یکدیگر و همفکری و تشریک مساعی آنها در امور خیریه و خدمات نوعی و علمی و فرهنگی و نیکوکاری نسبت به مردم ایران»

فراماسونها برای اینکه هیچیک از غیر ماسون‌ها را به باشگاه راه ندهند. تبصره‌ای در ماده ۱۵ اساسنامه گنج‌انداند که ارتباط اعضای باشگاه را با مردم قطع می‌کند: «اشخاصی که دوستی آنها با اکثریت میسر نبوده و یا دارای اخلاق و ایمان و اربیت و سواد و معلومات کافی نباشد، نمی‌توان به عضویت پذیرفت.»

فراماسون‌های انگلیسی برای اینکه سرپوشی بر روی اعمال خود در درون لژها بکشند و درهای باشگاه را بر روی بیگانگان (ماسون‌ها بدکسانیکه فراماسون نیستند بیکانه می‌گویند) ببندند در اساسنامه ۲۸ ماده‌ای باشگاه رازی مقررات

(۱) در شهر بانی دوسرهنگ فضل‌الد مقدم خدمت می‌کرده‌اند که اکنون بازنشسته‌اند. سرهنگ مقدم - فوق‌الذکر آخرین سبش مأمور انتظام شهرداری تهران بود. و سرهنگ - فضل‌الد مقدم دیگر قبل از بازنشسته شدن رئیس کارگزینی شهر بانی -

خاصی برای عضویت ورود به باشگاه در بسته و حتی حضور در اطاقهای باشگاه قائل شده‌اند. هیچکس حق ندارد، حتی به بار، رستوران و سالن باشگاه «بدون اجازه» و یا عضویت در لژ فراها سونی وارد شود. مقرراتی که اعضای هیئت مدیره باشگاه ظاهراً و کارگردانان لژ باطناً در اساسنامه وضع کرده‌اند عبارتند از:

ماده سوم: باشگاه رازی دارای شخصیت حقوقی و تابع قانون شخصیت‌های حقوقی غیر بازرگانی می‌باشد و مسئول تعهدات مالی باشگاه فقط دارائی باشگاه است.

ماده ششم: علاوه بر اعضای رسمی باشگاه، فقط کسانی حق ورود به عمارت و محوطه باشگاه را دارند که در انجمنهای خیریه یا سازمانهای خدمات نوعی و علمی و فرهنگی (که برقراری محل تشکیلات آنها در این باشگاه به تصویب هیئت مدیره برسد) عضو باشند و کارت عضویت آنها طبق مصوبات این هیئت صادر شده و ملغی نشده باشد معذکات اعضای این انجمنها و سازمانها جز در ایام و ساعات و در اطاق و یا اطاقهایی که از طرف مدیرعامل باشگاه برای آنها تخصیص داده شده، نمی‌توانند در باشگاه رازی حضور یابند، و جز موقعی که مدیرعامل مزبور صلاح بداند نباید حضور داشته باشند.

ماده شانزدهم: قسمت چهارم: قبول یا رد تقاضای مربوط به برقراری محل تشکیل جلسات انجمنهای خیریه یا سازمانهای خدمات نوعی یا علمی یا فرهنگی در باشگاه و تعیین مقررات مربوطه به این کار و همچنین تصویب مقررات مربوطه به جشنها و میهمانیها.

ماده بیست و ششم: قبول مهمان با برقراری جشنها و مجالس که اشخاص غیر عضو باشگاه بتوانند در آن شرکت نمایند خواه در عمارت یا محوطه یا در رستوران و بوفه باشگاه باشد تابع مقررات موضوعه از طرف هیئت مدیره بوده و در غیر اینصورت ممکن نیست.

ماده بیست و هفتم: هر نوع فعالیت سیاسی از قبیل متینگ - ایجاد دفتر

روز نامه با حزب در باشگاه ممنوع است .

فراماسون ها برای اینکه اداره و درآمد باشگاه رازی را که جنبه غیر بازرگانی دارد موجه و قانونی جلوه دهند ، محل درآمد مؤسسه مذکور را به موجب بند ۲ ماده ۲۱ از : «کمیته های نقدی اشخاص - امور خیریه - انجام خدمات ملی و نوعی - علمی و ادبی یا فرهنگی انجمنها و مؤسسات مربوط به این امور دانسته اند .»

نکته جالب و قابل تعمق و تأمل در تدوین اساسنامه باشگاه رازی این است که کلیه مواد مندرجه در آن ، عیناً و تنها با تغییر کلمه (حافظ) به (رازی) از اساسنامه باشگاه حافظ لژ همایون که محمد خلیل جواهری آنرا تأسیس و محل تشکیل اجتماعات اعضای لژ مذکور قرار داده بود ، اقتباس شده است . در حالیکه فراماسون های کنونی ایران همه افعال و کردار جواهری را ناصواب دانسته و هر وقت از او و سازمانهای لژ همایون یاد می کنند ، ابرو هاراد هم کشیده و حتی از گفتن فاسزرا به برادر فراماسونشان دریغ نمی کنند . بطوریکه در فصل بیست و پنجم همین کتاب گذشت ، محمد خلیل جواهری برای سرپوش گذاشتن روی اجتماعات و فعالیت های لژ همایون در دوران زمامداری نخست وزیر آن زمان و اعمالی که ماسونها برای سقوط حکومتوی می کردند ، باشگاه حافظ را تشکیل داده بود . و در همین محل بود که طرفداران وی و فراماسونهای لژ همایون ، جلسات خود را تشکیل می دادند و با اصطلاح ماسونها لژ کار می کرد .

فراماسونهای لژهای انگلیسی برای اینکه محل استیجاری **تجدید انتخابات** را خریداری کنند و آنرا بدصورت محفل و همبد فراماسونری در آورند ، تصمیم گرفتند از اعضای خود مبلغ یک میلیون تومان جمع آوری کنند . بدین منظور اعضای هیئت مدیره انتخاب شده توسط هیئت مؤسس مستعفی شدند و روز ۲۸ اسفند ۱۳۴۴ - هیئت مدیره جدیدی بدین شرح انتخاب شدند :

۱- مهندس حسین شقاقی - رئیس هیئت مدیره.

۲- محمد مجلسی - دبیر انجمن

۳- مصطفی عامری - خزانه دار

۴- فتح الله فرود - عضو هیئت مدیره.

۵- مهندس جمال گنجی - عضو هیئت مدیره.

نخستین تصمیم هیئت مدیره جدید تصویب ماده‌ای برای جمع آوری پول و الحاق آن به اساسنامه انجمن زکریای رازی بدین شرح بوده :

« هیئت مدیره تصمیم گرفت به شورای انجمن پیشنهاد نماید ، اشخاص صلاحیتداری که با تصویب رئیس هیئت مدیره برای پرداخت بهای ساختمان محل انجمن واقع در خیابان انوشیروان دادگر یا اهداء مبلغی شرکت کنند ، عضو انجمن رازی شناخته می‌شوند .^۱ »

وقتی کار الحاق ماده فوق‌الذکر به اساسنامه انجمن فراماسونری مذکور پایان یافت ، مهندس حسین شقاقی استاد اعظم لژهای انگلیسی بخشنامه زیر را برای همه فراماسونهای انگلیسی فرستاد و از آنها خواست تا هر يك از آنها دوهزار تومان برای ساختمان محفل فراماسونری پرداخت نمایند .
اینك عین بخشنامه مذکور نقل می‌شود :

آقای محترم و برادر عزیز

بر آن برادر عزیز پوشیده نیست که محل سابق انجمن رازی واقع در خیابان شاهرضاکوی نیائی با مال‌الاجاره نسبتاً زیادی که پرداخت می‌شد استعداد کافی و سالون مناسب برای پذیرائی برادران مخصوصاً در اوقاتیکه جلسات رسمی و عمومی در آنجا تشکیل می‌شد نداشت و اینمعنی بارها مورد تذکر واقع می‌گردید ، توسعه

۱- روزنامه اطلاعات روز ۴ شهریور ۱۳۴۴ روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی روز ۱۴ مهر ۱۳۴۴ آگهی اداره ثبت شرکت‌ها را که حاوی ماده جدید الحاقیه اساسنامه و انتخابات دومین هیئت مدیره انجمن زکریای رازی بود چاپ و منتشر کردند .

و پیشرفت امور انجمن و ازدیاد تعداد اعضا بویژه در دو سال اخیر این نگرانی را بوجود آورده که دیگر تجمع این عده از برادران در چنین محل کوچک و نامتناسب امکان پذیر نیست بطوریکه عده‌ای از برادران بسیار عزیزما که از دیر باز متوجه این نقیصه شده بودند در صدد برآمدند محل دیگری که متناسب با تعداد اعضا و انجام کارها باشد تهیه نمایند. جستجوی مکان وسیعتر و آبرومند مصادف با معامله یکی از برادران نسبت به محل فعلی انجمن گردید که امکان تحقق بخشیدن باین آرزوی دیرینه را فراهم می‌ساخته و لذا بازحمایت زیاد و صرف مبلغ معتدایی بالاخره محل فعلی که از هر جهت آبرومند و شایسته می‌باشد تهیه گردید که متأسفانه تاکنون بمملکت انجمن در نیامده است.

برای اینکه طبق مقررات قانون بتوان اموال غیر منقول تهیه نمود لازم بود قبلاً انجمن رازی دارای شخصیت حقوقی شود و باین منظور با سعی بلیغ عده‌ای از برادران اساسنامه انجمن طر فداران حکیم زکریای رازی که هدف آن پیش برادران معلوم و روشن می‌باشد و فاقد جنبه انتفاعی است تنظیم گردید و انجمن مزبور در تاریخ ۴۴/۵/۳۵ تحت شماره ۷۰۹ بد ثبت رسید و دارای شخصیت حقوقی شد و باین ترتیب امکان تحصیل اموال غیر منقول برای انجمن فراهم گردید.

از یکسال قبل تاکنون جلسات متعددی تشکیل تا برنامهای برای تهیه مبلغ لازم جهت خرید این محل تنظیم گردد و تاکنون در حدود ۸۰۰۰۰۰ ریال تهیه و بابت تغییرات ساختمان بمالك طبق مدارك و دفاتر موجود پرداخت گردیده. با مطالعاتی که در ظرف مدت مزبور بعمل آمد معلوم شد برای پرداخت بهای محل و تهیه اثاثیه و مخارج لازم و هزینه‌های بانکی در حال حاضر در حدود ۵۰۰۰۰۰۰ ریال لازم است که جز از طریق توسل به هم‌عالیه برادران عزیز میسر نیست.

در جلسه روز سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۴۵ که با حضور ۲۰ نفر از اعضاء مؤسس و غیر مؤسس انجمن تشکیل گردیده بود با مطالعه دقیق و با در نظر گرفتن تعداد اعضاء و امکانات مالی آنها اینطور بنظر رسید که اگر حداقل هر يك از برادران ۲۰ هزار

گردیده اجرا میشود .

۱۷- تنصیب داوطلب از طرف محفلی که مطابق قانون تشکیل یافته صورت می گیرد ولی با اجازه مخصوص استاد اعظم و سه برادر استاد می توان از اجرای این قاعده صرف نظر کرد .

تنصیب در داخل محفل بعد از آزمایشهای سخت و سئوالهایی که در آئینای تنصیب بعمل می آید صورت می گیرد .

وقتی که بعد از تنصیب راجع به داوطلب مشورت می شود لنگی که از پوست گوسفند سفید و بد شکل مستطیل بعرض ۳۰ سانتیمتر و طول ۳۸ سانتی متر است به کمر او میبندند و لنگ مبتدی نامیده می شود کمر بندی هم از نوار سفید دارد لنگ کارگر مانند مبتدی است ولی در نزدیکی دو گوشه پائین آن دو ناگل از ابریشم سبز باز وجود دارد .

لنگ استاد هم مانند لنگ کارگر است و حاشیه ای از ابریشم به عرض ۴ سانتی متر و رنگ سبز باز دارد روی آن از طرف بالا يك قطعه پوست است که دارای حاشیه ای از ابریشم به عرض سه سانتی متر و گل سومی که در وسط مثلث می باشد و نیز دنباله هایی از کلابتون دارد که عرض هر يك ۴ سانتی متر است و روی آن دو ناگل بوسیله نواری از همان رنگ آویزان میباشد. کمر بندی هم از ابریشم زرد دارد و پشت آن سیاه است .

حق درخواست ۲۵۰ ریال ، حق تنصیب ۱۰۰۰ ریال ، حق گواهی استادی ۱۵۰ ریال .

حق درجه کارگری دو پهلوی طلا و حق درجه استادی ۳ پهلوی طلا. محفل مطابق میل خود می تواند مبلغ را زیاده تر کند ولی بهیچ وجه کم کردن آن ممکن نیست .

ریال نقداً با باقسط ماهیانه (باسفته) پرداخت و تعهد نمایند با وجوهی که باهمتهای عالی برادران دیگر که دارای قدرت مالی بیشتر می باشند جمع آوری یا تعهد شود خواهند توانست انجمن و مالک محل را از مضیقه مالی رهایی بخشند و مرکزی را که از روی نقشه صحیح و هم آهنگ با منویات انجمن ساخته و پرداخته شده است نگاهداری نمایند، ضمناً باستحضار برادران عزیز می رساند که انجمن باتئیه این محل مرکزی هم برای دیدار دست جمعی برادران و دید و بازدید اعیاد فراهم ساخته و در نظر دارد وسائل پذیرائی ناهار و شام و بوفه آبرومند تئیه نماید که اقلاً برادران ماهی چند بار بتوانند ناهار یا شام دوستانه و برادرانه در آنجا صرف نمایند.

برای انجام مقاصد فوق دست توسل به عنایت برادران عزیز دراز کرده و بوسیله برادران علاقمند که از راه محبت و اشتیاق عهده دار جمع آوری وجوه و سفتهای شده اند بشما مراجعه خواهند و یقین دارد که همت عالی و تصمیم شایسته شما انجمن را در راه مقصودی که در جهت نفع برادران و حفظ آبروی آنها است موفق خواهد ساخت.

انجمن طرفداران حکیم زکریای رازی

در سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴-م)، سازمانهای فراماسونری

انجمن زکریای انگلیسی، در صدد برآمدند نام باشگاه رازی را به «انجمن رازی»
طرفداران حکیم زکریای رازی» تغییر داده و همه فعالیتها

و دعوتنامهها و کارهای ماسونی لزهای تابعه را تحت عنوان

نام جدید از سر گیرند. برای انجام این منظور از بیست و سه نفر از فراماسونها عضو لژ تهران - که نخستین لژ انگلیسی در ایران است دعوت بعمل آمد، و آنان بدین شرح و به عنوان هیئت مدیره انتخاب شدند:

۱- دکتر احمد امامی - ۲- دکتر احمد علی احمدی - ۳- دکتر محمد حسن

توران - ۴- رضا جعفری - ۵- مهندس حسین شقایق - ۶- دکتر پرویز کاظمی - ۷-

حسین اشرف سمنانی - ۸ - حسنعلی حکمت - ۹ - مصطفی عامری - ۱۰ - دکتر غلامرضا کیان - ۱۱ - حاج سید ذبیح‌الله ملکپور - ۱۲ - حسن صابرزاده - ۱۳ - عباسقلی عرب شیبانی - ۱۴ - دکتر علی اصغر خشایار - ۱۵ - دکتر احمد علی آبادی - ۱۶ - محمد مجلسی - ۱۷ - اسدالله موسوی - ۱۸ - دکتر علی پرتو - ۱۹ - دکتر مهدی ذوالریاستین - ۲۰ - دکتر رحمت مرشدزاده - ۲۱ - عیسی بهزادی - ۲۲ - محمد تقی خستو - ۲۳ - فتح‌الله فرود .

هیئت مؤسس ، نخستین جلسه انجمن حکیم زکریای رازی را روز ششم اسفند ۱۳۴۳ - در محل محفل فراماسونری انگلیسی واقع در خیابان انوشیروان دادگر تشکیل داد و افراد زیر را به عنوان هیئت مدیره انجمن انتخاب کرد :

هیئت مدیره اصلی : مهندس حسین شقاقی - فتح‌الله فرود - ذبیح‌الله ملک - پور - محمد مجلسی - مصطفی عامری

اعضاء علی البدل : دکتر احمد امامی - رضا جعفری - اسدالله موسوی .

بازرسان : دکتر علی اصغر خشایار - عباسقلی عرب شیبانی

اعضاء هیئت مؤسس و هیئت مدیره پس از اینکه انتخاب شدند ، سه نسخه صورت مجلس تأسیس انجمن را امضاء کردند که دو نسخه آنرا طبق ماده ۱۲۷ اساسنامه برای کسب اجازه به شهربانی کل کشور - اداره ثبت شرکتها فرستادند و نسخه سوم را برای بایگانی در لژ فراماسونری تهران ضبط کردند .

همانطوریکه قبلاً گفته شد ، فراماسونها وقتی تصمیم می گیرند ، **شعبه انجمن رازی** در یکی از شهرها لژ ماسونی تأسیس کنند ، قبلاً در آن محل در خوزستان «باشگاه» و یا «انجمن» بوجود می آورند ، که ظاهر هیچ ارتباطی با سازمان پنهانی و مخفی ماسونی ندارد . این تشکیلات که در سازمان های دولتی ، شهربانی و اداره ثبت شرکتها به ثبت می رسد و برای فعالیت

آنها کسب اجازه رسمی می‌شود، پایه و اساس فعالیت‌های بعدی فراماسونی خواهد بود، و لژهای انگلیسی که همواره سعی دارند در مناطق نفتی لژهای ماسونی تأسیس و اعضاء این لژها را حافظ منافع غارتگران نفت نمایند، موفق شدند از استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند اجازه تأسیس لژی بنام (خوزستان شماره ۱۶۲۳) را در شهر اهواز کسب کنند. قبل از تأسیس و یا باصطلاح فراماسونها «تنصیب و یا تقدیس» لژ مذکور ابتدا شعبه انجمن رازی را در این شهر بوجود آوردند. اجازه تأسیس لژ مذکور روز ۲۲ مرداد ۱۳۴۶ از طرف هیئت مدیره انجمن رازی صادر شده و روز دهم آذر ۱۳۴۶ به نصراله آذری عضو مؤسس لژهای فراماسونهای تهران و کورش اختیار داده شد که شعبه انجمن را در اهواز به ثبت برساند آگهی ثبت و تأسیس این انجمن روز ۱۴ اسفند ۱۳۴۶ در روزنامه صدای مردم منتشر گردید، که تا امروز نیز این انجمن در آن شهر فعالیت می‌کند.

پس از انتشار آگهی ثبت «انجمن زکریای رازی» در روزنامه‌ها، **انتقاد از مؤسین آقای محمد جنابزاده که از محققان و نویسندگان ایران**
انجمن رازی است و سال‌ها در رأس مقام‌های قضائی در دادگستری ایران بوده و هست، یک مقاله انتقادی در باره تشکیل انجمن مذکور بوسیله اشخاصی که نام آنها در آگهی برده شده بود، نوشت. ایشان بدون اینکه از هویت و هدف اصلی فراماسونها اطلاع داشته باشد، در روزنامه کوشش (۱) چنین می‌نویسد:

یکی از دوستان نقل می‌نمود که انجمنی بنام (انجمن طرفداران **انجمن نوزاد حکیم حکیم زکریای رازی**) تشکیل شده و از اداره ثبت شرکت‌ها **زکریای رازی؟** و مالکیت صنعتی تقاضای ثبت رسمی شده است.
 پرسیدم فرض از تشکیل چنین انجمنی آنهم با چنین نام چه

می‌باشد؟

ایشان اظهار داشتند که موضوع بزرگداشت عالم و فیلسوف و طبیب عالیقدر

ایران محمد زکریای رازی و ترویج کتب و کشفیات عالم مزبور در ایران و جهان است.

گفتم البته آقایان مؤسسين انجمن می‌دانند که زکریا بنا به تحقیق کمال و معرفتی نداشته، و بهمین دلیل فرزند خود (محمد) را دنبال کسب و کاری مانند زرگری و صراف‌ی و غیره گسیل داشته است و این اشتباه را که در عنوان انجمن شده در بیان موضوع با افزایش کلمه (محمد) مرتفع نموده‌اند.

دوست من عده‌ای از اعضاء انجمن را معرفی نمود.

نخست‌چنین گمان داشتم که انجام این کار مهم مشترك را باید اهل فن یعنی پزشکان حاذق و روانشناسان و آگاهان بعلوم طب تغذائی و داروشناسی و دانشمندان حکمت و فلسفه بعهده گرفته باشند و جای بسی خوشوقتی و مباهات است که چنین کاری بمرحله عمل رسیده و ما را در آینه نزدیک از تتبعات خاورشناسان که بالاخره از روی ناچاری و پراکندگی منابع تحقیق نزد ما نیازمند آنان نموده است و اقوالشان برای عموم خواه دلیل و حجت قرار گرفته و طوعا و کرها باید آنچه گفته‌اند و نوشته‌اند بپذیریم آسوده خواهد ساخت و برآستی چرا باید ما بزرگان خودمان را از حکماء و عرفا و ادبا و شعرا و اطباء و هنرمندان و نقاشان و معماران و مهندسان از دریچه دیدگان بیگانگان بشناسیم؟ این اقدام کار بسیار مفید و ثمر بخشی است و البته نیازم دقت و فرصت زیاد و مخارج لازم و اطلاعاتی عمیق و جامع و عشقی سوزان و نه تنها در مورد محمد زکریای رازی بلکه نسبت بتمام بزرگان این سرزمین بایک روش صحیح که اصول و نوع عمل و تحقیق را دیگران که در این کار بر ما پیشی گرفته‌اند نشان داده و در حقیقت راه را تا درجه هموار ساخته‌اند.

ولی اگر بخواهیم تسلیم نظرات دیگران شویم و کارهای شده را بصورت ناقص و تبلیغاتی در آوریم بیفائده بلکه زیان‌آور است.

نام کسانی را که مؤسس این انجمن شده‌اند غالباً شنیده‌ایم ولی تخصص و اطلاعات هر يك از آقایان که بعنوان هیئت مدیره معرفی شده‌اند در رشته‌ها و علوم و کارهای

دیگری است که ارتباطی با موضوع سخن درباره محمد زکریای رازی ندارد .
ولی این گمان و پندار موجود است که شاید ۲۱ نفر دیگر که نامشان درج
شده از میان دانشمندانی واجد صلاحیت برگزیده شده باشند و در غیر این صورت
اشتغال باین کار علاوه بر آنکه آنها را از اشتغال و هنر مخصوص خودشان باز
می دارد در این راهی که پیش گرفته اند توفیقی نخواهند یافت مگر آنکه (عمودبالله)
در رشته های پزشکی و ادبی و فلسفه ایرانی هم قصد انحصار و احتکار در میان باشد
تا بعنوان تشکیل انجمن طرفداران فلان دانشمند سایر دانشجویان و فرهنگ
پژوهان از مطالعه و مراجعه و مباحثه و اظهار نظرفی المثل درباره محمد زکریای
رازی ممنوع باشند و تحقیقات و نوشته های آنان تا وقتی که مورد تأیید واقع نشود
در مطبوعات منعکس نگردد .

دوست من گفت این بدگمانی شما برای چیست ؟

گفتم مارگزیده از ریسمان سیاه می ترسد و من ایام و روزگارانی را دیدم که
هنگامیکه می خواستم درباره آثار سعدی بحث کنم و کتاب بنویسم مواجه با طلسمات
عجائب و هفت خوان رستم گشتم و راهنمایان نامه نگاری برای اینکه مهر (روا) روی
نوشته های من بزنند حتی گفته سعدی را هم اصلاح می نمودند و قسمت زیادی از اثر
و نظم استاد سخن را حذف می کردند...
در هر حال اگر در زیر نام انجمن قصد تجارت در میان است امری جداگانه
است .

ولی تحقیق و تدقیق در آثار رازی و سایر بزرگان ثبت رسمی و انحصاری
نمی خواهد کاشفان و مخترعان و هنرمندان و مؤلفان و محققان حق دارند از قانون
مالکیت صنعتی بهره مند شوند و طلب انحصار نمایند .

ولی هیچ قانونی اجازه نمی دهد که جمعی بیایند و بعنوان طرفداران حکیم
زکریای رازی در بست مالک تألیفات و تحقیقات (محمد زکریای رازی) شوند و زیر

این نام عکس‌العملی بوجود آید که هیچکس درباره این مرد بزرگ افتخار ایران و سرشناس در فرهنگ جهان در کشور ما وارد بحث و مطالعه نگردد و تنها خاورشناسان که اجبار به متابعت از این حق انحصاری انجمن ندارند کماکان در کار خویش آزاد و دستان باز باشد.

در فراخنای جهان متمدن که از برکت تعمیم فرهنگ دیو خود خواهی و نادانی فراری شده هنوز انحصار طلبی و احتکار موروثی با انواع و اشکال برنگ روز در افکار و اخلاق افراد باقی است.

شاهنشاه بزرگ ما با انقلاب ششم بهمن ۱۳۳۱ هر نوع انحصار مضموم را درهم شکستند و به همه افراد آزادی عطا فرمودند که هر کس در شغل و مقام خود روی دانائی و عقل و خرد پیش برود و به مدارج لیاقت و شایستگی خود برسد.

اما کسانی در میان ما وجود دارند که برای نوید نمودن نسل جوان و محرومیت آنان از تعلیمات عالیّه حتی حق تحقیق مستقل درباره بزرگان نقشه های عجیب و غریب طرح می کنند.

البته این نقشه های انحصار طلبی نقش بر آب است و هیچکس حق ندارد فرهنگ و آثار بزرگان را هر چند به ثبت رسمی برسد حق مطلق خود بدانند و چرا باید اشخاصی که در کارهای خاصی صلاحیت دارند از دائره خویش کام فرائض بگذارند و به کارهای افراد صالح دستبرد بزنند؟

اگر در جامعه ما مانند جوامع متمدنی هر کس بکار خود مشغول باشد و همه نخواهند همه کاره، ولی وقتی فی‌المثل عطار سیمان و هندوانه و منوجات می فروشند و دارو فروش کتاب فروشی را هم ضمیمه کار خود می نمایند نه عطار در کارش توفیق پیدا می کند نه دارو فروش و کذا فاعل و تفعل.

(پایان)

اساسنامه

ماده ۱ - اسم - انجمن طرفداران حکیم زکریای رازی می باشد که بطور اختصار انجمن رازی نامیده می شود.

ماده ۲ - موضوع انجمن - عبارت از بزرگ داشتن عالم و فیلسوف و طبیب عالیقدر ایرانی محمد زکریای رازی و ترویج کتب و کشفیات علمی عالم مزبور در ایران و در جهان .

ماده ۳ - مدت انجمن - از تاریخ تأسیس (اول اسفند ۱۳۴۳) نامحدود است.

ماده ۴ - مرکز انجمن - تهران و نشانی فعلی آن خیابان شاهرضا - خیابان انوشیروان دادگر کوی دست چپ شماره ۶۶ و در صورت اقتضا شعب آن در شهرستانها و سایر کشور های خارجی با اجازه قبلی مقامات صالحه قانونی کشور امکان پذیر خواهد بود .

ماده ۵ - انجمن دارای شخصیت حقوقی بوده و بهیچوجه جنبه انتفاع مادی برای مؤسسين و اعضاء آن ندارد ولی می تواند باتصویب هیئت مدیره هدیه یا به قبول نماید و برای تأمین موضوع و منظور خود معاملات حقوقی انجام دهد و مدعی یا طرف دعوی واقع شود .

ماده ۶ - هر شخصی که دارای حسن اخلاق و رفتار بوده و علاقمند بموضوع انجمن باشد می تواند باتصویب هیئت مدیره یا هیئت هایی که از طرف این هیئت مأمور شده باشند به عضویت انجمن پذیرفته شود .

ماده ۷ - هیئت مؤسسين مرکب از ۲۳ نفر است که ذیل این اساسنامه را اعضاء نموده و صورت اسامی آنها در ذیل صورت مجلس اولین جلسه هیئت مؤسس نیز ذکر خواهد شد . این هیئت از این به بعد در این اساسنامه شوری نامیده می شود .

ماده ۸ - سازمان انجمن عبارت است از :

۱ - شوری

۲ - هیئت مدیره .

۳ - مدیر عامل .

۴ - هیئت نظار یا بازرسان .

ماده ۹ - شوری از اشخاص مذکور در ماده ۷ تشکیل و در صورت فوت یا استعفا هر يك جانشین او از طرف شورای مزبور در جلسه‌ای که منظمأ تشکیل شده باشد برای اکثریت دوسوم (دو ثلث) نسبت بتعداد کل انتخاب خواهد شد و تعداد اعضاء شوری علاوه بر مؤسسين بر حسب احتیاج به پیشنهاد هیئت مدیره و به ترتیب مزبور قابل افزایش است .

ماده ۱۰ - کلیه معاملات غیر منقول بنام انجمن باید بتصویب شوری رسیده باشد ولی سایر معاملات ضروری انجمن بتصویب هیئت مدیره یا در حدود اختیار اتیکه هیئت مدیره بدهد انجام خواهد یافت .

ماده ۱۱ - شوری در هر سال لااقل یکبار برای شنیدن گزارش هیئت مدیره و بازرسان و تصویب تراز نامه و برنامه عمل انجمن و انتخاب بازرسان تشکیل و همچنین در هر موقع که هیئت مدیران (با اکثریت آراء) یا هیئت بازرسان (باتفاق آراء) و با يك ربع تعداد اعضاء شوری ضروری دانسته و دعوت نمایند تشکیل می گردد .

تبصره - حضور دو ثلث اعضاء برای رسمیت بافتن جلسه شوری ضروری است و تصمیمات با اکثریت آراء حضار اتخاذ می گردد ولی چنانچه برای موضوعی دعوت بعمل آید و در مرتبه اول اکثریت دوسوم حاصل نشود جلسه بعد بفاصله لااقل ده روز بوسیله دعوت نامه و اعلان در روز نامه کثیر الانشار دعوت می شود و در این جلسه با هر تعداد از اعضاء که حضور یابند تصمیمات با اکثریت آراء حضار اتخاذ می گردد باستثنای تغییر اساسنامه و انحلال انجمن و تعیین عضو جدید شوری که این موضوعات در همین جلسه بدون موافقت دو ثلث از تعداد اعضاء شوری میسر نخواهد بود و در هر دعوت که از این شوری بعمل می آید باید دستور جلسه در دعوت نامه قید گردد .

ماده ۱۲ - هیئت مدیره و بازرسان انجمن از طرف شوری از بین اعضاء آن

انتخاب می‌کردند و در مقابل آن مسئول می‌باشند .

ماده ۱۳ - تعداد اعضاء هیئت مدیره پنج نفر است و این هیئت دارای سه نفر اعضای علی‌البدل نیز خواهد بود و کلیه آنها برای مدت سه سال انتخاب می‌گردند و در صورت فوت یا استعفای هر یک در ظرف سه سال جانشین او نیز باید از طرف شوری انتخاب گردد .

ماده ۱۴ - هیئت مدیره مسئول حسن انجام امور انجمن بوده و لااقل ماهی یکبار تشکیل جلسه می‌دهد و در اولین جلسه باید از بین اعضای خود یک نفر رئیس - یک نفر دبیر و یک نفر خزانه‌دار برای انجمن انتخاب نماید و همچنین باید در همین جلسه یک نفر مدیر عامل برای انجمن یا خارج با رأی مخفی برای مدت سه سال انتخاب گردد .

تبصره - دبیر و خزانه‌دار در ظرف مدت مأموریت خود جز در صورت فوت یا استعفاء و یا بنا به تصویب شوری قابل تعویض نخواهند بود ولی مدیر عامل در هر موقع از طرف هیئت مدیره قابل تعویض است و نیز هیئت مدیره می‌تواند یک نفر کمک خزانه‌دار از اعضاء انجمن یا از خارج انتخاب کند .

ماده ۱۵ - هیئت مدیره بدعوت رئیس آن و یا بدعوت دبیر و خزانه‌دار (توأمأ) و یا بدعوت مدیر عامل باید تشکیل گردد . این هیئت با حضور چهار نفر از اعضاء رسمیت یافته و تصمیمات با اکثریت سه نفر اتخاذ می‌گردد و در صورت تساوی آراء تصمیم طرفی که رئیس هیئت مدیره در آن واقع است قابل اجرا خواهد بود .

ماده ۱۶ - مدیر عامل در مقابل هیئت مدیره مسئول است و مأمور حسن اداره انجمن در حدود اختیاراتی که از طرف هیئت مدیره معین می‌شود بوده و مسئول حفظ و حراست کلیه دارائی منقول و غیر منقول انجمن و انتظام امور آن می‌باشد و بر کلیه مستخدمین و حقوق بگیران انجمن ریاست دارد .

ماده ۱۷ - کلیه دریافتیهای انجمن به خزانه‌دار انجمن تحویل و پرداختها با اعضای خزانه‌دار و مدیر عامل یا رئیس هیئت مدیره انجام می‌پذیرد .

ماده ۱۸ - مدیر عامل با تصویب هیئت مدیره یا در حدود اختیار اینکه بار داده شده حق استخدام برای انجمن دارد ولی پرداخت حقوق باید در حدود بودجه و مصوبات هیئت مدیره باشد و در صورت اختلاف نظری بین مدیر عامل و خزانه دار و همچنین در صورت غیبت هریک از آنها رئیس هیئت مدیره با اعضاء خود رفع اختلاف نموده و یا بجای یکی از آن دو نفر حوالجات و چکها و اوراق بهادار را اعضاء خواهد نمود .

ماده ۱۹ - کلیه وجوه نقدی انجمن بیش از یک هزار ریال باید بیانکی که مورد تصویب هیئت مدیره واقع باشد سپرده شود و اعضاهای رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و خزانه دار هر سه بیانک مزبور معرفی گردد تا چکها با امضای دو نفر از آنها قابل پرداخت باشد .

تبصره - مسئول تنظیم ترازنامه سالیانه انجمن مدیر عامل است .

ماده ۲۰ - شوری به پیشنهاد هیئت مدیره یا پنج نفر از اعضاء خود آئین نامه و کمیسیونهایی را که ضروری بداند تعیین و تصویب خواهد نمود و هیئت مدیره و مدیر عامل مأمور اجرای تصمیمات شورای مزبور می باشد .

ماده ۲۱ - هیئت نظار یا بازرسان مرکب از دو نفر است که از بین اعضاء شوری یا از بین سایر اعضاء انجمن برای مدت یکسال انتخاب می گردند .

ماده ۲۲ - نظار یا بازرسان بکلیه اوراق و اسناد و دفاتر انجمن حق رسیدگی داشته و موظفند این بازرسی را بطور منظم لااقل ماهی یکبار انجام و گزارش سالیانه خود را از برای شوری تهیه و لااقل پانزده روز قبل از تاریخ جلسه سالیانه شوری يك نسخه آنرا در اختیار هیئت مدیره بگذارند و این گزارش باید قبل از تاریخ جلسه سالیانه شوری تهیه و يك نسخه آنرا در اختیار هیئت مدیره بگذارند و این گزارش باید قبل از تصویب ترازنامه و تصویب گزارش هیئت مدیره و در جلسه سالیانه شوری قرائت گردد. بازرسان متفقاً در مواقع پیش آمدهای مهم می توانند هیئت مدیره شوری را برای تشکیل جلسه فوق العاده دعوت نمایند .

مرحوم جواهری دربارهٔ اعضاء لژ همایون چنین گفت :

۴۸۱ عضو لژ مدت ۵ سالی که لژ همایون فعالیت می‌کرد ، دو سیم و سی و سه

همایون نفر از افراد برجسته کشور را در تهران و ۴۸ نفر را در لژهای

اهواز ، تبریز و خرمشهر ، اصلاً به عضویت لژ همایون در آوردم

که متأسفانه افساء نام چهار عضو لژ در تهران فعلاً میسر نیست . جواهری دنباله فعالیت لژ را چنین بیان می‌کند :

علی جنجال سه سالهٔ نفت ، ما در زیر زمین فعالیت می‌کردیم . در این مدت دوبار مراکز فعالیت لژ ما مورد سوءظن و تعقیب مقامات دولتی قرار گرفت . ولی با کمک دوستایی که در دستگاه دولت و بخصوص شهربانی داشتیم ، از تعرض مصون ماند .

بسیاری از کارهای مهم را در جلسات خود حل و فصل می‌کردیم . لژ ما مرکز فعالیت‌های اجتماعی ، سیاسی و تعاونی بود و بسیاری از کارهای خیریه و کمک به طبقات مستمند بوسیلهٔ ما انجام میشد . وقتی احساس کردیم و بمانندار دارند که مملکت در خطر است ، از فعالیت علیه عناصر و دستجات مخالف کوتاهی ننمودیم .

در تمام مدت پنج‌سالی که لژ کار می‌کرد ، دکتر هومن دست راست و سید محمد علی امام شوشتری دست چپ من میشدند . مهندس اصغر مافی نیز دبیر لژ بود . برای کارهای اداری لژ ، جوانی را که شغلش سراجی بود و « اصغر سلسبیلی » نام داشت استخدام کردیم . این جوان که هم‌اکنون در لژ مولوی است ، جوانی امین و درستکار بود که هیچگاه خاطره همکاری با او را فراموش نمی‌کنم .

اشکال بزرگ فعالیت لژ همایون در عضویت اعضاء لژهای چهارگانه ولایات بود . تحقیق دربارهٔ سوابق کسانی که در ولایات می‌بایستی به عضویت قبول شوند ، بیشتر وقت ما را می‌گرفت . به همین جهت نتوانستیم ، تشکیلات خود را در شهرهایی که در آن شعبات اثر داشتیم گسترش بدهیم .

اگرچه مرحوم جواهری تا زمانی که زنده بود ، حاضر نمیشد اسامی همه

ماده ۲۳ - انحلال انجمن در حکم تغییر اساسنامه بوده و حد نصاب آراء برای تصویب آن دو سوم تعداد اعضاء اصلی شوری می باشد .

ماده ۲۴ - در صورت تصمیم با انحلال انجمن سه نفر یا بیشتر از بین اعضاء شوری یا از خارج انتخاب می گردند که بتصفیه مأمور انجمن اقدام خواهند نمود و مازاد دارائی انجمن پس از انحلال و تصفیه یکی از انجمن هائیکه مقاصدی نظیر موضوع انجمن داشته یا بمنظور امور خیریه تشکیل یافته باشند از طرف شوری و یا تصویب آن اختصاص داده خواهد شد .

ماده ۲۵ - نسبت بمسائلی که در این اساسنامه پیش بینی نشده به پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب شوری اخذ تصمیم خواهد شد .

ماده ۲۶ - این انجمن مطلقاً در امور سیاسی مداخله نخواهد نمود .

ماده ۲۷ - کلیه تغییرات حاصله در مواد این اساسنامه و یا تدوین و تنظیم آئین نامه اجرایی آن با مقررات جاریه کشور مغایرتی نداشته و پس از اطلاع و تصویب مراجع صالحه بمورد اجراء گذارده خواهد شد .





لژ کورش شماره ۱۵۷۴

تابع قانون اساسی اسکاتلند

سومین لژ فارسی زبان وابسته به گران لژ اسکاتلند ، لژ کورش
 لژ کورش شماره ردیف ۱۵۷۴ می باشد . این لژ انگلیسی را می توان
 شماره ۱۵۷۳ کانونی برای پذیرش اعضای جدید سایر تشکیلات فراماسونی
 انگلیسی دانست . زیرا برخلاف لژ خیام که در آن تحصیل
 کرده ها و روشنفکران عضویت دارند ، در این لژ اشخاص رنگارنگ با افکار و
 عقاید و مشاغل گوناگون و حرف مختلف گرد هم آمده اند .

فرمان تأسیس لژ کورش در ۱۴ اگست ۱۹۶۰ از طرف استاد اعظم گران لژ
 اسکاتلند ، صادر شده و در ۹ آذر ۱۳۳۹ در تهران در کاخ بنایان آزاد (کلیسای انجیلی)
 زیر نظر استادان انگلیسی لژ روشنائی در ایران گشایش یافته است . در سالنامه
 سال ۱۹۶۱ نام این لژ در ردیف سایر لژهای جهانی اسکاتلند ثبت گردیده و از سال
 بعد نخستین رابطین لژ در انگلستان و ایران بدین شرح معرفی شده اند :

John Mitchell , CBE , T. D. , 9 Atholl Crescent , Edinburg , 3
 P. A. Melrose, Viewbank, Gilmerton, Edinburg. q Frederick T. Farr-
 nant, 382 Holborn Street, Aberdeen . Hormoz Pirnia , AV. Lalezar-
 now, Kucheh , Pirnia Tehran .

بنیان گزاران لژ کورش که در نشریه های رسمی این لژ معرفی شده اند به شرح
 زیر می باشند :

- ۱- برادر دکتر علی پرتو
- ۲- برادر دکتر جعفر جهان
- ۳- برادر دکتر رحمت مرشدزاده
- ۴- برادر حسین رامتین
- ۵- برادر دکتر مهدی نوال ریاستین

- ۶- برادر احمد افخمی
- ۷- برادر علیرضا هروی
- ۸- برادر دکتر احمد توکلی
- ۹- برادر مهندس علی اصغر بختیار
- ۱۰- برادر یوسف هارثی
- ۱۱- برادر فتح الله فرود
- ۱۲- برادر کیقباد ظفر
- ۱۳- برادر مهندس حسین شقاقی
- ۱۴- برادر دکتر عبدالحسین راجی
- ۱۵- برادر دکتر ارفع السلطنه فرخ
- ۱۶- برادر هرن
- ۱۷- برادر دکتر گزنی
- ۱۸- برادر صالح چتایات
- ۱۹- برادر ادوارد چتایات

لژ کورش در سومین چهارشنبه هر ماه مسیحی در باشگاه رازی ، تشکیل جلسه می دهد و همانطور که گفته شد ، لژهایی که در تهران یا یکی از شهرهای ایران تشکیل می شود ، ابتدا اعضای آن در این لژ پذیرفته شده ، سپس به سایر لژها منتقل می شوند .

در دوران فعالیت هشت ساله لژ مذکور تاکنون ، چندین « استاد ارجمند » که یکی از مقامات عالی فراها سونی است ، درین لژ پذیرفته شده اند که برای نمونه تشریفات ورود و نفر از استادان را از نشریه بسیار محرمانه خود آنها نقل می کنیم :

لڑ اعظم اسکاٹلند

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی

لڑ کورس شماره ۱۵۷۳

تنصیب

برادر دکترومندی ذوالریاستین

بسمت

حضرت استاد ارجمند

و

افسران لڑ

بوسیله

برادر دکتروعلی یرتو

استاد ارجمند تنصیب کننده

در محل لڑ

در تاریخ چهارشنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۴۲

مراسم تنصیب

- ۱- لژ کوروش شماره ۱۵۷۴ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده در درجه اول افتتاح می شود.
- ۲- رئیس تشریفات تنصیب کننده برادر ارجمند دورابجی استاد تعیین شده را معرفی می نماید.
- ۳- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه ای برای استاد تعیین شده ایراد می نماید.
- ۴- حضرت استاد ارجمند پیشین تکالیف و مقررات یاستانی را قرائت می نماید.
- ۵- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده مراسم آراء سوگند استاد انتخاب شده را انجام می دهد.
- ۶- کارآموزان از لژ خارج می شوند. لژ بدرجه دوم برده می شود.
- ۷- کاریاران از لژ خارج می شوند. لژ بدرجه سوم ارتقاء می یابد.
- ۸- استاد بنایان از لژ خارج می شوند. هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می گردند.
- ۹- تنصیب
- ۱۰- لژ بدرجه سوم ادامه داده می شود - استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته می شود.
- ۱۱- حضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می شود و ابزار استادی باو ارائه می گردد.
- ۱۲- لژ بدرجه دوم تنزل داده می شود و کاریاران بداخل لژ پذیرفته می گردند.
- ۱۳- حضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می شود و ابزار کاریاری باو ارائه می گردد.

- ۱۴- لژ بدرجه اول نازل داده می‌شود و کارآموزان بداخل لژ پذیرفته می‌گردد.
- ۱۵- بهحضرت استاد ارجمند ازجنوب سلام داده می‌شود و ابزار کارآموزی بار ارائه می‌گردد.
- ۱۶- فرمان وقانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی لژ باستاد لژ ارائه و تحویل می‌شود.
- ۱۷- سایر افسران لژ سوگند یاد می‌نمایند و با دریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می‌شوند.
- ۱۸- حضرت استاد بسیار ارجمند برادر عباسقلی گلشائیان جهت استاد ارجمند خطبه ایراد می‌نماید.
- ۱۹- حضرت استاد ارجمند برادر رشیدی حائری جهت سرپرست‌ها خطبه ایراد می‌کند.
- ۲۰- حضرت استاد ارجمند برادر دکتر جعفر جهان برای برادران خطبه ایراد می‌نماید.
- خواندن دعا بوسیله خلیب.
- حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده کوبه را که علامت قدرت است بحضرت استاد ارجمند اعطا می‌نماید.
- ۲۱- حضرت استاد ارجمند پاسخ می‌دهد.
- ۲۲- لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می‌شود.

اسامی استادان ارجمند تنصیب‌کننده

- ۱- حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده برادر دکتر علی پرتو
- ۲- حضرت استاد ارجمند پیشین تنصیب‌کننده برادر حسین شفاقی
- ۳- سرپرست ارجمند اول تنصیب‌کننده برادر فتح‌الله فرود

- ۴- سرپرست ارجمند دوم تنصیب کننده برادر دکتر رحمت مرشدزاده
 ۵- رئیس تشریفات تنصیب کننده برادر دورابچی
 ۶- دربان داخلی تنصیب کننده برادر ارجمند صالح چتایات
 ۷- نگهبان خارجی تنصیب کننده برادر ارجمند اوانسوف

تشریفات مقام استادی مهندس جعفر فزونی

برای نشان دادن تشریفات داخلی لژ کوروش، مراسمی که در ارتفاع مقام استادی مهندس جعفر فزونی نیز در روز ۴ آذر ۱۳۴۳ انجام گردیده، عیناً از رساله چاپ شده، نقل می‌کنیم.

اسامی استادان ارجمند تنصیب کننده :

- ۱- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده برادر بسیار ارجمند دکتر علی پرتو
 ۲- حضرت استاد ارجمند پیشین تنصیب کننده برادر ارجمند دکتر مهدی ذوالریاستین
 ۳- سرپرست ارجمند اول تنصیب کننده برادر ارجمند فتح‌الله فرود
 ۴- سرپرست ارجمند دوم تنصیب کننده برادر ارجمند دکتر محمود ضیائی
 ۵- رئیس تشریفات تنصیب کننده برادر بسیار ارجمند مهندس حسین شفاقی
 ۶- نگهبان داخلی تنصیب کننده برادر ارجمند دکتر احمد علی احمدی
 ۷- نگهبان خارجی تنصیب کننده برادر عامری

مراسم تنصیب

- ۱- لژ کوروش شماره ۱۵۷۴ - بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده در درجه اول افتتاح می شود .
- ۲- رئیس تشریفات تنصیب کننده برادر ارجمند مهندس حسین شقاقی استاد تعیین شده را معرفی می نماید .
- ۳- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطایه ای برای استاد تعیین شده ایراد می نماید .
- ۴- حضرت استاد ارجمند پیشین تکالیف و مقررات باستانی را قرائت می نماید .
- ۵- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده مراسم یادکردن سوگند استاد انتخاب شده را انجام می دهد .
- ۶- کارآموزان از لژ خارج می شوند ، لژ بدرجه دوم برده می شود .
- ۷- کاریاران از لژ خارج می شوند : لژ بدرجه سوم ارتقاء می یابد .
- ۸- استاد بنایان از لژ خارج می شوند . هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می گردد .
- ۹- تنصیب .
- ۱۰- لژ درجه سوم ادامه داده می شود . استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته می شوند .
- ۱۱- به حضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می شود و ابزار استادی باو ارائه می گردد .
- ۱۲- لژ بدرجه دوم تنزل داده می شود و کاریاران بداخل پذیرفته می گردد .
- ۱۳- به حضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می شود و ابراز کاریاری باو

ارائه می‌گردد .

۱۴- لژ بدرجه اول تنزل داده می‌شود و کارآموزان بداخل لژ پذیرفته می‌گردد.

۱۵- به حضرت استاد ارجمند از جنوب سلام داده می‌شود . و ابزار کار آموزی باو ارائه می‌گردد .

۱۶- فرمان و قانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی لژ بااستاد لژ ارائه و تحویل می‌شود .

۱۷- سایر افسران لژ سوگند یاد می‌نمایند و بادریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می‌شوند .

۱۸- حضرت استاد ارجمند برادر دکتر خشیار جهت استاد ارجمند خطبه ایراد می‌نماید .

حضرت استاد ارجمند برادر دکتر محمود هومن جهت سرپرستها خطبه ایراد می‌کند .

حضرت استاد ارجمند برادر دکتر امیر حکمت برای برادران خطبه ایراد می‌نماید .

۱۹- خواندن دعا بوسیله خطیب

۲۰- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده کوبه را که علامت قدرت است حضرت استاد ارجمند اعطا می‌نماید .

۲۱- استاد بسیار ارجمند پاسخ می‌دهد .

۲۲- لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می‌شود .

در هر يك از لژهای فراها سونی انگلیسی ، فارسی زبان

بر نامه‌های منظم ۹ ماهه تنظیم می‌شود که در روز و ساعات

معین عیناً اجراء می‌گردد . برای نشان دادن طرز کار لژ

کوروش دوبر نامه ماهانه را نقل می‌کنیم :

بر نامه‌های
ماهانه

کسانی را که در لژ همایون با او همکاری داشتند و عضو سازمان فراماسونری مذکور بودند، فاش کند، ولی سه ماه پس از درگذشت ناگهانی او در بیروت،^۱ این اسامی با نامه‌ای که خود وی قبلاً بعنوان نویسنده نگاشته و گویا در دمشق یا آنکارا - نزد اولین دخترش بامانت نهاده بود، در اختیار نگارنده قرار گرفت.

با این نامه یک کتابچه بغلی چایی همراه بود، که در دوران فعالیت لژ در تهران طبع شده و در آن اسامی به ترتیب حروف الفبا تدوین گردیده است. دفترچه شامل دو قسمت است که قسمت اول در ۲۸ صفحه و حاوی مشخصات اعضای لژ، نشانی، محله، محل کار و شماره تلفن آنان می‌باشد. در قسمت دوم نام ۷۱ نفر دیگر که ظاهراً پس از چاپ قسمت اول بعزویت لژ همایون درآمده‌اند، بدون رعایت ترتیب حروف اول اسامی، بترتیب تاریخ عزویت آنان در لژ آمده است. پس از رسیدن این دفترچه با توجه باوراق تقاضای عزویت ۲۵۰ داوطلب دیگر، با مشخصات کامل هر یک که قبلاً در اختیار نگارنده بود، و همچنین دفتری که به خط سلسبیلی^۲ منشی لژ همایون است و از آن نیز استفاده گردیده، لیست کاملی از همه اعضای لژ در سراسر ایران بدست آمد، که در اینجا اسم و مشخصات آنها را (به جز پنج نفر که متأسفانه بعلمی از ذکر نامشان خودداری میشود) عیناً نقل می‌کنیم:

۱- با اینکه اتهامات زیادی بمرحوم جواهری وارد آورده‌اند و برادران ماسونی‌اش او را شخصی سوء استفاده‌چی معرفی کرده و می‌کنند، معیناً پس از درگذشت وی معلوم شد که فقط یک هزار و پانصد تومان پول نقد از او باقی مانده و خانه مسکونیش نیز استیجاری بوده است. بطوریکه موجر پا نژده روز پس از درگذشت جواهری، همسر و فرزندان آن مرحوم را مجبور به تخلیه خانه اجاره‌ای نمود.

۲- علی اصغر سلسبیلی هم اکنون منشی و عضو طرف اعتماد لژ مولوی می‌باشد.

لژ کورش شماره ۱۵۷۳ ق . اس اسکانلند

تأسیس دسامبر ۱۹۶۰

استاد ارجمند لژ کورش

برادر دکتر محمود علومی

س . ارجمند دوم

برادر حسن صابرزاده

س . ارجمند اول

برادر حسن مصطفوی

برادر گرامی

بنابا مر حضرت استاد ارجمند از آن برادر گرامی دعوت می شود در جلسه
یادی شماره ۹۳ لژ محترم کورش که در ساعت شش و نیم بعد از ظهر روز چهارشنبه ۳۱
خرداد ماه ۴۶ مطابق با ۲۹ ژون ۱۹۶۷ در محل انجمن رازی واقع در بن بست
الوشیروان دادگر تشکیل می گردد حضور بهم رسانند .

دیر لژ کورش

ف. طباطبائی

لژ در درجه ۳ کار میکند

لباس اسمو کینگ یا تیره

بر نامه کارها

۱ - افتتاح لژ

۲ - قرائت دعوتنامه و صورت جلسه عادی شماره ۹۲ و صورت جلسه کمیته تحقیق

و امور عمومی مورخه دهم خرداد ماه ۱۳۴۶

۳ - ارتقاء برادران مسعود عرب شیبانی و دکتر حسین داودی و هر مزدیار -

وهرامیان و مهندس علی اصغر اربابی به درجه ۳ استادی

۴ - اخذ رأی نسبت به ورود داوطلبان (سید علی اکبر طباطبائی رئیس دادگاه

شعبه ۳ دیوان کیفر متولد سال ۱۲۹۸ ساکن خیابان نصرت غربی شماره ۱۹۶ - تلفن -

۹۴۸۷۹ بمصر فی برادران جعفر فروبی و دکتر علومی (۲ دکتر سید علی افقه مدیر کل

اداره اعزام محصل متولد ۱۳۰۲ ساکن خیابان ۴۰ متری نواب - کوچه عقیلی شماره

لیزگسوزی
شماره ۱۰۲۱ ق. ۱۰. ۱. اس

تهران - تاریخ ۱۶/۱۰/۴۱
آقای عزیز و برادر گرامی **تاجیک روح بسطه مخ**

بدستور استاد ارجمند از آن برادر محترم دعوت میشود که در جلسه عادی لژ محترم کوشش

که در ساعت شش بعد از ظهر ۲۶/۱۰/۴۱ مطابق ۱۶/۱/۴۲

در محل لژ تشکیل میشود حضور بهم رسانید

لژ در درجه ۲ کار میکند

لها اسموکینگ



۱۶ تلفن ۹۵۳۴۴۴ بمعرفی برادر کاظم فشارکی طباطبائی و نائید برادر ارجمند دکتر
پرتو (۳) دکتر احمد عاطفی معاون وزارت بهداشتی متولد سال ۱۳۰۰ ساکن یوسف آباد
خیابان محمدرضاشاه تلفن ۶۲۵۷۸۰ بمعرفی برادران دکتر علومی و جمفر فزونی.

۵ - گردانیدن کیسه خیریه

۶ - بشن لژ بنحو مقرر و باستانی

از ازمنه قدیمه در بنائی آزاد رسم براین بوده است که هیچ بنای آزاد
نمی تواند از لژ خود غیبت نماید خصوصاً وقتی که برای حضور دعوت شده باشد مگر اینکه
محظور شدید و غیر قابل اجتنابی داشته و محظور او برای استاد ارجمند لژ مسلم
شده باشد.

آفتاب از تکلیف باستانی

دوره اجلاسیه ۱۳۴۳-۱۳۴۴

لژ کورش شماره ۱۵۷۳ ق ۱ - اس-تهران

استاد ارجمند لژ کورش

برادر مهندس جعفر فزونی

سرپرست ارجمند دوم

سرپرست ارجمند اول

برادر دکتر محمود علوی

برادر رضا جعفری

آقای محترم و برادر عزیز

بنا بامر حضرت استاد ارجمند از آن برادر گرامی دعوت می‌شود در جلسه عادی لژ کورش که در ساعت شش بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۴۳ مطابق با هفدهم مارس ۱۹۶۵ در محل جدید باشگاه خیابان شاهرضا - خیابان بن‌بست - جنب انوشیروان دادگر - کوچه دست چپ شماره ۶۶ - تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانید.

دیر لژ کورش

مهندس عنایت بیبهانی

لژ در درجه ۱ - کار می‌کند

لباس: اسمو کینگ یا تیره

برنامه کارها

۱ - قرائت دعوتنامه

۲ - قرائت صورت جلسه عادی مورخه ۴۳/۱۱/۲۸ و اخذ رأی

۳ - قرائت صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی مورخه ۴۳/۱۲/۱۲

و اخذ رأی.

۴ - قرائت درخواست ورود بیگانگان : محمد جواد مرید بازرگان مقیم اهواز - معرف برادر سید محمد علی مرتضوی و برادر صدری کیوان - ساکن اهواز مهندس منوچهر ایازی رئیس کل کشاورزی خوزستان - معروف برادر علی اصغر محمدی و برادر مهندس کمال الدین موسوی - فعلاً ساکن اهواز - دکتر سید ضیاء - امام ، دکتر در طب ، معرف برادر مهندس سلطانی و برادر مهندس موسوی - ساکن اهواز .

۵ - اخذ آرا نسبت به ورود بیگانگان : دکتر کمال الدین آرمین - دکتر حسن هاشمیان و مهندس محمد قره گز لو .

۶ - انجام تشریفات ورود بیگانگان محمد مهدی لاری زاده و سید کاظم فشارکی طباطبائی

۷ - گرداندن کیسه خیریه

۸ - بستن لژ

شام برادرانه در محل لژ صرف خواهد شد

از ازمینه قدیمه در آئین بنائی آزاد رسم بر این بوده است که هیچ بنای آزاد نمی تواند از لژ خود غیبت نماید خصوصاً وقتی که برای حضور دعوت شده باشد . مگر اینکه محظور شدید و غیر قابل اجتنابی داشته و عدم حضور او برای استاد ارجمند لژ مسلم شده باشد .

اقتباس از تکلیف باستانی

همانطوریکه گفته شد ، در آغاز هر سال فراماسونری عده ای انتخابات سالانه بنام «افسران اداره کننده لژ» ها بارأی مخفی اعضاء هر لژ انتخاب می کردند. افسران لژ هر يك دارای مقامات و مشاغل مختلفی هستند که رایگان وظایف محوله را انجام می دهند. در زیر افسران پنج دوره پنج ساله لژ کوروش را نقل می کنیم :

صورت اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره اول لژ محترم گورش

- | | |
|-----------------------|------------------------|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | دکتر علی یرنو |
| ۲ - قائم مقام استاد | دکتر جعفر جهان |
| ۳ - معاون استاد | مهندس قباد ظفر |
| ۴ - سرپرست اول | دکتر مرشدزاده |
| ۵ - سرپرست دوم | حسین رامشین |
| ۶ - دبیر | دکتر ذوالریاستین |
| ۷ - خزانه‌دار | احمد افخمی |
| ۸ - خطیب | دکتر عبدالحسین راجی |
| ۹ - راهنمای اول | علی رضا هروی |
| ۱۰ - راهنمای دوم | دکتر احمد توکلی |
| ۱۱ - مدیر تشریفات | فتح‌اله فرود |
| ۱۲ - کتاب بر | دکتر ارفع السلطنه فرخ |
| ۱۳ - نگهبان داخلی | مهندس علی اصغر بختیاری |
| ۱۴ - نگهبان خارجی | یوسف مازندی |

اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره دوم لڑ محترم کورس

- | | |
|-----------------------|-----------------------------|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | برادر دکتر رحمت مرشدزاده |
| ۲ - حضرت استاد پیشین | برادر دکتر علی پرتو |
| ۳ - قائم مقام استاد | برادر دکتر فرخ |
| ۴ - سرپرست اول | برادر حسین راعتین |
| ۵ - سرپرست دوم | برادر دکتر مهدی ذوالریاستین |
| ۶ - دبیر | برادر هرمز پیرنیا |
| ۷ - خزانه دار | برادر احمد افخمی |
| ۸ - خطیب | برادر محسن حداد |
| ۹ - راهنمای اول | برادر دکتر طاهر ضیائی |
| ۱۰ - راهنمای دوم | برادر دکتر محمود علومی |
| ۱۱ - مدیر تشریفات | برادر محمد جواد مستوفی زاده |
| ۱۲ - کتاب بر | برادر دکتر احمد علی آبادی |
| ۱۳ - نگهبان داخلی | برادر مهندس جعفر فروزی |
| ۱۴ - نگهبان خارجی | برادر مهدی خازنی مقدم |

اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره سوم لژ محترم کوروش

- | | |
|-----------------------|-----------------------------|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | برادر حسین رامتین |
| ۲ - حضرت استاد پیشین | برادر دکتر رحمت مرشدزاده |
| ۳ - قائم مقام استاد | برادر ارجمند مهندس شفاقی |
| ۴ - معاون استاد | برادر ارجمند دکتر علی پرتو |
| ۵ - سرپرست اول | برادر دکتر مهدی نوالریاستین |
| ۶ - سرپرست دوم | برادر مهندس جعفر فزونی |
| ۷ - دبیر | برادر علی اصغر محمدی |
| ۸ - خزانه دار | برادر احمد افخمی |
| ۹ - خطیب | برادر رضا جعفری |
| ۱۰ - راهنمای اول | برادر دکتر محمود علومی |
| ۱۱ - راهنمای دوم | برادر محمد مشیری یزدی |
| ۱۲ - مدیر تشریفات | برادر دکتر طاهر ضیائی |
| ۱۳ - کتاب بر | برادر محسن حداد |
| ۱۴ - نگهبان داخلی | برادر مهندس رضارزم آراء |
| ۱۵ - نگهبان خارجی | برادر احمد براتلو |

اسامی حضرت استاد ارجمند و اقربان

دوره چهارم نژکورش

- | | |
|-----------------------|-----------------------------|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | برادر دکتر مهدی ذوالریاستین |
| ۲ - حضرت استاد پیشین | برادر حسین راعتین |
| ۳ - قائم مقام استاد | برادر دکتر رحمت مرشد زاده |
| ۴ - معاون استاد | برادر احمد افخمی |
| ۵ - سرپرست اول | برادر جمفر فزونی |
| ۶ - سرپرست دوم | برادر دکتر طاهر ضیائی |
| ۷ - دبیر | برادر مهندس عنایت بیبهانی |
| ۸ - خزانه دار | برادر دکتر محمود علومی |
| ۹ - خطیب | برادر دکتر علی بهزادی |
| ۱۰ - راهنمای اول | برادر علی اصغر محمدی |
| ۱۱ - راهنمای دوم | برادر دکتر ابوالقاسم پیرنیا |
| ۱۲ - مدیر تشریفات | برادر دکتر خلیل ضیائی |
| ۱۳ - کتاب بر | برادر دکتر علی معارفی |
| ۱۴ - نگهبان داخلی | برادر حسن مصطفوی |
| ۱۵ - نگهبان خارجی | برادر احمد براتلو |

اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره پنجم لژگورش

- | | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| ۱ - حضرت استاد ارجمند | برادر مهندس جعفر فزونی |
| ۲ - حضرت استاد ارجمند پیشین | برادر دکتر مهدی ثوالریاستین |
| ۳ - قائم مقام استاد | برادر دکتر رحمت مرشدزاده |
| ۴ - معاون استاد | برادر دکتر طاهر ضیائی |
| ۵ - سرپرست ارجمند اول | برادر رضا جعفری |
| ۶ - سرپرست ارجمند دوم | برادر علی اصغر محمدی |
| ۷ - دبیر | برادر مهندس عنایت بهبهانی |
| ۸ - خزانه دار | برادر محمد علی مرتضوی |
| ۹ - خطیب | برادر مهندس عبدالله والا |
| ۱۰ - راهنمای اول | برادر احمد براتلو |
| ۱۱ - راهنمای دوم | برادر حسن مصطفوی نائینی |
| ۱۲ - مدیر تشریفات | برادر صدری کیوان |
| ۱۳ - کتاب بر | برادر دکتر علی معارفی |
| ۱۴ - نگهبان داخلی | برادر مهندس نظام عامری |
| ۱۵ - نگهبان خارجی | برادر شاپور بهبهانی |

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
الف					
ابن	عبسی	محمد مهدی	۵۹	رئیس بانک پارس	۱۳۲۳/۱۲/۲۰
ابن	منوچهر	عبسی	۳۴	نفت ملی	۱۳۳۴/۳/۸
ابن	موسی	مهدی	۵۷	مدیر کل گمرک	۱۳۳۳/۱۲/۲۰
ابن	سلیمان	-	۵۳	بازرگان	
ابوزاده	امیرقلی	اسمعیل	۵۰	نفت ملی	۱۳۳۳/۱۲/۹
ابوزور	قاسم	هدایت	۴۸	« «	۱۳۳۳/۵/۲۴
ابوعلی	سرتیپ محمد حسن	اسمعیل	۴۶	افسر ارتش	۱۳۳۳/۲/۱۲
ابوعلی	امیر قاسم	حسین	۵۴	وزیر پست و تلگراف	
ابوعلی	حبیب اله	نقی	۴۸	بازرگان	
ابوعلی	محمد تقی				
ابوعلی	محمد رضا	حاج محمد کاظم	۳۶	بازرگان	
ابوعلی	احمد	محمد حسن	۵۱	نماینده مجلس	۱۳۳۳/۷/۱۹
ابوعلی	احمد	ابو تراب		وزارتخانه	
ابوعلی	سید محمد علی	محمد شریف	۴۶	رئیس گمرک	
ابوعلی	دکتر علی	عبدالحسین		پزشک	۱۳۳۳/۸/۲۴
ابوعلی	دکتر عبسی		۶۷	نماینده مجلس	
ابوعلی	غلامحسین				
ابوعلی	مهدی	فتحعلی	۵۶	پست تلگراف	۱۳۳۲/۱۲/۴
ابوعلی	حبیب اله	بابائی	۴۰	بازرگان	
ابوعلی	داود	بابائی	۴۳	بازرگان	۱۳۳۲/۱۱/۱۹
ابوعلی	دکتر ناصر	علی	۴۱	استاد دانشکده پزشکی	۱۳۳۲/۶/۲۳
ابوعلی	علی	مهدی	۴۸	دریار	۱۳۳۲/۱۰/۱۵
ابوعلی	میر و سلاط	اوگستین	۴۳	آبجوسازی	
ابوعلی	ابو راعام				
ابوعلی	ابدال	غلامحسین	۴۰	زراعت	
ابوعلی	احمد	علی	۲۷	نخست وزیر	

قبلاً گفتیم که لژ کوروش رایابگامی برای پذیرش اعضاء جدید
اعضاء لژ مورث و انتقال آنان به لژ های دیگر قرار داده اند . در زیر نام
 کسانی که از اسناد رسمی و چایی این لژ بدست آمده ، نقل می شود . بایستی گفت
 که ممکن است نام اینعده در سایر لژ های انگلیسی یا فرانسوی نیز برده شود بدین
 سبب نمی توان همه آنها را اکنون عضو فعال این لژ دانست . فراموشیها می توانند ،
 در چندین لژ عضویت داشته باشند و حق عضویت پیر دارند .

آ

آرمین - دکتر کمال الدین

الف

ادیب - علی اصغر	اربابی - مهندس علی اصغر
ازدیری - دکتر احمد	اسماعیلی - دکتر اسماعیل
افخمی - احمد	افقه - دکتر سید علی
امام - دکتر سید ضیاء	اواسوف
ایازی - مهندس منوچهر	

ب

بختیار - مهندس علی اصغر	براتلو - احمد
برومند - دکتر	بهبهانی - شاهپور
بهبهانی - مهندس عنایت	

پ

پوتو - دکتر علی	پیرنیا - هرمز
-----------------	---------------

ت

توکل - عبدالله	توکلی - دکتر احمد
----------------	-------------------

ج

جعفری - رضا	جهان - دکتر جعفر
-------------	------------------

چ

چتایات - ادوارد

چتایات - صالح

ح

حداد - محسن

حریری - محمدجواد

خ

خازنی مقدم - مهدی

خدایاری - قدرت‌اله

د

دانشی - دکتر مسیح

داودی - دکتر حسین

دورابچی -

دروقی - محمد

دهستانی - عبدالعلی

دیارورهرامیان - هرمز

ذ

ذوالریاستین - دکتر مهدی

ر

رئسی - محمد

راجی - دکتر عبدالحسین

راحتین - حسین

وزم آراء - مهندس رضا

راحتین سپروس

رشیدی - حائری

ز

زند - مهندس علیمراد

س

سالار بهزادی - عیسی

سینا - دکتر عبدالله

ش

شقایق - مهندس حسین

شهابی - میرشهاب‌الدین

ص

صابر زاده - حسن

صدری - کیوان

ض

ضیائی - دکتر طاهر

ط

طباطبائی - ف.

طباطبائی - سید علی اکبر

طباطبائی - دکتر سید محمد

ظ

ظریف - عباس

ظفر - کیفیاد

ع

عاطفی - دکتر احمد

عامری - مهندس نظام

عدل - مهندس فیروز

عرب شیبانی - مسعود

عطری - سید علی

علومی - دکتر محمود

علی آبادی - دکتر احمد

ف

فرخ - دکتر ارفع السلطنه

فردوس - هوشنگ

فرود - فتح اله

فروزی - مهندس جعفر

فشارکی طباطبائی - کاظم

ق

قراگوزلو - مهندس محمد

قهرای - دکتر ضیاء الدین

ک

کشاوردژ

کشاوریان - محمد

کیوان - صدری

ک

کرنی - دکتر

گلشالیان - عباس

ل

لاری زاده - محمد مهدی

م

مازندنی - یوسف

محمدی - علی اصغر

مرات اسفندیاری - حسن

مرتضوی - سید محمد

مرتدزاده - دکتر رحمت

مستوفی زاده - محمد جواد

مشیری یزدی - محمد

معارفی - دکتر علی

مهدوی - دکتر یحیی

ن

نجفی - غلامرضا

و

والا - فتح‌اله

والا - عزت‌اله

ه

هاشمیان - دکتر حسن

هرن

همایونفر - مهندس ابراهیم

ی

یارورهرامیان - هرمز

یگانه حائری - دکتر

مخاطب رفیعی - مهندس عزت‌اله

مداوی - دکتر علی

مرتضوی - ابوالحسن

مرتضوی - محمد علی

مرید - محمد جواد

مسعودی - محمد علی

مصطفوی نائینی - حسن

موسوی ماکوئی - میر اسداله

(۳)



لژ خيام شماره ۱۵۸۵

تابع قانون اساسی گراند لژ اسکا تلند

دومین لژ فارسی زبان که گرانند لژ اسکا تلند در ایران تشکیل داد ، لژ خیام است ، این لژ در سال ۱۳۴۱ (۲ نوامبر ۱۹۶۱) در تهران تشکیل شد و تقدیس یافت و اعضای مؤثری که در مراسم افتتاح تأسیس آن دخالت داشتند ، عبارتند از :

لژ خیام شماره

۱۵۸۵

دکتر احمد علی آبادی

» مرتضی رسا

» هوشنگ رام

» باقر عاملی

» فرزین

» سکر باسفر و شان

» ناصر یگانه

» ایرج وحیدی

» حسین اسفندیاری

» ناصر حداد

» محمد طاهری

» مهندس شیلاتی فرد

» رحیم متقی ابروانی

» عباس اسفندیاری

» هاشم حکیمی

» دکتر احمد توکلی

» مصطفی نامدار

» هوشنگ عامری

» مهندس طاهر محمدی

در تأسیس این لژ ، نکته بسیار جالبی که به چشم می خورد ، انتخاب اعضای آن است که از طبقه روشنفکران و تحصیل کرده می باشند . شاید در روزهایی که این لژ تشکیل می شده ، نظر بر این بوده است که با انتخاب روشنفکران و افراد

خوشنام، جبران انتخاب پیشین بعضی از افرادی را که سابقه سیاسی و اجتماعی روشنی نداشتند، و در لژ تهران وارد شده بودند، بنمایند.

تظاهرات آزادیخواهانه و مخالفت‌های پنهانی و آشکار بعضی از اعضای لژ با پاره‌ای تصمیمات و اقدامات قوه مقننه، حتی در يك مورد سبب شد که يك استاد لژ مقام مهم دولتی خود را از دست بدهد. زیرا در حالیکه، همین مقام دولتی، خود نویسنده و تهیه کننده یکی از لوایح دولت بود، به یکی دیگر از اعضای لژ دستور داده شده بود که در مجلس با آن مخالفت کند.

جریان واقعیه از این قرار است: در سال ۱۳۴۴ شمسی هیئت دولت ایران، تصمیم گرفت، تغییراتی در کار دادگاه‌های کشور و انحلال و یا ابقاء پاره‌ای از دادگاه‌ها و قضات آن بدهد. دکتر باقرعاملی استاد لژانگلیسی خیام که در آن ایام وزیر دادگستری بود، لایحه‌ای در این زمینه به مجلس شورای ملی تقدیم کرد. ولی خود او در یکی از جلسات بسیار محرمانه، استادان لژهای انگلیسی می‌گوید که با تنظیم و تصویب لایحه مزبور موافق نیست. در نتیجه تصمیم به مخالفت با این لایحه گرفته می‌شود و برای اینکه لژهای فراماسونری انگلیسی، بخصوص لژ خیام که اغلب از افراد طبقه روشنفکر تشکیل شده است، نظرات اصلی لژ را که مخالف لایحه پیشنهادی از طرف استاد ماسونی دکتر باقرعاملی بوده است، ابراز کنند. به سه نفر از اعضای لژ (رامبد، بهبودی، والا) مأموریت می‌دهند که در جلسه علنی مجلس با لایحه مخالفت کنند. این سه نماینده که عضو فراکسیون حزب مخالف دولت بودند، از بین خود مهندس والا نماینده خلخال را انتخاب می‌کنند و او در روز بیست و هشتم آذرماه ۱۳۴۴ نظقی در مخالفت با لایحه در جلسه علنی مجلس شورای ملی ایراد می‌کند، که خلاصه آن ذیلاً نقل می‌شود:

«... مجلس شورای ملی برای این بوجود آمد و مشروطیت در این مملکت از این جهت پی‌ریزی شد که فلسفه عدالت و بسط داد و دادگستری جزو احتیاجات زمان شده بود.. اگر تاریخ مشروطیت ایران را ملاحظه کنیم خواهیم دید که ملت ایران و روشنفکران ایران اول بفکر تأسیس عدالت خانه افتادند و تقاضایشان

از حکومت مستبد وقت این بود که ابتدا عدالت خانه تأسیس شود. بنابراین اگر ما ادعا کنیم که وجود پارلمان و اساس مشروطیت ما باید بر پایه عدل و داد استوار بشود مطلبی را کزافه گوئی نکرده ایم. بنابراین وقتی مسأله دادگستری مطرح می شود و ما درباره لوایح آن موافقت یا مخالفت می کنیم و حتی این صحبت بدرازا می کشد، بنظر من بهیچوجه من الوجوه جنبه شخصی ندارد (صحیح است) مسأله مسأله مملکتی است مسأله مسأله خواست مردم است والا از نظر شخصی بنده یکی از مریدان شخص دکتر عاملی هستم و برای ایشان احترام خاصی هم قائل هستم. اما جزء آرزوهای من یکی این بود که وزارت دادگستری یا هر وزارتخانه دیگری بدست اشخاص صلاحیتدار و وارد بیفتد و وقتی مرحوم منصور دکتر عاملی را از مجلس همراه خودش برد واقعاً من خودم این احساس را کردم که يك همکار و اردی را در مجلس از دست می دهیم ولی خدا کند این مرد بتواند در دادگستری منشأ اثر باشد. مهندس والا اضافه می کند:

«اساس فکر تقدیم این لایحه است برای گرفتن اختیارات، بنده روی کلمه اختیارات برعکس فرمایش جناب آقای دکتر عاملی اصرار دارم آقای دکتر عاملی می فرماید من اختیارات نمی خواهم به بینم آیا اختیار این است که فقط سر ببرند؟ اختیار دیگر برای چه می خواهید؟ شما می آئید با تصویب يك لایحه اساس دادگستری را بهم می زنید، شعبه را منحل می کنید دادگاه بخش را دادگاه شهرستان و دادگاه شهرستان را دادگاه استان می کنید و دادگاه استان را دو درجه ای دادگاه جنائی را يك و دو مرحله ای می نمائید.

بنابر این بمحض اینکه این قانون تصویب شد، آن قاضی که پشت آن میز نشسته دیگر در آن مقام قرار نمی گیرد و باید حکم جدیدی برایش درست کرد این چی است؟ ... ببخشید جناب آقای وزیر دادگستری، می فرمایند دلیل وجودی و دلیل انشاء این قانون آنست که ما می خواهیم تشریفات زائد دادگستری را از بین ببریم. هیچکس منکر این حرف نیست می خواهیم دادگستری را در مسیر انقلاب شاه و ملت قرار بدهیم، همه باین گفته تمکین می کنیم اما جناب آقای دکتر عاملی وزارت

دادگستری که ۱۲۰۰ نفر قاضی بیشتر ندارد چند مرتبه باید در طول مدت کوتاهی دستخوش نظرات صحیح یا ناصحیح و نظرات بجا و یا نابجای وزرای وقت بشود! وزرای دادگستری، آمدند در طول مدتی که مصدر کار بودند آن اصلی را که بنا به تجویز قانون اساسی، اصل تفکیک قواست لگدکوب کردند. من اگر ثابت کنم وزیر دادگستری پیام بر علیه قانون اساسی کرده، آنوقت است که وقتی لایحه‌ای می‌آمد که در آن وزیر می‌تواند هر قاضی را از جایش عوض کند اسباب نگرانی‌ام می‌شود. شما وزیر دادگستری داشتید که آمده يك دادگاهی را منحل کرده بعد آمده آن دادگاه را دوباره تأسیس کرده.

مهندس عبدالله والا سپس اشاره به دادگستری انگلستان هموده گفت:

«آقای دکتر عاملی شاهکار شما، تحول اساسی شما این بود که می‌آمدید می‌گفتید وزارت دادگستری را از نظر وزارت منحل می‌کنیم ولی مقام قضا و استقلال قوای قضائی و مصونیت قضائی را آنچنان مستحکم می‌کنیم که هیچ عامل دیگری نمی‌تواند آنرا بهم بزند ما انتظارمان این است که اگر ایشان تحصیل کرده اروپا هستند، اگر نسبت به قوانین اساسی دنیا مطلع هستند به بینند دنیا چکار کرده است آیا وزارت دادگستری در انگلستان وجود دارد؟ در صورتیکه مقام قضا در انگلستان و قضاوت در انگلستان در تمام دنیا حتی برای تمام دشمنان و مخالفان سیاست‌های استعماری دولت آن کشور مورد احترام است چرا؟»

چندی پس از ایراد این نطق، وقتی که یکی از اعضاء مؤثر لژهای انگلیسی حاجرا را افشاء کرد، دکتر باقر عاملی از پست وزارت دادگستری برکنار شد، و مهندس عبدالله والا هم بعلمت اینکه دستورات لژ را بدون چون و چرا اجراء کرده بود، نتوانست در انتخابات دوره بیست و دوم پشتیبانی رأی دهندگان خلخال را بیاورد، و شخص دیگری بجای او انتخاب شد. بدین ترتیب یکی از بازیهای سیاسی پشت پرده فراماسونهای انگلیسی باشکست خاتمه یافت. یکسال بعد ازین حاجرا، گرانلتر اسکاتلند اجازه داد که باقر عاملی به مقام استادی ارتقاء یابد

لڑ اعظم اسکا قلند

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی

لڑ خیام شماره ۱۵۸۵

تنصیب

برادر دکتور باقر عاملی

بسمت

حضرت استاد ارجمند

و تنصیب

افسران لڑ

بوسیله

برادر دکتور احمد علی احمدی

استاد ارجمند تنصیب کننده

در محل لڑ

انجمن رازی

دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۴۵

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
بشیر سلمان	محمد	-	-	-	-
بقائی	سر لشکر حسن	علی اصغر	۵۹	سفاتور	-
بهزادی	عبسی	موسی	۴۹	وکیل دادگستری	۱۳۳۲/۱۱/۲۴
بهبودی	سلیمان	سلمان	۵۴	-	-
بوداورد	غلامحسین	علی عظام الملك	۴۸	نماینده مجلس	-
بپا	-	-	-	-	-
پرتو	دکتر علی	محمد	۴۷	وزارت خارجه	-
پناه	ابراهیم	حسین	۴۰	دارائی	-
پور سرآپ	فتح اله	شیر محمد	۴۷	نماینده مجلس	-
ت	-	-	-	-	-
تریت	غلامعلی	صادق	۵۲	مجلس سنا	۱۳۳۲/۱۰/۱۱
توماج	عبدالله	علی	۶۳	نماینده مجلس	۱۳۳۲/۱۲/۲۹
ت	-	-	-	-	-
ثقت الاسلامی	موسی	محمود	۴۲	« «	۱۳۳۲/۱۰/۲۸
ج :	-	-	-	-	-
جعفری	رضا	عین الله	۴۵	وزیر فرهنگ	۱۳۳۱
جلالی	دکتر فتح اله	شمس الدین	۴۳	سازمان پر نامه	«
جهان	جعفر	محمد باقر مازندرانی	۴۷	وکیل دادگستری	«
ج :	-	-	-	-	-
حداد	سمیر	میشل	۲۵	مهندس میکانیک	۱۳۳۳/۸/۱۴
حداد	محسن	محمد کریم	۵۰	معاون فرهنگت	۱۳۳۳/۸/۲۳
خ :	-	-	-	-	-
خان اکبر	نعمت الله	میرزا کریمخان	۴۱	مالك	۱۳۳۳/۲/۱۲
خزیمه علم	امیر حسین	امیر معصوم	۴۲	مالك	۱۳۳۳/۲/۲۳
خندو	تقی	محمد نبی	۵۰	قاضی دادگستری	-
خسروانی	شهاب	محمد هاشم ارباب	۵۳	نماینده مجلس	-
خشیار	دکتر علی اصغر	محمد علی	۴۶	سازمان پر نامه	-
خطاطان	موسی	محمد	۳۹	مدیر کل دارائی	-

استادان ارجمند تنصیب کننده

- ۱ - حضرت استاد ارجمند
برادر ارجمند دکتر احمد علی احمدی
- ۲ - سرپرست ارجمند اول
برادر بسیار ارجمند فری ح . ا . اعظم
ناحیه و . س . ا . د . افتخاری ل . اعظم
اسکاتلند
- ۳ - سرپرست ارجمند دوم
برادر ارجمند فتح‌اله فرود کتاب‌پر ل ،
اعظم
- ۴ - مدیر تشریفات
برادر بسیار ارجمند مهندس حسین شقاقی
ق . ح . ا . اعظم . ناحیه و . ر . د .
افتخاری ل . اعظم اسکاتلند
- ۵ - نگهبان داخلی
برادر ارجمند دکتر مرشدزاده ر . د
ل . اعظم ناحیه
- ۶ - نگهبان خارجی
برادر ارجمند صالح چنایات
امین خیریه ل . اعظم ناحیه
- ۷ - خطیب
برادر ارجمند دکتر خشایار س
ا . د . ل . اعظم ناحیه

مراسم تنصیب

- ۱ - لژ خیام شماره ۱۵۸۵ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده در
درجه اول افتتاح می‌شود .
- ۲ - مدیر تشریفات برادر ارجمند مهندس شقاقی برادر دکتر باقر عاملی
استاد تعیین شده را معرفی می‌نماید .
- ۳ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه‌ای برای استاد تعیین شده

ایراد می نماید .

- ۴ - مدیر تشریفات خلاصه ای از تکالیف باستانی و افراشت می نماید .
- ۵ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده مراسم یاد کردن سوگند و وفاداری بانجام می رساند .
- ۶ - کارآموزان از لث خارج می شوند . لث بدرجه دوم برده می شود .
- ۷ - کاریاران از لث خارج می شوند . لث بدرجه سوم ارتقاء می یابد .
- ۸ - استاد بنایان از لث خارج می شوند . هیئت استادان تنصیب شده تشکیل گردد .

تنصیب

- ۹ - لث در درجه سوم ادامه داده می شود . استاد بنایان بداخل لث پذیرفته شوند .
- ۱۰ - بحضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می شود و ابزار استادی باو ارائه می شود .
- ۱۱ - لث بدرجه دوم تنزل داده می شود و کاریاران بداخل لث پذیرفته گردند .
- ۱۲ - بحضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می شود و ابزار کاریاری ارائه می گردد .
- ۱۳ - لث بدرجه اول تنزل داده می شود و کارآموزان بداخل لث پذیرفته گردند .
- ۱۴ - بحضرت استاد ارجمند از جنوب سلام داده می شود و ابزار کارآموزی ارائه می شود .
- ۱۵ - فرمان و قانون اساسی لث اعظم و آئین نامه داخلی لث بااستاد لث ارائه می شود .

۱۶ - سایر افسران لژ سوگند یاد می نمایند و بادر یافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می شوند .

۱۷ - برادر بسیار ارجمند برادر دکتر سعید مالک جهت استاد ارجمند خطبه ایراد می نماید .

۱۸ - برادر بسیار ارجمند و بزرگوار دکتر امیر حکمت جهت سرپرست ها خطبه ایراد می نماید .

۱۹ - برادر ارجمند و بزرگوار دکتر حسن علوی برای برادران خطبه ایراد می نماید .

۲۰ - خواندن دعا بوسیله خطیب

۲۱ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده کو بهراکه علامت قدرت است بحضرت استاد ارجمند اعطا می نماید .

۲۲ - لژ بنحو مقرر و یاستانی بسته می شود .

یکسال بعد از انجام تشریفات مذکور ، و مقام استادی که به دکتر باقر عاملی داده شد، او به ریاست لژ در سال فراماسو نری ۴۶-۱۳۴۵ انتخاب گردید .
اداره کنندگان لژ مذکور در آن سال بدین شرح انتخاب شدند :

افسران لژ خیام شماره ۱۵۸۵

ق . ۱۰ . س .

دوره اجلاس ۴۶-۴۵

۱ - حضرت استاد ارجمند برادر دکتر باقر عاملی

۲ - حضرت استاد پیشین برادر ارجمند دکتر احمد علی احمدی

۳ - قائم مقام استاد برادر مهدی خازنی مقدم

۴ - سرپرست ارجمند اول برادر دکتر عدل نخستین

- ۵ - سرپرست ارجمند دوم
برادر دکتر مرتضی رسا
- ۶ - دبیر
برادر دکتر ناصر حداد
- ۷ - خزانه‌دار
برادر سروش فروهر
- ۸ - امین خیریه (معاون خزانه‌دار)
برادر مصطفی فرهنگ
- ۹ - خطیب
برادر عباس اسفندیاری
- ۱۰ - راهنمای اول
برادر دکتر محمدحسین حائری
- ۱۱ - راهنمای دوم
برادر محمدعلی گرباسفر و شان
- ۱۲ - مدیر تشریفات
برادر دکتر هوشنگ رام
- ۱۳ - زیوردار و کارپرداز
بعداً تعیین می‌شود
- ۱۴ - کتاب‌بر
برادر دکتر حسینعلی اسفندیاری
- ۱۵ - نگهبان داخلی
برادر نصرت‌الله شیلاتی
- ۱۶ - نگهبان خارجی
برادر دکتر محمد طاهری

(٤)



لژ اصفهان شماره ۱۶۱۰

تابع قانون اساسی لژ اسکا تلند

نخستین لژ فارسی زبان فراماسونری اسکاتلند که بعد از لژ اصفهان ۱۶۱۰ های پایتخت در شهرستانها، تشکیل شد لژ اصفهان است. فرمان تأسیس این لژ که باشعاره ۱۶۱۰ به ثبت رسیده است چهارم فوریه سال ۱۹۲۵ صادر شد و در شهر اصفهان گشایش یافت. اهمیت تأسیس لژ برای فراماسونری انگلیسی آنقدر زیاد بود که «لرد بیروس» استاد اعظم گرانند اسکاتلند را برای مراسم تأسیس آن به ایران فرستادند. ولی او به علت ابتلا بخاری نتوانست به اصفهان برود و نماینده‌ای از جانب خود به این شهر فرستاد. پس این لژ در شهر اصفهان افراد زیر بودند:

دکتر کاظم امین

عبدالباقی نواب

علی اصغر بیختیار

قدرت اله برومند

محمد طاهر برومند

عبدالقادر برومند

علی محمد آزما

سید کاظم صدریه

احمد صدریه

دکتر اصغر محبی

دیر این لژ در سال جاری دکتر علی اصغر محبی است که در سالنامه سال ۱۹۶۸ اورا «بیمارستان احمدیه» اصفهان نوشته‌اند.^۱ در انگلستان هم نماینده و واسطه اصفهان:

J. I. R. Shepherd, Greenbridg, Milltimber, Aberdednashire

ملی شده است.

سه ماه بعد از صدور منشور تأسیس لژ مذکور، لرد بروس استاد اعظم و دکتر الکساندر فرلی بوخان دبیر اعظم لژ اسکاتلند، به تهران آمدند تا لژ مذکور را تنصیب و مقام «استاد اعظم ناحیه ایران» را به کریستوفر فری بدهند. برای برگزاری مراسم تنصیب مقام مذکور این دعوتنامه برای همه استادان فراماسونری انگلیسی و فرانسوی و اعضای که حق شرکت در جلسه تنصیب را داشتند فرستاده شد:

«برای دیدار لرد بروس ا. اعظم ل. اعظم اسکاتلند و برادر دکتر الکساندر فرلی باخن دبیر اعظم اسکاتلند و هم چنین برای شرکت در شامی که بعد از انجام تشریفات تنصیب برادر کریستوفر آ. فری به سمت ا. اعظم ل. ن. ایران داده می شود خواهمشند است ساعت ۸ بعد از ظهر روز پنجشنبه دوم اردیبهشت ماه ۱۳۴۴ در محل انجمن واقع در خیابان انوشیروان دادگر شماره ۶۶ تشریف فرما شوید.»

روز بعد نیز ضیافت باشکوه و مجللی که در آن شخصیت های بزرگ فراماسونری شرکت داشتند، از طرف لژ تهران بافتخاروی داده شد. در این سفر «بوخان» دبیر اعظم لژ ناحیه ایران، چون اشتیاق طبقه مخصوصی از دستگاه حاکمه را برای ورود به لژ های فراماسونی انگلیسی مشاهده کرده بود، به کارگردانان این لژ اطمینان داد که اجازه تأسیس چند لژ را در ایران برای آنها بگیرد.

بطوریکه قبلاً نیز گفته شد، سازمان فراماسونری انگلیسی سعی فراوانی در حفظ تشریفات و عرف و عادات قدیمه خود دارد. بدین سبب با نظم مخصوص و طبق یک برنامه تنظیمی چندین ساله، اجازه تأسیس لژهای ماسونی در انگلستان و یا کشورهای دیگر جهان را می دهد. حتی در قبول عضویت نیز از نظر تعداد نفرات - سهمیه معینی برای هر یک از لژهای ماسونی جهان قائل شده اند، که تخطی از آنها آسان نیست. موقعیکه دبیر اعظم لژ اسکاتلند در ایران، زمینه را برای پیشرفت اندیشه و آئین فراماسونی آماده دید، با تأسیس چهار لژ دیگر نیز موافقت کرد. گزارشی که او در این زمینه به استاد اعظم فراماسونری اسکاتلند درباره سفرش بایران داده است بدین شرح آغاز می گردد:



نوردریس استاد اعظم فراماسونری اسکاتلند که به ایران آمد تا لژ ناحیه اعظم ایران
و لژ اصفهان را تقدیس کند.

«... قسمت عمده و معکوس مسافرت ما این بود که در مدت کوتاه ممکنه خود را از ماری تیوس به تهران برسانیم. برای انجام این کار در مدت ۳۳ ساعت بایستی با چهار هواپیمای مختلف به ماداگاسکار، قاهره و بیروت نقل و مکان کنیم. گرچه در ساعت ۱۱ بعد از ظهر از «تایروبی» عبور کردیم، اما با کمال خوشحالی بابرادران خود «هارولد ویلکنسون»، «پرسامول قیسی الدین» و «بوی یانگ» برای یک ساعتی در فرودگاه ملاقات حاصل کردیم و راجع به پیشرفت سازمان لژها اطلاعاتی بدست آوردیم که در این باب هم در دو ماه پیش اشاره کرده بودم. ساعت ۳ صبح در فرودگاه قاهره چندان کاری نتوانستیم انجام بدهیم و شاید هم تا اندازه‌ای احمقانه، بایستی برای ریش تراشی یک دلار به یک سلمانی مصری که گلبه تیغ آن فرسوده شده بود بدهیم. چون باید در بیروت ۹ ساعت بانتظار می ماندیم، من ترتیبی دادم که در سه لژ بابرادران خود در لبنان ملاقات کنم و برای مسائل ماسونی در این کشور با آنها مذاکره نمایم. در این مرحله مسافرت خانم بروس به من پیوسته و باتفاق مشارالیها به ترکیه و ایران مسافرت کردیم.

گرچه ساعت ده بعد از ظهر بود که وارد فرودگاه تهران شدیم با اینحال عده کثیری باستقبال ما آمده بودند. برادر سی‌ای فابری - استاد اعظم گراند لژ محلی بابرادر شقاقی، برادر دورابچی، برادر دکتر سعید مالک استاد اعظم ناحیه که منسوب به گراند لژ ملی فرانسه می باشد، و بسیاری اشخاص دیگر حضور داشتند. آن روز مصادف با آخرین روز فستیوال مسلمانان بود^۱. شهر تهران از روشنائی کامل می درخشید. در مدت اقامت خود در ایران مهمان منزل جدید برادر خود و خانم فری بودیم. از طرف روتاری کلوب تهران هم ناهار دعوت شدیم و در آنجا موفق شدم که بمنزله سخنگوی مهمانان چند کلمه‌ای ایراد نمایم.

منظور عمده از مسافرت ما بایران این بود که لژ ناحیه اعظم ایران را تقدیس و دائر کنیم و برادر فری را بسمت اولین استاد اعظم ناحیه‌ای معرفی نمایم.

۱- شاید منظور نویسنده یکی از اعیاد مذهبی و باطنی بوده

برای این مسئله بایستی لژ بزرگ را افتتاح نموده و مایل هستم که مساعدت برادر وابسته به لژ فرانسه در ایران که دارای مقام «حضرت استاد ارجمند» می باشد همچنین برادر شریف امامی وابسته به لژهای آلمان «که ضمناً هم ریاست سنای ایران را دارا می باشد» و مقام استاد ارجمند را دارد بستانیم. برادر فری را به سمت رئیس تشریفات برادر ج. د. پاین (سابقاً منشی لژ روشنائی در ایران بود) و برای گشت از کالیفرنیا مسافرت کرده بود، به سمت گرانندچاپلین و برادر علی مرندی و آن نگهبان بزرگ داخلی تعیین گردیدند. این لژ در محفل بسیار خوبی که بوسیله لژ شقایق طرح ریزی شده بود تشکیل شد.

محل لژ با قالیهای متعدد و کریستالهای قابل توجه تزئین شده بود و من بخوبی ترنفت و نفوذ ایرانی را در مورد بنیاد همبستگی ماسونی ما در تشکیل لژ ماسونی نشان کردم. یک نقاشی روی دیوار بشکل برودری شده نفیس با اعلامت گرانند لژ به دو طرف لژ جلب توجه می کرد. دیگر کل شروع به اعلام رسمیت محفل کرد. یک مخصوص محفل را به ترنم در آورد.

برادران ایرانی ما آشنائی چندانی با موزیک اسکاتلندی ما نداشتند معذرت بفرمات بخوبی انجام گردید و بطور کلی این انجمن خیلی جالب بود. من تصور نمی کنم که پیدایش این (گرانند لژ محلی) باعث پیشرفت و کسب احترام و پرستش ماسونری اسکاتلند در ایران خواهد کرد.

متأسفانه من نتوانستم در تشریفات دیگری که برای تشکیل لژ اصفهان شماره ۱۶۱۱ برپا شده بود، شرکت کنم. مخصوصاً در این مورد متأسف شدم. چون اتحادیه شماره ۱۶۱۱ در نایروبی و لژ «رم کروئلادیس» سودان شماره ۱۶۱۳ در «وینداک» تأسیس نموده بودم و بایستی برای تکمیل آنها مراجعت کنم، آماده حرکت شدم. جمله سخت انفلوئنزا توأم با تب ۱۰۳ درجه که ۳ روز طول کشید و باعث ناراحتی مادی برای من شد مسافرت مرا متوقف کرد. من به برادر سی. ای. فری استاد اعظم

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
عبدالمجید	عباسعلی	نصرالله	۴۰	وزارت خارجه	
عبدالمجید	یهودا لئون	اوئل	۳۷	رئیس آژانس یهود	
عبدالمجید	محمد	مهدی	۴۲	بازرس وزارت کشور	
عبدالمجید	سید اسماعیل	سید مهدی	۴۰	وکیل دادگستری	
عبدالمجید	عباس	منوچهر	۵۸	وزارت خارجه	۳۳۲۹۹۲۷
عبدالمجید	جمشید	آصف السلطنه	۵۰	مهندس کشاورزی	
عبدالمجید	محمود	محمد باقر	۵۰	-	۳۳۲۹۴۱۲
عبدالمجید	دکتر مهدی	هادی	۴۷	پزشک	۱۳۳۱۹۲۴
عبدالمجید	دکتر عبدالحسین	عبدالحمید	۵۰	جراح	۳۳۲۱۹۲۹
عبدالمجید	محسن	ابوالقاسم	۴۰	مدیر روزنامه رأفت	
عبدالمجید	هلاکو	محمد حسین سالار سعید	۳۳	علاق	
عبدالمجید	عبدالامیر	محمد	۴۴	وزارت خارجه	۳۳۲۹۱۹۲۹
عبدالمجید	عباس	علی	۳۳	کتابدار مجلس	۳۳۲۹۱۰۲۱
عبدالمجید	صادق	سید محمد علی	۴۵	وکیل دادگستری	
عبدالمجید	سید مرتضی	سید محمد علی	۴۲		۱۳۳۴۳۳۸
عبدالمجید	عزت الله	اعیر نصرت	۳۶	قاضی	۳۳۳۲۱۹۱۸
عبدالمجید	عبدالله	ابراهیم	۳۳	نماینده مجلس	۳۳۳۲۳۹۱۱
عبدالمجید	حسینعلی	غلامرضا	۴۷	معلم دانشگاه	
عبدالمجید	مهندس محمود	عبدالحمید	۴۴	سازمان برنامه	۳۳۲۹۱۹۲۰
عبدالمجید	محمد بشیر	محمد	-	بازرگان	۱۳۳۳۸۵۲۹
عبدالمجید	عبدالحمید	ساجی عزیز	۵۴	علاق	۱۳۳۴۷۷۷
عبدالمجید	مرتضی	ربی	۵۵	بازرگان	
عبدالمجید	محمد ولی	ظاهر	۵۳	وزارت خارجه	۱۳۳۳۱۲۲۲

ناحیه ای مأموریت دادم که لژ اصفهان را تشکیل دهد و بادییر کل لژ که برادر علی اصغر بختیار باشد همکاری نماید .

برادر فری با اتفاق منشی کل و مساعدت برادر مرندی و عنایت رؤسای شرکت ملی نفت ایران بایک هواپیمای خصوصی به اصفهان و شیراز مسافرت کردند. بطوریکه شنیده ام تشکیل لژ اصفهان بخوبی انجام گرفته است . دوستان ما در ایران ترتیب گردش و تماشای اصفهان و شیراز را برای ما تهیه دیده بودند. ولی در این موقع من مبتلا به انفلوئزا بودم - برادر فری و منشی کل به شیراز رفتند که ملاقاتی از برادر عرب شیانی نمایند و معذرت مرا بایشان ابلاغ دارند که نتوانستم از مهمان - نوازی ایشان بهره مند شوم - همچنین در مورد ضیافت مجللی که برادر شقایق در منزلشان ترتیب داده بود من نتوانستم شرکت کنم . ولی خانم بروس که نمایندگی من شرکت کرده بود ، شرح مفصلی از آن شب برای من تشریح کرده است .

سایر برادرانی که در منزلشان ما را به شام یا ناهار دعوت و پذیرائی کرده اند عبارتند از : برادر امیر سلیمانی ، برادر علی مرندی ، برادر جورج اوانساف ، برادر دکتر نختین وابسته میسیون امریکا و آخرین ضیافت را برادر دکتر سعید مالک در هتل در بند دادند .

در تمام این اوقات افتخار آشنائی غیر رسمی با برادران لژهای ایران را داشتیم. هنگامی که با برادر امیر سلیمانی ناهار صرف می کردیم ایشان محفل درویش و مریدان مسلکائی را که پیروایشان و پدر و جدشان بوده و هستند نشان دادند . یک بعد از ظهر هم برادر شریف امامی رئیس مجلس سنا ما را به ساختمان جدید مجلس سنا که دارای سقفهای مرمر بسود راهنمائی و پذیرائی نمودند . افتخار صرف چای با تخت و وزیر و سناتورها که بسیاری از آنها فراماسون بودند حاصل نمودیم .

در خاتمه ملاقاتها و پذیرائیها، در تهران بیک فستیوال خانمها در رستوران بزرگ فرودگاه رفتیم که بوسیله برادران لژ لایت ایران ترتیب داده شده بود ، و

تیباً بیش از دویست نفر حضور داشتند .

لترالیت ایران شماره ۱۱۹۱ قدیم ترین لتر ایرانست و یکی از ارگان‌های
 اقدامات برجسته‌ای بعمل آورده است. باز هم تکرار می‌کنم از برادر فری
 فری که ما را بعنوان مهمان پذیرفته اند ، تشکر می‌نمایم و از اینکه در موقع
 من نهایت پرستاری را انجام داده اند ، سپاسگذارم .

لتراسفهان ، شعبه اسکاتلند اکنون عده‌ای از انگلیس‌ها ب‌های این منطقه
 و خود جمع کرده و بیشتر سعی دارد ، در بین دانشگاہیان و طبقه روشنفکر

(۵)



لژ خوزستان شماره ۱۶۲۳
تابع قانون اساسی اسکا تلند

از پنجاه سال قبل که فرمان تأسیس لژهای فراماسونی انگلیسی در ایران از طرف شبکه های مخفی صادر شد ، همواره جنوب ایران هدف اصلی و نهائی لژنشینان انگلستان بوده است . سیاست استعماری انگلستان ، ابتدا برای حفظ شاهراه و - نوازه هندوستان و سپس نگهداری منابع زرخیز نفت ، به جنوب ایران توجه ویژه داشته است .

نخستین لژ فراماسونی انگلیسی که در ایران تشکیل شد ، در شهر شیراز بود ، پس از یکسال آبادان و بعد مسجد سلیمان دو نقطه فعالیت فراماسونهای انگلیسی شامل حفظ نفت برای امپراطوری انگلستان بودند . بطوریکه گذشت دو لژ - فراماسونی آبادان و مسجد سلیمان با عملی شدن صنعت نفت در ایران و اخراج انگلیسها جنوب ، تعطیل شدند . لژ آبادان به عدن منتقل شد ، ولی لژ مسجد سلیمان در آنجا تعطیل است ، و لژنشینان به امید روزیکه باردیگر آنرا در میدان های نفتی ایران افتتاح کنند در انتظار هستند . بعد از جنگ دوم جهانی لژ فراماسونی همایون در شعبه درخرم شهر و اهواز دایر کرد ، و منطقه نفت جنوب را بهترین محل برای تخریب فساد و توسعه شبکه ها و سلول های ماسونی در ایران دانست . بعد از آنحال همایون و ایجاد لژهای وابسته به گراند لژ اسکاتلند و گراند ناسیونال دفرائس هر دو «عبودیت ، برتری و سروری» فراماسونری انگلستان را قبول دارند ، بار دیگر جنوب ایران بهترین نقطه برای توسعه شبکه های مخفی و پنهانی فراماسونی انتخاب شده است .

نخست گراند ناسیونال دفرائس در شیراز (لژ حافظ) را دایر کرد و سپس گراند اسکاتلند در لژ اصفهان و اهواز تشکیلاتی داد . این دو سازمان فراماسونی پنهانی که هر دو «عبودیت از فراماسونی انگلستان و قبول سروری و برتری لژهای انگلیسی» را گردن نهاده اند ، نیز کماکان جنوب ایران را برای ایجاد شبکه های مخفی فراماسونی مناسب دیده و در این دو استان لژهای تشکیلی دادند .

لژ خوزستان که تابعیت گرانند لژ اسکاتلند را دارد و در ردیف شماره ۱۶۲۳ لژهای جهانی این سازمان فراماسونی ثبت شده، فرمان و منشور تأسیس آن در روز ۵ می ۱۹۶۶ بوسیله استاد اعظم لژ اسکاتلند صادر شده است. مؤسسين لژ مذکور بیست و هفت نفر از فراماسونهای انگلیسی و بشرح زیر می باشند:

۱- برادر کریستوفر اسحق فری ۲- مهندس حسین شقاقی

۳- فتح الله فرود ۴- برادر نصراله آذری

۵- برادر احمد امام ۶- خسرو مستوفی زاده

۷- ابراهیم امرائی ۸- محمد رضا اهدائی

۹- محمد صمیمی ۱۰- حسن اسکندری

۱۱- محمد دورقی ۱۲- اسدالله موسوی

۱۳- علی اکبر مرعشی پور ۱۴- حجازی

۱۵- برادر کمال الدین موسوی ۱۶- ناصر مستوفی زاده

۱۷- برادر دکتر محمد علی علم ۱۸- برادر ناصر عجم

۱۹- دکتر حسن شه میرزادی ۲۰- مهندس نظام کعب عامری

۲۱- دکتر غلامرضا نجفی ۲۲- دکتر محمد حسن نوران

۲۳- مهندس جعفر فروزی ۲۴- نصرالله موسوی

۲۵- دکتر حسین اهری ۲۶- صدیقی کیوان

۲۷- محمد علی مرتضوی

تشریفات و مراسم افتتاح این لژ با همه آداب و رسوم معمول، در حضور شش نفر از استادان لژهای انگلیسی که از تهران به اهواز رفته بودند، در روز سه شنبه دوم اردیبهشت ۱۳۴۶، بدشرفی که عیناً از رساله چاپی اقتباس شده است، انجام گردید:

نثر خوزستان شماره ۱۶۲۳

ل. ا. اسکاتلند

ل. ا. ن. ایران

بنایان آزاد و پذیرفته شده باستانی

تقدیس و تأسیس

ل. خوزستان

شماره ۱۶۲۳ در اهواز

در تاریخ سه شنبه ۲ اردی بهشت ماه ۱۳۴۶

مطابق درم مه ۱۹۶۷

تنصیب

حضرت استاد ارجمند

واقفان نثر

بوسیله

افهران نثر اعظم ناحیه ایران

استاد ارجمند و افسران تقدیمی کننده و تأسیس کننده

لژ خوزستان شماره ۱۶۲۳ ق. اس.

استاد ارجمند	برادر ث. ی. فری	استاد لژ اعظم ناحیه ایران
استاد ارجمند پیشین	» مهندس حسین شقاقی	قائم مقام استاد لژ اعظم ناحیه ایران
سرپرست ارجمند اول	» ژرژ اوانسف	ناظر لژ اعظم ناحیه ایران در منطقه خوزستان
سرپرست ارجمند دوم	برادر صالح چتایات	سرپرست دوم لژ اعظم ناحیه ایران
رئیس تشریفات	» فتح الله فرود	دیر لژ اعظم ناحیه ایران
نگهبان داخلی	» مهندس علی اصغر بختیار شمشیر دار	لژ اعظم ناحیه ایران

استاد ارجمند و افسران تنصیب کننده

لژ خوزستان شماره ۱۶۲۳ ق. اس.

استاد ارجمند	برادر ارجمند فتح الله فرود
استاد ارجمند پیشین	» بسیار ارجمند ث. ی. فری
سرپرست ارجمند اول	» ژرژ اوانسف
سرپرست ارجمند دوم	» صالح چتایات
سرپرست تشریفات	» بسیار ارجمند مهندس حسین شقاقی
نگهبان داخلی	» ارجمند مهندس علی اصغر بختیار

برنامه تقدیس

- ۱ - برادران در طالار مجتمع شده می ایستند.
- ۲ - هیئت نمایندگی لژ اعظم ن. ا. بدسته منظم داخل لژ می شوند.
- ۳ - لژ بنایان آزاد . در درجه اول افتتاح می شود
 بدرجه دوم برده می شود
 بدرجه سوم ارتقاء می یابد

۴ - خطیب تنصیب کننده دعای خواند .

۵ - برادران سرود تقدیس را میسرایند .

سرود تقدیس آهنگ ملکعب

۶ - خطیب مزبور ۱۳۳ را قرائت می نماید .

۷ - استاد اعظم برای برادران خطبه ایراد می کند .

۸ - افسران لژ اعظم ن . ۱ . بدسته منظم دور لژ می گردند و در این هنگام بخش مزبور ۲۳ سرانیده می شود .

افسران مزبور در شرق توقف کرده استاد اعظم بذرافشانی می نماید .

مزبور ۲۴ - بخش ۱ آهنگ کریموند

۹ - دسته افسران مزبور دور لژ می گردند و در این هنگام بخش دوم مزبور

سرانیده می شود و سپس دسته افسران در غرب توقف کرده و استاد شراب می ریزد .

مزبور ۲۴ - بخش ۲

۱۰ - دسته مذکور برای بار سوم دور لژ می گردند و در این حال بخش سوم مزبور

سرانیده می شود .

دسته در جنوب توقف کرده و استاد اعظم ن . ۱ . روغن می ریزد .

مزبور ۲۴ - بخش ۳

۱۱ - استاد اعظم و افسران ل . اعظم ن . بمقرهای خود باز می گردند .

برنامه تأسیس

۱۲ - استاد اعظم فرمان لژ را قرائت می نماید

۱۳ - استاد اعظم از رئیس تشریفات اعظم می خواهد که لژ و شماره لژ و تابعیت

آنرا اعلام نماید .

۱ - چون قبلاً آیات نورات از مزامیر داود نقل شده از نکرار آنها جلوگیری می شود .

۱۴ - رئیس تشریفات اعظم اعلامیه زیر را بیان می نماید :

برادران - بامر استاد اعظم بنایان آزاد بدینوسیله اعلام می دارم که بموجب قدرت و اختیار لژ اعظم منظمی از بنایان آزاد پذیرفته شده و باستانی تحت اسم و عنوان لژ خوزستان به شماره ۱۶۲۳ - تأسیس و تقدیس می گردد محل تشکیل آن شعبه انجمن رازی در اهواز می باشد. این لژ از این پس اختیار اجرای کلیه حقوق و مزایای را که طبق فرمان آن و قوانین اساسی لژ اعظم بآن تعلق می گرد خواهد داشت تا طبق عادات و سنن باستانی برادری رفتار نماید .

۱۵ - خطیب اعظم می گوید: از خداوند متعال می خواهم که رحمت خود را شامل این لژ نموده و بکارهای آن خیر و برکت عطا فرماید برادران آمین می گویند.
۱۶ - رئیس تشریفات اعظم از افسران تعیین شده لژ می خواهد که لژ را دور زده بطوریکه استاد تعیین شده در جلوی آنها قرار گرفته باشد و احترامات خود را نسبت به لژ اعظم با سلام دادن با استاد اعظم بجا آورند .

۱۷ - خطیب اعظم دعا می خواند .

استاد اعظم جواب می دهد - بزرگی خدای را بر ازنده است و پس برادران می گویند - صلح در روی زمین و سعادت برای بشر .
۱۸ - مزمور ۷۲ سرانیده می شود .

مزمور ۷۲ آهنگ دائره ملاین

۱۹ - لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می شود .
۲۰ - لژ خوزستان شماره ۱۶۲۳ بوسیله حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده در درجه اول افتتاح می شود .

۲۱ - مدیر تشریفات تنصیب کننده استاد تعیین شده را معرفی می نماید
۲۲ - حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده خطابه ای برای استاد تعیین شده ایراد می نماید .

۲۳- مدیر نشریات خلاصه‌ای از تکالیف باستانی را قرائت می‌نماید.

۲۴- حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده مراسم یاد کردن سوگند وفاداری را اداره می‌نماید.

۲۵- انجام مراسم سرود.

۲۶- کارآموزان از لژ خارج می‌شوند - لژ بدرجه دوم برده می‌شود.

۲۷- کاریاران از لژ خارج می‌شوند - لژ بدرجه سوم ارتقاء می‌یابد.

۲۸- استاد بنایان از لژ خارج می‌شوند. هیئت استادان تنصیب شده تشکیل می‌گردد.

۲۹- تشریفات تنصیب استاد ارجمند.

۳۰- لژ در درجه سوم ادامه داده می‌شود - استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته می‌شوند.

۳۱- بحضرت استاد ارجمند از شرق سلام داده می‌شود و ابزار استادی باو ارائه می‌شود.

۳۲- لژ بدرجه دوم تنزل داده می‌شود و کاریاران بداخل لژ پذیرفته می‌گردند.

۳۳- بحضرت استاد ارجمند از غرب سلام داده می‌شود و ابزار کاریاری باو ارائه می‌گردد.

۳۴- لژ بدرجه اول تنزل داده می‌شود و کارآموزان بداخل لژ پذیرفته می‌گردند.

۳۵- بحضرت استاد ارجمند از جنوب سلام داده می‌شود و ابزار کارآموزی باو ارائه داده می‌شود.

۳۶- فرمان و قانون اساسی لژ اعظم و آئین نامه داخلی لژ با استاد لژ ارائه می‌شود.

۳۷- سایر افسران سوگند یاد می‌نمایند. و با دریافت نمودارهای سمتهای خود تنصیب می‌شوند.

۳۸- حضرت استاد ارجمند تنصیب‌کننده با استاد پیشین دیگر خطبه‌هایی

ایراد می‌نماید برای :

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
سید	امان‌اله	علی اکبر	۶۳	حاکم	۱۳۳۳/۲/۲۴
سهیلی ش :	علی	غلامعلی	۵۷	سفیر ایران در لندن	۱۳۳۲/۱۲/۱۹
شاپان	عباس	احمد	۵۹	معاون آمار کل	۱۳۳۴/۲/۲۲
شاهقی	سید ابوالحسن	سید کاظم	۳۱	وزارت دارایی	
شاهیده	عباس	ابوالقاسم	۶۰		۱۳۳۳/۲/۲۷
شهرآ	موشی	میخائیل	۳۴	معاون مهاجرت اسرائیل	
شیرمحمداری	عبدالرسول	مرتضی	۴۴	رئیس مبارزه با قاچاق	
شفا	دکتر جلال	ارسطو	۵۸	طبابت	
شفایی	اسمعیل	محمد کاظم	۵۴	افسر ارتش	۱۳۳۳/۲/۲۷
شفایی	دکتر احمد	علی	۴۶	استاد دانشکده پزشکی	۱۳۳۲/۹/۲۸
شقایق	مهندس حسین	علی	۵۵	مهندس	
شکوه	مسعود	مرتضی	۳۷	معاون گمرک	
شوکتی	مهدی	غلامرضا	۴۳	نماینده مجلس	۱۳۳۳/۱/۱۲
شهر دار	دکتر یحیی	ابوالفتح	۴۴	پزشک	۱۳۳۳/۱۰/۲۶
شهسپانی	باقر		۲۵		۱۳۳۲/۱۱/۲۵
شیر					
مبارکی	غلامحسین	عزیزاله	۴۴	نماینده مجلس	۱۳۳۳/۶/۲۲
صباحی امین	تقی	مهدی	۵۰	مهندس	
صدیقی	محمد علی	محمد صادق	۴۱	پزشک	۱۳۳۴/۱/۱۴
سرافزاده	رضا	علی	۵۵	بازرگان	
سنائی	عبدالمصاحب	محمد علی	۴۴	نماینده مجلس	۱۳۳۲/۲/۱۸
صلاحی	احمد	محمد	۶۰	وزارت خارجه	۱۳۳۳/۱۱/۱۸
سطح :					
طالبانی	مهندس خلیل	علی امیر	-	وزیر	۱۳۳۳/۹/۱۸
طلوب	موسی	اسمعیل	۶۴	بازرگان	
ظ :					
ظفر	کیقباد	خسرو سردار ظفر	۴۵	مهندس	۱۳۳۲/۱۱/۲۰

حضرت استاد ارجمند
سرپرستان ارجمند
برادران

۳۹- برادران مزبور صدم را می‌سرایند . (آهنگ صدم قدیم)

۴۰- خواندن دعا بوسیله خطیب .

۴۱- حضرت استاد تنصیب کننده کوبه را که علامت قدرت است از طرف لژ

اعظم به حضرت استاد ارجمند اعطاء می‌نماید .

۴۲- حضرت استاد ارجمند پاسخ می‌دهد .

۴۳- حضرت استاد ارجمند دیپلمهای مؤسسين را اعطاء می‌نماید .

۴۴- ح . ا . ا . گواهینامه های رسیده از لژ اعظم را اعطاء می‌نماید

۴۵- صندوق اعانه‌گردش داده می‌شود .

۴۶- موضوعات دیگر که به لژ احاله شده باشد مورد رسیدگی واقع می‌شود .

۴۷- لژ بنحو مقرر و باستانی بسته می‌شود .

۴۸- سرود اختتام - آهنگ الرس

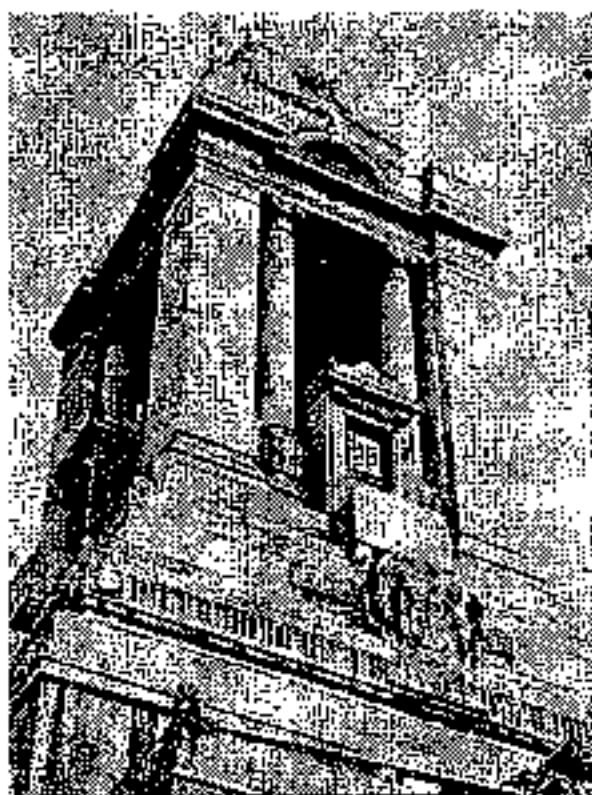
بعد از تأسیس لژ مذکور ، نخستین انتخابات برای تعیین افسران و کار-

گردانان لژ خوزستان بعمل آمد و این افراد به سمت افسران لژ در سال ۴۶-۴۷

انتخاب شدند :

استاد ارجمند	برادر نصرالله آذری
قائم مقام استاد	» بسیار ارجمند مهندس حسین شقاقی
معاون استاد	» بسیار ارجمند فتح الله فرود
سرپرست اول	» احمد امام
سرپرست دوم	» مستوفی زاده
دبیر	» ابراهیم امرائی

خزانه‌دار	برادر علی اکبر مرعشی پور
امین خیریه	» محمد دورقی
راهنمای اول	» محمد رضا اهدائی
راهنمای دوم	» محمد صمیمی
نگهبان داخلی	» حسن اسکندری
نگهبان خارجی	» ناصر مستوفی زاده



معدن فراماسونری انگلستان در شهر لندن

(٦)



لژ ژاندارك

لژ ژاندارك ١٦٠٨

هشتمین لژ فارسی که تابعیت اسکانلند را دارد، لژ «ژاندارك» است. این لژ که در ردیف شماره ١٦٠٨ لژهای اسکانلندی درجهان ثبت شده است، فرمان تأسیس آن در روز هفتم می ١٩٦٦ صادر شده. لژ مذکور در چهارمین چهارشنبه هر ماه مسیحی تشکیل می شود و اعضای آن از منتخبین لژهای تهران و کورش می باشند. نخستین استاد اعظم این لژ دکتر مهدی میرزا حسابی عضو بازنشسته وزارت کشور است که باتفاق افسران لژ در اولین سال تأسیس انتخاب شده است. محمدکشاورزیان معاون پارلمانی وزارت کشور دعوت نامه زیر را برای اعضای لژ فرستاده است:

آقای محترم و برادر عزیز

با کمال احترام از آن برادرگرامی دعوت می شود که برای شرکت در مراسم تقدیس و تأسیس و تنصیب برادر دکتر مهدی میرزا حسابی و افسران لژ، ژاندارك شماره ١٦٠٨ و شرکت در شام برادرانه ساعت ٦ بعد از ظهر روز دوشنبه هشتم خرداد ماه ١٣٤٦ برابر با بیست و نهم مه ١٩٦٧ به خیابان شاهرضا کوچه انوشیروان دادگر شماره ٦٦ تشریف بیاورند.

دبیر لژ: ژاندارك محمدکشاورزیان

لباس اسمو کینگ با تیره

برای نخستین بار در سالنامه سال ۱۹۶۸ نماینده و رابط لژ ژاندارک در انگلستان^۱.

John. F. H. Kenning, Easter Tegarmuchd, By Aberfeldy, Perthshire.

و نماینده در ایران محمد کشاورزبان - نشانی: باشگاه رازی معرفی شده‌اند
اعضای این لژ عبارتند از:

داریوش کامیاب

مهندس حیدر علی ارفع

دکتر علی مداوی

دکتر محمد کاظمی

مهندس فیروز عدل

عزت‌الله والا

محمد فرهمند

مهندس ابراهیم همایونفر

مهندس عزت‌الله مخاطب رفیعی

دکتر منوچهر شایان

مهندس مسعود مهدوی

مهندس فتح‌الله ستوده

احمد ولانی

علیرضا فداکار

مهندس علیم‌آد زند

دکتر محمد حسین موسوی گرگانی

عبدالحمید بختیار

یوسف رئیس سمیعی

غلامحسین گلشن بزرگ

دکتر محمد مدنی

کاظم شایان

دکتر حسین شیخ نیا

دکتر رحیم قادری نژاد .



داخل معبد عاصونی انگلستان شماره ۴۷۹



لژ نور

لژ نور شماره ۱۶۳۹

نهمین لژ فارسی زبان فراماسونری انگلیسی در ایران ، لژ «نور» به شماره ۱۶۳۹ می باشد . این لژ در دومین چهارشنبه ماه مسیحی در محل باشگاه رازی تشکیل می شود و ریاست اعظم آن با دکتر سید حسن امامی ، امام جمعه تهران است . دکتر امامی سال ها قبل در لژهای فراماسونری فرانسه عضو شده است . ولی فراماسونتهای انگلیسی برای اینکه شخصیت برجسته ای را در رأس تشکیلات خود بگمارند ، از وی تقاضا کردند که عضویت لژ آنها را قبول کند . طبق مقررات و قوانین فراماسونری ، هریک از اعضای یک لژ فراماسونری می توانند در یکی دو لژ دیگر نیز عضویت پیدا کنند ، به شرطی که آن لژها ، عبودیت و برتری و سروری لژهای انگلیسی را قبول داشته باشند . و مثلاً هیچیک از اعضای لژهای انگلیسی با فرانسوی یا آلمانی که هم اکنون در تهران فعالیت می کنند ، نمی توانند عضویت لژهای گراند اوریان فرانسه را بپذیرند ، زیرا این لژ قدیمی جهانی ، از یکصد سال قبل تاکنون حاضر به قبول عبودیت و برتری گراند لژهای (اسکاتلند ، انگلند ، ایرلند) و سایر گراند لژهایی که تابعیت این سازمان ها را دارند ، نشده است . به همین جهت به فراماسونتهائی که در لژهای تابعه گراند لژهای انگلیسی هستند ، اخطار شده که بهیچوجه داخل چنین سازمان هائی نشوند . حتی با اعضای

آن تماس نگیرند و به یاری و کمک آنها بشتابند. در عوض هر فراماسواری که عبودیت لژهای انگلیسی را گردن نهد، می تواند بپذیرد و پرداخت و رودیه و حق عضویت در یکی دولژ سمت افتخاری و با عضویت رسمی داشته باشد. بدین لحاظ سازمان فراماسوئری انگلیسی متقیم ایران دکتر سید حسن امامی، امام جمعه را به خاطر شخصیت مذهبی و اجتماعی و نفوذی که در سازمان ها و مقامات دولتی دارد، وارد تشکیلات خود کرد و او را در رأس لژ نور قرار داد.

این لژ بموجب دعوتنامه ای که ذیلاً نقل می شود، در روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۶ در تهران «تأسیس و تقدیس» شد و همه تشریفات رسمی تشکیل لژ و حتی خواندن آیات تورات و ادعیه انجیل توأم با موزیک که در این گونه مواقع اجراء می گردد، عیناً و با حضور کریستوفر اسحق فری، یهودی الاصل (ناظر اعظم لژ ناحیه ایران) انجام پذیرفت. دعوت نامه تشکیل لژ به شرح زیر است:

لژ نور شماره ۱۶۳۱ ق.اس

آقای محترم و برادر عزیز

با کمال احترام از آن برادر گرامی دعوت می شود تا در جلسه تأسیس و تقدیس

لژ نور و تنصیب برادر

دکتر سید حسن امامی

بسمت ح. ۱:۱. که در تاریخ شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۴۶ ساعت ۶ $\frac{1}{4}$ بعد از ظهر در محل انجمن رازی تشکیل می گردد حضور بهرسانید و نیز خواهشمند است در شام برادرانه که همان شب از طرف استاد ارجمند داره می شود شرکت فرمائید.

دبیر دکتر رحمت مرشدزاده

لباس اسمو کینگ یا تیره

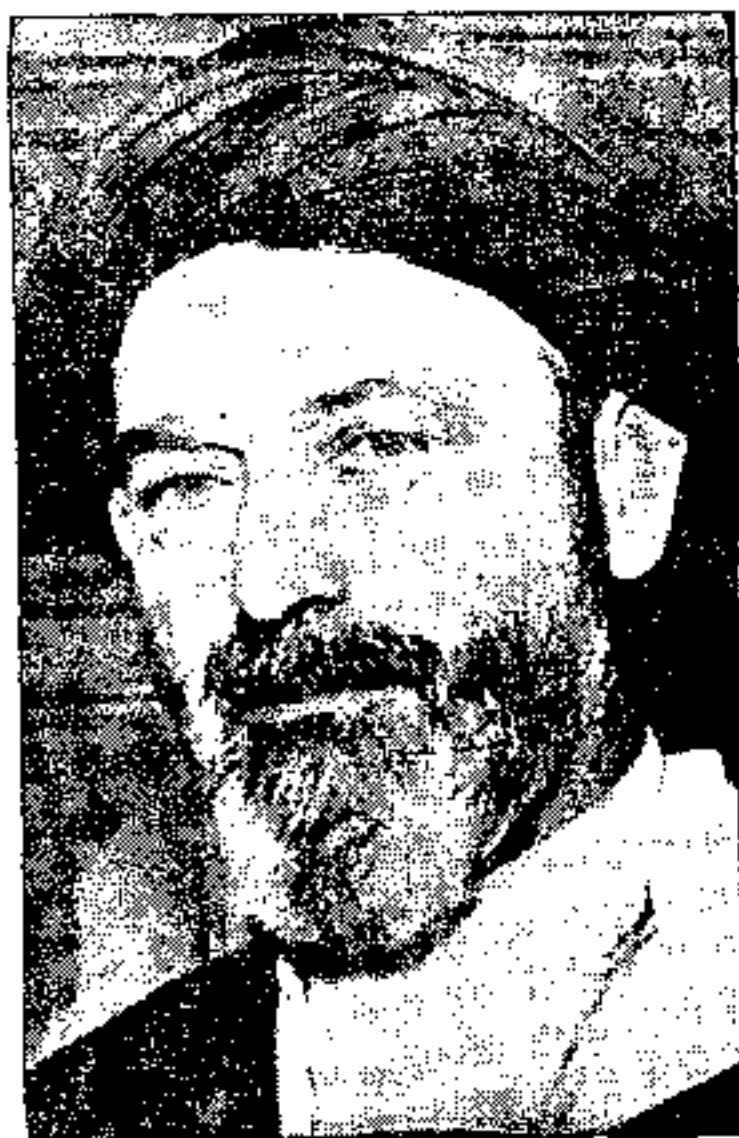
تشکیل و تأسیس این لژ با حضور افراد زیر بعمل آمد:

ناظر اعظم لژ ناحیه ایران

کریستوفر اسحق فری

قائم مقام ناظر اعظم

مهندس حسین شقاقی



دکتر سید حسن امامی
(امام جمعه) فرزند حاج میرزا
ابوالقاسم امام جمعه و برادرزاده
وداماد ظهیر الاسلام است. او
تحصیلات خود را در علوم شرقی
در ایران بیان رسانید و برای
تکمیل علوم جدید و گرفتن
دکترای حقوق بسویس رفت.
هنگام ورود بدانشگاه لیسانس اهل
علم را از تن بیرون کرده و پس
از گرفتن درجه دکترای تهران
بازگشت. پس از مراجعت به
ایران با کتیر شلواری و کلاه شاپو
وارد خدمت وزارت دادگستری
شد و بریاست دادگاه ها
منصوب گردید. پس از

فوت عمش، در سال ۱۳۲۰ به امامت جمعه و ریاست مسجد سلطانی منصوب گردید.
وی اولین امام جمعه ای بود که در مسجد شاه ابتدا نیمکت سپس صندلی را معمول
کرد و همین امر سبب شد تا جوانهای متجدد در مراسم وعظ و سوگواری مسجد
شرکت جویند. ایشان در دانشکده حقوق دانشگاه، مقام استادی دارند و در
دستبندی های سیاسی سهم مهمی دارند. در دوره هفدهم بدیاریست مجلس انتخاب
شد ولی مبارزه رئیس دولت وقت وی را مستعفی کرد. پس از استعفا بداری یافت. یکبار از
طرف یکی از متعصبین با سوء قصد شد و بطور معجزه آسایی نجات یافت. وی مورد احترام
طبقه زیادی از اجتماع و مقامات دولتی است و از روحانیون قشری و متمسب دوری می جوید.

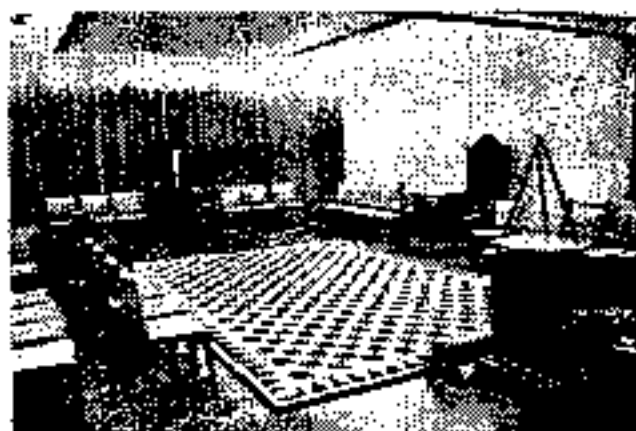
پرویز کاظمی	راهنمای اول
دکتر توران	رئیس نشریات
علی اصغر بختیار	زیوردار
دکتر احمدی	کتاب بر
رضا جعفری	نگهبان داخلی
دکتر مرشدزاده	دبیر

دکتر سید حسن امامی که در اولین دوره انجمن لث به سمت استاد ارجمند^۱ انتخاب گردید، سعی دارد افراد برجستهای را وارد، تشکیلات لث نور بنماید، چنانچه پذیرش عضویت سرتیب و حیم صفاری در این لث، نخستین قدم برای کسب اعتبار و اهمیت این لث می باشد.

فعالیت و عملیات این لث را به تفصیل در جلد چهارم، بیان خواهیم کرد و بازگر مشخصات واسطه لث در انگلستان و ایران به معرفی لث مذکور خاتمه می دهیم^۱:

Robert S. Beveridge, 3 Burns Ave. Armadale. Westlothian

نماینده در ایران - دکتر مرشدزاده - خیابان نفت - کوی شماره یک.



محفلی که به لثهای شهر لندن برای جلسات لث اجاره میدهند



لژ آریا ۱۶۲۲

تأسیس لژ آریا از سال‌ها قبل مورد نظر فراماسونری اسکاتلند در ایران بود برای نخستین بار در روز چهاردهم اردیبهشت ۱۳۳۹ دعوتی از طرف «جمال کاشانی» عضو کنسرسیوم نفت و باجناق دو استاد فراماسونری «فری - هازندی» از عده‌ای از فراماسونها بعمل آمد. او در آن روز تصمیم گرفت لژ محلی اسکاتلند در ایران را برای تشکیل لژی بنام «آریا» به برادران فراماسونش ابلاغ کرد. ولی به‌عللی که بر ما معلوم نیست، فرمان تأسیس لژ مذکور سال‌ها بعد در روز ۵ می ۱۹۶۶ از مرکز گرانده لژ صادر شد.

این لژ روزهای دوهین سه‌شنبه هر ماه مسیحی در باشگاه رازی تشکیل جلسه می‌دهد و دبیر و نماینده لژ در ایران دکتر پرویز علا، فرزند مرحوم حسین علا می‌باشد.

نماینده لژ در انگلستان طبق مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۸ گرانده لژ اسکاتلند این شخص می‌باشد :

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
علی	دریادار عبدالله	امیر اصلان	۵۴	افسر ارتش	۱۳۳۲/۱۲/۱۸
امری	احمد	لفته	۴۸	راء آهن	۱۳۳۳/۱/۷
امری	مصطفی				
	ناصر	احمد	۳۷	کشاورز	۱۳۳۳/۱/۷
	احمد حسین	مسعود عبدالملك	۵۴	سازمان برنامه	
	مجید	مسعود	۴۹	مدیر عامل دامپروری	
شهبانی	اسداله	امیر سلیم	۴۸		۱۳۳۴/۴/۱۰
شهبانی	عباسقلی	امیر سلیم	۵۰	نماینده مجلس	۱۳۳۲/۱۰/۲۸
مقدم	مهديقلی	علیقلی	۵۰	رئیس شهربانی	۱۳۳۳/۲/۲۷
اکدینی	عمادالدین	حاج شیخ عبدالرضا	۴۹	نماینده مجلس	۱۳۳۳/۲/۱۴
ام	مصطفی	ابوطالب	۵۸	بازرس راء آهن	۱۳۳۲/۱۱/۲۵
داد	علی	مرتضی	۲۵	گمرک اما فانت پستی	
زه	دکتر اسداله	سید فضل اله	۴۴	بازرس اقتصاد ملی	۱۳۳۳/۱/۱۷
م	سید فتح اله	فضل اله	۵۰	نماینده مجلس	۱۳۳۳/۳/۳
ن	محسن	محمد علی	۴۵	استاد دانشگاه	
ن	مسعود	محمد علی	۴۰	دبیر شورای عالی سازمان برنامه	
ن	غلامحسین	محمد	۵۱	کارمند دولت	۱۳۳۳/۱۲/۲۳
ن	سید حسین	سید مرتضی	۵۱	عضو فرهنگ	
ن	دکتر عبدالله	میرزا آقاخان	۴۲	عضو سازمان ملل در ایران	
ن	دکتر اسماعیل	دکتر عبدالحسین	۴۹	اسناد دانشگاه	۱۳۳۲/۱۱/۲۷
ن	حسین	علی اکبرزاده	۵۲	سفیر ایران در بغداد	۱۳۳۳/۷/۱۵
ن	جمشید نصراله	عباسقلی	۴۹	وزارت خارجه	
ن	محمد	حسن	۴۴	ملک	
ن	دکتر حسین	اسداله مستشار السلطنه	۴۹	وزارت خارجه	
ن	حسینقلی	قهرمان	۷۴	طبيب	



لتر اهواز ۱۶۲۷

دهمین لتر فراماسونری اسکاتلند در ایران بنام اهواز می باشد که در روز چهارم اگست ۱۹۶۶ تأسیس شده است . این لتر که در سومین دوشنبه هر ماه مسیحی و در ماه های جون تا نوامبر تشکیل می شود ، جلسات خود را در باشگاه رازی تهران برگزار می کند. گذاردن نام «اهواز» بر روی این لتر ، بدان جهت است که پنج نفر از خوزستانیهای عضو لترهای انگلیسی ، لتر مزبور را تأسیس کرده اند . اینان عبارتند از :

علی اصغر ادیب محمدی - استاد ارجمند

سید اسداله موسوی

مهندس سلطان محمد سلطانی

دکتر حسن شه میرزادی

بختیاری بختیارها

تفصیل بیشتر درباره سازمان این لتر در جلد چهارم خواهد آمد .

فصل بیست و هشتم

A. L. G. D. G. A. D. L. U.

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE



لژهای فراماسونری فرانسه در ایران



دکتر سعید مایک استاد اعظم لژهای فرانسوی در ایران

دومین سازمان بزرگ فراماسونری ایران، که در تهران، شیراز و تبریز فعالیت می‌کند، لژ وابسته سازمان های ماسونی فرانسه است که دارای لژ، یک شایتر و یک گرانند لژ محلی است. این سازمان فراماسونری که بموجب اجازه و فرامین صادره از مرکز گرانند لژ «ناسیونال دفرانس» تشکیل شده، مستقیماً باللژ اصلی وابستگی مداوم دارد و از مرکز این گرانند لژ درپاریس پیروی و از اوامر و فرامین آن اطاعت می‌کند. اجازه قبول عضو، تعیین ساعات و روزهای تشکیل لژ در ایران، انجام فعالیت های سیاسی و اجتماعی و بالاخره اجرای قطعی اوامر صادره از طرف استاد اعظم گرانند لژ، از وظائف اصلی این لژهای فراماسونری است.

لژهای فراماسونری در ایران، چون منشعب از گرانند لژی هستند که خود سروری و برتری لژهای انگلیسی و عبودیت نسبت بآنها را پذیرفته است، بدین سبب، از نخستین روز آغاز فعالیت، تا به امروز، اوامر صادره از طرف لژهای انگلیسی را بدون چون و چرا اجرامی کنند. اعضای این لژها حق دارند عضویت لژهای انگلیسی را بپذیرند، و بپذیرداخت حق عضویت باین لژها، در جلسات آن شرکت کنند. هم چنین در تشریفات رسمی تشکیل لژهای انگلیسی و یا مراسم ارتقاء مقام «استاد اعظم» فراماسون های انگلیس و بالعکس افراد این لژها حق دارند، دعوت دبیران لژها را بپذیرند و سمت های فراماسونی تشریفاتی و یا افتخاری را قبول کنند.

لژهای فرانسوی که در ایران تشکیل شده اند، تا پنجاه درصد - یعنی نیمی از درآمد خود را به مرکز گرانند لژ فرانسه می‌فرستند. این لژها حق ندارند، بدون کسب اجازه و جلب موافقت لژهای فرانسوی، تغییراتی در ارکان های خود بدهند حتی نمی‌توانند ساعات تشکیل جلسات خود را قبل از کسب اجازه تغییر دهند. اعضای این لژها مجبور به اطاعت و اجرای دستورات صادره از مرکز گرانند لژ هستند و چنانچه در اجرای اوامر صادره تخلفی از آنان دیده شود، بلافاصله طرد شده و برادران فراماسون آنها در سراسر جهان فرد متخلف را مغفور و مطرود خواهند شناخت. البته باید متذکر شد که در این صورت فقط آن دسته

از لژهای فراماسونری جهان که بر نری لژهای انگلیسی و عبودیت خود را نسبت بآنها پذیرفته‌اند، فراماسون متخلف را طرد و با او مبارزه می‌کنند.

نخستین باری که در یکی از نشریات جهان، به تشکیل و فعالیت لژهای گرانده ناسیونال در ایران اشاره شده، جملاتی است که Alice Mellor نویسنده کتاب «فراماسونری در لحظه تصمیم»^۱ در کتاب خود آورده است. «الس مللور» می‌نویسد: «...گرانده لژ ناسیونال دفرانس بتازگی با تجدید حیات و هدایت فراماسونری جهانی خود نمائی می‌کند. بدنبال اختلافاتی که میان دولتین ایران و انگلستان بر سر مسئله شرکت نفت ایران و انگلیس پیش آمد، لژ روشنائی در ایران که قبلاً توسط گرانده لژ اسکاتلند تأسیس شده بود، درخواست تعطیل موقت و سکوت طولانی کرد^۲. بعد از این حادثه چند تن از فراماسون های سرشناس، در شرایطی مشکوک تصمیم به تأسیس چند لژ غیر وابسته [sauvages] به سازمان های ماسونی جهان گرفتند. لژهایی که بکلی خود مختار بوده و با هیچ سازمان رسمی ماسونی دیگری ارتباط نداشت.

مسلماً چنین لژی نمی‌توانست به سازمان های جهانی وابستگی داشته باشد و در نتیجه، مدت زیادی پابرجا نماند. طبعاً تشکیل چنین سازمانی کاملاً موقتی بود و در چنین وضعی امکان تقاضای ثبت این لژ و برسمیت شناختن آن از طرف تأسیس کنندگان ایرانی آن وجود نداشت، لذا آنها با توجه به شرایط موجود زمانی تصمیم گرفتند به گرانده لژ ناسیونال دفرانس روی آورند. بدین منظور نخست هیئتی مرکب از هفت شخصیت برجسته ایرانی (یک وزیر سابق - یک استاد دانشگاه - یک دریادار - یک پزشک - یک رئیس بانک و دو نفر دیگر) رهپار فرانسه شدند. بدین ترتیب لژ جدیدی وابسته به گرانده لژ ناسیونال دفرانس و تحت سرپرستی

۱ - Lafranc - maçonnerie A L'heure Du Choix 1963

۲ - نویسنده تعطیل لژهای فراماسونری اسکاتلندی «پیشاهنگ» و «مسجد سلیمان» را در شهرهای آبادان و مسجد سلیمان که بعد از خلع ید از شرکت سابق نفت در روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ اتفاق افتاد، با لژ روشنائی در ایران که پنجاه سال است بدون تعطیل کار می‌کند، اشتباه کرده است.

و اطاعت آن تأسیس شد، که از آن تاریخ تاکنون بکار خود ادامه می‌دهد. لژ انگلستان نیز بعد از مدتی فعالیت مجدد خود را آغاز، و کماکان کار خود را دنبال کرد. برای سازمان فراماسونری در ایران وضعی نظیر وضع فرانسه در قرن هجدهم پیش آمد که طی آن لژ فرانسه [گراونداوریان] بتدریج از وابستگی های خود به لژ های انگلستان کاست و خود مختاری خاصی پیدا کرد^۱،

تأسیس لژ های فراماسونری فرانسه، هنگامی صورت گرفت **انحلال لژ همایون و** که فرمان انحلال لژ همایون صادر شده بود. قبل از اینکه **مبارزه برای الحاق** آخرین جلسه لژ همایون برای اخذ تصمیم نهائی به انحلال لژ تشکیل شود، رؤسا و افسران کرسی لژ مذکور در صدد برآمدند به «گراوند لژ ناسیونال دفرانس» ملحق شوند. این گراوند لژ که خود عبودیت و برتری سازمان جهانی فراماسونری انگلستان را پذیرفته است، در نظر فراماسونهای ایرانی عضو لژ همایون، بر لژ «گراونداوریان» برتری داشت، حال آنکه گراوند لژ «وادی نیل» که فرمان تقدیس و تأسیس لژ همایون را صادر کرده بود، به گراونداوریان فرانسه که از قرن هجدهم به بعد خود مختار شد، بستگی داشت، و قاعدتاً اگر اعضای لژ همایون می‌خواستند بدون وابستگی به لژ های ماسونی جهانی بکار خود ادامه دهند، می‌بایستی به «گراونداوریان» مستقل ملحق شوند، نه گراوند ناسیونال فرانسه وابسته به انگلستان... ولی رؤسای کرسی لژ روشنائی در ایران برای اینکه لژ جدید را تأسیس بآنها بستگی داشته باشد، فراماسونهای لژ در حال تعطیل همایون را تشویق کردند که به گراوند لژ ناسیونال دفرانس ملحق شوند، زیرا این گراوند لژی یکی از سازمان های وابسته انگلیسی است که عبودیت خود را نسبت بآنها قبول دارد و از مدت ها قبل آرزو داشت که تشکیلاتی وابسته بخود در ایران داشته باشد. بدین لحاظ، نامه ای از طرف محمد خلیل جواهری استاد اعظم لژ همایون برای «پیرش» استاد اعظم گراوند ناسیونال ارسال و طی آن تقاضای پذیرش شد. در همین زمان

چنانکه قبلاً بتفصیل گفته شد، گرانداوریان دفرانس که لژ همایون را برسمیت می‌شناخت، دعوتنامه‌ای برای شرکت در آخرین جلسه «کنوان» و اعزام نماینده‌ای به تهران ارسال داشت.

هنگام وصول این دعوتنامه، اختلافی بین کارگردانان لژ همایون برسر قبول دعوتنامه، یا الحاق به گراندا ناسیونال دفرانس بوجود آمد. قبلاً گفته شد که در بین فراماسون‌های لژ همایون، عده‌ای بودند که در فرانسه، امریکا، عراق، هندوستان، مصر، لبنان و سوریه بطور قانونی فراماسون شده و درجات مختلف را طی کرده بودند. کارگردانان لژ روشنائی در ایران از وجود این عده که بطور قانونی و شناخت جهانی، فراماسون شده بودند، برای ایجاد نفاق و تفرقه بین اعضای لژ همایون و از هم پاشیدن لژ استفاده کرده، دودسته را علیه یکدیگر تخریب کردند. وصول دعوتنامه گرانداوریان و ارسال تقاضانامه الحاق به گراندا ناسیونال دفرانس فرصت دیگری بدست کارگردانان انگلیسی لژ روشنائی در ایران داد، تا دامنه اختلافات را وسیع‌تر کنند.

برای فراماسون‌های انگلیسی، الحاق فراماسون‌های ایرانی به گراندا ناسیونال دفرانس بمراتب بهتر و پسندیده‌تر از وابستگی آنها به گرانداوریان بود. زیرا گرانداوریان از ده‌ها سال قبل تاکنون بهیچوجه حاضر بقبول برتری لژهای انگلیسی و اطاعت از طریقت‌های اسکاتلندی، انگلندی و یورک نشده است. بنابراین در مبارزه بین دودسته ماسون‌های ایران، کرسی لژ انگلیسی روشنائی در ایران دسته طرفدار الحاق به ناسیونال فرانسه را تقویت می‌کردند. محمد خلیل جواهری که از این مبارزات ناراضی بود، برای اینکه هر دو دسته را خشنود سازد، دکتر احمد هومن را مأمور شرکت در «کنوان» گرانداوریان کرد، و در عین حال به برادرش دکتر محمود هومن که عضویت لژ همایون را داشت و در پاریس هم عضو گراندا ناسیونال شده بود مأموریت داد تا با منشی گراندا لژ تماس گرفته و مقدمات الحاق را فراهم کند. در نامده‌ای که دکتر محمود هومن روزه ۲۵ خرداد ۱۳۳۴ به برادرش دکتر

احمد هومن نوشته در این باره چنین می نویسد :

«برادر عزیزم . امیدوارم شاد و تندرست باشید ، نامه استاد اعظم را برای آقای پیرشهره فرستادم و شرحی نیز ضمیمه کردم . اینک جوابی را که منشی G.L.N.F. نوشته است به پیوست می فرستم . خواهش می کنم سلام ایشانرا خدمت استاد اعظم برسانید .

چنانکه از متن جواب بر می آید ، ظاهراً موضوع را با نظر موافق رسیدگی می کنند و می توان امیدوار بود که مسئله الحاق عملی شود . البته چنانکه برای توضیحات بیشتر از من دعوت کنند ، مطالب را چنانکه باید و شاید روشن خواهم کرد و جزئیات موضوع را بعد از آن خواهم داد . ضمناً گزارش می دهم که دعوتی از طرف گرانداوریان فرانسه ، توسط برادر عزیزمان دکتر خلعتبری برای باشگاه مافستاده شده است که در آخرین جلسه کنوان نماینده اعزام دارند . بنظر من نباید این دعوت را قبول کرد ، زیرا گرانداوریان از نظر G.L.N.F. رسمیت ندارد و باین ترتیب :

شرط مردی نیست بایک دل دو دلبر داشتن

یار دارا بودن و دل با سکندر داشتن

البته هر طور که استاد اعظم تصمیم بگیرند مطابق مصلحت خواهد بود ، ولی بنظر من این تذکر لازم بود . در ملاقات قبلی که با آقای پیرشهره کردم ، ایشان گفتند که عملی کردن پیشنهادات شما مدتی وقت لازم دارد و بایستی موضوع را در شورای عالی لژ مطرح کنیم . بنابراین نباید توقع سرعت زیاد داشت و گمان می کنم ، اگر موافقت حاصل شود ، اقدامات لازم برای دوره افتتاحیه بعدی لژها که در اکتبر ماه خواهد بود ، به نتیجه برسد و در این فاصله فرصت کافی هست که برادران ما بجزئیات ریتول اسکاتلند آشنا شوند ، قادر صورتیکه نماینده ای از طرف G.L.N.F. آمد ، جلسه ای طبق رسوم و تشریفات در حضور ایشان تشکیل شود ...»

وصول نامه دکتر محمود هومن ، دسته طرفدار «گرا انداوریان» را شکست داد. بطوریکه بتدریج همه با الحاق به گرا اند ناسیونال موافق شدند. در یک جلسه فوق العاده نامه مذکور و همچنین گزارشی که قبلاً دکتر احمد هومن در مسافرت سال قبل به فرانسه به استاد اعظم داده بود ، قرائت شد . در گزارش قبلی نوشته شده بود :

«... سازمان دیگری موسوم به گرائند لژد فرانس هست که اعضای آن با کتاب آسمانی قسم می خورند . البته عده آن ده هزار نفر است و اهمیت گرا انداوریان را ندارد . با آنها هم تماس گرفتم و بناست دوازده روز دیگر با استاد اعظم آن ناهار بخورم...
ظاهراً لژهای انگلیسی ، گرا انداوریان فرانسه را نمی شناسند . و هیچ ارتباط با هم ندارند و حتی هیچ ماسون انگلیسی حق ندارد پای خود را در آنجا بگذارد . اینها هم می گویند اگر آزادی عقیده کامل جزو اصول کلی است، پس چرا باید بکتاب آسمانی قسم خورد...» ۱۹

گزارش های برادران «هومن» که طرفدار الحاق به لژهایی بودند که از طرف انگلیسها و طریقت های انگلیسی برسمیت شناخته شده بودند، سبب شد که اکثریت اعضای لژ همایون ، همچنان طرفدار شرکت و عضویت در لژهایی که با انگلیسها مرتبط هستند ، بشوند .

در ایران سازمانهای فراماسونری نردبان ترقی، آنهم بوسیله انگلیسها شناخته شده است . دکتر احمد هومن در گزارش خود با استاد اعظم لژ همایون از اختلافی حل نشدنی بین لژ گرا انداوریان و لژهای انگلوساکون اظهار ناراحتی کرده و صریحاً می نویسد : «... آیا مقتضی است با این اختلافی که بالژهای انگلوساکون دارند ، ما جزو اینها بشویم...» یقیناً جواب این سؤال از نظر ماسون های ایرانی که طرفدار انگلستان و طریقت های انگلیسی و اسکاتلندی هستند ، با توجه به فعالیتی که کرسی لژ روشنائی برای از بین بردن گرا انداوریان در ایران می کرد ، منفی بود و نتیجه آن موافقت دسته جمعی اعضای کرسی لژ همایون و همه کسانی که در این لژ کار می کردند



Hôtel Mac-Mahon

3, AVENUE MAC-MAHON
PARIS 17^e

TEL. ETOILE 30-81
74-22

N. 6. MUSE 21-114 8

(۱۴)

مستخرج من حسن الخصال ما فيها من الخير

عن ثوراني العلوي كوني في علمك لفرها ارم

تسببه انما يكون ما يستعمل لاركتهم وابع بهم لفرها

لغيره وارسن في اعمش ظفرا ابعده من بدني في ابع دوستان موجودا
عن ثوراني العلوي كوني في علمك لفرها ارم

لغيره وارسن في اعمش ظفرا ابعده من بدني في ابع دوستان موجودا

عن ثوراني العلوي كوني في علمك لفرها ارم

لغيره وارسن في اعمش ظفرا ابعده من بدني في ابع دوستان موجودا

عن ثوراني العلوي كوني في علمك لفرها ارم

لغيره وارسن في اعمش ظفرا ابعده من بدني في ابع دوستان موجودا

عن ثوراني العلوي كوني في علمك لفرها ارم

لغيره وارسن في اعمش ظفرا ابعده من بدني في ابع دوستان موجودا

عن ثوراني العلوي كوني في علمك لفرها ارم

لغيره وارسن في اعمش ظفرا ابعده من بدني في ابع دوستان موجودا

عن ثوراني العلوي كوني في علمك لفرها ارم

لغيره وارسن في اعمش ظفرا ابعده من بدني في ابع دوستان موجودا

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
قوامی	رحمت‌اله	محمد حسن	۵۰	کنسرسیوم	
قهرمانی	محمد مهدی	کیومرث	۵۱	مدیر کل گمرک	
کاسمی	نصرت‌اله	اسداله «دبیر حرم»	۴۰	طبيب	
گرامی	محمد	عبدالحسین	۶۴	کشاورز	
گرامی	دکتر نعمت‌اله	محمد	۳۱	پزشک	۱۳۳۲/۱۱/۱۸
نگالی	جهنم	احمد خراسانی	۴۴	وزارت خارجه	
گفانی	جمشید	میرزا آقا	۴۱	بازرگان	۱۳۳۳/۴/۲۲
گیا	دکتر امیر	طاهر	۴۲	جراح	
کپان	دکتر غلامرضا	محمد قاسم	۵۰	نماینده مجلس	
کوچکمنی	علی	عبدالنبی	۳۵	بازرگان	۱۳۳۳/۱۲/۱۷
کهنیم	مهدی	یعقوب	۴۴	بازرگان	
گهریل	ایوب	شکری	۴۵	مقاطعه کار	
گلشایان	عباسعلی	رضا قلی	۵۲	وزیر	
گنجواش	قریدون	محمد تقی خان	۵۵	وزارت خارجه	
مالی	عباسعلی	ابوالقاسم	۳۹	مهندس	
مالک	لقمان‌الملک سعید	عبسی	۶۳	پزشک	۱۳۳۳/۸/۲۵
محمدي	مهندس عباس	حیدر علی	۴۰	راه آهن	۱۳۳۳/۳/۴
مدرس چهاردهی	مرتضی	محمد	۴۲	وزارت کشور	۱۳۳۳/۲/۱۴
مرادپور	حبیب‌اله	داود	۴۲	تجارت	
مرشد زاده	دکتر رحمت	تقی	۴۲	استاد دانشگاه	
مرعشی پور	علی اکبر	حسین	۴۲	وزارت دارائی	
مرادی	علی	جواد	۴۷	شرکت ملی	۱۳۳۳/۱۲/۱۸
مسئولی زاده	محمد جواد		۴۶	مقاطعه کار	
مشیری	رضا	عباسعلی	۴۰	وزارت خارجه	۱۳۴۱/۱/۳
مشکونی	نصرت‌اله	نجم‌الدین	۴۲	فرهنگ	۱۳۳۲/۲/۱

باالحاق بدگراوند ناسیونال شد.^۱

این پیروزی برای افسران کرسی لژ روشنائی در ایران، موفقیت بسیار شایانی در برداشت، بطوریکه پس از گذشت چندین سال، هنگامیکه گزارشی از طرف منشی لژ روشنائی برای فراماسون‌های امریکائی مقیم ایران تهیه می‌شد، و مفاد آن بعداً نقل خواهد شد، درباره تشکیل لژ مولوی و انحلال لژ همایون چنین نوشتند:

«... اما در میان پیروان جواهری چند نفری هم بودند که بطور قانونی وارد فراماسونری شده بودند (در فرانسه، آمریکا، عراق، هندوستان و جاهای دیگر) این اشخاص دریافتند که تشکیلات جواهری غلط بوده است و در پشت پرده فعالیت شدیدی را آغاز کردند و عده‌ای نیز بخارج رفتند، تا بطور رسمی وارد سازمان فراماسونری بشوند. تا اینکه سرانجام بدآنها اجازه داده شد، که یک لژ قانونی در این کشور تشکیل دهند مقامات مسئول از فعالیت لژ روشنائی در ایران اطلاع داشتند و می‌دانستند که اگر لژهای دیگری نیز به همان طریق فعالیت کنند به نفع رعایای ایشان خواهد بود. نخستین لژی که بدین ترتیب تشکیل شد، لژ مولوی نام داشت که در حقیقت در فرانسه تشکیل شد، ولی تحت نظر گراوند ناسیونال فرانسه به اینجا منتقل شد...»^۲

در پایان آخرین ماه بهار سال ۱۳۳۴ ش (۱۹۵۷ م) لژ همایون

با انعقاد آخرین جلسه و مذاکرات نهائی تعطیل و منحل شد.

محمد خلیل جواهری که هنوز بقول کرسی لژ روشنائی

«مانند خدائی» بر اعمال رجال عضو لژ همایون نظارت می‌کرد

۱ - اولین باری که شعبه لژ گراوند اوربان در ایران تشکیل شد، کسانیکه عضویت این لژ را قبول کردند، امیدوار بودند خود را از قید اسارت انگلستان بزنند، ولی پس از اینکه در انقلاب مشروطیت پیروزی بزرگی نصیب اعضای لژ شد و همینکه مشروطیت مستقر گردید و اعضای لژ دیدند دست انگلیسها از آستین برادران ماسون فراماسوی درآمده است، عده زیادی از آن لژکناره گیری کردند.

۲ - رجوع شود به فصل بیست و نهم همین کتاب

در تصویر صفحه بعد دکتر احمد هومن، دکتر خلیفه‌پوری، شهاب خسروانی، ارست یورن و چند فراماسون ایرانی دیگر که شناخته نشده با استادان فراماسواری گراوند اوربان دیده می‌شوند.



از اول تیر ماه ۱۳۳۴ شروع به تدارك مقدمات تشكيل لژ «مولوی» در ایران کرد . نخستین اقدام او ترجمه قانون اساسی ، نظامنامه ، درجات و اطلاعاتی بود ، که از پاریس و از مرکز گرانداوریان از او خواسته بودند او این اطلاعات را برای «پیشره» استاد اعظم گراندا لژ فاسیونال که نامه زیر را برای جواهری فرستاده بود ، ارسال داشت :

۲۰ ژوئن ۱۹۵۵ (۲۹-خرداد ۱۳۳۴)

برادر ارجمند خلیل جواهری

استاد ارجمند لژ ...

عطف بنامه و تقاضای سرکار می توانیم کمک های زیرین را بنمائیم :

۱ - مقتضی است . آئین نامه عمومی و قانون اساسی و یک نسخه از اصول و قواعدی که در لژ ، برادران طبق آن عمل می نمایند، برای ما بفرستید تا آنها را بررسی کرده ، صحت و مطابقت آنها را با اصول متداول تصدیق نمائیم .

۲ - اگر ممکن است هفت نفر را برای حداقل در مدت ۱۰ تا ۱۵ روز اقامت در پاریس به ما معرفی نمائید، تا آنها را در لژ خود پذیرفته ، طبق مقررات آنها را با آئین ماسونی در آورده ، لژ هائی، در پاریس از آنها تشکیل دهیم. این اشخاص با اجازه شما و موافقت ما طبق اصول لژ مادر ایران، شروع بعمل کرده لژی تشکیل می دهند . اینان بتدریج سایر برادران موجود در تهران را با آئین جدید آشنائی داده و از آنها دو لژ دیگر تشکیل خواهند داد ، پس از مدتی تمرین و پس از اینکه به تشخیص خودتان سازمان جدید قوی شد ، آنوقت يك «گراندا لژ» از سه لژ تشکیل خواهید داد که ما و تمام قدرت های ماسونی دنیا آنها را خواهند شناخت و جزو لژ های منظم در خواهد آمد .

اگر برادران مادکتر احمد هومن و دکتر محمود هومن بخواهند همین حالا

هم وارد لژ ما بشوند ، با موافقت شما و با کمال مسرت آنها را خواهیم پذیرفت .

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE



65, BOULEVARD BINEAU
NEUILLY-SUR-SEINE
SEINE, FRANCE
TÉLÉPHONE
MAILLOT 20-06

le 20 Juin, 1955.

R.F. Khalil Djavaheri,
Grand Maître de la Loge
Pahlavi de l'IRAN.

Mon cher Frère,

A la suite de votre demande nous pensons qu'il nous serait possible de vous aider de la façon suivante :

- 1° Il y aurait lieu de nous adresser votre règlement général et votre constitution ainsi qu'un de vos rituels pour que nous puissions examiner la régularité de vos règlements et des rites pratiqués.
- 2° Dans l'éventualité d'un développement ultérieur possible de notre aide, auriez-vous la possibilité d'envoyer, pour un séjour de 10 à 15 jours minimum, sept de vos frères qui viendraient se faire affilier à une de nos Loges et régulariser leur situation maçonnique.

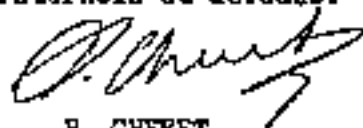
Ces sept, ou plus, frères se formeraient immédiatement en une Loge que nous pourrions consacrer à Paris et qui nous demanderait, avec votre accord, l'autorisation de travailler avec notre charte sur le territoire de l'Iran à Teheran.

Cette Loge régulariserait vos autres Frères, pourrait initier et former par la suite deux autres Loges à qui nous donnerions, toujours avec votre accord, des Chartes et plus tard lorsque vous vous sentirez assez forts, vous pourriez fonder une Grande Loge avec des bases d'une régularité indiscutable, demander votre reconnaissance aux puissances Maçonniques régulières mondiales.

Si les Fr. A. Rouman et Dr. M. Rouman veulent se faire affilier d'ores et déjà c'est avec le plus grand plaisir que, sur votre recommandation, nous les accueillerons parmi nous au sein d'une de nos Loges.

Nous sommes, bien entendu, à votre fraternelle disposition pour recevoir tout envoyé que vous voudrez bien habilitier à venir discuter de ces questions.

Veuillez croire à mes sentiments fraternels et dévoués.


P. CHERET
GRAND MAÎTRE.

ما همیشه در اختیار شما بنحو برادرانه خواهیم بود و برادری را که از طرف شما اختیار نامه دارد برای مذاکره در اطراف پیشنهاد گسیل دارید، با آغوش باز خواهیم پذیرفت.

استاد اعظم - پیرشهره

پس از وصول این نامه، محمدخلیل جواهری هفت نفر از فراماسونپهائی را که خود با آئین و اصول لژ «وادی نیل مصر» فراماسون کرده بود، با معرفی نامه‌های مخصوص پاریس و به گراند لژ ناسیونال دفرائس معرفی کرد. اینجده عبارت بودند از:

۱ - دکتر احمد هومن - استاد دانشگاه

۲ -

۳ - دریادار عبدالله ظلی - افسر نیروی دریائی

۴ - عبدالحمید سنندجی - نماینده مجلس

۵ - عبدالله سعیدی نماینده مجلس شورای ملی

۶ - محمدعلی امام شوشتری - صاحب‌منصب کمربل

۷ - مهدی شوکتی - محضر دار

نمایندگان اعزامی که روز دهم اکتبر ۱۹۵۵ - (۱۷ مهر ۱۳۳۴) از تهران حرکت کرده بودند، روز بعد وارد پاریس شدند. تنها عبدالله سعیدی که در استکهلم بودومی بایستی در آن روز در پاریس باشد، بعلت بیماری نتوانست خود را به برادرانش ملحق سازد.

دکتر احمد هومن طی تلگرافی، از جواهری اجازه خواست که محمدساعتد مراغه‌ای نخست‌وزیر اسبق ایران را که در آتننگام در پاریس اقامت داشت بجای سعیدی منصوب کنند و معرفی نامه تلگرافی برای وی صادر شود.

پس از وصول جواب تهران، شش نفری که از تهران رفته بودند، با اضافه‌ساعتد

و دکتر محمود هومن خود را به «پیرش» استاد اعظم گرانند لژ معرفی کردند. روز بعد بدعوت استاد اعظم گرانند ناسیونال دفرانس هیئت اعزامی ایران به لژ کنفیانس شماره ۲۵ پاریس که یکی از لژهای وابسته به گرانند لژ ناسیونال بود رفتند. و در یک جلسه فوق العاده که برای عضویت آنها تشکیل شده بود، همگی به عضویت لژ کنفیانس درآمدند و همه مراسم را انجام دادند. سپس کلیه تشریفات تشکیل لژ مولوی شماره ۴۹ که می بایستی زیر نظر گرانند ناسیونال در تهران فعالیت کند، انجام شد. گرانند ناسیونال دفرانس، دکتر محمود هومن - محمد ساعد - دکتر عباسعلی خلعتبری و رشیدی حائری را که قبل از تأسیس لژ مذکور، مقام فراماسونری «برادر بسیار ارجمند» داشت نیز با سایرین در تأسیس و تقدیس لژ مذکور شرکت داد. و روز ۱۳ اکتبر ۱۹۵۵ (۲۰ مهر ۱۳۳۴) همه تشریفات تشکیل لژ باسودها و مراسم مخصوص انجام گردید و افراد زیر بنام مؤسسين لژ مولوی در ایران شناخته شدند :

۱ - برادر محترم دکتر احمد هومن

۲ - + + + + +

۳ - برادر محترم در یادار عبداله ظلی

۴ - برادر محترم دکتر محمود هومن

۵ - برادر محترم دکتر عباسعلی خلعتبری

۶ - برادر بسیار ارجمند رشیدی حائری

۷ - برادر ارجمند مهدی شوکتی (مرحوم)

۸ - برادر محمد ساعد

۹ - برادر عبدالحمید سنندجی

۱۰ - برادر محمدعلی امام شوشتری

این لژ که در ردیف شماره ۴۹ لژهای گرانند ناسیونال فرانسه در جهان، ثبت

شده، در روزهای سومین سه شنبه هر ماه مسیحی و در ماه های :

ژانویه - فوریه - اپریل - می - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر

در خیابان بوعلی سینا (ادامه خیابان مجلس شورایی ملی) پلاک ۴۱۰/ در یک عمارت قدیمی ساز تشکیل جلسه می‌دهد.^۱ همان روز که این لژ تشکیل و با اصطلاح فراماسونها (تفدیس) یافت، نامه زیر از طرف «پیرشهر» استاد اعظم گرانده - لژ مذکور برای محمد خلیل جواهری که بعدها بردن نام او برای فراماسونها مصنوع و جرم شناخته شد، نوشته و ارسال شد:

۱۳ اکتبر ۱۹۵۵ (۲۰ مهر ۱۳۳۴)

برادر بسیار ارجمند

آقای خلیل جواهری

خیابان کاخ تهران - ایران

برادر بسیار ارجمند. پیرو نامه ای که ۲۰ ژوئن گذشته خدمتان ارسال داشتم، اخیراً افتخار پیدا کردیم که هیأتی که نمایندگی لژهای شما که به لژ کنفیانس [اطمینان] شماره ۲۵، در پاریس ملحق شدند آشنائی پیدا کنیم. کلیه این برادران تمام مراسم را تا درجه ۳ طی کرده و درجات آنرا دریافت نموده‌اند. امروز با حضور این برادران لژ جدیدی بنام «مولوی» بشماره ۴۹ تشکیل دادیم، که اعضای همین برادران بودند، به آنها اجازه دادیم که این لژ را به تهران انتقال دهند و عملیات را در این شهر ادامه دهند و البته مطابق مقررات و قوانین ما و تحت نظامنامه که به آنها تفویض کردیم. بدین ترتیب اولین مرحله نقشه ما با موفقیت و منظم انجام شده است.

با همکاری برادر محترم «آرتور نیبرگال»^۲ که دبیر کل بزرگ ماست و در آتیه بایران خواهد آمد، امیدواریم که این اولین لژ شما «مولوی» در تهران برقرار و مرتب فعالیت خواهد نمود. عجباً! خواهشمندم بوسیله برادر خلعقبیری مدارکی

۱ - همه اطلاعات تشکیل رده‌های لژهای فرانسوی در ایران از سالنامه سال ۱۹۶۷ گرفته شده است.

A LA GLOIRE DU GRAND ARCHÉVÊQUE DE L'UNIVERS

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE



88 BOULEVARD HENRI
MULLY-SUR-SEINE
SEINE-SAINT-DENIS
FRANCE

10 21 Octobre 1958

M. B. P. M. M. M. M.
Grand Maître de la Loge
Pablar de l'IRAN

Mon cher Frère, J'ai déjà exprimé notre reconnaissance, officiellement en Loge, pour les magnifiques présents que nous ont été remis de votre part.

Mais je tiens, tout particulièrement, à vous remercier personnellement pour l'attention délicate que vous avez eue.

Soyez assuré que tout ce que nous avons fait et tout ce que nous pourrions faire dans l'avenir, pour vous aider sera fait de grand cœur car l'esprit qui anime votre délegation nous a fait comprendre l'esprit magnifique sincère qui est en vous et nous pouvons espérer que l'avenir nous apportera la possibilité de relations de plus en plus étroites entre les Frères de nos deux pays.

J'espère que dans le courant de l'année prochaine mon emploi du temps (très chargé) me permettra d'aller personnellement assister à la consécration de votre Grande Loge ainsi régulièrement constituée.

Veillez croire, mon cher Frère, à l'assurance de nos sentiments les plus sincères et très fraternellement dévoués.

[Signature]
GRAND MAÎTRE

نامہ استاد اعظم سرانند ناسیونال درباره تشکیل لڑمولوی

را که راجع بدرجات ماسونی دریافت نموده‌اید، ارسال دارید. بنا حسب التفاوت مطالعه نمائیم.

علی‌العجله تاوصول این مدارك، از آنجائیکه، برادر بسیار ارجمند ما مورد نهایت احترام برادرهای تهران و شهرستانها می‌باشید، موقتاً به شماعنوان بازرس کل منطقه ایران که فعلاً تشکیل شده تفویض می‌کنم. تا تشکیل يك گرانده لژ ایران، که انشاءاله با این ترتیب شماسمت اولین استاد اعظم آنرا خواهید داشت، دارای این مقام می‌باشید.

باتقدیم مراسم احترام و سلام برادرانه به آن برادر ارجمند

پیر شره - استاد اعظم

بطوریکه ملاحظه می‌شود، استاد اعظم گرانده لژ ناسیونال دفرانس، نه تنها الحاق فراماسون‌های اعزامی را به لژ کنفیانس قبول می‌کند، بلکه به محمدخلیل جواهری عنوان «بازرس کل منطقه ایران» را که یکی از بزرگترین مقام‌های فراماسونی است، می‌دهد.

«پیر شره» با تفویض این مقام به جواهری، در نظر داشته است که «گرانده لژ ایران» را زیر نظر و نفوذ جواهری در ایران تشکیل داده و بمقابله با لژ روشنائی در ایران که پس از ۳۶ سال هنوز فعال نبوده برانگیزد.

ولی از آنجاکه لژهای انگلیسی همیشه سعی دارند برتری و سروری خود را بر سایر لژهای ماسونی حفظ کنند، و در کشورهای کم‌رشد از نفوذ سیاسی، اجتماعی و اطلاعات فراماسونها بهره برداری نمایند، در هر جاکه لژهای ماسونی ایجاد می‌شوند مسئله «قبول برتری» را عنوان کرده و اداره لژها را بدست می‌گیرند. در تهران هم گرمی لژ روشنائی در ایران که اکثریت اعضای آن را دیپلماتهای انگلیسی، بازرگانان مأمورین اطلاعات، افسران انگلیسی و سایر خارجیان تشکیل می‌دهند، برای اینکه لزوم‌لوی و سازمانهای دیگری را که گرانده لژ ناسیونال در آنیه بوجود می‌آورد، در اختیار و تحت کنترل داشته باشند، در انتخاب کارگردانان لژ مذکور مطالعه و دقت

فراوان می‌کنند. همینکه عده ده نفری مؤسسين لژ مولوی از پاریس بازگشتند، فراماسونهای لژروشنائی در ایران با آنها تماس گرفته و موفق شدند تحت نظر خودشان لژ مولوی را تأسیس کنند.

چون در آن موقع جواهری بموجب اخطار «مخصوص» حق فعالیت نداشت و از طرفی وی نمی‌خواست از جلسه اول تحت نظر دیگران کار کند، لژ روشنائی مؤسسين لژ مولوی اخطار کرد که وی را از سازمان در شرف تأسیس اخراج کنند. در نیمه دوم سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵-۱۹۵۶) مبارزه بین دو جناح طرفداران کلیساها و فراماسون‌های ایران که می‌خواستند مستقل از انگلستان و تحت نظر فرانسویها کار کنند، در تهران شدت یافت. در حالیکه این دو جناح با یکدیگر مبارزه می‌کردند، طرفداران جواهری نیز وارد میدان شده و با کسانی که «حق استادی» وی را بجا نیاورده و نسبت باور نمک‌شناسی کرده بودند، مبارزه را آغاز کردند. در این بین جواهری تصمیم گرفت، عده‌ای از طرفداران خود را برای حفظ موقعیت خویش به پاریس بفرستد و آنها را در مراکز لژگراند ناسیونال، فراماسون کند و این عده را که دکتر...، عبدالله سعیدی و صلاحی در رأس آنها قرار داشتند با تحف و هدایائی به پاریس فرستاد. جوابیهائی که استاد اعظم گراندد لژ ناسیونال دفرانس به جواهری درباره کار هیئت اعزامی داده نشانه آنست که هنوز پاریس تحت تأثیر فعالیت جواهری و لژی که او در ایران تشکیل داده بود، می‌باشد. در نخستین نامه، استاد اعظم گراندد لژ- ناسیونال دفرانس، چنین می‌نویسد:

با افتخار بزرگترین معمار جهان

گراندد لژ ناسیونال فرانسه

متمنی است به آرتور نیبر کال شماره يك كوچه ژوزف گرانیه پاریس هفتم جواب بدهید.

مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۵۵ (۱۹-آبان ۱۳۳۴)

۶۵ بلوار بینوئویئی ایالت سن

نام خالوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
مصدق	محسن	حاجی صدق الممالك	۴۶	وکیل دادگستری	
مصدق	هدایت الله	محسن	۴۹	اقتصاد ملی	۱۳۳۳/۳/۱۸
مصدق	دکتر عباس	غلامحسین	۴۲	استاد هنر سرای عالی	
مصدق	دکتر جمشید	اسحق	۴۲	مالك	۱۳۳۳/۱۱/۲۰
مصدق	محمود	اسماعیل شیخ الاسلام	۴۷	وزارت خارجه	۱۳۳۳/۳/۶
مصدق	سید ذبیح الله	سید عزیز الله	۵۰	بازرگان	
مصدق	عبدالله	عبدالصمد	۵۸	وزارت خارجه	
مصدق	حسنعلی	علی		وزارت خارجه	
مصدق	مهدی	عبدالله	۵۷	کارمند دولت	۱۳۳۳/۴/۸
مصدق	اسداله	حاج سید آقا	۵۷	ملك	
مصدق	سید علی اکبر	سید عبدالغفور	۴۸	سردفتر اسناد رسمی	
مصدق	احمد	صادق	۴۵	فرهنگ	۱۳۳۳/۱۲/۱۶
مصدق	دکتر محمود	صادق	۵۰	فرهنگ	۱۳۳۳/۱۲/۲۴
مصدق	سید محمد	سید عبدالباقی	۵۰	وزارت دارایی	
مصدق	مهندس غلامعلی	علی	۵۴	مهندس	
مصدق	اورا هام	حیم	۳۸	رئیس مدرسه ادب ایران	
مصدق	مهندس نصرالدین	ناصرالدین	۳۸	مهندس کشاورزی	۱۳۳۳/۳/۱۸
مصدق	شاول	فانان	۵۳	بازرگان	۳۳۴/۱۲/۲۴
مصدق	دکتر ابوالقاسم	مرتضی	۴۶	استاد دانشگاه	
مصدق	دکتر محمود	مرتضی	۴۹	پزشک	
مصدق	دکتر عباس	محمد	۵۱	طبا ب	۱۳۳۳/۱۲/۱۸
مصدق	سید علی	سید احمد	۵۲		۱۳۳۳/۴/۲۲
مصدق	داریوش	میرزا	۵۲	بازرگان	
مصدق	سلیم	عبدالله	۳۲	مشاور فرهنگ	
مصدق	عباسقلی	ابوالحسن	۴۴	رئیس بانک کشاورزی	۱۳۳۳/۱۱/۴
مصدق	اسماعیل	علی	۴۲	بازرگان	

برادر خ جواهری

ل... خیابان کاخ شماره ۲۱۲

تهران - ایران

برادر عزیز دوستداشتنی

پیر یوز با کمال خوشحالی نامه مورخ ۸ نوامبر را دریافت کردم . در تعقیب مذاکراتی که دیروز با برادر خلعتبری^۱ مستشار سفارت کبرای ایران در پاریس بعمل آمد ، دکتر... که باید اخوی (برادر...) باشد که مادر هجدهم اکتبر عضویت لژ *Semper* ، *Fidelis* که بزبان انگلیسی کار می کند و شماره ۲۰ است ، پذیره شدیم .

بعد از موافقت با برادر خلعتبری ما پیشنهاد پذیرش دکتر... را به لژ *Confiance* زبان فرانسه روز چهارشنبه ۲۳ نوامبر خواهیم نمود . ایشان در لژ کنفیانس شماره ۲۵ است که سایر برادران تهران هم در آن قبول شده و عضوند ، به عضویت این گرانند لژ پذیرفته و منصوب می شوند .

ما هیچوقت فراموش نخواهیم کرد ، زیبایی و جلالی که در تشریفات پذیرش برادران ایرانی بعمل آمد . همچنین تشریفات که برای پذیرش لژ مولوی شماره ۴۹ در دفاتر ما انجام شد .

مقصد عالی شما که دایر کردن ماسونری مرتب و تاریخی و بین المللی است ، در ما تأثیر بسیار کرد و حاضریم که باشما همه نوع همکاری و کمک نامحدود بنمائیم .

۱- دکتر عباسعلی خلعتبری متولد ۱۲۹۹ش فارغ التحصیل دانشگاه پاریس در علوم سیاسی و مشاغل دولتی در وزارت امور خارجه : کارمند تشریفات ۱۳۲۱- کارمند اداره سوم سیاسی ۱۳۲۳- تصدی کارمند مقدم اداره سوم سیاسی ۱۳۲۴- دبیر دوم سفارت بون ۱۳۲۴- دبیر یکم دکاردار موقت درشو ۱۳۲۶- کفالت اداره سازمان ملل متحد ۱۳۲۹- رئیس اداره سازمان ملل متحد ۱۳۳۰- رایزن در سفارت کبرای پاریس ۱۳۳۲- مقام رایزنی سفارت کبرای ۱۳۳۴- رئیس اداره سوم سیاسی ۱۳۳۶- وزیر مختار ۱۳۳۷- سفیر ایران در لهستان ۱۳۳۹- دبیر کل سنو ۱۳۴۰- مقیم در اسلامبول .

A LA GARDER DU GRAND ARCHITECTE DE L'UNIVERS

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE

Frère républicain



Arthur NIEBERGALL

le 21 Novembre, 1885.

Par le Grand Maître
J. P. L.

et SOUS-MAÎTRE
THOMAS-MORIN
FRANCIS
R. MARIOT 00-00

Frère ~~de la~~ ~~Grande~~ ~~Loge~~ ~~Nationale~~ ~~Française~~
L. PALLAT, Avenue Rich. Mo. 212,
Téhéran, Iran.

Mon Très Cher et Bienaimé Frère,

Cela fût avec un très grand bonheur que j'ai
reçu, avant hier, votre aimable lettre du 8 Nov., m'annonçant l'arrivée à Paris
du ~~frère~~ ~~de la~~ ~~Grande~~ ~~Loge~~ ~~Nationale~~ ~~Française~~, qui doit quitter Téhéran le 17 Novembre. Suivant la convention
que j'ai faite avec le Frère Khalathary (Conseiller à l'Assemblée Impériale de
l'Iran à Paris), le Docteur Khatib serait le frère de Frère Khatib que nous avons
eu l'honneur d'initier à la Loge "Géométrie", No. 20, le 19 Octobre, dans
la langue anglaise. Après accord avec le Frère Khalathary nous proposons de
proceeder à la cérémonie d'initiation du ~~frère~~ ~~de la~~ ~~Grande~~ ~~Loge~~ ~~Nationale~~ ~~Française~~ "la Loge "Géométrie", en
langue française le mercredi 23 Novembre; c'est à la Loge "Géométrie" No. 20
que tous les autres Frères de Téhéran peuvent être initiés.

Faire nous n'oublions le beauté et la volon-
té des cérémonies auxquelles nous avons eu le grand et heureux privilège de
correspondre pour nos très chers et estimés Frères d'Iran, et la cérémonie de la
consécration de la très Respectable Loge "Géométrie", No. 20 dans notre Régistre.
Votre noble bêt de pratiquer, en Iran, la Maçonnerie Régulière de Tradition et
Universelle, nous a très peu, et nous a toujours à vous accorder une coopération
et une aide sans limites. Nos efforts constants conduisent un événement qui aura
une influence extrêmement bénéficiante dans notre Fraternité Universelle, et
nous sommes fiers du rôle que nous avons eu à remplir. Il est question, pour
moi personnellement, à une date à déterminer, de vous rendre visite sur place,
et de continuer la noble tâche commencée à Paris.

Je vous prie de bien vouloir transmettre à tous
nos chers Frères de Téhéran les salutations très fraternelles de la part de notre
Très Resp. Grand Maître Pierre Chéret et de tous les Frères de Paris qui ont eu
le plaisir de rencontrer nos Frères d'Iran, y compris moi-même.

Je suis très touché de votre délicate attention
en m'envoyant un souvenir par le Dr. Khatib, que j'ai eu un plaisir énorme de
recevoir et de conserver précieusement comme memento de nos précieuses relations
fraternelles.

Je vous exprime, mon bien-aimé Frère, les
salutations les plus affectueuses et fraternelles,

Arthur NIEBERGALL

(P.S.D.C., Dép. 21, 25.)

Veuillez vous en souvenir
de nos commémorations, Votre Frère et Régis en l'.

مقصود ما و شما دانستن نفوذ فوق العاده ایکی بخش در برادری بین المللی است و عملیات خود بسیار منور و مفتخریم.

من در تاریخ معین به تهران می آیم که در مجلس عملیاتی را که در پاریس شروع کردیم، ادامه بدهیم.

خواهش دارم سلام برادرانه استاد اعظم پی بر سره را با سلامهای کلیه برادران پاریس و خود بنده به برادران تهران ابلاغ فرمائید.

از هدیه ای که توسط دکتر... فرستاده بودید، بی نهایت متشکرم. به یادگار شما قبول می کنم. که روابط ذیقیمت مان ادامه یابد. آرثور نی برگال

متمنی است رتبه خودتان را در... بمن اطلاع دهید.

استاد اعظم گرانند ناسیونال، برای ابراز «حق شناسی» هر چه بیشتر نسبت به استاد اعظم لژ همایون نامه زیر را نیز برای او فرستاد:

«برادر عزیز

من یکبار مراتب حق شناسی خود مان را بمناسبت هدایای عالی و بی نظیری که از ناحیه شما به ما رسیده است در لژ بیان داشتم. اما علاقمندم که مخصوصاً از خود شما بمناسبت توجه و دقتی که در این امر بکار برده اید تشکر کنم.

مطمئن باشید که آنچه مادر گذشته برای کمک بشما انجام داده ایم و آنچه که در آتیه می توانیم انجام دهیم، با کمال صمیمیت و اشتیاق است. زیرا عواملی که باعث حرکت و جنب و جوش جمعیت و هیئت شما شد، بما فهماند که در وجود شما يك روحیه سازنده و عالی وجود دارد و ما می توانیم امیدوار باشیم که در آینده امکان روابط هر چه صمیمانه تری بین برادران دو کشور ما فراهم خواهد شد.

امیدوارم در جریان سال آینده، گرفتاریهای من (که بسیار زیاد است) بمن اجازه بدهد که شخصاً در جلسه افتتاحیه لژ بزرگ شما که بدینترتیب پایه آن بطرز منظمی گذاشته شده است حضور بهم برسانم.

برادران عزیزم با کمال اطمینان علاقه قلبی و صادقانه و بتمام معنی برادرانه مرا قبول بفرمائید. رهبر بزرگ...»

آخرین نامه‌ای که از استاد اعظم گرانند ناسیونال به استاد اعظم لژ همایون نوشته شده، جملات تملق آمیزی دارد، که بدین شرح است:

یکم دسامبر ۱۹۴۵ (۹ آذر ۱۳۲۴)

برادر ارجمندم. خ. جواهری

خیابان کاخ شماره ۱۱۲ تهران-ایران

برادر عزیزم: از نامه نوامبر شما و همچنین قوطی سیگاری که با نظر لطف توسط آقای دکتر... برای بنده فرستاده‌اید، بی نهایت سپاسگزارم. این هم یک نمونه از مهارت صنعتگران آن سرزمین و هم یادگار دوستان ایران من بشمار خواهد رفت. برادر عبدالله سعیدی دیروز در لژ کتفباس ما پذیرفته شد و اکنون ما خود آماده پذیرائی دکتر... و ر. صلاحی می‌نمائیم که انشاءاله در آتیه نزدیکی انجام خواهد شد.

بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید ما به همکاری برادرانه خود در راه پیشرفت... جهانی ادامه می‌دهیم.

برادر بسیارگرامی خواهمشتم سلام برادران بنده را بپذیرید اعضاء

«معاون استاد اعظم»

قبول عضویت این سه نفر که همگی طرفدار جواهری بودند، نتوانست از سقوط و برکناری وی جلوگیری کند. با اینکه در سه نامه فوق استاد اعظم گرانند لژ بزرگترین تجلیل را از جواهری کرده بود، با اینحال معلوم شد، مبارزه مخفیانه فراماسونهای تهران پاریس نیز کشیده شده و برکناری جواهری مورد تصویب «پیرش» استاد اعظم نیز واقع شده است. نخستین جلسه لژ مولوی در خیابان سعیدی در منزل دکتر احمد هومن تشکیل شد. در آن جلسه هفت نفری که در پاریس لژ مولوی را تشکیل داده بودند، پس از ساعتی بحث و مذاکره به محمدخلیل جواهری

A LA GLORIE DU GRAND ARCHITECTE DE L'UNIVERS

GRANDE LOGE NATIONALE FRANÇAISE



88, BOULEVARD BIRLAK
NEUILLY-SUR-SEINE
SEINE, FRANCE
TELEPHONE
MAILLOT 80-00

1er Décembre 1955.

V.P. M. ~~XXXXXXXXXX~~,
Avenue Kakh, N° 212,
TEHRAN (Iran).

Très Cher Frère,

Je vous remercie de votre lettre du 8 Novembre et de la délicate et aimable attention que vous avez eue à mon égard en me faisant remettre par le Dr. Eghbal un porte-cigarettes, qui sera pour moi un souvenir de mes amis d'Iran et une preuve de l'habileté des artisans de votre cher pays.

Le Fr. Abdollah Saidi a été reçu hier dans notre Loge CONFIANCE et nous prenons nos dispositions pour recevoir également les FF. Dr. Eghbal et R. Salieh dans un proche avenir. Nous continuons ainsi, comme vous le voyez, notre coopération fraternelle pour le bien de la Maçonnerie universelle.

Veuillez agréer, très cher Frère, l'assurance de mes sentiments les plus fraternels.

Assistant Grand Maître.

آخرین نامه استاد اعظم گرانده لژ ناسیونال دفرائی به جواهری

که تأدیروز بردست وزانوی او بوسه می زدند پیشنهاد ترك جلسه و برکناری از فعالیت لژ مولوی را کردند .

محمدخلیل جواهری در آن جلسه باعصبانیت برادران خود را ترك گفت . در همان روز به همه اعضای لژ همایون اطلاع داده شد که مراوده خود را با او قطع کنند . عده زیادی اوامر لژ مولوی را اطاعت کردند . دسته ای نیز ظاهراً رابطه خود را با جواهری قطع کردند ، ولی درخفا با او همکاری داشتند . ولی سرانجام همه کسانی که عضو لژ مولوی شدند ، پیوندهای خود را با او بریدند . در حالی که پنج نفر از آنها تاروهای آخر عمرش او را فراموش نکردند .

از اوایل سال ۱۳۳۵ - ش (۱۹۵۶-م) لژ مولوی که جلسات

آغاز فعالیت لژ مولوی

خود را در محل خریداری باشگاه حافظ واقع در محل سابق سفارت بلژیک ، اول خیابان ایران (عین الدوله) تشکیل می داد ، همه مقدمات افتتاح رسمی لژ را آماده ساخت . در بهر ماه سال مذکور « آرتورنی برگال » استاد فراماسونری فرانسوی از طرف « پیرشره » استاد اعظم گرانند لژ ناسیونال دفراانس ، برای نظارت در تأسیس و برگزاری آداب و رسوم و قواعد و مقررات صحیح - بر طبق قاعده اسکاتلندی - به تهران آمد .

هنگامی که لژ مولوی شماره ۴۹ در تهران تأسیس شد دکتر احمد هومن و سعید مالک (لقمان الملك) هر دو سمت استادی داشتند .

دکتر احمد هومن در ملاقاتی که در سال ۱۳۴۰ با وی کردم خود را نخستین « استاد اعظم » ایران معرفی کرد . همین ادعای او را مرحوم ابراهیم حکیمی (حکیم - الملك) نیز داشت که در زمان حیاتش به نقل از گفته خود او عیناً در مجله آسیای - جوان توسط نگارنده نقل شده است .

۱- Arthur Niebergall فرانسوی ساکن بخش هفت پاریس کوچه زردف کرانه

بوده و استاد لژ گرانند ناسیونال دفراانس می باشد .

محمد خلیل جواهری نیز خود را نخستین ایرانی که «استاد اعظم» شده است می دانست. او عین دیپلمی را که گراند لژ قاهره به او داده، در اطاق کارش نصب کرده بود و آنرا به همه نشان می داد.

در حالی که مدعیان «استاد اعظم» فراماسونری بودن، بر سر داشتن این مقام گفتگو می کردند، ناگهان گراند لژ ناسیونال دفرانس دکتر سعید مالک^۱ را بسمت اولین «استاد اعظم» و رهبر لژ مولوی و گراند لژ محلی ایران انتخاب کرد.

دکتر سعید مالک که چهل سال قبل از آن تاریخ در ایران و فرانسه به عضویت لژ فراماسونری گراند اوربان در آمده بود، به مبارزات و قدرت طلبی های داخلی خاتمه داده و چون مورد اعتماد و وثوق کامل گراند لژ اسکاتلند نیز بود، در گزارشی که لژ مذکور برای امریکائیان تهیه کرده و در فصول بعد خواهد آمد وی را مورد ستایش قرار داده اند.

پس از آغاز کار لژ مولوی، تا کنون لژهای وابسته به گراند ناسیونال دفرانس در ایران به نامهای زیر تشکیل شده است:

۱ - لژ مولوی نمره ۴۹ - تاریخ تقدیس ۱۳ - اکتبر ۱۹۵۵ - روز تشکیل سومین سه شنبه ماه مسیحی. ماههای تشکیل: ژانویه - فوریه - اپریل - می - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر.

۲ - لژ سعدی نمره ۶۷: تاریخ تأسیس ۱۷ می ۱۹۶۰ - روزهای تشکیل دومین هر ماه مسیحی. ماههای تشکیل: ژانویه - فوریه - مارس - آوریل - می - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر.

۱- سعید مالک (لقمان الملك) در سال ۱۲۶۷ در تبریز متولد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدرسه لقمانیه بیابان رساند و از سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ در دانشکده طب فرانسه به تحصیل پرداخت پس از مراجعت به ایران از ۱۳۰۱ مشاغل زیر را داشته است: رئیس صبحیه گل قشون - معاون قتی وزارت داخله - ریاست کل صبحیه مملکتی - (۱۳۰۶ تا ۱۳۱۰) استاد امرام خارجی دانشکده طب - رئیس بیمارستان دولتی و رئیس قسمت جراحی همین بیمارستان - عضو شورای عالی فرهنگ - وزیر بهداشتی در کابینه های (ساعد، بیات، صدر، حکیمی)، از ۱۳۲۸ تا کنون عضو مجلس سنا می باشد (۱۳۴۳).

۳- لژ فروغی نمره ۶۷ : تاریخ تقدیس ۸ می ۱۹۶۰ - روز تشکیل اولین یکشنبه هر ماه مسیحی. ماه‌های تشکیل جلسات: فوریه - اپریل - جون - اکتبر - دسامبر.

۴- لژ حافظ نمره ۶۸ شیراز - بلوار رضاشاه - کوی خبیر شهر شیراز تاریخ تقدیس ۱۹ می ۱۹۶۰ - روز تشکیل اولین سه‌شنبه هر ماه مسیحی. ماه‌های تشکیل جلسات: ژانویه - فوریه - مارس - آوریل - می - جون - اکتبر - نوامبر - دسامبر.

۵- لژ شمس تبریزی نمره ۷۳ تبریز خیابان پهلوی تبریز - تاریخ تقدیس ۱۹ اپریل ۱۹۶۱ - روز تشکیل اولین سه‌شنبه هر ماه مسیحی. ماه‌های تشکیل جلسات: ژانویه - فوریه - مارس - اپریل - می - جون - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر.

۶- لژ ابن سینا ۷۶ - بزبان انگلیسی - تاریخ تقدیس ۱۲ اپریل ۱۹۶۲ - روز تشکیل سومین شنبه هر ماه مسیحی. ماه‌های تشکیل: ژانویه - فوریه - مارس - اپریل - می - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر.

۷- لژ مزدا نمره ۷۹ تاریخ تقدیس ۲ مارس ۱۹۶۳ - روزهای تشکیل هر ماه مسیحی. ماه‌های تشکیل: ژانویه - فوریه - مارس - آوریل - می - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر.

۸- لژ فرانسه نمره ۸۳ بزبان فرانسه - تاریخ تقدیس ۷ می ۱۹۶۴ - روزهای تشکیل اولین سه‌شنبه هر ماه مسیحی. ماه‌های تشکیل: ژانویه - فوریه - مارس - می - اکتبر - نوامبر - دسامبر.

۹- لژ کسرا نمره ۱۰۴ تاریخ تقدیس ۱۴ نوامبر ۱۹۶۵ - روزهای تشکیل دومین یکشنبه هر ماه مسیحی. علاوه بر چند لژ فوق‌الذکر، سازمان فرانسوئی گراندد ناسیونال دفرانس در ایران، دارای دو تشکیلات دیگر نیز هست، که می‌توان آنها را در ردیف سازمان‌های بااهمیت‌تر دانست:

۱ - گرانند لژ محلی ایران به ریاست استاد اعظم فراماسونری دکتر سعید مالک که در ماه نوامبر هر سال تشکیل جلسه می‌دهد. در روز تشکیل این سازمان ماسونی، گرانشتین، بازرسان اعظم لژهای نظامی فرانسه بایران آمد و تشکیلات مذکور را پی‌ریزی و تقدیس کرد.

۲ - شاپیتر مولوی - این سازمان فراماسونری فرانسه در ایران بر لژهای ماسونی دیگر ارجحیت دارد و در آن صاحب‌منصبان عالیه‌مقام ماسونی شرکت دارند. بموجب مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۷ گرانند ناسیونال، این تشکیلات در روز ۳۲ می ۱۹۶۰ در تهران تأسیس شده^۱. شاپیتر مولوی در سال پنج‌جلسه و در سال ۱۹۶۸ در روزهای ذیل تشکیل گردید:

چهارشنبه ۲۵ ژانویه

چهارشنبه ۲۶ اپریل

چهارشنبه ۲۴ می

چهارشنبه ۲۷ سپتامبر

چهارشنبه ۲۲ نوامبر

گرانند لژ ناسیونال دفرائس و گرانند لژ اسکاتلند که هر دو بایک طریقت و تحت فرمان و عبودیت و برتری سازمان فراماسونری انگلستان می‌باشند، پس از اینکه از تأسیس و توسعه و استقبال سازمان‌های فراماسونری در ایران اطمینان کامل پیدا کردند، بالحق و همبستگی همه لژهای فرانسوی و انگلیسی بایکدیگر موافقت کردند.

بدین منظور در سال ۱۹۶۰ دو گرانند لژ انگلیسی و فرانسوی توافق کردند که یک گرانند لژ محلی ایران را بداشتن عنوان:

District Grande Lodge of Iran

در ایران «تهران» تشکیل دهند.

در رأس این گرانڈلژ محلی دکتر سعید مالک که مورد اعتماد کامل لژهای انگلیسی و فرانسوی بود، با داشتن مقام District Grande Master گمارده شد.

برای اینکه گزارش کارهای این گرانڈلژ محلی مرتباً با اطلاع انگلیسها نیز برسد و گرانڈلژ اسکاتلند نیز بر این سازمان نظارت مستقیم داشته باشد، گردانندگان لژهای انگلیسی و فرانسوی موافقت کردند که ل. و. استراکر که سالها در ایران مدیر شرکت تجاری لینچ بود، به معاونت دکتر سعید مالک انتخاب شود.

استراکر پس از این انتصاب مقام District Grand Superintendent پیدا کرد و بدینترتیب انگلیسها موفق شدند که بر کلیه اسرار و اطلاعات و کارهای داخلی لژهای فرانسوی در ایران دست یافته و بر آن نظارت کنند.

همانطور که قبلاً ذکر شد انگلیسها از بدو تشکیل سازمانهای فراماسونری کنونی، همواره سعی داشتند و دارند که برتری لژهای انگلیسی را بر سازمانهای جهانی فراماسونری حفظ کرده و از اینراه بر نفوذ سیاسی و اقتصادی دولت پادشاهی انگلستان بیفزایند.

در کشور ما نیز در هر دو دفعه‌ای که فرانسویها شعبات لژهای خود را در تهران و ایالات دایر کردند، انگلیسها موفق شدند اداره لژها را بدست گرفته و استفاده از نفوذ سیاسی و اقتصادی اعضای لژها را نصیب خویش سازند. بنابراین وقتی هموطنان ما می‌شنوند که لژهای فرانسوی، آلمانی، امریکائی، مصری و هندی در ایران تشکیل شده، باید بدانند که همه آنها با اصطلاح سروتیه يك كره باشند و همه از يك جا آب می‌خورند. ایرانیانی که باستقلال و بقای میهنشان عقیده دارند، همیشه باید این ندای محمود محمود نویسنده بزرگ و ارجمند ایران را :

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
ه :					
هاشمی حائری	سید علی	سید حسن	۵۴	دو نامه نگار و نو مند	۱۳۳۲/۱۰/۱۱
هدایتی	دکتر محمد علی	احمد	۴۲	استاد دانشگاه	۱۳۳۳/۳/۴
هندجی	نصراله	محمد	۳۶	وزارت کشور	
ی :					
پدیدی	دکتر حبیب اله	فرج اله	۳۳	داروساز	
پنجه رف	اژن	آنا تولی	۴۸	مهندس	
پنگالکی	جمشید	بهرام	۴۶	بازرگان	
پوستلی	مهدی	حاج یوسف	۴۱		۱۳۳۴/۴/۱۳
لژ اصله پان :					
اشرف احمدی	علی	بزرگ	۴۳	قاضی دادگستری	۱۳۳۳/۱۱/۱۴
امیر نیرومند	دکتر ناصر	دکتر عیسی قلی	۳۵	جراح	۱۳۳۳/۱۱/۱۴
اسکندری	حسن	تیمور	۴۸	بازرگان	۱۳۳۳/۱۲/۱۶
پرومند	محمد باقر	محمد هاشم	۳۸	مالک	۱۳۳۳/۱۰/۲۶
بنی سلیمان شیبانی	مصطفی	مهدی	۵۳	شرکت ملی نفت	۱۳۳۳/۹/۲۸
حکمت یار	فضل اله	عبد الوهاب	۳۲	رئیس آزمون آگاه شیمی	۱۳۳۳/۹/۲۸
صدری	دکتر احمد	مهدی مدبر صدری	۴۳	شهرداری	۱۳۳۳/۱۰/۱۰
طوبی	حاج حسین	حاج رضا	۳۲	بازرگان	۱۳۳۳/۱۰/۱۰
طهری	مهندس محمد علی	مهدی	۳۹	مهندس ساختمان	۱۳۳۲/۱۲/۴
مصطفوی	محمود	رضا	۳۷	بازرگان	۱۳۳۲/۱۰/۲۵
مهر حسینی	دکتر احمد	هاشم	۴۱	طبابت	۱۳۳۲/۱۱/۲۶
نواب	دکتر عبد الباقي	رضا	۳۹	پزشک	۱۳۳۲/۱۰/۲۵
لژاهوار :					
آذری	نصراله	حاجی	۳۷	مالک	۱۳۳۳/۹/۱۱
امام	سید احمد	سید محمد باقر	۵۱	عضودارائی	۱۳۳۳/۱۲/۷
امام	دکتر سید ضیاء	سید حسن	۳۰	پزشک	۱۳۳۴/۱۲/۹
امام جمعه	جلال	محمد شریف	۳۵	شرکت ملی نفت	۱۳۳۴/۱۲/۹
اهدائی	محمد رضا	منصور	۳۵	کارمند دادائی	۱۳۳۳/۱۲/۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



المجلس السامي العالي المدرجه ٢٢ (الخير)
للطريقة الايكوسية القديمة والقبولة لواءى النيل والريف والشرق الادنى

Suprême Conseil Idéal Universel
DU 33 ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ
POUR LA VALEUR DU N° 33 ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ

NOUS Souverain Grand Commandeur OR
Maître du Rite Conseil, certifions que le T. C. C.
Dr. Said Mustafa - - - a été admis
au nombre des membres de l'Ordre de l'Éclat
Or. de Conseil - - - En qualité de Chevalier
Kadash 30 Degré de la hiérarchie égyptienne, et que son
nom a été enregistré au Régistre National général de
L'Ordre Sous le N° 167 - - -
Fait à Paris le 10 Mars 1924

نحن القبط الاعظم والامام الاعظم
للطريقة الايكوسية نفروان الاخ وكتير سعيد ملكي
قد قبل حضورى مجلس السلام - رقم 1 -
بشرق القاهرة - في يوم 10 -
بصفة فارس من المليون درجة 30 للطريقة
الايكوسية واسمه سجل في السجل العام تحت
نمرة 167 - - -
حرفى المركز الرئيسى شرق القاهرة برادى
السلام في تاريخ 10 مارچ 1924

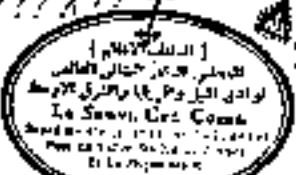
NE VARIETUR



Dr. Said Mustafa
Secrétaire Général
كاتب السر الاعظم

Le 10 Mars 1924

Dr. Said Mustafa
Secrétaire Général
كاتب السر الاعظم



Dr. Said Mustafa
Secrétaire Général
كاتب السر الاعظم

Dr. Said Mustafa
Secrétaire Général
كاتب السر الاعظم

ديپلم استادى نر همايون وكتير سعيد هالک



علی مرندی متولد ۱۲۸۴ در شهر مرند ، دوره دبیرستان را در مدرسه آمریکائی تبریز
پایان رسانید و مدت سه سال در دانشگاه آمریکائی بیروت تحصیل کرد . و در سال ۱۳۱۳ وارد
خدمت شرکت نفت شد و تمام مراحل خدمات ۲۶ ساله خود را در اداره کل بخش نفت ملی کرد
در ابتدا کارمند ساده دایره فروش مواد نفتی بود و سه ماه بعد به تصدی شعبه فروش نفت در قم
گمارده شد . مشاغل بعدی او بدین قرار است :

ریاست انبار نفت تهران ، ریاست شعبه نفت اندیمشك ، ریاست بخش نفت در استان
خوزستان ، ریاست فروش نفت در ناحیه آذربایجان ، ریاست فروش نفت در ناحیه اراك و خراسان
و بلوچستان و سیستان ، ریاست اداره فروش مواد نفتی در تهران ، ریاست حمل و نقل ، مأمور
تجدید تشکیلات دایره حمل و نقل ییمائی و انبار نفت تهران ، ریاست اداره فروش نفت در ناحیه
آذربایجان ، ریاست اداره انبار گات مواد نفتی و عضویت هیئت مدیره دبیرست سازمان توسعه
صنایع داخلی شرکت ملی نفت ایران .



سید محمدعلی امام شوشتری یکی از بنیانگذاران نژاد نو

«...من بنام ایران و ایرائیت از هموطنان خود تمنی می کنم از دور این
شیادان پیاشند و پیرامون آنها نگردند. برای یککفر ایرانی خیانت از این
بالا تر نمی شود که داخل دریکی از این محافل دشمن بشر بشود...»

بگوش داشته باشند و هیچگاه فراموش نکنند که طرفداران حکومت های
جهانی دشمنان مرزها و استقلال کشورها هستند. يك ایرانی وطنپرست و ناسیونالیست
هیچگاه و در هیچ شرایط و زمانی «انترناسیونالیست» نمی شود. همچنانکه
بقبول مهندس عالی مقام ایرانی مهندس احمد حسامی «زن عفیف و نجیب شوهر دار
هیچگاه روسپی نمی شود».

پس از تشکیل گراندر لژ محلی ایران و همینکه این لژها
تشکیل کمیته تحت نظر گراندر لژ اسکاتلند قرار گرفتند^۲، انگلیسها مسئله
مرکزی واحد تشکیل کمیته مرکزی واحد^۱ و ضرورت بوجود آمدن آنرا
عنوان کردند. بهانه تشکیل این کمیته مرکزی را ایجاد حسن
روابط بین لژهای انگلیسی و فرانسوی که هر دو تحت نظر «گراندر لژ محلی ایران»
کار می کنند، دانستند. این کمیته مرکزی از فراماسونهای که مقام Raining
Master دارند تشکیل شده و بدین ترتیب يك قدم دیگر در راه تسلط کامل انگلیسها
بر فراماسونهای فرانسوی برداشته شده است.

۱ - در سال ۱۳۴۰ شمسی یکی از استادان فراماسونری فرانسوی مهندس احمد حسامی
را دعوت بدخول در لژ فراماسونری می کند. مهندس حسامی پس از اینکه سخنان او را خوب
گوشی می دهد پاومی گوید. يك ناسیونالیست باشرف هیچگاه انترناسیونالیست نمی شود، چنانچه
زن عفیف و نجیب شوهر دار هیچگاه روسپی نمی شود.

پ. م. م. پ. ج
 لژ بزرگ ناحیه فرانسه
 لژ بزرگ ناحیه ایران



آقای محترم و برادر عزیز

بسم‌نور استاد اوچمنه بدینوسیله با اطلاع آن برادر گرامی
 میرساند که جلسه عادی لژ محترم مولوی در ساعت ۳ بعد از ظهر
 روز سه شنبه ۹ اسفندماه ۱۳۳۶ (۲۰ فوریه ۱۹۶۸) تشکیل میگردد
 خواهشمند است ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر به محل لژ بزرگ ناحیه
 ایران تشریف بیادارید.

دبیر لژ مولوی
 عباسی هالک

تهران - ایران

شماره ۴۱۰ خیابان جعفری سینا (پهناستان)

بنیان گزاران لڑ مولوی در پاریس

دکتر - احمد هومن	استاد دانشگاه
دربادار عبدالله ظلی	افسر نیروی دریائی
دکتر محمود هومن	استاد دانشگاه
دکتر عباسعلی خلعتبری	دیپلمات وزارت امور خارجه
رشیدی حائری	« « « «
محمد ساعد	نخست وزیر اسبق
مهدی شوکتی	محضر دار
عبدالحمید سنندجی	دیپلمات وزارت امور خارجه
محمدعلی امام شوشتری	صاحب منصب باز نشسته گمرکات

اعضای افتخاری لڑ مولوی

برادر بسیار محترم وان هك	برادر محترم جی . جاكسون
برادر بیار محترم آ . ال . دروزیر	برادر محترم پیر ماریل
برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک	برادر محترم عیسی بهزادی
برادر بسیار محترم هارک درابل	برادر محترم ژاک مرینا
برادر بسیار محترم ال . دی . استریک	برادر محترم رویرت میشا
برادر محترم ن . گرانشتین .	برادر بسیار ارجمند محمد جهان شاهی
	برادر بسیار ارجمند هوشنگ ظلی
	برادر ارجمند ژرژ ژوئن
	برادر ارجمند هاکس دوسکی
برادر محترم ژرژ پروو	
برادر محترم . اس . جی . ال . همبرت	
برادر محترم شارل ویورل	

استادان ارجمند لژ مولوی در ده سال فراماسونری

برادر محترم دکتر احمد هومن	۱۳۳۶ - ۱۳۳۴ -
برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک	۱۳۳۸ - ۱۳۳۶ -
برادر محترم دکتر محمود هومن	۱۳۴۰ - ۱۳۳۸ -
برادر محترم در یادار عبدالله ظلی	۱۳۴۱ - ۱۳۴۰ -
برادر محترم علی مرندی	۱۳۴۲ - ۱۳۴۱ -
برادر بسیار ارجمند رشیدی حائری	۱۳۴۳ - ۱۳۴۲ -
برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح	۱۳۴۴ - ۱۳۴۳ -
برادر بسیار ارجمند عیسی مالک	۱۳۴۵ - ۱۳۴۴ -
برادر ارجمند محمد حسن افخمی	۱۳۴۶ - ۱۳۴۵ -
برادر ارجمند محمد حسن مشیری	۱۳۴۷ - ۱۳۴۶ -

همانطوریکه قبلاً گفته شد، برای اداره لژهای فراماسونری، در اول هر سال ماسونی (مهر ماه تا پایان سال و سه ماه اول سال بعد) انتخاباتی صورت می‌گیرد. انتخاب شوندگان در لژهای انگلیسی بنام «افسران لژ» و در لژهای فرانسوی بنام «سالاران لژ» نامیده می‌شوند. کسانی که برای اداره لژها انتخاب می‌شوند، هر يك دارای هشاغلی هستند، که بنا به اهمیتی که در سازمان‌های ماسونی دارند انتخاب می‌گردند و مسئولیت عهده دار شده را در یکسال ماسونی انجام می‌دهند. اینک انتخابات سه سال لژ مولوی را ذیلاً نقل می‌کنیم:

سالاران سال ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ ش - ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶ م

برادر ارجمند عیسی مالک	استاد ارجمند
برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح	استاد پیشین
برادر محمد حسن افخمی	نگهبان اول
برادر محمد حسن مشیری	نگهبان دوم

برادر سر لشکر سید محمود میر جلالی	امین خیریه
برادر سر تیپ عبدالله توماج	خزانه دار
برادر محمد علی صدری	دبیر
برادر محمود رئیس	رئیس تشریفات
برادر ابوالحسن شاهر	کارشناس اول
برادر اسداله صوفی املشی	کارشناس دوم
برادر پرویز یگانه کی	معاون رئیس تشریفات
برادر جمشید بهروش	پرده دار
برادر دکتر امیر اسفندیاری	خوانسار
برادر رضا اسفندیاری	خوانسار
برادر علی اصغر سلسبیلی	دریان

سالاران نژد در سال ۱۳۴۵ - ۱۴۴۶ ش - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷ م

برادر ارجمند محمد حسن افخمی	استاد ارجمند
برادر بسیار ارجمند عیسی مالک	استاد پیشین
برادر محمد حسن مشیری	نگهبان اول
برادر ابوالحسن شاهر	نگهبان دوم
برادر محمود رئیس	امین خیریه
برادر سر تیپ عبدالله توماج	خزانه دار
برادر جعفر منصوریان	دبیر
برادر اسداله صوفی - جمشید بهروش	رئیس تشریفات
برادر عبدالعلی سمندری	کارشناس اول
برادر دکتر محمد علی صدری	کارشناس دوم
برادر دکتر عبدالله فتحی	معاون رئیس تشریفات

برادر زوربك ديلاڻيان	ارگ نواز
برادر پرويز يگانگي	پرده دار
برادر علي اصغر سلسبيلي	خوانسار
برادر داود ميشائل	دربان

سالاران لژ در سال ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷

برادر ارجمند محمد حسن مشيري	استاد ارجمند
برادر ارجمند محمد حسن افخمي	استاد پيشين
برادر ابوالحسن شاعق	نگهبان اول
برادر عبدالعلي سمندري	نگهبان دوم
.	امين خيريه
برادر سرتيب عبدالله توماج	خزانه دار
برادر بيار ارجمند عيسى مالك	دبير
برادر جمشيد بهروش	رئيس تشريفات
برادر دكتور محمدعلي صدري	كارشناس اول
برادر پرويز يگانگي	كارشناس دوم
برادر آلبريك خاچاطوريان	معاون رئيس تشريفات
برادر جعفر منصوريان	پرده دار

در درون لژ های فراماسونری ایران، مثل اجتماعات و سایر رویداد های همملکتی رعایت خانواده ها و تقسیم مشاغل و مقامات بین آنان حکمفرماست. مثلاً با وجودی که فرزند دکتر سعید مالک (در اصطلاح ماسونها «شیرزاده» و «ماسون زاده») مدت زیادی نیست که وارد لژ ماسونی شده است، با این حال فراماسون های فرانسوی به علت احترام زاید الوصفی که برای «استاد اعظم» لژ های خود قائل هستند، فرزند ایشان را کاندیدای مقام «استاد ارجمند» که یک کمرجه با مقام پدرشان فاصله دارد

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
عبدولی	محمد حسن	محمد جعفر	۳۲	—	۱۳۲۲/۶/۲۳
مهمی بیهانی	اسداله	قنبر علی	۵۱	تجارت	۱۳۲۴/۱/۷
علی	دکتر عیدالحسین	نصراله	۳۳	دندانپزشک	۱۳۲۲/۷/۵
علی	ناصر	—	۵۰	ملاک	۱۳۳۳/۱/۷
علی	احمد	لغته	۴۵	ملاک	۱۳۳۳/۱/۷
علی	محمد	لغته	۵۰	ملاک	۱۳۲۴/۱/۷
علی	سید ابوالحسن	سید احمد	۴۴	بازرگان	۱۳۳۴/۱/۹
علی	سید محمد علی	حاج سید احمد	۳۲	—	۳۳۴/۱/۱۷
علی	سید محمد علی	حاج سید آقا	۴۰	مالک	۳۳۴/۱/۱۷
علی	دکتر علیمحمد	—	۵۰	پزشک	۱۳۲۴/۱/۹
علی	سید کاظم	عبدالحسین	۵۵	مالک	۳۴/۱/۳۴ مقیم در
علی	رحمت اله	—	—	نفت ملی	۴۴/۱/۹
مهرپر	زید	عبدالحسین	۴۰	بازرگان	۳۳۳/۱/۲۴
علی	سید محمد	سید جعفر	۴۷	بانک ملی	۳۳۳/۱/۲۹
علی	محمد حسن	خلف	۴۲	پست و تلگراف	۳۳۳/۱/۲۹
علی	حاج علی	حاج فیصل	۴۷	بازرگان	۳۳۳/۱/۲۹
علی	علی	حسین	۴۵	بازرگان	۳۳۴/۳/۲۲
علی	حاج علی	حاج یوسف بیهانی	۴۴	—	۳۴/۱/۲۹
مهرپر	علی اکبر	محمد شفیع	۴۹	بازرگان	۲۳۴/۲/۱۰
علی	سید کاظم	محمد جعفر	۵۲	قاضی	۳۳۴/۱/۲۸
علی	دکتر تمدن	احمد	۴۶	—	۳۳۴/۳/۲۲
علی	دکتر ذبیح	علی	۴۹	طبابت	۳۳۴/۱/۲۸
علی	محمد علی	حبیب اله	۴۷	ملاک	۲۳۴/۴/۱۰
علی	سالم	حسین	۳۸	مالک	۲۲/۱۰/۱۵
علی	فضل علی	علیقلی	۴۱	دامستان تبریز	۳۳۳/۵/۲۴

نمودند . جلسه استادی ایشان طبق دعوت نامه دبیر لژ مولوی بدین شرح انجام پذیرفت :

استقرار

برادر عیسی مالک استاد انتخاب شده

توسط

برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح استاد ارجمند

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند از آن برادر گرامی دعوت می شود در مراسم استقرار استاد انتخاب شده لژ محترم مولوی شماره ۴۹ - در ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۳۱ فروردین ماه ۱۳۴۴ مطابق با ۲۰ آوریل ۱۹۶۵ - به محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورند .

بجای دبیر لژ مولوی
محمد حسن مشیری

لباس : اسمو کینگ - دستکش سفید

شام برادرانه در سائن اختصاصی صرف خواهد شد .

سازها

۱ - گشودن لژ

۲ - قرائت دعوتنامه

۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۷ بهمن ماه ۴۳ و صورت جلسه فوق العاده مورخ ۱۲ اسفند ماه ۱۳۴۳

۴ - قرائت ترازنامه و اخذ رأی

۵ - استقرار از استاد ارجمند انتخاب شده برادر عیسی مالک بوسیله

برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح

- ۶ - انتخاب واستقرار سالاران لژ
 - ۷ - انتخاب نمایندگی لژ در لژ بزرگ ملی فرانسه و لژ بزرگ ناحیه ایران
 - ۸ - انتخاب دو نفر همیزین حساب
 - ۹ - اعطاء نشان استاد پیشین به برادر بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح
 - ۱۰ - مسائل متفرقه
 - ۱۱ - گرداندن کیسه خیریه
 - ۱۲ - پایان کارها
- پس از اینکه «عیسی مالک» بمقام «استادی» رسید، میز «شام برادرانه» برگزار شد و این تشریفات انجام گردید :

تشریفات میز شام برادرانه

- | | |
|--|---------------------------------------|
| استاد ارجمند | سلامتی رؤسای کشورهاییکه از ف . م . |
| | منظم حمایت می کنند |
| استاد ارجمند | سلامتی برادر غایب |
| استاد ارجمند | سلامتی استاد اعظم لژ بزرگ ملی فرانسه |
| | برادر بسیار محترم ارست وان هاك |
| استاد ارجمند | سلامتی استاد بزرگ لژ بزرگ ناحیه ایران |
| | برادر بسیار محترم دكتر سعید مالک |
| استاد ارجمند | سلامتی استاد پیشین لژ محترم مولوی |
| برادر دكتر هوشنگ ظلی | سلامتی اعضاء مؤسس |
| پاسخ بوسیله برادر محترم دكتر احمد هومن | |
| برادر حسن مشیری | سلامتی استادان سابق |
| پاسخ بوسیله برادر بسیار محترم دكتر سعید مالک | |
| برادر محترم دریادار عبداله ظلی | سلامتی برادران مهمان |

پاسخ بوسیله برادر محترم مهندس حسین شقاقی

برادر علی اصغر سلسبیلی

تست دربان

علاوه بر تشریفات فوق که برای برقراری مراسم استادی در لژ مولوی معمول است، برای انجام کارهای جلسات ماهانه نیز برنامه‌هایی اجراء می‌شود که دو نمونه از آنرا نقل می‌کنیم:

لژ مولوی شماره ۴۹

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله به اطلاع شما می‌رساند.

جلسه استقرار لژ محترم مولوی شماره ۴۹ در ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه اول اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ مطابق با ۲۱ آوریل ۱۹۶۴ در محل لژ بزرگ ناحیه ایران واقع در خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشکیل می‌گردد.

دبیر لژ مولوی

حسین علی یآوری

لباس: اسمو کینگ

مسارها

۱ - كشودن لژ

۲ - قرائت دعوتنامه

۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۴۲

۴ - قرائت صورت جلسات فوق العاده ۱۳ اسفند ۱۳۴۲ و ۱۲ فروردین ۱۳۴۳

۵ - قرائت ترازنامه و اخذ رأی برای تصویب آن

۶ - استقرار استاد ارجمند انتخاب شده و برادر عبدالعلی مقتاح

بوسیله برادر بسیار ارجمند رشیدی حائری

و برادر محترم علی مرفندی

۷ - انتخاب و استقرار سالاران لژ

۸ - انتخاب معیزین حساب

۹ - انتخاب نمایندگی لژ در لژ بزرگ علی فراسه و لژ بزرگ ناحیه ایران

۱۰ - قرائت دوم واخذ رأی نسبت بدرخواست عضویت بیگانه پرویز یگانگی
مقوله ۱۳۱۶ درهمدان - شغل بازرگان - معرف برادر سید محمد میرهادی و برادر
اسفندیار یگانگی

۱۱ - مسائل متفرقه

۱۲ - گرداندن کیسه خیریه

۱۳ - پایان کارها

برنامه جلسه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۵

کارها

۱ - گشودن اثر

۲ - قرائت دعوتنامه

۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۷ اردیبهشت عام و صورت جلسه فوق العاده

۱۴ خرداد ماه ۱۳۴۵

۴ - قرائت اول درخواست عضویت آقای محمود بهمنیار مدیر عامل و رئیس

هیئت مدیره شرکت سهامی بن شیم معرف برادران اسداله صوفی و مسعود هدایت

۵ - مراسم ارتقاء برادران نامبرده زیر به پایه سوم

برادر محمد روستا

برادر آلبریک خاچاطوریان

۶ - قرائت دوم واخذ رأی نسبت بدرخواست عضویت آقایان نامبرده پائین:

آقای محمد علی عبادی - مشاور عالی سازمان اصلاحات ارضی معرف برادر

فلامحسین امیری فراگزلو و برادر پرویز یگانگی.

آقای مهندس مسعود استوار - مهندس راه در اداره کل نظارت و وزارت راه -

معرف برادر بسیار ارجمند هوشنگ ظلی و برادر علی کوچکعلی.

آقای منوچهر طلیعه - مستشار دادگاه جنائی تهران - معرف برادر محترم

احمد هومن و برادر مسعود هدایت .

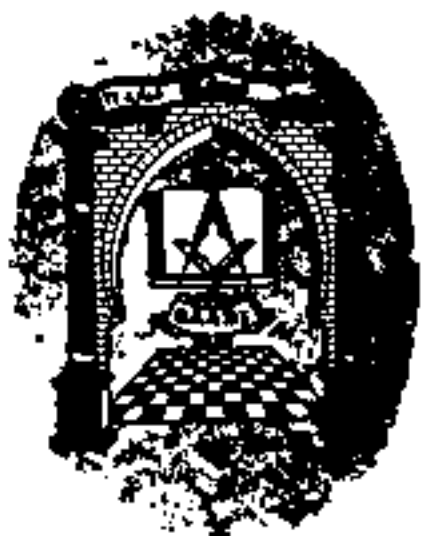
۷ - مسائل متفرقه

۸ - گرداندن کیسه خیریه

۹ - پایان کارها

ب . س . م . پ . ج

لوزدگه ملی فرانسه
لوزدگه ناحیه ایران



شماره ۳۱۰ خیابان بوعلی سینا (بهارستان)
تهران - ایران

پ . س . م . ب . ج .

لژ بزرگ ملی فرانسه

لژ بزرگ ناحیه ایران

لژ سعدی شماره ۶۶ -

شماره ۴۱۰ - خیابان بوعلی سینا (بهارستان) تهران - ایران

سالاران لژ در سال ۱۳۴۷ - ۱۳۴۶ - ۱۹۶۸ - ۱۹۶۷ -

استاد ارجمند

برادر ارجمند علی کوچکعلی

استاد پیشین

برادر ارجمند مهدی فرهودی حسابی

نگهبان اول

برادر دکتر احمد دارائی

نگهبان دوم

برادر محمدعلی سید حسنی

امین خیریه

برادر علی قلی هدایت

خزانه‌دار

برادر جواد کمالیان

دبیر

برادر ابراهیم امامی خوئی

رئیس تشریفات

برادر مهندس بهمن بهزادی

کارشناس اول

برادر مهندس ابوتراب روحانی

کارشناس دوم

برادر مهدی کمالیان

معاون خزانه‌دار

برادر جهانگیر جهاننداری

دبیر یار

برادر ابراهیم میرزاء حسابی

برادر مهدی لشکری	معاون رئیس تشریفات
برادر مهندس جلیل زراندوز	پرده دار
برادر غلامحسین آزر	خوانسار
برادر ضیاءالدین ضیائی	خوانسار
برادر دکتر پرویز رفوآه	دربان

اعضاء مؤسس نژاد

برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک
 برادر محترم دکتر احمد هومن
 برادر محترم دکتر محمود هومن
 برادر محترم علی مرندی
 برادر محترم دکتر عباس معتمدی
 برادر محترم عیسی بهزادی
 برادر بسیار ارجمند علی اکبر موسوی
 برادر بسیار ارجمند عیسی مالک
 برادر بسیار ارجمند دکتر اسماعیل فیلسوفی
 برادر بسیار ارجمند نعمت اله خان اکبر
 برادر بسیار ارجمند غلامحسین صارمی
 برادر بسیار ارجمند سید محمد میرهادی
 برادر بسیار ارجمند علی اصغر سلسبیلی
 برادر ارجمند مهدی شوکتی (مرحوم)
 برادر سید علی نصر (مرحوم)
 برادر دکتر ابوالقاسم نجم آبادی
 برادر سرلشکر حسن بقائی
 برادر دکتر خابا بایانی

اعضاء افتخاری لژ سعدی

برادر بسیار محترم ارنست وان هك
 برادر بسیار محترم آ. ال. دروزیر
 برادر بسیار محترم مارك درابل
 برادر بسیار محترم ك. ون اسنایدر
 برادر محترم شارل ویورل
 برادر محترم ژان موئه

استادان ارجمند لژ سعدی

برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک ۱۳۳۹ - ۱۳۴۰
 برادر بسیار ارجمند دکتر اسماعیل فیلسوفی ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱
 برادر محترم دکتر عباس معتمدی ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲
 برادر محترم موسی آقین ۱۳۴۲ - ۱۳۴۳
 برادر بسیار ارجمند علی اکبر موسوی ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴
 برادر بسیار ارجمند محمد جهانشاهی ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵
 برادر ارجمند مهدی فرهودی حسابی ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶

اکنون که با مؤسسين لژ سعدی و کارگردانان سال فراماسونری (۱۳۴۶ - ۱۳۴۷)

آشنا شدیم، دو دعوتنامه جلسات ماهانه لژ مذکور را نقل می‌کنیم:

لژ سعدی شماره ۶۶

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله به اطلاع شما می‌رساند جلسه استقرار لژ

محترم سعدی شماره ۶۶ در ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۵ فروردین ماه ۱۳۴۳

مطابق با ۱۴ آوریل ۱۹۶۴ در محل لژ بزرگ ناحیه ایران واقع در خیابان بهارستان

شماره ۴۱۰ تشکیل می گردد .

دبیر لژ سعدی

موسی خطاطان

لباس : اسمو کینگ

کارها

- ۱ - گشودن لژ
- ۲ - قرائت دعوتنامه
- ۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۱۰ اسفندماه ۱۳۴۲
- ۴ - قرائت صورت جلسه فوق العاده مورخ ۲۷ اسفندماه ۱۳۴۲
- ۵ - قرائت ترازنامه و اخذ رأی برای تصویب آن
- ۶ - استعقرار استاد ارجمند انتخاب شده برادر علی اکبر موسوی بوسیله :
برادر محترم عباس معتمدی
- و
- برادر محترم محمود هومن
- ۷ - انتخاب و استعقرار سالاران لژ
- ۸ - انتخاب ممیزین حساب
- ۹ - انتخاب نمایندگی لژ در لژ بزرگ ملی فرانسه و لژ بزرگ ناحیه ایران
- ۱۰ - مسائل متفرقه
- ۱۱ - گرداندن کیسه خیریه
- ۱۲ - پایان کارها

(شام برادرانه در سالن اختصاصی صرف خواهد شد)

آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله با اطلاع آن برادر گرامی می رساند که جلسه عادی لژ محترم سعدی ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۴۶ (۱۳ فوریه

(۱۹۶۸-) تشکیل می گردد .

خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر به محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورید .

دبیر لژ سعدی
ابراهیم امامی خوئی

کارها

- ۱ - گشودن لژ
- ۲ - قرائت دعوتنامه
- ۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۱۹ دیماه و صورت جلسه فوق العاده -
۷ بهمن ماه ۱۳۴۶
- ۴ - قرائت اول درخواست عضویت بیگانگان نامبرده زیر :
آقای حسین خداداد - مدیر شرکت الکتروادیسون - معرف برادر رضاشایگان
واستاد ارجمند علی کوچکعلی .
آقای مارک خازن زاده مدیر پارک هتل - معرف برادر محترم موسی آبتین و
برادر بسیار ارجمند سلسبیلی
آقای مهدی فیروز - بازرس قضائی کل کشور - معرف استاد ارجمند علی -
کوچکعلی و برادر ابراهیم
- ۵ - مراسم سیر بیگانگان نامبرده پائین :
آقای مهندس طلعت آلیانویی
آقای مهندس محمد حسین امید سالار
- ۶ - قرائت دوم واخذ رأی نسبت بذخواست عضویت بیگانگان
عبدالحسین مشیر فاطمی - رئیس هیئت نظارت بانک مرکزی ایران - معرف
برادر محمد رضا امید سالار و برادر بسیار ارجمند فرهودی حسینی

نام خانوادگی	نام	نام پدر	سن	شغل	تاریخ ورود
مولتی	مظفر	غفار	۴۰	مالك	۱۳۳۳/۱۰/۱۵
مجتهدی	دکتر علی اکبر	مصطفی	۵۱	دانشیار دانشکده	۱۳۳۳/۱۰/۱۹
محمودیه	احمد	محمود	۴۷	بازرگان	۱۳۳۳/۱۰/۰۶
موسوی	اسحق	مصیب	۵۰	«	۱۳۳۳/۵/۲۴
تبوی	مهدی	عبدالعلی	۵۱	دارائی	۱۳۳۳/۵/۲۴
یامائی	حسن	اسماعیل	۴۵	وکیل دادگستری	۱۳۳۳/۵/۲۴

دیپلم فراماسونری

از روزیکه فراماسونری سیاسی بوجود آمد، (۱۷۱۲ م
 ۱۶۶۹ م) ، سازمان‌های ماسونی در سراسر جهان به اعضاء خود
 اوراق و اسنادی می‌دهند که آنرا «دیپلم فراماسونری» نام نهاده‌اند.
 این اسناد هنگامی به عضو ماسون داده می‌شود که یکی از درجات
 (شاگرد - رفیق - استاد) را طی کرده باشد.

سازمان فراماسونری لژ همایون نیز به کلیه اعضاء خود
 دو نوع دیپلم می‌داد. در بالای این دیپلم‌ها مهر و امضاء «حنایی»
 (باشد) معمار بزرگ گراندد لژ و محفل اکبر مثالی عالمی «
 بچشم می‌خورد. مهر و امضاء دیگر متعلق به «خلیل ابو خدود»
 گراندد ماستر، مقام بیروت است که مؤسسين لژ همایون در ایران
 می‌باشند، و در عین حال مشارالیه «تنصیب کننده» مؤسسين این لژ در
 تهران نیز بوده است.

ابنك برای نخستین بار چند نمونه از دیپلم‌های اعطائی به
 لژ همایون که فتوکپی آنها را یکی از دبیران لژ مذکور در
 اختیار ما گذارده، درین جا نقل می‌کنیم، امید است در آتیه
 بتوانیم تعداد زیاده‌تری منتشر کنیم:

آقای یوسف رئیس سمیعی - دادستان دیوان کیفر - معرف برادر دکتر بابایان و
 برادر بسیار ارجمند مهدی فرهودی حسابی
 آقای دکتر احمد امید - دکتر کشاورزی - معرف برادر محمدرضا امیدسالار
 و برادر ارجمند دکتر خان بابایانی
 ۷ - مسائل متفرقه
 ۸ - گرداندن کیسه خیریه
 ۹ - بستن لڑ

لڑ حافظ شماره ۶۸ در شیراز

همانطور که قبلاً گفتیم، استان فارس و شهر شیراز همواره مورد توجه فراماسونها بوده است. نخستین لڑ فراماسونی، بوسیله افسران ارتش انگلیس در این شهر تشکیل شد، که اکنون نیز پس از گذشت پنجاه سال، هنوز در ایران فعالیت می‌کند. این لڑ که فراماسونری انگلیسی «اسکاتلند» را در سراسر کشور رواج داده است، همین که نخستین سازمان فراماسونری فارسی زبان در ایران تأسیس شد، دستور تأسیس لڑی را در شیراز صادر کرد. لڑی که در شیراز تأسیس شد در ردیف لڑهای جهانی با شماره ۶۸ گردانده و نال دفرائس به ثبت رسیده، و در روز ۱۹ می ۱۹۶۰ در تهران تأسیس و تقدیس شد و سپس به شیراز منتقل گردید. در تأسیس این لڑ هشت نفر زیر عنوان مؤسسين و اعضای مؤثر معرفی شده‌اند:

- ۱ - دکتر ذبیح قربان - رئیس دانشکده پزشکی.
- ۲ - دکتر فرهمندفر - استاد دانشگاه شیراز.
- ۳ - دکتر تمدن فرزانه - استاد دانشگاه شیراز.
- ۴ - مهندس خمسی - میکانیک کارخانه برق.
- ۵ - کاظم دستغیب.

۶ - علی اکبر خلیلی شیرازی - بازرگان .

۷ - محمود دهقان - رئیس سازمان برق شیراز

۸ - احمد نادری وکیل دادگستری .

در سال های ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۹ (۱۹۵۸-۱۹۶۰) يك فراماسون امریکائی بنام پرفسور «جیراندو» ایتالیائی الاصل ، که استاد تشریح دانشکده طب شیراز بود ، در جلسات لژ مولوی شیراز شرکت می کرد. او چون يك ماسون قدیمی بود، فراماسونهای شیرازی را در انجام تشریفات راهنمایی می کرد .

در سال ۱۳۳۹ - ش (۱۹۶۰ - م) لژ حافظ ، هنگام پذیرفتن يك عضو جدید دچار اختلافاتی شد ، که نتیجه این مبارزات داخلی به افشاء اسرار محرمانه لژ در شهر شیراز منجر شد .

پس از این حادثه لژ مولوی کنترل بیشتری را بر لژ حافظ اعمال کرد . هر ماه که جلسه لژ تشکیل می شد ، قبلاً غلامحسین صارمی «استاد ارجمند» لژ مولوی از تهران به شیراز می رفت و کرسی استادی لژ را عهده دار می شد و یکی دو بار که از رفتن بشیراز خودداری کرد ، مورد توبیخ و سرزنش «استاد اعظم» دکتر سعید مالك قرار گرفت. از این پس لژ حافظ با اختفا و حفظ اسرار بیشتری اداره می شد. اینك می پردازیم به بحث درباره دکتر ذبیح قربان و چگونگی برکناری او از مشاغل گوناگون^۱ :

شهر شیراز همواره مرکز ادب ، علم و دانش و شعر و شاعری بوده است، بهمین جهت هر حادثه و رویدادی در این شهر مورد بحث محافل علمی و ادبی قرار گرفته و بالعکس العمل ها و بحث و انتقادهای گوناگون روپرو می شود. از بدو تشکیل دانشگاه شیراز ، در این شهر اختلافاتی بین دکتر ذبیح اله قربان رئیس اسبق دانشگاه و استادان پدید آمد. مبارزاتی که طی سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ - ش بین رئیس دانشگاه شیراز و استادان عضو لژ فراماسونری «حافظ» وابسته به «کراند لژ محلی ایران»

اختلافات و عزل

استاد ماسونی

از یکطرف، و مخالفین آنها از طرف دیگر رویداد، سبب شد که اسامی اعضای سازمان فراماسونری شیراز افشاء شده و عملیات محرمانه آنها بر ملا شود.

در سال ۱۳۴۰ ش (۱۹۶۱-م) که محمد درخشش وزیر فرهنگ شد، دکتر ذبیح‌اله قربان رادرنیمه اول سال ۱۳۴۰ از کار برکنار کرد. اگرچه دکتر قربان در نیمه اول سال ۱۳۴۱ یعنی یکسال پس از عزل - دوباره کرسی ریاست دانشگاه شیراز را اشغال کرد، معذالک کسانی که با فراماسونهای شیرازی مبارزه می‌کردند، در همان مدت کوتاه موفق شدند، اسرار فعالیت دکتر قربان و فراماسونهای شیرازی را افشاء کنند. مقاله زیر که بقلم فریدون توللی شاعر شیرین سخن پارسی در مجله سپید و سیاه چاپ شده، نمونه کوچکی از عملیات فراماسونهای شیرازی و «استاد اعظم» آنها دکتر ذبیح‌اله قربان را فاش می‌کند، که عیناً نقل می‌شود:

«یکی از اقدامات بسیار پر ارزش درخشش وزیر فرهنگ عزل مردی است بنام (دکتر قربان) که سالیان دراز، فارس و فارسی در زیر سیطره و نفوذ پایان ناپذیر این مرد می‌سوخت و می‌ساخت. برکندن و بانتظار خدمت نشاندن رئیس دانشگاه شیراز را با هیچیک از اعمال درخشش نمی‌توان هم‌تراز شمرد، برای مزید اطلاع خوانندگان و مبارزه بزرگ وزیر فرهنگ در باره عزل (مرد سیزده شعله؟) مبادرت بچاپ مقاله زیر که بقلم نویسنده مطلع ارجمنندی است گردید».

«شاید عزل و تعقیب قانونی دکتر ذبیح‌اله قربان که درخشش در دو مین مصاحبه مطبوعاتی و رادیوئی خود از دوازده شغل خطیر دیگر وی نیز به اختصار سخن راند از چشم مردم پایتخت و سایر هموطنان غیر فارسی ما، امری ساده و ینانیمه دشوار تلقی شود و بهر حال چنین تصور کنند که مشکلات این عمل نیز در ردیف کارهای دیگر درخشش بوده است؟ ولی مردم فارس و خصوصاً اساتید و دانشجویان دانشکده های مختلف این استان که سالیان دراز، لگدکوب قدرت اهریمنی «قربان» و شاهد قانون- شکنیها و ستمگریهای بی‌امان این پرورده مکتب «فراماسون» بوده از تظلم به

عالیترین مقامات مسئول مملکت نیز جز حبس و تبعید و اخراج نتیجه نگرفته‌اند خوب می‌دانند که درخشش درین مصاف برچه از در سهمناک و شکست ناپذیری غالب شده و تاجه پایه خطر کینه‌توزی عظیم‌ترین قدرتهای مرموز و بی‌گذشت را بجان خریده است.

«قربان» نه تنها با احراز سمت ریاست دانشگاه و در انحصار کشیدن متجاوز از پنجاه سمت رسمی و غیر رسمی دیگر، برفع میاست بیگانه، بر سراسر فارس پنجه قدرت نهاده بود، بلکه کار این اقتدار و نفوذ را بدانجا کشانیده بود که سال گذشته با وجود اعتصاب عمومی و قانونی اساتید و دانشجویان دانشگاه شیراز و هماهنگی باطنی استاندار و عالیترین مقامات تأمیننی فارس با این جماعت روشنفکر و کثیر که با ذکر دلائل و مدارک محکمه پسند خواستار رفع شروی بودند، همچنان بر اریکه قدرت شیطانی خویش باقی ماند و به دستیاری و پشتیبانی «مهران» وزیر فرهنگ وقت، تنی چند از شایسته‌ترین و محبوب‌ترین استادان و دانشیاران آن دستگاه را نیز منتظر خدمت و ویلان نمود. تا آنجا که نه تنها استاندار مقتدر نمای فارس در پیشگاه این رولینه‌تن بیگانه پرست سپرافکند، بلکه قدرتهای تأمیننی مافوق استاندار هم دانستند که هرگز تیغ ایشان بر پروردگان فراموشخانه سیاستهای کهن، برآ - نخواهد بود.

برای آنکه خواننده عزیز، بر نمونه‌ای از نفوذ جهنمی «قربان» وقوف یابد و کار عظیم و پیرارج درخشش را آنقدرها هم سهل و ساده نپندارد، بایستی عرض کنم که در گرما گرم ماجرای سال گذشته، پس از آنکه دکتر قربان کلیه اقدامات استاندار و مقامات تأمیننی فارس و گزارش‌های تند و صریح آنان را، در مراجع عالییه مملکتی بی‌اثر گذاشت، مقامات مزبور با این تصور که چنانچه مدارک ارتباط مخفی دکتر ذبیح قربان را با اعمال سیاسی بیگانه بدست آورده و به تهران بفرستند، موجبات رفع شبهه مرکز را در پاکدامنی و میهن پرستی وی فراهم خواهند کرد، مدتی چند «خانه مرموز سرکیس ارمنی» را بهتر بگویم مرکز فعالیت و مشاوره و کسب دستور فراماسون ها را زیر نظر گرفتند

و خلاصه ضمن کنترل رفت و آمدهای قربان و همدستان وی و کلویش بعدی آن خانه موفق شدند مدارك مورد نظر را به يك مركز انتظامی برده و ضمن بازجوئی از شخص دكتر قربان گزارش نهائی امر را برای ارسال بتهران تکمیل نمایند، تصور می‌رفت که دكتر قربان در برابر اسناد مورد بحث کوتاه آید و علی‌المعمول در مقام انکار یا ادعای جعل خط و امضاء خود برخیزد، ولی عكس العمل وی آنچنان خلاف انتظار از آب درآمد که رندان غلاف کردند و بر عظمت حضرتش آفرینها خواندند! بدین معنی که آقای ریاست دانشگاه و ده هاشغل دیگر، نه تنها مراتب مدارك را تکذیب ننمود، بلکه اسامی چندین تن از شخصیت‌های بسیار عالی‌مقام تهران را نیز بعنوان همکار مسلکی و هم لژ (حوزه‌های بزرگ فراماسونی را لژ می‌گویند) و معرف و رابط تشکیلاتی خود بر زبان آورد و گویا ذیل وزقه بازجوئی محرمانه هم استدعا کرد که چون فعالیت دستجمعی نامبردگان در تهران و شهرستانهای مهم کشور بخاطر مجد و علای کشور صورت گرفته و عضویت در فراموشخانه هم ذر قوانین مملکتی ایران جرم شمرده نشده، چنانچه مقامات تأمینی مزبور خواستار تحقیق کامل موضوع هستند بهتر است از آقایان، ... و ... هم در این زمینه سؤالانی بعمل آورند و البته پر واضح است که آقایان مزبور اشخاصی نبودند که بتوان بدون تعظیم مسجد خاکبوسی مشرف حضور ایشان گردید، تا چه رسد به جسارت پرس و سؤال! بطور خلاصه برخی از این آقایان عظام همانهایی بودند که سالهاست پی برداری غارت عتیقات موزه ایران باستان و فعل و انفعالات انجام یافته در سدسازیهای بزرگ کشور و نظائر آن تاپای حصن حصین و دژ استوار شخصیت ایشان رفته و همان جا محو و نابود گردیده است، خلاصه آنکه هر چه مقامات دولتی فارس، بتهران نوشتند که با باجان صلاح مملکت نیست که بخاطر ابقاء مرد متجاوز و قانون شکن و دسیسه کار و مرموزی چون دكتر ذبیح‌اله قربان، تمامی استادان و دانشجویان و دانشیاران يك دانشگاه را که از طرف اکثریت مردم فارس هم پشتیبانی می‌شوند سرکوب نمود و به مرد دشمن تراش و دروغ پردازی این چنین،

اجازه داد که این همه در مورد خود از حمایت های مقامات لاف و گزاف زند، نه تنها مشر نمیگردید، بلکه همان هایی که از سال ها باین طرف برای حفظ منافع نامشروع و یغمای بی حد و حصر خویش میان شاه و ملت پرده استتار کشیده اند، چنان دستگاههای قدرت مرکزی را بحمايت از «قربان» برانگیختند که تا بمرده در مدتی کوتاه تمامی مدعیان خود را در آتش انتقام افکند و بکمر «مهران» دمار از روزگار همه بر آورد و شاخ مبارکش را بمدد سوهان کلو بندی وزیر، تیز تر نمود.

از افتضاحات دیگری که قربان به همدستی مستر شارپ انگلیسی کشیش کلیسای شمعون غیور شیر از انجام داده و در سال قبل در مجله های تهران و سیلوه محقق دانشمند محیط طباطبائی مورد بررسی دقیق قرار گرفته یکی هم انتخاب (آرم - دانشگاه شیراز) می باشد، که طبق النعل بالنعل از نقش سپر عیسویان در جنگهای صلیبی اتخاذ شده و با تردستی زیر کانه ای بخورد ملت شریف و بردبار ایران رفته است. آن هم ملتی که خود دارنده قدیمی ترین دانشگاههای دنیا بوده و نوابغ جاویدانی از قبیل ابن سینا و رازی و فارابی و بیرونی و خیام را تقدیم عالم بشریت کرده است، افسوس که نگارنده این مقاله کوتاه را مجال آن نیست تا در این مختصر از مرقومات فاضلانه محیط، استمداد جوید و نقاب از چهره بیگانه پرستان بر کشد، ولی آنان که طالبند می توانند به مرجع فوق الاشعار عنایت فرمایند و ضمناً از حضرت محیط پیرمند، آنان بصدر زبان سخن می گفتند - آیا چه شنیدند که خاموش شدند؟

در معرفی دکتر ذبیح اله قربان و عقیده ای که مردم شیراز درباره وی از سر تجربه و تحقیق دارند، همین بس که چندین سال قبل که دولت وقت بمناسبت حوادث آن هنگام در ب سفارت فخمیه و قونسلگری های تابعه آن را با قطع ارتباط فیما بین فرو بست، مردم شیراز، اهمیت چندانی به تعطیل قونسلگری آن دیار نگذاشتند و رندانه چنین گفتند:

«احمق آن است که بآبودن قربان از تعطیل قونسلخانه خوشحال شود»

شما را بخدا فکر کنید، وقتی که يك غير مسلم، تمام قدرت و نفوذ شیطانی

خود را برای منکوب کردن صدها استاد و دانشجوی مسلمان و هزاران فرهنگی دین دار و وطن پرست به کار می اندازد و در این مبارزه از طرف بسیاری از روحانی نمایان متنغد فارس هم به قلم و قدم پشتیبانی می شود ، آیامی توان مبارزه و حشیانه او را ساده و بی ارتباط با سیاست های تحریک آمیز ییکانگان تلقی کرد ؟

بهر حال این کار ... ، کاری بس عظیم بوده و ییگمان از طرف عموم مردم شیراز و دانشگاهیان رنج کشیده آن دیار (نه هم دستان قربان) به عالی ترین وجه ممکنه مورد سپاس قرار خواهد گرفت . اگر ... در تمام طول وزارت خود ، همین يك كار بزرگ را هم انجام داد ، کافی بود كه مردم فهیم و خردمند فارس مجسمه وی را در داخل شهر برافرازند و قیل آن بنویسند :

« این است مجسمه مردی كه باشاهت خود ما را از دسائس قربان و قربان را از دوران كینه انباشته مانجات بخشیده . »

حقیقت این است كه چنانچه درخشش ، چند صباحی دیگر در بر كندن قربان تأخیر كرده بود ، شاید سر توشت ... باو خامت و فضیحت بیشتری . گریبان گیر ریاست سیزده شغل دانشگاه شیراز می كردید و كار از كار می گذشت .

زوال قربان را باید زوال مقتدرترین مظهر سیاست استعماری در سرزمین فارس بشمار آورد . زیرا این یدیده خطرناك كه به شهادت ترقیات سریع و بهشت آورش از يك سیاست خارجی عمیق سرچشمه گرفته است ، كم مانده بود كه با - برافروختن آتش انقلاب ، دانشگاه شیراز را به خاك و خون كشد ، و خود ... وار از میان معر كه رخت سلامت برد ! » .

ب . ب . س . ۲۰ . ب . ج
 لژ بزرگ ملی فرانسه
 لژ بزرگ ناحیه ایران



لژ مزدا شماره ۷۹

آقای محترم و برادر عزیز .

با کمال احترام از جنابعالی دعوت میشود دو جلسه استقرار
 برادر مهندس رضا وزم آرا استاد ارجمند انتخاب شده لژ محترم مزدا
 که در ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۴۴ (۵ مارس ۱۹۶۶)
 تشکیل میگردد . به محل لژ بزرگ ناحیه ایران خیابان بهارستان
 شماره ۴۱۰ تشریف بیاورید .

خواهشمند است در شام برادرانه ای که از طرف استاد ارجمند
 داده خواهند شد نیز شرکت فرمائید .

دبیر : محسن کلانتری

لباس : استرگینک

لژ مزدا شماره ۷۹

هفتمین لژ فراماسونری فرانسه در ایران، لژ «مزدا شماره ۷۹» نام دارد، که روز دوم مارس ۱۹۶۳ (نهم اسفند ۱۳۴۳-ش) در تهران تأسیس و تقدیس شده است. این لژ که در یکسال فراماسونری ۹-ماه - و در روزهای اولین شنبه هر ماه مسیحی جلسات ماهانه خود را تشکیل می‌دهد، بعد از لژ مولوی، از فعالترین لژهای فراماسونری در ایران است. در تأسیس این لژ سیزده «استادار جمند» و شش فراماسون عادی شرکت داشتند. در حالیکه در تأسیس سایر لژهای فراماسونری بیش از شش ناهفت «استادار جمند» شرکت نداشته‌اند و اینک مؤسسين لژ مزدا را معرفی می‌کنیم:

اعضاء مؤسس لژ مزدا

برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک

» محترم عیسی بهزادی

» بسیار ارجمند محمود ضیائی

» بسیار ارجمند دکتر هوشنگ ظلی

» بسیار ارجمند محمد جهان‌شاهی

» بسیار ارجمند علی اکبر موسوی

» بسیار ارجمند دکتر فتح‌اله جلالی

» بسیار ارجمند غلامحسین صارمی

» بسیار ارجمند نعمه‌اله خان اکبر

» بسیار ارجمند عبدالعلی مفتاح

» بسیار ارجمند رضازم آرا

۱ - در معرفی کارگردانان و مؤسسين این لژ از رساله‌ای که در ۱۲ اسفند ۱۳۴۶ مخفیانه منتشر شد، استفاده شده است.

» ارجمند دکتر خانبا یا بیانی

» ارجمند محمود سلامت

» دکتر رضا فلاح

» عماد تربتی

» علی محمد دهقان

» باقر پیرنیا

» حسین فرهودی

» دکتر عبدالحسین راجی

اعضاء افتخاری لژ مزدا

برادر بسیار محترم دکتر سعید هالک

» محترم دکتر احمد هومن

» محترم دکتر محمود هومن

» محترم عباسقلی گلشائیان

» محترم علی مرندی

» محترم دکتر عباس معتمدی

» محترم موسی آبقین

استادان ارجمند لژ مزدا

۱۹۶۳ - ۱۹۶۴

برادر بسیار ارجمند دکتر فتح‌اله جلالی

۱۹۶۴ - ۱۹۶۵

» بسیار ارجمند دکتر محمود ضیائی

۱۹۶۵ - ۱۹۶۶

» بسیار ارجمند نعمت‌اله خان اکبر

۱۹۶۶ - ۱۹۶۷

» بسیار ارجمند مهندس رضا رزم‌آراء

۱۹۶۷ - ۱۹۶۸

» ارجمند دکتر خانبا یا بیانی

در پنج سال گذشته ، لژ مزدا پنج دوره انتخابات برای اداره کرسی داشته است که اینک در ذیل سالاران و کارگردانان دو سال فراماسو نری را نقل می‌کنیم :

الجمهورية العراقية



المجلس السامي المثالي العالمي للدرجة ٣٣ (الاخيرة)
للطريقة الاكوسية الشهابية والمقبول له الولاء النيل والارضية والتجدي للارسط

Suprême Conseil Idéal Universel
DU 33^{ème} ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ
POUR LA VALEUR DU NİL, L'ÉTHIQUE ET LE MOYEN ORIENT

Monsieur Samir Othman Constantin Dr. Maître de l'Ordre
Exemplaire n° 11 T. 1. C. 1. P. 1. *Exemplaire*
Exemplaire et 11 autres au
nombre des membres de l'Ordre *Exemplaire*
Dr. *Exemplaire* en qualité de Chevalier (Rang
Cristal 10^{ème} degré de la hiérarchie mondiale. Il est au rang n°
et enregistré au registre National Central du L'Ordre dans le
N° *Exemplaire*

Fait officiel et signé au siège de L'Ordre Dr. *Exemplaire*
de l'Ordre

Dr. *Exemplaire*

من التلمذ الاكسوم والاساذ الاكسوم للطريقة
الاكوسية فردان الاخ حسين فرهودي
له ابن منو في مقام ما جيلاند - رقم ٥٥٥
بشرطه بطوري - ابراهيم - رقم ٥٥٥ - رقم ٥٥٥
يحق فاون من الحكماء درجة ١٨ للطريقة
الاكوسية واسم تسجيل من النيل الحام تحت
نمرة ٥٥٥

مرور في المجلس بشرق الحام
في تاريخ ١٩٥٥

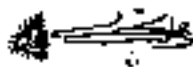


Le Secrétaire Dr. *Exemplaire*

اتلمذ الاكسوم

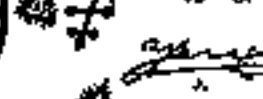
Le Grand Conseil
Secrétaire Général

كاتب التلمذ الاكسوم



Dr. *Exemplaire* Trésorier

أمين الخزينة الاكسوم



ديلم فرامسوني درجة ٣٣ حسين فرهودي اساذ دانكاه

سالاران نژمزداد در سال ۱۹۶۷-۱۹۶۶م - ۱۳۴۴-۱۳۴۵ ش

استاد ارجمند	برادر رضا رزم آرا
استاد پیشین	» ارجمند نعمت‌اله خان اکبر
نگهبان اول	» خانبابا بیانی
نگهبان دوم	» محمود سلامت
امین خیریه	» محمدعلی بوذری
خزانه‌دار	» مسعود هدایت
دبیر	» بسیار ارجمند علی اکبر موسوی
رئیس تشریفات	» محسن کلانتری
کارشناس اول	» محلی معین
کارشناس دوم	» عزیز نبوی
معاون خزانه‌دار	» احمد نظام
دبیر بار	» علی اکبر ضیائی
پرده‌دار	» حسین دفتریان
خوانسار	» غلامحسین جهانشاهی
دربان	» هدایت‌اله کسرائی

سالاران نژ در سال ۱۹۶۸-۱۹۶۹م - ۱۳۴۶-۱۳۴۷ ش

برادر ارجمند محمود سلامت	استاد ارجمند
» ارجمند خانبابا بیانی	استاد پیشین
» مسعود هدایت	نگهبان اول
» عزیز نبوی	نگهبان دوم
» علی معین	خطیب
» فرج‌اله اکبر	خزانه‌دار

دبیر	» احمد نظام
رئیس نشریات	» عباس ظریف
کارشناس اول	» حسین دفتریان
کارشناس دوم	» محسن کلانتری
معاون رئیس نشریات	» باباخان بیستوردا
دربان	» علی اکبر ضیائی

لتر فعال «مزد» هم مثل سایر لترهای فرانسوی بطور منظم جلسات ماهانه خود را تشکیل می‌دهد. در ذیل سه برنامه ماهانه سه سال را نقل می‌کنیم:

لتر مزد شماره ۷۹

آقای محترم و برادر عزیز

بمستور استاد ارجمند بدینوسیله به اطلاع شما می‌رساند که جلسه عادی لتر محترم مزد در ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه ۱۲ دیماه ۱۳۴۳ برابر با ۲ ژانویه ۱۹۶۴ در محل لتر بزرگ ناحیه ایران تشکیل می‌گردد.

دبیر لتر مزد
دکتر خانبا با بیانی

کارها

- ۱ - گشودن لتر
- ۲ - قرائت دعوتنامه
- ۳ - قرائت صورت جلسه عبادی مورخ ۱۴ آذر ماه ۱۳۴۳
- ۴ - قرائت دوم و اخذ رأی نسبت بدرخواست عضویت ییگاتگان:
محمود روحانی - نماینده مجلس شورای ملی - ملیت ایرانی - معرف استاد ارجمند محمود ضیائی و برادر بسیار ارجمند علی اکبر موسوی.
- علی اکبر ضیائی - قاضی دادگستری - ملیت ایرانی - معرف: استاد ارجمند محمود ضیائی و برادر بسیار ارجمند علی اکبر موسوی.
- عباس ظریف - معاون اداره کل کارگزینی وزارت کشور - ملیت ایرانی - معرف:

برادر بسیار ارجمند غلامحسین صارمی و برادر هوشنگ ظلی .

۵ - قرائت اول درخواست عضویت بیگانگان نامبرده زیر :

مهندس حسین دقتریان - مهندس راه و ساختمان - ملیت ایرانی - معرف :
برادر محمد جهانشاهی و برادر محمود سلامت .

دکتر مهندس مصطفی مزینی - استاد دانشگاه تهران - ملیت ایرانی - معرف :
برادر محمد جهانشاهی و برادر محمود سلامت .

باباخان بیتوردا - مهندس راه و ساختمان - ملیت ایرانی - معرف : برادر
نعمت الله خان اکبر و برادر هوشنگ ظلی .

پرویز سهرابیان - متولد ۱۳۰۴ در تهران - کارمند وزارت کشور - معرف :
برادر بسیار ارجمند فتح الله جلالی و برادر حسین فرهودی .

۶ - مراسم گفتر برادران نامبرده زیر بیایه دوم :

برادر دکتر عزیز نبوی

برادر مهندس علی معین

۷ - مسائل متفرقه

۸ - گرداندن کیسه خیریه

۹ - پایان کارها

ب . س . م . ب . ج .

لژ بزرگ ملی فرانسه

لژ بزرگ ناحیه ایران

لژ مزدا شماره ۷۹

آقای محترم و برادر عزیز

با کمال احترام از جنابعالی دعوت می شود در جلسه استقرار برادر مهندس
رضا رزم آراء استاد ارجمند انتخاب شده لژ محترم مزدا که در ساعت ۶ بعد از ظهر
روزشنبه ۱۴ اسفندماه ۱۳۴۴ (۵ مارس ۱۹۶۶) تشکیل می گردد ، به محل لژ بزرگ
ناحیه ایران خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشریف بیاورید .

خواهشمند است در شام برادرانه‌ای که از طرف استاد ارجمند داده خواهد شد نیز شرکت فرمائید .
 دبیر : محسن کلانتری

کارها

- ۱ - گشایش لژ
 - ۲ - قرائت دعوتنامه
 - ۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۴۴
 - ۴ - قرائت تراز نامه سالیانه و اخذ رأی
 - ۵ - استقرار استاد ارجمند انتخاب شده برادر رضازم آراء
 - ۶ - انتخاب و استقرار سالاران
 - ۷ - انتخاب نمایندگی لژ در لژ بزرگ ملی فرانسه و لژ بزرگ ناحیه ایران
 - ۸ - انتخاب دو نفر ممیز حساب
 - ۹ - مسائل متفرقه
 - ۱۰ - گرداندن کیسه خیریه
 - ۱۱ - پایان کارها
- آقای محترم و برادر عزیز :

بدستور استاد ارجمند بدینوسیله با اطلاع آن برادر گرامی می‌رساند که جلسه استقرار استاد ارجمند انتخاب شده لژ محترم مزدا ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۴۶ - (۲ مارس ۱۹۶۸ -) تشکیل می‌گردد. خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر به محل لژ بزرگ ناحیه ایران تشریف بیاورید .

دبیر لژ مزدا

مسعود هدایت

کارها

- ۱ - گشودن لژ
- ۲ - قرائت دعوتنامه
- ۳ - قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۶ -
- ۴ - قرائت تراز نامه سالیانه و اخذ رأی

۵ - استقرار استاد ارجمند انتخاب شده بزادر

مهندس محمود سلامت

توسط

برادر بسیار ارجمند مهندس رضارزم آرا

۶ - انتخاب واستقرار سالاران لژ

۷ - انتخاب نمایندگی لژ در لژ بزرگ ملی فرانسه ولژ بزرگ ناحیه ایران

۸ - انتخاب دو نفر ممیز حساب

۹ - مسائل متفرقه

۱۰ - گرداندن کیسه خیریه

۱۱ - پایان کارها

I.T.N.O.T.G.A.O.T.U.
French National Grand Lodge
District Grand Lodge of Iran



AVICENNA LODGE No. 76
TEHRAN

W. Bro. M. SANAI
 Bro. Z. DELANIAN
 Bro. J. BOWE

W. M.
 S. W.
 J. W.

Dear Sir and Brother.

You are hereby summoned to attend a Regular Meeting of this Lodge to be held on **Saturday, 17th February 1968** (28 Bahman 1348) at 410, Avenue Abu Ali Sina Tehran.

The Attendance Book will be available at 6.30 p.m. and the Lodge opened at 7 p.m. precisely

R. E. Gloyd
 Secretary

Dress: Dinner Jacket, or Dark Lounge Suit

DINNER

آرم مخصوص لژ انگلیسی زبان این سینا که تابع گراند لژ دفرائس است .



I.T.N.O.T.G.A.O.T.U.
French National Grand Lodge
District Grand Lodge of Iran

لژ این سینا شماره ۷۶

نخستین لژ انگلیسی زبان ، سازمان فراماسونری فرانسه در ایران ، لژ «این سینا» است که شماره ردیف آن در لژهای جهانی گراند ناسیونال دفرانس ۷۶ می باشد . این لژ را از روز تأسیس تاکنون دکتر حسن علوی چشم پزشک معروف و یکی از ایران پرستان بنام ، اداره می کند : دکتر حسن علوی که تحصیلات عالیه خود را در دانشگاه های انگلستان پایان رسانیده ، علاوه بر اینکه از چشم پزشکان حاذق کشور بشمار می رود و سمت استادی در دانشگاه تهران دارد ، یکی از مردان سیاسی بنام ایران است . وی در دوران حساس مبارزات نفتی ، نماینده مجلس شورای ملی و عضو کمیسیون نفت بود .

این لژ که فرمان تأسیس آن در روز ۱۲ آوریل ۱۹۶۲ صادر شده است ، در سومین سه شنبه هر ماه مسیحی جلسه ماهانه خود را تشکیل می دهد . مؤسسين این لژ بموجب مطالبی که در يك رساله چاپ و مخفیانه از طرف فراماسونها منتشر شده ، عبارتند از :

دکتر سعید مالک استاد اعظم لژهای فرانسوی در ایران .

دربار دار عبدالله ظلی افسر بازنشسته .
د . ک . ویلسن .

م - کاندل کنسول اسبق انگلیسی در تهران .
دکتر سید حسن علوی استاد دانشگاه .
هوشنگ ظلی دیپلمات و عضو وزارت امور خارجه .
ح - فاضل

رحمت الله قوامی - کارمند بازنشسته کنسرسیوم
م - ضیائی

عیسی مالک - دیپلمات وزارت خارجه
علی مرندی - عضو هیئت مدیره نفت
دکتر معتمدی مدیر عامل شرکت کریستال ایران
عبداللهی مفتاح - عضو نفت ملی
علی کوچکعلی - بازرگان

محمد حسن افخمی

غلامحسین قراگوزلو

م - تسلیعی معاون سابق وزارت اطلاعات
زوریک دیلانیان - کارمند سفارت انگلیس
د - القانیان بازرگان

حبیب القانیان *

دکتر رضا فلاح عضو هیئت مدیره نفت

خلیل طالقانی - وزیر اسبق

یگانگی - بازرگان

علی اصغر سلسبیلی منشی لژ

اعضاء افتخاری لڑا بن سینا

W. H. Robinson	روبینسن
A. T. Parker	ا - ت - پارکر
M. S. Drabble	ام - اس - درابل
C. I. Fahey	سی - ای - فری دورابچی
D. W. Horne	د - و - هورن احمد هومن
D. David	د - داوید
R. A. Jones	ار - ا - جونس
S. C. Knight	اس - سی - کنلیت ا - منشائی
A. Brown	ا - بروون
E. F. Brown	اس - اف - بروون اکبر دارائی شاهرخ فیروز
F. I. Grant	اف - ای - گرانت
R. Hargreaves	ار - هارگراووز فتح الله جلالی یوسف خوش کیش م . موحد
R. Oddy	ار - اودی ا - ا - رفیعی ا - سمندری

اس - سرکیسیان
ابوالحسن شاهق

ج - سعیدی

خلیل ضیائی

M. F. Holloway

ام - اف - هولووی

ا - ح - پرتو اعظم

E. P. Davies

ای - پی - داریس

س - موسوی

بور بور

م - صناعی

ف - القانیان

R. Shepherd

ار - شپرد

م - خواجه نوری

G. Herrin

جی - هرین

W. D. Mills

و - د - میلز

S. j. Bowe

اس - ج - بوو

R. R. Townly

ار - ار - تونلی

C. T. Goodworth

سی - تی - گودورث

در انتخابات سال‌های مختلف فراماسونری، فراماسون‌های زیر عهده‌دار،
اداره کرمی لز این سینا بودند:

سال فراماسونری ۱۹۶۳-۱۹۶۴

م - کندل

حضرت استاد ارجمند

دکتر حسن علوی

قائم مقام استاد

منوچهر تسلیمی

سرپرست اول



المجلس السامي المطالي العالمي للدرجۃ ۳۳ (الآخيرة)

Suprême Conseil Idéal Universel
DU 33° ET DERNIER DEGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ
POUR LA VALLÉE DU M. L'ARDOU ET LIMONET OFFICIEL

[illegible]

FILE NUMBER IN RIGHT HAND COLUMN OF CHECKED FILE

C. J. [unclear] *M. J. [unclear]*

تم: الطب الاطعم و الاحياء الاطعم للعرفه

الابن كونه قد وان الاخ علي اشرف احرى
 قد بين قدر من ملام ما جيلان رم ٥
 مشرق ~~البحر~~ ابراهيم رتبه في ٥٠ غور ٦٨٥
 حلة عام من العلاء در ٥٠ ٦٨٥
 الابن كونه ~~البحر~~ جيل من الفصل العام
 ٥٥

حرر لي الحسن بختوم القاسم

میں کا وہ جسم - اے آجہیلوں کا ۱۹۹



1st Sept. : 04+ : Cam

التعليق الأخير

Le Grand Châtelain
Secrétaire Général

عبد الحسین الاعظم



Abstract

ملحق ٤

دبيلم فراماسوني درجه ۳۳ سنا نور علي اشرف احمدي

ار - ۱ - جونز

علی کوچکعلی

ابوالحسن شاهق

علی مرندی

فاضل

۱ - براون

داود القانیان

رحمت الله قوامی

زوریک دیلانیان

غلامحسین قراگوزلو

سرکیسیان

م . اف . هولوی

پرتو اعظم

محمد افخمی

خزانة دار

دبیر

مدیر تشریفات

راهنمای اول

دوم

خطیب

معاون تشریفات

اورگه نواز

معاون دبیر

نگهبان داخلی

نگهبان خارجی

افسران اداره کننده سال ۱۹۶۵ - ۱۹۶۴

دکتر حسن علوی

دکتر منوچهر تسلیمی

فاضل

م - کندل

خلیل طالقانی

علی کوچکعلی

زوریک دیلانیان

علی مرندی

محمد حسن افخمی

ای - پی - دایویس

حضرت استاد ارجمند

قائم مقام استاد

سرپرست اول

استاد ارجمند پیشین

خطیب

خزانة دار

دبیر

مدیر تشریفات

راهنمای اول

دوم



المجلس العلمي العالي للدراسة ٢٢ (الآخرى)

Suprême Conseil Idéal Unitaire
DU 33 ET DERNIER DÉGRÉ ANCIEN ET ACCEPTÉ
POUR LA PRATIQUE DU RITUEL ÉLÉMENTAIRE

NOUS Separate Grand Committee OR...

Médiane des Rôles d'attribution, exprimée par le T., C., F.

Chloroform, Benzene, etc. etc.

an example of memory of a message of P. de la Torre

Or, en Ligne.....En avril de l'année

Radial 30° Drive of the Airworthiness Standard, et ses con

అయితే ఆ దేశీయ ఉత్పాదనలో 80 శాతంపైగా నిత్యవసర సరఫరాలో ఉంటుంది.

L'orateur. *Sous le N° 1002, 2^e séance.*

Fait partie et signé au Siège de L'Ordre on: de

Abstract—The purpose of this study was to determine the effect of a 10-week training program on the heart rate (HR) and blood pressure (BP) of sedentary, middle-aged men. The subjects were divided into two groups: a control group and an exercise group. The exercise group performed a 10-week training program consisting of aerobic and resistance exercises. The HR and BP were measured at baseline and at the end of the 10-week program. The results showed that the exercise group had a significant decrease in HR and BP compared to the control group. The HR decreased from 72 to 68 beats per minute, and the BP decreased from 120/80 to 110/70 mmHg. The control group showed no significant changes in HR and BP. The findings suggest that a 10-week training program can effectively reduce HR and BP in sedentary, middle-aged men.

U.S. DEPARTMENT OF AGRICULTURE
BUREAU OF PLANT INDUSTRY
WASHINGTON, D. C.



Dr. Carl J. Chausse

உதாரணம் 1

كتاب السير الاقطاني

Let S_1, S_2, \dots, S_n be the n sets.

1154

1. Cr. Interden

أخيراً: أكرر في هذا العدد العظيم

10



دپلیم فراماسونی درجه ۴۳ محمد قریبی

1948

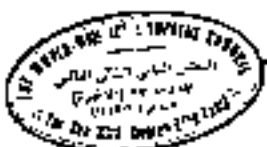
424

المختار الأكبر المشيخي العباسي

THE WORLD-WIDE IDEAL GRAND LODGE

الكتاب المأثور في الأحكام الشرعية والقانونية

FOR THE ANCIENT FREE MASON'S



I. All

When it truly concerns

Have a Hansel

with 60% dry weight and 10% water. The

Adrian Kieffer - the original of 4000
and into 12th Avenue on R. & D. Dr.

July 29 54 A.D. 800

submitted to the Director on the

to the day of 1950

Oct and Eddies

It is duly registered in the District

of New Simul. Lodge accordingly

The delivery of I have here
made a slight mistake and

అధికారం మీరే ఉంది. దీనిని సాధారణ ప్రజలకు చేరువ చేయండి.

27. Final copy of 30 Oct

11/15/55 11/15/55
11/15/55 11/15/55

10. *What is the purpose of the study?*

without the Ka-wah-ah

1998, 1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2050, 2051, 2052, 2053, 2054, 2055, 2056, 2057, 2058, 2059, 2060, 2061, 2062, 2063, 2064, 2065, 2066, 2067, 2068, 2069, 2070, 2071, 2072, 2073, 2074, 2075, 2076, 2077, 2078, 2079, 2080, 2081, 2082, 2083, 2084, 2085, 2086, 2087, 2088, 2089, 2090, 2091, 2092, 2093, 2094, 2095, 2096, 2097, 2098, 2099, 2100, 2101, 2102, 2103, 2104, 2105, 2106, 2107, 2108, 2109, 2110, 2111, 2112, 2113, 2114, 2115, 2116, 2117, 2118, 2119, 2120, 2121, 2122, 2123, 2124, 2125, 2126, 2127, 2128, 2129, 2130, 2131, 2132, 2133, 2134, 2135, 2136, 2137, 2138, 2139, 2140, 2141, 2142, 2143, 2144, 2145, 2146, 2147, 2148, 2149, 2150, 2151, 2152, 2153, 2154, 2155, 2156, 2157, 2158, 2159, 2160, 2161, 2162, 2163, 2164, 2165, 2166, 2167, 2168, 2169, 2170, 2171, 2172, 2173, 2174, 2175, 2176, 2177, 2178, 2179, 2180, 2181, 2182, 2183, 2184, 2185, 2186, 2187, 2188, 2189, 2190, 2191, 2192, 2193, 2194, 2195, 2196, 2197, 2198, 2199, 2200, 2201, 2202, 2203, 2204, 2205, 2206, 2207, 2208, 2209, 2210, 2211, 2212, 2213, 2214, 2215, 2216, 2217, 2218, 2219, 2220, 2221, 2222, 2223, 2224, 2225, 2226, 2227, 2228, 2229, 2230, 2231, 2232, 2233, 2234, 2235, 2236, 2237, 2238, 2239, 2240, 2241, 2242, 2243, 2244, 2245, 2246, 2247, 2248, 2249, 2250, 2251, 2252, 2253, 2254, 2255, 2256, 2257, 2258, 2259, 2260, 2261, 2262, 2263, 2264, 2265, 2266, 2267, 2268, 2269, 2270, 2271, 2272, 2273, 2274, 2275, 2276, 2277, 2278, 2279, 2280, 2281, 2282, 2283, 2284, 2285, 2286, 2287, 2288, 2289, 2290, 2291, 2292, 2293, 2294, 2295, 2296, 2297, 2298, 2299, 2300, 2301, 2302, 2303, 2304, 2305, 2306, 2307, 2308, 2309, 2310, 2311, 2312, 2313, 2314, 2315, 2316, 2317, 2318, 2319, 2320, 2321, 2322, 2323, 2324, 2325, 2326, 2327, 2328, 2329, 2330, 2331, 2332, 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400, 2401, 2402, 2403, 2404, 2405, 2406, 2407, 2408, 2409, 2410, 2411, 2412, 2413, 2414, 2415, 2416, 2417, 2418, 2419, 2420, 2421, 2422, 2423, 2424, 2425, 2426, 2427, 2428, 2429, 2430, 2431, 2432, 2433, 2434, 2435, 2436, 2437, 2438, 2439, 2440, 2441, 2442, 2443, 2444, 2445, 2446, 2447, 2448, 2449, 2450, 2451, 2452, 2453, 2454, 2455, 2456, 2457, 2458, 2459, 2460, 2461, 2462, 2463, 2464, 2465, 2466, 2467, 2468, 2469, 2470, 2471, 2472, 2473, 2474, 2475, 2476, 2477, 2478, 2479, 2480, 2481, 2482, 2483, 2484, 2485, 2486, 2487, 2488, 2489, 2490, 2491, 2492, 2493, 2494, 2495, 2496, 2497, 2498, 2499, 2500, 2501, 2502, 2503, 2504, 2505, 2506, 2507, 2508, 2509, 2510, 2511, 2512, 2513, 2514, 2515, 2516, 2517, 2518, 2519, 2520, 2521, 2522, 2523, 2524, 2525, 2526, 2527, 2528, 2529, 2530, 2531, 2532, 2533, 2534, 2535, 2536, 2537, 2538, 2539, 2540, 2541, 2542, 2543, 2544, 2545, 2546, 2547, 2548, 2549, 2550, 2551, 2552, 2553, 2554, 2555, 2556, 2557, 2558, 2559, 2560, 2561, 2562, 2563, 2564, 2565, 2566, 2567, 2568, 2569, 2570, 2571, 2572, 2573, 2574, 2575, 2576, 2577, 2578, 2579, 2580, 2581, 2582, 2583, 2584, 2585, 2586, 2587, 2588, 2589, 2590, 2591, 2592, 2593, 2594, 2595, 2596, 2597, 2598, 2599, 2600, 2601, 2602, 2603, 2604, 2605, 2606, 2607, 2608, 2609, 2610, 2611, 2612, 2613, 2614, 2615, 2616, 2617, 2618, 2619, 2620, 2621, 2622, 2623, 2624, 2625, 2626, 2627, 2628, 2629, 2630, 2631, 2632, 2633, 2634, 2635, 2636, 2637, 2638, 2639, 2640, 2641, 2642, 2643, 2644, 2645, 2646, 2647, 2648, 2649, 2650, 2651, 2652, 2653, 2654, 2655, 2656, 2657, 2658, 2659, 2660, 2661, 2662, 2663, 2664, 2665, 2666, 2667, 2668, 2669, 2670, 2671, 2672, 2673, 2674, 2675, 2676, 2677, 2678, 2679, 26

100

1. *Phragmites australis* (Cav.) Trin. ex Steud.

لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلنَّاسِ عَلَى النَّاسِ مَقَرًّا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بين هذه الشهادة قبل كرزبعية المينتين

الاستراتيجية بمرور الزمن سنة ١٩٩٤م بحسب

لدرجة الاستغناء في يوم ثورميا مسنة

١٥٥ = ويقتل اسمه بحبالات الحقل

الأحمر

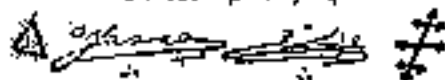
حرر المسترقين فباعهم بـ ١٠٠ ألف درهم
وتمت في ١٠٠٠٠٠ درهم في ١٠٠٠٠٠ درهم

(١٩٥٥) للباب الرابع

لا يشرح الكتاب هذه التجربة بطريقة

ای علم الایمان

10



د. یلیم فراماسونری حجتعلی بنصیر تختوالیر اسبق

1948 1948
UNIVERSI FERREARUM ORBIS ARCHITECTURAS AD LORAM INGENITIS
المبجل والمجيد الكون والاعظم

المبجل الأكبر المشايخي العالمي

THE WORLD-WIDE IDEAL GRAND LOOGE



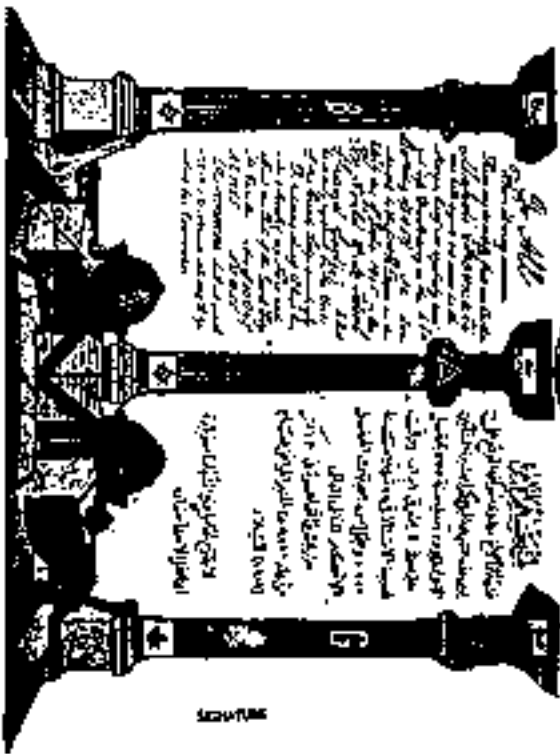
To All
Whom it may concern
These are to certify that our Brother
Thomas Ashman
was both signed and sworn in the
Ancient Lodge was regularly seen
and in the presence of the 10th
Nov. day of 1954. He was
admitted to the Grand Lodge on the
1st day of October 1954 in the
The World Wide Ideal Grand
Lodge (London) & that
he is duly registered in the Book
of the Grand Lodge accordingly.
In testimony whereof I have here-
unto subscribed my name and
affixed the Seal of the Grand Lodge
at Town the day of 30th Oct.
A.D. 1954 A.M. 1954
This CERTIFICATE shall not be valid
without the endorsement
of the Grand Lodge

من تجنيبهم الأثر
شهدنا في الأثر أحراراً فقيهاً الموضع على
يؤمن هذه الشهادة قبل وكبريائنا في البيت
الأمر في يوم ١٠ أيار سنة ١٩٥٤ بمجلس
بلوى في ١٠ تشرين الأول ودفن
لدرجة الامتياز في ١٠ أيار سنة
١٩٥٥ وبمجلس اسمه بمجلس المحفل
الأكبر الثاني العالمي
عزروا بمشرك القاهرة في ٣٠ الشهر
من عام ١٩٥٤ (٥) الشهر الموافق لغرام
١٩٥٤ للميلاد
لا يصرح لمعامل هذه الشهادة بمسألة
المحفل الإبداعي

أشيد بالعلم ٥٥٥

د. بهرام فراماسوني أحمد افندي

WWW.BOOKBAZ.IR



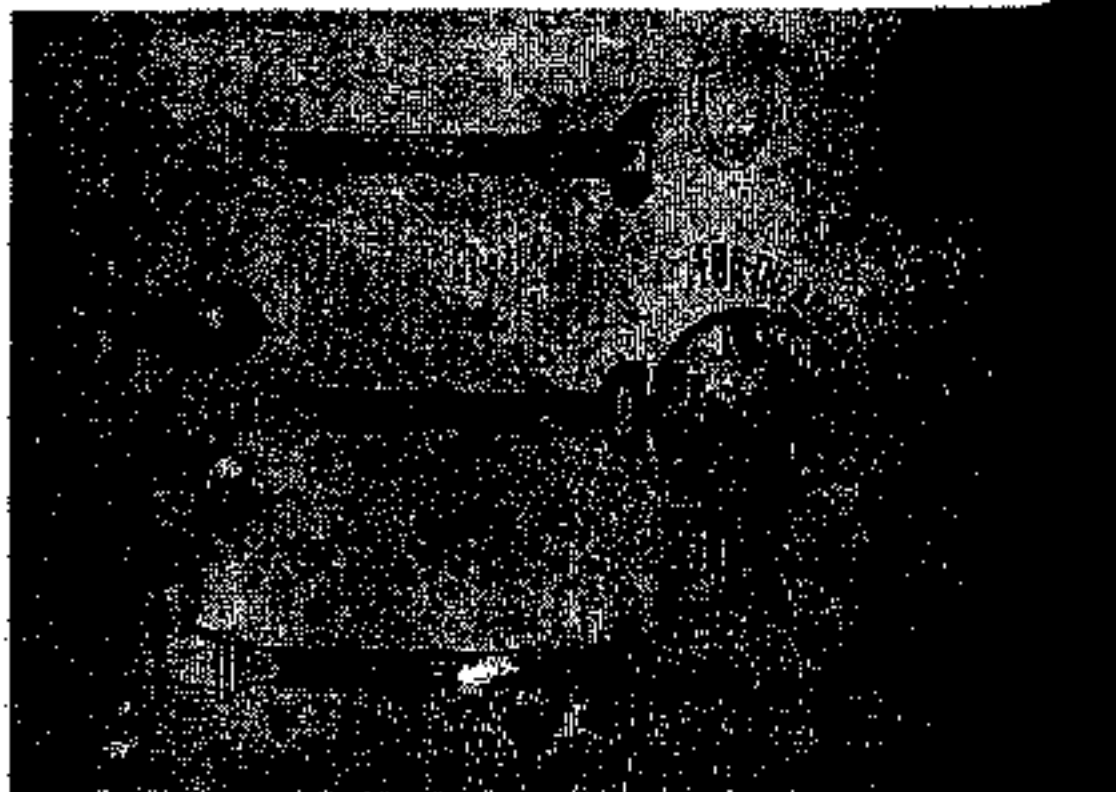
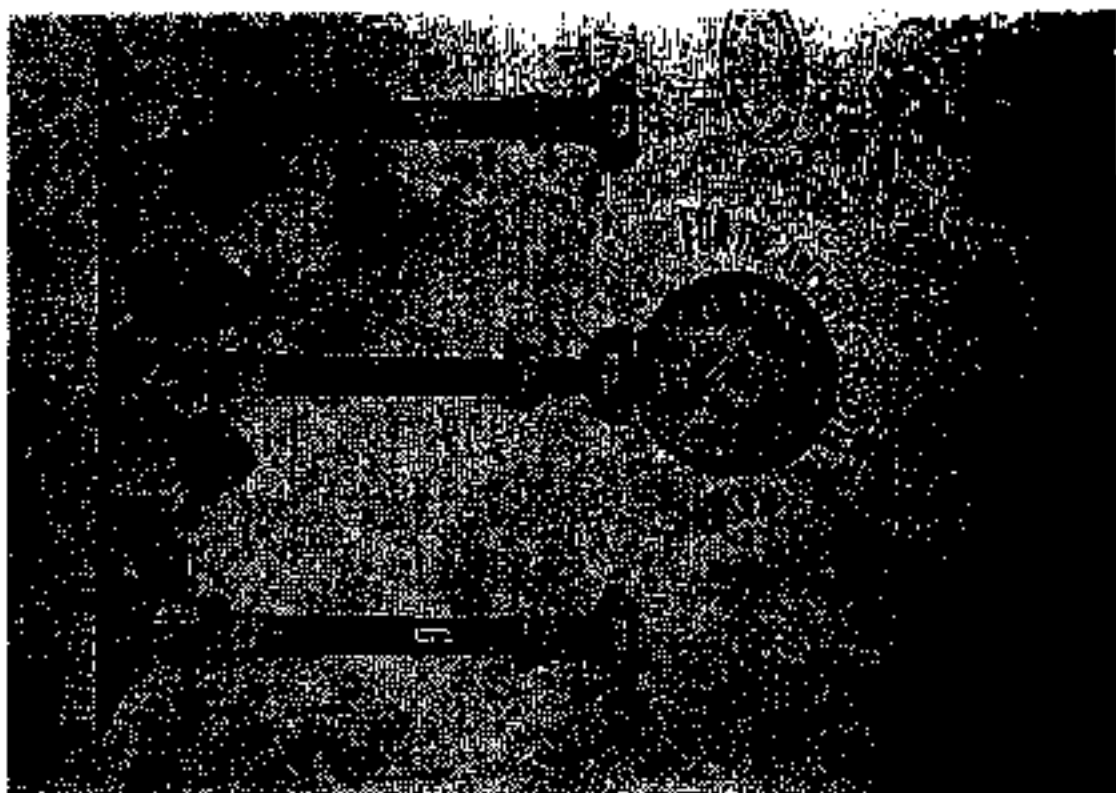
SIGNATURE

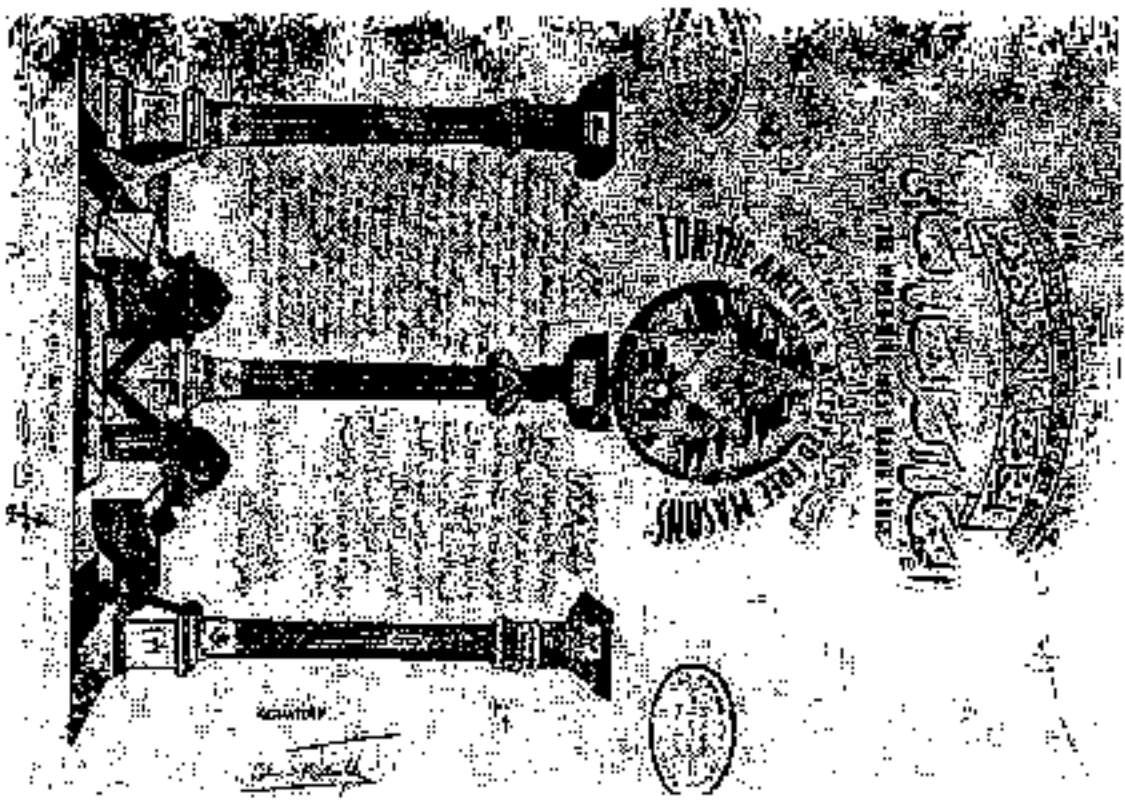


SIGNATURE

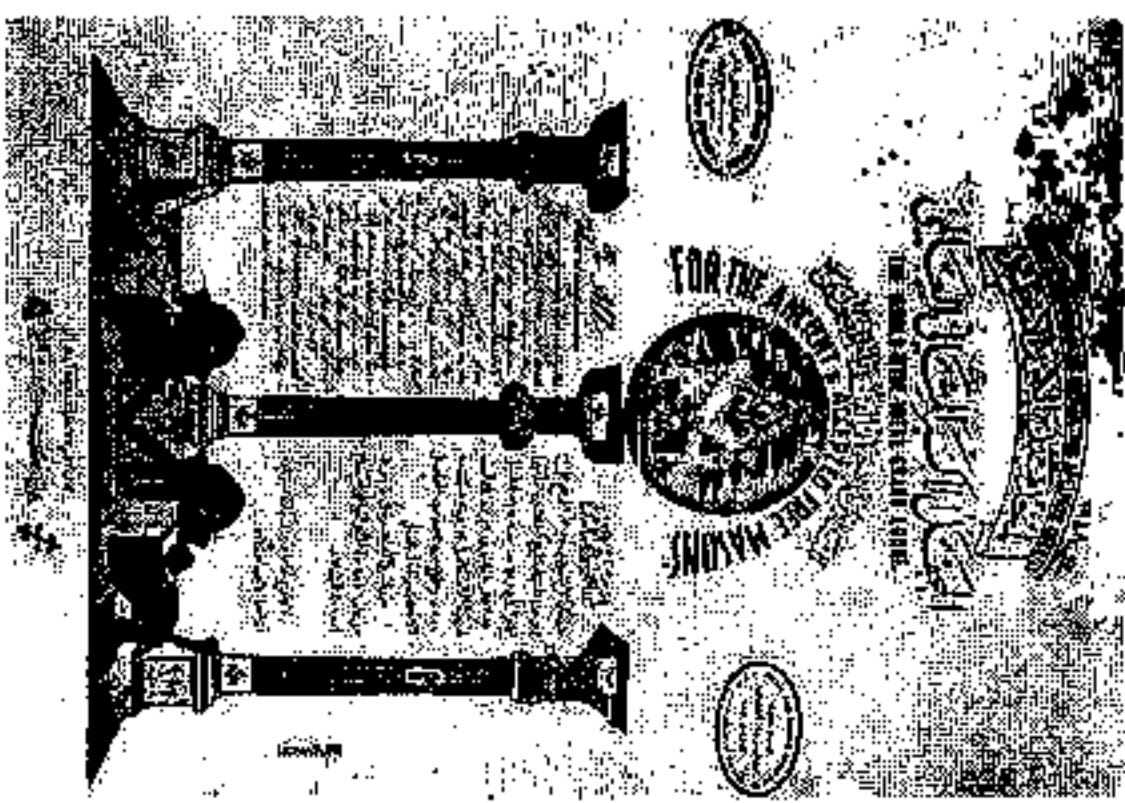
دینام فراماسونی جدید شوکتی

دینام فراماسونی علی اکبر بخوشی



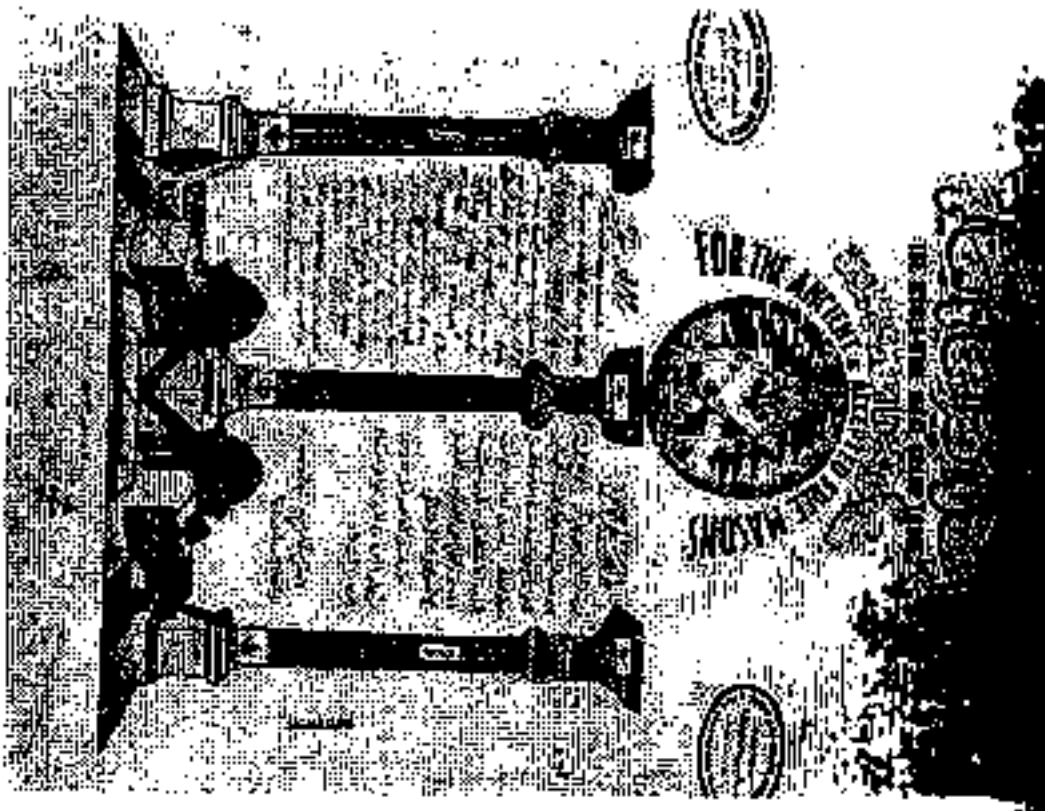


د. بیلم فراماسونیه د کتبه احمد شوری

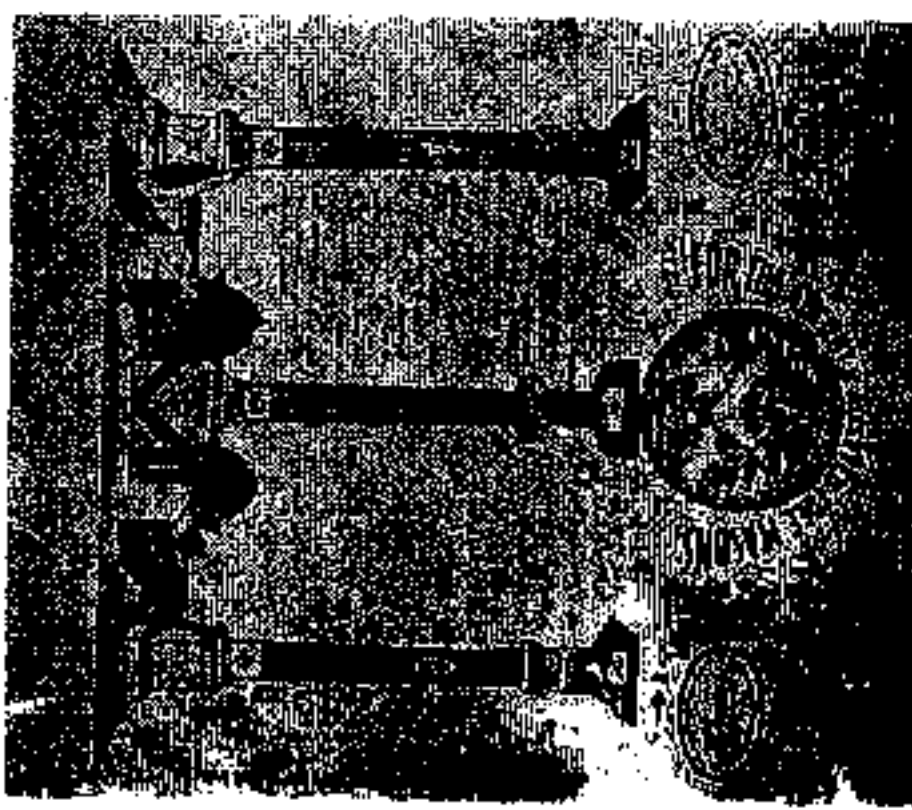


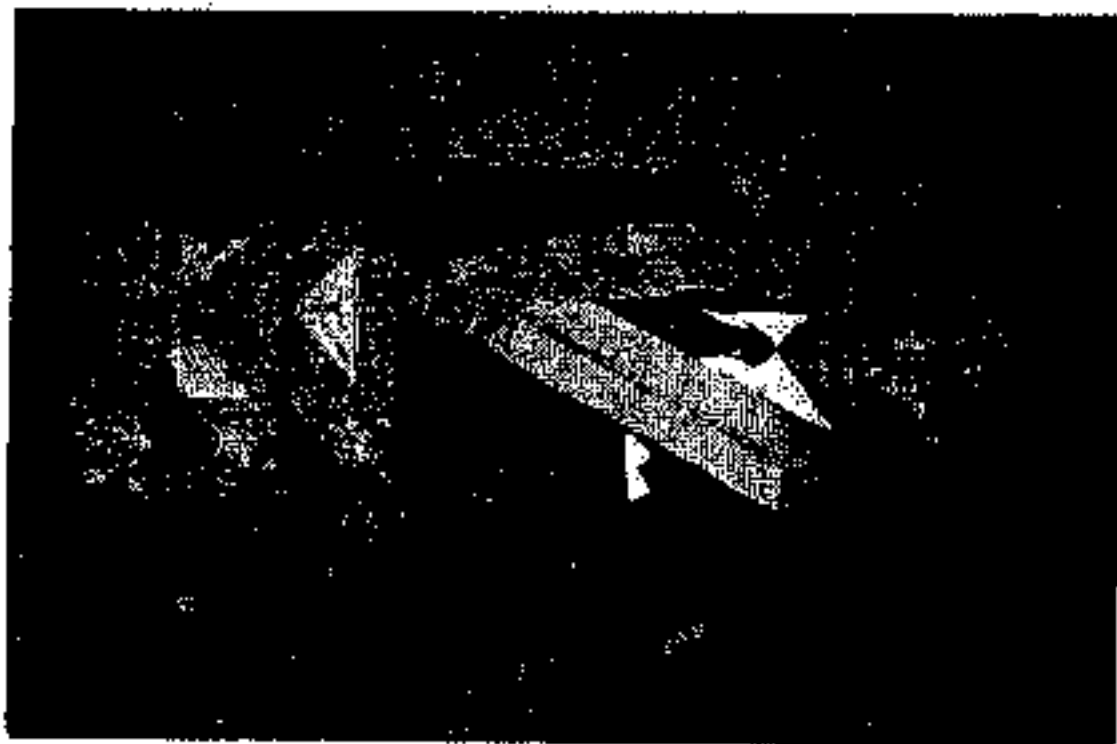
د بیلم فراماسونیه د کتبه سیدلی و لری اسمی

ذیلہم احمدہ برائے اعلیٰ ریس اسٹیج ریمو ٹیکسٹ نوٹس

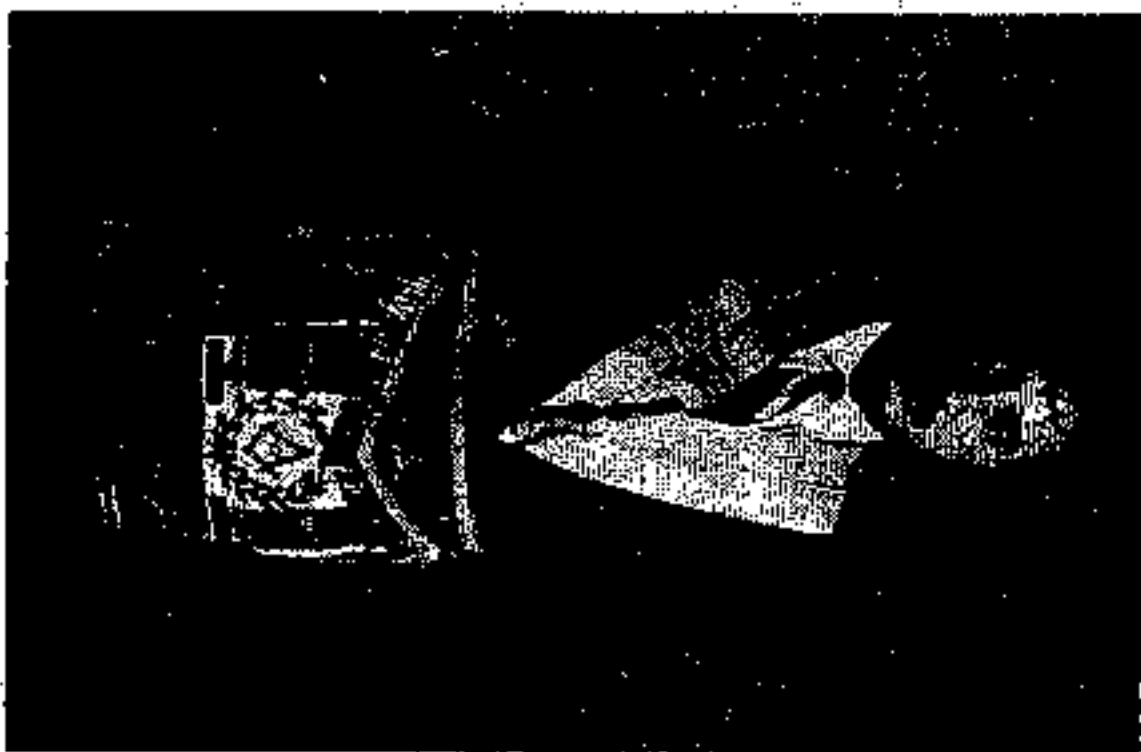


ذیلہم ماسون فی تہذیبی، نیا ری





محمد حسين زاده، قطعه کار و عامل شرکت سابق نفت در شیرازستان

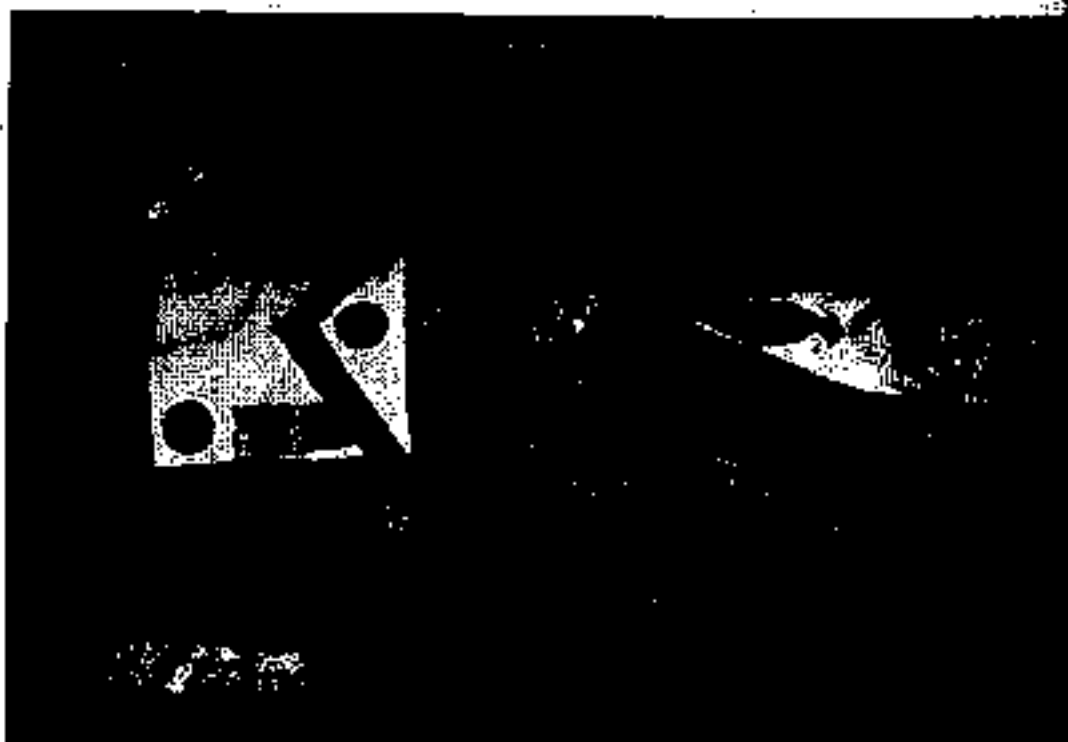


استان اعظم محمد قریبی، شیرازستان

دکترو فنیج قوربان ریس دانشکده پزشکی شیراز



جها تکیر ریاحی با پیشینه شاعری

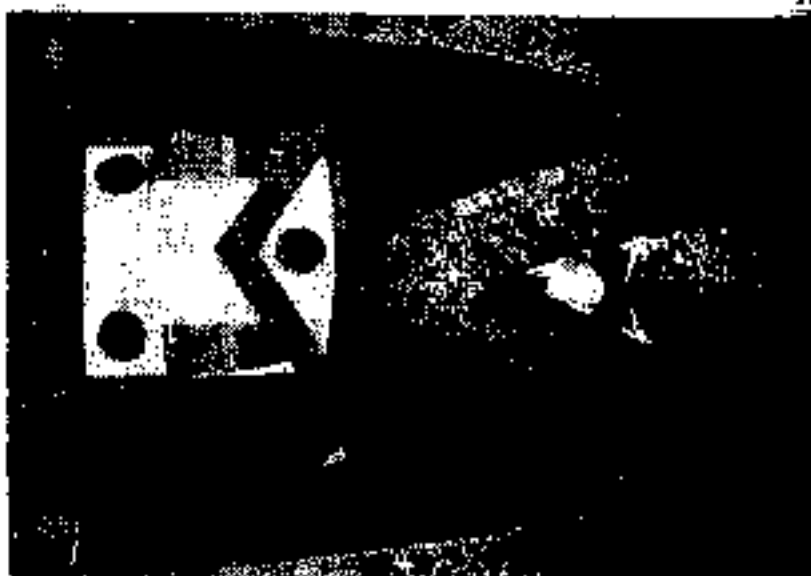
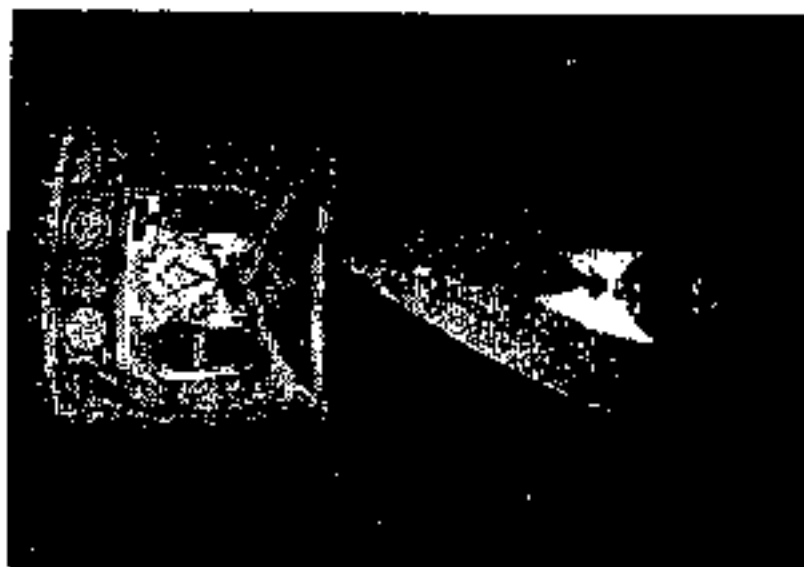




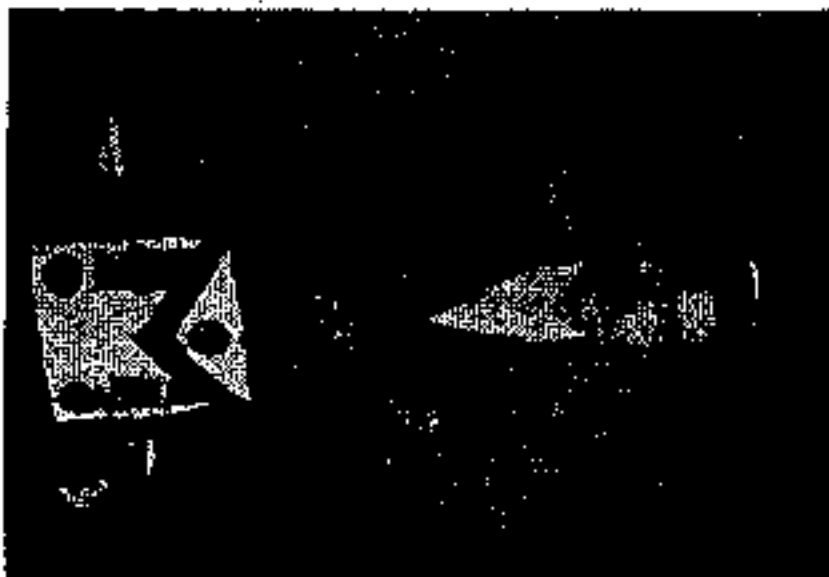
بالاسی اور اہام، تینہ چاٹا اسٹوڈیو
کلا بہ تہیت اور ان در آملہ



میر اسحاق بادین مدیر کارخانہ
آبجو سازی مچھان بہ



دو نفر از اتباع خارجی که بعد از جنگ "ناپدید" ایران را قبیله کرده اند و حتی امروز همایی ندارند.



حصین صدیقی نقاشی کار هنرمند، خوزستان
با پیش بند (زفتی)



حاتج حسین طهیلی آجر روده اصلها
با پیش بند (شامگرد)

میهمانی‌های سفید فراماسونها

فراماسونها در بیشتر کشورهای جهان، باشگاهها و رستورانهای ویژه‌ای دارند، که اوقات بیکاری خود را در این اماکن می‌گذرانند. مالک عمومی لژها و هم‌چنین میهمانیهای خصوصی افراد، اغلب در همین باشگاهها و رستورانها برگزار میشود.

«میهمانی سفید» نام ضیافتی است که از طرف لژها بر پا می‌گردد و ماسونها با دعوتنامه رسمی لژ در این ضیافتها شرکت می‌کنند. نقش مهمی که «میهمانی» در گسترش و توسعه کار فراماسونها دارد، جلب افراد تازه و یافتن اعضای جدید برای لژهاست ... بدین‌طوری که در اغلب این ضیافتها، کسانی که برای ورود به لژها در نظر گرفته شده‌اند، جزء مدعوین هستند و ماسونها ضمن صحبت در باره مسائل مختلف، آنان را برای تکمیل تقاضانامه ورود و پیوستن به لژها کاملاً آماده می‌کنند.



ضیافت فراماسونهای اردن در روز اول آذر ۱۳۴۰ در امان بافیضار جواهری



همانی شیراز :
تقریرآمده‌دشتی، جواهری (دره‌یخ نثریه و سنگ فراماسونی نام علی‌دشتی دیده نشده)



اسمعیل داوردیان - احمد میران - خان اکبر - دکتر احمد عیون - رضا جعفری -
 محمد محمد میر خاوری - علی کوچه کعلی - دکتر یزدانی - اصغر سلیمی



وزیران گرامسئون او در مهمانی سفید:

پروازت - حکیم الملک - مافی - سعید مالک - منین دفتري

در گزارشی که لژروشنائی ایران برای فراماسنهای آمریکائی
امور مالی مقیم ایران تهیه کرده است،^۱ در باره لژ همایون و سوء-
 استفاده مالی محمد خلیل جواهری چنین نوشته شده است :

«... در میان این ۲۵۰ نفر بسیاری از اشخاص ثروتمند و صاحب نفوذ
 کشور بودند، ولیکن جواهری مانند خدائی بر آنها حکومت می کرد و تا می توانست
 از آنها پول می گرفت. البته هدف او امور خیریه فراماسونری نبود بلکه پولها
 را به نفع خود ضبط می کرد. او عقیده داشت چنانگی که به خانه رواست به مسجد
 حرام است...» از محمد خلیل جواهری درباره جمع آوری پول از اعضا لژ
 همایون سؤال شد وی در جواب گفت :

«راست است که من از اعضا لژ همایون بخصوص از ثروتمندان مبالغ
 قابل توجهی جمع کردم ولی آنچه که از اعضا لژ همایون جمع آوری شده، صرف
 خرید محل بزرگ و آبرومندی بنام «باشگاه حافظ» که یکی از ارگاههای
 علنی لژ بود گردید، این محل را که در آب سردار واقع است و قبلاً در اجاره
 سفارتخانه های هلند و سوئیس بود به مبلغ پنج میلیون ریال بنام باشگاه حافظ
 خریدیم، و بعداً به وزارت فرهنگ به مبلغ یک میلیون تومان فروختیم. مابه التفاوت
 این معامله در اختیار لژ مولوی قرار گرفت، که گویا قسمتی از آن نیز به اعضا
 مسترد شده است.

بهر حال کلیه کارهای مالی لژ همایون تحت نظر کمیته ای بود که اعضا آن
 همه از افراد برجسته و قابل اعتماد برادران بودند و اینان عبارتند از :
 موسی طوب - شهاب خسروانی - حبیب القانیان - داود القانیان - محمد جواد
 مستوفی زاده - عیسی بهزادی. و من ابدأ دخالتی در امور مالی نداشتم.

۱- رجوع شود به فصل تشکیل لژهای آمریکائی در تهران همین کتاب.

اشیاء و دفاتر لژ بیداری ایران

محمد خلیل جواهری درباره مذاکره خود با مرحوم حکیم الملك برای تحویل گرفتن اشیاء و اسناد لژ «بیداری ایران» اظهار داشت: «همه ساله در باشگاه حافظه يك مهمانی سفید تر تیب داده می شد که فرامانسهای عضو لژ همایون و فرامانسهای عضو لژهای جهانی و کسانی که ماسن نبودند به آن، دعوت می شدند.

در یکی از این مراسم مرحوم حکیم الملك پیشنهاد کرد تا کلیه علائم، پرچم و اسناد لژ «بیداری ایران» را که خود او مدت پنجاه سال، آنها را بخشی از نگاهداری می کرد، تحویل بگیریم.

او گفت که مراتب را به مرکز «گرافنداوریان» نیز نوشته و موافقت آنها کرده است. ضمن تشکر از حسن ظن و نیت او درباره لژ خودمان، به او گفتم که محفلی برای تشکیل جلسات لژ بوجود نیامده، قبول این اشیاء ضعیف بیست، گفتگوهای آنروز به همین جا خاتمه یافت ولی بعدها شنیدم مولوی قسمتی از اشیاء لژ بیداری ایران را بوسیله مسعود فروغی از حکیم تحویل گرفته است و این اشیاء، اکنون در مرکز لژ مولوی نگهداری می شود و آن قسمتی از اسناد و صورت جلسات محرمانه لژ بیداری ایران که خود مرحوم حکیم الملك در پاریس تحویل مرکز گرافنداوریان شده است اسناد نیز در يك صندوق در خانه مرحوم فروغی نگهداری می شد که از آنها اطلاعی نداریم.

در مدت پنجسالی که لژ همایون دایر بود و کار می کرد، گزارش سیاست گزارش جلسات ماهانه و کارهای آن مرتباً بوسیله خلیل جواهری به قاهره و بیروت فرستاده می شد. در این مدت لژ همایون حتی در امور سیاسی کشور نفوذ و تأثیر زیادی داشتند و مثلاً از گزارشهایی که محمد خلیل جواهری به مرکز لژ فرستاده است درباره یکی از اعضاء جوان لژ با نخست وزیر وقت بوده است. وی در این باره

گفت: « بخاطر دارم در یکی از جلسات، یکی از اعضاء جوان لژ پیشنهاد کرد که از این پس افراد لژ در سیاست روز دخالت نکنند. من که قبلا از هدف او اطلاع داشتم، در همان جلسه پیشنهادش را مطرح نموده و اعضاء حاضر نیز موافقت کردند که در سیاست دخالت نکنند. روز بعد برای اینکه به کارگردانان لژ ثابت کنم که او با دکتر محمد مصدق نخست وزیر ارتباط دارد بوسیله کارآگاه مخصوص نخست وزیر که متأسفانه در واقعه بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ کشته شد، اسامی کسانی را که فردای آنروز به خانه شماره ۱۱۰ «مصدق» آمده بودند بدست آوردیم. معلوم شد جوان مذکور يك روز پس از پیشنهاد عدم مداخله در امور سیاسی، دو ساعت با دکتر مصدق در خلوت گفتگو می کرده است. پس از این حادثه در روزهاییکه این جوان در لژ شرکت می کرد از گفتگو در امور سیاسی و تشریح کارهای سقوط دکتر مصدق خودداری می کردیم. یکی از کارگردانان لژ پیشنهاد کرد، تا او را محاکمه و بنام افشاء اسرار مجازات و اخراج کنیم. پیشنهاد او مورد قبول واقع نشد، زیرا یقین داشتیم که پس از اخراج او، دولت شخص دیگری را مأمور کسب اطلاعات از لژ خواهد کرد. وی پس از حادثه ۲۸ مرداد از لژ خارج شد ولی اکنون یکی از اعضاء لژ دیگر ماسونری است.»

تنها محاکمه ای که طی پنجسال فعالیت لژ صورت گرفت، تنها محاکمه محاکمه شهاب خسروانی بود. جریان از این قرار بود:

در روزهاییکه دکتر مصدق برای انحلال پارلمان به فراندوم متشبت شده بود، بنابه تصمیم لژ هیچیک از اعضاء حق شرکت در فراندوم و موافقت با دولت را نداشتند. ولی روز بعد از فراندوم یکی از روزنامه ها عکس شهاب خسروانی را در حال دادن رأی چاپ کرد. سه روز بعد طبق تصمیم اکثریت اعضاء، عده ای از برادران را برای محاکمه خسروانی انتخاب و احکام آنها را صادر کردیم. در این محاکمه دکتر جلالی رئیس محکمه دکتر هومن و دکتر خشیایار عضو - صادق سرمد دادستان و جعفر جهان باز پرس بودند. اعضاء دادگاه پس از

مهاکمه شهاب خسروانی و ارائه اسناد از طرف او اعلام کردند که عکس مذکور بواسطه چند سال قبل بوده و بدینترتیب وی را تبرئه نمودند.

یکی از بزرگترین موفقیت‌های لژ همایون، شناسایی این
ایالتی رسمی لژ بوسیله لژهای وابسته به گرانداوریان در سراسر جهان
 بود.

این شناسایی در سال ۱۹۵۴ صورت گرفت و از طرف همه گرانداورهای وابسته
 اندوریان نامه‌ها و تلگرافهای تهنیت آمیز برای لژ و استاد اعظم آن رسید.
 رئیس دبیرکل گرانداور لژ «گرانداوریان» برای اینکه اهمیت بیشتری به لژ
 بدهد، در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۵۴ (اول اسفند ۱۳۳۲) دعوتنامه زیر را
 به استاد اعظم لژ همایون به تهران فرستاد.

گرانداوریان دوفرانس

پاریس عمارت مرکزی ۱۶ کوچه کادۀ

۱۹ فوریه ۱۹۵۴

آقای ای-ال-ال . . . جی . . . م . . .

ما بموقع خود برای شما يك دعوتنامه فرستادیم تا در کارهای مقدماتی
 به ایجاد يك اتحادیه برادری فراهم سوختی شرکت کنید. زیرا این اتحادیه
 کامل فکر را به رسمیت می‌شناسد و نخستین جلسه آن در تاریخ ۴ و ۵ ژوئیه
 در پاریس منعقد شد. و اینك از شما دعوت می‌کنیم که در جلسه سال آنیه
 در تاریخ سوم و چهارم ژوئیه سال ۱۹۵۴ در پاریس تشکیل خواهد شد
 باشید.

اگر شما مایل به قبول این دعوت هستید، خواهشمند است جواب قبولی
 را برای ما بفرستید. در عین حال شما می‌توانید سئوالانی درباره دستور جلسه
 بکنید. همچنین لازم است که قبلا بدعا بگوئید که چه کسی نماینده شما در
 جلسات خواهد بود و پیشنهادات خودتان در آن چیست؟

GRAND ORIENT DE FRANCE

PUISSANCE SYMBOLIQUE SOUVERAINE
POUR LA FRANCE METROPOLITAINE ET D'OUTRE-MER

16, RUE CADET, PARIS (C*)

Tél. PROVENCE 22-16 - 22-17

Adress. Télégraphique: NETORIEN-PARIS

Post. 1610

• 1^{re} de Paris, le 19 Février 1934.



M. H. G. M.,

Nous vous avons fait parvenir en son temps une invitation aux travaux préliminaires à la création d'une "ALLIANCE FRATERNELLE DES PUISSANCES MAGIQUES", nous réservant la liberté complète de penser, dont la première réunion s'est tenue à PARIS, les 4 et 5 Juillet 1933.

Nous vous invitons, par la présente, à participer à la prochaine réunion qui aura lieu à PARIS les 3 et 4 Juillet 1934.

Si vous désirez répondre à notre invitation, nous vous serions reconnaissants de bien vouloir nous adresser votre acceptation. En même temps, vous pourriez nous prévenir des questions que vous désireriez voir figurer à l'ordre du jour, nous signaler quels seront vos représentants et, d'une façon générale, nous faire connaître vos suggestions.

Avec nos remerciements anticipés, veuillez agréer, M. H. G. M., l'expression de nos sentiments frat. dévoués.

Le Secrétaire Général du Grand Orient de France. Pour le Bureau Provisoire de l'ALLIANCE

Le Secrétaire

Général MOUÏER

Marcel RAVEL.



Grand Orient de France

16 Rue Cadet Paris 1793

Grand Maître
Monsieur L...

Le Secrétaire
Monsieur L...

Council de l'Ordre

Ordre de Paris le

10 Juin

MM/RL

GRANDE LOGE "PARLAVI"
TEMPERAN

TE: III: SV:.

Nous avons la fav. de vous informer que la Grande Loge "PARLAVI" de l'Ordre de Paris se tiendra en 19 au 23 Septembre dans notre Hôtel, 16 Rue Cadet à Paris.

Le Conseil de l'Ordre serait particulièrement de recevoir, à la séance de clôture, qui aura lieu le 23 Septembre, à 18 heures, une délegation de votre Société, si possible, par votre Gr. M.

Nous voulons espérer que vous accepterez de représenter à cette séance, ainsi qu'un Banquet qui se fera, comme de coutume.

Pour la bonne organisation de ces cérémonies, nous sommes agréables de connaître, au temps opportun, les souhaits des VV. MM. VV. appelés à représenter votre Société.

Familles honorables, VV. MM. VV., avec nos sentiments les plus distingués, l'assurance de nos sentiments frat. dévoués.

Le Secrétaire

[Signature]

Le Gr. Secrétaire



خواهشمندیم درخاتمه فرائت این نامد احساسات برادرانه ما را بپذیرید .
 دبیرکل لژ گرانداوریان فرانسه و منشی کمیته تدارك اتحادیه لژهای گرانداوریان ژنرال مونیر
 متعاقب وصول این دعوتنامه ، نامه دیگری به لژ همایون رسید که در آن رسماً
 روز تشکیل کنفره جهانی ماسنهای گرانداوریان تعیین و اعلام شده بود متن این
 نامه چنین بود :

گرانداوریان دفرانس،

۱۶ کوچه کادو پاریس (نهم) - شورای عالی طریقت

تلفن . . . آدرس تلگرافی

۱۰ ژوئن ۱۹۵۵

لژ بزرگ . . . تهران

برادران عزیز

با کمال افتخار به اطلاع شما می‌رسانیم که از تاریخ ۱۹ تا ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵
 لژ بزرگ فرانسه در عمارت مرکزی ۱۶ کوچه کادو پاریس جلسات خود را دایر
 می‌نماید . شورای مرکزی مفتخر خواهد بود که در آخرین جلسه لژ که روز ۲۳
 سپتامبر ساعت ۱۶ دایر می‌شود از يك هیئت اعزامی لژ (عضو) تهران R. O .
 پذیرائی نماید . در صورت امکان توسط رئیس لژ قبولی خود را اعلام نمایند .
 امیدواریم که حضور در این جلسه را که با يك مهمانی برگزار خواهد شد
 قبول فرمائید .

(لباس تیره رنگ)

برای حفظ نظم و ترتیب تشریفات خواهشمندیم قبلاً اسامی برادرانی را که
 در مهمانی حضور مییابند با رتبه‌هایشان بما اطلاع دهید .

متمنی است تشکرات قلبی و احساسات برادرانه ما را قبول فرمائید .

منشی عمومی ژنرال مونیر

منشی شورای مرکزی

گراونداوریان نه تنها از لژ همایون که تابع گراوند لژ مصر بود شرکت در کنفرانس دعوت کرد ، بلکه برای لژ روشنائی ایران نیز دعوتنامهای **بین المللی** فرستاد تا در کنفرانس بین المللی مذکور شرکت نماید ، ولی لژ روشنائی که اصولاً يك لژ وابسته گراوند لژ اسکاتلند است ، این دعوتنامه جنواب منفی داد ، زیرا فراماسونری اسکاتلند ، گراونداوریان را **قائولی** می داند و آنرا سازمانی می شناسد که حق مراوده با آن ممنوع است . لژ همایون در خرداد ماه ۱۳۳۳ (ژوئن ۱۹۵۴) دعوت فوق را در جلسه ای که **دانشان و رؤساء** آن حضور داشتند مطرح کرد و موافقت نمود که نمایندگانی شرکت در کنفرانس مذکور اعزام دارد و مستقیماً تقاضا نماید که بدگراونداوریان **نیل** شود .

بموجب گزارش تکمیلی که گراونداوریان برای استاد اعظم لژ همایون **شاه** ، اعلام داشت که: در کنفرانس مورد بحث از کلیه لژهای فراماسونری جهانی **ملاور** رفع اختلافات دعوت شده تا مقدمات اتحاد ، لژهای معظم جهانی را فراهم **راند** . دستور جلسات کنفرانس بشرح زیر خواهد بود :

۱- قبول آزادی عقیده شخصی و اجتماعی که جزو لاینفک اصول ماسونی

۲- جستجوی طرق عملی برقراری آزادی عقیده .

۳- مسئله اعتقاد بخداوند و قسم خوردن به کتب آسمانی در مراسم پذیرش **ماسنها** .

شرکت جداگانه فراماسونهای ایرانی در این کنفرانس که برای نخستین بار **دور** می گرفت ، از اینجهت مهم بود که همیشه فراماسونهای جهانی عقیده داشتند **ماسنها**ی ایرانی لیاقت شرکت در کنفرانسهای جهانی را ندارند و هر جا چنین **ماسنها**ی تشکیل می گردید ، ماسنها ی انگلیسی به نمایندگی برادران ایرانی **نمود** در آنها شرکت می نمودند . در مدت سی و پنج سالی که (لژ روشنائی) در ایران

تشکیل و فعالیت میکند، حتی برای بکبار نماینده‌ای (که فراماسون ایرانی باشد) از ایران به خارج اعزام نشده بود.

در جلسه‌ای که دعوت‌نامه‌های گرانداوریان مطرح شد، یکی از رؤساء لژ همایون که با انگلیسی‌ها ارتباط داشت پیشنهاد کرد که قبلاً موافقت فراماسنهای انگلیسی مقیم ایران جلب شود. ولی سایر اعضا با این پیشنهاد مخالفت کردند و چون تا تشکیل جلسات کنفرانس، زمان کوتاهی بیشتر باقی نمانده بود، محمد خلیل جواهری در همان جلسه اشخاص زیر را برای شرکت در جلسات کنفرانس به پاریس انتخاب کرد: دکتر احمد هومن، دکتر محمود هومن، شهاب خسروانی، علی سهیلی، دکتر هدایتی، دکتر خلعتبری و ارنست پرون سوییسی. چون آن ایام مصادف با سالگرد تأسیس لژ همایون بود، خود جواهری به بهانه انجام تشریفات جشن سالانه از رفتن عذرخواست و قرار شد، سایرین با هزینه لژ به پاریس بروند. دکتر احمد هومن گزارش این سفر را بتفصیل برای مرحوم جواهری چنین شرح می‌دهد:

۴- ژوئیه ۱۹۵۴-۱۳ تیر ۱۳۳۳

استاد و برادر ارجمند انشاءالله سالم و موفق باشید. کاغذی از یوگسلاوی حضورتان عرض شد. قطعاً رسیده است. بطور خلاصه در تبریز برادران آقای واعظ‌پور، دکتر نتجوانی، کوچصفهانی و دو نفر دیگر از برادران به مهمانخانه (متروپل) آمدند و فوق‌العاده مهربانی کردند. در اسلامبول هم برادران آقای کهنمویی و قاسم زاده را ملاقات کردم. خیلی اظهار برادری کردند. در یونان که کشور دزدان است، اتفاق بدی افتاد که در کاغذ یوگسلاوی حضورتان عرض کردم. جامه‌دان متعلق به خانم که روی سقف اتومبیل بود، دزدان طناب آنرا در تاریکی شب بریدند و بردند.

قرب سه هزار تومان ضرر خورد چون عجله داشتم با وجودیکه پیشنهاد کردند برگردیم راه را ببینیم شاید افتاده باشد قبول نکردم چون یکروز کم می‌شد

و بموقع نمی‌رسیدیم. مسافرت ما ۱۵ روز طول کشید یکروز در آنکارا ماندیم برای گرفتن ویزای راننده يك روز هم اسلامبول آقای جمشید قریب را دیدیم الحق که جوان شایسته و برادر ارجمندی است پسر آقای سرتیپ کوپال موسوم به داریوش کوپال خیلی جوان شایسته‌است، مذاکره کردیم خیلی مایل است به ما به پیوند خواهرش مندم تقاضا نامه را بفرمائید به آدرس کنسولگری اسلامبول بفرستند به اسم داریوش کوپال. او وقتی تهران آمد تنصیب خواهد شد. درباریس بدزحماتی رسیدیم شو فر زیاد خوش اخلاق نبود دانتر هم نیامده معلوم نیست چه خواهد شد ...»

هیئت اعزامی روز ۱۱ تیر در جلسه اول کنفرانس و روز بعد در آخرین جلسه شرکت می‌کنند. دکتر احمد هومن از این جلسات گزارشی تهیه می‌کند که در آن جریان مذاکرات و اختلافات حل نشدنی فراماسونری دو کشور انگلیس و فرانسه را برای استاد اعظم شرح می‌دهد^۱، هومن درباره فرانسویان عضو گرانداوریان که حاضر به قبول برتری لژهای انگلیسی و عقاید و رسوم آنها نیستند چنین می‌نویسد: «... بلافاصله با برادران تماس گرفتم مردمان بسیار خونگرم و خوب و برادر واقعی هستند. آنچه لازمه اقدام بود انجام دادم. به اتفاق آقای پرون در کنفرانس بین‌المللی شرکت کردیم. گرانداوریان در فرانسه قریب ۱۸۵۰۰ نفر عضو دارد و چندین لژ تحت نظر است. برخلاف شهرتی که دارد تمام اعضایش بی‌عقیده به‌خدا نیستند، فقط آزادی مطلق عقیده را قبول دارند ولی اگر کسی به‌خدا معتقد می‌باشد به‌او کاری ندارند. همانطور که می‌شود به قرآن کریم قسم خورد در لژها می‌شود [يك كلمه خوانده نشد] انجیل و هر کتاب مقدس قسم دیگر خورد ولی اگر کسی به چیزی معتقد نباشد آزاد است. موضوع کنگره بین‌المللی عبارت بود از موضوع زیر: آزادی عقیده جزو لاینفک اصول ماسنی است. چطور باید آنرا کاملاً عمل کرد. چون در لژهای انگلیسی باید با کتاب آسمانی قسم خورد و آزادی کامل عقیده را قبول ندارند منظور اینها این بود که در کنگره راه‌حلی برای این موضوع پیدا

۱- نقل از گزارشی ۴ ژوئیه ۱۹۵۴ - ۱۳ تیر ۱۳۳۳ که روی کاغذ مارکدار هتل

(ماک ماهون) نوشته شده است.

گفتند، که بین سازمانهای جهانی حداقل وحدت عقیده پیدا شود. از لژهای انگلو ساکسون کسی دعوت را اجابت نکرده بود. فقط از لژ سیاهان آمریکائی پرنس-هال^۱ و چند لژ فرعی نماینده آمده بود. ما با مشورت آقای پرون اظهار کردیم که آنچه ما تصمیم بگیریم مشروط به آنست که لژ نهران تصویب کند و آنها قبول دهند. بحث زیاد در اطراف موضوع شد، لژ بلژیک پیشنهادی داد که مورد قبول اکثریت واقع شد. منم در خصوص وضع خودمان صحبت کردم و پیشنهاد کردم بعضی بات به پیشنهاد اضافه کنند که منظور ما تأمین شود قبول کردند و ما هم به پیشنهاد رأی نمودیم. بعداً برای ایجاد سازمان بین المللی ماسنی بحث کردند و پس از مذاکره آن نباشد لژهای شرکت کننده مرکزی در پاریس داشته باشند که محل مراجعات اطلاعات و تشریک مساعی و تعاون و غیره باشد، همه رأی دادند. بنا شد مبلغ بیست و پنج هزار فرانک هم هر هیئت برای مخارج اولیه بپردازند. ما هم همان شرط قبول کردیم. تعلقهای دیگری شروع شد. ناهاری در گرانداورین دادند عکس کشیدند و کنسره تمام شد.

نسبت بد لژ ما اولاً هم جدا گرانند لژ نوشتند چون نماینده لژ مصر (وادی) آقای شرنری^۲ هم حاضر نشده بود و ما گفتیم تصمیم داریم در آینده نزدیکی لژ را مستقل کنیم اعتراضی نکردند. دبیر کل آقای راول^۳ و استاد اعظم آقای کمال مهربانی را مبنول داشتند و با هم مذاکره کردیم همه حاضرند هر جور می داشته باشیم انجام دهند.

سازمان دیگری موسوم بد گرانند لژ دفرائس هست که اعضاء آن به کتاب انسانی قسم می خورند. البته عده آن ده هزار نفر است و اهمیت گرانند اورین را دارد با آنها هم تماس گرفتیم و بناست دوزوز دیگر با استاد اعظم آن ناهاری بخورم

1- Prince Hall

2- Shrenri

3- Ravel

4- Viot

اما موضوعی که پس از مطالعه دستور بفهمائید و تکلیف ما را معین کنید اینست که لژهای انگلیسی گرانند اوریان را نمی‌شناسند و هیچ ارتباطی با هم ندارند و حتی هیچ ماسون انگلیسی حق ندارد پای خود را در آنجا بگذارند. اینها هم می‌گویند اگر آزادی عقیده کامل جزو اصول کلی است پس چرا باید به کتاب آسمانی قسم خورد، ما شما را آزاد می‌دانیم بفر کتاب آسمانی می‌خواهید قسم بخورید شما هم ما را آزاد بگذارید که اگر نخواستیم قسم نخوریم. کما اینکه در گرانند اوریان عده زیادی هستند که به قرآن قسم می‌خورند هیچ اشکالی وجود ندارد. در مذاکره مقدماتی که با اینها شد حاضرند همه نوع کمک به ما بکنند ولی آیا مقتضی است با این اختلافی که با لژهای انگلوساکسون دارند ما جزو اینها بشویم، جزو آنها هم معنی ندارد، یعنی وقتی مستقل شدیم استقلال خود را به همه جا اعلان کردیم جزو لژهای معتقد به آزادی کامل عقیده کار کنیم و با اینها ارتباط نزدیک داشته باشیم و یا اینکه با گرانند لژ فرانسه مذاکره کنیم. با آنکه از لحاظ عقیده با ما نزدیکتر است تماس داشته باشیم و یا اینکه استقلال خود را اعلان کنیم و با همه ارتباط داشته باشیم. این يك موضوع کلی است که باید صریحاً تصمیم اتخاذ بفهمائید و تکلیف ما را تعیین کنید دادن سرویس نقره بعقیده من حالا لازم نیست چون کنگره بین المللی بود اگر تصمیم اتخاذ فرمودید جزو آنها بشویم البته با تشریفات (سرویس نقره) خواهیم داد. فعلاً بنظر من زائد و غیر منطقی است. . . در روزنامه‌ها راجع به این موضوع چیزی نمی‌نویسند چون هیچ اطلاعی داده نمی‌شود ولی در رادیو پاریس گراندمتر (استاد اعظم) شاید سخنرانی کند عکس برافراشته برادران گرفتیم... آقای سهیلی نیامدند ولی دکتر هدایتی و شهاب در روز دوم حاضر بودند. روی هم رفته فوق العاده با آبرو مندی و احترام و وظائف خود را انجام دادیم ملحق شدن به گدام و یا هیچکدام مربوط به اراده استاد اعظم است. . . با وجودیکه هیئت اعزامی فقط می‌بایستی در کنفرانس گرانند اوریان شرکت کنند، معینا چنانکه از متن گزارش مستفاد میشود، دکتر هومن و سایرین با گرانند لژ ناسیونال فرانسه نیز

مقام استادی

اوریان شرکت کنند، معینا چنانکه از متن گزارش مستفاد

میشود، دکتر هومن و سایرین با گرانند لژ ناسیونال فرانسه نیز

اماس گرفتند. و در نتیجه رقابت بین این دو گراند لژ فرانسوی برای جلب لژ همایون و هیئت اعزامی به شدت آغاز گردید. گراند اوربان برای اینکه موفقیت کند به سرعت سه مقام بزرگ فراماسنی به دکتر هومن اعطا کرد و در هفته دوم ۱۹۵۴ - (هفته سوم تیر ۱۳۳۳) دومرتبه بطور فوق العاده جلسه گراند لژ را برگزار داد.

در جلسه اول کلیه مراسم تنصیب درجه شاگرد Apprenti انجام گرفت و دفعه دوم هومن با تشریفات تمام از درجه (رفیق) به درجه (استادی) ارتقاء یافت. این از فراماسنهای معروف فرانسوی نیز در این مراسم حضور داشتند. در این دکتر هومن يك كمر بند سیاه نیز که علامت درجه سی ام است دریافت و در گزارشی که روز ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۴ برای استاد اعظم لژ همایون نوشته را چنین شرح داده است:

پاریس - ۱۶ ژوئیه مطابق ۲۵ تیر

استاد ارجمند امیدوارم سلامت و موفق باشید کاغذی که به وسیله آقای رسال فرموده بودید رسید، از مراحم آن برادر عزیز متشکرم - در این مرتبه در لژ حضور پیدا کردم يك مرتبه منصب Apprenti شاگرد و دفعه دوم ارتقاء درجه رفیق به استادی بود با تمام مراسم و با تمام گفتگوها و مذاکرات آن با حضور چهارصد نفر بعمل آمد بهمن هم كمر بند سیاه علامت درجه ۳۰ Chevalier de la Cl دادند و من وارد شدم پرويك مینه اول و دوم مراتب را Vener (رئیس لژ) اعلام کردند (در لژهای فرانسه اول و دوم) نزد استاد نشاند و نزدیک در مقابل استاد می نشینند. بعداً همه تشریفات را عملی کردم جواب سلام داد و با من مصافحه کرد و مرا نزد خود نشانید گفت برادر من همان کسی است که در کنگره از طرف لژ تهران شرکت کرد و معرفی خوب و پسندیده ای نمود در تمام تشریفات که تا نصف شب از ساعت ۹ تا ۱۲ بعد شرکت کردم ولی رأی ندادم بعداً اجازه بمن داد با کمال آرامش سلام

با درمن نامه دکتر احمد بهیچوجه تغییراتی داده نشده است.

برادران لژ ایران را به‌اعضاء لژ رسانیدم و از اینکه مرا پیش خود پذیرفته‌اند و در مهمانیها و نیز تشریفات با اهمیت نشانیده‌اند تشکر کردم شمه‌ای از مساعدت‌های فرانسویها به‌ما در زمینه فرهنگ و اینکه پیغمبر ما زرتشت برای اولین دفعه از جنگ اهریمن و اهورامزدا (بدی باخوبی) یاد کرد و مشابه‌ای که داستان حیرام ابی و قتل او به‌وسیله بدکاران دارد و جاودان بودن ملکوتی و درستی‌کاری بیان کردم که مورد توجه شد. رئیس مجدداً به‌پاخواست و جواب مفصلی داد و اظهار خوشوقتی کرد که در مشرق آنقدر تکامل پیدا شده که لژ . . . مرکب از چنین اشخاصی که نمونه آن حاضر است مرکب است و یقین است که بشریت رو به تکامل می‌رود آزادی - برادری - برابری صورت عمل در دنیا می‌گیرد و از این قبیل چون تعطیل تابستان لژهای پاریس بسته است نباشد در رئیس و کان در لژهای مخصوص حضور پیدا کنم و آدرس آنها را بمن دادند . . .

نامه دیگری که در همین ایام به‌استاد لژ همایون رسیده ولی بدون امضاء می‌باشد، داستان عضویت افراد هیئت اعزامی به پاریس را به طرز جالبی روشن می‌کند، متن این نامه از نظر اهمیت عیناً نقل می‌شود:

شنبه ۱۵ مهر - استاد ارجمند امیدوارم سالم و موفق و امیدوار باشید بحمدالله تشریفات باکمال نظم و ترتیب و بانهایت خوبی انجام شد. دکتر خلعتبری نمره ۱ - دکتر هومن نمره ۲ و بنده در لژ نمره ۳ عمل کردیم و قبول شدیم. سایرین هم حضور داشتند سوگند یاد کردند. آقای ساعد مراغه هم بودند عمل کردند و دو مهمانی مفصل به‌افتخار ما دادند در آنجا نطق‌های مفصلی شد که من از طرف رفیق جواب دادم به‌تصدیق همه مناسب و خوب بود. پنجشنبه آینده هم خود ما عمل خواهیم کرد یعنی بنده باشگاه را اداره خواهم کرد. شب آنها را در یکی از مهمانخانه‌های درجه اول دعوت کرده‌ایم که آنچه سابقاً فرستاده بودید و آنچه ما خود آورده‌ایم اهدا کنیم و تشکر کنیم. بعداً آئین نامه‌ای می‌خواستند که دیروز چندین ساعت وقت صرف آن کردیم و به آنها خواهیم داد مدارک ما را با [سه نقطه]

به جای اسم گذارده شده] خواهند داد و سراسر این کار مبلغ ۹۰ هزار فرانك هم پرداختیم روز ۲۰ مهر کار به این ترتیب تمام خواهد شد. دوسه روز هم برای ترتیب گرفتن تصدیق خواهیم بود اگر بایستی دمشق برویم آدرس آن شخص را مرقوم فرمائید و اگر لازم نیست مستقیماً خواهیم آمد آقای... الان رفتند برای آنروز مراجعت خواهد کرد آقای رشیدی حائری را يك معرفی کردم و باقی همه را سه. خیال می کنم همینطور بوده است. افاضه لازم را برای نمونه هم باشد باید خرید و برای اینکار در این شهر خوب نیست باید به شهر آقای سهیلی رفت آنجا سفارش داد ولی چون پول نداریم نمی دانیم چه باید کرد سفارشات ای آنجا نوشته اند که به ما ارزان بفروشند اگر لازم است آنچه لازم تشکيل يك باشگاه است بخریم که معطل نمانیم مرقوم فرمائید و حواله هم بوسیله کمیسیون اوزبفرستید تا خودم شخصاً با وجود کار زیاد به آن شهر رفته خریده بدوسیله ای حمل کنیم يك شخص بسیار خوب عالم که دو زبان میدانند و بسیار تودل برو و پر حوصله و خوش بیان است معین گرداند آنجا بیاید اسم [سه نقطه گذارده شده] و تبعه شهر آقای سهیلی است مرقوم فرمائید چه وقت باید بیاید به او اطلاع دهید به عقیده من خیلی مفید خواهد بود از شروع کار با نظر او انجام شود منتظر دستور رسمی در این مورد خرید لوازم از هر قبیل و تاریخ آمدن آن شخص هستم. بنام کاذبی در جواب جناب عالی بنویسند بمن خواهند داد همه برادران و رفقا را سلام برسانید آقای امام را پیش دکتر بردم کرم خطرناکی داشت که در ریه و کبد رفته بود مشغول معالجه است همه را سلام می رسانند منتظرم زودتر جواب مرقوم فرمائید (امضاء لایق)

علاوه بر پذیرائی و تشویقی که از هیئت اعزامی ایران در فرانسه بعمل آمد گرانداوریان بهمه شعب خود در جهان نیز توصیه کرد که ارتباط خود را با لژهایون محکم کنند.

پیرو این بخشنامه نامه هایی بین لژهایون و سایر لژهای گرانداوریان

همادله شد که یکی از آنها بعنوان نمونه در اینجا نقل می شود :

بروکسل ۲۳ مه ۱۹۵۶

آقای استاد اعظم :

پس از بازگشت از مسافرت نامه محبت آمیز ۱۹ مارس شما را زیارت کردم
نام گرانند اوریان بلژیک از شما به خاطر احترام و ابراز دوستی که نسبت به
بلژیک ابراز نموده اید تشکر می کنم .

تجذبات کوچکی که ما توانستیم به برادر . ف. رشیدی^۱ انجام دهیم خیلی
آمنت من به شما اطمینان می دهم آنچه را که ماهمه روزه شرط کرده ایم به
روجهی انجام می دهیم . تمام ماسنهای ایرانی که خود را به ما معرفی کنند
کلیه صوریات اقامت در بلژیک از وجودشان مطلع شویم از آنها پذیرائی می کنیم .
ما مخصوصاً از پذیرائی از شما و دیدار برادران ایرانی در بلژیک بسیار
آل خواهیم شد . استاد اعظم از شما خواهش می کنم که احکاسات برادرانه ما
را بپذیرید^۲ .

ر-هامانیه - ممراندومتر

نامه دیگری از یکی از لژهای فراماسونری سویس خطاب به استاد اعظم

ان

ژنو - ۲۷ مارس ۱۹۵۵ به آقای محمد خلیل جواهری

۲۱۲ خیابان کلاخ - تهران - ایران .

برادر خیلی عزیزم .

پیغام و شیشوی بسیار زیبای هنری که همراه آن بود دریافت کردم . بدبختانه
من و بعد از ابتلاء به بیماری، که گرچه يك گریب خیلی ساده و نامطبوع پیش
منشعب شد که من نتوانم آنچه را که می خواهم برای خانم فرهودی انجام بدهم .

۱- رشیدی عضو وزارت خارجه ایران می باشد .

۲- این نامه به وسیله مترجم لژها بون ترجمه شده است .



BRUXELLES, le 23 mai 1956.
8, RUE DU PAROIS.

CABINET DU
GRAND-MAÎTRE T. C. VÉL. Maîtr. ,

Revenant de voyage j'ai pris connaissance de votre aimable lettre du 14 mars et je vous remercie, au nom du Gr. Orient de Belgique, pour le geste d'amitié que vous avez eu à l'égard de la M. O. belge.

Les menus services que nous avons pu rendre au F. Rachidi sont peu de chose et je tiens à vous assurer de ce que nous réserverons toujours le meilleur accueil à tous les Maîtres Iraniens qui se présenteront à nous à l'occasion d'un passage ou d'un séjour en Belgique.

Il nous serait d'ailleurs particulièrement agréable d'être informé par vos soins de toute visite de P. P. Iraniens en Belgique.

Je vous prie de croire, T. C. Vél. Maîtr. , à l'assurance de mes sentiments les plus fraternels.

R. Hamaide
Gr. Maître.

نامه سرانند از بلژیک در تائید از همایون

ولی برادر ما کفائی موفق شد به کارهای خواهر ما بپردازد و از این حیث همه چیز بخوبی مرتب است .

ولی برادر عزیزم سخاوت شما نسبت به من ، به حدیست که من احساس ناراحتی می کنم و این واقعاً زیاد است . من جز اینکه به خاطر ارسال مظهرشکیل هنر ایرانی از شما تشکر کنم کار دیگری نمی توانم بکنم . ولی اگر شما اینجا حضور داشتید ، خیلی برادرانه شمارا سرزنش می کردم و از شما خواهش می کردم به این قبیل اثبات دوستیهای خویش خاتمه بدهید ، امیدوارم کارها بروفق مرادتان باشد و سر مست باشید . این یکی از با ارزش ترین نعمات است همچنین امیدوارم به لژ قابل احترام شما ، تحت رهبری عاقلانه شما به گسترش خود ادامه بدهد . بپرغم ، اختلافات مذهبی و برداشتهائی که از نبوغ خاص قلبها یا کشورها اثر گرفته است ما را راضی هستیم از اینکه یکی از عناصر رشته اتحادی باشیم که در عوالم جهان ، هدف نهائی آن متحد ساختن همه انسانهایی است که احساس مشترکشان همبستگی ، گذشت ، آزادی اخلاق ، برابری فکری ، و آنچنان برادری است که مرزهای مصنوعی را که با خیانت انسانها آن را به عنوان يك مانع در راه حسن تفاهم میان همه عناصر متشکله بشریت ایجاد کرده است نمی شناسد .^۱ من آرزو می کنم که فراماسونری در ایران مبدل به يك عامل واقعی پیشرفت بشما می ، يك برگزیدگی فکری و انتخاب انسانهایی شود . بدانید نوری را که ما معبد دریافت می داریم در خارج منعکس سازید . نوری که یکی از زیباترین و پرمایه ترین سمبلها می باشد . چون ما باید حاملین این نور باشیم این یکی از وظایف انجمنی ماست .

در حالیکه بسیار به آنها می اندیشیم به برادران عضو لژ شما برادرانه درود می فرستیم . اگر فرصتی برایتان پیش آید ، خطرات خوش و سلامهای مرا به -

۱- این جمله نمودار کاملی از افکار انترناسیونالیست بودن سازمان فراماسونی و از بین بردن مرزها و به دنبال آن استقلال کشورهاست .

برادرانمان هدایتی ابلاغ نمایند .

اما شما برادر عزیز ، خواهشمندم ، باتشکرات بهترین احساسات و سلامهای قلبی و برادرانه مرا بپذیرید .

رنه فوش

۱۶ خیابان هائری دونان ، ژنو

در حالیکه به تدریج لژ همایون در بین لژهای ماسونی شناخته
 خرید مرکز محفل می شد، در سال ۱۳۳۳ لژ در صدد برمی آید که محلی را برای
 فراماسونری محفل فراماسونری ایران خریداری کند . برای اینکه
 پوششی بر روی اعمال لژ کشیده شود، قرار می شود مسئولین
 امر محل را به نام باشگاه حافظ خریداری نمایند . برای انجام این نظریه کمیته
 خرید محفل مرکب از : حبیب القایان - داود القایان ، صادق سرمد ، شهاب
 خسروانی، عیسی بهزادی، مستوفی زاده، سہنی و طوب تشکیل می گردد و سازمانی
 بنام «شرکت تعاونی حافظ» بوجود می آورند که سهام آن اسمی و هر یک به مبلغ
 پنج هزار ریال بوده است . شرکت تعاونی حافظ طی دو جلسه مقدماتی خود از ۲۹
 نفر از فراماسنها مبلغ ۲۳۸۵۰۰۰ ریال وصول می کند . چون خرید محل محفل
 مورد استقبال قرار می گیرد این نامه از طرف شرکت خطاب به همه فراماسنها
 صادر می گردد :

برادر ارجمند

چنانچه اطلاع دارید باشگاه حافظ که در حقیقت کانون روحانی همگی ما
 است تاکنون نتوانسته است جایگاه ویژه ای که احتیاجات عالیه معنوی آنرا
 برآورده سازد، برای خود آماده کند. و این مسئله مانعی بزرگ بود که در هر حال
 از پیشرفت سریع ما به مقاصد عالیه و میل به هدف مقدس جلوگیری می کرده به-
 جهت حل این مشکل که با همه بزرگی در برابر همت عالی برادران بسیار کوچک
 است ، از چندی پیش کمیسیونی مأمور بررسی شد و آن کمیسیون پس از مطالعه

باز مختلف موضوع تصمیم گرفت شرکت سهامی تعاونی با سرمایه ۱۰ میلیون ریال تأسیس کند و این شرکت علاوه بر کارهای دیگری که به یاری خداوند متعال انجام کرد در حلقه اول محل مناسبی به جهت کانون مرکزی باشگاه خریداری

اصاسنامه این شرکت تهیه شده و هیئت مدیره موقت آن برگزیده گردیده تمام شرکت اسمی است و بدون تصویب هیئت مدیره قابل انتقال به غیر نیست بود. بطور کلی تمام جهاتی که لازم بوده مطالعه شده و مد نظر قرار داشت بهای اسمی هر سهم ۵۰۰۰ ریال است و تمامی ممکن است یکجا یا تسلط تأدیه شود. پس از آنکه سهام به فروش رسید شرکت طبق مقررات تجارت رسماً در دفاتر شرکتها ثبت خواهد شد و برگ سهم رسمی برای برگستاده می شود.

همون همانگونه که اشاره شد ایجاد این شرکت که نخستین اقدام آن تهیه آئینه به جهت کانون مرکزی باشگاه خواهد بود، موضوعی بسیار مهم و اساسی است و پیشرفت ما به سوی هدف مقدس وابستگی بسیاری به آن دارد و بر تمام برادران فرض است در خرید سهام شرکت مشارکت جویند و میزان خویشتن را به کارهای عمومی عملاً نشان دهند.

آشکار است هر مبلغی که بابت خرید سهام به شرکت تأدیه شود بصورت سهم- همیشه باقی خواهد ماند، هر صاحب سهم در موقع احتیاج می تواند سهم را با تصویب هیئت مدیره به دیگری بفروشد و با پول آن که فی الحقیقه اوست رفع احتیاج کند.

اینکه به ضمیمه سه برگ سفته سفید به نام آن برادر گرامی فرستاده شده است هر مبلغی که استطاعت جوانمردیتان تجویز می کند تعهد در سفته از اعضاء فرمائید سفته را به عنوان باشگاه حافظ با پست سفارشی دو قبضه بفرستید غرض از فرستادن سه برگ سفته آنست که هر کس نمی تواند مبلغ تعهد

شده را یکجا بپردازد مبلغ را در دو یاسه سقته بتویسید در دو یاسه قسط به تاریخ هائی که مقتضی می دانید تأدیه کنید .

در پایان مرده می دهد که ۲۹ نفر از برادران ناکنون مبلغ ۲۳۸۵۰۰۰ ریال از سهام شرکت را خریده بزرگواری و علاقه خود را به پیشرفت کارها عملاً بمنصه ظهور رسانیده اند .

کمیسیون چشم براه وصول نتیجه تصمیم جنابعالی است و امید دارد هر چه زودتر بتوانند به خرید جای مناسب اقدام و آنرا به جهت کارهای معنوی بزرگی که در پیش داریم آماده و مجهز سازد با تقدیم سلام .

هیئت مدیره موقت شرکت تعاونی حافظ

شرکت تعاونی حافظ پس از یکماه موفق می شود ۶۰۰ هزار تومان پول جمع کند . از این پول ۵۰۰ هزار تومان به خرید ساختمان سفارت هلند در خیابان عین الدوله (ایران) اختصاص داده می شود و بقیه صرف خرید لوازم و مبلمان آن می گردد . در سال ۱۳۳۶ که لژ مولوی تشکیل شده بود کارگردانان لژ همایون موفق می شوند ساختمان لژ را به مبلغ قریب يك ميليون تومان به وزارت فرهنگ (آ-موزش و پرورش فعلی) بفروشند . سند انتقال محل مذکور که به نام صادق سرمد بوده به نام وزارت فرهنگ صادر می شود و در همان وقت متصدیان لژ محل جدیدی را که در خیابان بوعلی پلاک ۴۱ واقع است به مبلغ پانصد هزار تومان خریداری می کنند . چون چهارصد هزار تومان باقی مانده محلی برای مصرف نداشته ، لژ مولوی این مبلغ را بین اعانه دهندگان و صاحبان سهام اولیه تقسیم می نماید و آنها که مایل به پس گرفتن وجوه پرداختی بوده اند ، عیناً و بقیه نصف سهام خود را دریافت می دارند . با این ترتیب مرکز فعلی محفل مولوی نزدیک به صد هزار تومان تمام می شود . و این اولین و تنها ملك خصوصی است که سازمان فراماسونری اکنون در ایران دارد .

علیرغم تشویق ها و پذیرائی هایی که از هیئت اعزامی ایران در فرانسه بعمل آمد ، دکتر هومن و اعضای هیئت اعزامی در بازگشت اظهار عقیده کردند که بهتر است لژ همایون به گرانند اوریان ملحق نشود زیرا گرانند اوریان با برادران بشدت مخالف است. دکتر هومن در گزارشی که به استاد اعظم داده صریحاً بحث که باین اختلافی که بین لژهای انگلوساکسون و گرانند اوریان موجود است به این لژ ملحق شد. در توضیحات حضوری نیز که به رؤساء لژ همایون مصریح خویش را در باره الحاق به گرانند ناسیونال دو فرانس که برتری و لژهای انگلیسی را قبول دارد، اعلام داشت. او جریان مذاکرات اولیه خود را با نام گرانند ناسیونال نیز به اطلاع رسانید. در این بین دکتر محمود هومن پاریس حضور داشت و واسطه گرانند لژ ناسیونال و لژ همایون شده بود، با محمد خلیل جواهری نمود. بطوریکه گمان می رفت الحاق دو لژ بزرگ ملی گردد ولیکن در این وقت نامه محرمانه ای از «حنا ابی راشد» به تهران در آن به برادران ایرانی خود اطلاع داده بود که جمال عبدالناصر رئیس مصر، در لژهای ماسونیک این کشور رخنه کرده و قصد تصرف اداره سازمان مصری را به نفع خود دارد.

تا آن رسیدن این نامه اختلافاتی نیز بین اعضاء لژ همایون روی داد که سرانجام سبهد حاج علی کیا بود. سبهد کیا که مأمور بود لژ همایون را به عده ای از اعضاء تکلیف استعفا کرد و با استعفای ۱۵ نفر از طرفداران محمد خلیل جواهری نیز تکلیف استعفا شد. خود جواهری در این باره گفته بود: «حالیکه در پاریس برای الحاق به «گرانند اوریان» و «گرانند ناسیونال» مشغول مطالعه بودیم، در تهران حوادثی پیش آمد که منجر به کناره گیری و چندین بار بمن اخطار گردید که مستعفی شوم. مدتی مقاومت کردم، ولی نام پس از چند ماه مذاکره خصوصی و وساطت دکتر سید حسن امامی امام جمعه،

تصمیم گرفتم برای مدت سه ماه کار لژ را متوقف کنم .

چون در قانون اساسی فراماسونری قید شده که اگر لژی سه ماه بدون عذر -
موجه فعالیت نکند ، بخودی خود تعطیل و منحل می شود لذا منهم از اختیاراتی
که داشتم استفاده کردم ، سه ماه کار لژ را متوقف ساختم و بدین ترتیب آن را منحل
کردم .

پس از اعلام انحلال به اعضای لژهایون اطلاع دادم که می توانند در لژ
جدید (مولوی) که مقدمات تأسیس آن کاملاً فراهم شده است فعالیت کنند و یا در
لژهای دیگر بکار پردازند . مقارن با تعطیل لژهایون ناگهان در مجلس شورایملى
نطق شدیدالحنى بوسیله آقای رضا افشار علیه لژهایون ایراد شد که پس از آن
بنا به مصلحت عمومی و برای توسعه و بقاء مرام ماسنی از کارکناره گیری کردم .

نطق کوتاه و کوبنده رضا افشار در مجلس شورایملى پس از

نطقهای شدیدالحنى عباس اسکندری و رضا آشتیانی زاده در

مجلس شورایملى ایران راجع به فراماسونری بسیار مستدل

و منطقی بود . افشار در نطقی که در جلسه ۱۱۵ روز دهم اردیبهشت

هاجرای نطق

رضا افشار

۱۳۳۴ ایراد کرد در این باره گفت :

« . . . در دنیا احزاب سیاسی که علناً در امورات کشورشان مداخله می کنند

نمایندگان می دانند خیلی زیاد است و يك احزابی هم در اروپا در قرن نوزدهم به

این طرف وجود داشته از قبیل کاربوناری ، ایلی میناسی ، فیلا دلفی ، توگون بند و

فراماسون ، فراماسونها در ایران بی سابقه نیستند ، مرحوم ملکم خان مؤسس

فراماسونری در ایران بوده است که آنوقت فراموشخانه میگفته اند يك حکایتهاى

هم راجع بفراماسونری در افواه و افکار مردم بود اخیراً نسبت بقیة السیف

فراماسونهاى موجود یکمده خیلی زیادی افزوده شده است و حتی در بین آقایان

وزیران و آقایان نمایندگان و آقایان سناورها بعنوان فراماسون وجود دارد يك

لژهایون هم تشکیل شده است ، و اخیراً جواهری نامی بعنوان رابط از مصر

بوده است، اینجا عذر این آقای جواهری را خواستند یکی از سنانورهای
 رابط این حزب فراماسون در ایران یعنی لژ ایران بالژارویاست. فراماسونری
 طبقات و تفحصاتی که بنده کرده‌ام و مطالعه کرده‌ام يك حزبی است بین المللی
 اجازه بدهیم در این مملکتی که هنوز ملیت مبتنی بر يك اصول و پایه
 است يك اشخاص بین المللی بیایند در اینجا و يك حزب فراماسونری تشکیل
 (صحیح است) این حزب بالژ تشکیل شده است، بنده اسامی لا اقل ۲۷۵ نفر را
 (جزایری - صحیح است) دو تا فراماسونری در دنیا هست یکی سکاتیش رایت
 است یکی هم گراند اوریان است در اروپا.

فراماسونری‌های گراند اوریان کارشان اطاعت کورکورانه از يك مبدائی است
 (دارا بکجاست) انگلستان (صحیح است) اولاً ما نباید بگوئیم که فلان
 از سیاسی می‌کند یا بعضی جراید مطالبی بنویسند.

این کشور خود را بهر مقام و منزلتی ترجیح می‌دهم و از هیچ چیز در مقابل
 ملت و مملکت خود بیم ندارم (احسنت) ما در درجه اول باید سعادت این
 ملت در نظر قرار بدهیم (صحیح است) ما باید سعی بکنیم آن اشخاصی که
 پیرو قیافه‌ای با يك تغییر شکلی با يك عنوان ظاهر المصلحتی وارد جامعه ما
 می‌خواهند کشور ما را بصورت يك کشور اترناسیونال در بیاورند و
 کورکورانه از يك سیاستی می‌کنند که متأسفانه این مملکت را همین سیاست
 کرده است ما نباید این اشخاص را بگذاریم اقدامی کنند (احسنت) و کلای
 آقایان نمایندگان محترم باید شجاعت اخلاقی داشته باشند، فلان آقا وکیل
 می‌رود فلان آقا وزیر می‌شود می‌رود ولی این مملکت باید بمالد.

در این مملکت بموامل و آبادی که سرسپرده سیاستهای خاصی هستند اجازه
 ندهیم و لعمرو نباید داد (صحیح است - آفرین) اگر يك روزی مصلحت بود بنده
 هم در جلسه محرمانه تمام آقایان را با جزئیات تشکیلاتشان با آن لژهای یون
 هم از آقایان برسانم (یک نفر از نمایندگان در جلسه علنی بفرماید) احسنت.



جهانگیر تفضلی مدیر روزنامه ایران ما



رضا افشار وکیل مجلس شورای ملی

چندی بعد از ایراد این نطق، در هفته نامه ایران ما سلسله مقالاتی بقلم جهانگیر تفضلی بنام «گفتگو با يك فراماسون» در نامه ایران ما، پیشقدم انحلال لژ همایون و چند مقاله نیز با نام های مستعار «منوچهر شاپور» منتشر گردید که بنظر می رسید نوشته های دکتر مگری و شاپور زندیا باشد. در دو مقاله ایران ما، لژ همایون مستقیماً مورد حمله قرار گرفته و تحت عنوان «جمعیت برادران لژ همایون، باشگاه حافظ» و «گفتگوی يك ناسیونالیست و يك فراماسون» چنین نوشته شده است:

«... من یفراماسونها حمله نکردم، و بعضی از فراماسونهاى قدیمی، از نظر شخصى و اخلاقى و گاهى علمى بسیار مورد احترام من بوده اند و هستند. اما در کارهای سیاسى کشور خودمان نه تنها روش آنها را نمى پسندم بلکه بسیاری از گرفتاریهای يك قرن و نیم اخیر ایران را نتیجه روش سیاسى آنها مى دانم و اصولاً كسى كه دارای افكار ناسیونالیستى باشد نمى تواند با عقاید اتر ناسیونالیستى كه معنی صریح آن بیوطنى است سازگار باشد. هر چند این بیوطنى بصورت عالیجنابى و بشردوستى و برادری بوده باشد.»

به مکر فلان نخست‌وزیر را دسته فراماسون‌ها و توده‌ای‌ها درهم شکستند؛
اولاً این کار در اوائل نهضت ابداً مربوط به حزب توده نبود ثانیاً من قبول
نفراماسون‌ها بقدری که با نخست‌وزیر... دشمنی داشتند و دارند هرگز با
ها مخالف نبوده‌اند...

البته سنا و نور جمال امامی و اقلیت دوره‌ی شانزدهم بخصوص سعید مهدوی
بودند و نمایندگان اقلیت دوره‌ی هفدهم نیز خیلی تأثیر داشتند و هیچکدام
از فراماسون‌های قدیم بودند و نه جدید...

اما از لژ تازه فراماسونری در ایران از کجا خبر دارید؟

از اواخر دولت سپهبد زاهدی یکی از وزیران مهم آندولت و ایندولت
مطالع و دانشمند است روزیکه در منزلش به اتفاق دکتر امینی و علم رفته
ای ماهه نفر به تفصیل از خلیل جواهری و دوست نفری که عضو لژ
بود از وزیر و وکیل و مدیر عامل شرکت... گرفته تا... صحبت کرد و در

ای از بد نامترین و بد سابقه‌ترین اشخاص را جمع کرده‌اند و... و در
از آنها گفت که تمام کثافت و فساد را که ممکن است فردی در سنین
فته باشد، بعضی از این عده دارا می‌باشند و ضمناً از بعضی از فراماسون‌های
خیلی تعریف کرد و گفت: آنها بهیچوجه از قماش این دسته دوست
ندار آنها از فلسطین آمده است و اصلاً اهل سوریه است نمی‌باشند.
بپ دیگر چه؟

بگر راجع به باشگاه حافظ و (جمعیت برادران) در تهران که سردمدارانش
را امور توزیع هروئین و کوکائین در میان جوانان کرده بودند و عده‌ای
آنها را آزاد و کم اطلاع و شریف را نیز جمع کرده بودند و آنها را بنام
الان و مترقی که طرفدار سیاست انگلستان و مخالف نفوذ امریکا در ایران

این جمله اشاره به فعالیت مهم و علنی امضاء فراماسونری لژ همایون علیه یکی از
ایران است که خود جواهری هم آنرا تأیید می‌کند.

می باشند بحساب می گذاشتند و در همین گیرودار بود که برخی از مؤثرترین این (برادران) در همان هفته‌ها به گروه ایران نو رفتند و در کار روابط دوستانه آمریکا و ایران گوشه‌های مؤثر کردند و مورد محبت و احترام و استقبال امریکاییان نیز واقع شدند یعنی درست در جهت مخالف لژ دوست نری فعالیت آغاز کردند و لژ- نشینان و برادران قدیم و جدید هم سخت بدشمنی آنها پرداختند و با شدت بیشتری مخالفت آنان با این (مرقد) ادامه دارد ...

... من راجع بفرااماسونری خارج اطلاع زیادی ندارم اما می دانم که فرااماسونری ایران شعبه‌ای از لژ قاهره است و آنهم شعبه‌ای از (گراانداوریان) پاریس و فرااماسونهای کشور ما از علاقمندان و هواداران سیاست کهنه‌ی استعماری انگلستان می باشند و در کشورهای خاورمیانه نقش اصلی آنها مبارزه با نفوذ مادی و معنوی امریکا است و به نظر من با شرایط سیاسی و جغرافیائی سی چهل سال اخیر ایران، فعالیت برادران فرااماسون نه تنها بزیان ایران است بلکه با سیاست جدید انگلستان هم سازگار نیست بلکه برای انگلستان کاملاً مضر است.

در شماره دیگر ایران ما درباره لژ همایون تحت همان عنوان چنین نوشته شده است: « آنچه راجع بخلیل جواهری و لژ (همایون) می گوئید درست است و اصولاً آنها فرااماسون نبودند بلكه دستگاه قلبی بود و بهم خوردند و ابتدا با فرااماسونهای اصلی و قدیمی ارتباط نداشت.

— باید گفت شکست خورد و همانطور که می دانید و گفتم حمله شدیدی که یکسال و نیم پیش ایران ما به آن دسته کرده و آقای افشار هم در مجلس اندکی پرده بازی آنان را بالا زد و بالاخره وقتی که روشن شد که اینها یکدسته‌ئی هستند که کارگردانان آن دسته، آنها را برای مبارزه با نفوذ مادی و معنوی آمریکا در ایران درست کرده اند دیگر مصلحت آن سیاست‌های خارجی که ایندسته خود را

۱ - از بین اعضاء لژ همایون فقط هشت نفر از آنها در لژهای کنونی فرااماسونری اسکاتلند و فرانسه در ایران شرکت دارند.

آهسته آن سیاست می دانستند اقتضا نمی کرد که فعالیت چنین دسته‌ای به آن صورت
پیدا کند.

۱- خلیل جواهری اصولاً فراماسون نبود.

۲- شاید هم بود (شارتر) فرمان او بالتر فراماسون‌های قدیمی اختلاف داشت،
ولی از هر کس که وارد می شد در همان وحله‌ی اول پنج لیره طلا به عنوان
پول می گرفت بعد هر کدام برای امور خیریه و سایر کارها مبالغ مهمی در
کار می پرداختند و عده‌ای از نمایندگان خوشنام و درست کار مجلس را نیز
آن عضویت باشگاه حافظ و مهمانی بارجال بزرگ به دام کشیده بودند و این
ان آزاد) در مجلس هم علاوه بر اعضای متفرقه‌ای که پیدا کرده بودند يك
چون مخصوص داشتند که اغلب آنها مردم خوشنامی بودند و با آن که آنها
مردم به دام (بنایان آزاد) افتاده بودند نمی دانستند که چه بنائی را می خواهند به
آنها آزادانه خرابتر کنند.

این‌ها اغلب بسراغ کسانی رفته بودند که پدر آنها یا از فراماسون‌ها بودند
و با فراماسون و بیشتر در دنبال نمایندگان بی سروصدا و متین و بقول ما
داران بیطرف دولت) می رفتند ... ۴.

علاوه بر حمله مستقیم و علنی که روزنامه ایران ما به لژ همایون و محمد
جواهری کرد در سال ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ نیز در ایران، مقالات دیگری علیه لژ
در آن نوشته شده بود.

چون دشمنی ایران ما نسبت به لژ همایون علنی بود، برای اینکه تنها
تجارت ایران ما را نقل نکرده و یکطرفه قضاوت نکرده باشم درباره حمله جهانگیر
به مدیر ایران ما، به لژ همایون از محمد خلیل جواهری سؤال کردم وی
جواب گفت:

من با آقای جهانگیر تفضلی از سال ۱۳۲۳ آشنا بودم، در آن سال ایشان به

اتفاق مرحوم محمد مسعود، خسرو اقبال و جعفر جهان بودند و هفته‌ای یکبار با یکدیگر ملاقات می‌کردیم و در محل فعلی سینما پارك باهم نهار می‌خوردیم. در این جلسات که چند سال طول کشید من دربارهٔ اصول روزنامه‌نگاری جهان و سورهٔ مقالات با چهار روزنامه‌نویس مزبور گفتگو و مذاکره می‌کردم.

روابط من با آقای تفضلی صمیمانه بود و تصور می‌کنم حملاتی که ایشان به من کرده‌اند به دستور سر‌تیب حاجعلی کیا یا مهندس قباد ظفر عضو لژ همایون بود که هم‌اکنون نیز در یکی از لژهای دیگر عضویت دارد، چون درین مقالات مکرر نام باشگاه حافظ برده شده، بی‌مناسبت نیست که این باشگاه فراماسونری ایران را نیز معرفی کنیم:

باشگاه حافظ یکی از ارگانه‌های علنی لژ همایون بود. این

باشگاه حافظ باشگاه در سال ۱۳۳۱ در تهران خیابان نادری کوچه مسعود-سعد تشکیل گردید.

باشگاه حافظ تا سال ۱۳۳۵ ش (۱۹۵۷ م) در تهران بود و فقط فراماسن‌های عضو لژ همایون حق داشتند، به آن رفت و آمد کنند. حق عضویت باشگاه ماهانه ۲۵۰ ریال بود که علاوه بر استفاده از وسائل تفریح، از بار و رستوران نیز برای صرف شام و ناهار استفاده می‌شد.

در باشگاه حافظ فستیوال سالانه فراماسونری لژ همایون که فقط اعضاء لژ حق شرکت در آن داشتند، تشکیل می‌شد. علاوه بر این مهمانی‌های سفید فراماسنی که در آن «یکانگان»^۱ نیز شرکت داشتند، برگزار می‌گردید.

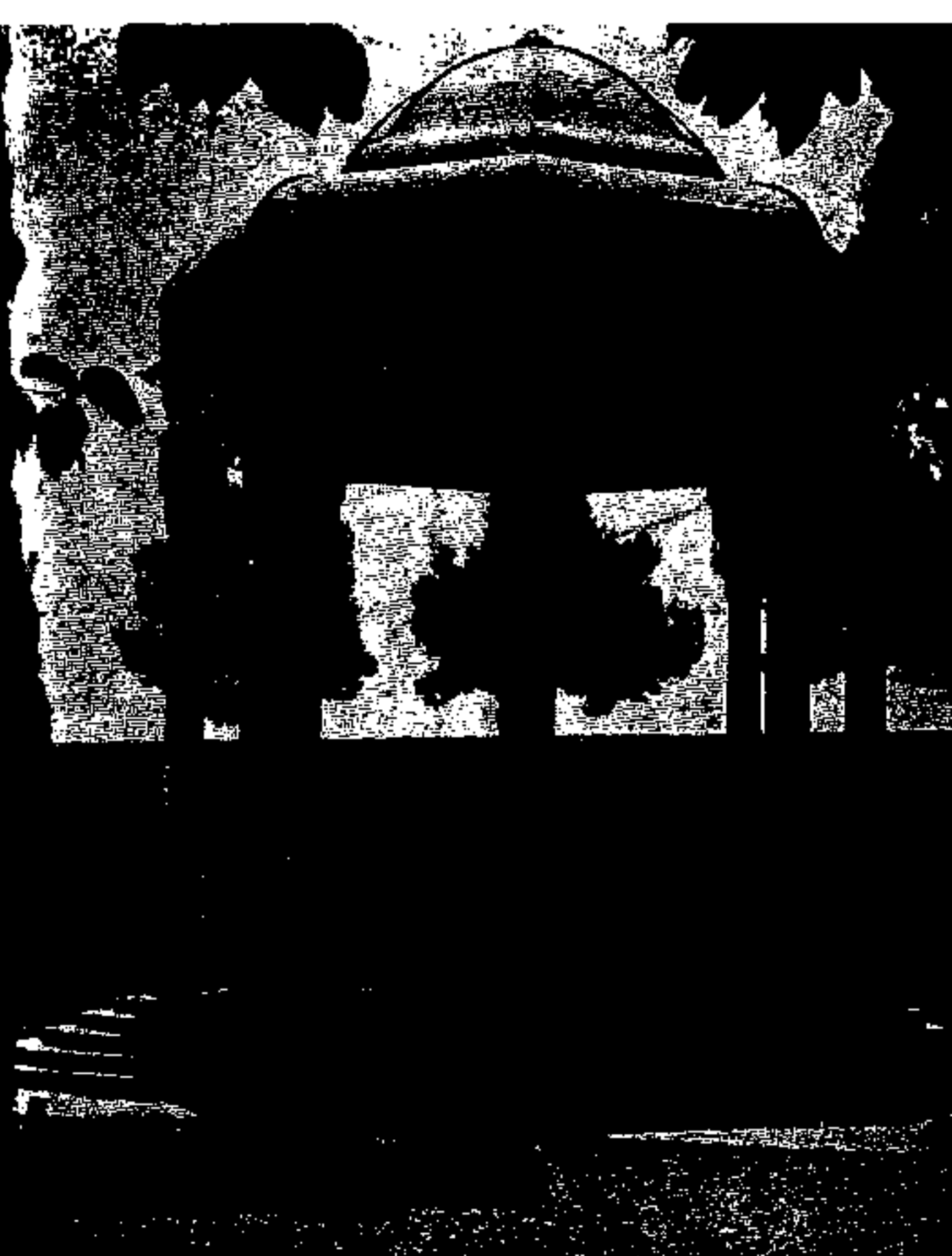
اساسنامه باشگاه حافظ، نخستین نوشته ایست که فراماسن‌های ایرانی در سازمان دولتی ایران به ثبت رسانیده‌اند. این اساسنامه که بعدها از طرف اعضاء لژ کوروش و تهران و خیام تقلید شد و «باشگاه رازی» بر اساس آن تشکیل گردید

۱- فراماسن‌ها به کسانی که عضو لژهای فراماسونری نیستند، بیگانه می‌گویند.

پوسپله مرحوم صادق سرمد ، جعفر جهان و دکتر پرتو نوشته شده است . این سه
 نفر در عین حال اعضاء هیئت مدیره باشگاه حافظ بودند و لی کارگردان اصلی و مدیر عامل
 شخص محمد خلیل جواهری بود .
 اینک فصول اساسنامه باشگاه حافظ را که در اداره ثبت شرکتها به ثبت
 رسیده است عیناً نقل می کنیم :



پرچم مخصوص لژیون که در کنار کرسی
 استاد اعظم برافراشته میشد



اساسنامه باشگاه حافظ

فصل اول - کلیات :

ماده ۱- باشگاهی بنام باشگاه حافظ برای مدت نامحدود در ایران تأسیس
مواد این اساسنامه اداره میشود .

ماده ۲- منظور از تشکیل باشگاه حافظ عبارت است از : ایجاد روابط
بین اعضاء باشگاه بمنظور تعاون و معاضدت و راهنمایی یکدیگر و همچنین
و همفکری و تشریک مساعی آنها در امور خیریه و خدمات نوعی و علمی و
و نیکوکاری نسبت به مردم ایران .

ماده ۳- باشگاه حافظ دارای شخصیت حقوقی و تابع قانون شخصیت های
فیزیک و بازرگانی میباشد و مسئول تعهدات مالی باشگاه فقط دارائی باشگاه است .
ماده ۴ - باشگاه حافظ دارای تابعیت ایران و مرکز آن در ایران خیابان
کوچد مسعود سعد است .

فصل دوم - عضویت :

ماده ۵ - عضو باشگاه کسی است که عضویت او بتصویب هیئت مدیره رسیده
باشد مصوبات این هیئت کارت عضویت (بالعکس) بنام او صادر و ملفی نشده

تجربه - اشخاصیکه دوستی آنها با اکثریت اعضاء باشگاه میر نبوده یا

دارای اخلاق و ایمان و تربیت و سواد و معلومات کافی نباشند نمیتوان عضویت پذیرفت .

ماده ۶ - علاوه بر اعضای رسمی باشگاه فقط کسانی حق ورود به عمارت و محوطه باشگاه حافظ را دارند که در انجمنهای خیریه یا سازمانهای خدمات نوعی و علمی و فرهنگی (که برقراری محل تشکیل جلسات آنها در این باشگاه بتصویب هیئت مدیره برسد) عضو باشد و کارت عضویت آنها بر طبق مصوبات این هیئت صادر و ملغی نشده باشد . معذالك اعضا این انجمنها و سازمانها جز در ایام و ساعات و اطاق یا اطاقهاییکه از طرف مدیر عامل باشگاه برای آنها تخصیص داده شده نمیتوانند در باشگاه حافظ حضور یابند و جز تا موقعیکه مدیر عامل مزبور صلاح بداند نباید حضور داشته باشند .

فصل سوم - ارکان باشگاه :

ماده ۷ - باشگاه حافظ دارای سه رکن میباشد : مجمع عمومی - هیئت مدیره - مدیر عامل .

الف - مجمع عمومی

ماده ۸ - مجمع عمومی مرکب است از کلیه اعضای رسمی باشگاه و تشکیل آن در پایان هر سال برای تعیین هیئت مدیره جدید و اخذ تصمیم نسبت به پیشنهادات هیئت مدیره قدیم الزامی است و بعلاوه در ظرف سال ممکن است بطور فوق العاده برای اخذ تصمیمات مهم دعوت شود .

ماده ۹ - مجمع عمومی بوسیله اعلان در عمارت باشگاه و در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار تهران دعوت میشود و با حضور نصف بعلاوه يك عده اعضا حاضر (باستثنای هیئت مدیره و مدیر عامل) اتخاذ خواهد نمود . چنانچه در دفعه اول حد نصاب حاصل نشد در دفعه دوم جلسه مجمع عمومی با حضور اعضا حاضر رسمیت خواهد یافت و تحت ریاست رئیس باشگاه و یا مسن ترین اعضا اداره

خواهد شد و دبیر باشگاه یا جوان ترین اعضاء حاضر که دارای درجه فرهنگی لیسانس باشد منشی مجمع عمومی خواهد بود.

ب - هیئت مدیره

ماده ۱۰ - هیئت مدیره مرکب از هفت نفر است که برای مدت یکسال در مجمع عمومی سالیانه از بین اعضاء باشگاه انتخاب میشوند و مادام که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده است هیئت مدیره قدیم بوظایف خود عمل خواهد کرد.

ماده ۱۱ - در صورت فوت یا استعفاء یکی از اعضاء هیئت مدیره (بیش از یک ماه قبل از اتمام دوره انتخاب) باید مجمع عمومی برای تعیین جانشین فوت گردد. مجمع عمومی سالیانه سه نفر را از بین اعضاء باشگاه بعنوان علی-البدل اعضاء هیئت مدیره انتخاب میکند تا بجای اشخاص ممنوع یا مافز برای گشت در جلسات هیئت مدیره دعوت شوند ولی در صورتیکه بهر دلیل عدم حضور یکی از مدیران یا اعضاء علی البدل بیش از دوبار یا بیش از یکماه باعث عدم تشکیل جلسه هیئت مدیره گردد رئیس یا سه نفر از اعضاء هیئت مدیره یا ۱۵ نفر اعضاء باشگاه میتوانند مجمع عمومی برای تجدید انتخاب تمام یا عده ای از اعضاء هیئت مدیره و اعضاء علی البدل دعوت نمایند.

ماده ۱۲ - هیئت مدیره سال اول تأسیس در تاریخ ۳۱/۲/۲۵ از طرف حسین انتخاب شده اند و اسامی آنها بشرح زیر است :

۱ - دکتر علی پرتو ۲ - صادق سرمد ۳ - مهندس عباس مافی ۴ - جمشید جهان سید محمد میرهادی ۵ - دکتر حبیب اله یدیدی ۶ - علی اصغر سلسبیلی.

ماده ۱۳ - هیئت مدیره در اولین جلسه یک نفر از اعضاء خود را بعنوان رئیس یک نفر از بین خود بعنوان دبیر انتخاب خواهد نمود رئیس و دبیر هیئت مدیره پس و دبیر باشگاه نیز میباشند و صورت جلسات هیئت مدیره مانند صورت جلسات مجمع عمومی باید با امضای رئیس و دبیر رسیده تحویل مدیر عامل باشگاه شود و در دفاتر مخصوص ثبت و ضبط گردد.

ماده ۱۴ - هیئت مدیره در هر ۱۵ روز لااقل یکبار تشکیل جلسه میدهد و رئیس هیئت و همچنین مدیر عامل باشگاه میتوانند در هر موقع لازم بدانند هیئت مدیره را برای تشکیل جلسه دعوت نمایند.

ماده ۱۵ - هیئت مدیره با حضور پنج نفر از علماء رسمیت یافته و تصمیمات آن به اکثریت آراء حاضر اخذ میشود ولی در هر حال هر تصمیم لااقل محتاج به چهار رأی میباشد.

ماده ۱۶ - وظائف هیئت مدیره بقرار زیر است :

۱ - تعیین و تغییر مدیر عامل باشگاه.

۲ - قبول عضو جدید (در صورت واجد بودن شرائط و داشتن دو معرف از بین اعضاء) و ابطال عضویت کسانی که عدم صلاحیت آنها را پس از رسیدگی محرز بداند.

۳ - مراقبت در حسن جریان امور باشگاه.

۴ - قبول یا رد تقاضاهای مربوط به برقراری محل تشکیل جلسات انجمنهای خیریه یا سازمانهای خدمات نوعی یا علمی یا فرهنگی در باشگاه و تعیین مقررات مربوط باین کار و همچنین تصویب مقررات مربوط به جشنها و میهمانیها.

۵ - تصویب تراز نامه و گزارش عمل سالیانه باشگاه.

۶ - تصویب بودجه باشگاه.

۷ - بحث در باره پیشنهادات مدیر عامل یا نظریات اعضاء باشگاه و قبول یا رد آنها بر طبق موازین این اساسنامه.

۸ - تصویب برقراری کلیه آئین نامه هائیکه در اجرای این اساسنامه ضرورت پیدا میکند.

۹ - تعیین حدود اختیارات مدیر عامل و کسانی که میتوانند باشگاه را متعهد یا مدیون نموده از وجوه و دارائی آن برای آموزشگاه استفاده یا از طرف آن قرارداد منعقد نمایند.

۱۰ - دعوت مجمع عمومی و تهیه پیشنهادات برای تصویب آن .

تبصره - تصویب تغییر اساسنامه یا انحلال باشگاه از مختصات جلسه مجمع عمومی است و در تشکیل جلسه برای اینکار حضور لااقل دو ثلث از اعضاء باشگاه ضروری می باشد .

ج - مدیر عامل

ماده ۱۶ - مدیر عامل باشگاه حافظ توسط هیئت مدیره آن خواه از بین اعضاء این هیئت و خواه از بین سایر اعضاء باشگاه برای مدت یکسال انتخاب می گردد و حدود وظائف و اختیارات آن علاوه بر آنچه در این اساسنامه ذکر گردیده و در حدود این اساسنامه بسته بنظر هیئت مدیره است .

ماده ۱۷ - مدیر عامل در جلسات هیئت مدیره حضور یافته و می تواند هر نوع پیشنهاد که صلاح بداند برای تصویب تقدیم نماید .

ماده ۱۸ - مدیر عامل مسئول کلیه امور اداری و مالی و انتظامات و حفظ دارائی و دفاتر و آرشیو باشگاه بوده سرپرستی کارمندان داخلی از قبیل اعضاء دفتری و پیشخدمت و باغبان و غیره را برعهده داشته و مأمور اجرای تصمیمات هیئت مدیره و مجمع عمومی میباشد و نیز تهیه و تنظیم ترازنامه و گزارش علمی مالیانه و بودجه باشگاه و گذراندن آنها از تصویب هیئت مدیره با مدیر عامل است .

فصل چهارم : در آمد و مخارج و ترازنامه باشگاه

الف - در آمد

ماده ۱۹ - باشگاه حافظ دارای عوائد زیر خواهد بود :

۱ - ورودیه اعضاء باشگاه .

۲ - حق عضویت ماهیانه .

۳ - حق پذیرائی از انجمنها و سازمانهای نوعی و علمی با فرهنگی

مواقعی که در باشگاه حافظ تشکیل جلسه می دهند .

۴ - عوائد رستوران و بوفه باشگاه .

۵ - عوائد جشنها و میهمانیها .

۶ - هدیه و بخشش هائیکه بصورت اموال منقول و یا غیر منقول یا وجه نقد باشگاه می شود و انواع عوائد دیگری که هیئت مدیره بر طبق موازین این اساسنامه تصویب نماید .

تبصره - باشگاه حساب جاری یا تسه کاری با هیچکس نخواهد داشت و اعضاء باشگاه مانند انجمنها و سازمانهایی که در باشگاه حافظ تشکیل جلسه می دهند باید تعهدات خود را برای هر ماه حد اکثر تا پانزدهم ماه بعد به صندوق باشگاه واریز نمایند .

ب - مخارج و مصارف

ماده ۲۰ - مخارج و مصارف باشگاه عبارت خواهد بود از :

۱ - هزینه اداری و تهیه اسباب و لوازم و تهیه چیزهایی که در باشگاه صرف یا مصرف می شود حقوق مدیر عامل و پرداخت حقوق و دستمزد بکارمندان و کارکنان داخلی که تحت تعلیمات مدیر عامل در باشگاه انجام وظیفه می نمایند و پرداخت پاداش هائیکه بتصویب هیئت مدیره رسیده باشد .

۲ - کمکهای باشگاه بامور خیریه و خدمات ملی و نوعی و علمی و ادبی یا فرهنگی و انجمنها و مؤسسات مربوط به این امور .

ج - ترازنامه

ماده ۲۱ - مدیر عامل موظف است ترازنامه عمل باشگاه و گزارش عملیات خود را قبل از انقضای هر سال هجری شمسی برای تصویب تسلیم هیئت مدیره بنماید و تنظیم ترازنامه مستلزم این است که قبلاً انواتر بعمل آمده باشد .

ماده ۲۲ - هیئت مدیره قبل از رسیدگی و تصویب ترازنامه بکنفرانس اعضاء باشگاه را که وارد در امور مالی باشد و اگر یافت نشود از خارج بعنوان بازرس ترازنامه تعیین می نماید این بازرس در مقابل اخذ حق الزحمه معین باید ترازنامه و گزارش عملیات تقدیمی مدیر عامل را با دفاتر و اموال و انبار و اوراق و اسناد

تألیف نموده در ظرف یکماه گزارش خود را نسبت به صحت ارقام و ایرادانی اگر داشته باشد و همچنین هر نوع نظرهای اصلاحی که صلاح بداند به هیئت مدیره باشگاه تسلیم نماید.

ماده ۲۳ - هیئت مدیره در تعیین تکلیف سود خالص (پس از وضع هر نوع عوارض یا مالیات یا پاداش) با رعایت هدفهای این اساسنامه مختار است و مازاد سود مزبور - حساب دارائی باشگاه جهت سال بعد منتقل میگردد.

فصل پنجم: مواد متفرقه

ماده ۲۴ - کلیه اموال باشگاه باید در دفتر مخصوص (با ذکر خصوصیات و نحوه تعلیک و محل قرار گرفتن هر يك در باشگاه) ثبت گردد و مدیر عامل نمی تواند عاریه یا امانت و غیره یا در مقابل اجرت المثل بدون اجازه مخصوص هیئت مدیره از اختیار خود خارج نماید و مسئولیت محافظت آنها بمعهده شخص مدیر عامل است.

ماده ۲۵ - قبول مهمان یا برقراری جشنها و مجالس که اشخاص غیر عضو باشگاه بتوانند در آن شرکت نمایند خواه در عمارت یا محوطه یا رستوران و یا یوفه باشگاه تابع مقررات موضوعه از طرف هیئت مدیره بوده و در غیر اینصورت ممنوع نیست.

ماده ۲۶ - هر نوع فعالیت سیاسی از قبیل میننگ و دفتر روزنامه یا حزب در باشگاه حافظ ممنوع است.

باشگاه حافظ همزمان با فعالیت لژ همایون در تهران و ولایات همچنان بکار خود ادامه می داد.

الحال باشگاه

حافظ

جلسات روزانه باشگاه ظاهراً برای وقت گذرانی، صرف مشروب الکلی و غیر الکلی و شام و ناهار می شد ولی در حقیقت کسانی که در آن محل اجتماع می کردند، بکارهای سیاسی می پرداختند و حتی می توان گفت که در انحلال دولت ها و روی کار آوردن برادران فراماسون

س - موسوی	
شاهرخ فیروز	معاون تشریفات
زوریک دیلانیان	اوردک نواز
موحد	معاون دبیر
پرتوا عظم	معاون خزانه دار
م - صناعی	نگهبان داخلی
بور بور	
ا - ر - شیرد	
القانیان	
فتح الله جلالی	نگهبان خارجی

افسران ژر در سال ۱۹۶۷-۱۹۶۸

م - صناعی	حضرت استاد ارجمند
اف - اچ - ار - وایت	
زوریک دیلانیان	قائم مقام استاد
دکتر سید حسن علوی	حضرت استاد پیشین
علی کوچکعلی	خزانه دار
ار - ای - گلورین	دبیر
فاضل	مدیر تشریفات
بور بور	راهنمای اول
او - تشرشیان	دوم
بور ریج	
بهروش	معاون تشریفات

فریدون باتمانقلیچ

۱. ا. سمندری

ار - ار - تونلی

۱. م. شاهپزکی

القابیان

علی اصغر سلیمی

معاون دبیر

معاون خزانه‌دار

نگهبان داخلی

نگهبان خارجی



در این تصویر از راست به چپ:

دکتر کیان عضو لژهای انگلیسی - دکتر حسن علوی استاد لژ ابن سینا - عباسقلی عرب

شیبانی عضو لژهای انگلیسی - دریا دار ظلی یکی از بنیانگذاران لژ مولوی

لژ لافرانس شماره ۸۳

نخستین لژ «فرانسه زبان» فراماسونری در ایران ، لژ «لافرانس» تحت نظارت عالیدگران لژ ناسیونال فرانسه در ایران است. این لژ که در روز هفتم می ۱۹۶۴ تقدیس و تأسیس شده است ، یکی از لژهای تابعه گران لژ محلی فرانسه در ایران می باشد که بوسیله عده ای از ایرانیانی که به زبان فرانسه صحبت می کنند و فرانسویهای مقیم تهران تشکیل شده . طبعاً منظور اصلی از تأسیس این لژ در درجه اول گرد آوردن فرانسویهای فراماسونی بود که در ایران اقامت داشتند. این لژ که در اولین جلسه هر ماه مسیحی جلسات ماهانه خود را دایر می کند، در مدت یکسال فراماسونری اش جلسه ماهانه در ماه های ژانویه - فوریه - می - اکتبر - نوامبر - دسامبر ، دارد که تاریخ تشکیل آن قبلاً از طرف مرکز گران لژ تعیین می شود. اعضای افتخاری مؤسسين این لژ عبارتند از :

۱ - وان هگک استاد اعظم گران لژ ناسیونال دفرانس

۲ -

۳ - علی مرندی - نماینده کنونی مجلس شورای ملی

۴ - دریادار عبدالله ظلی - افسر بازنشسته نیروی دریائی

۵ - علی اصغر حلسبیلی - منشی لژ های فرانسوی در ایران

۱ - نام این شخص محترم بعلی که فقط بستگی به نظر شخصی نویسنده دارد، حذف شد.

چهار نفر از مؤثر ترین افسران لژ «لافرانس» که اهمیت فراوانی دارند ، عبارتند از :

Venerable Maître ۱ - احمد هومن با سمت استاد اعظم

Première Surveillant ۲ - دکتر جواد صدر ، وزیر دادگستری

Deuxième Surveillant ۳ - هوشنگ ظلی - سفیر کبیر کنونی ایران در لبنان

Secrétaire ۴ - علی اصغر خشایار - عضو عالی مقام سازمان بر نامه

افسران اداره کننده این لژ در سال فراماسونی ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶ در نشریه محرمانه این لژ ، بدین شرح معرفی شده‌اند :

Venerable Maître هوشنگ ظلی استاد اعظم

Passé Maître Immédiat احمد هومن

Premier Surveillant علاءالدین روحانی

Deuxième Surveillant مهدی فرهودی حسایی

Hospitalier محمد جهان‌شاهی

Trésorier احمد دارائی

Secrétaire علی اصغر خشایار

Directeur des Cérémonies محمود رئیس

Premier Expert ناصر بدیع -

Deuxième Expert ناصر الدین ناصری

Bienfaisance Maconnique حسین فرهودی

Almosinaire حبیب القایان

Organiste زوریک دیلایان

Gouvreur محمد مشیری یزدی

۱ - مقام‌هایی که درین جا بدانها اشاره می‌شود ، از نشریه محرمانه مربوط به تفویض مقام استادی به هوشنگ ظلی استخراج شده است .

این لژ فراماسونری اگرچه بزبان فرانسه، جلسات خود را دایر می‌کند و مکانبات و نشریات آنهم بزبان فرانسه می‌باشد، ولی اکثریت اعضای آن فراماسونهای ایرانی هستند، که زبان فرانسه را می‌دانند و یا در فرانسه تحصیل کرده‌اند، نه فرانسویان مقیم ایران که هدف اصلی از تأسیس لژ گردآوری آنها بود.

بعنوان نمونه دو بر نامه ماهانه این لژ، برای پذیرش و ارتقاء مقام اعضای جدید را که عضو سایر لژهای فراماسونری فرانسه هستند، ذیلا نقل می‌کنیم:

بر نامه روز ۱۵ دی ۱۳۴۳ (۵ ژانویه ۱۹۶۵)

۱ - قبول عضویت علی اکبر صادق - متولد ۱۹۰۸ در تهران - آرشیست - ملیت ایرانی - معرف: هوشنگ ظلی - ناصر بدیع.

۲ - امیر اسمعیل ملک منصور متولد ۱۹۱۰ - ملیت ایرانی - معرف: هوشنگ ظلی - ناصر بدیع.

۳ - محمد مشیری یزدی - عضو لژ کورش - قبول عضویت در لژ فرانسه، معرف: ابوالقاسم ملکی یزدی - ناصر بدیع.

۴ - قبول عضویت عضو جدید دکتر ابوالقاسم مغازه متولد ۱۹۳۲ زنجان - پزشک - ملیت ایرانی - معرف: دکتر حسین رحمتیان - محمود هومن.

۵ - پذیرش منصور معتمدی - متولد ۱۹۳۱ تهران - مدیر شرکت ایران زمان - ملیت ایرانی - معرف: دکتر حسین رحمتیان - محمود هومن.

۶ - پذیرش داوید اوهایون تبعه فرانسه - مدیر الیانس اسرائیلی یوئور - فال - معرف: زوریک دیلانیان - محمود ضیائی.

قرائت اخذ رأی دوم:

ابراهیم ریاحی.

یعقوب خلیفی.

پایان کار لژ

برنامه جلسه ماهانه در اسفندماه ۱۳۴۳

تحت نظارت عالیہ گرانند لژ ملی فرانسه .

گرانند لژ شعبه ایران

لژ لافرانس شماره ۸۳

خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ -

آقای عزیز وب . الف . ف .

از شما خواهش می شود در جلسه منظم لژ که در روز سه شنبه دوم مارس ۱۹۶۵ -
(پانزدهم اسفند ۱۳۴۳) در ساعت هیجده تشکیل می شود ، حضور یابید . لیست حضور
و غیاب از ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه مفتوح است .

از طرف استاد اعظم - دبیر - علی اصغر خشایار .

کارها

۱ - دستور کارها .

۲ - قرائت دعوتنامه ها .

۳ - قرائت صورت جلسه اجلاسیه منظم دوم فوریه . همچنین قرائت صورت
اجلاسیه فوق العاده بیست و سوم فوریه ۱۹۶۵ و بحث پیرامون تأیید آن .

۴ - انتخاب استاد اعظم . صندوقدار برای تصدی در سال ۱۹۶۶ و ۱۹۶۵

۵ - دومین قرائت و اخذ رأی درباره تقاضای عضویت آقایان دکتر ابوالقاسم
منازقه ، دارای ملیت ایرانی پزشک که توسط آقای دکتر رحمتیان و هرمان معرفي
شده است .

۶ - مهندس منصور معتمدی ، دارای ملیت ایرانی . متولد ۱۹۳۱ - در تهران

که توسط آقای دکتر رحمتیان و آقای هرمان معرفي شده است .

۷ - دکتر محمد حسین حاجبی ، دارای ملیت ایرانی . که توسط آقای هرمان

و عباس معتمدی معرفي شده است .

- ۸ - دارید اوهایون متولد سال ۱۹۱۴ - در مراکش دارای ملیت فرانسوی .
که توسط دیپلانیان و ضیائی معرفی شده است .
- ۹ - قیصر مسعود . متولد یزد در سال ۱۹۰۷ . دارای ملیت ایرانی . توسط
آقای فرهودی حسابی و آقای هرمان معرفی شده .
- ۱۰ - یوسف سلیم خانی متولد ۱۹۱۷ . دارای ملیت ایرانی . که توسط آقای
محمود رئیس و هرمان معرفی گردیده است .
- ۱۱ - اخذ رأی نسبت به دکتر محمد حسین حاجبی (در صورتی که رأی موافق
باشد) دکتر ابوالقاسم مفازة
- ۱۲ - دومین قرائت و اخذ رأی درباره تقاضای الحاق آقای محمد رضا امیندسالار
عضو لژ سعدی شماره ۶۶ که توسط آقای هرمان و خشایار معرفی شده است .
- ۱۳ - موضوعات متفرقه
- ۱۴ - جمع آوری اعانات
- ۱۵ - تعطیل کارها^۱

۱ - کلبه اسامی و مشخصات افراد از همان نشریه مجری مانده تفویض مقام استادی به هوشنگ
ظلی استخراج شده است .

پ.س.م.پ.ج.
 لژیون بزرگ ملی فرانسه
 لژیون بزرگ ناحیه ایران



لژیون شماره ۱۰۴

آقای محترم ژنرال عزیز

بسمتود استاد ارجمند با اطلاع آن برادر گرامی میرساند که جلسه عادی
 لژیون محترم گرامساعت ۱۲ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۳۶
 (۱۱ فوریه ۱۹۵۸) تشکیل میگردد .

خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر بمحل لژیون بزرگ ناحیه ایران
 تشریف بیاورید

دبیر لژیون

دکتر عباس بابک

شماره ۲۱۰ خیابان بوعلی سینا (چهارمستان)

پشت جلد یکی از نشریات محرمانه لژیون

تابع قانون اساسی گرانند ناسیونال دفرانس

آخرین لژ فارسی زبان فراماسونری فرانسه در ایران ، لژ « کسرا » تابع گرانند لژ ناسیونال دفرانس است . این لژ را بیست و چهار نفر از فراماسونهای لژهای فارسی زبان تشکیل داده‌اند ، که در يك رساله مخفی الانتشار بدین شرح بصرفی شده‌اند :

اعضای مؤسس لژ کسرا

- | | |
|-----------------------------|------------------------------------|
| برادر ابوالقاسم ملکی یزدی . | برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک . |
| » مهندس علی معین | » محترم دکتر محمود هومن . |
| » پرویز یگانگی . | » بسیار ارجمند سر لشکر میر جلالی . |
| » محمد علی بوذری . | » بسیار ارجمند سید محمد میر هادی . |
| » دکتر اسفندیار یگانگی | » بسیار ارجمند سلمبیلی . |
| » حاج علی یوسفی . | » ارجمند علی کوچکعلی . |
| » خسرو مستوفی زاده | » غلامحسین امیری قراگزلو . |
| » ناصر مستوفی زاده . | » سید محمد علی مرتضوی . |
| » محمد علی جاوید | » صدری کیوان . |
| » علی اکبر مرعشی پور . | » دکتر احمد دارائی . |
| » محمد یزدانفر . | » جمشید بهروش . |
| » محمود ثقفی . | » دکتر غلامحسین جهانشاهی . |

اعضاء افتخاری

برادر بسیار محترم دکتر سعید مالک . برادر محترم کاهانا .

» محترم اس. جی. ال همبرت . » محترم گرین من .

» محترم دکتر احمد هومن . » بسیار ارجمند رشیدی حائری .

.....

» محترم عباسقلی گلشائیان . » بسیار ارجمند علی اکبر موسوی .

» محترم دریا دار عبدالله ظلی . » بسیار ارجمند محمد جهان شاهی .

» محترم موسی آبتین . » زوریک دیلانیان .

استادان ارجمند

برادر بسیار ارجمند سر لشکر میر جلالی . ۱۳۴۴-۱۳۴۵

» بسیار ارجمند سید محمد میر هادی ۱۳۴۵-۱۳۴۶

» بسیار ارجمند غلامحسین امیری قراگوزلو ۱۳۴۶-۱۳۴۷

در این لژ که روز ۱۴ نوامبر ۱۹۶۵ در تهران تأسیس و تقدیس شده ، تاکنون سه دوره انتخاب «اداره کننده لژ» و «باباصطلاح فراماسونهای فرانسوی «سالاران لژ» انجام شده است . آخرین دسته کارگردانان این لژ در سال جاری باین شرح انتخاب شده اند (نقل از همان رساله مخفی الاشاره) :

سالاران لژ در سال ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷
۱۹۶۷ - ۱۹۶۸

برادر ارجمند غلامحسین امیری قراگوزلو استاد ارجمند

» بسیار ارجمند سید محمد میر هادی استاد پیشین

» سید محمد علی مرتضوی نگهبان اول

» صدوری کیوان نگهبان دوم

» ابوالقاسم ملکی یزدی خطیب

» مهندس کمال دری خزانه دار

برادر دکتر عباس بابک

دبیر

♦ فتح الله امامی

رئیس تشریفات

♦ جمشید بهروش

کارشناس اول

♦ مهندس خلیل محلوچی

کارشناس دوم

♦ پرویز یگانگی

پرده‌دار

♦ مهندس مجتبی سلطانی

دبیر یار

♦ دکتر مجید بهروش

معاون رئیس تشریفات

♦ ارجمند علی کوچکعلی

خوانسار

♦ سرهنگ رحیم آذربی

خوانسار

♦ دکتر محمود نقفی

خوانسار

♦ بسیار ارجمند سلسبیلی

دربان

جلسات عادی

جلسات عادی لژ کسرا در دومین یکشنبه ماههای ژانویه - فوریه - مارس - آوریل - سپتامبر - اکتبر - نوامبر و دسامبر هر سال در محل لژ بزرگ ناحیه ایران واقع در خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشکیل می‌گردد.

لژ «کسرا» نیز، مانند سایر لژهای فراماسونی فرانسه، تشریفات مخصوصی برای قبول عضو، ارتقاء مقام و سایر مراسم و آئین دارد. در زیر يك نمونه از تشریفات داخلی لژ را برای ارتقاء مقام دو فراماسون عضو از يك نشریه محرمانه نقل می‌کنیم:

و آقای محترم و برادر عزیز

بدستور استاد ارجمند با اطلاع آن برادر گرامی می‌رساند که جلسه عادی لژ محترم کسرا ساعت ۶ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۴۶ (۱۱ فوریه

(۱۹۶۸) تشکیل می گردد .

خواهشمند است ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر به محل لژ بزرگ ناحیه ایران
تشریف بیاورید .

دبیر لژ کسرا
دکتر عباس بابک

تارها:

- ۱ - گشودن لژ
- ۲ - قرائت دعوتنامه
- ۳ - قرائت صورت جلسه عادی ۲۴ دی ماه ۱۳۴۶
- ۴ - مراسم گذر برادران نامبرده زیر پیاپی دوم :
به تقاضای لژ محترم سعدی
برادر ابراهیم رئیس روحانی
برادر علیرضا دره
- ۵ - مسائل متفرقه

۶ - گرداندن کیسه خیریه

۷ - بستن لژ

آخرین استادی که این لژ را در سال فراماسونی ۱۳۴۷-۱۳۴۸ اداره می کند ،
سید محمد علی مرتضوی است ، که تشریفات انتخاب استادی او با این دعوتنامه
صورت گرفت :

«آقای محترم و برادر گرامی

باکمال احترام ، از آن برادر عزیز دعوت می شود ، برای حضور در جلسه
استقرار برادر سید محمد علی مرتضوی استاد ارجمند انتخاب شده لژ محترم کسرا ،
و شرکت در شام برادرانه ای که از طرف استاد انتخاب شده داده می شود ، ساعت ۶ بعد
از ظهر روز یکشنبه ۹ دیماه ۱۳۴۷ (۱۰ نوامبر ۱۹۶۸) به محل لژ بزرگ ناحیه
ایران تشریف بیاورید . موجب امتنان خواهد بود .

دبیر لژ کسرا - دکتر عباس بابک»

در اینجا بد معرفی ۹ لژ فراماسونی ممراند لژ دفرانس در ایران خاتمه می دهیم
و به تذکر دو نکته جالب می پردازیم :

یکی از خصوصیات فراماسونهای ایرانی اینست که ، در لژها ،
کاندیداهای گرانده جلسات واجتماعات داخلی ، خود را از مهمترین افراد ذی نفوذ
لژ محلی در مجلسین طبقه حاکمه و ممتازه مملکت معرفی می کنند . چنانکه هر
تحول و رویداد سیاسی واجتماعی را نتیجه اقدامات و برائز
اعمال نفوذ خویش قلمداد می نمایند . طبعاً وجود گروهی از رجال و شخصیتهای
مختلف مملکتی ، در لژهای فراماسونری ، در تقویت این قبیله شیعات و در نتیجه
گمراهی افراد ساده دل و زودباور تأثیر قطعی دارد . انتشار اینگونه شیعات سبب
می شود ، زود باوران فریب خورده ای که باین محافل راه می یابند ، گاهی در صدد
برآیند ، تابا استفاده از نفوذ و قدرت کارگردانان لژها و تسلط واهی و خیالی آنها
بر همه شئون وتشکیلات وسازمان های مملکتی ، موقعیت اجتماعی خود را تحکیم
و صاحب مقام های مهم دولتی و اداری یا احراز پست های حساس سیاسی شوند .
چنانکه در جریان انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی ، کارگردانان و گرانده
لژ محلی ایران تابع اسکا تلند ، گروهی از همین افراد را که به خیال احراز مقامات
اجتماعی بآنان روی آورده بودند ، کاندیدای نمایندگی مجلسین کرده وبآنان قول
داده بودند که با اعمال نفوذ در دستگاه حاکمه و تسلطی که بر سازمان های مدیره
مملکتی دارند ، آنان را از صندوقهای اخذ رأی خارج کنند و در حقیقت موفقیت آنها
را در انتخابات پیشاپیش تضمین کرده بودند . ولی نه تنها موفق نشدند ، سیزده داوطلب
نمایندگی مجلس شورای ملی را از صندوق های انتخابات بازده شهر مورد نظر خود بیرون
بیاورند ، بلکه در بکرسی نشاندن همه کاندیداهای سنا نیز شکست خوردند . در

زیر اسامی کاندیداهای «گرائد لث» مذکور در آن دور ما انتخابات مجلسین را از نظر خوانندگان ارجمند می گذرایم :

برای نمایندگی سنا از طرف لژهای فرانسوی ایران افراد زیر :

دکتر سعید مالک - مهندس شریف امامی - فتح اله فرود - دکتر اسمعیل فیلسوفی
فتح اله نوری اسفندیاری - دکتر خان بابایی ،

و چند نفر دیگر کاندیدا و معرفی شده بودند ، ولی از اینعده فقط چهار
سنا تور فراماسون موفق شدند به مجلس سنا بروند. سیزده کاندیدای مجلس شورای ملی
که هیچکدام انتخاب نشدند ، عبارتند از :

غلامحسین امیری قراگوزلو - رزن همدان

محمد میرهادی	تفرش
دکتر محمدعلی صدری	شهریار
نعمت اله خان اکبر	فومن
مهندس فضل اله جلالی	کاشمر
دکتر عباس معتمدی	تهران
سلطان محمد سلطانی	بهبهان
علیمحمد دهقان	شیراز
شاهرخ فیروز	میاندوآب
مظفر صولتی	تبریز
دکتر عبدالعلی شاهید	تبریز
صالح چاکوتاهی	تبریز
مهندس پرویز بهبودی	هیاه

۱ - اسامی کاندیدها را از صورت جلسه بسیار معرمانه گرائد لث مجلسی ایران وابسته
به فرانسه بدست آورده ایم .

سازمان فراماسونری فرانسه (گراوند ناسیونال دفرانس)
 بولتن فراماسونری چون از قانون اساسی اسکاکنند پیروی می‌کند، برای استادان
 لژهای فرانسه اعظم این لژیک نشریه مشترک بنام «بولتن اطلاعات ماسونیک»
 منتهی به زبان فرانسه، بصورت پلی‌کپی منتشر می‌کند.
 نسخه‌های این بولتن در سراسر جهان در اختیار لژهای وابسته سازمان فراماسونری
 فرانسه قرار می‌گیرد، و از آن جمله نسخ‌های نیز به زبان فرانسه، برای گراوند
 لژ محلی ایران فرستاده می‌شود. در زیر ترجمه خلاصه‌ای از بولتن شماره ششم
 سال ۱۹۶۸ سکه دومه بعد از آغاز کار سازمان فراماسونری منتشر شده است، منعکس
 می‌شود.

این بولتن فقط برای افسران عالی‌رتبه و افسران عالی‌استان و استادان اعظم
 فرستاده شده است، تا در جلسات خود آنرا مطالعه کرده و مضمون مطالب مندرجه
 را مورد بررسی قرار دهند. اینک ترجمه قسمتی از متن بولتن را ملاحظه می‌کنید:

مجلس یادبود

مجلس تذکری در روز یکشنبه ۲۷ اکتبر ۱۹۶۸ ساعت ده صبح در محفل بزرگ
 واقع در بولوار بی‌نیو ۶۵ منعقد می‌شود. در این جلسه یادبود، خانواده اعضای که
 وفات یافته‌اند نیز حاضر می‌شوند. شك نیست که عدم زیادی از برادران، که در
 این جلسه شرکت می‌کنند، می‌توانند خانم‌ها و اعضای خانواده و دوستان خود را
 افتخاراً دعوت نمایند که برای مشاهده تشریفات و استماع سخنرانیهای مجلس تذکر
 حضور یابند.

كمك به زلزله زدگان

در نتیجه استمدادی که در بولتن شماره پنج جهت جمع‌آوری اعانات برای
 زلزله زدگان اخیر ایران شده بود، بسیاری از لژهای مابالغی فرستاده‌اند.
 استاد اعظم امیدوار است که تمام لژهای ماسونی، كمك‌هایی به لژهای بزرگ محلی

ایران بنمایند و آنهایی که تاکنون نتوانسته‌اند این اقدام را انجام دهند، فوراً اعاناتی بحساب «صندوق اعانه بی‌پناهان» بآدرس خزانه‌داری کل ارسال دارند.

اطلاعات عمومی

تشکیل مجمع عمومی ۷ دسامبر ۱۹۶۸

طبق مقررات قانون شماره ۸ - مندرج در نظامنامه عمومی کمیته بزرگ فراماسونری - که در جلسه منعقد ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸ بتصویب رسیده است: «در جلسه هفتم دسامبر ۱۹۶۸ انتخاب استاد اعظم برادر «وان هگک»^۱ بسمت استاد بزرگ لژ بزرگ ملی فرانسه، برای مدت سه سال و تا آخر سپتامبر ۱۹۷۱ صورت می‌گیرد» بموجب تصمیمی که قبلاً در کمیته بزرگ و کمیسیون داخلی گرفته شده، در جلسات مذکور می‌بایستی گزارش خزانه‌داری کل و گزارش دبیر کل گرانند ناسیونال دفرائس نیز که تا پایان ماه اکتبر تنظیم شده است، قرائت شود.

اطلاعات تشکیلاتی

به لژها یادآوری می‌شود که بایستی از بخشنامه دبیر کل اعظم در مورد تنظیم کتاب سال ۱۹۶۹ فوراً اقدام کنند. بطوری که در کتاب سال جدید تقییس داده می‌شود، باید طبق مندرجات کتاب سال ۱۹۶۸ تنظیم شده و ارسال گردد. علاوه بر این از همه لژها تقاضا می‌شود که علاوه بر ذکر تاریخ انعقاد تشکیل جلسات ماهانه، ساعات تشکیل جلسات را نیز تذکر دهند.

از لژها همچنین تمنی می‌شود، هرگاه یکی از برادران عضو فوت کرد، بلافاصله خبر درگذشت او را به دبیر اعظم گزارش دهند. دبیر کل اعظم، مخصوصاً از لژها درخواست می‌نماید که نام «نماینده‌ای»^۲ را که برای شرکت در جلسه سومین

۱ - وان هگک استاد اعظم لژهای گرانند ناسیونال است که در چند لژ فرانسوی در ایران نیز سمت عضویت افتخاری دارد.

۲ - برای شرکت در این انتخابات از ایران مهندس شریف‌ممامی و یکی دیگر از سناتورها و از گرانند لژ محلی اسکاتلند در ایران، اف. اس. دورابیجی به پاریس رفتند. علاوه بر این در قه‌آراء برای انتخاب «وان هگک» بسمت استاد بزرگ قبلاً برای استادان ۹ لژ محلی فرانسوی در ایران و دو سالزمان دیگر فرستاده شده بود که بایست برگشت داده شد.

کمیته هفتم دسامبر ۱۹۶۸، انتخاب شده‌اند، هر چه زودتر اطلاع دهند.

هنگامیکه بدرخواست عضویت رسیدگی می‌شود، منشی‌های لژ بایستی الزاماً ماده شصت، مندرج در نظامنامه را صحیحاً رعایت نمایند.

«هر برادری که درخواست عضویت می‌کند، باید کاملاً مطمئن شود که درخواست شده حتماً مدارک لازم در مورد درخواست جدید خود، شرح عضویت و علت لزوم آنرا بیان نماید و بگوید که سابقاً در لژ دیگر بوده است یا خیر؟»

نادداشت‌های کتابخانه

«کتابخانه دلاک» نشریه‌ای را منتشر کرده‌است که بایستی آنرا خریداری کرد و برادر، «جین تورمیک» آنرا برشته تحریر درآورده‌است:

Vie et Perspectives du la Franc-maçonnerie Traditionnelle

این اثر «جین تورمیک» بمنزله «کرونیکل» خود ساخته‌است. زیرا در این اثر هم ابرازات و جریانات اخیر منعکس شده و هم حاوی اطلاعات مهمی است. فراماسون‌ها لزوم دارند که همواره گنجهای ذیقیمت در باره آئین خود داشته باشند.

زیر چاپ

درسری نشریات Verse et Contreverse نمره شش که بوسیله Beauchesne
نشر شده، گفتگویی بین پدر روحانی میشل ریکوت Michel Riquet و برادر
پارارجمند جین بایلوت Jean Baylot رویداده که قابل توجه می‌باشد.

سازمان‌های نیمه مخفی

فراماسوت‌های ایرانی وابسته به لژهای فرانسه نیز مانند سایر سازمان‌های فراماسونری در سراسر جهان و ظاهراً بیشتر از همه آنها برای حفظ اصول پنهانکاری به تشکیل سازمان‌های نیمه علنی که امکان فعالیت آشکارا و جلب اعضای جدید را برای آنان میسر می‌سازد علاقمندند. به همین جهت چهار سازمان نیمه علنی وابسته به لژهای فراماسونری فرانسه، در ایران فعالیت چشم‌گیری دارند و اینک به معرفی آنها می‌پردازیم:

نخستین انجمن فراماسونری که بعد از انحلال باشگاه همایون **انجمن بوعلی سینا** در ایران تشکیل شد، انجمن طرفداران بوعلی سینا^۱ بوده که طبق تصمیم کارگردانان لژ مولوی در تهران تأسیس شد. این انجمن در هفته اول سال ۱۳۳۸ رسمیت خود را اعلام کرد و اعضای مؤسس آن عبارت بودند از:

دکتر سعید مالک .

عیسی بهزادی .

عباسعلی گلشائیان .

سر لشکر بقائی .

دکتر احمد هومن .

سید محمدعلی امام شوشتری

دکتر محمود هومن .

عبداله سعیدی .

عباس خلعتبری .

عبداله ظلی .

خان بابایی .

معمدی .

عماد تربتی .

غلامحسین صارمی .

این‌ده که همگی عضو لژ مولوی بودند، یکماه بعد شعبه انجمن را در شیراز افتتاح کردند^۱. مؤسسين انجمن دو سال بفعاليت خود ادامه دادند. اينان هر کي

۱ - شعبه انجمن مذکور در شهر شیراز روز سی‌ام مرداد ۱۳۴۰ تشکیل شد و اعضای آن همگی عضو لژ حافظ، وابسته به گرانداسیونال هستند. آنگهی تشکیل انجمن طرفداران بوعلی سینا روز سی‌ام مهر ۱۳۴۰ به شماره ۸۴۰۴ اداره ثبت شرکت‌های شیراز منتشر شده است.

را که قصد داشته باشند وارد لژ های تابعه «گراوند ناسیونال دفرانس» کنند، ابتدا او را بنام عضویت در انجمن طرفداران بوعلی سینا، وارد جرگه خود ساخته و سپس پیشنهاد ورود او را به لژ مطرح می کنند. همینکه عضویت او با اکثریت آراء تصویب شد، به عضو تازه وارد پیشنهاد می کنند که وارد لژ بشود. اگر فرد مورد نظر، با عضویت در لژ موافقت کرد، وی را با نشریفات خاص وارد محفل ماسونیک خواهند ساخت. فعالیت قرااماسونها در انجمن های نیمه مخفی، همچنان ادامه دارد و انتخابات انجمن طرفداران بوعلی سینا نیز بدین ترتیب صورت گرفته است.

۱- انتخابات نخستین دوره هیئت مدیره انجمن مذکور، روز پنجم فروردین ۱۳۳۸ انجام شد و نتیجه بدین شرح اعلام گردید:

دکتر سعید مالک دبیر انجمن. اعضای هیئت مدیره عبارتند از: عبدالله سعیدی - غلامحسین صارمی - سید محمدعلی امام شوشتری - عبدالله ظلی - احمد هومن - محمود هومن - عباس خلعتبری - خان بابا بیانی - معتمدی - بقائی - گلشایان.

۲- دومین انتخابات برای تعیین هیئت مدیره انجمن روز ۲۶ تیر ۱۳۴۱ انجام و اعضاء بدین شرح انتخاب شدند:

دکتر سعید مالک - گلشایان - احمد هومن - محمود هومن - عباس معتمدی - حماد تربتی - عیسی بهزادی (همگی با ۷۷ رأی) حسین فرهودی - دکتر عباسعلی خلعتبری - خان بابا بیانی - حسن بقائی - عبدالله سعیدی (با ۴۵ رأی) عبدالله ظلی و علی مرندی (با ۴۶ رأی) بعنوان هیئت مدیره و اسماعیل واعظپور (با ۴۵ رأی) بعنوان عضو علی البدل.

۳- سومین انتخابات داخلی هیئت مدیره که صورت مجلس آن با امضای ۸۲ نفر از اعضای انجمن رسیده است، بدین شرح انجام شد:

۱- روزنامه اطلاعات شماره ۹۸۹۵ - ۶ اردیبهشت ۱۳۳۸

۲- روزنامه فرمان ۱۳ مرداد ۱۳۴۲

دکتر سعید مالک - گلشائیان - احمد هومن - حسن بقائی - سر لشکر
میر جلالی - موسی آبتین - خان بابا بیانی - هوشنگ ظلی (با ۴۷ رأی) عیسی
بهزادی و محمد جهانشاهی (با ۴۵ رأی) این عده در انتخابات داخلی سمت هائی
را بشرح زیر عهده دار شدند :

سعید مالک - رئیس هیئت مدیره

محمد جهانشاهی - دبیر

عیسی بهزادی - خزانه دار

خوشبختانه يك نسخه از صورت جلسه اعضاء فعال « انجمن طرفداران
ابوعلی سینا » که در داخل لثرفراماسوئری فرانسیسوی مولوی باعضا رسیده است ، در
پرونده ثبت شرکت ها ضبط و نگهداری می شود . این صورت جلسه باعضای ۸۲ نفر
از اعضاء انجمن رسیده که متأسفانه اعضاء شائزده نفر از آنها خوانده نشد . برای
اینکه از هویت فراماسوئهای عضو این انجمن آگاه شویم ، اسامی مستخرج را عیناً
نقل می کنیم :

- | | |
|---------------------------|--------------------------|
| ۱ - دکتر سعید مالک | ۲ - دکتر احمد هومن |
| ۳ - دکتر محمود هومن | ۴ - عباسقلی گلشائیان |
| ۵ - عیسی بهزادی | ۶ - عماد تربتی |
| ۷ - سر لشکر حسن بقائی | ۸ - سر لشکر میر جلالی |
| ۹ - محمد جهانشاهی | ۱۰ - موسی آبتین |
| ۱۱ - عبدالله سعیدی | ۱۲ - دکتر خان بابا بیانی |
| ۱۳ - هوشنگ ظلی | ۱۴ - عیسی مالک |
| ۱۵ - اسماعیل واعظ پور | ۱۶ - محمود سلامت |
| ۱۷ - دکتر محمد جواد جنیدی | ۱۸ - علی اصغر ناصر |
| ۱۹ - عباس ظریف | ۲۰ - مهدی کمالیان |

- ۲۱ - محسن رئیس
- ۲۲ - دکتر محمد ضیائی
- ۲۳ - دکتر کمال حداد
- ۲۴ - علی اصغر سلسبیلی
- ۲۵ - ابوالحسن دیبا
- ۲۶ - مهندس شهیدی
- ۲۷ - علی اکبر صادق
- ۲۸ - جمشیدی مجتبائی
- ۲۹ - امیر منصور شاهپرکی
- ۳۰ - مهندس بهمن بهزادی
- ۳۱ - مهدی رئیس
- ۳۲ - مهندس داریوش
- ۳۳ - دکتر آ. بابایان
- ۳۴ - مهدی فرهودی حسابی
- ۳۵ - عزیز نبوی
- ۳۶ - محمد رضا ویشکائی
- ۳۷ - احمد کبه
- ۳۸ - اوهایون
- ۳۹ - حبیب القایان
- ۴۰ - ابراهیم امامی خوئی
- ۴۱ - محمد علی بوفری
- ۴۲ - کمال دری
- ۴۳ - محسن کلاتری
- ۴۴ - ابوالقاسم ملکی یزدی
- ۴۵ - محمود ملک نیا
- ۴۶ - سید محمد علی حسنی
- ۴۷ - سلطان حمید اردلان
- ۴۸ - ابراهیم طه
- ۴۹ - دکتر بابک
- ۵۰ - دکتر ابراهیم غروی
- ۵۱ - جعفر منصوریان
- ۵۲ - دکتر مصطفی مزینی
- ۵۳ - احمد دارائی
- ۵۴ - علاءالدین روحانی
- ۵۵ - جواد کمالیان
- ۵۶ - سعید ثقة الاسلامی
- ۵۷ - پرویز جلالی
- ۵۸ - سعید رئیس
- ۵۹ - دکتر محمد علی مندری
- ۶۰ - علی اکبر ضیائی
- ۶۱ - محمود رئیس
- ۶۲ - مهدی لشکری
- ۶۳ - داور پیشانیل
- ۶۴ - محمود ثقفی

اینک عین اساسنامه انجمن را نقل می‌کنیم :

اساسنامه انجمن طرفداران ابوعلی سینا^۱

بمنظور تجلیل واحیاء اثرات جاوید نابغه ایرانی ابن‌سینا و شناساندن این دانشمند عالیقدر انجمنی در تهران طبق این اساسنامه تشکیل می‌یابد .
 ماده ۱ - اسم انجمن (انجمن طرفداران ابوعلی سینا) خواهد بود .
 ماده ۲ - مدت از تاریخ دهم دیماه ۱۳۳۷ و نامحدود است
 ماده ۳ - مرکز فعلاً تهران خیابان ابوعلی سینا شماره ۴۱۰ ولدی الاقتضا شعب آن در شهرستانهای ایران تشکیل می‌یابد .

ماده ۴ - انجمن دارای شخصیت حقوقی بوده و مؤسین و تشکیل دهندگان آن بهیچوجه قصد انتفاعی ندارند .

ماده ۵ - هر ایرانی که علاوه بر حسن شهرت صاحب قریحه بوده و علاقمندی خود را به تجلیل از بزرگان ایرانی به نحوی از انحاء باثبات رسانیده باشد می‌تواند تقاضای عضویت انجمن را بنماید .

تبصره - هیئت مدیره می‌تواند در اطراف هر داوطلب اطلاعات لازم را از معرفین و یا بوسائل دیگر کسب کرده بدون توجیه و دلیل تقاضای داوطلب را رد کند .

ماده ۶ - انجمن حق دارد از علاقمندان قبول هدیه و هبه بنماید بشرط آنکه آنچه بعنوان هبه یا هدیه قبول کرده منحصرأ برای امر مقرر در منظور انجمن بمصرف برسد .

ماده ۷ - انجمن می‌تواند مجالس خطابه و یا به نشر کتب و رسالاتی که فقط مربوط به ابوعلی سینا باشد مبادرت نماید .

ماده ۸ - سازمان انجمن عبارت است از :

۱ - از یکی از مأمورین و نظیرست و شرافتمند دولت سپاسگذارم که اساسنامه های انجمنها را در اختیارم گذاشت .

الف - هیئت مدیره

ب - مجامع عمومی و فوق العاده

ماده ۹ - هیئت مدیره انجمن از چهارده نفر تشکیل می یابد که برای مدت سال در مجمع عمومی بارأی مخفی انتخاب می شوند، در این جلسه سه نفر بعنوان علی البدل انتخاب می گردد که در صورت فوت یا غیبت هر يك از افراد هیئت مدیره تشخیص هیئت مدیره عضویت اصلی شرکت نماید.

ماده ۱۰ - هیئت مدیره نماینده تام الاختیار انجمن خواهد بود که هر گونه امری را که مقتضی بداند انجام نماید و حق هر نوع عملی که شخص عادی یا شخصیت زوقی قادر باشد هیئت مدیره می تواند بنام انجمن اعمال نماید.

ماده ۱۱ - بلافاصله پس از انتخاب هیئت مدیره جلسه تشکیل و يك نفر و يك نفر خزانه دار از بین خود برای مدت سه سال بارأی مخفی انتخاب نماید.

ماده ۱۲ - امضای کلیه اوراق و اسناد بهادار از طرف رئیس هیئت مدیره و نفر از هیئت مدیره که به این عنوان انتخاب شده یا خزانه دار خواهد بود بمباراة امضاء در کلیه اوراق و اسناد امضای رئیس هیئت مدیره و يك امضای دیگر (از يك خزانه دار یا عضوی از هیئت مدیره که به این سمت انتخاب شده) معتبر - خواهند بود.

ماده ۱۳ - مادام که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده باشد هیئت مدیره سابق برای اختیارات خواهند بود.

ماده ۱۴ - هر سه سال یکبار مجمع عمومی عادی برای انتخاب هیئت مدیره خواه علی البدل به دعوت هیئت مدیره تشکیل می یابد و در این جلسه گزارش هیئت مدیره و صورت دارائی انجمن و خط مشی آتی انجمن به تصویب خواهد رسید.

حضور ثلث اعضاء در تشکیل مجمع عادی ضروری است ولی اگر این عده در جلسه اولی حضور پیدا نکردند در جلسه بعد که لااقل باده روز فاصله بعد از جلسه

اولی تشکیل می‌یابد با هر عده از اعضاء انجمن رسمیت پیدا می‌کند .

ماده ۱۵ - در مورد ضروری مجمع فوق‌العاده به تقاضای ۱۵ نفر از اعضاء یا به تشخیص هیئت مدیره تشکیل می‌یابد و با همان مقررات و حد نصاب معمولی رسمیت پیدا می‌کند ولی در مواقعی که تغییر اساسنامه در برنامه مجمع باشد عده حاضر باید لااقل سه ربع از اعضاء بوده و در جلسه بعدی نصف اعضاء حضور داشته باشند و الا تغییر در اساسنامه امکان پذیر نخواهد بود .

ماده ۱۶ - دعوت در مجامع عمومی ممکن است با نامه یا وسیله جراید بعمل آید ولی در هر حال دستور جلسه باید در دعوتنامه قید شده و خارج از دستور نمی‌توان تصمیمی اتخاذ نمود .

ماده ۱۷ - کلیه آراء باکثرت تام (بیشتر از نصف عده حاضر در جلسه) معتبر خواهد بود .

ماده ۱۸ - انحلال شرکت در حکم تغییر اساسنامه بوده و مقررات مربوطه به نصاب اعضاء باید در آن مراعات شود .

ماده ۱۹ - در صورت انحلال انجمن سه نفر از هیئت مدیره یا افرادی که مجمع انتخاب کند به تصفیه انجمن اقدام خواهند نمود .

ماده ۲۰ - پس از انحلال دارائی انجمن به یکی از مؤسسات که مقاصد آن نظیر یا نزدیک به فکر انجمن باشد یا انجمنهای خیریه اختصاص خواهد یافت .

ماده ۲۱ - موضوعاتی که در این اساسنامه صراحت ندارد به تشخیص هیئت مدیره قابل حل و فصل خواهد بود .

ماده ۲۲ - هیئت مدیره آئین نامه‌های لازم را برای انجمن تدوین خواهد نمود .

ماده ۲۳ - هیئت مدیره در هر موقع می‌تواند به تشخیص خود شعباتی در ایران تشکیل دهد و هر گونه اختیاری را که لازم بداند به این شعبات تفویض نماید و هر تعداد نفری که لازم بداند به مدیریت هر شعبه و یا نمایندگی هیئت مدیره در آن شعبه انتخاب نماید و در این گونه موارد باید لااقل دو نالت اعضاء هیئت مدیره بموضوع رأی موافق داده باشند .

باشگاه خورشید تابان

باشگاه خورشید

تابان

دومین سازمان نیمه مخفی فراماسونهای فرانسوی در ایران که چهار سال قبل تشکیل شده است، ابتدا «باشگاه نور» و سپس «باشگاه خورشید» نامگذاری شد.

فراماسونها همواره محفل خود را منبع «نور» و «روشنائی» دنیای غیر فراماسون را جهان ظلمات و تاریکی و تاریکی می دانند. آنان مدعی هستند که هر کس فراماسون می شود، وارد دنیای «روشنائی» شده و از زندان جهل و تاریکی نجات یافته است. آنان می گویند غیر فراماسونها نادان هستند در پی خبری و جهل مرکب و تاریکی بسر می برند. نکته جالب اینکه فراماسونها که خود «یهوه» و «خدای اسرائیل» را پرستش می کنند و به آیات عزامیر داود سوگند می خورند و در عین حال فریاد «برادری و برابری» در می دهند، خود را برتر از سایر جهانیان می دانند. و متأسفانه فریب خوردگان مسلمان و پیروان آئین مقدس اسلام و مذهب حقه «اثنی عشری» نیز که قرآن مجید را کتاب آسمانی خود برتر و والا تر از همه کتب آسمانی دیگر می دانند، همراه با سایر «برادران» فراماسون خود در مراسم خاص «یهوه» راستایش می کنند و خود را برتر از سایرین می دانند، و حال آنکه کتاب آسمانی مسلمانان، سید قریش و سیاه حبشی را برابر شناخته و آزادی و مساوات کامل در دستورات این دین مقدس تأکید شده است. اما فراماسونها

مسلمان، دیگران (بیگانگان = غیر ماسون) را در جهل و تاریکی محض می‌دانند، حتی برادران هم مذهب خود و مسلمانان را...! بدین سبب فراماسونه‌ای فرانسوی وابسته به گراند ناسیونال دفرانس که عبودیت گراند لژهای انگلیس را کردن نهاده‌اند و برتری و سروری گراند لژهای انگلیسی را پذیرفته‌اند، نیز باشگاهی بنام «نور» تشکیل دادند. ولی خیلی زود اسم باشگاه را به «روشنائی» تغییر دادند. زیرا قبلاً این نام در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده بود. اعضای مؤسس در جریان تغییر نام باشگاه، صورت مجلسی بدین شرح تنظیم و امضاء کردند:

«مجمع مؤسسان باشگاه نور نظر باینکه نام نور قبلاً ثبت رسیده، عنوان اساسنامه باشگاه مذکور و ماده اول آنرا به نحو زیر تغییر نمودند».

ماده الحاقی به اساسنامه باشگاه خورشید تابان

ماده اول اصلاحی: امضاء کنندگان این اساسنامه، باشگاهی بنام باشگاه خورشید تابان که بزبان فرانسه و بزبان انگلیسی نام خواهد داشت طبق قوانین کشور شاهنشاهی و مقررات این اساسنامه، تشکیل می‌دهند، تغییرات آینده این اساسنامه و همچنین آئین‌نامه اجرایی آن بر وفق قوانین و مقررات جاریه کشور خواهد بود و پس از تصویب مراجعی که قانون بآنها صلاحیت داده باشد، بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

توضیحاً اعلام می‌شود که آقای نصراله هنجنی مدیرکل وزارت کشور بعلت مسافرت در جلسه حاضر نبودند.

بنیان‌گذاران باشگاه خورشید تابان، که دوازده نفر بودند، پس از تشکیل جلسه‌ای اعضای هیئت‌مدیره را ازین خود انتخاب کرده، اسامی آنها را بمراجع قانونی اطلاع دادند. اینان عبارت بودند از:

۱ - دکتر... ۲ - ذبیح‌اله ملک‌پور ۳ - مهندس محمدعلی قطبی ۴ - دکتر امیر اصلان افشار ۵ - وحید هویدا ۶ - ادیب هویدا ۷ - فرید هویدا ۸ - جمیل

هویدا - دکتر احمد امامی ۱۰ - هوشنگ کیوان ۱۱ - نصراله هنجنی ۱۲ - محمد علی گرباسفر و شان .

چند روز پس از خاتمه مقررات ثبت باشگاه مذکور، آگهی زیر در روزنامه اطلاعات - مورخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۴۳ - منتشر شد :

آگهی ثبت باشگاه خورشید تابان

نظر بماده ۸ آئین نامه اصلاحی ثبت مؤسسات غیر تجاری و بموجب اظهار نامه پلازه ۵۷۹۲ پیوست مدارک مربوطه به باشگاه خورشید تابان طی شماره ۶۴۰ - ۴۳۴ در دفتر مؤسسات غیر تجاری ثبت شده و خلاصه مشخصات آن در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و یکی از جراید گنیرال انتشار یومیه تهران بشرح زیر منتشر می شود :

نام مؤسسه : باشگاه خورشید تابان که بفرانسه :

«L'ASSOCIATION DU SOLEIL LEVANT»

و بانگلیسی : THE CLUB OF THE RISING SUN می باشد .

هدف و موضوع مؤسسه : مطالعه و تحقیق درباره مسائل فرهنگی - علوم - ملاقای - امور بهداشتی - حقوقی - اقتصادی - مالی - اجتماعی و همچنین بطور کلی مطالعه هر گونه موضوعی از جنبه های فنی آن تثبیت و بسط مباحث ادبی دوستی و حقیقت همچنین شور و مشورت و ترویج معنویات از راه تأسیس کتابخانه و انتشار مجله و فعالیت های خیریه .

مرکز اصلی و اقامتگاه : تهران خیابان نادری کوچه مسعود سعد شماره ۷

تابعیت : ایرانی

مدت : نامحدود .

مؤسسين : آقایان دکتر ... - ذبیح اله ملک پور - دکتر امیر اصطلان افشار - حمید هویدا - مهندس محمد علی قطبی - دکتر احمد امامی - ادیب هویدا - محمد علی گرباسفر و شان - فرید هویدا - هوشنگ کیوان - جمیل هویدا - نصراله هنجنی .

اعضاء هیئت مدیره و مدت خدمت آنها: آقایان دکتر... رئیس هیئت مدیره -
 ذبیح الملک پورنایب رئیس، وحید هویدادیر - ادیب هویدادیر خزانهدار که برای مدت
 یکسال از تاریخ ۱۲/۳/۴۳ انتخاب شده اند.

دارندگان حق اعضاء: کلیه اوراق و اسناد عالی بامضاء رئیس یا وکیل او و یکی
 از اعضاء هیئت مدیره و خزانه دار و اوراق عادی با اعضاء رئیس و یکی از اعضاء هیئت مدیره
 متفقاً صادر می شود و معتبر خواهد بود.

رئیس اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - مهدی نراقی
 برای اطلاع بیشتر از مرام و هدف این باشگاه فراماسونری، عین اساسنامه
 آنرا ذیلا نقل می کنیم:

اساسنامه باشگاه خورشید تابان فصل اول - اصول و هدف باشگاه

ماده اول - اعضاء کنندگان این اساسنامه باشگاهی بنام باشگاه خورشید تابان
 که بزبان فرانسه «L'ASSOCIATION DU SOLEIL LEVANT»
 و بزبان انگلیسی «THE CLUB OF THE RISING SUN» نام خواهد
 داشت طبق قوانین جاری کشور شاهنشاهی و مقررات این اساسنامه تشکیل می دهند.
 ماده دوم - باشگاه مؤسسه علمی، تربیتی و فرهنگی می باشد و منظور و هدف
 آن مطالعه و تحقیق منباب مثال درباره مسائل فرهنگی، علوم اخلاقی امور بهداشتی
 حقوقی، اقتصادی، مالی، و اجتماعی و همچنین بطور کلی مطالعه هرگونه
 موضوع از جنبه های فنی آن می باشد. تثبیت و بسط مبانی ادب دوستی، حق و حقیقت
 و همچنین شور و مشورت و ترویج معنویات جزء هدف باشگاه است برای انجام مقاصدش
 باشگاه می تواند از کلیه منابع معرفت و مصادر اطلاع استفاده نماید و نیز می تواند
 کتابخانه لازم را تأسیس و به انتشار ترجمه فارسی کتب مفید پرداخته و کنفرانس
 و مجالس فرهنگی ترتیب دهد. انتشار مجله در حدود هدف باشگاه و همچنین

الیث های خیریه در صورت امکان مورد نظر باشگاه خواهد بود .

ماده سوم - ایمان به خداوند متعال و وفاداری به شاهنشاه و دودمان پهلوی و سلطنت مشروطه ایران و همچنین نداشتن سوء سابقه و داشتن حسن شهرت دینی و وجدان و همچنین صفات منطق نوع دوستی، عدالت، انصاف، محبت برادرانه و عدلانه شرط اساسی عضویت باشگاه می باشد .

ماده چهارم - باشگاه قصد انتفاعی ندارد .

فصل دوم - مقر باشگاه و سنت آن

ماده پنجم - مقر مرکزی باشگاه در تهران فعال کوچه مسعود سعدکاشی شماره در صورت لزوم و امکان شعب آن در سایر نقاط کشور تأسیس خواهد شد .

ماده ششم - مدت باشگاه نامحدود است

فصل سوم - عضویت باشگاه

فصل سوم - عضویت باشگاه

ماده هفتم - باشگاه سه نوع عضو خواهد داشت. الف- اعضای عامل که مجموع

همی را تشکیل می دهد. ب- اعضای طرفدار و اعضای افتخاری که در اداره باشگاه فنی ندارند .

ماده هشتم - تشخیص عاملیت یا طرفداری اعضای باشگاه با هیئت مدیره باشد .

ماده نهم - هیئت مدیره می تواند پس از دریافت تقاضای کتبی عضویت در الف ا و طلب تحقیقی، تشخیصی و تصمیمی که مقتضی بداند بنماید .

ماده دهم - تقاضای عضویت باید از طرف عضو عامل تصدیق و پیشنهاد شود .

ماده یازدهم - تبدیل عنوان عضویت از طرفدار به عامل بترتیب مذکور در ماده دهم خواهد بود .

ماده دوازدهم - تشخیص میزان حق عضویت با هیئت مدیره می باشد .

ماده سیزدهم - تقاضای عضویت باشگاه شامل قبول اساسنامه حاضر و همچنین قبول ورعایت کلیه مصوبات بعدی مجمع عمومی و هیئت مدیره می باشد .

ماده چهاردهم - هیئت مدیره می تواند عضو یا اعضای باشگاه را در صورت تخلف از رعایت اساسنامه و مصوبات بعدی مذکور در فوق بر اساس اصل توجه تصمیم باکثرت آراء از عضویت باشگاه محروم نماید .

ماده پانزدهم - باشگاه می تواند کسانی را که خدمات قابل توجه و منطبق با اصول و هدف باشگاه نموده باشند به عضویت افتخاری بپذیرد .

فصل چهارم - سازمان باشگاه

ماده شانزدهم - این سازمان عبارت از مجمع عمومی و هیئت مدیره می باشد .
ماده هفدهم - هر چهار سال یکبار مجمع عمومی عادی برای انتخاب هیئت مدیره به دعوت هیئت تشکیل می یابد و در این جلسه گزارش رئیس هیئت مدیره بصورت دارائی و هزینه باشگاه تصویب خواهد رسید مضافاً در همین موقع مجمع عمومی کلیه مسائل مندرج در دستور که با این اساسنامه منطبق باشد مورد رسیدگی و تصویب قرار خواهد داد .

ماده هیجدهم - حضور ثلث اعضاء برای تشکیل مجمع عمومی عادی ضروری است . چنانچه در جلسه اول حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع عمومی حداقل پانزده روز از تاریخ جلسه اول تشکیل می یابد و با هر عده ای که حاضر شوند تصمیم اتخاذ و بموقع اجرا گذارده می شود .

ماده نوزدهم - در موارد ضروری مجمع عمومی فوق العاده به تقاضای ده نفر از اعضاء و موافقت هیئت مدیره یا به تشخیص هیئت مدیره دعوت شده و با همان مقررات وحد نصاب مذکور در ماده هیجدهم رسمیت پیدا می کند .

ماده بیستم - در مواقعی که تغییر اساسنامه یا انحلال باشگاه در دستور باشد حد نصاب جلسه اول سه پنجم و جلسه دوم ثلث اعضاء می باشد .

ماده بیست و یکم - دعوت مجامع عمومی ممکن است بانامه یا وسیله جرائد

عمل آید ولی در هر حال دستور جلسه باید در دعوتنامه قید شود و خارج از آن
هیأتوان تصمیمی اتخاذ نمود.

ماده بیست و دوم - در صورت انحلال باشگاه دو نفر از هیئت مدیره یا افرادی
مجمع عمومی انتخاب خواهد کرد تصفیه امور باشگاه را بعهده خواهند داشت.
ماده بیست و سوم - پس از انحلال باشگاه دارائی آن به یکی از مؤسساتیکه
مد آن نظیر یا نزدیک به فکر باشگاه باشد یا به یکی از انجمنهای خیریه
تفایم خواهد یافت.

ماده بیست و چهارم - هیئت مدیره آئین نامه لازم باشگاه را تدوین و پس از
پس هیئت آنها را بموقع اجراء خواهد گذاشت.

ماده بیست و پنجم - هیئت مدیره دائم از هفت نفر تشکیل می شود.

ماده بیست و ششم - مجمع عمومی مؤسسان در اولین جلسه خود هیئت مدیره
شش مرکب از چهار نفر برای مدت یکسال حداکثر با اکثریت آراء تعیین می نماید
لافاصله پس از آن رئیس هیئت مدیره را از میان اعضاء هیئت با اکثریت آراء
تعیین می نماید. قبل از انقضای مهلت یکساله فوق مجمع عمومی عادی هیئت مدیره
را انتخاب خواهد کرد.

ماده بیست و هفتم - تجدید انتخاب اعضاء هیئت مدیره بلامانع است.

ماده بیست و هشتم - مادام که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده باشد هیئت مدیره
بقی دارای اختیار بوده و مسئول اداره امور باشگاه می باشد.

ماده بیست و نهم - هیئتهای مدیره موقت و دائم با رعایت مفاد و روح این
اسنامه و مصوبات مجامع عمومی اداره امور باشگاه را بعهده خواهند داشت. تهیه
ابزار و وسائل و انجام کلیه اموری که برای اجرای مقاصد باشگاه لازم باشد و همچنین
انجام کلی اقداماتی که هدف و موجودیت باشگاه را تشکیل و تثبیت می نماید از وظایف
هیئت مدیره می باشد.

عاده‌سی‌ام - رئیس هیئت‌مدیره مجری مقررات اساسنامه و اختیارات قانونی باشگاه می‌باشد و در انجام وظایفش حق توکیل خواهد داشت. نوشتجات و اوراق صادر از باشگاه با اعضای رئیس هیئت‌مدیره (یا وکیل او) وکیل از اعضای هیئت‌مدیره خواهد رسید. در مورد اسناد و اوراقیکه برای باشگاه تعهد مالی ایجاد می‌نماید اعضاء خزانه‌دار ضروری می‌باشد.

آخرین و سومین انجمنی که فراماسونهای فرانسوی در ایران تشکیل دادند، انجمن خواجه نصیر طوسی^۱ است. این انجمن را بیست نفر از فراماسونها بشرح زیر تشکیل دادند :

موسی آبتین - علیرضا امیر سلیمانی - ناصر بدیع - منوچهر ایلمی - حبیب حمسی - رضا رزم آرا - علاءالدین روحانی - محمود رئیس - ناصر سلسبیلی - محمود ضیائی - هوشنگ ظلی - علی کوچکعلی - سر لشکر جلالی - عیسی مالک - ابوالحسن معدل - محمدحسن بشیری - علی معین - احمد همن - محمود هومن - ناصر یگانه .

این انجمن در مردادماه ۱۳۴۷ هیئت مدیره خود را بدین شرح انتخاب کرد:

۱ - سر لشکر سید محمود میر جلالی - رئیس هیئت مدیره

۲ - دکتر محمود هومن - استاد دانشسرای عالی - دبیر

۳ - دکتر محمود ضیائی - نماینده مجلس شورای ملی - خزانه دار

۴ - ناصر یگانه - وزیر مشاور - عضو هیئت مدیره

۱ - فراماسونهای فرانسوی پس از انتخاب نام « بوعلی سینا » با اعمال نفوذ در شهرداری مطلق شدند ، نام خیابانی را که محل ماسونی آنها در ردیف ۴۱۰ آن ثبت است ؛ بنام انجمنی که تشکیل داده بودند ، تغییر دهند . محل مذکور چسبیده به پارک امین الدوله است و همچنین نمایان دیگری را که از جاده قدیم شمیران منشعب و بمیدان عشرت آباد ختم می شود ، بنام « خواجه نصیر طوسی » نامیدند .

۵ - منوچهر تسلیمی - معاون وزارت اطلاعات - عضو هیئت مدیره

۶ - هوشنگ ظلی - سفیر کبیر ایران در لبنان

۷ - مهندس امیر سلیمانی - عضو علی البدل

پس از خاتمه انتخابات هیئت مدیره ، آگهی زیر از طرف اداره ثبت شرکت ها در روزنامه های رسمی کشور شاهنشاهی و خاک خون منتشر شد :

۵۳۶۳ ر م الف

۶۹۷۴۹

۴۷۵۰۲۲

آگهی تأسیس انجمن خواجه نصیر طوسی

نظر باینکه هیئت آئین نامه اصلاحی ثبت مؤسسات غیر تجاری و بموجب اظهار نامه شماره ۹۶۷۰ - ۴۷/۵/۱۹ پیوست سایر مدارک مربوطه انجمن خواجه نصیر طوسی در تاریخ ۴۷/۵/۲۰ طی شماره ۹۷۵ در دفتر مؤسسات غیر تجاری ثبت و خلاصه مفاد آن بشرح زیر برای اطلاع عموم آگهی می شود .

۱ - نام مؤسسه - انجمن خواجه نصیر طوسی .

۲ - موضوع . تجلیل و احیاء اثرات فلاسفه و دانشمندان و ادباء ایران و بسط و اشاعه فرهنگ و ادب فارسی .

۳ - مرکز اصلی . تهران خیابان حافظ کوچه هانف شماره ۶۸

۴ - تاریخ تشکیل و مدت بارعایت ماده ۵۸۴ قانون تجارت از تاریخ ۴۷/۲/۲۵ برای مدت نامحدود .

۵ - تابعیت . دولت شاهنشاهی ایران .

۶ - مؤسسين . آقایان موسی آبتین - علیرضا امیر سلیمانی - ناصر بدیع - منوچهر تسلیمی - حبیب خدسی - رضارزم آراء - علاءالدین روحانی . محمود رئیس علی اصغر سلسبیلی - محمود ضیائی - هوشنگ ظلی - علی کوچکعلی - سر لشکر

۱ - روزنامه رسمی شماره ۶۷۵۳ - مورخ ۲۲ مرداد ۱۳۴۷ - روزنامه خاک و خون

۳ شهریور ۱۳۴۷

سید محمود میرجلالی - عیسی مالک - ابوالحسن معدل - محمدحسن مشیری -
لی معین - احمد هومن - محمود هومن - ناصر یگانه

۷ - اعضاء هیئت مدیره - تیمسار سر لشکر باز نشسته سید محمود میرجلالی
هیئت رئیس آقایان محمود هومن سمت دبیر - محمود ضیائی سمت خزانه دار -
میر یگانه و منوچهر تسلیمی سمت اعضاء هیئت مدیره از تاریخ ۲۵/۲/۴۷ برای
یک سه سال انتخاب گردیدند و حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار باریست
پیر و یکنفر از اعضاء هیئت مدیره متفقاً معتبر می باشد.

رئیس اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - مهدی نراقی
آ-۲۰۹۹

اساسنامه انجمن خواجه نصیر طوسی

ماده ۱ - بمنظور تجلیل و احیاء اثرات فلاسفه و دانشمندان و ادباء ایرانی
سط و اشاعه فرهنگ و ادب فارسی انجمنی بنام انجمن خواجه نصیر طوسی در
آن طبق این اساسنامه برای مدت نامحدود تشکیل می شود.

ماده ۲ - مرکز انجمن در تهران کویچه هاتف خیابان حفاظ می باشد و لدی -
انتضا شعب آن در تهران و یا شهرستانها تشکیل خواهد شد پس از اطلاع و تأیید
امانت صالحه.

ماده ۳ - انجمن از تاریخ ثبت دارای شخصیت حقوقی بوده و غیر انتفاعی
باشد.

ماده ۴ - هر ایرانی که علاوه بر حسن شهرت صاحب قریحه بوده و علاقمندی
بود رابه تجلیل از فرهنگ و ادب ایران به اثبات رسانیده باشد می تواند تقاضای
عضویت انجمن را بنماید.

قبول عضویت هر داوطلب موکول به تصویب هیئت مدیره خواهد بود.

ماده ۵ - انجمن حق دارد از علاقمندان قبول هدیه و هبه نماید بشرط آنکه
آنچه بمنوان هبه یا هدیه قبول کرده منحصرأ برای پیشرفت هدفهای انجمن

بمصرف برسد .

ماده ۶ - انجمن می تواند مجالس سخنرانی تشکیل دهد و یا به نشر کتب و رسالاتی که مربوط به فرهنگ و ادب ایران باشد با توجه و رعایت قوانین مطبوعات کشور مبادرت نماید .

ماده ۷ - فعالیتهای انجمن درباره هدفهای مذکور در ماده ۱ بوده و دارای هیچگونه جنبه سیاسی نخواهد بود .

ماده ۸ - ارگان انجمن عبارت است از :

۱ - هیئت مدیره

۲ - مجمع عمومی

ماده ۹ - هیئت مدیره از پنج نفر تشکیل می شود که برای مدت سه سال بوسیله مجمع عمومی با رأی مخفی انتخاب می شوند. دو نفر هم بعنوان عضو جانشین انتخاب خواهد شد که در صورت فوت و یا غیبت هر یک از افراد هیئت مدیره به تشخیص هیئت مدیره بعنوان اصلی شرکت نمایند .

ماده ۱۰ - هیئت مدیره نماینده تام الاختیار انجمن خواهد بود که هرگونه اقدامی را در حدود هدفهای انجمن بعمل آورد .

ماده ۱۱ - پس از تشکیل اولین مجمع عمومی که مجمع مؤسسين است بلافاصله هیئت مدیره از طرف هیئت مؤسسين انتخاب می گردد و هیئت مدیره از بین خود با اعضاء جانشین یک نفر رئیس و یک نفر دبیر و یک نفر خزانه دار برای مدت سه سال با رأی مخفی انتخاب می نماید .

ماده ۱۲ - کلیه اوراق و اسناد بهادار از طرف رئیس هیئت مدیره و یک نفر از اعضاء هیئت مدیره امضاء شده و دارای اعتبار خواهد بود .

ماده ۱۳ - مادام که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده است هیئت مدیره سابق دارای اختیارات خواهد بود .

ماده ۱۴ - هر سه سال یکبار مجمع عمومی انجمن برای انتخاب هیئت مدیره

اعضاء جانشین به دعوت هیئت مدیره تشکیل می‌شود. در این جلسه گزارش رئیس هیئت مدیره و صورت دارائی و هزینه انجمن و خط مشی آتی انجمن تصویب خواهد رسید.

ماده ۱۵ - حضور نلث اعضاء برای تشکیل مجمع عمومی ضروری است در صورت عدم حضور مجمع عمومی مجدداً دعوت و با هر عده که حاضر باشند تشکیل می‌شود و اکثریت عده حاضر مناط اعتبار است.

برای تغییر اساسنامه در هر صورت حضور نصف بعلاوه یکی از اعضاء ضروری است تصمیماتی که با اکثریت آراء عده حاضر اتخاذ می‌شود پس از اطلاع و تأیید مقامات لایحیت معتبر خواهد بود.

ماده ۱۶ - در موارد ضروری مجمع عمومی به تقاضای يك پنجم از اعضاء و تشخيص هیئت مدیره تشکیل می‌شود.

ماده ۱۷ - دعوت مجامع عمومی بوسیله نامه بعمل خواهد آمد و دستور جلسه در وقتنامه باید قید شود.

ماده ۱۸ - برای انحلال انجمن بایستی لااقل سه ربع از اعضاء در جلسه مجمع عمومی حاضر باشند در صورت انحلال سه نفر از هیئت مدیره انتخاب می‌شوند و کلیه انجمن اقدام خواهند کرد.

ماده ۱۹ - پس از انحلال دارائی انجمن به یکی از مؤسسات که مقاصد آن را یا نزدیک به هدفهای انجمن باشد اختصاص خواهد یافت.

ماده ۲۰ - موضوعیکه در این اساسنامه صراحت ندارد به تشخیص هیئت مدیره قابل حل و فصل خواهد بود.

ماده ۲۱ - هیئت مدیره می‌تواند به تشخیص خود شعباتی در شهرستانها تشکیل دهد و هر گونه اختیاری را که لازم بدانند باین شعبات تفویض نماید. در این مورد باید لااقل دو نلث اعضاء هیئت مدیره بموضوع رأی موافق داده باشند.

انجمن فارابی

یکی از سازمان های جدید فراماسونری فرانسه در ایران «انجمن فارابی» است که باشکول كاملا جديد و نو ظهوری تشكيل شده است. این انجمن که هدف آن «تعالی سطح اخلاق و دانش و تعمیم فرهنگ» عنوان شده، چنین بنظر می رسد، که برای بوجود آوردن یکی دیگر از سازمان های ماسونی و یا واحد پراهمیت نری، تشكيل شده باشد. اعضای مؤسس انجمن فارابی را قبل از اینکه مقررات ثبت آن با تمام رسد: منحسن فروغی - فتح اله فرود - محمد مجلسی - نصرالدین نوری خواجوی و سناتور جمال گنجی نیشابوری معرفی کرده اند. با اینکه در اساسنامه محل تشكيل انجمن «خیابان شمالی کاخ جوانان» معین شده، با اینحال در تقاضای اولیه ثبت اسناد نشانی آنرا «مجلس سنا» نوشته اند. مؤسسين این انجمن قبل از آغاز «فعالیت فراماسونی» و یا بقول خودشان «تعمیم فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح اخلاق» در نظر گرفته اند که محل تازه ای بنا کنند. لذا مؤسسين انجمن با کمک سازمان های دولتی قطعه زمین بسیار بزرگی در اراضی «فولک و اوین» را برای ساختمان معبد فراماسونری، مجاناً بشرف در آورده اند. برای ساختمان معبد و محفل و معبد فراماسونری مذکور بموجب اسناد گرانداثر ایران، از ۱۳۰ نفر از فراماسونهای لژهای مختلف مبالغی اعانه جمع آوری شده است که در بین اعانه دهندگان، ماسون های زیر مبالغ قابل توجهی پرداخت کرده اند:

ریال ۱۰۰۰۰۰	مهندس شریف امامی	ریال ۱۰۰۰۰۰	حبيب القاين
« ۷۵۰۰۰	لاجوردی	« ۱۰۰۰۰۰	حاتم القاين
« ۶۳۰۰۰	مهندس محمد هادی	« ۵۰۰۰۰	واد مرید
« ۳۰۰۰۰	دکتر سید حسن امامی	« ۳۰۰۰۰	رفی
« ۳۰۰۰۰	ابراهیم میرزا حسینی	« ۳۰۰۰۰	مرندی
« ۳۰۰۰۰	دکتر سعید مالک	« ۳۰۰۰۰	مد رفیعی
« ۲۰۰۰۰	سیروس بقائی	« ۴۰۰۰۰	ندعلی مسعودی
« ۲۰۰۰۰	مهندس شقایق	« ۲۰۰۰۰	عباس معتمد
« ۲۰۰۰۰	دکتر امیر حکمت	« ۲۰۰۰۰	وفی الممالکی
« ۲۰۰۰۰	خلیل محلوچی	« ۲۰۰۰۰	جی اصغرزاده
« ۲۰۰۰۰	علی اکبر محلوچی	« ۲۰۰۰۰	معین
« ۲۰۰۰۰	ابوالفتحی	« ۲۰۰۰۰	داد بخارنی
« ۲۰۰۰۰	رستم زرنشتی	« ۲۰۰۰۰	بوی
« ۲۰۰۰۰	پرویز یگانگی	« ۲۰۰۰۰	کوچکعلی
« ۱۵۰۰۰	صانعی	« ۲۰۰۰۰	مهدی ملکی
« ۱۲۵۰۰	اصغر زواره	« ۱۵۰۰۰	علی قلی کیهان
« ۲۰۰۰۰	دکتر رضا فلاح	« ۱۰۰۰۰	القائیان
« ۱۰۰۰۰	مهندس روحانی	« ۱۰۰۰۰	مبین
« ۱۰۰۰۰	دکتر چهارازی	« ۱۰۰۰۰	بی
« ۱۰۰۰۰	رحیم اذابی	« ۱۰۰۰۰	سبح ناطق
« ۱۰۰۰۰	اسمعیل واعظ زاده	« ۱۰۰۰۰	عمود نظر
« ۱۰۰۰۰	مهندس گنجی	« ۱۰۰۰۰	شم کورس
« ۱۰۰۰۰	ابوثراب روحانی	« ۱۰۰۰۰	نصرت اله قوامی
« ۱۰۰۰۰	عبداله ظلی	« ۱۰۰۰۰	محمد رضا ایثاری

امیر مهدی خواجی	۱۰۰۰۰	ریال	دکتر هوشنگ نهاوندی	۱۰۰۰۰	ریال
مهندس حبیب خمسی	۱۰۰۰۰	»	جعفر کفائی	۱۰۰۰۰	»
عبدالامیر رشید حائری	۱۰۰۰۰	»	دکتر ناصر یگانه	۱۰۰۰۰	»
مهندس صادق	۱۰۰۰۰	»			

بقیه که کمتر از یک هزار تومان پرداخته اند در حدود هشتاد نفر می باشند.

در گزارشی که خزانه دار کل سازمان های فراماسونری فرانسه در ایران ، به گرانند لژ محلی داده است ، پس از ذکر ارقام اعانه ، متذکر می شود که در حال حاضر با این مبلغ جمع آوری شده ، امکان آغاز ساختمان محفل ماسونی وجود ندارد . نقشه این محفل را مهندس محسن فروغی تهیه کرده اند و نظارت آنرا نیز شخصاً بعهده خواهند گرفت . چون تازمان چاپ این فصل ، فعالیت محسوس دیگری از این انجمن دیده نشده ، لذا تنها به نقل اساستامه آن اکتفا می کنیم :

اساسنامه انجمن فارابی

- نام - مرکز اصلی - موضوع انجمن - مدت
- ماده یک - نام انجمن - انجمن فارابی .
- ماده دو - مرکز اصلی انجمن فارابی در شهر تهران - خیابان شمالی کاخ جوانان جنب آموزشگاه حرفه پسران است .
- ماده سوم - موضوع انجمن . بمنظور تعالی سطح اخلاق و دانش و تعمیم فرهنگ انجمنی بنام انجمن فارابی تشکیل می گردد .
- ماده چهارم - مدت نامحدود است .
- ماده پنجم - انجمن فارابی از طرف هیئت مؤسسان که اسامی آنها در این اساسنامه قید است تشکیل و همگی ذیل این اساسنامه را امضاء می نمایند .
- ماده ششم - انجمن فارابی دارای شخصیت حقوقی است و بهیچوجه جنبه انتفاعی و سیاسی ندارد و می تواند برای پیشرفت هدفهای خود هر گونه هدایا یا اموالی که از طرف شخصیت های حقیقی و حقوقی اهدا می شود بپذیرد .

ماده هفتم - اهدا کنندگان هدایا اعم از شخصیت های حقیقی و حقوقی نسبت به دارائی انجمن کما و کیف حقیقی ندارند و درآمدها منحصراً در راه هدف اصلی انجمن صرف خواهد رسید .

ماده هشتم - انجمن بهیچ یک از دستجات سیاسی بستگی ندارد و اعضاء آن هم عنوان حق فعالیت سیاسی را بنام انجمن ندارند .

ماده نهم - هر گونه تغییری در اساسنامه و یا اعضاء هیئت مدیره انجمن بایستی از تأیید مقامات صلاحیت دار بمرحله اجرا گذارده شود .

ماده دهم - افتتاح شعب در سایر شهرستانها منوط به اجازه قبلی مقامات - خواهد بود .

ماده یازدهم - چاپ و انتشار نشریات از طرف انجمن طبق قوانین جاریه - خواهد بود .

فصل دوم - تشکیلات انجمن

ماده دوازدهم - انجمن فارابی از ارکان زیر تشکیل می گردد .

ماده سیزدهم - هیئت مؤسسان - شورایعالی - هیئت مدیره - هیئت نظارت .

ماده چهاردهم - هیئت مؤسسان عبارتند از ۶ نفر اشخاص زیر :

الف -

ب - مهندس محسن فروغی

ج - فتح اله فرود

د - محمد مجلسی

ه - نصرالدین خواجوی

و - مهندس گنجی

ماده پانزدهم - هیئت مؤسسان بلافاصله پس از تصویب و اعضاء این اساسنامه

اشخاصی را که تشخیص دهد بامنظور این انجمن هماهنگی دارند بعنوان عضویت

دعوت می نمایند و همچنین تعداد اعضاء بالغ بر ۳۰ نفر گردید مبادرت با انتخاب شورایعالی خواهد نمود.

ماده شانزدهم - شورایعالی حداقل از ۳۰ نفر تشکیل می شود که از بین اعضاء هیئت مؤسسان و اشخاص دیگر انتخاب و شورای مزبور می توانند هر شخص دیگری را که مقتضی بداند بعضویت شورا انتخاب و تعیین کند.

ماده هفدهم - پس از تعیین و انتخاب شورایعالی هیئت مؤسسان منحل و شورای مزبور قائم مقام هیئت مؤسسان بوده و کلیه اختیارات مندرج در این اساسنامه جزو اختیارات و وظایف شورا خواهد بود.

وظایف شورایعالی

ماده هیجدهم - وظایف شورایعالی بقرار زیر است :

۱ - تعیین خط مشی انجمن در زمینه اجرای برنامه هایی که بر اساس هدف انجمن باشد.

۲ - تدوین آئین نامه و مقررات لازم

ماده نوزدهم - جلسات شورایعالی بر دو نوع است :

۱ - جلسات عادی

۲ - فوق العاده

الف - جلسات عادی شورایعالی برای تصویب بودجه و ترازنامه عملکرد سالانه گزارش هیئت مدیره و مسائلی که طرح آن در شوری ضروری باشد مثالی يك مرتبه در مهر ماه تشکیل می شود.

ب - جلسات فوق العاده بنا بدعوت هیئت مدیره و یا هیئت نظارت یاده نفر از اعضاء شورایعالی با تقاضای کتبی هیئت مدیره بطور فوق العاده منعقد می گردد.

ماده بیستم - برای رسمیت یافتن جلسات عمومی اعضاء انجمن حضور ۵۱٪

اعضاء ضروری است و در صورت عدم حصول نصاب برای تشکیل جلسات عمومی به دیگری که نباید فاصله تشکیل آن از ده روز کمتر وزائد بر یکماه از تاریخ قبل باشد دعوت می گردد. این دعوت نامه بوسیله نامه سفارشی یا درج آگهی یکی از روز نامه های کثیرالانتشار بعمل می آید.

شرط رسمیت جلسه حضور نصف اعضاء انجمن مقیم تهران کافی است چنانچه در جلسه نیز حد نصاب حاصل نشود جلسه سوم بفاصله ۱۵ روز تعیین و اعضاء بوسیله یکی از روز نامه های کثیرالانتشار دعوت می شوند و حضور ثلث اعضاء جلسه کافی برای تشکیل و اتخاذ تصمیم خواهد بود.

ماده بیست و یکم - در هر موردی که تغییر یا اصلاح مواد این اساسنامه ضرورت کند بر حسب پیشنهاد هیئت مدیره شورایعالی آنرا تغییر و یا اصلاح خواهد کرد.

هیئت مدیره و وظایف آن

ماده بیست و دوم - هیئت مدیره از ۷ نفر تعیین و وسیله شورایعالی از بین آنها برای مدت ۲ سال انتخاب می شوند. تازمانی که هیئت مدیره جدید انتخاب نگردد هیئت مدیره سابق در سمت خود باقی و بوظایف مدیریت ادامه خواهند داد.

ماده بیست و سوم - هیئت مدیره از بین خود یک رئیس که همان رئیس شورایعالی و دو نایب رئیس و یک خزانه دار و یک دبیر انتخاب می نماید.

ماده بیست و چهارم - هیئت مدیره تصمیمات لازم را برای اداره امور انجمن اتخاذ می کند و طرف عقد و ایقاع واقع و هر گونه معامله برای انجمن انجام می دهد.

اینم قرارداد با هر شخصیت حقیقی و حقوقی و افتتاح هر نوع حساب در بانکها بنام انجمن - صدور چک بروات از حساب ها اعضاء اسناد و اوراق و قبول تعهد بنام انجمن و اختیارات هیئت مدیره است و همچنین رجوع بمراجع قضائی - طرح دعوی و استیفاء از دعاوی و بالاخره هر گونه اختیارات که برای پیشرفت کار لازم باشد

دارای اختیار است و هیئت مدیره می تواند تمامی اختیارات و یا جزئی از آنرا به وکیل یا وکلای دادگستری با اعطاء حق توکیل غیر ولو کراراً تفویض نماید. اختیارات و حدود وظایف هیئت مدیره بجز در مورد کسب اجازه از شورای عالی در مورد معاملات غیر منقول محصور و محدود نمی باشد.

ماده بیست و پنجم - سال مالی انجمن از اول مهر ماه هر سال شروع و در مهر سال بعد خاتمه می یابد ولی سال مالی هذا السنه از تاریخ ثبت اساسنامه تا اول مهر ۱۳۴۸ خواهد بود.

ماده بیست و ششم - جلسات هیئت مدیره با حضور حداقل چهار نفر از اعضا آن رسمی و هر تصمیمی که با اکثریت ۴ نفر اتخاذ گردد معتبر و قابل اجرا است.

ماده بیست و هفتم - کلیه اسناد و اوراق بهادار و قراردادهای و چک ها و بروات و خلاصه هر گونه سند تعهدآور با امضاء رئیس و یکی از نواب رئیس و خزانه دار خواهد بود. در غیاب خزانه دار هیئت مدیره دیگری را برای انجام امور مذکوره تعیین خواهد نمود.

ماده بیست و هشتم - هیئت مدیره تراز نامه سالیانه را در اول شهریور هر سال تنظیم و بلافاصله برای رسیدگی به هیئت نظارت تسلیم می دارد.

ماده بیست و نهم - پس از رسیدگی هیئت نظارت و تسلیم گزارش خود هیئت مدیره تراز نامه را برای تصویب به شورای عالی تسلیم می نماید - تصویب شورای عالی بمنزله مقاصد حساب دوره عملکرد سال تصدی هیئت مدیره خواهد بود.

هیئت نظارت

ماده سیام - شورای عالی از بین اعضا خود هر سال سه نفر برای نظارت در امور مالی انجمن انتخاب می کند و پس از خاتمه دوره نظارت آنها تازمانی که هیئت جدید انتخاب نشده همان عده در سمت خود باقی بوده و بوظایف نظارت عمل خواهند کرد و انتخاب مجدد آنها بلامانع است.

ماده سی و یک - هیئت نظارت به امور مالی رسیدگی و تراز نامه را بررسی و در

صورت سمحت تر از نامده آنرا امضاء و تأیید و گزارش خود را برای طرح در شورایعالی
 ایلم می نمایند این گزارش وقتی معتبر است که ممضی یا امضاء دو نفر ناظر باشد.

انحلال انجمن

ماده سی و دوم - در صورت انحلال انجمن تصفیه امور آن بعهده مدیر یا
 آنان تصفیه است که از طرف شورایعالی انتخاب می شوند. مدیران تصفیه طبق
 آن تجارت امور انجمن را تصفیه و باقی مانده دارائی را به شورایعالی گزارش می دهد.
 دارائی به سازمان ها و انجمنهایی که هدف مشابه با انجمن دارند هبه خواهد شد.
 آن ختم تصفیه و تسلیم تر از نامه از طرف متصدیان تصفیه بشورایعالی، شورایعالی
 آن محوله در اساسنامه را خواهند داشت پس از ختم تصفیه و اهداء دارائی بشرح
 شورایعالی منحل و انجمن بالنتیجه منحل شده شناخته می شود.

فصل بیست و نهم

لژهای امریکائی در ایران

در فصول پیشین، از چگونگی فعالیت سازمانهای فراماسونری ایران که وابسته به لژهای انگلیسی و فرانسوی هستند، آگاه و با ماسونهای معروف عضو این سازمانها آشنا شدیم. اینک می‌پردازیم به فعالیت تشکیلات فراماسونری در امریکا و ارتباط احتمالی ماسونهای ایرانی با این تشکیلات:

باینکه فعالیت سازمانهای فراماسونری در امریکا یکصد و نود سال سابقه داشته و امریکا نیز یکصد و سه سال است که با ایران روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد، (۱) معذک لژهای فراماسونری امریکا، شعبه یا شعباتی در ایران دایر

۱ - نخستین برخورد امریکائیان با ایران و آشنائی ایرانیان با افکار و عقاید مبلغین امریکائی در سال ۱۲۴۴ - هجری قمری (۱۸۲۹ م) با سفر دو کشتی یاسامی «اسمیت» و «وایت» که از طرف «جمعیت مبشران پروتستان امریکا» بایران اعزام شده بود، آغاز شد. این دو تن پس از مدتی اقامت در آذربایجان و تحقیق و مطالعه بامریکا بازگشتند و خاطرات خود را طی کتابی منتشر ساختند. از آن پس نیز چندین بار تماسهایی بین سفرای دو کشور در لندن و پترزبورگ گرفته شده و در مذاکراتی که صورت گرفت، طرفین برای استقرار رابطه سیاسی، ابراز علاقه و اشتیاق کردند، سرانجام در نارنخ دوم ۱۸۸۱ جان فوسنری وزیر مختار امریکا در پترزبورگ نتیجه مذاکرات خود را بامیرزا حسین خان سپهسالار اعظم، سفیر کبیر فوق العاده شاه ایران - که برای تبریک جلوس امپراتور روسیه بتخت سلطنت، بدربار روسیه رفته بود، طی گزارشی -

نگارده اند . حال آنکه بگواهی آثار و اسناد بدست آمده ، ۱۰۷ لئرفراماسونری بسته بگردلئزهای ماسونری آمریکا در سراسر جهان پراکنده و مشغول فعالیتند . از سال ۱۹۱۹-م (۱۳۳۷-هـ) که لئز روشنائی در ایران ، در کلیسای انجیلی آن دایر شد ، امریکائیان که عضو لئزهای ماسونری اسکاتلند بودند ، با اجازه اکثر خود ، مرتباً بدین لئزروی آورده ، در کلبه مراسم و تشریفات آن شرکت میکردند .

يك گزارش رسمی که برای شورای طریقت لئرفراماسونری آمریکا تهیه شده ، نیست که اعضای لئز روشنائی در ایران ، هیچگاه به فراماسون های امریکائی آن موافقت مرکز اسکاتلند اجازه «ملاقات» و «بازدید دوستانه» و حتی «دبدار» لئز خود را نمی داده اند .

بارها اتفاق افتاده است که يك فراماسون امریکائی سالها در ایران اقامت داشته ، ولی باوجود مراجعه مکرر ، اجازه حضور در لئز روشنائی در ایران و شرکت بجایات آنرا نیافته است . این گونه فراماسونها ، فقط هنگامی می توانستند وارد «روشنائی در ایران» شوند ، که بکنفر از سران مورد اعتماد «لئز اسکاتلند» هنگام سفر ، از تهران عبور کرده ، آنها را باعلاقم مخصوص به لئز معرفی کند .

از سال ۱۳۳۲-ش (۱۹۴۴-م) که عده ای از افسران نظامی امریکو مأمورین-پاسی آن کشور که فراماسون بودند بتهران آمدند ، بتدریج و با گذرانیدن گزشته آداب و مقررات بسیار شدید ، وارد لئز روشنائی در ایران شدند و هرچه باعداد امریکائیان مقیم ایران افزوده می شد ، علاقه آنها بشرکت در لئز ماسونری

بواشکنن فرستاد . پس از وصول این گزارش که حاکی از اشتیاق ایران برای ایجاد رابطه میبای با امریکا بود ، در ژانویه سال ۱۸۸۳ م . ج . بنیامین ، با عنوان اولین وزیر مختار امریکا در ایران ، عازم این کشور شد . وی دوازدهم ژوئن همان سال (۲۱ خرداد ۱۲۶۲ شمسی مطابق با شعبان ۱۳۰۰ قمری) در کاخ گلستان بحضور ناصرالدینشاه قاجار باریافت و استوارنامه خود را طی تشریفات بسیار عالی وباشکوهی بیادشاه قاجار تسلیم کرد . در این مراسم ناصرالدینشاه اظهار داشت : «توسعه مناسبات سیاسی بین دودلث به نفع هر دو کشور است . بدولت خود گزارش دهید که دولت ایران علاقمند است همیشه سفارت امریکا در پایتخت ایران باقی بماند .»

ایران نیز افزایش می‌یافت .

در این موارد کارگردانان لژ روشنائی در ایران ، پس از تحقیق کامل درباره «امریکائی داوطلب» و اطلاع از شغل و مقام حساس او در ارتش ، سفارت ، اصل چهار ، مؤسسات نظامی (ام. ک. او- مهندسی خلیج - مستشاری نظامی) شرکت های مختلف تجاری امریکائی و ميسونری او را وارد لژ روشنائی می‌کردند .

همان گزارش رسمی شورای طریقت لژ فراماسونری امریکا حاکیست که طی هفده سال گذشته بیش از ۳۴ نفر از فراماسونهای امریکائی ، هنگام اقامت در ایران عضویت لژ روشنائی در آمده و در این سازمان فعالیت می‌کرده‌اند .

«ج . دپاین» کبیش امریکائی مقیم ایران ، که مدت سی سال با عنوان کبیش در تهران ساکن بود ، سالها مقام حساس دبیری لژ را در تهران به عهده داشت و شرح فعالیت و مقام‌هایی که او در لژ روشنائی ایران داشته است ، در فصول قبل گفته شد . در سال ۱۹۶۲-م (۱۳۴۱-ش) لژ روشنائی در ایران برای ائتلاف با امریکائیان و با عضویت افسران نظامی امریکا در ایران ، که در ادارات مستشاری (ارتش ژاندارمری شهر بانی) فعالیت داشتند و همچنین مستشاران غیر نظامی و اعضای سفارت امریکا ، مذاکراتی را با فراماسونهای عالی مقام آغاز کرد .

در گزارش مقدماتی که بوسیله یکی از افراد عالی مقام لژ روشنائی در ایران برای امریکائیان تهیه شده چنین آمده است :

«لژ بسیار فعال ما همیشه برای پذیرائی از بازدیدکنندگان امریکائی و برادران جمعیت فراماسونی امریکا در ایران آماده است و آنها را استقبال می‌کند ، با وجود «استقبال» و «آمادگی» که از طرف لژ انگلیسی روشنائی در ایران اعلام شده است ، معذک گذشت زمان نشان داد ، که فراماسونهای امریکائی تحت شرایط بسیار سختی می‌توانستند موفق بدخول در لژ انگلیسی مذکور شوند . بدین ترتیب که تلاقی در باره آنها تحقیقات کامل صورت نمی‌گرفت ، و با فراماسونهای امریکائی حاضر به همکاری سیاسی نمی‌شدند ، اجازه ورود به لژهای وابسته به اسکاتلند

در ایران و بالزهای تابعه مولوی بد آنها داده نمی شد .

هر چه بر تعداد اتباع امریکائی مقیم ایران اضافه می شد ، فراماسون های امریکائی نیز بیشتر می شدند . بطوری که در اواخر سال ۱۹۶۱ در حدود هفتاد و فراماسون امریکائی که اغلب درجه استادی داشتند در تهران و حومه بسر بردند . هنگام آغاز فعالیت بیشتر لژ روشنائی در ایران و در سال ۱۹۶۲ - م (۱۳۴۱ ش) از طرف مرکز فراماسونی اسکاتلند ، به تهران دستور رسید که فراماسون های امریکائی را جمع کرده برای آنها لژ مخصوصی ترتیب دهند .

در همین وقت ، مراکز فراماسونری «یورک» و لژهای محلی امریکا نیز در صدد آمدند که لژی در ایران تأسیس کنند . بدنبال این مقدمات ، در اوایل آوریل ۱۹۶۲ روشنائی در ایران دعوتنامه ای برای غده ای از امریکائیان که درجه «استاد الم» و «استاد» داشتند ، فرستاد ، و آنها را برای شرکت در یک مئینگ مختلط لژت کرد .

جلسه مشترک در روز ۱۹ اپریل ۱۹۶۲ تشکیل شد . در این جلسه کارگردانان روشنائی به امریکائیان فراماسون پیشنهاد کردند : در لژهای «لایت» ، «ابن سینا» و «کورش» که زبان رسمی آنها انگلیسی بود شرکت کنند .

بطوری که بعداً خواهد آمد ، تا پایان سال ۱۹۶۲ در ایران سه لژ فراماسونری بود که در آنها به زبان انگلیسی گفتگو و مذاکره می شد :

۱- لژ روشنائی در ایران ، وابسته به گراندر لژ اسکاتلند .

۲- لژ کورش ، وابسته به گراندر لژ اسکاتلند .

۳- لژ ابن سینا ، وابسته به گراندر لژ ناسیونال دفرانس .

کارگردانان لژ روشنائی در جلسه ۱۹ اپریل ۱۹۶۲ گزارش زیر را برای امریکائیان فراماسون قرائت کردند :

برادران !

نخستین لژ عادی در ایران «لژ روشنائی در ایران» نام داشت که مطابق اساسنامه

اسکاتلند، در شیراز تشکیل شد. تشکیل دهندگان لژ افسران ارتش انگلیس بودند که در زمان جنگ جهانی اول در ایران بسر می بردند .

پس از تخلیه ایران از طرف ارتش انگلیس فعالیت آن لژ متوقف شد ، ولی دوباره در تهران تحت همان نام «نور در ایران» تشکیل شد و تادو هفته پیش [۵ آوریل ۱۹۶۲-م] یگانه لژی که در تهران به زبان انگلیسی کار می کرد ، همین لژ بود. مالز بسیار فعالی هستیم و میل داریم که برادران امریکائی هر چه بیشتر از لژ ما دیدار کنند . در این خصوص بعداً مطالب بیشتری به عرض خواهیم رساند. دو لژ بعدی که در آبادان و مسجد سلیمان کار می کردند، لژهای «پیشاهنگ» pioneer نام داشتند و هر دو تحت اساسنامه اسکاتلندی مشغول کار بودند. پس از آن لژ «سن ژوز» نیز تحت اساسنامه انگلیس، در آبادان تشکیل شد. همه این لژها هنگام ملی شدن صنعت نفت و خروج عوامل انگلستان از آبادان تعطیل شدند . تا آن هنگام سنت لژ این بود که هیچ ایرانی را به عنوان عضو تازه نپذیرد ، ولی این نکته را همه می دانستند که چندتن از ایرانیان که در خراج وارد سازمان فراماسونی شده بودند، گاهی به لژ ما می آمدند .

در همان زمان ملی شدن نفت، شخصی بنام جواهری که بدون شك فراماسون بود، (منتها شاید از لژ فراماسونهای مشرق زمین) به ایران آمد. و پس از چندی در حدود ۲۵۰ نفر را دور خود جمع کرد و انواع درجات و عناوین را برخلاف قاعده به آنها بخشید. در میان این ۲۵۰ نفر، بسیاری از اشخاص ثروتمند و صاحب نفوذ کشور وجود داشتند. لیکن جواهری مافد خدایی بر آنها حکومت می کرد . و تا می توانست از آنها پول می گرفت. البته هدف او امور خیریه فراماسونی نبود، بلکه پولها را به نفع خودش ضبط می کرد . او عقیده داشت «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است» جریان او سرانجام به عرض شخص اول مملکت رسید و معظم له به موقع دستور دادند که سازمان منحل و غیر قانونی شود .

اما در میان پیروان جواهری چند نفر هم بودند که بطور قاتونی وارد سازمان فراماسون شده بودند (در فرانسه، امریکا، عراق، هندوستان و جاهای دیگر). این اشخاص دریافته بودند که قبلاً تشکیلات جواهری غلط بوده است و در پشت پرده فعالیت شدیدی علیه او آغاز کردند، عده‌ای نیز به خارج رفتند، تا به‌طور رسمی وارد سازمان فراماسون شوند. تا اینکه سرانجام به آنها اجازه داده شد که یک لژ ملی در این کشور تشکیل دهند. مقامات مسئول از فعالیت لژ «نور در ایران» اطلاع داشتند و می‌دانستند که اگر لژهای دیگری نیز به همان طریق فعالیت کنند جمع رعایای ایشان خواهد بود.

نخستین لژ که بدین ترتیب تشکیل شد، لژ «مولوی» نام داشت که در حقیقت فرانسه تشکیل شده بود، ولی تحت نظر گراند ناسیونال فرانسه به اینجا منتقل گردید. رهبر این لژ دکتر سعید مالک بود، که یکی از عزیزترین و مهربان‌ترین آدران ما است.

بلافاصله پس از افتتاح این لژ، لژ تهران نیز تشکیل شد، که تحت نظر آلد لژ اسکانند کار می‌کند.

از لژ مولوی، لژهای دیگری منشعب شد که عبارتند از لژهای سعدی و روشی در تهران - لژ حافظ، که اکنون در شیراز کار می‌کند - و لژ شمس تبریزی اکنون در اینجا مشغول فعالیت است، ولی قرار است به تبریز منتقل شود. گراند ناسیونال فرانسه همین یک گراند لژ محلی District grand lodge را نیز در اینجا تشکیل داد که در آن دکتر سعید مالک مقام District grand master را دارد، و برای ایجاد هماهنگی با گراند لژ اسکانند از District grand Superintendent یعنی برادر ل. و. استراکر^۱ Straker دعوت شد که با اجازه گراند لژ اسکانند، تمام معاونت دکتر مالک را بپذیرد.

از لژ تهران نیز لژ کورش منشعب شد و لژ خیام نیز در روز پیش (۹ آوریل

۱- استراکر سالها در ایران مست ریاست لژ روشنائی و شرکت لبنج واقع در خیابان سوم اسفند را داشت و سال ۱۳۳۹ از ایران رفت.

۱۹۶۲) تشکیل گردید. هر دوی این لژها تحت نظر گرانند لژ اسکاتلند کار می کنند پس از تشکیل همه این لژها احساس شد که وجود یک کمیته مرکزی ضرورت دارد. تا بتواند روابط این لژها را که تحت نظر دو گرانند لژ کار می کنند حفظ کند. این کمیته اساساً از Reigning Master لژها به علاوه کسانی که از طرف هر دو سازمان مقام گرانند لژ دارند، تشکیل شده است.

عده کسانی که در این راه زحمت کشیده اند بقدری زیاد است، که مشکل بتوان یکی را از آن میان انتخاب کرد، ولی من احساس می کنم که باید نام یک نفر را ذکر کنم و او برادر فری است. در هنگام غیبت برادر استراکر از این کشور او قائم مقام District Grand Superintendent ما است. وی مورد اعتماد هر دو گرانند لژ است، و چیزی که شاید از این نیز مهمتر باشد، آنست که از اعتماد همه برادران ایرانی و خارجی هر دو سازمان برخوردار است. یکی از مهمترین وظایفی که این کمیته انجام می دهد، عبارت است از تعیین نامزد برای ورود به هر کدام از لژهای موجود، و بدین ترتیب نمی گذارد که یک لژ تقاضای ورود کسی را که برای لژ دیگر قابل قبول نیست بپذیرد. علاوه بر اینها در تهران سه لژ دیگر نیز وجود دارد، که تحت نظر گرانند لژهای متحد آلمان کار می کنند، پس از جنگ اخیر دو گرانند لژ جداگانه در آلمان به وجود آمد که هیچکدام از آنها از طرف گرانند لژهای اسکاتلند یا گرانند لژ ناسیونال فرانسه به رسمیت شناخته نمی شدند و دلیل آن هم این بود که این دو گرانند لژ آلمانی حتی در میان خودشان توافق نداشتند. اما پس از مذاکرات زیادی که بین خود آنها و گرانند لژهای اسکاتلند، انگلیس و فرانسه از طرف دیگر صورت گرفت، این دو گرانند لژ اختلاف خود را حل کردند و بایکدیگر متحد شدند و بدین ترتیب گرانند لژهای متحد آلمان بوجود آمد.

اکنون گرانند لژهای متحد آلمان، از طرف لژهای اسکاتلند و انگلیس و فرانسه به رسمیت شناخته می شوند و با آنها روابط مودت آمیز دارند. بنابراین رفتن ما به آن لژهای آلمانی، از لحاظ رسمی مانعی ندارد، ولی

از من رفتن مایه آنجا مطلوب نیست، زیرا که تاکنون خود آنها تمایلی به این نشان نداده‌اند و به کمیته مرکزی نیز پیوسته‌اند. امیدواریم که بزودی موافقت را برای پیوستن به کمیته مرکزی، و با جمعیت کامل فراماسوگری اعلام دارند. حدود دو هفته پیش (۵ آوریل ۱۹۶۲-م) نیز گرانند ناسیونال فرانسه در اینجا دیگر افتتاح کرد، بنام لژ ابن سینا که زبان آن انگلیسی خواهد بود. این فعال لژ در تهران مشغول کارند که رفتن به همه آنها آزاد است و از شما می‌گرمی استقبال خواهند کرد، ولی از این لژ فقط «نور در ایران» و «ابن زبان انگلیسی دارند و مابقی فارسی است».

این تاریخچه اینست از فعالیت فراماسوگری در این کشور. البته تا مقام Master M - اما برای کسانی که از این مقام عالی نیز بالاتر رفته‌اند، باید اضافه کنم الزامات ای اسکاتلند و فرانسه هر دو يك Royal arch chapter در تهران دارند. مخصوص حاضرم هر گونه اطلاعی را در اختیار هر کسی که خواهان آن باشد دارم.

یکی از مسائل که بسیار مورد علاقه ما است، وجود رابطه نزدیک میان لژ «فرایران» با برادران امریکائی است. چند سال پیش چند نفر آمریکائی به لژ آمدند و حتی به آن پیوستند. در حقیقت تعداد آنها آنقدر زیاد بود، که توانستم تشکیل جلسات را به یکایک آنها اطلاع دهیم. من هر گونه پیشنهادی را به دعوت اطلاع دادن به برادران امریکائی با کمال میل می‌پذیرم. چطور است که همان‌های ما در مورد هر جلسه‌ای اطلاعیه‌ای برای چهار یا پنج تن از برادران تهیه به سازمانهای مختلف امریکائی بفرستند تا آنها نیز به نوبت خود به برادران همان خود اطلاع دهند.

محض اطلاع شما باید بگویم که ما در آخرین سه‌شنبه هر ماه غیر از ژوئیه ساعت شش و نیم بعد از ظهر در اطاق مدرسه کلیسای امریکائی واقع در تهران قوام السلطنه تشکیل جلسه می‌دهیم.

من از طرف همه برادران لژ نور در ایران از همه شما دعوت می‌کنم و از اینکه شب خوشی را در میان شما گذرانده‌ام متشکرم.

با اینکه لژ روشنائی در ایران درهای خود را به روی فراماسونهای امریکائی باز کرد، معذک آنها حاضر به همکاری با لژهای فعال ایران نشدند. هرگونه اظهار نظر درباره استنفاف امریکائیان از این ائتلاف سخنی ناصواب و دور از حقیقت است؛ زیرا نه من و نه هیچ فرد غیر ماسون دیگری با سالی نمی‌تواند به اسناد و صورت جلسه‌های ماسونها دست یابد. بنابراین در این باره سکوت اختیار می‌کنیم و قضاوت درباره (پس‌زدن) دست ائتلاف برادران انگلیسی را از طرف امریکائیه‌ها به آینده واگذار می‌کنیم.

سه هفته پس از پیشنهاد ائتلاف و تسلیم گزارش لژ روشنائی در ایران به فراماسونهای امریکائی مقیم ایران، ناگهان مجله هفتگی داخلی سفارت امریکا که بنام (این هفته در تهران) برای اعضای میسیون امریکائی مقیم ایران منتشر می‌شود، در شماره ۱۶ جلدششم خود، و در صفحه هفتم (روز ۱۷ آوریل ۱۹۶۲ م - ۲۸ فروردین ۱۳۴۱ ش) خبری باین شرح منتشر کرد: ^۱ «شایتر شماره ۴۶۸ ایران نخستین مجمع عمومی و جلسه خود را در کلوب امریکائیان [واقع در تهران - خیابان پهلوی] افتتاح می‌کنند. این جلسه از ساعت ۳۰ - ۱۸ روز ۲۸ آوریل [۸ اردیبهشت ۱۳۴۱] برای صرف شام دایر خواهد بود.

در جلسه مزبور فقط معماران اعظم فراماسونی Master Masons که در سرزمین تهران اقامت دارند، می‌توانند حاضر شوند. برای اطلاع از برنامه مزبور و تهیه کارت ورودی به کاپیتان کالینز^۲ تلفن شماره ۸۶۵۹۲ و یا گروهبان بلیس^۳ با تلفن داخلی ۲۴۹۹ سفارت امریکا مراجعه کنید.

۱ - سه شماره مجله (این هفته در تهران) را یکی از دوستان ایرانی که در مشهد در خدمت کنسولگری امریکاست برام فرستاده است.

۲ - Capt. Collines

۳ - Mist, Bliss

THIS WEEK IN TEHRAN



VOL. VI NO. 15

APRIL 17, 1962

Published by the American Embassy for Members of the American Mission in Iran

SOJOURNERS MEETING

APRIL 24 1962

Iran Chapter 463 will hold an open meeting at the American Club, 1830 hours, 28 April 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners, and Master Members in Tehran area and their families are invited. An appropriate program has been arranged. Call Capt. Collins, 86592 or M/Sgt. Bliese, Embassy Ext. 2490 for reservations.

Page 3 - Vol. 6

SOJOURNERS MEETING

17 APRIL 1962

Iran Chapter 463 will hold an open meeting at the American Club, 1830 hours, 28 April 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners, and Master Members in Tehran area are invited. An appropriate program has been arranged. Call Capt. Collins, 86592 or M/Sgt. Bliese, Embassy Ext. 2490 for reservations.

ایران - ۱۷ آوریل ۱۹۶۲

SOJOURNERS MEETING

MAY 16 1962

Iran Chapter 463 will hold the monthly meeting at the American Club, 1830 hours, 23 May 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners and Commanders and Warrant Officers past or present are invited.

ایران

ایران - ۱۶ مه ۱۹۶۲

سه آگهی از بولتن داخلی سفارت آمریکا (این هفته در تهران) که خبر سازمان فرمانسوی افران آمریکا می در آن درج شده

متعاقب انتشار این خبر در مجلهٔ این هفته در تهران سفارت آمریکا، ناگهان رادیو صدای آمریکا که^۱ هشت سال فقط موزیک خارجی و نمایشنامه پخش می‌کرد در ساعت ۱۹-۳۰ روز بعد از انتشار مجله «این هفته در تهران» موزیک و برنامه معمولی خود را قطع و مطالبی باین مضمون پخش کرد:

«امریکائیان مقیم تهران و حومه توجه کنند.

کلیه افسرانی که معماران اعظم فراماسونری آمریکا و مقیم تهران و حومه هستند روز ۲۸ آپریل، ساعت ۱۸-۳۰ برای شرکت در جلسهٔ عمومی شاپینتر ایران شماره ۴۶۸ حضور بهم رسانند.»

انتشار این خبر که نگارنده خود متن آنرا از رادیو رسمی دولت آمریکا در تهران شنیده است طبعاً باعث شگفتی و تعجب نگارنده و همه کسانی که از چگونگی پخش برنامه‌های رسمی این رادیو آگاهی داشتند، شد. زیرا پس از هشت سال سکوت، و پخش انحصاری نوارهای ضبط صوت، این نخستین باری بود که رادیو ارتش آمریکا، مطالبی غیر از نام صفحات موسیقی و جملات نمایشنامه‌ها پخش می‌کرد.^۱

۱ - رادیو صدای آمریکا بموجب موافقتنامه‌ای که در سال ۱۹۵۴ م بین وزارت خارجه ایران و سفارت آمریکا در تهران امضاء و مبادله شد، پناهی اختصاری R. A. F. روی موج متوسط شروع بکار کرد. این رادیو که ابتدا فقط دو ساعت موزیک پخش می‌کرد، از نوامبر ۱۹۵۴ شروع به پخش برنامه‌های مختلف کرد، بتدریج ساعات کار خود را افزایش داد، تا آنجا که هم اکنون در شبانه روز شش ساعت موزیک و نمایشنامه پخش می‌کند. برنامه‌های این رادیو در ارتش آمریکا برای پخش در کلیه پایگاههای نظامی آمریکا در جهان و مناطقی که در آنجا عدم زیادی آمریکائی عقیق هستند، بوسیله نوار ضبط صوت تکمیل شده و همه جا یکسان پخش می‌شود.

ایستگاه فرستنده تلویزیون آمریکا نیز که وابسته به (نیروهای مسلح آمریکا) R.A.F. می‌باشد در دسامبر ۱۹۵۹ - م در تهران شروع بکار کرد. رادیو و تلویزیون مزبور حق پخش هیچگونه گفتاریا سخنرانی را ندارد و فقط به پخش نوارهای ضبط صوت یا فیلمهای تلویزیونی که در اختیار آنها قرار می‌گیرد می‌پردازند.

بجز موردی که اشاره شد، یکبار دیگر نیز، تلویزیون آمریکائیا اقدام به پخش يك خبر کوتاه (بصورت زنده) کرد، که باعث جنجال و دردسرها و ان برای مقامات سفارت آمریکا و تعطیل موقت فرستنده تلویزیونی و حتی محاکمه احتمالی مسئولان این فرستنده تلویزیون

در آن شب که مجمع عمومی لژ فراماسونری آمریکا در کلوپ آمریکاییان تشکیل شد، ۴۹ نفر از افسران، نظامی، دیپلماتهای عضو سفارت آمریکا، اعضای شش عمران بین‌المللی آمریکا در ایران (اصل چهارم) و سایر اتباع آمریکایی عضو هیئات مختلف به اتفاق بافوانشان در جلسه مذکور شرکت کردند. با اینکه باران شدت می‌بارید، معذرت همه مدعوین به لژ مذکور رفتند.

هنگام حضور مدعوین، بافوان آمریکایی به سالن کوچک کلوپ هدایت می‌شدند،

که چون پس از خبر مربوط به جلسه فراماسونری، موردی است که يك خبر بصورت دو و خارج از کادر فیلمها و نوارهای آماده شده، پخش شده است، در اینجا خلاصه ماجرا را نقل می‌کنیم:

ماجرا چنانکه خوانندگان ارجمند بیاد دارند، در آخرین لحظات پخش برنامه تلویزیونی هفته آمریکائیها بین ساعات ۱۱ و ۱۲ - نیمه شب - یازدهم شهریور ۱۳۴۱ (روز بعد از زلزله هولناك دهم شهریور دشت قزوین که تلفاتی بالغ بر ۲۰ هزار نفر، و ویرانیهای زیان‌بار آورد) اتفاق افتاد. بدین ترتیب که در جریان پخش يك فیلم سینمایی و هنگامیکه لحظه بیشتر بیابان فیلم نموده بود - ناگهان صدای هنریشکان قطع شد و در حالیکه اوپر همچنان روی صفحه تلویزیون بودند يك گوینده به زبان انگلیسی اظهار کرد که: «یك گزارش مؤسسه ژئوفیزيك امشب زلزله دیگری در تهران روی خواهد داد، گوینده آنگاه به پخشندگان تلویزیون خواست که خانه‌های خود را ترك کنند!

انتشار این اخبار - که بلافاصله در سراسر شهر منتشر گردید - باعث شد که همه آنها خانه‌های خود را ترك کرده، به‌کوچه و خیابان ریخته‌اند... آنشب تهران شب بیخواب گشتنناکی را گذرانید، زن و مرد و کوچک و بزرگ در خیابانهای اطراف شهر پراکنده شدند... وقتی آنشب از زلزله خبری شد و اعلام گردید که اصولاً زلزله غیر قابل پیش بینی است و از طرف مؤسسه ژئوفیزيك نیز تلفنی به ایستگاه تلویزیون شده، سفارت آمریکا در آن توضیح برآمد و طی اعلامیه‌ای که برای مطبوعات و رادیو فرستاده اعلام داشت که مسئولان تلویزیون، قربانی يك توطئه با شوخی و مردم آزادی شده‌اند بدین معنی که در حوالی نیمه شب، یک نفر بوسیله تلفن با ایستگاه فرستنده تلویزیون تماس گرفته، خود را مأمور کشف مؤسسه ژئوفیزيك معرفی کرده و از مسئولان تلویزیون خواسته است که چون برنامه تلویزیون آن تمام شده و وسیله دیگری برای خبر کردن مردم نیست، احتمال وقوع زلزله را با اطلاع مردم برسانند... آنان نیز که فرصتی برای تحقیق نداشته‌اند بلافاصله این خبر را پخش و در پنجهال و هیاهو، بیخوابی و اضطراب و ناراحتی شدید مردم می‌شوند. اداره اطلاعات سفارت آمریکا هم ضمن پوزش و عذرخواهی هم چنین اعلام کرده بود که با وجود این، مسئولان آن حادثه تعقیب و مجازات خواهند شد... و این آخرین باری بود که يك خبر بصورت زنده خارج از کادر فیلمها و نوارهای ضبط شده از رادیو و تلویزیون آمریکائیها در تهران پخش شد.

ولی افسران که فراماسون بودند بالباس غیر نظامی در سالن بزرگی که قبلاً باءالام، نابالوها و پرچمهای مخصوص تزئین شده بودند گرد می آمدند.

بطوری که بعدها شنیده ایم، در آن جلسه پیشنهاد شده بود که از استواران، گروهبانان و افسران جزء نیز که در مراحل اولیه ورود به ارتش امریکا هستند، برای شرکت در جلسات لژ دعوت کنند. منتهی همانطوری که رسم وقاعده تشکیلات فراماسونری است، هنگام بحث و مذاکره به تدریج کسانی را که دارای درجات پائین تر هستند از لژ بیرون کرده و فقط «معماران اعظم» برای صحبت در مسائل بسیار مهم در لژ باقی می مانند.

گروهبان Set: Howthorn امریکایی که از سال (۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ - م) (۱۳۳۹-۱۳۴۱-ش) در ایران با سمت ریاست اداره مونیوری ارتش خدمت می کرد، به ما گفت که بیش از سی استوار و گروهبان ارتش امریکا در ایران فراماسون هستند. خود او که از فراماسون های شهر بوستون امریکا بود باینکه از نظر سلسله مراتب ماسونی درجه سوم را داشت، معذک در شب ۲۸ آوریل به کلوپ آمریکائیان رفت، زیرا در دعوتنامه مجله این هفته در تهران و خبر رادیو صدای امریکا فقط از افسرانی که مقام «معمار اعظم» داشتند، دعوت شده بود.

متعاقب تصمیمی که در شب ۲۸ آوریل گرفته شد، شایتر شماره ۴۶۸ ارتش امریکا (روز ۱۶ می ۱۹۶۲-م) (۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۱) نیز از همه افسران، استواران و گروهبانان امریکائی مقیم تهران و حومه دعوت کرد، تا در جلسه (ماهانه) لژ که روز ۲۳ می ۱۹۶۲-م) در کلوپ امریکائیان تشکیل می شود، شرکت جویند.

با تأکید روی کلمه «جلسه ماهانه» چنین استنباط می شود که لژ امریکائی مزبور نخستین لژ فراماسونی امریکاست که می بایستی همه ماهه تشکیل شده و با اصطلاح ماسونها (کار) و (عمل) کنند.

سازمانی که فراماسونهای امریکائی تشکیل دادند. Iran Chapter 468 نام دارد، که در سازمان فراماسونری جهانی دارای مقام مهمی است.^۱

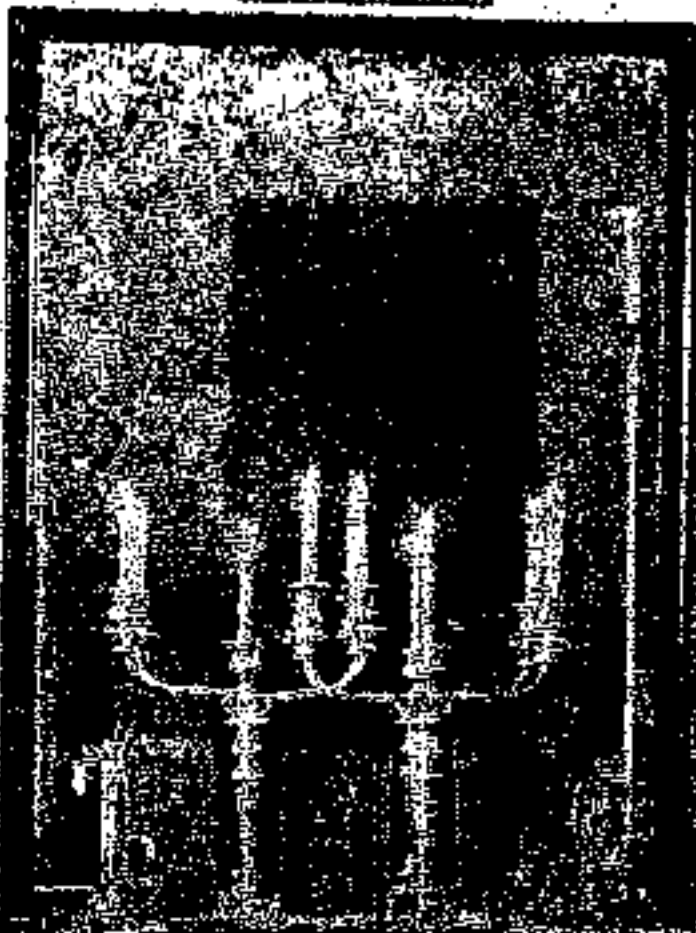
۱- مجله «این هفته در تهران» شماره ۲۰-جلد ششم-مخصوص پهن در داخل سفارت امریکا.

علینقی خان نبیل الدوله

یکی از فراماسونهای معروف ایران که دارای شهرت جهانی بود و در سازمان
ماسونی امریکا مقام «ژنرال ماسونی» و «درجه ۳۳ فراماسونی» را داشت و همچنین
آخرین نشان ماسونی را که فقط به رؤسای جمهور امریکا اعطاء می شود، دریافت
کرده بود، «علینقی خان نبیل الدوله» از افراد خاندان سپهر کاشی است. او که یکی
از سبای فرقه مذهبی بهائیان ایران و امریکا بود و عکس او را در کنار تصویر
آلها از ارادت فوق العاده او به پیشوای بهائیان جهان حکایت می کند، در خانه
محفل ماسونی کوچکی داشت، که اغلب روزها، در حضور دیگران، در آنجا
عبادت می پرداخت. باینکه نبیل الدوله بهائی بود و از رؤسای این فرقه به حساب
آمد، معذلتك در محفل ماسونی خود، دو قطعه از آثار و مناجاتنامه های «خواجه
عبدالله انصاری» را در دو تابلو بزرگ قرار داده، جلو محراب عبادتگاهش نصب کرده
و این دو تابلو به خط یکی از خوش نویسان عهد ناصری است که برای «میرزا
نعمان نوری» نوشته شده بود. نبیل الدوله آنها را به بهای گزافی خریداری کرده
و همراه خود به امریکا برد. در جلسات فراماسونهای امریکائی و ایرانی که در محفل
تلك ماسونی وی تشکیل می شد، او مناجات های خواجه عبدالله انصاری را به
منی می خواند، حتی بطوری که گفته اند ترجمه انگلیسی آنرا هم به فراماسون
ان امریکائی داده و آنها را وادار می کرد که همراه با قرائت مناجاتنامه مذکور از
او، آنان نیز با صدای ملایم آیات خواجه عبدالله را قرائت کنند.

تابلو اول

- ۱- بسمك القدوس قدسنى منى
- ۲- الهی این چه فضیلت است که بادوستان خود کرده که هر که تو را
- ۳- شناخت ایشان را یافت و هر که تو را یافت ایشانرا شناخت
- ۴- الهی امر بدعا فرمانست قلم رفته را چه درمان است
- ۵- الهی امر ابلیس آدم را بدآموزی کرد مندم که او را روزی کرد
- ۶- الهی تا تو در غیب بودی من همه غیب بودم چون تو از غیب بدر آمدی، من از غیب
بدر آمدم.



SECRET

CONFIDENTIAL - SECURITY INFORMATION

SECRET

SECRET

SECRET

SECRET

SECRET

SECRET

- ۷- الهی بیزارم از آن طاعتی که مرا به عجب اندازد و بنده آن مصیبتی که مرا به عذر آورد.
- ۸- الهی نه ظالمی که گویم زینهار و نه مرا بتوحفی که گویم بیار
- ۹- چون اول برداشتی آخر فروگذار

تابلو دوم

- ۱- الهی ناظری چه گویم - الهی اگر کار به گرفتار است، بر سر همه تاجم
- ۲- و اگر به کردار است، به پشه و مور محتاجم
- ۳- الهی اگر من ناپخته‌ام تو پخته کن و اگر پختی سوخته کن.
- ۴- الهی اگر برادر رواست از خود دور کن و اگر به دوزخ فرستی رضایت مهجور کن
- ۵- الهی همه از تو ترسند و عبدالله از خود زیرا از تو همه نیک آید و از عبدالله همه بد
- ۶- الهی قانر حمد تو اثر آمله مهرها به سر آمد.
- ۷- الهی همیشه چو بید می لرزم که مبادا به هیچ نیرزم

پس از شائزده جمله مسجع خواجه عبدالله انصاری، سه سطر بدین شرح نوشته شده است :

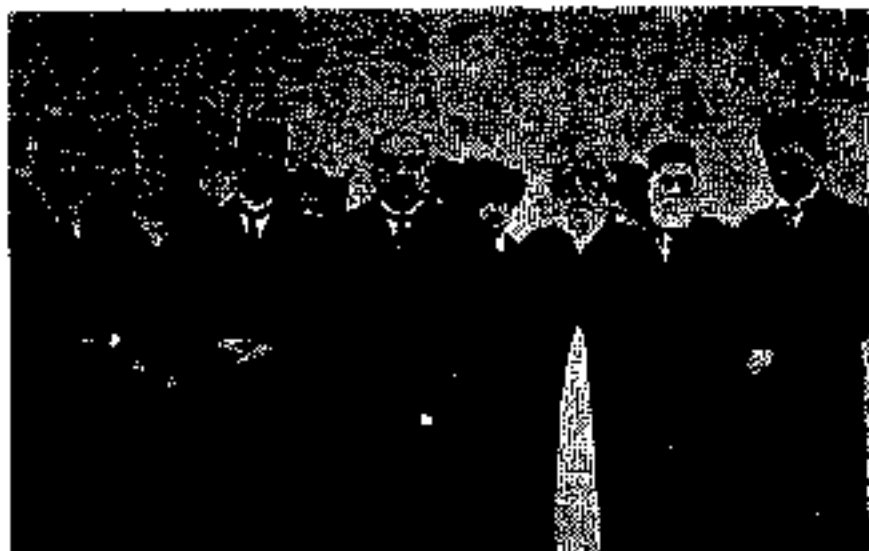
- ۸- به جهت [یک کلمه خوانده نشد] بزم حضور جناب جلالت مآب اشرف
 - ۹- ارفع امجد افخم صدر اعظم میرزا آقاخان خواجه نوری
 - ۱۰- مجده العالی تحریر شد، بنده درگاه محمد حسین شیرازی
- این دو تابلو که به خط کوفی نوشته شده یا تزیینات اطرافش یکی از شاهکارهای تزییب و خوش نویسی دوران قاجاریه بشمار می رود.
- در محراب محفل ماسونی مذکور، علاوه بر دو تابلو بالا، دو شمعدان سه شاخه سه جلد کتاب نیز قرار داشت، که کتابها عبارت بودند از:

۱- قانون اساسی فراماسونری

۲- الواح بها و الله

۳- کتاب بیان

و علاوه بر اینها، یک شمشیر ایرانی، یک برگ درخت مصنوعی و یک قطعه پارچه زری بافت هندوستان نیز وجود داشت. هرگاه نبیل الدوله در جلو محراب محفل ماسونی خود، به عبادت مشغول می شد، جبهه‌ای از پشم شتر بافت کرمان که راه‌های طلائی و ابریشم سیاه رنگ داشت، بدوش می انداخت و بازدن زانو به زمین به عبادت می پرداخت.



نمیل الدوله وسایر بهائیان در حضور عبدالها



نمیل الدوله و خانوادہ اش در واجفنگتن

علینقی خان نبیل الدوله ، با اینکه از رؤسای فرقه بهائی بود ، و معمولاً نمی‌بایستی در امور سیاسی دخالت کند ، با اینحال وارد فرقه سری فراماسونی شده بود^۱. او شصت و سه سال در آمریکا اقامت داشت و روزی که بدرود حیات گفت هشتاد و هشت سال از عمرش می‌گذشت .

نبیل الدوله پسر عبدالرحیم خان کلانتر و معاون «کنت دومونت فورت» رئیس نظمیة تهران بود. وی ابتدا در خدمت سفارت انگلیس کار می‌کرد. سپس به شغل آزاد و خرید و فروش تمبر پرداخت. این سالها مصادف با زمانی بود که بهائیان از طرف دستگاه حکومتی تحت فشار قرار گرفته بودند و او که بهائی سرشناسی بود، ایران را ترك گفته عازم امریکا شد. نخستین شغل رسمی او در امریکا «کاردار سفارت ایران» در نمایشگاه جهانی «پاناما» و سپس داشتن همین عنوان در نمایشگاه «پاسفیک» بود که در سال ۱۹۱۴ گشایش یافت. چهار سال بعد، ۱۹۱۸ - هنگامیکه نمایشگاه جهانی «سافرانسیسکو» افتتاح شد، نبیل الدوله به خرج خود، غرفه‌ای در آن نمایشگاه، بنام «غرفه ایران» تأسیس کرد، و آنچه که اشیاء عتیقه، البسه، قالی، تابلو و اشیاء مثبت کاری و تذهیب کاری داشت، در این غرفه به معرض نمایش گذاشت .

در سال ۱۹۱۹ به دستور و توق الدوله - نخست‌وزیر وقت - مأمور مذاکره با «ویلسن» رئیس جمهوری امریکا شد و با ژنرال «پرسینک» نیز هنگام عقد قرارداد صلح در پاریس به مذاکره پرداخت. اما پس از سقوط کابینه و توق الدوله، از طرف نصرت الدوله فیروز وزیر خارجه تلگرافی به او اطلاع داده شد که از سمت‌های دولتی معاف شده است. نبیل الدوله آنگاه به ایران بازگشت و مدتی پیشکار محمدحسن میرزا ولیعهد بود. ولی در سال ۱۳۰۴ شمسی مجدداً از ایران به امریکا مراجعت کرد و به شغل آزاد یعنی فروش اشیاء عتیقه پرداخت .

۱- یکی دیگر از رؤسای فرقه بهائی که نام و عکس او در اسناد فراماسونری دیده شده دکتر ذبیح‌اله قریان است که در فصل بیست و پنجم کتاب تصویر او چاپ شده است .

در کابینه دوم قوام السلطنه که مسئله دریافت وام از آمریکا و دعوت از شرکت نفتی مطرح بود، رئیس الوزرا او را به ایران دعوت کرد. اما این بار نیز اقامتش در آن طولانی نبود، يك سال بعد مجدداً با آمریکا بازگشت و پس از مدتی اقامت در یورک، به واشنگتن رفت، که تأیید آن عمر در این شهر بسر می برد. همسر نکالی او بنام «فلورنس» لیدرزنان بهائی امریکا بود و خود او هم علاوه بر فعالیت مذهبی در شورای طریقت فراماسونی امریکا نیز فعالیت می کرد.

بطور کلی همه سازمانها و تشکیلاتی که در کشورهای مختلف الهای علنی و جهان مخفیانه فعالیت می کنند و یا بعللی قادر به انجام فعالیت های نهالات مخفی علنی نیستند، سعی می کنند با ایجاد سازمانهای علنی وابسته و یا بوسیله نفوذ در سازمانهایی که دارای فعالیت علنی هستند، نفوذ را تأمین کرده، همان هدفهای تشکیلات مخفی را، در زیر سرپوش الهای علنی تعقیب کنند. نمونه زنده اینگونه سازمانها را در جریان فعالیت احزاب کمونیست که در اغلب کشورها غیر قانونی شناخته شده اند می توان دید و خود ایران نیز - در فاصله سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ دیدیم که چندین سازمان با اسامی گوناگون فعالیت می کردند و همه متینگها و تظاهرات حزب مخفی قانونی یا نام و در زیر لوای این سازمانها تشکیل می شد. و وجود این احزاب جمعتهای علنی بهترین وسیله تماس افراد و اعضای حزب مخفی - که اجازه و ان فعالیت علنی نداشتند - با یکدیگر بود. همچنین نشریات متعدد این جمعیتها احزاب، عقاید و نظرات حزب مخفی را علناً منعکس و منتشر می کردند. ...

اهالهای فراماسونری جهان نیز که همه اعمال و فعالیتهای خود را در اختفای انجام می دهند، می کوشند در هر کشور سازمانی علنی تشکیل دهند و با نفوذ جمعیتها و یا سازمانهای علنی، بار سنگین فعالیتهای محرمانه را سبکتر کرده وسیله ای قانونی برای نفوذ بیشتر در طبقات مورد نظر و تأمین هدفهای خود است آورند.

چهار سازمان جهانی که ذیلاً تاریخچه تأسیس و چگونگی فعالیت آنها باختصار از نظر خوانندگان می‌گذرد^۱، نمونه‌ای از فعالیت علمی فراماسونها در کشورهای مختلف گیتی و در زیر لوای این سازمانهای علمی است:

تسلیم اخلاقی مؤسسه ایست که ۳۶ سال قبل تأسیس شده

۱- تسلیم اخلاقی است. کسیکه فکر تشکیل این سازمان را بمرحله عمل در آورد، دکتر (بوخمن) نام دارد که زادگاه او «سنگالی» در نزدیکی شهر زوریخ است. بوخمن از سوئیس به آمریکا رفت و در آنجا به اتفاق شش نفر آمریکائی دیگر پرورشگاهی را اداره می‌کرد. ولی در اثر اختلافی که بین اعضای پرورشگاه بوجود آمد، بوخمن مستعفی شده و بزادگاهش باز گشت. حواریون او می‌گویند:

يك روز بوخمن که در جنگل سیاه قدم می‌زد و غرق در افکار و اندیشه‌های گوناگون بود، پس از بررسی وقایع خود را مقصر تشخیص داد و علت رها کردن کار پرورشگاه را (خود خواهی) شخص خودش دانست. لذا همانروز نامه‌ای برای همکارانش فرستاد و طی آن خود را مقصر قلمداد کرده، به عذرخواهی پرداخت، ارسال همین نامه مقدمه افکار و اندیشه‌های بعدی او بود، زیرا بوخمن از تفکرات آنروز خود چنین نتیجه گرفت که انسان اول باید خودش را اصلاح کند، سپس به هدایت دیگران بپردازد. او بعدها به همکارانش گفت:

«ما دنیا را با اصول امانت، پاکدامنی، محبت و ترك خود خواهی تسخیر می‌کنیم» و برای رسیدن به هدف خود جمعیت تسلیم اخلاقی را بوجود آورد.

مرکز تسلیم اخلاقی در (هوترو) سوئیس است، و طرفداران این فکر بیشتر در آنجا زندگی می‌کنند. در سال ۱۹۴۸ - م (۱۳۲۷ - ش) دکتر بوخمن که از رؤساء لژ الپینای سوئیس است، هنگام مسافرت بایران موفق شد که در این کشور نیز فعالیت

۱ - شرح فعالیت و تشکیلات چهارگانه مورد بحث بترتیب تأسیس آنها است.

جمعیت را آغاز کند^۱.

از سال ۱۹۴۹ - م (۱۳۲۸ - ش) به بعد بتدریج عده‌ای از ایرانیها عضو این عده شدند. در میان افراد این جمعیت - که تعداد صحیح آنها افشا نمی‌شود، به سبب اظهارات حاج ابوالفضل حاذقی^۱ این عده که سرشناس‌تر هستند عضویت

ند:

دکتر رضا زاده شفق - علی اصغر حکمت - دکتر علی اصغر آزاد - دکتر
... دکتر چهارازی - دکتر متین دفتری - دکتر سنگ - دکتر محمود زنده -
... دکتر منصور پورسینا - دکتر محمد شاهکار - حاج محمد نیشابوری - دکتر علیمحمد
... دکتر موقر - مجید موقر - مصطفی عامری - دکتر مجتهدی - دکتر شهریار -
... سید نجوان - سید علی نصر - علی نقی مستوفیان.

در سال ۱۹۵۲ - م (۱۳۳۱ - ش) برای اولین بار هیأتی مرکب از ۵۲ نفر از
... اخلاقی جهان بایران آمدند، که دکتر بوخمن در رأس آنها قرار
... این عده در یکی از باشگاه‌های تهران پذیرائی شدند و فیلمی بنام «جزیره
... را نیز بنمایش گذاشتند.

در سال ۱۹۵۵ - م (۱۳۳۴ - ش) بار دیگر ۱۹۴ نفر به ایران آمدند که در
... پذیرائی قرار گرفتند و در سه شب متوالی پستی بنام (ناپدید شونده)
... این عده در تالار ابن سینا نیز سخنرانی‌هایی ایراد کردند.

نخستین بار مجله (امید) سپس مجله (شورش) یا (رنسانس) بزبان فارسی از
... این گروه در تهران منتشر شد. این مجلات در چاپخانه (روتو ساداگ) زنو
... حروفچینی شده، و در چاپخانه (اقتصادیات شرق) کلن - آلمان غربی -
... سال ۱۹۶۱ - م (۱۳۳۹ - ش) چاپ شده بود. هر دو مجله را در پنجاه هزار
... مجله طبع و مجاناً توزیع کردند.

۱ - ابوالفضل حاذقی چندین بار به نمایندگی مجلس شورای ملی از شهر جهرم انتخاب

شده است.

ابوالفضل حازقی در گفتگوی با نگارنده، حاضر نشد دفتر کار و نام اعضای هیئت مدیره (تسلیم اخلاقی ایران) را افشاء کند. او گفت مامرکزی نداریم. ولی صندوق پستی شماره ۱۴۴۲ مخصوص مکاتبات ماست. بموجب اظهارات او در سال ۱۹۶۲ م (۱۳۴۰ - ش) تسلیم اخلاقی ایران ۷۰۰۰۰ فرانک سویس موجودی داشت. و تنها مجله (شورش) ۴۵ هزار فرانک خرج چاپ و انتشار داشته است. بموجب سندی که او نشان داد، در سال ۱۳۴۰ - ش (۱۹۶۱ - ۱۹۶۲ م) اشخاصی که ذیلاً نام آنها خواهد آمد، مبلغ - ۵۳۲۴ لیره استرلینگ بلاغوش به انجمن ایرانی تسلیم اخلاقی ایران پرداخته‌اند.

۱ - کولن انگلیسی - ۴۲۰۰ لیره

۲ - مک کای - ۵۰۰ لیره

۳ - ود - ۱۰۰ لیره

۴ - اسکور - ۵۰ لیره

۵ - سر تیب صمصامی - ۲۰۰ لیره

۶ - مفخم - ۸۰ لیره

۷ - حازقی - ۸۰ لیره

۸ - کسیکه نامش افشاء نشده - ۹۱ لیره

بموجب اظهارات حازقی، تسلیم اخلاقی در تبریز، شیراز و اصفهان هم شعبی دارد، ولی وی حاضر نشد دفتر و مراکز و اسامی اعضای این شعبات را فاش کند.

یکی دیگر از جمعیت‌های امریکائی که زیر نفوذ فراوان

۲ - روتاری کلوب فراماسونهای آن کشور قرار دارد، روتاری کلوب است.

مؤسسين این جمعیت که اکثراً از فراماسونهای شیکاگو

(شیکاگو مرکز بزرگ فراماسونی امریکاست) بودند، روز سوم فوریه ۱۹۰۵ - م

(۱۴ بهمن ۱۲۸۳ - ش) این انجمن را در شهر شیکاگوی امریکاتشکیل دادند. مبتکر

تشریک تشکیل این انجمن يك وکیل دعاوی امریکائی بنام «پل هادیس» بود. او هنگامیکه
 کلوپ روتاری را تشکیل داد، شعار آنرا (خدمت بخلاق و جامعه، قبل از خدمت
 بخود) قرار داد و به اعضای مؤسس کلوپ گفت: دومین شعار ما باید این باشد
 کسی بهترین استفاده را از کلوپ ما می‌کند، که بهتر و بیشتری از همه به مردم
 يك و خدمت‌کننده کلوپ روتاری که در سالهای اول تشکیل بزحمت عده اعضایش
 بنیاد نفر از صاحبان حرف و صنایع و اصناف مختلف می‌رسید، امروز در ۱۲۳
 از جهان شعبه و ۵۰۵ هزار نفر عضو از هشتاد صنف مختلف دارد.

در کشورهایی که تعداد اصناف و صاحبان حرف آن زیادتر شده، نسبت به
 وقت وجود اصناف در آن کشورها اعضای روتاری کلوپ آن هم افزایش یافته
 است. و چنانکه در ایران اصناف قالیبافی، کاشی کار، منبت کار و خاتمکار بر ۸۰
 تن دیگر جهان اضافه شده است.

در ایران نیز از پنج سال قبل مقدمات تشکیل جمعیت مزبور
 اهمیت در ایران فراهم شد. در آن سال فقط اعضای مؤسس مشغول فعالیت
 شدند و اعضای هیأت مدیره را از بین خود انتخاب کردند.
 از اعضای هیأت مدیره جمعیت طبق اساسنامه بیست نفر است، که در سال ۱۳۳۵
 بین خود دکتر جهانشاه صالح را بریاست کلوپ انتخاب کردند. روتاری کلوپ
 رئیس، دو نایب رئیس، يك خزانه‌دار، يك منشی و يك عضو علی‌البدل دارد.
 و بر این هرشش نفر عضو يك کمیته دارند، که کمیته‌ها کلیه کارهای انجام
 را با بدبیر کل جمعیت گزارش می‌دهند.

در تهران کلوپ اول روتاری، هفتاد عضو داشت ولی چون تعداد زیادی در
 کلوپ نام نویسی کردند، کلوپ دوم و سوم نیز تشکیل شد.

روتاری کلوپ ایران در آبادان، خرمشهر، تبریز، اصفهان و شیراز نیز
 بهائی دارد. جمعیت مرکزی روتاری کلوپ هر سال یکبار کنفرانس تشکیل می‌دهد
 که ۳۳۰۰ نفر از اکناف جهان در آن شرکت می‌کنند. فعالیت فراوانیهای امریکا

در این جمعیت فقط در چهار چوب (امور خیریه) است. در حالیکه در سایر کشورها فراماسونها از آن برای پیش بردن مقاصد بین‌المللی و شخصی خود استفاده سیاسی می‌کنند. روتاری کلوب مثل سایر جمعیت‌های امریکائی فقط در شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی شعبه ندارد. نشریه‌ای که در سال ۴۴ - ۱۳۴۳ - از طرف روتاری کلوب ایران منتشر شد، رؤسای کلوب را در سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵ باین شرح معرفی کرده است :

دکتر جهان‌شاه صالح ۵۸ - ۱۹۵۶

عباس مسعودی ۵۹ - ۱۹۵۸

عباسقلی نیسباری ۶۲ - ۱۹۶۱

فریدون ورجاوند ۶۲ - ۱۹۶۳

جهان‌شاه صالح ۶۴ - ۱۹۶۳

محمود ضیائی ۶۵ - ۱۹۶۴

از بین اعضای روتاری کلوب، آنها که تا کنون هویتشان در لژهای مختلف فراماسونری ایران شناخته شده عبارتند از :

عیسی بهزادی - کریستوفر قری - دکتر اسماعیل فیلسوفی - مهندس فروهر فیروز - حسینعلی حکمت - دکتر احمد هومن - دکتر علی اصغر خشیار - علی کوچکعلی - دکتر عباس معتمدی - دکتر حسین رحمتیان - ژرژ اوانسف - مهندس عبدالله والا - دکتر طاهر ضیائی - دکتر خلیل ضیائی - دکتر عبدالحسین راجی - مهندس خلیل طالقانی - محمد حسین فرخ پارس - مهندس رضا رزم آوا - اوانس اوانسوف - صالح چتایات - ادوارد چتایات :

رئیس روتاری کلوب شمال تهران مهندس رزم آراء و نایب رئیس آن دکتر عبدالحسین راجی است و بدینترتیب دو پست مهم این سازمان در اختیار فراماسونهاست .

تشکیلات (برادری جهانی)^۱ یکی دیگر از سازمانهای تعاونی - جمعیت برادری جهانی است که در آن کلیه افراد بشر بدون در نظر گرفتن رنگ، پوست، زبان، مذهب و نژاد حق عضویت دارند. این سازمان جهانی که در سال ۱۹۵۰ - م (۱۳۲۹ - ش) در کاخ یونسکو گیل شد بر اساس هدفهای (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) امریکاییه گذاری است. گرچه در تشکیل سازمان برادری جهانی، فراماسونهای امریکائی، انگلیسی نقش اصلی را نداشتند، ولی وجود دکتر کلینچی^۲ رئیس عالییه (کنفرانس یهودیان و مسیحیان) در رأس هیأت امریکائی و آزاد بودن فراماسونها و ای همه جمعیتهای وابسته آشکار و پنهان جهان در این تشکیلات جهانی، این سازمان را تقویت کرده و این شبه را بوجود می آورد که در اداره سازمان ملی (برادری جهانی) نیز فراماسونها مقام اول را دارند. بخصوص که دکتر کلینچی از مرشنان ترین رهبران ماسونی و «گراند ماستر» فراماسونهای امریکا یکی از برجستگان تشکیلات ماسونی ایالات متحده بشمار می رود.

علاوه بر این دلایل، حتی جملات و کلماتی که ماسونها در قانون اساسی، اساسنامه ها، سخنرانیها و تشریفات خود بکار می برند، عیناً در اساسنامه سازمان برادری جهانی نیز بکار برده شده است.

از همه مهمتر بکار بردن عنوان و کلمه (برادر) در نام اصلی سازمان است. بطوری که می دانیم فراماسونها یکدیگر را (برادر) خطاب می کنند و هدف آنها تشکیل حکومت (فراماسونی جهانی) یا بهتر بگوئیم (برادری جهانی) است. اساسنامه سازمان (برادری جهانی) نیز هدفهایی نظیر آنچه که فراماسونها دارند بروج و عنوان شده است با این تفاوت که در سازمان برادری جهانی هر کس با هر نوع ملیت، رنگ پوست و نژاد و زبان که داشته باشد، می تواند شرکت کند.

در حالی که در سازمانهای فراماسونی فقط کسانی که چشم و گوش بسته خود را در اختیار لژها بگذارند، حق ورود دارند. چنانکه اشاره شد، افکار و ایده جمعیت از هدفهای (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) آمریکا سرچشمه گرفته است. این جمعیت در سال ۱۹۲۸ - م (۱۳۰۷ - ش یا ۱۳۴۶ - ق) در شهر نیویورک و بوسیله (چارلز ایونز هیوز) رئیس دیوان عالی کشور آمریکا بوجود آمد. (هیوز) که تا سال ۱۹۲۸ از فراماسونهای فعال آمریکا بود، کلیه کوششها و فداکاریهای خود را برای مبارزه با سازمان (کوکلوکس کلان) های آمریکا بکاربرد. جمعیت تروریستی و طرفدار تبعیض نژادی مزبور از اوایل قرن بیستم بوجود آمده است. آنها آنچه توانستند، از سیاه پوستان و کسانی را که مخالفشان بودند کشتند و هنوز هم به فعالیتهای تروریستی و نژادی خود ادامه می دهند.

چالز هیوز، چون در ضمن صدور احکام، متوجه شد که از راه قانون کاری از پیش نمی برد، در صدد برآمد با تشکیل انجمنی از مسیحیان و کلیسیان، با این سازمان تروریستی مبارزه کند. او مواد اساسنامه انجمن خود را بر روی کلمات (آزادی، برادری، دوستی، حسن تفاهم، اشتراک مساعی، رفع تبعیضات نژادی و مذهبی و برادری افراد بشر با یکدیگر) استوار کرد.

این فراماسون مؤمن و رازدار بدون اینکه تا دم مرگ انگیزه و علل واقعی تشکیل جامعه مزبور را بیان کند، از راه گفتگوی مستقیم با اعضای جمعیت تروریستی (کوکلوکس کلان) موفق شد، عده کثیری از آنها را از جمعیت مذکور مستعفی و یا با خود هم عقیده و همدست کند. بزودی شعبات این انجمن در سراسر آمریکا تشکیل شد. به طوریکه در ده سال اول حتی در دهات هم شعبه - انجمن مزبور دایر بود.

در ۱۹۵۰ - م (۱۳۲۹ - ش) یا (۱۳۶۹ - ق) که جنگ کره، بار دیگر جهان را تهدید به يك جنگ بین المللی جدید می کرد، دکتر (کلینچی) و پرفسور

(کامپتون)^۱ که اولی ریاست عالیّه انجمن ملی یهودیان و مسیحیان را داشت و دومی در گترین فیزیک دان امریکائی بود در کنگره نمایندگان جهان، در عمارت ولسکو، تقاضای تشکیل سازمان (برادری جهانی) را کردند و این سازمان بوجود آمد.

جمعیت برادری جهانی بزودی بسط یافته، شعباتی در مناطق پنجگانه زیر پیس کرد:

- ۱ - سرتاسر امریکا - مرکز نیویورک
 - ۲ - کلیه کشورهای اروپائی - مرکز ژنو
 - ۳ - کشورهای خاور میانه و خاور نزدیک - مرکز تهران
 - ۴ - منطقه خاور دور - مرکز هایل
 - ۵ - جنوب و جنوب شرقی آسیا - مرکز هنگ کنگ
- در سال ۱۳۳۷ - ش (۱۹۵۸ - م) دکتر کلیتیچی و پروفیسور کامپتون از امریکا آن آمدند، و مرکز سازمان برادری جهانی را در خاور میانه و خاور نزدیک تهران تشکیل دادند.

ریاست جمعیت با حسین علا وزیر دربار شاهنشاهی بود و شجاع الدین شفا پیمان شاملو بعنوان دبیر کل و مدیر عامل جمعیت انتخاب شدند.

علاوه بر این: دکتر فرهاد، فروزانفر، دکتر محمود مهران، جمشید

- ۱ - پروفیسور کامپتون Compton متخصص اتمی امریکا که در تهیه بمبهای اتمی و هیما و ناکازاکی شرکت داشت، پس از انفجار بمب مزبور در تلغامی که به مردم بیگناه پناه این دو شهر دارد شد، چون خود را در این فاجعه شریک و سهیم میداشت، نه تنها کار تهیه بمب اتمی بلکه به طور کلی از مطالعات فیزیکی دست شست. تلاش برای جبران گناه و شستن لکه‌ای که - به عقیده خود وی - فاجعه هیروشیما و ناکازاکی، برگزیده‌اش بوده، باعث شد که وی ابتدا به جمعیت (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) پیوسته و پس وارد جمعیت (برادری جهانی) شود. پروفیسور (کامپتون) در ماه مارس ۱۹۶۲ (فروردین ۱۳۴۱ - ش) بدرود حیات گفت.

آموزگار، دکتر محمود اعتمادیان، دکتر حسین بنائی، محمد یزدانفر، پرویز خوانساری، فتح‌اله معتمدی، جعفر بهائیان و خانم صیفه فیروز - برای ریاست و عضویت کمیسیونهای مختلف جمعیت انتخاب شدند.

بطوریکه یکی از مطلعين جمعیت برادری جهانی اظهار می‌داشت، کمیتد اجراییه سازمان برادری جهانی در ایران عملیات و اقدامات زیر را انجام داده است:

- ۱ - حذف مطالب زننده علیه مذهب اهل تسنن از کتب درسی فارسی
 - ۲ - تدریس فقه تسنن و ایجاد کرسی مذهب تسنن در دانشگاه معقول و منقول.
 - ۳ - تشکیل جلسات شورای عالی مرکب از رؤسای مذاهب مختلف.
- (باشگاه لاینز) یکی دیگر از مؤسسات خیریه امریکاست که فراماسونها در آن نفوذ دارند.

باشگاه لاینز را (ملوین جوتز)^۱ که یکی از فراماسونها

- ۴- باشگاه لاینز متنفذ شهر شیکاگو بود، در روز هفتم ژوئن ۱۹۱۷ - م (۱۵ خرداد ۱۲۹۶ - ش) در شهر شیکاگو تشکیل داد.

اولین کنگره این مجمع در روزهای ۸ تا ۱۰ اکتبر ۱۹۱۷ - م (۱۶ تا ۱۸ خرداد ۱۲۹۶ - ش) در شهر (دالاس) ایالت تگزاس تشکیل شد. این اتحادیه ابتدا تحت عنوان «خدمت بخود» شروع بکار کرد و منظور مؤسس آن کمک و همکاری به بزرگانان بود، ولی در آن کنگره ناگهان شعار باشگاه عوض شده و شعار «خدمت بدیگران» و «از خود گذشتگی در خدمت اجتماع» جای شعار پیشین یعنی «خدمت بخود» را گرفت.

تا اواخر جنگ جهانی دوم، توسعه سازمان لاینز در جهان بسیار کند بود، بطوریکه در سال ۱۹۳۷ - م (۱۳۱۶ - ش) در ۲۱ واحد جغرافیائی جهان فقط ۶۱۱۷ باشگاه و ۳۲۶۴۴۸ عضو داشت، ولی از ۱۹۴۷ - م (۱۳۲۶ - ش) ناگهان فعالیت این

سازمان در جهان افزایش یافت ، بطوریکه در ۱۹۶۱ م (۱۳۴۰ - ش) در ۱۱۴ واحد
چهار ایائی دارای ۱۶۰۹۰ باشگاه و ۶۴۴۲۶۳ عضو بود .

توسعه و تشکیل لاینز در ایران از روز ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ - ش ۱۹۵۷ م آغاز شد . در آنروز شفیق منصور ، نماینده سیار لاینز بین المللی که متأسفانه موفق
کشف هویت کامل و مشخصات او نشدیم می نفر از ساکنان تهران را دعوت کرد که
تأسیس اولیه این مؤسسه را در ایران پی ریزی کنند . می نفر دعوت شده عبارت
وند از :

بوذری - دکتر اسماعیل اردلان - هر مزارش - کاظم اشرفی - مهندس منصور
می - دکتر صادق آهی - دکتر منصور پور سینا - علی تاج بخش - حسن ترابرد
کل جمایل - احمد حریری - ادموند حکیم - حبیب اله دیهیم - مهندس معز الدین
الفقاری - دکتر عزیز رفیعی - اسماعیل شریفی - محمود شکوه - طاهباز -
بین علاء - دکتر علی تقی فسا - حسن فصیحی - دکتر محمد کاظمی - وانگ گرنی -
باب کیو - عبدالحسین منتقالی - دکتر ویلهلم مقدم - دکتر حسن مهدوی - تقی
ای - مهدی یزدی .

باشگاه لاینز در تقسیمات خود کشور ایران را منطقه ۳۵۴ نامید ، و در مدت
سال ۵۷ باشگاه در ۵۰ شهر با ۱۷۵۳ عضو مرد دایر شد .^۱

اعضای باشگاه های این مؤسسه در تهران ، در روزهای پنجشنبه اول و سوم
ماه ، در یکی از هتل های تهران اجتماع می کنند و با هم ناهار می خورند . از
های مهم این مؤسسه در ایران ، توزیع عصای سفیدین نابینایان و تقسیم مقداری
ای بین محصلین بی بضاعت مدارس در ایام نوروز است .

هیچ دلیل و مدرکی در دست نیست که فراماسون های ایران باشگاه های لاینز
اداره کنند . ولی چون چند فراماسون صاحب مقام و سرشناس و همچنین عده ای
فراماسون های امریکائی ، آسیائی و افریقائی در باشگاه های لاینز جهان فعالیت

می‌کنند، این فکر را بوجود می‌آورد که لاینزیک مؤسسه مقدماتی برای فراماسونهای ایران است. در این باشگاه لژهای فراماسونی ایران سعی می‌کنند، اشخاصی را که مورد نظرشان هستند زیر نظر گرفته، پس از طی مراحل آزمایش، به عضویت لژها در آورند. و در حقیقت این سازمان را به آزمایشگاهی برای انتخاب و آماده ساختن افراد و سرانجام جلب آنها به لژهای فراماسونی مبدل کرده‌اند. مؤسس لاینز در ایران یکی از فراماسونهای معروف خاورمیانه است که اکنون به معرفی او از قول یکی از مردان شریف و صحیح‌العمل می‌پردازیم.

الله پاشا خان صالح استاد دانشگاه که سالها در سفارت امریکا مقام مترجمی و مشاوره داشت، اظهار می‌داشت، دومین روزی که شفیق منصور اهل لبنان و نماینده سیار لاینز بین‌المللی به تهران آمد، در دفتر کارم با من ملاقات کرد. او نامه یکی از دوستانم را بمن داد و تقاضا کرد در تشکیل شعبه لاینز در ایران پیشقدم شده و مدیریت و مسئولیت اداره آنرا قبول کنم. چون دوستم از مردم خیر و نیکنام بود و در بشر دوستی او شك نداشتم، از شفیق منصور خواهش کردم تا در باره آئین نامه، مراسمنامه و چگونگی فعالیت این سازمان اطلاعاتی در اختیارم بگذارد. در حالیکه شفیق منصور مشغول صحبت بود همکارم «کوروش شهباز» وارد اطاق کارم شد. نامه دوستم را به او داده و در باره پیشنهادی که شده بود توضیحاتی به شهباز دادم. همینکه او شروع به صحبت با شفیق منصور کرد، بدون مقدمه بوی گفت که شما استاد لژ فراماسونری لبنان هستید و فلان مقام را هم دارید. من از شنیدن عنوان (فراماسون) بو حشت افتاده از منصور شفیق خواستم حقیقت موضوع را بگوید.

او ضمن تأیید و تصدیق گفته همکارم شهباز، گفت: باشگاه لاینز لبنان را فراماسونها تشکیل داده‌اند و در اینجا هم تصمیم داریم که لااقل اعضای هیئت مدیره از فراماسونها باشند.

بلافاصله به‌وی پیشنهاد کردم که مدارك و نامه ارسالی را برداشته از اطاقم

پروین برود. او نمی دانست چرا من تا بدین حد از فراماسونری وحشت دارم و
 نه تنها در این باره توضیح می خواست. وقتی اصرار مرا در خروج خود از اطاق
 داد، تقاضا کرد لااقل یکنفر مطلع و متنفذ را باو معرفی کنم. من هم، حسین
 وزیر دربار را به او معرفی کردم و گفتم عین ماجرا را به ایشان بگوئید و
 تأیید علاء در این باره بشما کمک و مساعدت خواهد کرد. وقتی شفیق از اطاق
 خارج شد، از همکارم کورش شهباز پرسیدم که چطور او را شناخته است؟ و او
 پاسخ داد: از علامتی که با انگشتان دستش در موقع ورود داد و همچنین انگشتی
 در دست داشت. و سپس به ملاقات حسین علاء که در امریکا فراماسون شده
 می رود و نخستین باشگاه لاینز را در ایران تشکیل می دهد.

همانطور که قبلاً اشاره شد، فراماسونهای امریکائی در

درجه اول از این مؤسسات جهانی برای پیشرفت امور خیریه

در داخل امریکا استفاده می کنند. بیش از چهار میلیون دلار

در سال به ۲۵ مرکز مبارزه با جذام کمک می شود و هزینه

نگهداری ۳۵۰ هزار کودک بی سرپرست را در سراسر جهان

پوشش می دهند.

ضمناً انجمنهای متعددی نیز برای کمک به کوران، افلیج ها و معلولین تشکیل

داده اند. و همچنین مراکز متعددی برای مبارزه با سرطان، تب رماتیسم و

باریهای دیگر در امریکا وجود دارد، که با بودجه شعبات مختلف فراماسونری

در امریکا اداره می شود.

در جنگهای اول و دوم جهانی، فراماسونهای امریکا به مجروحین جنگ

کمک می کردند. علاوه بر جمعیتهای فوق فراماسونها در امریکا ده باشگاه بزرگ

مگر را اداره می کنند که در زیر مشخصات مختصر آنها ذکر می شود:

نام باشگاه	تاریخ تأسیس	تعداد شعبات	تعداد اعضا
۱ - باشگاه کی واتز Kiwans	۱۹۱۵	۴۶۲۵	باشگاه ۲۵۵۸۰۳ عضو
۲ - « اکس چینج Exchange	۱۹۱۱	۱۴۰۰	« ۸۰۴۰۰
۳ - « اپتی میسیت Optimisat	۱۹۱۹	۱۷۳۵	« ۶۸۵۰۰
۴ - « سیویتان Civitan	۱۹۲۰	۸۳۲	« ۲۸۹۴۷
۵ - « روریتان Ruritan	۱۹۳۰	۷۶۶	« ۲۵۸۶۶
۶ - « سرتوما Sertoma	۱۹۱۲	۳۱۶	« ۱۴۸۱۴
۷ - « بیست و سه Twenty - thirty	۱۹۲۲	۳۲۱	« ۷۳۵۵
۸ - « زیرو Gyro	۱۹۱۲	۱۲۴	« ۵۵۴۹
۹ - « کاسموپلیتن Cosmopolitan	۱۹۲۳	۸۰	« ۴۰۳۶
۱۰ - « روند تیبل Roundtable	۱۹۲۲	۴۴	« ۱۷۲۵

فصل سیام



انجمن اخوت

علیخان ظهیرالدوله داماد ناصرالدین شاه، که خود و پدر و جدش از درباریان قاجاریه بودند، یکی دیگر از ایرانیانی است که برای تشکیل سازمان ماسونری در قرن چهاردهم اقدام کرد.

ظهیرالدوله که در سازمان‌های فراموشخانه و مجمع آدمیت ملکم و لژ ایران شرکت داشت، از چگونگی شکست و عللی که باعث عدم موفقیت ملکم خان بود، اطلاع پیدا کرد، و برای این که اشتباهات ملکم را جبران نماید، اساس سازمان فراماسونری خود را بر روی عقاید و آراء صاحبان (اخوان الصفاء) و (صوفیان) بنیان نهاد و تحت عنوان (انجمن اخوت) فعالیت خود را آغاز کرد. محمود عرفان در این باره چنین می‌نویسد:

«گفتیم دو نفر از رجال دولتی به فکر افتادند شبیه انجمن فراماسونهای ایران انجمنی ترتیب دهند. یکنفر دیگر علیخان ظهیرالدوله (قاجار) که خود و پدر و جدش از درباریان معروف بودند و همین ظهیرالدوله است ملکه ایران) دختر ناصرالدینشاه را به زنی داشت و چون دیده بود که میرزا مغان چگونه در انجام مقصود کامیاب نشد و چه مواردی بود که باعث پیشرفت راهبان او گردید و چه گفتگوهای سبب مشوش شدن ذهن شاه یا شورش عامه، و لا در ایران می‌شود، با تدبیر و کاردانی مقصود خود را آغاز کرد.»

در اول کار از مظفرالدین‌شاه فرمانی گرفت که اجازه داشته باشد، انجمنی به نام (انجمن اخوت) در تهران تأسیس کند... ظهیرالدوله که مردی روشنفکر، اصلاح طلب و خواهان تجدد و مساوات بود، سعی داشت افکار طبقه‌ای از حکمای ایرانی قرن چهارم (اخوان‌الصفا) و افکار و عقاید (صوفیان) را با هم درآمیخته و با وارد کردن فراماسونهای ایرانی در انجمن اخوت پایه نوینی برای توسعه فراماسونری بریزد...^۱

حکمای اخوان‌الصفا سعی داشتند حکمت یونانی و دین
اخوان‌الصفا اسلام را با هم درآمیزند و از آن نتیجه بهتری بنفع مردم
 بگیرند. در قرن چهارم، این دسته از حکمای ایرانی برای
 نشر علوم عقلی و تردید کردن دین و حکمت بایکدیگر و مطلع ساختن عامه از مبانی
 حکمت نظری و علمی رسالات مختصر و ساده‌ای، بی آنکه نام مؤلف آن آشکار باشد،
 می‌نوشتند و انتشار می‌دادند. غالب محققان تصور کرده‌اند که اینان دسته‌ای از شعب
 شیعه و با احتمال قوی از فرقه اسماعیلیه‌اند. لیکن تعلق ایندسته به یک فرقه خاص
 محقق نیست. و تنها این نکته مسلم است که جماعت مذکور برای توجیه معتقدات
 دینی مسلمین سعی می‌کردند، اعتقادات آنها را با اقوال حکما منطبق کنند. آنان
 برای اثبات برخی از مسائل مذهبی، به روش‌های فلسفی متوسل می‌شدند، و برای
 تزکیه باطن و صعود به مدارج کمال علاوه بر توسل به فلسفه، معتقد تمسک بدین
 نیز بوده و از پاره‌ای جهات به متکلمین معتزله و اسماعیلیه شباهت داشته‌اند. با این
 تفاوت که این دو دسته اخیر می‌کوشیده‌اند که دین را با فلسفه وفق دهند، و با
 در توجیه اصول عقاید خود با استفاده از عقاید حکمای یونان سخن گویند. و
 حال آنکه اخوان‌الصفا - سعی داشتند اصول حکمت و فلسفه را با مبانی دین
 اسلام سازش دهند و فاصله‌ای را که میان حکما و اهل دین پدید آمده بود از میان

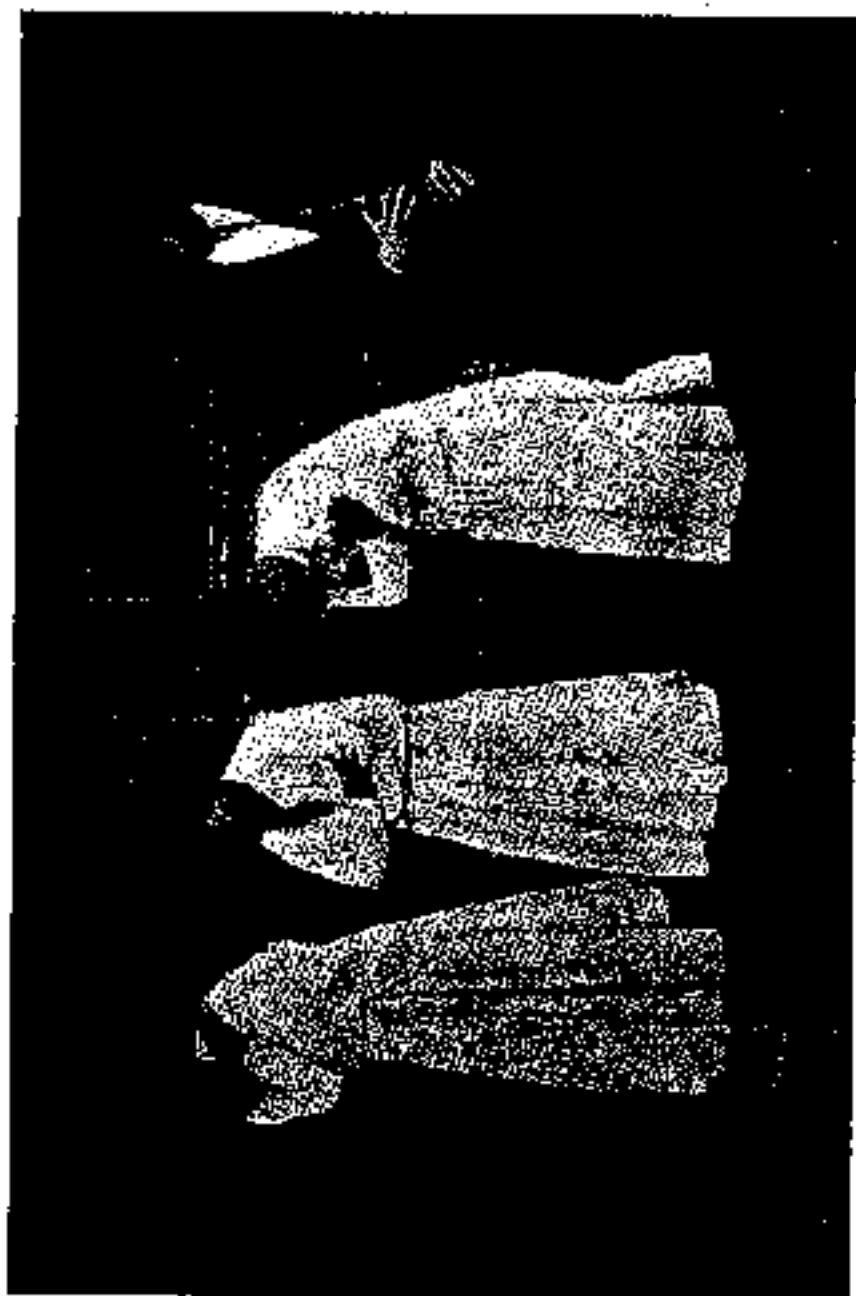
اینان معتقد بودند که به یاری علم و اعتقاد به دین، می‌توان به تصفیه باطن
 رسید و به مرحله‌ای از کمال که غایت شرایع و ادیانست رسید و حقایق آنها
 بهتر فهمید. و بر اثر اعتقاد به مبانی دین اسلام و اصول و عقاید افلاطونیان
 لیثاغوریان جدید و صوفیه یا فلاسفه مادی اختلاف نظر داشتند و اقوال آنانرا
 می‌کردند، و برای آنکه بتوانند فارغ از مخالفت اهل دین و فلسفه بیشتر
 عقاید خود موفق شوند، رسالاتی بی ذکر نام مؤلف می‌نوشتند.

علاوه بر رسائل و کتب بدون نام نویسندگان، که اخوان الصفاء منتشر می‌کردند،
 می‌توانیم پیروان این گروه، در شهرهای مختلف مجالس خاصی وجود داشت که
 افع معین در آنها گرد می‌آمدند و کسی جز آنان در این مجالس حاضر نمی‌شد.
 آن در این محافل علوم خود را مورد مذاکره قرار می‌دادند و اسرار خویش را
 به عرض محاوره و بحث می‌گذاشتند.

در این مباحث بغالب علوم، خاصه علوم الهی که نظر اصلی، اخوان بود،
 به می‌شد و شرط عمده کار ایشان آن بود که نسبت به هیچیک از علوم دشمنی
 نداشتند و هیچ کتابی را به چشم بی‌اعتنائی ننگرند و نسبت به هیچیک از مذاهب
 بی‌نورزند.

هنگامی که یکی از اخوان می‌خواست دوستی انتخاب و او را وارد درجه‌ای
 از الصفاء کند، قبلاً می‌بایست در احوال او دقت نماید و در باره او اطلاعات
 معلومات کامل بدست آورد و اخلاق و روحیات او را آزمایش کند و مذهب و
 عقاید او را بشناسد تا بداند که سزاوار دوستی و برادری و ورود درجه اخوان
 است یا نه؟

پس از اینکه از تازه وارد اطلاعات کامل بدست می‌آمد و آزمایشات لازمه
 شد، دوستان و معرفین و اعضای اخوان الصفاء موظف بودند به هیچ روی از او





در آرایش مولوی که با آنها مقام ها و نواهای ایران را می‌زنند و می‌خوانند شش قسم است :

بای - سه تار - گمانچه - مبلل - منج - کوچ و دبا

دست باز ندارند و از بذل مال و جان دربارۀ او خودداری نکنند.^۱ مرحوم ظهیرالدوله سعی داشت، کلیه دستورات (اخوان الصفاء) را اجرا کند و به طوری که بعداً خواهد آمد، هدف و افکار و مرام (انجمن اخوت) شبیه (اخوان الصفاء) بود.

برای اطلاع از انگیزه و چگونگی تشکیل (انجمن اخوت) چگونه و چرا
و ادامه دادن راهی که میرزا ملکم خان و سید جمال الدین
انجمن اخوت
بخاطر توسعه سازمانهای فراماسونری ایران در پیش گرفته
تشکیل شد؟
بودند، بهترین دلیل و مدرک سخنرانی دکتر اسماعیل مرزبان
(امین الملک) رئیس هیئت مشاوره انجمن اخوت در جشن
پنجاهمین سال تأسیس انجمن مزبور است.^۲ او در آن شب درباره تشکیل انجمن
اخوت چنین گفت:

«... می خواهم ابتدا اوضاع و احوال محیطی را که در آن محیط، انجمن
اخوت ابتدا بطور سری و سپس بطور علنی بوجود آمد است، برای آقایان تشریح
کنم، تا از علل و موجباتی که باعث طلوع فکر تأسیس این انجمن گردیده است اطلاع
حاصل نمایند.

همه آقایان از وضع دربار استبدادی آن زمان کم و بیش اطلاع دارند و می دانند
که در آن عصر تاجه حداصول بیداد و ستمگری بوسیله درباریان و عمال حکومت

۱ - نویسنده کتاب تاریخ ادبیات در ایران می نویسد: «... اخوان چون نفس واحد در
اجسام متعدد باشند و در حفظ و مراعات کار و اداء حقوق او بکوشند و چون احصائی دربار
سدیق خود کرد، منتی از این باب بر او نهد و چون بدی از وی دید، برمد و او را بر
جمیع نزدیکان و دوستان همایگان برتری نهد، چه چنین دوستی از یس و برادر بهتر است...
از کسانی که از کودکی باراء فاسد و عادات یست و اخلاق نامأنوس عادت کردند دوری
جویند و کسانی از اخوان که از مال با علم برخوردارند باید برادران را از آنها برخوردار
دارند و در دوستی و صداقت از اسباب جرف نظر کنند و در طلب دین و دنیا با اخوان یابوری
نمایند...»

۲ - جشن پنجاهمین سالروز تأسیس انجمن اخوت روز دوم نیرماه ۱۳۲۷ شمسی
(۱۵ شعبان ۱۳۶۷ قمری) در محل انجمن واقع در خیابان فردوسی برگزار شد.

آرروز نسبت بمردم ایران اعمال می گردید و همچنین آقایان اطلاع دارند که ناصرالدین شاه برای دیدن کشورهای غربی مسافرتی باروپا نمود.

دربازگشت از فرنگ نعمانی که محرك بیداری تهییج روح آزادیخواهی افراد ایرانی بود گوش شاهرا متأثر نمود. میرزا ملکم خان از يك طرف درلندن الاتی بمنظور بیدار کردن اذهان افراد ایرانی چاپ نموده، محرمانه بایران فرستاد که در اینجا بین افراد آزادیخواه دست بدست می چرخید، از طرف دیگر هم سید جمال الدین اسدآبادی و تابعین او مشغول جمع آوری پیروانی بودند بوسیله آنها بتوانند برای بیداری ملت تبلیغات بهتر و وسیعتری بنمایند. این با هر چند سری بود، ولی درباریان وقت جریان را حس کرده، مصمم گردیدند بحث عمل از این تبلیغات که ارکان سلطنت استبدادی را ملاً متزلزل می ساخت، وگیری نمایند و بالاخره هر نعمه ای را يك شکل خاموش کردند. ضمناً (کنت فوت فوت) را برای ریاست پلیس از ایتالیا خواستند که بیشتر باوضاع تسلط شده و آنها را بطوری تحت قید و فشار قرار دهند که کسی فرصت تفکر و تعقل برای تمام رایحه آزادی نداشته باشد.

مضيقه و قید مردم بحدی رسید که هیچکس از ترس اینکه مبادا بتشکیلات جمع متهم شود، جرأت نداشت حتی از دوستان و بستگانش در منزل خود دعوت کند و اغلب دیده می شد که هر کسب یا تاجری که شب از آشنایان خود دعوت می کرد، خدا و داروغه محل شبانه بمنزل او ورود نموده، مزاحمت فراهم می کردند.

قضایای گرفتاریهایی که برای فرق مذهبی و غیره در زمان سلطنت ناصرالدین شاه می داد، اغلب از این باب بود که اصولاً در بار وقت با هر جمعیت و اجتماعی حالف بود...^۱

این نطق که پنجاه سال پس از تشکیل انجمن اخوت ایراد شده است، يك نکته را روشن می کند و آن اینکه برنامه کار انجمن مزبور ادامه دادن راه و

دنباله روی از اقدامات ملکم خان، سید جمال الدین و سایر انجمنهای سری بوده و فراماسونهای که در (فرانسه) و (انگلیس) عضویت لژها درآمده بودند، محرک اصلی در ایجاد آن بشمار می آمدند. و ناگفته نماند که وجود این نوع انجمنها و مجامع سری، در پروراندن ریشه های نهال انقلاب مشروطیت ایران نقش مهمی را ایفا می کردند.

در چنین محیط و زمانی، مرحوم میرزا حسن صفیعلیشاه
صفیعلیشاه و که برای زیارت خانه خدا به مکه معظمه سفر کرده و از
انجمن اخوت آنجا به هند رفته بود، به تهران آمد... و اینک برای
 آگاهی از زندگی مرحوم صفیعلیشاه و نقش او در انجمن
 اخوت کمی به گذشته بر می گردیم:

مرحوم صفیعلیشاه روز سوم شعبان ۱۲۵۱ هجری در اصفهان متولد شد. پدرش ناجر بود و پس از تولد صفیعلیشاه از اصفهان به یزد رفته، در آنجا مسکن گزید. صفیعلیشاه بیست سال در یزد بود و تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در این شهر فرا گرفت. آنگاه طی سفرهای خود بسر زمینهای مختلف شرق، با اصول آئین صوفیه آشنا شد. خود وی در شرح حال خویش چنین می نویسد:

«... از طرف هندوستان به حجاز رفتم. اغلب از مشایخ ایران و هند و روم را ملاقات کردم. از بعضی قلیل مستفیض شدم و قداعد فقر و سلوک را که اخذش منحصر به خدمت و قبول ارادتست به اتصال سلسله که شرح آنهم مبسوط است، بدست آوردم. در هندوستان به تألیف (زبدۃ السرار) نظماً که در اسرار شهادت و تطبیق با سلوک اله است موفق شدم. به عزم ارض اقدس رضوی از راه عتبات عالیات به شیراز و یزد مراجعت کردم و به تهران آمدم. چون سکنای دارالخلافه از برای هر کس - به خصوص امثال ما جماعت - از سایر بلاد امن تر است...»^۱

صفیعلیشاه پس از ورود به تهران، به عنوان یکی از اقطاب صوفیه بارشاد

بیدان و پیروان این آئین پرداخت. به طوری که نوشته اند: «بر حسب وظیفه
 هادی که داشتند، شروع به دستگیری از مردم نموده و در این اقدام منتهای
 کینایت و عنایت را مرعی می فرمودند، چنانکه طوری به تربیت و بیداری مردم
 اخفند که طرز عملشان به هیچوجه مورد ایراد درباریان استبداد و عمال حکومت
 روز نگردید و در نتیجه جمع کنیری از اهالی به ایشان گرویدند».

صفیعلیشاه هنگامی که، در اویش و فقرا را به فقر مشرف می کرد و آنان را
 می داد، شش تعهد به شرح زیر از آنها می گرفت:

- ۱ - تعظیم امر الله .
- ۲ - خدمت بولی الله .
- ۳ - کتمان سر الله .
- ۴ - محبت اهل الله .
- ۵ - شفقت خلق الله .
- ۶ - بذل نفس فی سبیل الله .

دفتری که هم اکنون موجود است، تعداد (فقرای) تهران را از روزیکه
 شروع به ترویج آئین درویشی کرد، تا سال وفات مرحوم ظهیرالدوله سی
 نفر را معرفی می کند.^۲

عده کثیری از صاحبان مشاغل و اشخاص برجسته اواخر دوران سلطنت و
 شاه ناصرالدین شاه به مرحوم صفی گرویدند. در بین آنها میرزا نصرالله خان
 الملك که بعدها قانون اساسی فراماسونری (اندرسن) را ترجمه کرد. شاهزاده
 الدوله - برادر عین الدوله - میرزا محمود کرمانی که از بزرگان عرفان
 زمان بود - و علیخان ظهیرالدوله، بیش از سایرین با وی معاشرت داشتند.

بنا به اظهار امین الملك مرزبان همین چند نفری که اسم برده شد «جلساتی

۱ - یادگار جشن پنجاه ساله ص ۱۳.

۲ - یادداشت های خطی خان ملک ساسانی که خود از درویش صفیعلیشاهی بود.

به طور سری خدمت مرحوم صفی تشکیل داده و تحت ارشاد و رهبری ایشان، هسته مرکزی انجمن اخوت را تشکیل دادند، و همانطور که عرض کردم، در آن موقع به اقتضای زمان، جلسات انجمن اخوت به طور سری خدمت صفی تشکیل می شد.^۱ صفی علیشاه موجد و مؤسس (انجمن اخوت) به منظور ایجاد اخوت و مساوات (برادری و برابری) در میان مردم تصمیم گرفت فاصله عظیمی را که بین اشراف و دربار استبدادی و سایر طبقات مردم وجود داشت، از بین ببرد و بواسطه نفوذ و قدرتی که داشت، حتی عده ای از رجال درباری نیز مرید وی شده بودند. بنابراین در محضر او علاوه بر اشخاص معمولی، عده کثیری از اعیان و اشراف و رجال درباری نیز حاضر شده و به معاشرت با توده مردم تن در می دادند. به طوری که در این حلقه وزیر، امیر، بقال و کارگر مساوی بودند و همه از غنی و فقیر با هم الفت گرفته و عهد اخوت می بستند.

نظم الدوله که سمت معاونت «کنت دومونت فورت» رئیس پلیس تهران را داشت، از طرف شاه و دولت به طور محرمانه تأموریت داشت که در خانقاه صفی حاضر شده، مراقب اوضاع و احوال باشد. و در صورت احساس خطری از طرف ایشان، مراتب را گزارش دهد. ولی نظم الدوله خود در مدت کوتاهی جزو مریدان صفی علیشاه شد و مرحوم صفی به وسیله او موفق به کسب اجازه چاپ (تفسیر صفی) گردید. در این تفسیر آیات کلام الله مجید ترجمه و تفسیر شده و مثنوی وار به نظم در آمده بود.

پس از انتشار چند جزوه از تفسیر منظوم صفی، ناگهان موج اعتراض عمومی علمای تهران آغاز شد و بالا گرفت و همه آنها این اقدام صفیعلیشاه را کفر شمرده و رسماً او را تکفیر کردند. حتی به ناصرالدین شاه فشار آوردند که او را از تهران اخراج کند. شاه، اعتماد السلطنه را به نمایندگی از طرف خود نزد مرحوم صفی

فرستاد تا به طرز محرمانه‌ای بوی اخطار کند که از تهران خارج شوند.

در مجلس ذکری که با حضور میرزا نصراله خان دبیرالملک، ظهیرالدوله، صفی‌الدوله، حاج میرزا محمود و شمس‌العرفاء در حضور صفی منعقد شده بود، بلاغ دادند که اعتمادالسلطنه از طرف شاه حامل پیامی است. هنگامی که اعتمادالسلطنه با صفی ملاقات کرد، به او گفت: «نظر به هیاهویی که پاره‌ای از اشخاص، به تفسیر شما برپا نموده‌اند، خوب است جنابعالی برای مدتی در مشهد مقدس است فرمائید تا سرو صداها خاموش شود. حضرت صفی در جواب فرمودند: پس قرآن بهر زبان و به هر عنوانی برخلاف مذهب اسلام نیست مخالفت آقایان تفسیر من، به واسطه نادانی و متکی به اغراض نفسانی است. با اینحال چون پادشاه مطاع و متبع است، تا چند روز دیگر وسائل مسافرت خود را تهیه و ای زیارت حضرت ثامن الائمه (ع) بارض اقدس خواهیم رفت»^۱

پس از رفتن اعتمادالسلطنه، اطرافیان صفیعلیشاه شروع به فعالیت کرده و بشاه گفتند: چون مخالفین مرجع تقلید نیستند، حق تکفیر و اظهار نظر درباره تفسیرین را ندارند و پیشنهاد کردند در این زمینه از يك مرجع تقلید استعمال شود و آنچه میرزای شیرازی نظر مخالفین را تأیید کردند، امر پادشاه اطاعت شود، در این صورت، بهیاهوی مخالفین «تفسیر» واقعی نگذارند. ناصرالدینشاه نظری که از شده بود پسندید. و پس از مدتی دستخط آیت‌اله میرزای شیرازی از نجف آمد. در این دستخط، آیت‌اله شرحی مبنی بر تمجید و تعریف از تفسیر صفی نوشته بود. طبعاً وصول فتوای مزبور، صدای مخالفین را خاموش کرد و بدینترتیب از صفیعلیشاه جلوگیری بعمل آمد.

این موفقیت، موقعیت صفی‌علیشاه را مستحکمتر ساخت و مخالفین درباره ناصرالدینشاه و کسانی که در انجمنهای سری برای ایجاد مشروطیت تلاش می‌کردند، کن‌ازیش در اطراف او گرد آمدند. هر شبانه روز صداها نثر از طبقات مختلف در

خانقاه او اجتماع می کردند و صفیعلیشاه با آنان درباره برابری، برادری و مساوات که شعار فراماسونها بود، بحث و گفتگو می کرد و این اظهارات بیشتر سبب تجمع و تحریک مردم می شد.

درباریهای مخالف صفی و تفسیر او که از گروه مستبدین بوده و با فراماسونها مخالفت شدید داشتند، تجمع روز افزون در خانقاه صفیعلیشاه را با آب و تاب و شاخ و برگ، برای ناصرالدینشاه شرح می دادند. از طرفی چون در همان روزها مقدمات جشن پنجاهمین سال سلطنت ناصرالدینشاه فراهم می شد و تجمع اشخاص مخصوصاً حضور رجال درباری را در محضر صفی، بهانه قرار داده، با عنوان کردن این مطلب که دربار صفیعلیشاه از دربار اعلیحضرت مفصلتر است... شاه را علیه صفیعلیشاه و یارانش تحریک می کردند. بدیهی است با این تذکرات سوءظن شاه تقویت می شد، ولی با اینهمه چون می دید که صفیعلیشاه در بین همه طبقات مردم طرفداران زیادی دارد، از نشان دادن عکس العمل شدید خودداری کرده و ظهیرالدوله داماد خود را واسطه تبعید او قرارداد.

مرحوم ظهیرالدوله نزد مرشد خود رفت و با کمال تأثر گفت که شاه امروز مرا احضار کرده و بوسیله من برای شما پیغامی فرستاده اند. صفیعلیشاه گفت: فرزاده چرا متاثری؟ بگو... ظهیرالدوله گفته های شاه را تکرار کرد... وی در جواب گفت: «همانطوریکه مکرر عرض کرده ام، امر شاه مطاع و مطیع است. مخلص روضه ای دارم و پس از خاتمه آن بارض اقدس خواهم رفت» صفیعلیشاه که با انجمنهای سری و بخصوص محفل فراماسونها ارتباط داشت و می دانست که تا چند روز دیگر، شاه کشته می شود با انتظار ورود میرزا رضا کرمانی از اسلامبول نشست... و چند روز بعد ناصرالدینشاه بقتل رسید.

امین الملک در این باره چنین می گوید: «چند روزی از این قضیه گذشت که ناصرالدینشاه در موقع تشریف بحضرت عبدالعظیم، بدست میرزا رضا کرمانی بقتل رسید». امین الملک بدون اینکه اشاره ای به قتل شاه که بتحریک سید جمال الدین

سدا بادی (مرید صفی) صورت گرفت ، بنعاید اضافه می کند :

حضرت صفی که بطور قطع از ستاره های قدر اول آسمان ادب و عرفان بوده ،
 آنها را از افتخارات بزرگ کشور ما بلکه عالم اسلام محسوب می شوند ، در تمام مدت
 زندگی خود منظوری جز خدمت بخلق اله و بیداری مردم و ترویج اصول
 عدل و مساوات نداشتند . چنانکه تأسیس انجمن اخوت بطور سری نیز ، بهمین
 نور بود و بالاخره در ذیقعدہ سال ۱۳۱۶ هجری قمری خرقه نبی فرموده و در
 آن ارتحال رهبری و ارشاد خلق را بحضرت ظہیرالدولہ صفی علیشاہ واگذار
 کردند ...»

صفیعلیشاہ قبل از وفات ، در زیر جملات وردی که مخصوص بعد از نماز در اویش
 علیشاہی است ، این جملہ را بعنوان وصیت نامہ تعیین جانشین نوشته و
 فی الدولہ سپردہ است «حق تعالی بر عمر و عزت و عافیت یار باجان و ایمان ہم-
 ام علیشان ظہیرالدولہ بیفزاید ہمین او را در سالها بطالبین تلقین نماید و روح
 را بیاری شاد فرمایند . میرزا حسن»

صفیعلیشاہ را در خانقاهی که ہم اکنون بہ ہمین نام معروف است در خیابان
 علیشاہ فعلی بخاک سپردند و پس از مرگش اداره کار در اویش و فقرا ، بظہیرالدولہ
 گذارشد .

مرحوم ظہیرالدولہ یکسال پس از مرگ صفیعلیشاہ ، فرمانی
 از مظفرالدینشاہ برای تأسیس «انجمن اخوت» گرفت . تا
 آنروز انجمن مزبور سری و مرکب از عہدہ ای از درباریان و
 دوستان صمیمی و نزدیک آن مرحوم بود . ظہیرالدولہ برای
 آنکہ انجمن اخوت را از صورت مخفی در آورد ، و آنرا از امکان فعالیت علنی
 برخوردار سازد ، فرمان مخصوصی کہ تشکیل جلسات انجمن را تأیید کردہ ، بلامانع

سه بانوی درویش



براین تصویر از راست به چپ : فروغ الدوله مادر عباس فروهر (دوام الدوله) - ملکه ایران
 دختر ناصرالدینشاه همسر ظهیرالدوله - فروغ الملوك



در این تصویر تهمین الدوله صفایلیشاه - میرزا حسن صفایلیشاه - مولوی
درانجمن اخوت دیده می‌شوند.

می دانست ، از مظفرالدینشاه گرفت .^۱

ظهیرالدوله بدون اینکه نام «فراماسونری» و یا «فراموشخانه» باین انجمن بدهد عده ای از هم مسلکان سابقش را گرد آورده و تا آنجا که توانست سعی کرد اعضای اولیه انجمن، از رجال روشنفکر، اصلاح طلب و خوشنام باشند .

قبل از افتتاح رسمی انجمن و آغاز فعالیت علنی آن، ظهیرالدوله صدوده نفر را برای عضویت انجمن اخوت دعوت کرد، و اولین جلسه در خانه خودش دایر شد، او عدد صدوده را که با حروف ابجد کلمه (علی) می شود، بمنظور تبریک و تهنیت، برای عده اعضای اولیه انجمن اختیار کرد و صدوده سندلی بیک شکل ساخته نام هر یک از اعضاء را بروی یکی از سندلیها نوشته و در سالن بزرگ خانه اش که بروی بانگ ملی فعلی است قرار داد .

در روز اول افتتاح علنی «انجمن اخوت» ظهیرالدوله در سندلی اول قرار گرفت و بعضی از آداب و رسوم فراماسونها را انجام داد . بطوریکه شرح آن قبلاً گذشت فراماسونها علامات مخصوصی دارند، که در نشان و حمایل و فرمان و دیپلم فرقه خود بکار می برند . و این علامات مرکب از تیشه و پرگار و گویا است که گاهی جدا جدا و گاهی مخلوط با هم قرار داده می شود . ظهیرالدوله هم تبریزین و کشکول و تسبیح را علامت بخصوص انجمن اخوت قرار داد و چون شکل مثلث نزد عیسویان و فراماسونها شکل مقدسی است ، علامت انجمن اخوت هم بشکل مثلث درآمد .

محمود عرفان قاضی دادگستری که در سال ۱۳۲۷ با لباس فراماسونری در حزب عامیون تهران درباره این فرقه در ایران سخنرانی کرده است درباره انجمن

۱- سدر فرمان مورد بحث که بنام میرزا علیخان ظهیرالدوله وزیر نشر نفات صادر گردیده است در حقیقت با استعانت و کمک مرحوم میرزا علی آصفخان اتابک صدراعظم وقت ایران صورت گرفت که با مرام و تسکیلات انجمن توافق کامل داشت و شاید بتوان گفت که مشارالیه با نفوذی که در مظفرالدینشاه داشت ، موفق شد فرمان تأسیس انجمن اخوت را بگیرد .

«... نخستین اجتماع صد و ده نفری که در صدر آنها ظهیرالدوله بود، در سال ۱۳۰۰ دائر گردید. یعنی «انجمن اخوت» در این سال تأسیس شد و رونق مهمی یافت.

غیر از اخوان طریقت ظهیرالدوله، رجال دیگری نیز بآن انجمن آمدورفت کردند و ظهیرالدوله پیوسته در نظر داشت اساس کار خود را با فراماسونها مطابق

همانطور که رسم فراماسونهاست، ظهیرالدوله هسته مرکزی انجمن را اکنون بنام «هیئت مشاور انجمن» نامیده می شود ۱۲ نفر انتخاب و باین شرح می کرده :

۱ - انتظام السلطنه^۱

۲ - دکتر اسماعیل مرزبان - امین الملك

۳ - ابراهیم حکیمی - حکیم الملك

۴ - حاج شمس الدین جلالی - فطن الملك .

۵ - میر الملك شیرازی

۶ - سیف الدوله^۲

۷ - نصراله صبا - مختار الملك

۸ - همایون سیاح^۳

۹ - اسداله یمین اسفندیاری

۱۰ - محسن قریب

۱ - مجله یفما سال سیزدهم ص ۵۵۷

۲ - پدر نصراله و عبدالله انتظام که هماکنون نیز از رؤسای فراماسونی هستند. و این اثر فراماسوئی در محل انجمن اخوت در خیابان فردوسی تشکیل می شود .

۳ - سیف الدوله برادر عین الدوله دشمن مشروطه و آزادیخواهان

۴ - خزانه دار لژیوناری در ایران

۱۱ - فتح‌اله صفائی - صفا الملك

۱۲ - علیخان ظهیرالدوله

چنانکه قبلاً اشاره شد، صفی‌علیشاه و ظهیرالدوله از افکار و عقاید و اندیشه‌های اخوان‌الصفاء الهام گرفته بودند سعی داشتند، حکمت و فلسفه یونان و عقاید و نظریات صوفیان را با دستورات دین مقدس اسلام توأم کرده از آن پنبه‌های انجمن بهره برداری کنند. یکی از کارهای اخوان‌الصفاء توجه به موسیقی و تأثیر بود. ظهیرالدوله هم، برای اولین بار در انجمن اخوت، تشکیلات: تئاتر، نمایش و موسیقی را تشکیل داد و در جلسات رسمی آن، برنامه‌های موسیقی و نمایش به معرض اجرا و تماشا گذارده شد. نمایشات تند و کوبنده‌ای که علیه استبداد و ظلم دربار قاجار و همچنین نکوهش از اعمال حکام ستمگر دوره استبداد به روی صحنه می‌آمد، از ابتکارات انجمن بود.

در سال ۱۳۱۸ هـ (۱۹۰۱ - م) شهر آمل دچار حریق بزرگی شد، انجمن اخوت برای تجدید بنای شهر یک برنامه گاردن پارتی ترتیب داد. در این گاردن پارتی در اویش بخصوص سماع حضور و حسنعلی خان ترانه‌های ایرانی نواختند و در آمل سرشاری از این راه به دست آمد.

برای تعاون و همکاری اعضای انجمن، مقررات سختی وضع شده بود و فقط کسانی که عضو انجمن بودند، حق داشتند از مراعاتنامه جمعیت اطلاع حاصل کنند. این مراعاتنامه که مرحوم ظهیرالدوله شخصاً آنرا نوشته و در سال ۱۳۲۷ شمسی تجدید طبع شده است فقط به کسانی داده می‌شود که عضو انجمن اخوت باشند. اینک مراعاتنامه مذکور را منعکس کرده در دسترس افکار عمومی قرار می‌دهیم. باید دانست که از بدو تأسیس انجمن اخوت و تدوین مراعاتنامه انجمن تا با امروز این نخستین بار است که متن مراعاتنامه محرمانه انجمن اخوت منتشر می‌شود و به جز اعضای رسمی انجمن، دیگران نیز از متن آن اطلاع حاصل می‌کنند:

«فقرا و اخوان هر جا باید بزرگ و رئیس خود را معظّم و محترم دارند، پس هم باید از قول و فعلی که باعث سردی و کسالت مکلفین می شود احتیاط کند. همه وقت از اعمال قبیح و نامشروع در مقام ترك و توبه باشند و خدا را حاضر و غایب یعنی حاضر باشند که خدا حاضر است. و در هر آنی از آفات و مهلکات و باطن پناه به شاه ولایت برند.

وقت سحر حتی الامکان فقرا اگر مانعی نداشته باشند بیدار باشند. بلکه بشود از ثلث آخر شب تا صبح افلا بین الطلوعین خواب نباشند و به ذکر جلی یا قرآن مشغول باشند و همیشه با طهارت و لباس پاک باشند. و از خواندن موظفه خود غفلت نکنند. زبان را از نفوذ و دروغ بی نهایت و تهمت و غیبت دارند. اگر گرسنه و برهنه از اهل طریقت باشد، بر همه تکلیف است که نیم نالی باشد با و برسانند و غفلت نکنند و هر چیز که ممکن باشد از اهل بیت دریغ نکنند. در حفظ اسرار و امانات و ستر عیوب یکدیگر بکوشند و از شرّام کنند. ضعفای قوم را تحقیر نمایند.

به عبادت و تشیع یکدیگر بروند. اگر جهت یکفر گرفتاری پیدا شود اتفاق کنند و دست از هر کاری بکشند تا رفع گرفتاری برادرشان را بکنند، بنزله جهاد است و بر همه لازم است. مجادله و مباحثه در هیچ مطلبی با هم که موجب رنجش است. اگر دو نفر با هم کدورت کنند پیش سایرین اظهار الفت از یکدیگر نکنند. و بر دیگران است که مابین آنها را اصلاح کنند. و شوخی با هم کمتر کنند و همدیگر را به کلامی و تزنند اگر چه سخیف باشد جز به ملائمت و خلوت نه در جمع. و بر یکدیگر تمسخر نمایند. از انظار سبک و بی قدر شوند و از هم دلتنگ گردند. در ادای امانت درست ضمن کوتاهی نکنند که برای نوع و هن عظیم است. با منکر و مخالف و منافق لطف نکنند مگر به ضرورت و صحبت مذهبی ندارند که نزاع شود و اسباب خفتی

فراهم آید. کسی را باید دعوت کرد که نفاق و افکارش معلوم نباشد، وقتی معلوم شد دوری ضرور است.

بارز حمت خود را بر شانه هم نگذارند، که باعث بعد، قلوب از یکدیگر شود. در مجالس از آندوه و پریشانی خود صحبت ندارند و اظهار ملالت نکنند، که ثمری بجز خفت و افسردگی دیگران ندارد. خلف وعده و خلاف عهد با هم نکنند. اگر از کسی خلافتی به ظهور رسید بدل نگیرند و اغماض کنند. به علمای شریعت توهین روا مدارند. بلکه اظهار مودت کنند (که مغز را پوست باید و آن را لباس) مقصد و خائن معلوم الحال را در مجالس خود راه ندهند.

اگر یکی از خودشان را بیکار ببینند، البته او را به کار و کسبی مجبور دارند. نهایت فخر فقر آنست که از دسترنج و زحمت خود معاش کنند. نه اینکه دست کند کفچه به هر لقمه اش (مگر نه حضرت مولی الموالی ارواح الفقر الاله الفداء با خلافت و سلطنت باطنی و ظاهری برای یهودیان مزدوری می فرمود) جوانها و فرزندان خود را در صورت امکان زود زن بدهند و به کسب بگذارند که به هر زگی و پریشانی دوچار نشوند. اغلب اوقات با هم مجتمع باشند و در کوچه و بازار و مجالس عامه با هم بروند که مردم آنها را متفق و مجتمع ببینند (زیاد خنده و شوخی نکنند) که کم قدر شوند. آهسته و آرام سخن گویند، مگر وقت ضرورت. از بازار چیل نسیه ناممکن باشد، نبرند و اگر لابد شوند زودتر تدارک کنند. همیشه سخن بر وفق و شرع گویند تا مخبول نگردند. به اندک قناعت کنند، تا از اهل زمان راحت یابند و ملول نگردند و شاکی نشوند. بر خلقت خود نیفزایند و آنچه هستند همان را نمایند، که چون ظاهرشان را بگردانند باطنشان بگردد. در خلوت و جلوت سخنی بر خلاف نظم ملک نگویند، در هر دم و هر قدم توفیق درویشی از درگاه مولی استدعا کنند. امضاء با جوهر بنفش «صالح» این مرامنامه را همه درویش صفی علیشاهی همیشه در جیب بغل همراه دارند، ولی هیچگاه آنرا به کسی که «مشرف به فقر» نشده باشد نشان نمی دهند.

مرحوم نظام السلطان خواجه نوری نیز با اینکه یکبار اجازه قرائت مرامنامه را
 بر او دادند، ولی استنساخ و چاپ آن را به هیچوجه مجاز نمی دانستند. تا اینکه
 آنرا در پیرونده فراماسونری مرحوم ادیب الممالک، نسخه ای از این مرامنامه
 داشت، که مورد استفاده نگارنده قرار گرفت. این جزوه در مطبعه فاروس
 شده و در آخر آن امضاء (صالح) و مهر دلیل العرفاء به چشم می خورد. در
 مجلد نمره ۲۲۵۱۱ و نام ادیب الممالک نوشته شده است. به طوری که خود
 الممالک در یادداشت هایش می نویسد: «او بیست و دو هزار و یانصد و یازدهمین
 بوده که بعد از ورود به فرقه فراماسونری وارد سلك درویشی شده است.»

پس از مرگ مظفرالدین شاه، انجمن اخوت مبارزه شدیدی
 را با دربار محمد علی شاه آغاز کرد و اعضای انجمن همه بر
 علیه استبداد و محمد علی شاه به مبارزه پرداختند. از روزی
 که محمد علی شاه مجلس را به توپ بست، چند روزی در پی
 شاه مستبد خانه کسانی که مورد تنفر او بودند، از جمله شاهزاده ظل السلطان
 و شاهزاده جلال الدوله پسر عمش و خانه ظهیر الدوله شوهر عمه شاه که در
 حکمران رشت بود، بمباران و بموسیله سر بازان غارت شد.

محل انجمن اخوت نیز که کتابخانه و دفتر انجمن و سالن جلسات بوده
 به بسته شد و کلیه دارائی و مایملک انجمن و خانه ظهیر الدوله به غارت رفت.
 اعضای انجمن که قبلاً از دستور محمد علی شاه اطلاع حاصل کرده بود، کلیه دفاتر
 و مراکز فراماسونری «لژ بیداری ایران» را که در محل انجمن بود، شبانه
 غارت فرانس بردند. محمود محمود در این باره چنین می نویسد: «علاوه بر محافل
 و از طرف لژ داران پاریس نیز در تهران لژ ایرانی دایر گردید. دستگاه
 ظهیر الدوله مربوط به فراماسون فرانس بود. آن که در زمان سلطنت
 علی میرزا خانه ظهیر الدوله را غارت کردند، به این دلیل بود که محفل
 فراماسون را در آنجا سراغ کرده بودند. ولی مرحوم ظهیر الدوله قبلاً خبردار

شده اثاثیه ماسونی را از آنجا به سفارت فرانسه برده بودند ولی خانه غارت شده و عمارت نیز ویران گردیده و دیگر آباد نشد و شاید حال هم به همان حال باقی مانده باشد.^۱

محمود محمود در همین زمینه اضافه می‌کند: «چون قبلاً اطلاع رسیده بود که محمد علی میرزا چنین قصدی دارد، شبانه وزیر مختار فرانسه را دیده بودند و هر چه که متعلق به ماسونهای فرانسه بود به سفارت فرانسه بردند و شاید تا امروز هم آنجا باشد. از قرار اطلاعی که دارم دیگر محفل آنها دایر نگردید.»

محمود نشاط داماد صفی‌علیشاه و کارمند وزارت پست و تلگراف به مترجم کتاب «انقلاب ایران» چنین گفته است:

«همسر مرحوم ظهیرالدوله (ملکه ایران) پس از ویرانی و تاراج خانهاش بشوی خود در رشت می‌نویسد:

«تو به خواب راحتی، من در اسیری می‌روم، خانه‌ام ویران و هستی‌ام را به یغما بردند، دیگر آه در بساط ندارم - پیرم را نیز دستگیر و در اندیشه کشتنش هستند».

ظهیرالدوله در پاسخ او نوشت:

«خانم عزیز، خوب شد که آن همه جواهر و روزخار یغما که خون دل مستمندان بود بردند و ما را آسوده نمودند - هر وقت به صندوقخانه تو سر می‌کشیدم و آن چیزهای پوچ را می‌دیدم نیشهای مار و عقرب به تن خود احساس می‌کردم. سیاسی خدا را که از این همه رنج تنم آسوده و از آن شکنجه و درد رهیدیم. خدای پسرمان هم کریم است. مولی سخنی است.^۲ پس از فرار محمد علیشاه، مشروطیت خواهان در همان خرابه‌های غارت شده انجمن و منزل ظهیرالدوله جشن «نصرت ملی» برپا کردند و بار دیگر فعالیت سیاسی «انجمن اخوت» و «فقرو درویشی» در

۱ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم جلد هفتم ص ۱۷۱۶

۲ - تاریخ مشروطیت بدون مقدمه مترجم.

که ظهیرالدوله آغاز شد .

در دوران سلطنت احمد شاه ، فعالیت انجمن اخوت ، بیشتر شد . زیرا شاه ، محمد حسن میرزا ولیعهد را به انجمن فرستاد و او در همان خانه‌ای که هنوز گلوله‌های توپ سر بازاران محمد علی‌شاه در آن باقی بود ، مشرف به فقر گردید . روزی که محمد حسن میرزا ولیعهد وارد سلك درویشی شد ، به مناسبت دهمین سال تأسیس انجمن اخوت جشنی برپا بود ، در آن جشن ظهیرالدوله ایراد کرده گفت :

یا مولی

«انجمن اخوت سال دوازدهم علنی شدن خود را پایان رساید و بتوفیقات کانی تا یک درجه‌ای بمقاصد اصلی خود نایل و کامیاب گردید .

همه می‌دانیم که انجمن اخوت در موقعی علنی شد و جلسات خود را آشکار نموده هیچ‌وجه رسمی از مساوات و برادری و اسمی از حقوق ملی و حکومت افرادی پنهان نبود و بدون اینکه با الفاظ پرداخته افکار خود پست‌دان و متنفذین را تهیج دهد کردار را مقدم داشته عامه را ملتفت ساخت که اگر امتیازی در میان بنی آدم نیست ، همانا امتیاز خدمتی و شرف فضلی است و آن فضل و شرافت هم در صورتی حق و مسلم خواهد شد که خلق خدا را از آن بهره و فایده‌تی حاصل آید .

آری ، انجمن اخوت بوده که صورت متکبرین را درهم شکست و صدور وقت شاه سلطنت عصر را با فقراء و اصناف هم زانو و جلیس نمود و انجمن اخوت بود که تشکیل هیئت شوری را در حوزه خود اعلان کرد و ترقیات مدنی را بتهدیب الاق و تزکیه ملکات افراد ملت اشعار نموده و شکر اللامولی که زمین دلها مسقد و این بذر را برویابند و درختی بارور و سایه گستر فرمود . تاریخ عالم و نژاد آدم از قرون خالصه و اعصار سالفه نشان می‌دهد که در دنیا هیچ‌وقت تنها قوانین الواعد سیاسی موجب نجات و رستگاری و اسباب سعادت و تکامل هیچ قومی نشده اگر چه مناسبات اشتراکی آنان را منظم و مرتب داشته ، ولی چیزی که بلك ملتی را

بنام نیک و استقلال عناصر در میان نوع خود سرافراز نموده همانا اخلاق و ملکات آنان بوده که بوظایف خویشی که حفظ حدود آدمیت و رعایت روابط اخوت بوده موفق گردیدند و دانستند که انسانی برای انس و معاونت با یکدیگر است نه برای تفاخر و مخالفت.

پس بر ما برادران روحانی و معنوی لازم است که اگر سعادت ملک و ملت را خواستار باشیم و البته خواستاریم باید با اخلاق حسنه کوشیده خلق را نهال بوستان الهی دانسته خود را بقریب و باغبانی مکلف دانیم که اگر هر توانائی دست ناتوانی را می گرفت هر آینه هیچ افتاده ای در عالم دیده نمی شد.

عالم معاش و حیات حیوانی عالم جنگ و جدال و میدان غلبه و جنجال است و عالم اخلاق انسانی عالم صلح و مسالمت و برادری و برابری و همان عالمی است که خونها برای اساس و استوار آن ریخته شد و کتب و رسائل آسمانی برای تبلیغ آن منزل و مأمور گشت، که ما برادران نیز مأمور پیروی همان دستوریم و مجبور بتقویت همان اساس که مفاسد مساوی اخلاقی را که جالب تجاوز و مخالف است از خود دور و محاسنی را که موجب سلامت و سعادت است، تعقیب نمائیم. صفا علی.

انجمن اخوت، از آن پس دوران عادی خود را آغاز و طی کرد و حتی در دوران سلطنت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر که فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمنها متوقف شده بود، این انجمن کماکان هفته ای یک روز تشکیل جلسه می داد. پس از فوت ظهیرالدوله، مرحوم انتظام السلطنه (پدر عبداله و نصراله انتظام) مرشد طریقت شد و بعد از او نیز فتح اله صفائی (صفاءالملک) مرشد گردید و اکنون عبداله انتظام این سمت را دارد. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ - که احزاب جدیدی بوجود آمد، انجمن اخوت هیچگونه فعالیت شدید علنی نداشت، فقط در سال ۱۳۲۷ شمسی که دو حزب (عامیون دمکرات) با هم ائتلاف و «حزب عامیون ایران» را تشکیل دادند،

۱- این دو برادر از استادان و اعضاء هیئت رهبری سازمان فراماسونری گرانده لژ مستقل

ایران می باشند.

روز ۱۵ بهمن آن سال اعلام رسمیت کردند، انجمن اخوت نیز که در رأس آن یازده از اعضای قدیم هیئت مشاوری قرار داشتند (که بعضی از آنها معروف به عضویت در قه فراماسونری هستند) شروع به فعالیت علنی کرده و جشن پنجاهمین سال خود را گزار کرد.

فعالیت علنی (عامیون - اخوت) که اعضای مؤثر هر دودسته معروف به عضویت در قه فراماسونری هستند، این شبه را بوجود می آورد که دوسالمان فراماسونری (کلیس - فرانسه) باردیگر قصد فعالیت علنی داشتند، و این حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ (۱۰۰ ساله) که به حیات شاهنشاه آریامهر اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی صورت یافت، موقتاً فعالیت علنی و تظاهر این دودسته را متوقف کرد.

انجمن اخوت که روز ۲ تیر ۱۳۲۷ شمسی (۱۵ شعبان ۱۳۶۸ قمری) پنجاهمین تأسیس خود را جشن گرفت، در کتابی که منتشر ساخته است اعضای هیئت مشاوری را آغاز پنجاهمین سال فعالیت بشرح زیر معرفی می کند:

۱ - دکتر اسماعیل مرزبان (امین الملك) رئیس هیئت مشاوری.

۲ - ابراهیم حکیمی (حکیم الملك).

۳ - حاج شمس الدین جلالی (فطن الملك).

۴ - تیمسار سر لشکر فرج الد آق اولی.

۵ - نصراله صبا (مختار الملك).

۶ - همایون سیاح.

۷ - اسداله عین اسفندیاری (حاج عین الممالک).

۸ - محسن قریب.

۹ - آقا بزرگ بیات.

۱۰ - علیرضا میرزا حکیم خسروی دبیر انجمن.

۱۱ - فتحاله صفائی صفا الملك.

در این جشن نطقها و خطابه‌هایی درباره تاریخچه انجمن اخوت، صفی‌عاشاه

و مرام و مسلک درویشی ایراد شد و در کتابی که بهمین مناسبت منتشر شد و حاوی مطالب ایراد شده می باشد، اسامی اشعده بعنوان افراد شاخص و برجسته ذکر گردیده است :

- ۱- سر لشکر مجید فیروز (ناصرالدوله) .
- ۲- اسداله داورى (مؤید حضور) .
- ۳- غلامعلی خواجه نوری (نظام السلطان) .
- ۴- محمد حسین سمیمی (ادیب السلطنه) .
- ۵- شفیعا (مقتدرالملک) .
- ۶- اسداله مصفا .
- ۷- هدایت قلی رهبری .
- ۸- غلامحسین رشته .
- ۹- برادران برومند .
- ۱۰- حاجی داداش - حاج عبداله مستشارالتجار کرمانشاهی .
- ۱۱- علی نعمتی مستشار .
- ۱۲- ع - شهری .
- ۱۳- صفا علی صفائی .
- ۱۴- امینی اصفهانی .
- ۱۵- محمود جم .
- ۱۶- علی هیئت .
- ۱۷- دکتر لقمان الملک .
- ۱۸- فتحاله صفائی .
- ۱۹- فتحیه .
- ۲۰- هاشم ملک مدنی .

۲۱ - امیر محسن بایگانی^۱

۲۲ - مهندس جعفر صفائی .

۲۳ - مهندس رحمت‌اله صفائی .

انجمن اخوت در سال ۱۳۳۸ شمسی (۱۹۵۸ میلادی) شروع به تجدید ساختمان سالن انجمن در خیابان فردوسی کرد، و اکنون در روزهایی که لژهای اماسونی (مهر - آفتاب - صفا - وفا) جلسه دارند، سالن داخلی انجمن را با تزیین خاصی تزئین می‌کنند و علائم و پرچم لژها را به دیوار و بالای صندلی استاد می‌کنند. اما در روزهای پنجشنبه و جمعه جلسات عادی قفرا و در اویش منعقد شود و در آن روز هیچ گونه علائم و آثاری از فراماسونها وجود ندارد. در حال حاضر انجمن اخوت دبیرخانه لژهای گراند لژ مستقل ملی است. و بیشتر مراسم تشریفات مذهبی در اویش در سر مقبره ظهیرالدوله انجام می‌گیرد. و عبدالله نظام یکی از استادان هیئت رهبری گراند لژ مذکور در رأس در اویش صفی‌علیشاهی ار دارد .

۱ - در روز جشن قصبه‌های منحصر بفرد از اشعار مرحوم ظهیرالدوله را که در اختیار

امیر محسن بایگان بود، «جاناً بین مدعوین توزیع کردند» .



لژهای تابع اتحادیه لژهای آلمان در ایران و گرانده لژ مستقل ایران

یکی از پدیده‌های نوین فراماسونری در ایران، پیدایش لژهای تابع «اتحادیه لژهای آلمان» در ایران است که بعد از شش سال پذیرفتن «برتری و عبودیت و سروری» لژهای انگلیسی، استقلال خود را اعلام کردند و سازمان جدیدی تحت عنوان «گرانده لژ مستقل ایران» تشکیل دادند.

اعضای لژهای وابسته به گرانده لژ آلمان، نخستین افرادی بودند که علیه پذیرفتن «عبودیت» و قبول «برتری و سروری» لژهای انگلیسی قیام کردند و در قطع ارتباط با اینگونه لژها در جهان پیشقدم شدند. ولی مبارزه شدید لژهای تابع انگلستان و هم چنین مخالفت گرانده لژهای مختلف در انگلستان، آلمان، فرانسه و بالاخره در خود ایران با اعضای لژهای آلمانی، سبب شد که آنها را از جامعه فراماسونی جهانی طرد کنند. با اخراج این افراد از لژهای آلمانی همه لژهای تابعه (انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها در ایران) آنها را از ورود به محافل ماسونی خود منع کردند و حتی آمیزش عادی با آنها را برای فراماسونهای جهانی مضر و غیر قانونی و ممنوع اعلام داشتند.

دامنه مخالفت‌ها و مبارزاتی که لژ نشینان انگلیسی و فرانسوی علیه متمرّدین
پیش گرفتند به ایران نیز کشیده شد، تا جائیکه چهل نفر از اعضای لژ ستاره
«بلاور پنهانی» با لژهای انگلیسی و فرانسوی سازش کرده و با کمک کارگردانان
لژها موفق شدند، بار دیگر به «لژهای متحده آلمان» ملحق گردند و زیر
آلمان فعالیت خود را ادامه دهند.

قبل از اینکه به تشریح فعالیت لژهای مذکور و حوادثی که منجر به جدائی
ای آلمانی و ایجاد گراند لژ مستقل ملی ایران شد، بپردازیم، بد نیست
«لژهای متحد آلمان فدرال» چگونه تشکیل شدند و به چه ترتیب با لژهای
ملی جهان پیوند و پیوستگی پیدا کردند.

می‌دانیم که آدولف هیتلر در دوران زمامداریش در آلمان
پل فراماسونری نه تنها همه لژهای فراماسونری را همراه با سایر سازمان‌های
ملی در آلمان سیاسی و غیرسیاسی، در این کشور تعطیل کرد، بلکه کلیه
فراماسونهای صاحب مقام آلمانی را هم از مشاغل خود برکنار
گشت. او حتی گروهی از فراماسونهای آلمانی را نیز که در خارج از کشور
بودیت داشتند از سازمان‌های دولتی اخراج کرد. چنانچه سفیر آلمان در ایران
به اتهام عضویت در لژهای فراماسونری از پست خود معزول، و به برلن
بازگشت. این آلمانی فراماسون که فعالیت پنهانی خود را از سران نازی مخفی
کرد، یکی از رؤسای سازمان جاسوسی آلمان در خاورمیانه به خصوص در ایران
ممالک عربی بود. برای این که بدانیم که این جاسوس زبردست آلمانی چه
کرده، آنچه را که روزنامه «نیوز ریویو» در روز ۲۸ اوت ۱۹۴۱ (۶ شهریور
۱۳۲۰) درباره‌اش نوشته عیناً نقل می‌کنیم، تا فراماسون‌های آلمانی را بهتر بشناسیم:
«فریس گروبا شخصی افانه‌آمیز و وزیر مختار سابق آلمان در بغداد
معاون لایق و کارآمد اتل [آخرین وزیر مختار آلمان نازی در ایران] بود.

گروبا پس از کودتای بی حاصل رشید عالی در عراق به همراهی امین‌الحسینی مرد لایق و مخالف انگلستان و مقتی سابق اورشلیم به تهران تبعید شد، و طبق اطلاعی که گروبا آنرا تصدیق نمود نام حقیقی وی «ارتور بورگ» و پدرش دکان عطاری داشته و بواسطه موهای سیاه و چشمان تیره رنگی که داشت همه دوستانش در مدرسه او را ترك می‌خواندند. آرزوی او برای گردش و سفر به شرق در جنگ گذشته تحقق یافت و در ارتش آلمان در ترکیه شغلی پیدا کرد. در سال ۱۹۱۸ در حلب زخمی شد و با يك دختر شانزده ساله اهل سوریه که به او (گل حلب) نام داده بودند، آشنا گردید و هنگامی که او را برای معالجه به بیمارستان مونیخ فرستادند دختر را به طور قاچاق و با تغییر لباس از مرز عبور داده با خود به آلمان برد. پس از چندی دختر ك در گذشت و شاید از آن تاریخ وی نام خود را تغییر داده است. به هر حال گروبا اسلام اختیار کرد و مذهب و تعلیمات شرقی را بررسی نمود و پس از چندی در اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه آلمان وارد خدمت شد... او يك دیپلمات ورزیده و کارگشته ایست که در اوایل تشکیلات نازی داخل حزب نبوده و برای ادای توضیحات راجع به روابط خود با جمعیت فراماسون آلمان به برلین احضار گردیده بود... گروبا، برای این که به زمامداران آلمان نشان بدهد که فراماسون نیست و با یهودیان که بوجود آورنده فراماسونیزم می‌باشند، دشمنی و عناد دارد: «در سال اول فعالیت خود در خاورمیانه مبلغ ده میلیون مارك طلا در راه تبلیغات بویژه برای توسعه سازمان شورش‌های ضدیهود خرج نمود...»^۱ نشریه دیگری که شرح مبارزات هیتلر با فراماسونیزم را می‌دهد می‌نویسد: «گروبا مثل صدها آلمانی دیگر که عضولرهای فراماسونی آلمان بودند، خیلی زود به جنگ نازی‌های ضد ماسون و ضد یهود افتادند»^۲ و باز چنانکه می‌دانیم مبارزه

۱ - رستاخیز ایران - فتح‌اله لوری استندبازی ص ۷۸۳.

۲ - ایضاً ص ۷۸۳.

۳ - مجله مولدلاوی شماره ۱۵۲ ژانویه ۱۹۶۶.

با یهودیان و بزرگترین سازمان‌های بین‌المللی آنان (صهیونیزم) در رأس برنامه‌های رایش سوم قرار داشت و طرح «حل نهائی مسئله یهود» که مفهوم آن معدوم ساختن این قوم و نژاد بود، از همین برنامه ریشه می‌گرفت. هیتلر فراماسونیزم را شعبه‌ای از صهیونیزم جهانی می‌دانست و عقیده داشت که یهودیان جهان‌دریانه‌لرهای فراماسونری در سر تاسرگیتی بنفع خود فعالیت می‌کنند.

همینکه حمله سرتاسری آلمان به کشورهای اروپائی آغاز شد، هیتلر به فرماندهان قوای اشغالی، فرمان داد به هر کشوری که تسلط یافتند، نخست لژهای ماسونی آن کشور را منحل و کارگردانان آن را تحت تعقیب قرار دهند. این فرمان پیشوای آلمان نازی همه جا اجراء شد و در نتیجه گرانده لژهای فراماسونری در همه کشورهای اشغالی اروپا منحل شد و اسناد و مدارك آنها به آلمان حمل گردید. دستور آدولف هیتلر نمایشگاه‌های ثابت و متحرکی از فعالیت‌های ماسونی با بنمایش گذاردن اسناد و مدارك مكشوفه ترتیب داده شد و از این‌راه نیز تبلیغات دامنه داری علیه صهیونیزم جهانی آغاز گردید.

پس از پایان جنگ دوم جهانی، و پیروزی متفقین، فراماسونهای اروپائی موفق شدند مقداری از اسناد و مدارك پیشین لژهای خود را بدست آورند و آنها را به کشورهای خود بازگردانند، چنانچه اسناد و مدارك لژهای فراماسونری فرانسه و سوئد و آگن از برلین پاریس حمل شد و طبق دستور ژنرال دوگل، محموله واگن‌ها را به کتابخانه ملی پاریس تحویل دادند.

طی موافقت نامه‌ای که بعد از مدتی بین دولت فرانسه و لژهای ماسونی اعضاء رسید، طرفین موافقت کردند که اسناد مذکور مورد بررسی قرار گیرد، تا آن نسبت از اسناد که غیر لازم تشخیص داده شد، تحت نظر نمایندگان دولت فرانسه و استادان لژهای فراماسونی به کارخانه کاغذ سازی حمل شده و در آنجا بصورت (خمیر کاغذ) درآمده و بدینترتیب معدوم شود و بقیه در بایگانی کتابخانه ملی پاریس

نگهداری گردد. ژنرال دوگل موافقت کرد که این اسناد فقط با اجازه گراندها در اختیار محققین و مراجعین قرار گیرد و بدین ترتیب فراماسونیزم بار دیگر در فرانسه تجدید حیات کرد.

در این سالها سازمانهای فراماسونی انگلستان (گراندهای انگلند - اسکاتلند - ایرلند) نیز در صدد احیاء شبکههای ماسونی خود در ایران برآمدند، و برای این منظور نخست به ارتشیان انگلیسی که فراماسون بودند، دستور داده شد تا در نواحی اشغالی لژهای فراماسونی را تشکیل دهند. در سال ۱۹۴۷ چند لژ فراماسونی مهم تحت نظر گراندهای انگلیسی فوق الذکر تشکیل شد و در پایان همان سال «سازمان فراماسونی انگلیسی در آلمان» بوجود آمد.

این سازمان محل کار خود را در اداره مرکزی قوای اشغالگر انگلیسی در شهر «بداوین هاسن» قرار داده و با کمک فرماندهان انگلیسی، فراماسونیزم را بین مردان میانه سال آلمانی توسعه داد. در ماه می ۱۹۴۸ سازمان فراماسونی انگلستان در آلمان رسمیت یافت و همه گراندهای انگلیسی ارتباط با آنرا با ممانعت تشخیص دادند. در سازمان جدید در شهر «بداوین هاسن» تشکیل شد و گروهی از فراماسونهای قدیمی آلمان که زنده مانده بودند، تقاضای تجدید عضویت و فعالیت در این سازمان را کردند. ملاقات در شعبات این لژ برای عموم فراماسونها آزاد شد و هر لژی که بوجود می آمد تحت نظریکی از استادان فراماسونری انگلیس، با قبول عبودیت یکی از گراندهای (انگلند - اسکاتلند - ایرلند) بود و تأسیس آن با انجام همه تشریفات، با اضافه نماز در کلیسا و فستیوالهایی که زنان نیز در آن شرکت داشتند صورت می گرفت، هنگام تقدیس و تأسیس بعضی از لژها، رؤسای فراماسونری انگلستان به آلمانها و انگلیسهای مقیم این کشور توصیه می کردند که با کمک سایر برادران فراماسون کشورهای مجاور از جمله سازمان ماسونی هلند تشکیلات ماسونی خود را گسترش دهند.

سازمان ماسونی هلند «لژ بزرگ شرق» که Concord No 134 نام داشت و همچنین لژ انگلیسی زبان هلند، در زوتردام که به نام کینگ دراکون گارد Gings Dragoon Guard خوانده می شد نیز در تأسیس این لژها نقش فراوان داشتند. نخستین اقدام این سازمان فراماسونری تقدیس و تأسیس یک لژ انگلیسی آن در آلمان بود. در ماه مارس ۱۹۵۵ فراماسون معروف آلمان «ج. و. ب. گروز» Grov که مقام P.P. G. CH را در سازمان ماسونی جهان داشت موافقت خود را با مسافرت به انگلستان و مذاکره با «اتحادیه لژهای بزرگ انگلستان» اعلام داشت. او قبلاً به انگلیسها رفته داده بود که پس از استقرار اولین حکومت فلت آلمان برای تشکیل و تأسیس لژهای تابع انگلستان در آلمان اقدام خواهد کرد.

به طوری که کلنل کورفیلد Corfield استاد فراماسونری انگلند می نویسد: بعد از این مسافرت در صورت جلسه اتحادیه گراند لژهای انگلستان مورخ هفتم شامبر ۱۹۵۶ قید شد که فراماسونهای آلمان از طرف گراند لژ انگلستان به رسمیت شناخته نمی شوند. و اعضای لژهای ما بایستی از لژهای آلمان دیدن کنند. اما در اکتبر سال بعد، اتحادیه ماسونری انگلستان اعلام کرد که ممکن است در آینده نزدیکی فراماسونری آلمان برسمیت شناخته شود.^۱

در این ایام بموجب مندرجات مجله فراماسونری «رکورد» ارگان سازمانهای فراماسونری انگلستان، مکاتباتی بین لژهای هلند و آلمان و انگلستان برای استقرار لژهای انگلیسی و انجام همه تشریفات حتی قرائت سرودهای ثورات و قبول مراسم وودیان، جریان داشت، ولی در پاسخ همه پیشنهادات، اتحادیه فراماسونری انگلستان به پیشنهاد دهندگان هلندی و آلمانی توصیه می کردند که در برقراری لژها عجله نکنند.

در دسامبر ۱۹۵۶ اتحادیه لژ بزرگ انگلستان، فراماسواری آلمان را تحت شرایط تحمیلی و قبول عبودیت و برتری و سروری لژهای انگلیسی به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۵۷ حادثه تازهای رخ تداد ولی به موجب ادعای «کورفیلد» استاد اعظم انگلیسی: (بدون شك فعالیت‌های بزرگی پس پرده تعقیب می‌شد.) در ژانویه همین سال (۱۹۵۷) استاد اعظم لژ مونشن گلااد باخ Monchen Glad Bach به استاد اعظم ماسونی انگلیسی «لاولر» Lawlor گزارش داد که او به نمایندگی گرانر لژ آلمان A. F. A. M موافقت خود را با تأسیس يك لژ انگلیسی زبان با انجام همه تشریفات قبول کرده است. کورفیلد استاد لژ انگلیسی می‌نویسد: «در آن موقع برادر ما «لاولر» بسمت مدیرانجمن برادری فراماسونی آلمان که مدتی در آن عضویت داشت، انتخاب گردید. و در همین موقع بود که اسامی مؤسسين لژ تازه اعلام شد.»^۱

و بدین ترتیب فراماسونری بعد از جنگ دوم آلمان با قبول عبودیت و سروری لژهای انگلیسی و انتخاب يك استاد اعظم انگلیسی بریاست سازمان‌های خود، در سازمانهای فراماسونی جهانی رسمیت یافت.

نخستین لژ انگلیسی بنام ابلوم شماره ۸۴۱ Absalom (G.C) درخواستی تقدیم اتحادیه لژهای انگلیسی کرد و خود را برای همیشه تحت فرمان و اطاعت و در اختیار لژهای انگلیسی گذاشت.^۲ منظور تأسیس این لژ در روز سی‌ام ماه مارس ۱۹۵۵ برای استقرار در شهر دوسلدرف صادر شد. چون این لژ بر پایه و حتی با نام لژ انگلیسی ۸۴۱ تأسیس شده بود، شماره ردیف آن را در سالنامه ماسونی انگلستان در ردیف يك ثبت کردند و بدینسان نخستین لژ انگلیسی که ریاست آن با «لاولر»

۱ - لژ ابلوم شماره ۸۴۱ تابع قوانین فراماسونری انگلستان در سال ۱۷۳۸ در شهر هامبورگ تأسیس شده بود.

۲ - کلنل کورفیلد این جمله را چنین می‌نویسد:

Having submitted a petition, was consecrated.

استاد اعظم تبعه انگلستان بود ، در آلمان گشایش یافت .

بدنبال گشایش نخستین لژ انگلیسی در آلمان ، لژهای دیگری بر اساس برنامه لژهای فراماسونی قبل از آغاز زمامداری هیتلر ، بدین شرح بوجود آمد :

۱ - لژ ساکسون بشماره ۸۴۲ در شهر سل Celle - ۸ می ۱۹۵۷

۲ - لژ بریتانیا بشماره ۸۴۷ در بیل فلد Bielefeld در ۶ جون ۱۹۵۷

۳ - لژ فونیکس Phoenix بشماره ۸۴۷ در برلین ۹ نوامبر ۱۹۵۷

۴ - لژ استاراف ساکسونری Star of Saxony بشماره ۸۵۳ در شهر جور

Jever در سال ۱۹۵۸

۵ - لژ انگلوهانستیک Anglo - Hanseatic بشماره ۸۵۰ در سال ۱۹۵۸

با وجود اینکه لژهای آلمانی با تشکیل لژهای انگلیسی زبان موافقت کرده بودند ، با اینحال دشمنی دیرینه بین انگلیس و آلمان و جنگ چندین ساله دو کشور ، و از همه مهمتر نفرت و دشمنی و کینه توزی دو ملت و مردم (ژرمن و انگلوساکسون) با یکدیگر سبب شد تا بتدریج مبارزه مخفی بین جناحین مختلف فراماسونری در آلمان شدت یابد . اما سازمان های فراماسونری انگلیسی که هجوم همه جانبه ای را به سرزمین های اشغالی آلمان آغاز کرده بودند ، سرعت توانستند اداره لژها را منحصربه اتباع انگلیسی کنند .

ولی مبارزه فراماسونهای آلمان سرانجام اتحادیه گراند لژهای انگلستان را و اداره قبول تشکیل « اتحادیه گراند لژ آلمان » کرد . بموجب سندی که سرهنگ دوم کورفیلد ارائه می دهد ، پس از این شناسائی کامل و همه جانبه ، سازمان های فراماسونی انگلستان در اوایل سال ۱۹۵۸ موافقت خود را با ایجاد اتحادیه گراند لژهای آلمانی که عبودیت و برتری و سروری آنان را پذیرفته بودند ، اعلام کرد .

منشوری که روز ۱۴ سپتامبر ۱۹۵۸ از طرف فراماسونهای آلمانی صادر شد

تأسیس «اتحادیه گرانند لژهای آلمانی» را به همه سازمان‌های ماسونی وابسته به انگلیس اطلاع داد.

در جلسه‌ای که طی آن منشور مذکور اعلام شد، ۲۶۴ استاد اعظم لژهای آلمانی A.F.A.M. و هشتاد و دو استاد اعظم لژهای سوئدی و همچنین گروهی از شخصیت‌های گرانند لژهای انگلیسی مقیم آلمان حضور داشتند.

این عده پس از اعلام رسمیت اتحادیه گرانند لژهای آلمان، با انتخاب نشودور - ووگل Theodor Vogel به سمت اولین استاد اعظم اتحادیه مذکور موافقت کردند، و بدین ترتیب همه فراماسون‌های آلمانی تابعیت قانون اساسی فراماسونری انگلستان را پذیرفتند، تا بتوانند تحت عنوان «اتحادیه گرانند لژهای آلمان» برای توسعه تشکیلات خود استقلال داخلی داشته باشند.

سرهنگ دوم کورفیلد در پایان گزارش خود، درباره «فراماسونری انگلیس در آلمان» می‌نویسد: درخائمه این گزارش می‌بایستی جمله‌ای از برادر پرنس رویال فریدریک ویلهلم، استاد اعظم و سرور بزرگ گرانند لژ پروس را یادآوری کنیم. گرانند لژ متحده آلمان، بلافاصله با گرانند لژهای زیر تماس دائم برقرار کرد و موفق شد اتحاد و همبستگی با آنها پیدا کند:

۱- گرانند لژ بزرگ مشرق هلند

۲- گرانند لژ لوکزامبورگ

۳- گرانند لژ بنایان قدیمی (آزاد و پذیرفته شده از اتریش)

۴- گرانند لژ الپینا سویس

۵- گرانند لژ بلژیک

۶- گرانند لژ اوریان ایتالیا

هم‌اکنون سازمان‌های فراماسونری «اتحادیه گرانند لژهای آلمان» - بموجب

مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۶ بدین شرح می‌باشد:

- ۱- سازمان اتحادیه گرانده لژهای آلمان برای فراماسونهای آلمانی
- ۲- تشکیلات استادان اعظم
- ۳- تشکیلات ماسونی سناتورها
- ۴- سازمان‌های اداری
- ۵- گرانده لژ آلمان
- ۶- سازمان تشکیل جلسات برای اخذ تعلیمات عالیّه
- ۷- گرانده لژهای محلی
- ۸- گرانده لژ مملکتی
- ۹- عالیترین تشکیلات گرانده لژ محلی
- ۱۰- تشکیلات فراماسونری حومه‌ها
- ۱۱- تشکیلات بزرگ محلی
- ۱۲- گرانده لژ ملی مادر

Grosse National mutter loge zu Den Drei Weltkugeln.

- ۱۳- سازمان اداره لژها و فراماسونهای اتحادیه گرانده لژهای آلمان
 - ۱۴- لژهای آلمانی خارج از اروپا که به زبان آلمانی کار می‌کنند .
- اتحادیه گرانده لژهای آلمانی در خاورمیانه در اسرائیل و ترکیه لژهایی دارند که بازبان آلمانی کار می‌کنند . در اسرائیل در شهرهای حیفا - اورشلیم - تل اوویو - مخار ایباح و در ترکیه سه لژ آلمانی است که در شهر استانبول کار می‌کنند . در خاتمه معرفی سازمان‌های فراماسونی در آلمان بی‌مناسبت نیست که یکبار دیگر گزارشی را که گرانده ماستر لژ نظامیان انگلیس در ایران (دوشنای در ایران) برای سرگرد بتیستای امریکائی (مأمور جمع‌آوری اطلاعات در ایران ۱۹۶۴) و سایر افسران نظامی لژ نظامیان امریکا در ایران (ایران چاپتر ۴۶۱) در کلوب افسران امریکائی خوانده است ، نقل کنیم ، در این گزارش ، آنچه که سرهنگ

دوم «کورفیلد» انگلیسی در مجله ارکان فراماسونری انگلند نوشته ، مورد تأیید قرار گرفته و چنین گفته شده است :

«پس از جنگ اخیر دو گراند لژ جداگانه در آلمان به وجود آمد که هیچکدام از آنها از طرف گراند لژهای اسکاتلند ، یا گراند لژ ناسیونال فرانسه به رسمیت شناخته نمی شدند و دلیل آن هم این بود که این دو گراند لژ آلمانی حتی در میان خودشان توافق نداشتند . اما پس از مذاکرات زیادی که بین خود آنها از یک طرف و بین آنها و گراند لژهای اسکاتلند ، انگلیس و فرانسه از طرف دیگر صورت گرفت ، این دو گراند لژ اختلافات خود را حل کردند و با یکدیگر متحد شدند و بدین ترتیب گراند لژهای متحده آلمان بوجود آمد . اکنون گراند لژهای متحد آلمان ، از طرف گراند لژهای اسکاتلند و انگلیس و فرانسه به رسمیت شناخته می شوند و با آنها روابط مودت آمیز دارند و بدین ترتیب می بینیم که افسران نظامی معالک غرب چگونه در لژهای فراماسونیزم جهان نفوذ دارند و اگر اشتباه نکرده باشیم باید بگوئیم که سلول های ماسونیزم جهانی با فعالیت های نظامیان (جهان غرب) بی ارتباط نیستند و بنابراین جا دارد که مردم و وطنخواه از این شبکه های مخفی و اعمال و کردار و پنهانکاری آنان وحشت داشته باشند . ! !

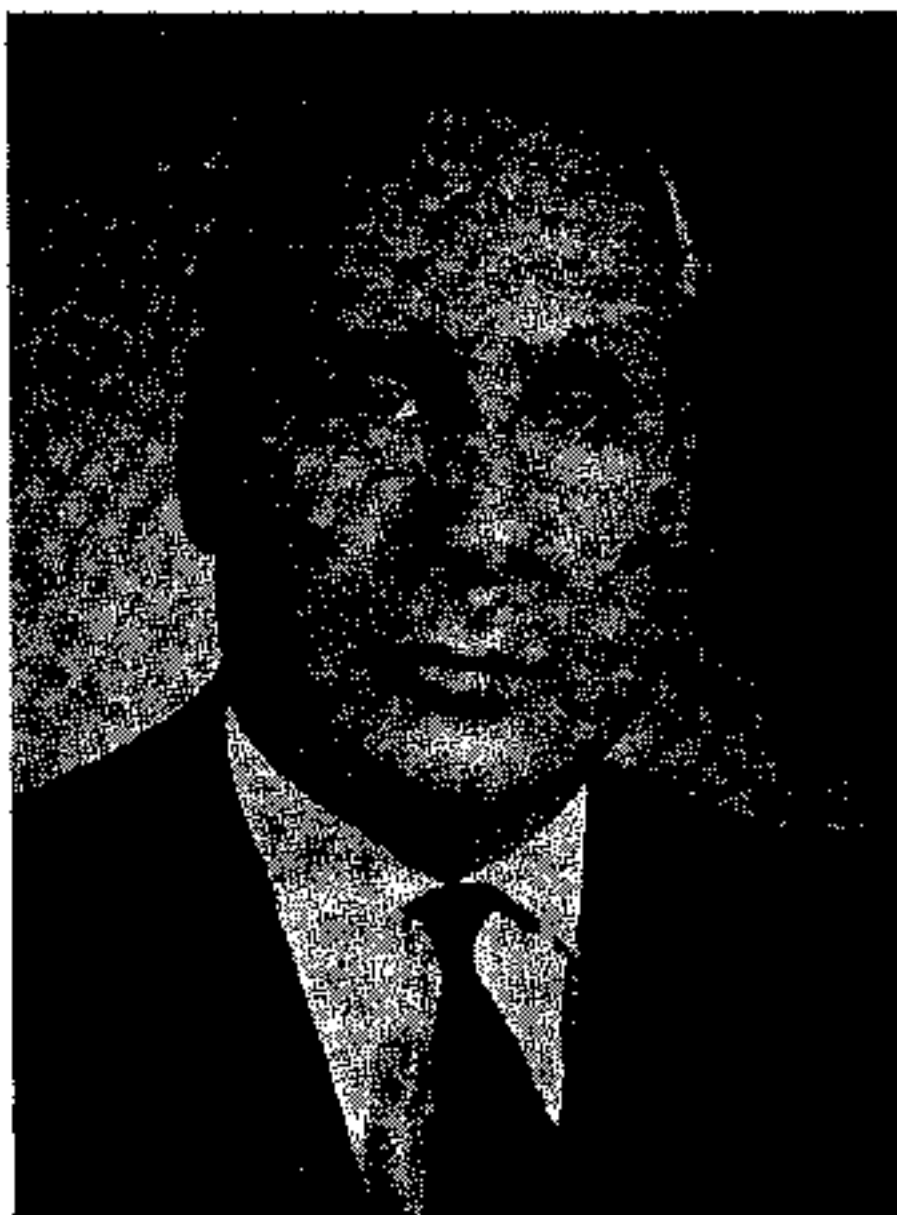
تشکیل لژهای آلمانی در ایران

انجمن فراماسون ایرانی که ب فکر تأسیس و ایجاد لژهای تابع گراند لژهای آلمانی در ایران افتاد ، دکتر تقی اسکندانی بود . وی که تحصیلات عالی خود را در دوران زمامداری نازی ها در آلمان هیتلری پایان رسانیده بود ، از آن گروه میهن پرستانی است که «وطنپرست افراطی» نامیده می شوند . اسکندانی بیست و هفت سال قبل وارد خدمات دولتی شد و دو پست مهم دولتی او ، مدیریت عامل شرکت نساجی ایران و مدیریت شرکت برق تهران بود ، که در هر دو مقام با اداره مقتدرانه امور لیاقت و کاردانی خود را نشان داد . دکتر مهندس تقی اسکندانی که در آلمان

وارد لژ فراماسوئری شده بود ، در ایران باراهنمائی یکی از دوستان خود به لژ همایون پیوست .

دکتر اسکندانی از فعالیت در این لژ نه تنها خاطره خوبی ندارد ، بلکه اصول تشکیلات آنرا غیر صحیح می‌داند . خود او می‌گوید: وقتی از آلمان بایران آمدم با مرحوم حکیمی و آقای تقی‌زاده تماس گرفتم . با آنها گفتم فراماسون هشتم و می‌خواهم لژ فراماسونی در ایران تشکیل بدهم . آنها گفتند فعلا که زمینه ترویج این فکر در ایران آماده نیست . بعلاوه عده‌ای دور هم جمع شده‌اند و لژی تشکیل داده‌اند که از چگونگی کار و نحوه فعالیت آنها بی‌اطلاعیم . باراهنمائی این آقایان یا یکی از مقامات مؤثر لژ مذکور تماس گرفتم . در اولین ملاقات باعلائم و نشانی‌هایی که محمدخلیل جواهری داد ، فهمیدم که او نیز ماسون است ، و وارد تشکیلات لژ همایون شدم . در روزهای اول ، هنگام ورود به لژ ، جواهری به من گفت چون تو در آلمان بوده و عضویت لژهای دیگر را داشته‌ای ، باید فلان مبلغ را به اضافه هزینه تلگرافی که برای تحقیق درباره شما مخایره کرده‌ایم ، بپردازید . علاوه بر این هنگام گردآیدن کیسه خیریه ، هر چه می‌توانستند از اعضاء پول می‌گرفتند . در حالیکه سنت فراماسونیزم ، ایست که ماسون‌ها هر قدر می‌توانند ، کمک می‌کنند ، نه اینکه مجبورشان کنند که هر چه در جیب دارند بپردازند . وقتی وضع داخلی لژ همایون را چنین دیدم ، مشاهداتم را برای آقایان حکیمی و تقی‌زاده نقل کردم . آنها خندیدند و گفتند ما هم از این تشکیلات خبرهایی داریم ، ولی خود هیچگونه تمایل و علاقه‌ای بکار آنها نداریم . اما با آنان نیز مخالفت و مبارزه‌ای نمی‌کنیم .

چند ماهی در لژ کار می‌کردم ، تا اینکه برای انجام مأموریتی مجبور به مسافرت رضائیه شدم . طبق رسوم قدیمی و دیرینه ماسون‌ها ، موضوع و مقصد مسافرت را به اطلاع جواهری استاداعظم لژ رسانیدم . ولی ایشان به من گفتند ، فعلا دو هفته‌ای مسافرتان را به عقب بیاورید . پرسیدم چرا و به چه دلیل؟ او در جواب گفت «بزودی یکی از مأمورین اینتلیجنس سرویس به تهران می‌آید و می‌خواهد تو



«دکتر محمد علی اسگندانی دبیر بزرگشاه ایران و ژنرال ایران»

را ملاقات کند. از شنیدن این جمله نشست بر آشفتنم، لذا با اینکه در آن اطاق عده‌ای نشسته بودند و خواهی آهسته و درگوشی این مطلب را عنوان کرده بود، با صدای بلند گفتم: «من چه ارتباطی با این تبلیجتنس سرویس دارم؟ چرا باید با این تبلیجتنس سرویس ارتباط باشیم؟ من سال‌ها در تشکیلات فراماسونی آلمانی فعالیت می‌کردم، در آنجا جز خدمت بمردم و کمک به توسعه آزادی و برادری و سایر امور بخیریه کار دیگری نمی‌کردیم ولی حالا می‌بینم شما، مطالبی عنوان می‌کنید که به هیچ وجه ارتباطی با ماسونیزم ندارد.

این جماعات اعتراض آمیز من ، سبب دخالت چند نفر دیگری که حضور داشتند ، شد و آنها هم در بحث مشارکت کردند . ویکی دو نفر که از ذکر نامشان معنورم ، گفتند : عصبانیت شما بیهوده است ، ما هم چنین ملاقات‌هایی کرده‌ایم ... به آنان جواب دادم ، شما هم کار غلط و نادرستی کرده‌اید ، من حاضر نیستم در چنین اجتماعی شرکت کنم !

بعد از مراجعت از سفر ، يك شب در اجتماع باشگاه حافظ ، درباره فراماسونی درسویس و نحوه کار و فعالیت آنها سخنرانی مفصلی ایراد کردم که با اعتراض جواهری مواجه شد . او گفت مانعی خواهم فراماسونی سوئیس را سر مشق کار خودمان قرار بدهیم . ما با فراماسونی انگلیس بستگی داریم و عبودیت و سروری آنها را پذیرفته‌ایم . این گفتگوها و مشاجرات ، سبب شد که برای همیشه از لژ همایون کناره‌گیری کنم . بعدها شنیدم که دکتر غلامرضا کیان نیز اولین ناطقی بوده ، که علیه بعضی از عملیات انجام شده در لژ همایون سخنانی ایراد کرده است . پس از اینکه از لژ همایون کناره‌گیری کردم ، بار دیگر با آقای تقی زاده تماس گرفتم . و از آن روز تا کنون مرید ایشان هستم .

در فصول پیش چگونگی انحلال لژ همایون و تشکیل لژ های وابسته به اسکاقلند و فرانسه را به تفصیل بیان کردیم . در برچیده شدن لژ همایون ، مرحوم حسین علاء نقش مؤثر و درجه اول را داشته است و او را باید در این اقدام پیشقدم بدانیم . مرحوم علاء در این باره به نویسنده گفت : ابتدا تصور می‌کردم لژ همایون برای پیشرفت مرام و مقصد ماسونیزم بوجود آمده است . به همین جهت هرگاه محمد خلیل جواهری استاد اعظم لژ مذکور ، مراجعه‌ای می‌کرد ، بدون مضایقه او را كمك و یاری می‌کردم . زیرا او را بدون تردید فراماسون وابسته به یکی از لژهای معتبر می‌شناختم . ولی متأسفانه باید بگویم که او وعده زیادی از یارانش که اکنون در لژهای انگلیسی و فرانسوی فعالیت دارند و حتی مقامات عالیه را عهده‌دار

تشکیل لژ های آلمانی

شده‌اند، راه‌های غلطی در پیش گرفته بودند. آنان نه تنها در اجرای هدف‌های ماسونیزم نمی‌کوشیدند، بلکه اعمال و افعالی انجام می‌دادند، که حتی تکرار آنها برای من و هنر آورااست. ارتباط‌هایی که در این لژ با فراماسونهای خارجی برقرار شده بود، برای من که همیشه به‌این مملکت عشق می‌ورزم و بارها نشان داده‌ام که در راه سر بلندی واقعی میهنم در صفا اول پیکار بوده‌ام، ناراحت کننده بود. بعد از آنکه همه موجبات انحلال لژ همایون آماده شد، من در از هم‌پاشیدن سازمان مذکور پیشقدم شدم و خوشبختانه در این کار توفیق حاصل کردم.

بامتلاشی شدن لژ مذکور و تقدیس و تأسیس لژهای دیگر، مکرر از طرف شخصیت‌های فراماسونی ایران، بمن مراجعه شد که در یکی از سازمان‌های آنها شرکت جویم. ولی معلمی که باسلیقه و نظر شخصی‌ام ارتباط دارد، حاضر نشدم با آنها همکاری کنم. تا اینکه از طرف چند نفر از شخصیت‌های قابل اعتماد فراماسون، پیشنهاد تأسیس لژی که با دوسازمان ماسونیزم انگلیس و فرانسه بستگی نداشته باشد، عنوان شد. بعد از اینکه شش نفر از استادان ماسونیزم ایران، باهم برای تأسیس لژهای آلمان در ایران توافق کردند، با آنها هم عهد شده و فعالیت را که متأسفانه نمی‌توانم جزئیات آنرا افشاء کنم و یا نام برادرانم را بگویم، آغاز کردیم.

مرحوم علاء پس از اینکه با وساطت یکی از وزرای کابینه‌اش این مطالب را برای نگارنده شرح داد، قول گرفت که عین جملات ایشان را منعکس کنیم و بنویسم و پس از اینکه یادداشت‌های تنظیم شده را مجدداً خواندند و تصویب کردند آنها را نقل کنیم. در روز بعد از این ملاقات، آنچه را که گفته بودند، روزی کاغذ سفیدی نوشته به همان وزیر کابینه‌اش دادم تا بنظر وی برساند. مرحوم علاء بعد از خواندن جملاتی که گفته بودند، در روی چند کلمه با ممداد قرمز خط کشیدند ولی حاضر نشدند ذیل ورقه اظهارات را امضاء کنند. ایشان به همان وزیر کابینه گفته بودند «گفته‌شده‌ام از امضای من معتبرتر است»

با این مقدمات، نخستین لژ فراماسونی بنام «مهر» بنابه تقاضای
تشکیل سه لژ دیگر هفت استاد فراماسونی تشکیل شد. هفت استاد تقاضاکننده
عبارت بودند از:

حسین علاء - سید حسن تقی زاده - مختارالملک صبا - عبدالله انتظام - دکتر
قن اسکندانی - ابوالحسن حکیمی اتباع ایران و «فوگل» تبعه آلمان.

این هفت استاد ماسونی ابتدا از لژ «الپینا»ی سویس تقاضا کردند تا اجازه
تشکیل لژی بنام «مهر» تابع قانون اساسی این گران لژ مستقل و آزاد سویسی را
بآنها بدهند. ولی لژ «الپینا» سویس بآنها اطلاع داد که نمی تواند با این تقاضا موافقت
کند، زیرا گران لژ مذکور منحصراً در سویس فعالیت داشته و با هیچیک از سازمان
های فراماسونی جهانی بستگی ندارد.

در نتیجه هفت استاد مذکور از سازمان فراماسونی آلمان که «لژهای متحده
آلمان» نامیده می شد، تقاضای تشکیل لژی را که وابسته به آنها باشد نمودند.
سازمان ماسونی مذکور بلافاصله با این تقاضا موافقت کرد و اولین قدم این هفت نفر
تشکیل يك سازمان نیمه مخفی بنام «كلوب ماسونيك» بود. بطوریکه قبلاً گفته
شد، فراماسونها قبل از اعلام رسمیت و یا بعد از آغاز بکار و فعالیت، سازمان های
نیمه مخفی تشکیل می دهند و در زیر نام «كلوب» «انجمن» و «جمعیت» بکار می پردازند
این هفت استاد نیز که می خواستند بدون اتکاء و یا قبول تابعیت لژهای انگلیسی و
فرانسوی تشکیل جلسه دهند ابتدا سازمانی بنام «كلوب ماسونيك» تشکیل دادند
و چند نفری را نیز که می خواستند بلافاصله بمعویت بپذیرند بعنوان اعضای اولیه
وارد مجمع خود کردند. سازمان فراماسونی آلمان با اعلام قبولی تشکیل لژ مهر
در ایران منشور تأسیس لژ را صادر کرد و به اصطلاح ماسون ها «نور» از آلمان
بایران آورده شد و روز هفدهم بهمن ۱۳۳۸ لژ مهر در ایران تشکیل گردید.

همینکه چند ماهی از آغاز فعالیت لژ مهر گذشت، وعده اعضای این لژ بحد
صاحب رسید، مرحوم حسین علاء بنام «اولین استاد اعظم» این لژ انتخاب شد و

تشریفات انتصاب او با برگزاری همه آئین‌ها و مقررات لژهای آلمانی صورت گرفت. دبیر این لژ ابتدا دکتر تقی اسکندانی بود، و بعد از تشکیل گرامر لژ مستقل ایران، وی بسمت «دبیر بزرگ» گرامر لژ مذکور انتخاب گردید که تا امروز نیز همین سمت را دارد.

استقبالی که يك طبقه خاص، یعنی روشنفکران ایرانی از سازمان جدید-التأسیس مذکور نمودند، باعث شد، فکر تشکیل لژ دیگری که در آن ایرانیان «آلمانی زبان» و «آلمانی‌های مقیم تهران» عضویت داشته باشند. بوجود آید. این لژ که «آفتاب» نامیده می‌شود، در آن ایرانیان و آلمانی‌ها فعالیت داشتند و استادی آن با «فوکل» آلمانی بود. پس از تشکیل این دو لژ و ثبت نام و مشخصات آن در دفاتر فراماسونی جهانی، لژهای انگلیسی و فرانسوی که در ایران فعالیت می‌کردند، آنها را به رسمیت شناختند و درهای محافل خود را برای اعضای آن گشودند. زیرا بطوریکه قبلاً گفته شد، لژهای متحده آلمان هم پس از قبول «عبودیت و سروری و برتری» لژهای انگلیسی در سازمان‌های ماسونی جهان به رسمیت شناخته شده بودند و آمیزش و ارتباط با آنها را قانونی اعلام کردند. بنابراین لژهای انگلیسی و فرانسوی در ایران نیز این لژها را به صورت لژ با قاعده شناختند و حتی در تشکیل «لژ تهران» که در روز پانزدهم اردیبهشت ۱۳۴۷ در کلیسای انجیلی تهران واقع در خیابان قوام السلطنه تقدیس و تأسیس شد، شرکت داشتند. علاوه بر آن در یکی از جلسات این لژ دکتر تقی اسکندانی سخنرانی بسیار جالبی تحت عنوان «آئین باستانی و بزرگ بنایان آزاد در جهان و کشور ما» ایراد کرد.

فراماسونی آلمان که از پیشرفت سریع دو لژ مهر و آفتاب راضی شده بود، به هیئت رهبری این دو لژ اجازه داد تا لژ دیگری نیز تأسیس کنند. این لژ که «ستاره سحر» نامیده شد و در ردیف لژهای متحد آلمان در جهان در ردیف ۸۶۷ ثبت شده است، بزودی دارای چهل عضو شد و استادی آن به مهندس شریف امامی

واگذار گردید، مهندس شریف امامی که در مدت سه ماه عضویت در لژ آفتاب، از عضویت ساده به درجه استادی و حتی استاد ارجمند ترقی کرده بود، بزودی در رأس لژ «ستاره سحر» قرار گرفت.

پس از تشکیل این سه لژ، سازمان فراماسونی آلمان موافقت خود را با تأسیس گراند لژی از سه لژ (مهر - آفتاب - ستاره سحر) اعلام کرد. تشکیل فوری «گراند لژ ایران» بتدریج به اهمیت این سازمان فراماسونی افزود، بخصوص که کارگردانان و هیئت رهبری آن، سعی داشتند، بیشتر آداب و رسوم و ریتول‌های داخلی محافل را تغییر داده به آن شکل ایرانی بدهند. مثلاً در لژهای انگلیسی فرانسوی، امریکائی، مجسمه‌هایی از موسی - مسیح - سقراط - بقراط - آبراهام لینکلن و غیره می‌گذارند و آنها را ستایش می‌کنند. ولی در لژهای فراماسونی گراند لژ فوق‌الذکر، تمثال حضرت علی علیه‌السلام را نصب می‌کنند و ابیات مثنوی مولوی را می‌خوانند. این تغییرات که مرحوم حسین علاء در بوجود آوردن آن مؤثر بود، بتدریج سبب مخالفت لژهای انگلیسی و فرانسوی و سنت پرستان با این لژها شد. لژهای انگلیسی سعی داشتند با ورود در جلسات لژهای (مهر - آفتاب - ستاره سحر)، افکار و نظرات و ریتول‌ها و تشریفات ماسونی خود را در این محافل رواج دهند. اما آنان حاضر به نزدیکی و همکاری نمی‌شدند، ناجائمه استاد اعظم لژ روشنائی ناچار از شکوه و شکایت بخاطر بی‌اعتنائی هیئت رهبری و استادان اعظم لژهای آلمانی شد. او در یک گزارش رسمی چنین می‌نویسد: «... رفتن ما به لژهای آلمانی از لحاظ رسمی مانعی ندارد، ولی به نظر من رفتن ما به آنجا مطلوب نیست، زیرا که تا کنون خود آنها تمایلی باین امر نشان نداده‌اند و به کمیته مرکزی پیوسته‌اند»^۱ استاد اعظم لژ سپس اظهار امیدواری می‌کند: «... امیدوارم که بزودی موافقت خود را برای پیوستن به کمیته مرکزی، با جمعیت کامل فراماسوئری اعلام دارند»^۲.

۱ - گزارش ۱۹ اپریل ۱۹۶۲ - لژ روشنائی به لژ افران امریکائی.

۲ - ایضاً همین گزارش.

پنج سال بعد از اینکه، لژهای آلمانی فعالیت خود را
اعلام استقلال آغاز کردند و گرانند لژی تشکیل دادند، در یکی از جلسات
 و خود مختاری عمومی «لژهای متحد آلمان» که دکتر تقی اسکندانی،
 شرکت کرده بود، موضوع «استقلال و خود مختاری» گرانند
 لژ مستقل ایران مطرح شد. اسکندانی، دبیر بزرگ گرانند لژ مستقل ایران از
 «تئودور ووگل» خواست تا موافقت هیئت مدیره و استادان لژهای متحده آلمان
 را با اعلام استقلال کسب کند. او ضمن توضیحات حضوری علاقه هیئت رهبری گرانند
 لژ ایران را به عدم همبستگی لژهای سه گانه (مهر - آفتاب - ستاره سحر) ابراز
 کرد و از او خواست تا اجازه داده شود که این گرانند لژ بطور خود مختار و مستقل
 عمل کند، همچنانکه بعضی از گرانند لژهای دیگر در کشورهای مختلف عمل
 می کنند. سرانجام در سامبر ۱۹۶۰ لژهای متحده آلمان، استقلال سه لژ فوق الذکر
 و گرانند لژ مستقل ایرانی را اعلام کردند و در مجله Die Bruder Schaft موافقت
 این لژها با استقلال و خود مختاری آنان اعلام شد.

یک سال بعد از این که لژ مذکور مستقلاً فعالیت کرد، در بلژیک «کنوان»
 لژهای متفق و متحد «لژهای متحده آلمان» تشکیل شد و طبق دعوت هیئت مدیره
 کنوان چند نفر نمایندگی گرانند لژ ایران در این جلسه شرکت کردند. در اولین جلسه
 نامه ای را که به امضای سه نفر از اعضای کرسی لژ ستاره سحر رسیده بود،
 نمایندگان ایران نشان دادند. در این نامه سناتور مهندس شریف امامی - سناتور
 اشرف احمدی - سناتور امیر حکمت به استاد اعظم لژهای متحده آلمان اطلاع
 داده بودند که با موافقت سی و هفت نفر از اعضای لژ ستاره سحر، آمادگی خود را
 برای الحاق و همبستگی مجدد به «لژهای متحده آلمان» و خروج از گرانند لژ ایران،
 اعلام می داریم. این چهل نفر در نامه خود به استاد اعظم لژهای متحده آلمانی نوشته
 بودند که کماکان مشتاق همبستگی و الحاق به ماسونی جهانی هستند و نمی خواهند
 در گرانند لژ مستقل ایران باقی بمانند. در حالیکه همان وقت دو لژ دیگر یعنی

(مهر- آفتاب) که «ووکل» و حسین علاء استاد اعظم آنها بودند ، همچنان در گران لژ مستقل باقی بودند . استاد اعظم لژهای متحده آلمان نمایندگان ایران می گوید: «چنانچه موافقت کنید ، امضاء کنندگان را از این لژ اخراج کنیم ، زیرا عمل آنها با انضباط و سنت ماسونی مغایرت دارد» نمایندگان ایران پاسخ می دهند که فعلا ، هیچگونه تصمیمی اتخاذ نشود تا در تهران با «استاد اعظم» مذاکره بعمل آید و تصور نمی رود وی هم با این اقدام موافق باشد .

پس از مراجعت نمایندگان اعزامی به «کنوان» بلژیک ، **اخراج از سازمان** گزارش کاملی درباره تقاضای چهل نفر فراماسون عضو «ستاره جهانی ماسونیزم سحر» از طرف آنان به حسین علاء استاد اعظم سه لژ (مهر آفتاب - ستاره سحر) تسلیم شد . مرحوم علاء از هیئت رهبری گران لژ تقاضا کرد تا در باره این تقاضای : (شریف امامی - امیر حکمت - اشرف احمدی) و سی و هفت عضو دیگر لژ ستاره سحر نظر قطعی بدهند . هیئت رهبری گران لژ مستقل ایران نیز ، پس از چند جلسه مذاکره سر انجام با جدائی همه امضاء لژ ستاره سحر موافقت کرد .

در همین ایام «استراکر» بنیان گذار لژهای فراماسونی انگلیسی ، برای تأسیس «تقدیس يك لژ انگلیسی» تهران آمد . او طی چند جلسه مذاکره با هیئت رهبری گران لژ مستقل ایران ، با آنان پیشنهاد الحاق یکی از گران لژهای وابسته به انگلستان را کرد ، ولی هیئت رهبری با این تقاضای مؤسس لژهای انگلیسی در ایران موافقت نکرد . در نتیجه وی به گران لژهای فرانسوی و انگلیسی در تهران دستور داد تا ارتباط همه جانبه خود را با اعضای لژهای (مهر- آفتاب) قطع کنند . بعد از مراجعت استراکر به انگلستان ، سازمان فراماسونری آلمان نیز بدستور گران لژهای فراماسونری انگلستان ، همه ارتباطات خود را با این دولتی قطع کرده و به حسین علاء اطلاع داده شد که از این پس در سازمان های فراماسونی جهانی لژهای آنها (غیر قانونی) شناخته می شود .

هیئت رهبری این «لژ» بلافاصله دولتر دیگر بنام‌های «وفا» و «صفاء» تشکیل دادند و باقیمانده آثار «عبودیت» لژهای جهانی را هم از خود دور کردند. اینان که جلسات خود را در محل انجمن اخوت تشکیل می‌دهند، نام محل تشکیل جلسات خود را «معبد» و «کارگاه» گذاشته و کسانی را به عضویت می‌پذیرند که قبلاً با سازمان جهانی ماسونیزم پیوندی، نداشته باشند. و بدین ترتیب تا امروز به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

اتشایون عضولتر «ستاره سحر» پس از اینکه از طرف اتحادیه دولتر آلمانی «لژهای آلمان» بر سمیت شناخته شدند، مستقیماً ارتباط ستاره سحر - ناهید خود را با مرکز این سازمان جهانی برقرار کردند. چهل نفر مذکور و هم‌چنین لژ تابعه آنها در ایران نیز مورد تأیید لژهای انگلیسی و فرانسوی قرار گرفت و پس از اعلام استقلال، حق آمدورفت در لژهای فعال ایران، با آنان داده شد.

اتحادیه لژهای آلمانی نام لژ «ستاره سحر» را در ردیف لژهای جهانی خود به شماره ۸۶۷ و سال تأسیس آنرا ۱۹۶۰ ثبت کرد. در سالنامه اتحادیه مذکور آدرس لژ را: تهران - خیابان تخت جمشید شماره ۱۶۴ و تلفن مأمور ارتباط و واسطه را سناتور امیر حکمت ۸۱۹۶۴ معرفی کرده است. در سالنامه سال ۱۹۶۴ سه رهبر این لژ را:

۱ - سناتور مهندس شریف امامی با تلفن‌های ۴۲۰۵۵ - ۸۱۹۹۴

۲ - ابوالحسن معدل - تجریش - خیابان ملک‌پور نمره ۸۷ تلفن ۸۵۲۳۳۸

۳ - قاسم لاجوردی - خیابان ژنرال زاهدی نمره ۶۸ تلفن ۴۰۷۶۵

در لژ «ستاره سحر» اینفنده از افراد مشهور و مؤثر در انشعاب معرفی شده‌اند:

۱ - مهندس شریف امامی - رئیس مجلس سنا

۲ - سناتور دکتر علی امیر حکمت

۳ - سناتور اشرف احمدی



این تصویر درقالار علنی مجلس سنا در لحظه ای که دکتر سعید مالک رئیس سنی مجلس سنا ، انتخاب ریاست سنا را به شریف امامی تبریک می گوید ، برداشته شده است

- ۴ - عباس آرام وزیر خارجه سابق و سفیر کبیر ایران در لندن
- ۵ - قدس نخعی وزیر دربار اسبق و سفیر کبیر ایران در واتیکان
- ۶ - دکتر سید مهدی پیراسته سفیر کبیر ایران در بلژیک
- ۷ - سناتور مطیع الدوله حبجازی
- ۸ - همایون بهادری
- ۹ - ابوالحسن معدل عضو شرکت نفت
- ۱۰ - قاسم لاجوردی - بازرگان
- ۱۱ - دکتر شفیع امین وکیل مجلس شورای ملی

اسامی سایر اعضای این دولت و منشعبین و هم چنین شرح اقدامات و فعالیت های آنان در جلد چهارم این کتاب به تفصیل خواهد آمد .

هیسترهبری لژ ستاره سحر ، با اجازه اتحادیه لژ های آلمانی در سال ۱۹۶۴ لژ دیگری بنام «ناهید» تشکیل دادند . مشخصات این لژ که از لژ های تابعه ستاره سحر معرفی شده :

تهران - قلهک خیابان امیر حکمت نمره ۳-۸۰ - دکتر علی امیر حکمت
تلفن ۸۱۱۳۱ می باشد .

اکنون که از تشکیل لژ های آلمانی ، انشعاب و استقلال و الحاق مجدد دولت به سازمان های ماسونی جهانی آگاه شدیم ، به معرفی دو استاد اعظم مادام العمر گراند لژ مستقل ایران ، می پردازیم :

نخستین استاد اعظم نخستین استاد اعظم گراند لژ مستقل ایران ، حسین علاء سیاستمدار مشهور ایران بود . وی که از بیست سالگی تاروژی که بدرو و حیات گفت صاحب مشاغل مختلف و حساس مملکتی بود در امر یکا بسازمانهای فراماسونی پیوست . حسین علاء که بلافاصله پس از خاتمه تحصیل وارد کارهای دولتی شده بود فقط تا یکسال بعد از تاجگذاری اعلیحضرت فقید ، رضاشاه کبیر شغل و مقام دولتی نداشت . ولی از آن پس مرتباً شاغل مقامات گوناگون ، از جمله مدنها سفیر کبیر ، وزیر ، و صاحب مقام های عالی دیگر دولتی بود .

حسین علاء در تمام دوران فعالیت سیاسی و اجتماعی خود - پس از بازگشت به ایران با تقی زاده ، حکیم الملک و سایر فراماسونهای متنفذ و سرشناس مملکتی ارتباط دائم داشت و بایاری و همفکری آنان امور مملکتی را اداره می کرد .

حسین علاء قبل از اینکه در لژ مهر و گراند لژ مستقل ایران بدریافت مقام «استاد اعظم» نایل شود از لژ ایده آل جهانی صاحب عالیترین عنوان یعنی مقام فراماسونری «مادام العمر» شده بود . نامه ای که وی در روز ۲۲ اوت ۱۹۵۱ در جواب استاد اعظم این لژ نوشته عیناً نقل می شود :



آقای نخستین استاد اعظم
لایحه استقلال ایران

تهران ۲۲ اوت ۱۵۹۱

عالیجناب آقای حشابی راشد استاد بزرگ با عنوان مادام العمر : لژیون آید آل
القی قاهره .

آقای جواهری ، منشی سازمان جهانی ایده آل در تهران نیت محبت آمیز
تان در مورد اعطای عالیترین درجه ماسونری به اطلاع من رسانید .

ضمن سپاس از قصد الثفات آمیز شما خاطر نشان می سازم که این افتخار بزرگی
که نصیب من می سازید قبول می کنم و همکاری برادرانه خود را اعلام می دارم و
انگرم که مردم که انتظار دارم از نقطه نظرهای عاقلانه و برادرانه ماسونری شما
بفایده می برم و سعی می کنم مستقیماً وظایف خود را انجام داده و به ایده آل خود

Success et d'obtenir l'écrit
de la loi, la liberté de la
presse et de l'école.

Trudges après, Grand
hérité, l'expression de nos
sentiments, nous avons
prouvé ainsi l'absence
de nos hauts
conoscience,

(Amman)

الجمعية الوطنية الأردنية من أجل الديمقراطية

- لواء دار السلطنة الاكبر العالي العالي

في القاهرة وبالقاهرة العالي العالي العالي



العلماء، والسياسة،
'٩٨

Un excellent, l'homme de
nombreux l'homme de
la nuit, à l'été, la nuit,
à la ligne, la nuit, la nuit,
à la nuit, la nuit, la nuit,

l'homme de
l'organisation, la nuit, la nuit,
l'homme, la nuit, la nuit,
la nuit, la nuit, la nuit,
la nuit, la nuit, la nuit,
la nuit, la nuit, la nuit,

l'homme de
la nuit, la nuit, la nuit,
la nuit, la nuit, la nuit,
la nuit, la nuit, la nuit,
la nuit, la nuit, la nuit,
la nuit, la nuit, la nuit,

و به صلح ، آزادی ، برادری و برابری خدمت کنم. استاد بزرگ امیدوارم صمیمانه
 در این احساسات برادرانه مرا و همچنین احترامات فائقه را بپذیرید . حسین علاء
 معلومی که پرویز صدیقی منشی مخصوص مرحوم علاء اظهار می داشت جواب
 نامه فوق را که به زبان فرانسه تهیه شده ، امیر عباس هویدا که از دوستان و افراد
 در علاقه حسین علاء نخست وزیر وقت بود انشاء و نوشته است . این نامه که روز
 ۱ اوت ۱۹۵۱ در قاهره به استاد اعظم لژ ایده آل جهانی رسید ، در دفتر لژ با
 باره ۹۹۸ به ثبت رسیده است و فتوکپی آن در سفر سال ۱۳۳۷ شمسی نگارنده
 مصر بدست آمد .

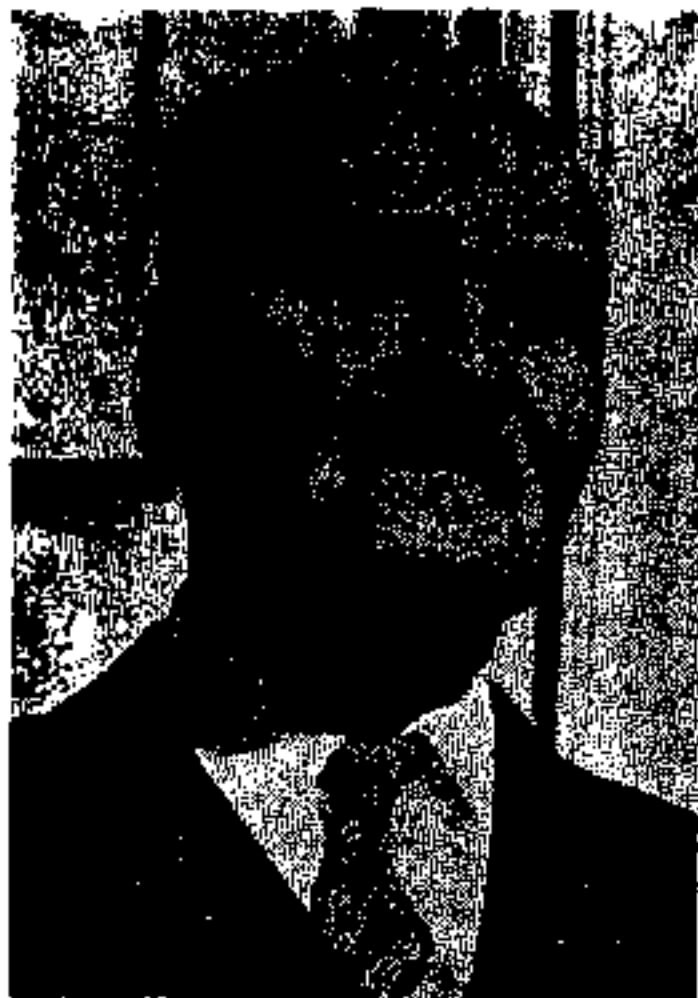
دومین استاد اعظم گران لژ مستقل ایران ، سید حسن
 تقی زاده یکی از بنیان گذاران لژهای آلمانی در ایران است .
 وی که یکی از بازماندگان انقلاب مشروطیت در ایران
 مبارمی رود ، نخستین بار در سال ۱۹۰۷ - م (۱۳۲۵ - ه) وارد لژیونری ایران شده
 پرونده او در دوسیه شماره ۲۵ کارتن شماره ۵ بایگانی لژ به ثبت رسیده است .
 بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ ، هرگاه در تشریفات فارسی زبان و محافل و مجالس
 سیاسی ذکری از سازمانهای فراماسونری و فراماسونهای معروف ایران می شد ،
 سید حسن تقی زاده در ردیف اول قرار داشت .

چنانچه در سال ۱۳۲۷ که از طرف عباس اسکندری شدید ترین حملات
 علیه فراماسونها در مجلس شورای ملی صورت می گرفت ، وی در استیضاح روز
 بیام دی ماه و در جلسه ۱۳۵ مجلس شورای ملی هنگامیکه در باره (نفوذ استعماری
 و بتالیای کبیر بوسیله فرقه فراماسون در ایران ^۱) بحث می کند ، نام عده ای از
 فراماسونهای ایرانی از جمله (حکیم الملک - تقی زاده - نجم الملک ^۲)

۱ - نفت و بحرین با عباس اسکندری در خدمت مجلس پانزدهم ص ۳۵۵

۲ - در مدت بیست و سه سال که مشغول تحقیق در باره فراماسونری در ایران بودم ، جز

در همین استیضاح و اطلاق عباس اسکندری هیچگاه به نام نجم الملک برخورد نکردم .



سید حسن تقی‌زاده فراماسون شصت‌ساله
دوهمین استاد اعظم (امام‌المعمر)
میراندلر مستقل ایران

را می‌برد^۱.

سید حسن تقی‌زاده در جواب عباس اسکندری در جلسه هفتم بهمن ۱۳۲۷
می‌گوید :

« حالا فقط نسبت به آنچه راجع به خودم است جواب مختصری می‌دهم و
با حرف‌های دیگر ایشان که قسمت اعظم آن پاك افسانه بود و پس ، مانند داستان
میوه‌م فراماسون و جمله به اشخاص صالح درجه اول این مملکت که از ابرار و
اخیار مملکت هستند ، یا قصه‌های جن و پری دیگر کاری ندارم^۲ »

۱ - رجوع شود به جلسه روز یکشنبه سوم بهمن ۱۳۲۷ مجلس شورای ملی . همچنین
فصل سی‌دوم همین کتاب.

۲ - مذاکرات مجلس شورای ملی جلسه سوم بهمن ۱۳۲۷

با اینکه سید حسن تقی‌زاده در جلسه علنی مجلس شورای ملی، فراماسونری در ایران را (داستان موهوم) دانسته و بحث در باره آنرا وسیلهٔ «حمله به اشخاص صالح درجهٔ اول مملکت» می‌داند با اینحال خود ایشان در یکی از شماره‌های مجله یادگار از فراماسونری یاد کرده و تنها آنجانب مملکت را، تشکیل جمعیت فراماسون در ایران می‌داند. وی می‌نویسد:

«چهارم تشکیل جمعیتی برای ترویج حیثیت و شرف و راستگویی و اجتناب از دروغ و دسیسه و نفاق و خودداری از مبالغه و اظهارات بی اساس و بی دقتی و عجز از مسامحه و پرهیز از غیبت و نمایی و مخصوصاً ترك مطلق تعارفات بی حیثیت رویا روی (که از بدترین مفاسد اخلاقی این ملت است) چه در کلام و عمل چه در کتابت.

اگر چنین انجمنی از مردمان صاحب‌دل و منزّه به وجود بیاید و به طور ثابت مستمر گذشته از تبلیغ قولی سر مشق مشهودی به دیگران نشان بدهد قطعاً در نهاد نهضت اخلاقی بی اثر نخواهد بود و مانند تأثیر محفل بناهای آزاد در انگلستان گرفته «دوستان» یا «کویکرها» در شای اخلاقی «انگلند جدید» در مشرق ممالک عده آمریکا و همچنین در خود انگلیس انقلاب اخلاقی تدریجی به وجود خواهد آورد ... علامت اصلاح اخلاق راستگویی موقوف کردن تعارفات و تملقات رویا روی، تنقید شدید به نظم در وقت، حفظ وعده و حضور در سر وقت، حفظ قول، بلندپروایی و سرفرازی، عدم قتل و تبعیت در عقاید از ارباب نفوذ و ورزش با قدرت ایجاد در کلام و اکتفا به حد لازم است و هر وقت ما اثری از این صفات در جمعی از جوانان خود دیدیم بالنسبه امیدوار می‌شویم و البته برای اینکار بهترین وسیله تشکیل جمعیت اخوانی است که مراتب حفظ صفات در همدیگر باشند و با تشویق

و احترام دارندگان صفات و تحقیر و طرد متخلفین^۱،

از جمله اقدامات جالبی که فراماسونهای عضو این گرانند
 يك اقدام جالب لژ آنرا بخود منسوب می‌کنند، مصاحبه مطبوعاتی معروف
 «سید طیب حسین» سفیر کبیر پاکستان در ایران است. طیب
 حسین که به علت اقامت دو دوره مأموریت چهارساله در ایران، رنگ و خوی
 ایرانی بخود گرفته بود، از جمله دیپلماتهای پاکستانی است، که تلاش فراوانی
 برای نزدیکی دو کشور مسلمان ایران و پاکستان بکار برد. وقتی دوران مأموریت
 وی در ایران پایان می‌یافت، بدوستان ایرانیش گفته بود، که پس از بازنشستگی
 به ایران باز می‌گردد و بقیه ایام عمرش را در ایران می‌گذراند. سید طیب حسین
 که به عضویت لژ فراماسونری «وفا» درآمده بود، پس از اینکه دولت پاکستان
 در سازمان ملل متحد نسبت به عضویت نماینده بحرین در یونسکورای موافق داد،
 درصدد برآمد این اقدام زیان بخش دولت متبوع خویش را در ایران ترمیم کند.
 زیرا پس از آنکه نماینده پاکستان در یونسکو به عضویت بحرین در این سازمان
 جهانی رأی داد، اولیای دولت ایران درصدد برآمدند که اقدامات شدیدی اتخاذ
 کنند. طیب حسین که در جلسات داخلی لژ «وفا» و سایر لژهای گرانند لژ مستقل
 ایران، مورد انتقاد قرار گرفته بود، ضمن مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه
 آیندگان، مجمع الجزایر بحرین را جزء لاینفک ایران دانسته و چنین گفت:
 «پاکستان بتوصیه‌های یکی دو دولت برای شناسایی بحرین و ایجاد رابطه
 سیاسی بازرگانی با این جزیره کوچکترین اهمیتی قائل نیست و کماکان برای رفت
 و آمدهای خود با بحرین قبلاً با دولت ایران مشورت می‌کنند زیرا پاکستان معتقد
 است که بحرین قسمتی از خاک ایران است و الحاق آن بخاک ایران از خواسته‌های دولت
 و ملت پاکستان است»^۲

طیب حسین سفیر کبیر پاکستان در تهران به خبرنگار آیندگان گفت «دولت

۱ - مجله یادگار شماره ۱۰ سال پنجم ص ۱۳

۲ - آیندگان شماره ۱۶-۱۴ دیماه ۱۳۴۶

من فقط عنوان خلیج فارس را برسمیت می شناسد و در کلیه مکاتبات خود برای دریای جنوب ایران از این نام استفاده می کند. و اگر تاکنون در چند مورد بعضی از جراید پاکستان به خلیج فارس نام خلیج عربی داده اند اشتباه مترجمان آن نشریه ها بوده است که همین خبر خبر گزاریهای مقیم کشور های عربی



را نقل کرده بودند و البته در این زمینه پاکستان از دولت ایران معذرت خواسته است.^۱ چندی بعد از این مصاحبه، یکی از استادان لژ مهر از اقدام طیب حسین ستایش کرد و تذکرات پی در پی برادران فراخسروش را در انجام این مصاحبه مؤثر دانست. دولت پاکستان نیز از آن پس، نظر سفیر کبیر خود در ایران را صحیح دانست و بعدها هم پرزیدنت ایوب خان، سیادت ایران را در خلیج فارس و حقانیت ایران را نسبت به مالکیت مجمع الجزایر بحرین صحیح و اصولی دانست.^۱

۱ - پس از رأی نهاییه پاکستان در سازمان یونسکو، وزارت خارجه ایران، علیه این اقدام نماینده هم پیمان ایران «درستو» و «پیمان عمران منطقه ای R.C.D» اعتراض کرد. پرزیدنت ایوب خان برای اینکه از حقانیت ایران در مجمع الجزایر بحرین آگاه شود، از سفیر کبیر ایران خواست تا اسناد و مدارک و یا کتاب مستندی که دولت و وزارت خارجه ایران دارد، برای او بفرستند. وزارت امور خارجه ایران بعد از مدت ها، کتاب «بحرین» پربان انگلیسی، تألیف دکتر فریدون آدمیت، دیپلمات بینکار و خانه نشین وزارت خارجه را برای پرزیدنت ایوب خان فرستاد.

کارگردانان لژهای چهارگانه (مهر - آفتاب - صفا - وفا
 بر نامه دو ماهه سعی دارند ، همه آداب و رسوم و تشریفات متداوله در لژهای
 جهانی را اجراء کنند . اینان که اکثراً در لژهای خارج از
 ایران فراخاسون شده‌اند، در ایران برای اجرای برنامه‌های منظم و از پیش تعیین
 شده، سعی فراوان دارند. برای نمونه يك برنامه دو ماهه لژهای فوق را نقل می‌کنیم:

برنامه دو ماهه :

برادرگرمی

برنامه تا آخر دیماه ۱۳۴۶ را بشرح زیر به استحضار می‌رساند:

لژ وفا - تنصیب	۱۳۴۶	۱۱	شنبه
» مهر - جلسه اداری	»	»	یکشنبه ۱۲
» آفتاب - تنصیب	»	»	سه‌شنبه ۱۴
» وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد	»	»	شنبه ۱۸
» صفا - جلسه اداری	»	»	یکشنبه ۱۹
تعطیل	»	»	سه‌شنبه ۲۱
» وفا - سخنرانی	»	»	شنبه ۲۵
» آفتاب - جلسه اداری	»	»	یکشنبه ۲۶
» صفا - تنصیب	»	»	سه‌شنبه ۲۸
تعطیل است	»	»	شنبه ۲ دیماه
» مهر - جلسه اداری	»	»	سه‌شنبه ۵
» وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد	»	»	شنبه ۹
» صفا - جلسه اداری	»	»	یکشنبه ۱۰
تعطیل است	»	»	سه‌شنبه ۱۲
» وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد	»	»	شنبه ۱۶
» آفتاب - ارتقاء	»	»	سه‌شنبه ۱۹

شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۴۶

لژ وفا - تنصیب - شام عمومی در انجمن

سه شنبه ۲۶

و آفتاب - تنصیب

شنبه ۳۰

و وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد

در صورتی که تشکیل جلسات دیگری ضرورت پیدا کند بموقع توسط دبیر مربوط اطلاع داده خواهد شد.

ساعت شروع جلسات همیشه شش بعد از ظهر می باشد - توجه آن برادر ارجمند مخصوصاً علاقمندی و کوشش در حضور موجب کمال امتنان خواهد بود.

کارگردانان و بنیان گذاران لژهای وابسته به اتحادیه لژهای فراماسونهای عضو آلمان، از نخستین روز فعالیت خود سعی کردند، در میان چهار لژ گراند لژ طبقه روشنفکر مملکت و دانشگاهیان نفوذ و رسوخ کنند. مستقل ایران استادان این لژ برای انتخاب اعضای جدید اهمیت خاصی قائل هستند و برای پذیرفتن يك عضو جدید، مقررات و شرایط دشواری در نظر گرفته اند. چنانچه برای پذیرفتن يك عضو جدید، می بایستی اقداماتی بشرح زیر معمول گردد:

۱ - لژهای فوق الذکر عضو غیر ماسون و درخواست کنندة عضویت را (جوینده) می خوانند، در حالیکه در لژهای تابع انگلیسی ها، اینگونه افراد را (پیکانه) می گویند.

۲ - هنگامیکه جوینده ای تقاضای عضویت در لژ را می کند و یا يك استاد لژ پیشنهاد عضویت فرد جدیدی را مطرح می سازد، درخواست یا پیشنهاد به يك کمیسیون تحقیق که مرکب از افراد زیرند ارسال می شود:

الف - ناظر اول و راهنمای لژ.

ب - دو برادر عضو

ج - یکی از اعضای هیئت رهبری لژ.

اینده که بموجب آراء جلسه عمومی لژ انتخاب می شوند تقاضای (جوینده)

را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳ - استاد ، ضامن عضو جدید ، باید مسئولیت و ضمانت :

الف - اخلاق و شایستگی

ب - تعهدات مالی

ج - رفتار و درجه اطاعت از دستورات و اوامر را قبول و تعهد کند

۴ - قبل از اینکه قبولی (جوینده) اعلام شود ، بایستی شرح حال او را همراه با سوابق و صفات و مخصوصاً شایستگی وی برای عضویت در جرگه (بنایان آزاد) اعلام کنند .

۵ - نقاضای (جوینده) در شورای صاحب منصبان مطرح می‌شود .

۶ - اگر شورای صاحب منصبان لژ که از اعضای هیئت رهبری تشکیل شده است عضویت (جوینده) را رد کرد به استاد معرف و ضامن توصیه می‌کند که پیشنهاد خود را مسترد دارد .

۷ - در صورت قبولی عضویت (جوینده) پیشنهاد استاد ضامن و معرف را به جلسه شاگردان ارجاع می‌کند .

۸ - اگر در جلسه عمومی اعتراضی نشد ، رئیس کمیسیون پذیرش ، به برادر معرف می‌گوید تا مدارک زیر را از عضو جدید بگیرد :

الف - شرح حال کامل خود با ذکر محل سکونت .

ب - مشاغل مختلفی که جوینده داشته است .

ج - رو نوشت شناسنامه و ۳ قطعه عکس .

د - تکمیل اوراق پرسشنامه .

۹ - در لژهایی که به گرانده لژهای جهانی بستگی دارند ، نسخه‌ای از اوراق هویت (جوینده) و یا (بیگانه) را به زبانی که آن گرانده لژ با آن زبان کار می‌کند ، تکمیل کرده و به مرکز لژ می‌فرستند .

قبل از تشکیل گرانده لژ مستقل ایران ، اینگونه اوراق به آلمان فرستاده

می‌شد ولی بعد از اعلام استقلال ، اوراق تکمیلی را به کمیسیون تحقیق فرستاده ، پس از تصویب (استاد اعظم) و قبول عضویت (جوینده) به معرف و ضامن اطلاع می‌دهند که نشریات و اوراق اولیه را در اختیار عضو تازه بگذارند.

در تمام دورانی که این تشریفات انجام می‌شود ، تا لحظه قبل از ورود (جوینده) به لژ اسم و عکس و شرح حال (جوینده) در معرض اظهار نظر همه فراماسونها قرار می‌گیرد . اما پس از قبولی عضویت جوینده ، کلیه گزارش‌های کمیسیون تحقیق و ضامن قبل از ورود (جوینده) به لژ نابود می‌شود .

۱۰ - بعد از اینکه همه مراسم انجام و تحقیقات کامل شد ، ابتدا رئیس کمیسیون تحقیق ، جوینده را به جلسه‌ای که خود او و دو عضو دیگر در آن حضور دارند ، دعوت می‌کند و با او به بحث و گفتگو می‌پردازد ، تا بار دیگر صلاحیت و شایستگی او را حضوراً تأیید کنند . در این جلسه مقدماتی پیرامون تشکیلات و هدفهای بنیان آزاد و فراماسونری جهانی را با تازه وارد در میان می‌گذارند . چنانچه او پس از این گفتگوها باز هم داوطلب ورود به جرگه ماسونها بود ، او را وارد لژ می‌کنند و در غیر این صورت موضوع عضویت (جوینده) مسکوت می‌ماند .

۱۱ - چهار هفته قبل از اخذ رأی مخفی ، در جلسه شاگردان ، مشخصات کامل داوطلب در اختیار اعضای جلسه قرار می‌گیرد . هنگام اخذ رأی اگر يك هفتم آراء اخذ شده مخالف پذیرش جوینده بود ، درخواست رد شده ، تا يك سال پس از تاریخ اخذ رأی نمی‌توان عضویت او را تجدید کرد .

۱۲ - اگر تازه وارد تا شش ماه برای تنصیب و انجام تشریفات حاضر نشد ، پرونده او به شورای صاحب منصبان فرستاده می‌شود ، تا نسبت به داوطلب نظر بدهند .

۱۳ - در صورت اعلام قبولی همه تشریفات ورود با چشم بسته به ترتیبی که در فصول جلد اول شرح داده شد - انجام می‌شود .

در گرانده لژ مستقل ایران، برای فرزندان فراماسونهای
مشخصات ۱۳۳ عضو قدیمی به خصوص فرزندان اعضای لژ بیداری ایران اهمیت
 زیادی قائل هستند. شورای استادان و هیئت رهبری،
 اینگونه افراد را (شیر بچه‌گان) می‌نامند و عضویت آنها را بر سایر داوطلبان و یا
 پیشنهاد شوندگان مقدم می‌دانند. بدین سبب در بین ۱۲۳ عضو چهار لژ (مهر -
 آفتاب - وفا - صفا) عده‌ای از فرزندان لژ بیداری وجود دارند که از جمله آنها
 فرزندان ونوق الدوله (علی ونوق) و قوام السلطنه (هادی قوام) را بایستی نام برد.
 در بین اعضای چهار لژ فوق‌الذکر که اسامی و مشخصات آنها تا پایان سال
 فراماسونی (۱۳۴۶-۱۳۴۷) بدست آمده است و عیناً نقل خواهد شد، هفت استاد
 فراماسونی آلمان هستند که به نظر می‌رسد، این عده از مؤسسين لژ آلمانی زبان
 آفتاب (قبل از اعلام خود مختاری) بوده‌اند.

این گروه که هنوز هم نامشان در بین اعضای لژ آفتاب نوشته می‌شود
 عبارتند از:

فن شیالات - شتگل - فوکل - کرمر - لاکروا - مولر - واناشافت .

علاوه بر اینها در خارجی دیگر، یکی «سید طیب حسین» سفیر سابق
 پاکستان در تهران و دیگری (ژوزف بو) تبعه سوریه رانیز بایستی نام برد.

از ۹ نفر مذکور که بگنیزیم، بقیه یکصد و چهار نفر عضو لژهای چهارگانه
 هستند که در بعضی از لژهایش نفر زیر، در دو لژ عضویت دارند.

۱ - نصرالله انتظام و مهندس رضا کیوانی، در لژهای مهر و وفا

۲ - ابوالحسن حکیمی و ادوارد ژوزف در لژهای مهر و صفا

۳ - عبدالله انتظام و دکتر جمشید مفخم در لژهای وفا و صفا

بدین ترتیب در چهار لژ گرانده لژ مستقل ایران تا پایان سال ماسونی ۱۳۴۶ -

۱۳۴۷ یکصد و بیست و سه فراماسون ایرانی و خارجی به شرح زیر فعالیت می‌کردند:

۱ - لژ مهر ۴۲ عضو

۲ - لژ آفتاب ۳۱ «

۳ - لژ وفا ۳۵ «

۴ - لژ صفا ۱۵ «

اینک به نقل اسامی ۱۲۳ عضو ایرانی و خارجی گرانند لژ مستقل ایران ،
مستخرج از اسناد رسمی دبیرخانه لژ می پردازیم :

لژهای تابع قانون اساسی گرانند لژ علی ایران

«لژ مهر»

الف :

آژبر - دکتر احمد

آذین فر - حسن

ادیبی - ابراهیم

ابهری - دکتر علی

اصفهانیان - حمید

اصفہانی - دکتر علی اکبر

انتظام - نصراله

ب :

بهمن - سیفاله

بختیار - آقاخان

بیات - پرویز

پ :

پیرنیا - دکتر حسین

پویانی - محمدحسن

ت :

تهرانیان - احمد

تقی زاده - سیدحسن

ج :

جمال پور - علی

جلیلی - سیدابوالحسن

ح:

حریر فروش - فتاح

حکیمی - ابوالحسن

خ:

خسروانی - دکتر خسرو

د:

دری - محمد

ز:

زرین کفش - علی اصغر

زرین کوب - دکتر عبدالحمید

ژ:

زوزف - ادوارد

ح:

صبا - نصراله (مختارالملک)

صدرزاده - مهدی

صفا - دکتر ذبیح‌اله

ع:

عرفان - محمود

ف:

فرناش - دکتر منوچهر

فرخان - هوشنگ

فرشی - محمدحسن

فرمانفرمایان - دکتر حافظ

فلاح رستگار - احمد

ق:

قوام - محمد

ک:

کیوانی - مهندس رضا

م :

مرشد - دکتر حسن مطیر - محمود

ن :

نجفی عرب - سیف‌الہ نیامیر - کاظم

و :

ورزیدہ - حبیب‌الہ

ھ :

ھاگویان - زاوَن ہمایونفر - محمد

ی :

یار شاطر - دکتر احسان

« لڑ آفتاب »

الف :

اردافی - خسرو

اسکندانی - دکتر تقی

امیر حکمت - دکتر کیومرث

ب :

بو - ژوزف

ت :

تہرانی - دکتر منوچہر

ج :

جہانداري - کیکاروس

ح :

حکیم زادہ - رضا

ز :

زریاب خوئی - دکتر عباس
زند - دکتر امیر حسن
زند - دکتر داریوش
زند - شاهرخ

س :

سلطان زاده پسیان - دکتر حسینی

ش :

شیلاوت - فن فرانز گئورک (در آلمان) شتگل - والتر (در آلمان)
شیبانی - دکتر احمد علی شیخ الاسلامی - مهندس حسینی
شیلاتی - دکتر امیر

ف :

فخر طباطبائی - غلامحسین فوگل - دکتر تئودور (عضو افتخاری)

ک :

کرمر - دکتر گئورک (در آلمان) کورس - حسن

ل :

لاکروا - دکتر هانز ورنر (در آلمان)

م :

ملک اصلاطیان - دکتر امانوئل مولر - بورنر (عضو افتخاری)
میکده - مهندس غلامعلی میکده - فریدون

ن :

نبوی - مهدی

و :

وانیافت - اسکار (در آلمان)

ه :

هربا - گرت (در آلمان)

«لڑ و فا»

الف :

اخوت - محمد
امینی - ایرج
انتظام - نصراله
الی - دکتر خان بابا
انتظام - عبداله

ب :

بجستانی - مهندس کاظم
بهرامی - علی اکبر
بیگلری - احمد علی

پ :

پورنسکی - دکتر رسول

ت :

تاج بخش - منوچهر

ج :

جهانداري - کیکاووس

ح :

حافظی - دکتر مسعود

ز :

زریاب خوئی - دکتر عباس
زرین کفش - علی اصغر

س :

سیاح - حمید

ش :

شاهمیر - مهندس نصرت الله^۱

ص :

صبا - نصر الله^۱ (مختار الملك)

صدوقی - دکتر حسین

صفائی - دکتر جواد

ط :

طباطبائی یزدی - عبدالله

طیب حسین - سید

ع :

علا - دکتر فریدون

غ :

غفاری - حسنعلی (معاون الدوله)

ق :

قوام - هادی

قندی - مهندس حسن

ک :

کیوانی - مهندس رضا

گ :

گنجی - مهندس رضا

گوهریان - مهندس ابوطالب

م :

مسعود - قیصر

مشیری - علی

مفخم - دکتر جمشید

ملك مدنی - سید هاشم

و :

وارسته - عباس

وثوق - علی

«لژ صفا»

الف:

اتحادیه - یوسف .

اردلان - دکتر اسماعیل

اسدی لشکرودی - نصرت‌الله .

امیر ابراهیمی - دکتر جهانگیر .

امیری - عنایت‌الله .

امین - سید جعفر .

انتظام - عبدالله .

ح :

حکیمی - ابوالحسن .

ژ :

ژوزف - ادوارد .

ش :

شفیعاها

ص

صفائی سمنانی - عبدالعلی

م :

مشکونی - مهندس محمدولی

مفتاح - حسین

مفخم - دکتر جمشید

مقیم - محمد

ه :

همایونفر - دکتر علی‌اسغر

آئین نامه لژ مهر

لژ مهر که در هفدهم بهمن ۱۳۳۸ در تهران تأسیس شده بود، پس از اینکه استادان فراماسونی آلمان، منشور تأسیس لژ را که بآن «نور» می‌گویند به ایران آوردند، نخستین کار مهمی که لژ مهر انجام داد، تهیه آئین‌نامه‌ای برای لژ مذکور و سایر لژهایی که از آن پس تشکیل می‌شد، بود. تهیه این آئین‌نامه پنج ماه به طول انجامید و چون پابان آن مصادف با تعطیلات لژها بود، قرار شد، در آغاز سال ماسونی بعد (شهریور ۱۳۳۹ - خرداد ۱۳۴۰) مطرح شود. در نتیجه آئین‌نامه مذکور در جلسه عمومی شاگردان در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۳۹ به تصویب رسید. در آن روز استاد لژسید حسن تقی‌زاده و دبیر لژ غلامعلی میکده بود. پس از تصویب آئین‌نامه مذکور در «جلسه عمومی»، هیئت رهبری آنرا برای تصویب به شورای اداری لژ بزرگ ایران، فرستاد و این سازمان نیز آئین‌نامه پیشنهادی را به تصویب رسانید و ذیل آن را آقایان عبدالله انتظام با سمت «استاد بزرگ» و تقی اسکندانی با سمت «دبیر بزرگ» امضاء کردند. متن آئین‌نامه لژ مهر که از باقیمانده اوراق یک شرکت مقاطعه‌کاری به دست آمده است^۱، در اینجا عیناً نقل می‌شود:

۱- از یک همکار مطبوعاتی که این آئین‌نامه را در اختیار نگارنده گذارده است، سمپاده

آئین نامه

لژ مهر

در

شرق تهران

مصوب

۱۵ آذر ماه ۱۳۳۹

فهرست آئین نامه

از ماده	تا ماده	
۱	۴	مقدمه
۵	۷	فصل اول - اعضای لژ
۸		فصل دوم - تشکیلات لژ
۹		جلسه استادان
۱۰	۱۳	الف - وظائف تفتیش
۱۴		ب - وظائف اداری
۱۵	۱۶	ج - وظائف قضائی
۱۷		جلسه رفیقان
۱۸	۲۱	جلسه شاگردان (جلسه عمومی)
۲۲	۲۸	استاد لژ
۲۹	۳۰	هیئت رهبری
۳۱	۳۳	- شورای صاحب منصبان :
		وظائف صاحب منصبان
۳۴		قائم مقام استاد لژ
۳۵	۳۶	ناظران

۳۸	۳۷	خطیب
۴۱	۳۹	دبیر
۴۴	۴۲	خزانه‌دار
	۴۵	امین خیریه
	۴۶	برادر راهنما
	۴۷	استاد تشریفات
	۴۸	نگهبان
	۴۹	کتابدار و بایگان
	۵۰	برادر مأمور موسیقی
	۵۱	سرایدار

تا ماده	از ماده	فصل سوم :
۶۴	۵۲	الف - جوینده - تنصیب - عودت - مستعفی
۶۷	۶۵	ب - ارتقاء - اعتلاء
		فصل چهارم - مقررات مالی
۷۶	۶۸	الف - عایدات
۸۰	۷۷	ب - مخارج
۸۴	۸۱	ج - دارائی
۸۹	۸۵	د - حسابداری
		فصل پنجم :
۹۵	۹۰	الف - تخلف - کیفر
	۹۶	ب - قنردانی
۹۹	۹۷	ج - استعفا
	۱۰۰	د - انحلال
۱۰۲	۱۰۱	ه - مقررات نهائی

مقدمه

ماده ۱ - لژ مهر که در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۳۸ در شرق تهران تأسیس شده است تابع لژ بزرگ ایران می باشد .

ماده ۲ - بر طبق اساسنامه لژ بزرگ ایران اعضای این لژ آئین بنائی آزاد را از روی اصول موسوم به «سن ژان» در سه رتبه شاگردی رفیق و استادی مجری می دارند و بنابراین لژ مهر از هر جهت قانونی و کامل می باشد .

ماده ۳ - تشکیل این لژ در حدود قوانین و مقررات کشور ایران صورت گرفته است .

ماده ۴ - هدف لژ مهر عبارت است از :

- ۱ - سعی در بالا بردن سطح فکری و اخلاقی اعضای خود
- ۲ - عمل به اصول بشردوستی و نیکوکاری .
- ۳ - کوشش در توسعه و تقویت دوستی و برادری میان اعضای خود .
- ۴ - کوشش در اجرای اصول مندرج در قانون اساسی لژ بزرگ ایران و اطاعت از دستورهای آن .
- ۵ - کوشش در تربیت و تهذیب اخلاق عامه .
- ۶ - بنایان آزاد وطن ایران بوطن خود از هر جهت علاقمند و وفادارند و دفاع از آزادی و استقلال و حفظ داخلی کشور را وظیفه مقدس خود می دانند .

فصل اول

- ماده ۵ - اعضای لژ مهر عبارتند از اعضای رسمی مجاز و افتخاری .
- اعضای رسمی عبارتند از مؤسسين لژ و کسانی که بموجب مقررات این آئین نامه از راه تنصیب پذیرفته شده اند و یا برادرانیکه باین لژ ملحق شده اند .
- عضویت مختار افتخاری از طرف لژ با اعطاء رسمی اعطاء می شود که دارای رتبه استادی بوده و خدمات شایانی به بنائی آزاد و لژ مهر کرده باشند .
- اعضاء افتخاری

اعضائی هستند که از سایر لژها بعنوان افتخاری عضویت پذیرفته می‌شوند .
 ماده ۶ - اعضای افتخاری دارای حق رأی مشورتی خواهند بود. اعضای افتخاری
 بجلسات دعوت می‌شوند و از ادای حق عضویت معاف هستند .
 ماده ۷ - بنایان آزاد که بستگی به لژ بزرگ ایران دارند و یا به لژهای دیگر
 بستگی دارند می‌توانند در جلسات لژ مهر حضور یابند مشروط بر اینکه قبلاً بوسیله
 يك عضو رسمی باستاد لژ معرفی شده باشند . مهمانان عضو لژهای شناخته شده با
 ارائه ورقه عضویت خود که منطبق با اصول باشد با اجازه استاد لژ پذیرفته می‌شود.
 مهمانان مکلفند که انتظامات لژ را رعایت نمایند .

فصل دوم

تشکیلات لژ

ماده ۸ - تشکیلات لژ عبارت است از:

۱ - جلسه استادان

۲ - جلسه رفیقان

۳ - جلسه شاگردان (جلسه عمومی)

۴ - شورای صاحب منصبان

۵ - هیئت رهبری

۶ - استاد لژ

۷ - کمیسیون تحقیق درباره جویندگان

۸ - کمیسیون محاسبات

تبصره - وظائف و اختیارات فوق در این آئین نامه تعیین شده است .

جلسه استادان

ماده ۹ - جلسه استادان بعنوان مقام ارشد لژ دارای وظائف تفتیس و اداری
 و قضائی می‌باشد .

الف - وظائف تفتیس

ماده ۱۰ - فقط جلسه استادان در موارد زیر بحث کرده و تصمیم می‌گیرد:

۱ - آنچه منوط به رتبه استادی است .

۲ - آنچه مربوط به مراسم (Rituel) رتبه های سه گانه لژ می باشد .
 ماده ۱۱ - جلسه استادان قبلاً در موارد زیر بحث نموده بعد بجلسه شاگردان
 پیشنهاد می نماید :

۱ - طرحهای مربوط به آئین نامه و مقررات و همچنین دستورها و اوامری
 که برای لژ اجباریست .

۲ - بحث و اصلاح و قبول یارد طرح مراسم (Rituel) و تغییراتی که از
 طرف هیئت رهبری پیشنهاد می شود .

ماده ۱۲ - برای انتخاب استاد لژ جلسه استادان سه نفر را نامزد کرده بجلسه
 شاگردان پیشنهاد می نماید . همچنین پیشنهاد انتخاب صاحب منصبان و مقامات مهم
 دیگر لژ و یا نمایندگان اعزامی به لژ بزرگ به عهده جلسه استادان است .
 پیشنهاد شوندگان باید در جلسه شاگردان به اکثریت آراء انتخاب شوند .
 تبصره - هر استادی حق دارد درخواست رأی مخفی نماید .

ماده ۱۳ - جلسه استادان دستورهایی را که شورای صاحب منصبان برای
 نمایندگان اعزامی به لژ بزرگ یا به مجمع بنایان آزاد (Convent) پیشنهاد می کند
 مورد بحث قرار می دهد و در صورت موافقت آنها را تأیید می نماید و بعداً گزارش
 اقدامات آنان را می خواهد .

ب - وظایف اداری

ماده ۱۴ - جلسه استادان عهده دار امور مربوط باخذ رأی و پذیرش در رتبه های
 سه گانه و تعلیمات در رتبه سوم می باشد بشرط تصویب لژ بزرگ و بنام لژ می تواند
 با مقامات بنایان آزاد وارد مذاکره شده قرار داد ببندد . در مورد استعفای عضوی
 بحث کرده تصمیم بگیرد .

ج - وظایف قضائی

ماده ۱۵ - جلسه استادان بعنوان مقام ارشد با اختلافات حاصله بین ارکان لژ
 و یا اعضای آن رسیدگی کرده حل و فصل می نماید و در صورت لزوم امر را به شورای

اداری لژ بزرگ ارجاع می‌کند. رسیدگی به سوء تفاهم یا اختلاف نظر بین جلسه استادان و یکی از مقامات لژ یا بین یکی از این مقامات و استاد لژ به لژ بزرگ ایران ارجاع می‌شود.

ماده ۱۶ - جلسه استادان درباره برادرانی که از راه سوء نیت یا نفع شخصی از انجام وظیفه کوتاهی کرده یا دور از ادب و جوانمردی رفتار نموده اند یکی از طرق زیر اقدام می‌کند :

۱ - منع از حضور در لژ بمدت بیش از سه ماه

۲ - منع از انتخاب یکی از مشاغل لژ

۳ - عزل صاحب منصبی از مقام خود

۴ - برکنار ساختن از لژ

جلسه رفیقان

ماده ۱۷ - جلسه رفیقان از استادان و رفیقان لژ تشکیل می‌شود و وظیفه آن عبارت است از مذاکره و اخذ رأی درباره ارتقاء شاگردان به رتبه و تعلیمات مربوط باین رتبه. برادران رفیق مکلفند در جلسات تعلیماتی رتبه حضور یابند.

جلسه شاگردان (جلسه عمومی)

ماده ۱۸ - از اجتماع کلیه برادران استاد و رفیق و شاگرد جلسه شاگردان یا جلسه عمومی تشکیل می‌گردد. وظایف و اختیارات آن به قرار زیر است :

۱ - اخذ رأی درباره پذیرش اعضای جدید (اعم از جوینده و افتخاری یا عضو لژ دیگر).

۲ - اخذ رأی درباره پیشنهاد جلسه استادان دایر با انتخاب استاد لژ و انتخاب صاحب منصبان و انتخاب نمایندگان به لژ بزرگ.

۳ - اخذ رأی درباره تصام مسائل مالی و میزان حق عضویت یا پرداختهای احتمالی پیشنهاد شده.

۴ - بحث در حسابهای صندوق خیریه و تصویب آنها که بجله عمومی پیشنهاد می شود .

۵ - اخذ رأی در سایر امور مربوط به لژ با استثنای مسائل اختصاصی بجله استادان .

۶ - برادران شاگرد و رفیق مکلفند که در جلسه های تعلیماتی بنائی آزاد حاضر شوند .

ماده ۱۹ - برنامه جلسات لژ باقی در موضوع و روز و ساعت کار دو ماه به دو ماه تهیه و طبع می شود . این برنامه باید اقلاده روز قبل از اولین جلسه دو ماهه بوسیله پست به تمام اعضاء از روی آخرین آدرس که داده اند فرستاده شود .

ماده ۲۰ - برادران موظف هستند که سر ساعت مقرردر برنامه در محل جلسه حاضر شوند . بر حسب مقررات هنگام انجام مراسم در لژ باید تمام برادران حاضر در ردیفهای معین قرار گیرند .

برادرانی که نمی توانند در جلسه ای شرکت کنند قبلاً باید غیبت خود را کتباً یا بوسیله یکی از برادران با اطلاع استاد لژ برسانند .

ماده ۲۱ - اگر برادری شش ماه متوالی از حضور در جلسات لژ بدون خبر و عذر موجه غیبت کند مستعفی محسوب می شود .

برادران عضولژ که در مسافرت یا خارج تهران اقامت دارند هر شش ماه یکبار غیبت خود را با اطلاع استاد لژ می رسانند .

استاد لژ

ماده ۲۲ - استاد لژ رئیس و رهبر لژ بوده و مجری قوانین و ستن اصلی بنایان آزاد و آئین نامه لژ بوده و ریاست کلیه اجتماعات لژ با اوست . استاد شخص اول لژ است . اختیار ازش مبنی بر اعتماد برادران لژ با اوست . هرگز بر تری خود را ظاهر نمی کند و چون برای رهبری اشخاص برگزیده می شود باید صاحب صفات

لازم برای چنین مقامی باشد. بی نظری، راستی و ملایمت رفتار او موجب یگانگی و اتفاق برادران است.

ماده ۲۳ - در جلسه خاص که برای انتخاب صاحب منصبان تشکیل می یابد استاد لژ از بین سه نفر با کثرت آراء انتخاب می شود.

تبصره - تجدید انتخاب استادی ناسه دوره مجاز است.

ماده ۲۴ - استاد لژ بزرگ یا نماینده اوطی مراسم باشکوهی استاد جدید را در کرسی استادی مستقر می سازد.

ماده ۲۵ - هنگام تساوی آراء رأی استاد لژ قائم مقام اوقاطع است.

ماده ۲۶ - وظایف استاد لژ بقرار زیر است:

۱ - استاد همواره به تعلیمات اصولی بنائی در درجات سه گانه می پردازد.

۲ - هرگاه در جریان سال به جهتی از جهات محل صاحب منصبی خالی ماند استاد جانشین او را تعیین می کند.

۳ - دیپلمها و تصمیمات لژ و صورت جلسات هیئت رهبری در شورای صاحب منصبان را با اتفاق منشی و ناظران امضاء و مهر می نماید.

۴ - به خزانه دار و امین خیریه حواله صادر نموده و اسناد هرینه را امضاء می کند.

۵ - در مواردی که استاد استحقاق برادری با شخص مستمتدی را تشخیص داد می تواند تا مبلغ دو هزار ریال یا و کمات کند و بعد به شورای صاحب منصبان گزارش دهد.

ماده ۲۷ - استاد لژ در خارج از جلسات کتباً یا شفهاً بشخصه یا با موافقت هیئت رهبری به برادرانیکه وظایف خود را بنحو احسن انجام داده اند تشویق و ترغیب می نمایند.

ماده ۲۸ - استاد لژ می تواند برای حفظ انتظامات برادران ذیل را از شرکت در جلسات لژ محروم سازد:

۱ - کسانی که با وضعی مخالف آداب و ظاهر نامناسب وارد لژ می شوند.

- ۲ - کسانی که با رفتار خود در نظم اخلاص می کنند و یا از اطاعت مقامات رسمی لڑ سر باز می زنند .
- ۳ - برادرانی که با هم اختلاف دارند تا هنگام رفع اختلاف و سوء تفاهم .
- ۴ - کسانی که تحت تعقیب کیفری قرار گرفته اند تا هنگام صدور حکم تبرئه یا منع تعقیب و یا مصالحه .
- ۵ - برادرانی که بدون عذر موجه حق عضویت خود را نپرداخته اند .
- ۶ - برادرانی که از طرف لڑ در حال تعلیق هستند تا هنگام رفع تعلیق .

هیئت رهبری

ماده ۲۹ - هیئت رهبری مرکب است از: استاد لڑ - قائم مقام او - ناظران اول و دوم و خطیب . در موارد لازم دبیر یا خزانه دار نیز ممکن است دعوت شوند . تصدی امور لڑ و اداره آن بعهده این هیئت است و در موارد فوری می تواند تصمیم بگیرد .

هیئت رهبری نماینده رسمی لڑ نزد مقامات رسمی بنایان آزاد و مقامات کشوری می باشد .

ماده ۳۰ - هیئت رهبری در مسائل انتظام که رازداری در آن صلاح باشد می تواند به موجب مصلحت بینی بدون اطلاع مراجع دیگر عمل کند . در خصوص قبول اعضای جدید غور بیشتر کرده در مورد شکایات و اتهامات دقت وافی نماید .

شورای صاحب منصبان

ماده ۳۱ - شورای صاحب منصبان تشکیل می شود از :

- | | |
|---------------|---------------------|
| ۱ - استاد لڑ | ۲ - قائم مقام استاد |
| ۳ - ناظر اول | ۴ - ناظر دوم |
| ۵ - خطیب | ۶ - دبیر |
| ۷ - خزانه دار | ۸ - امین خیریه |

- ۹ - راهنما
 ۱۰ - استاد تشریفات
 ۱۱ - نگهبان اول
 ۱۲ - نگهبان دوم
 ۱۳ - کتابدار و بایگان
 ۱۴ - مسئول موسیقی
 ۱۵ - برادر سرایدار

تبصره ۱ - برای اجرای مراسم اقبال هفت صاحب منصب لازم است . تکثیر عده بسته بموارد احتیاج وعده اعضای لژ می باشد . مقامات مذکور می توانند معارفینی هم داشته باشند .

تبصره ۲ - استادان لژ که دوره ریاستشان به پایان می رسد حقاً عضو شورای صاحب منصبان می باشند و رأی آنها مشورتی است .

ماده ۳۲ - انتخاب صاحب منصبان قبل از خاتمه سال لژ در جلسه شاگردان که فقط باین منظور تشکیل می شود انجام می گیرد . تاریخ انجام تشریفات مربوط به مستقر ساختن آنان در مشاغل به عهده خود لژ است .

استاد لژ و صاحب منصبان برای مدت یکسال انتخاب می شوند و تجدید انتخاب آنان مجاز است لیکن هیچیک بیش از پنج سال در منصبی متوالی نمی مانند .
 ماده ۳۳ - هرگاه صاحب منصبی مجبور به غیبت از جلسه بشود باید قبلاً استاد لژ را مستحضر سازد تا جانشین برای او تعیین کند .

هر صاحب منصبی که بدون عذر موجه سه مرتبه متوالی از جلسات شورای صاحب منصبان یا لژ غیبت کند مورد اخطار قرار می گیرد . در صورت دوام غیبت مقام او بلا متصدی تلقی شده جانشین برای او تعیین می شود .

وظایف صاحب منصبان

ماده ۳۴ - قائم مقام استاد لژ هنگام غیبت استاد یا موقعیکه استاد این وظیفه را باو محول می دارد جانشین او می شود . او عضو هیئت رهبری می باشد .
 ماده ۳۵ - در موقع غیبت استاد لژ و قائم مقام او ناظران جانشین آنان می شوند .

معمولاً هر يك نظم ردیف خود را بعهده می گیرند .

- ماده ۳۶ - امتیاز ناظران عبارت است از : ۱ - عضویت هیئت رهبری . ۲ - هنگام اجرای مراسم لژ با يك ضربه چکش از استاد لژ اجازه کلام می طلبد - ۳ - برای برادران ردیف خود از استاد لژ اجازه کلام می خواهد .
تبصره - ناظران بدون اجازه استاد لژ ردیف خود را ترك نمی کنند تا آنكه جانشین برای ایشان تعیین شود .

خطیب باید شخصی ادیب و بافضیلت و خوش بیان بوده دارای فکر آزاد و بیطرف باشد . در مواقع اجرای مراسم سه گانه درباره اصول و مرام بنایان آزاد و مصالح لژ نطق کرده و به برادرانیکه بهرتبه بالاتر پذیرفته می شوند از طرف لژ تبريك بگویند . هنگام بحث در مطلبی یا سخنرانی نتیجه آنرا اختصاراً بیان کرده باتوجه باصول بنائی آزاد در آن اظهار نظر می کند .

ماده ۳۸ - خطیب همواره مترجم احساسات لژ بوده باعضای جدید حقوق و تکالیف آنانرا تعلیم می دهد . همیشه متوجه اجرای نظامات بنایان آزاد و آئین نامه لژ می باشد .

ماده ۳۹ - دبیر مسئول نگهداری اسناد و دفاتر لژ است . نسخه مراسم لژ (Ritual) هرگز نباید از لژ بیرون برده شود .

دفاتر عبارتند از : ۱ - صورت جلسات رتبه های سه گانه - شورای صاحب - منصبان ۲ - دفتر ثبت تصمیمات و قطع نامه ها ۳ - پرونده ایکه حاوی کلیه آئین نامه ها و اساسنامه ها و مقررات و تصمیمات لژ بزرگ ایران و استاد لژ بزرگ باشد ۴ - دفتر یا پرونده ضبط مراسلات ۵ - دفتر ثبت اعضای لژ بانام و نشان و تاریخ تولد و ورود و ارفقاء و اعتلاء و شغل و آدرس آنها ۶ - کتاب سیاهی متضمن نام کسانی که بعلت ارتکاب خطا و عملی برخلاف سوگند خود و برخلاف ادب و جوانمردی از لژ بنایان آزاد برکنار شده اند .

ماده ۴۰ - وظائف و تکالیف دبیر عبارت است از :

۱ - تهیه و ارسال دیپلوم‌ها و تصدیق نامه‌هایی که بامضای مقامات رسمی و خود او رسیده باشد .

۲ - تسلیم اسناد و مدارک و صورت‌های دیگر متعلق به لژ، به برادر مأمور بایگانی در موعد مقرر .

۳ - بررسی آرشیو لژ با حضور استاد لژ .

۴ - بامضاء رسانیدن تمام تصمیمات و مراسلات لژ .

۵ - امضای بعضی مراسلات با قید اینکه «بدستور لژ یا استاد لژ» می‌باشد .

۶ - ارسال نامه‌ها و مرسوله‌ها بامهر لژ .

۷ - تهیه صورت مجلس هر جلسه آن و قرائت آن در جلسه بعدی .

۸ - بدون اجازه استاد لژ نباید از اسناد و مراسلات لژ رو نوشت بردارد یا آنرا نزد خود نگاهدارد یا به کسی غیر مجاز تسلیم نماید .

۹ - دبیر هر سال یک گزارش از فعالیت‌های لژ می‌نماید .

ماده ۴۱ - در مقابل زحمات دبیر ممکن است پاداش برای او منظور گردد .

ماده ۴۲ - خزانه‌دار اعانت‌دار لژ است و مسئول کلیه دارائی لژ اعم از نقدی،

اوراق بهادار یا اشیاء قیمتی می‌باشد . او باید کلیه عایدات و مخارج را در دفاتر منظم درج کند . محاسبات باید هفتگی بر مدارک باشد که عواید و حق عضویت برادران در هر موقع تحصیل شود و باید نام برادر را در ادای حق عضویت کوتاهی کرده‌اند با اطلاع شورای صاحب‌منصبان برساند .

ماده ۴۳ - هر گاه موجودی صندوق بالغ بر ۲۰۰۰۰ ریال گردد باید آنرا در بانکی

که شورای صاحب‌منصبان تعیین می‌کند بگذارد . مبالغی که متعلق به لژ است جز با اجازه شورای صاحب‌منصبان و امضای استاد لژ و دبیر و خزانه‌دار نمی‌توان تغییر محل داد و یا به ارز و سرمایه دیگری تبدیل نمود .

خزانه‌دار در آخر هر سال مالی گزارش را جمع به صندوق و دارائی لژ تهیه می‌کند و آنرا با بودجه سال آینده به لژ گزارش می‌دهد و محاسبات و دفاتر را برای

بررسی کمیسیون محاسبات آماده می کند .

ماده ۴۴ - برادر خزانه دار ممکن است پاداشی دریافت کند .

ماده ۴۵ - امین خیریه در پایان هر جلسه مبلغی بعنوان اعانه از برادران دریافت می کند و مراقبت می نماید که برادران پیش از ترك جلسه این عمل خیر را انجام دهند . پس از آن وجه موجود را باخزانه دار لژ شمرده بدبیر گزارش می دهند تا در صورت جلسه یادداشت کند . وجوه حاصل را در دفتر مخصوص ثبت می کند . هر نوع اعانه و کمکی باید باتصویب شورای صاحب منصبان واجازه استاد لژ باشد . امین خیریه بیش از ۲۰۰۰ ریال نزد خود نگاه نمی دارد و مازاد را باتصویب همان مقامات در حساب علیحده می گذارد .

امین خیریه موظف است از برادران بیمار عضو لژ عیادت کند و آنانرا در مواقع سختی و گرفتاری ملاقات نموده تسلی داده و دلجوئی کند .

ماده ۴۶ - برادر راهنما که باید از آداب و رسوم بنائی آزاد اطلاع کامل داشته باشد موظف است جوینده را پس از پذیرفته شدن و پیش از تنصیب در خارج از لژ ملاقات کرده از افکار و عقاید او جويا گردد . هنگام ورود او را با طاق تفکر راهنمایی کرده تعلیمات و تذکرات لازم - در امور تنصیب را بار می دهد و او را آماده مراسم تنصیب سازد .

همچنین در موقع ارتقاء شاگرد بدرجه رفیقی و اعتلاء رفیق بیایه استادی آنانرا رهبری و آماده می نماید . رفتار برادر رهنما باید باوقار و رفق توأم باشد .
ماده ۴۷ - استاد تشریفات عهده دار آماده ساختن و آرایش لژ برای انجام مراسم بوده و در اجرای تشریفات مراقبت می کند مقامات عالیقدر و مهمانان را بداخل لژ هدایت کرده جای هر يك را نشان می دهد .

بدستور استاد لژ برادران شاگرد موظفند برای آماده ساختن لژ به استاد تشریفات کمک کنند .

ماده ۴۸ - نگهبان اول و دوم هنگام تشکیل لژ نگهبانی بمهده آنهاست و

برای نظم و ترتیب لژ با استاد تشریفات همکاری می کنند .

نگاهداری لژ و جلسات و اسباب و لوازم تشریفات وظیفه آنهاست .

هنگام مراسم در کنار دو ستون لژ می نشینند . برادران مهمان تازه وارد را پیش از ورود به لژ درباره بنائی آزاد امتحان می کنند و مدارك آنها را بررسی می نمایند .

هنگام اخذ رأی مخفی مهره ها را میان برادران تقسیم می کنند بعد با مراقبت جمع کرده با استاد لژ تسلیم می دارند .

ماده ۴۹ - کتابدار و بایگان مأمور حفظ و ترتیب اسناد و اوراق و پرونده های لژ می باشد . تنظیم کتابخانه و تهیه فهرست کتب نیز بعهده او می باشد .

ماده ۵۰ - برادر یکم مأمور موسیقی لژ است با موافقت شورای صاحب منصبان وسایل لازم را برای اجرای موسیقی در حین انجام مراسم تشریفات لژ آماده می سازد .

ماده ۵۱ - برادر سرایدار نگهبان لژ و اوقات آن و مسئول نظافت و آبدارخانه است .

وظایف او با قرارداد مخصوص معین می شود و مواجبی در حق او تعیین می گردد او باید تعهد بسیار دکه اسرار لژ را ابدأ فاش نکند .

فصل سوم

الف: جوینده - تنصیب - عودت عضو مستعفی

ماده ۵۲ - کسانی در لژ پذیرفته می شوند که از حقوق مدنی و سیاسی بهره مند بوده و در زندگی مستقل و بخود متکی باشند و از حیث معلومات و اخلاق و تقوی شایسته باشند .

ماده ۵۳ - درخواست یا پیشنهاد عضویت بکمسیون تحقیق مرکب از ناظر اول و راهنما و دو برادر دیگر از هیئت رهبری و یک استاد خارج از این هیئت با انتخاب

جلسه عمومی تفویض می‌گردد .

ماده ۵۴ - معرف عضو جدید باید دارای درجه استادی باشد و ضامن جوینده بوده مزایای اخلاقی و شایستگی او را تضمین نماید و مسئول تعهدات مالی و رفتار او در برابر لژ باشد .

ماده ۵۵ - جوینده در ضمن نامه از استاد معرف تقاضای کند که عضویت او را به لژ پیشنهاد کند . برادر معرف این درخواست را همراه شرح مختصری مبنی بر نظر خود درباره جوینده و سوابق و صفاتی که او را سزاوار ورود به حلقه بنایان آزاد می‌دارد به استاد لژ تقدیم می‌دارد جوینده باید اقل ۲۱ سال داشته باشد .

ماده ۵۶ - استاد لژ درخواست جوینده را در شورای صاحب منصبان مطرح می‌کند .

اگر این شوری معتقد باشد که جوینده دارای شرایط اخلاقی و شایستگی لازم و کافی نیست به معرف توصیه می‌کند که پیشنهاد خود را مسترد بدارد . در غیر این صورت درخواست را به جلسه شاگردان ارجاع می‌کند .

ماده ۵۷ - در صورتیکه در جلسه عمومی راجع به پیشنهاد اعتراض بعمل نیاید رئیس کمیسیون پذیرش از برادر معرف تقاضا می‌کند که جوینده شرح کامل خود را با ذکر محل سکونت و معلومات و شغل خود به همراه رو نوشت شناسنامه و سه قطعه عکس ۶ در ۴ تهیه کند و با پس‌سش نامه‌ای که باو داده می‌شود پر کرده توسط برادر معرف به کمیسیون ارسال دارد . معرف برای جلب توجه راهنمائیهای مجاز را با اطلاع جوینده می‌رساند و نشریاتی را که برای شناساندن بنائی آزاد به اغیار است به او ارائه می‌دهد .

ماده ۵۸ - اسم و عکس و شرح حال جوینده از حین وصول تاهنگام اخذ رأی مخفی در لژ در معرض نظر برادران قرار داده می‌شود .

ماده ۵۹ - کمیسیون تحقیق می‌تواند عده‌ای را برای کسب اطلاعات کافی و جامع درباره جوینده مأمور کند . این گزارشها بعد از ورود جوینده نابود می‌شود .

ماده ۶۰- رئیس کمیسیون تحقیق جوینده را به جلسه خصوصی که از خود او دور نفر از اعضای کمیسیون تشکیل شده است دعوت می کند و با او بحث می نماید تا معلوم شود که آیا او دارای صلاحیت و شایستگی ورود به جرگه بنیان آزاد هست یا نه و آیا با اصول بنائی آزاد و اجرای قوانین آن موافق است یا خیر .

ماده ۶۱- پیش از آنکه رأی مخفی گرفته شود نتیجه این تحقیقات و اطلاعات جلسه رسمی شاگردان به اطلاع عموم می رسد . این جلسه باید اقل چهار هفته پس از معرفی جوینده تشکیل شود . جلسه عمومی می تواند اخذ رأی را برای تحقیقات کاملتری بتأخیر بیندازد . هرگاه یک هفته آراء اخذ شده مخالف پذیرش جوینده باشد درخواست رد شده تلقی می گردد و تا یکسال پس از تاریخ اخذ رأی می توان در آن باب تجدید نظر کرد .

ماده ۶۲- هرگاه جلسه به قبول جوینده رأی داد تحقیقات تنصیب او در جلسه خاص لژ به موجب قوانین و سنن بنیان آزاد بعمل می آید .

اگر جوینده تا شش ماه برای تنصیب حاضر نشد بعداً پذیرش او با تکرار انذرات ماده ۶۵ و مواد بعدی انجام می یابد .

ماده ۶۳- حق تنصیب و حق عضویت مقرر در آئین نامه و سایر تعهدات مالی لژ روز پذیرش پرداخت می شود .

ماده ۶۴- پذیرفتن برادر عضو لژ مهر مستلزم آنست که برادر مزبور از لژ قبلی بصورت شرافتمندانه ای استعفا داده باشد و ثابت شود که هیچگونه مانعی برای قبول چنین استعفائی در آن لژ وجود نداشته است .

تبصره ۱- پذیرفتن چنین عضوی مستلزم انجام تحقیقاتی است که در حق جویندگان مقرر است .

تبصره ۲- برادرانی که از لژ مهر استعفا داده اند یا برادرانی که مدت متمادی فعالیت در بنائی آزاد را ترك کرده باشند بخواهند مجدداً وارد لژ بشوند پذیرفتن آنان منوط به انجام مقرراتی است که در حق جویندگان مجری است .

ب : ارتقاء و اعتلاء

ماده ۶۵- ارتقاء به رتبه دو و اعتلاء به رتبه سه بایشنهاده معرف و دعوت شورای صاحب منصبان انجام می گیرد. حداقل مدت لازم برای ارتقاء یا اعتلاء یکسال است. در مورد استثنائی باید از لژ بزرگ اجازه خواست.

ماده ۶۶- برادرانیکه برای ارتقاء یا اعتلاء دعوت می شوند باید در طی این مدت رغبت و شوق مخصوص از خود به بنائی آزاد نشان داده و در جلسه ها همواره حاضر شده و از تعالیم رتبه خود و تاریخ بنیان آزاد و اصول اساسی آن اطلاعات کافی کسب کرده باشند. نیز قبلاً طرح معماری به لژ ارائه داده باشند. شاگرد یا رفیق قبلاً موضوع طرح را با اطلاع استاد لژ یا خطیب رساننده و آنرا تهیه نموده و حداقل یکماه قبل از تاریخ ارتقاء یا اعتلاء به استاد لژ تقدیم می دارد.

ماده ۶۷- ارتقاء و اعتلاء برادران پس از امتحان و اخذ رأی مخفی در جلسه رفیقان یا استادان با تشریفات خاص خود صورت می گیرد.

فصل چهارم

مقررات مالی

الف : عایدات

ماده ۶۸- عایدات لژ حاصل می شود از :

۱- حق تنصیب و ارتقاء و اعتلاء و ورود به برادری که از لژ دیگر پذیرفته می شود.

۲- حق عضویت

۳- پرداختهای فوق العاده در موارد لازم.

۴- هرگونه هدیه یا اعانه و موقوفه ای که از طرف برادران به لژ داده می شود.

۵- عایدات لژ از ثروت منقول و غیر منقول آن.

ماده ۶۹ - حق عضویت نباید کمتر از ماهیانه ۳۰ تومان و حق تنصیب ۲۰۰ تومان یا ارتقاء و اعتلاء هر يك ۱۰۰ تومان باشند .

ماده ۷۰ - تعیین میزان عایدات شماره های ۱ و ۲ و ۳ هر سال بایشتهاد شورای صاحب منصبان در جلسه عمومی شاگردان بعمل می آید .

ماده ۷۱ - پس از اینکه جلسه عمومی شاگردان میزان حق عضویت را تعیین کرد برادر خزاندهار چگونگی پرداخت و موقع آن را با اطلاع اعضای لژ می رساند .

ماده ۷۲ - هرگاه برادری در مدت شش ماه از پرداخت حق عضویت خودداری کند برادر خزاندهار توجه او را بانجام وظیفه جلب می کند . پس از آن هرگاه به نتیجه ای نرسد ارسال دعوت به جلسات متوقف می گردد و ورود به لژها ناهنگام بر می م و منع ممنوع می شود .

ماده ۷۳ - هرگاه برادری از عهده پرداخت حق عضویت بر نیاید با موافقت هیئت رهبری و شورای صاحب منصبان ناهنگام بهبود وضع از پرداخت حق عضویت معاف می گردد و حق عضویت او از صندوق خیریه تأمین می شود .

تبصره - شورای صاحب منصبان می تواند در حق برادری که دارای مقامات علمی یا هنری بوده و وجود او در لژ مغتنم شمرده می شود ولی وسائل مادی کافی لرا اختیار نداشته باشد تسهیلات و تخفیقاتی قائل شود .

ماده ۷۴ - از اولاد برادرانی که ناهنگام وفات عضو لژ بوده اند نصف حق تنصیب دریافت می گردد .

ماده ۷۵ - برادران ذیل از تخفیف خاص یا معافیت از پرداخت حق عضویت استفاده می کنند . بشرح زیر :

اول تخفیف ۵۰ درصد :

۱ - برادرانی که خارج از شرق تهران زندگی می کنند یا خارج از کشور اقامت دارند .

۲ - برادرانی که ۲۵ سال مداوم عضو لژ باشند و پیش بند نفره بایشان

اعطا شود.

دوم معافیت .

اعضای افتخاری لژ و برادرانی که چهل سال مداوم عضو لژ بوده و پیش بند طلایی به آنان اعطا شده یا بیش از هفتاد سال عمر داشته باشند .

ماده ۷۶ - هر گونه بخشش یا هدیه یا موقوفه از طرف برادران یا اغیار جزو ثروت لژ محسوب می شود مگر آنکه از طرف اهداء کننده یا واقف مصرف خاصی که مطابق اصول بشر دوستی بنایان آزاد باشد برای هدیه یا موقوفه مزبور تعیین شده باشد .

ب - مخارج

ماده ۷۷ - وجوه حاصله منحصر آبه مصرف مخارج و تعهدات لژ خواهد رسید.
ماده ۷۸ - خزانه دار در آخر هر سال مالی بودجه سال آتی را با کلیه مخارج و تعهدات پیش بینی شده و عایدات لازم تهیه می کند . این بودجه پس از بررسی شورای صاحب منصبان و تصویب آن برای رأی نهائی به جلسه عمومی شاگردان پیشنهاد می گردد .

ماده ۷۹ - خزانه دار مجاز است بدون تأخیر مخارج معمولی مصوب در بودجه را تأدیه نماید . ضمناً موظف است اسناد هر بوطه را به امضای استاد لژ برساند . هر گونه مخارج فوق العاده فوری خارج از بودجه باید قبلاً به تصویب مقامات مسئول رسیده باشد :

- ۱ - استاد لژ ۵۰۰ تومان
- ۲ - شورای صاحب منصبان تا ۱۰۰۰ تومان
- ۳ - جلسه عمومی شاگردان بالاتر از مبلغ مذکور .

ج - دارائی

ماده ۸۱ - خزانه دار مجموع دارائی نقدی لژ مهر را با استثنای مبلغ مورد احتیاج با تصویب شورای صاحب منصبان در یکی از بانکها بنام لژ می گذارد .

ماده ۸۲ - اداره و حفاظت ثروت لزاعم از منقول یا غیر منقول بعهده شورای صاحب منصبان است. شورای مزبور در صورت لزوم می تواند از بهره برداری از آن از راعنمائی برادران بصیر استفاده کند. خزانه دار برای دریافت عواید مراقبت لازم را به عمل خواهد آورد.

ماده ۸۳ - لژ مهر می تواند مؤسسات خیریه یا فرهنگی و اجتماعی به نفع برادران لژ و یا عموم بنایان آزاد تأسیس کند. در صورت امکان و در مواقع مناسب اقدام به تشکیل سرمایه و صندوق مخصوص می نماید. ادا ده چنین سرمایه و صندوق ممکن است به کمیته ای غیر از خزانه دار سپرده شود.

ماده ۸۴ - هیچگونه قرض یا مساعدت از سرمایه صندوق لژ داده نمی شود.

د - حسابداری

ماده ۸۵ - حسابداری لژ به عهده خزانه دار است.

ماده ۸۶ - صورت حسابهای آماده برای رسیدگی به شورای صاحب منصبان تسلیم می شود. بعد به کمیسیون بازرسی محاسبات ارجاع می گردد. کمیسیون مزبور به مطابقت ارقام و اسناد حساب و موجودی صندوق رسیدگی می نماید و گزارش کتبی خود را با نظریاتی که دارد توسط شورای صاحب منصبان به جلسه شاگردان تسلیم می نماید. پس از آن این جلسه عمومی حسابها را به تصویب می رساند.

ماده ۸۷ - هرگاه اعتراض پیش آید حسابها برای تجدید نظر به شورای صاحب منصبان بر می گردد تا در مدت یک ماه گزارش مجددی به لژ فراهم نماید.

ماده ۸۸ - کمیسیون بازرسی به حساب صندوق خیریه و نیز هر صندوق دیگری که از طرف لژ ایجاد می شود رسیدگی کرده به طریق فوق گزارش می دهد.

ماده ۸۹ - اعضای کمیسیون بازرسی از طرف جلسه عمومی به مدت یکسال انتخاب می شوند و نباید عضو شورای صاحب منصبان باشند. اقلا یکی از آنان برای سال بعدی مجدداً انتخاب می شوند.

فصل پنجم

الف : تخلف - کیفر

ماده ۹۰ - هرگونه شکایت یا اتهام باید کتبی بوده امضای شاکی را در ذیل داشته باشد. شکایات را هنگام اشتغال و جلسه لژ نمی‌توان ارائه داد.

شکایت يك شاگرد یا يك رفیق باید به امضای دو استاد نیز رسیده باشد.

شکایت بر علیه يك صاحب منصب با امضای دو استاد پذیرفته می‌شود.

شکایت بر علیه استاد لژ و هیئت رهبری و شورای صاحب منصبان باید به امضای

سه استاد باشد.

شکایت باید عموماً خطاب به استاد لژ باشد و شکایت بر علیه شخص او تسلیم

ناظر اول گردد.

ماده ۹۱ - هیئت رهبری با شورای صاحب منصبان در شکایات مطالعه دقیق

به عمل می‌آورد.

پس از تفحص و تحقیق و استماع طرفین شکایت موضوع را در جلسه استادان

مطرح می‌نماید. اگر با وجود کوشش جلسه استادان سازش حاصل نشود رأی نهائی

خود را اعلام می‌دارد.

تصمیم جلسه استادان را می‌توان به توجه لژ بزرگ ایران ارجاع کرد.

رأی شورای اداری این مقام واجب‌الاجرا می‌باشد.

ماده ۹۲ - شورای صاحب منصبان می‌تواند اعضای را که رفتارشان مورد

اعتراض و ایراد قرار گرفته است از سه ماه تا يك سال از ورود به لژ متع کند.

تخلفات مهم عبارتند از : افشای اسرار و آداب و مراسم و علائم و کلمات

شناسائی متداول میان بنایان آزاد. توهین و تحقیر تشکیلات بنایان آزاد و مقامات

مسئول آن.

کسیکه نظر به اتهامی تحت تعقیب دادگاهی قرار گیرد تارفع اتهام، از ورود به لژ

ممنوع است.

ماده ۹۳- ممکن است بر حسب اهمیت مورد مجازات انفصال در حق خاطی و متخلف برقرار گردد. سایر موارد انفصال عبارت است از:

۱- امتناع از پرداخت حق عضویت ۲- محکومیت دادگاهها بجرم خیانت یا جنایت .

ماده ۹۴- انفصال در جلسه استادان بعد از بحث و مشاوره به رأی مخفی با اکثریت دو ثلث میسر است .

ماده ۹۵- هر کس که مستوجب یکی از تصمیمات فوق بوده باشد حق دارد موضوع را برای دادخواهی به لژ بزرگ ایران رجوع نماید .
تصمیم شورای اداری لژ بزرگ قاطع خواهد بود .

ب - قدردانی

ماده ۹۶- از برادرانی که خدمات شایان به لژ مهر یا بنایان آزاد کرده باشند به یکی از طرق ذیل قدردانی بعمل می آید :

- ۱- تشکر استاد
- ۲- تشکر به نام لژ
- ۳- تشکر در جلسه عمومی یا بوسیله هیئت نمایندگی فوق العاده
- ۴- انتخاب عضویت افتخاری
- ۵- تشکیل جلسه فوق العاده به احترام شخص مورد نظر
- ۶- اعلام خدمات آن شخص به تمام لژهای تابعه
- ۷- برپا کردن مجسمه یا بنائی به نام او در داخل یا خارج لژ
- ۸- اعطای پیش بند افتخار یا نشان

ج - استعفا

ماده ۹۷- هر عضوی اختیار دارد در هر موقع از لژ بطور دائم یا موقت به مدت يك سال استعفا بدهد . درخواست استعفا باید کتبی بوده دلائل آن به صراحت

و صداقت ذکر شده باشد. این استعفا به استاد لژ تقدیم می‌گردد.

استعفانامه پس از شورای صاحب‌منصبان و اظهار نظر آن به جلسه استادان احاله می‌گردد. جلسه استادان در صورتی که استعفا دهنده کلیه تعهدات خود را انجام داده باشد استعفا را «شرافتمندانه» والا به صورت استعفای ساده تلقی می‌نماید. ماده ۹۸- استعفا در صورتی پذیرفته می‌شود که عضو مستعفی تعهدات مالی خود را انجام داده باشد.

در غیر این صورت انفصال مورد توجه قرار می‌گیرد.

استعفا یا انفصال با اطلاع لژهای تابع لژ بزرگ ایران می‌رسد.

ماده ۹۹- شخص مستعفی یا منفصل ملزم است نشان - حمایل - پیش‌بند - علائم و کتب و مطبوعات بنائی را که از لژ دریافت داشته مسترد بدارد. ایضاً استعفا یا انفصال چنین شخصی را از هر گونه حق و مزایائی مشترك لژ محروم می‌سازد.

د - انحلال

ماده ۱۰۰- انحلال لژ وقتی صورت می‌گیرد که عده اعضاء به کمتر از دوازده نفر تقلیل یابد و از طرف شش تن از اعضاء کتباً درخواست شود.

درخواست انحلال باید در جلسه عمومی مرکب از تمام اعضاء مطرح گردد. دعوت اعضاء باید پانزده روز قبل از انعقاد جلسه صورت گرفته باشد.

رأی به انحلال مخفی است و با اکثریت دوثلث اعضاء تصویب می‌گردد.

دارائی لژ رانمی‌توان میان اعضاء تقسیم کرد. جلسه درباره مصرف آن برای مؤسسات خیریه یا عام‌المنفعه تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.

ه - مقررات نهائی

ماده ۱۰۱- تجدید نظر در آئین‌نامه فقط در جلسه مخصوص که بدین منظور تشکیل می‌شود امکان پذیر است و برای این منظور رأی دوسوم اعضای لژ لازم می‌باشد.

در صورت رأی به تجدید نظر شورای صاحب‌منصبان طرحی تهیه کرده پس از تصویب استادان به جلسه عمومی پیشنهاد می‌شود .

ماده ۱۰۲- این آئین‌نامه نباید منافاتی با مراسم جاری در لژ باشد و وقتی قابل اجراء است که به تصویب لژ بزرگ ایران رسیده باشد .

این آئین‌نامه در جلسه عمومی شاگردان در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۳۹ به تصویب رسید .

استاد لژ - سید حسن تقی‌زاده

دبیر لژ - غلامعلی میکده

این آئین‌نامه در شورای اداری لژ بزرگ ایران تصویب شد .

استاد بزرگ - عبدالله انتظام

دبیر بزرگ - تقی اسکندانی

اتحادیه جهانی فراماسون ها L.U.F

یکی دیگر از سازمان های تابعه ، گراندلژ ایران که همه فراماسون های این گراندلژ در آن عضویت دارند ، « اتحادیه جهانی فراماسونری » است که به نام اختصاری (لوف . L . U . F) خوانده می شود .

مؤسس این سازمان فراماسونی در ایران ، ابوالحسن حکیمی است که از پنجاه سال قبل تاکنون عضو لژ فراماسونری « الپینا » ی سویس می باشد . ابوالحسن حکیمی ، برادر ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) است که پس از خاتمه تحصیلات ، ابتدا در دبیرخانه جامعه ملل عضویت داشت ، سپس سه سال در تشکیلات ملل متفق سمت ریاست شعبه اقلیت ها را عهده دار بود و در مراجعت به ایران نمایندگی دوره شانزدهم مجلس شورای ملی انتخاب گردید . وی در تجدید فعالیت « جمعیت عامیون ایران » در



ابوالحسن حکیمی استاد ماسونی
لژ الپینا سویس

سال ۱۳۲۷ شمسی نقش مؤثری داشت ، و سخنرانی مهمی تحت عنوان « فرم اگر » یا « اصلاحات زراعتی » ایراد کرد .

ابوالحسن حکیمی که از اعضاء مؤثر «زبان اسپرانتو» در سوئیس می باشد، در تشکیل لژهای مهر و آفتاب نقش مؤثری داشت و از چند سال قبل تاکنون، شعبه «اتحادیه جهانی فراماسون ها» را در تهران دایر کرده است. این سازمان فراماسونی در سوئیس تشکیل شده و شعبه خاورمیانه آن در بیروت مستقر شده است. همین شعبه به ابوالحسن حکیمی و چند فراماسون دیگر اجازه تأسیس این تشکیلات را در ایران داده است. در اینجا عین اساسنامه اتحادیه مذکور را نقل می کنیم:

بنام معمار بزرگ جهان

«اساسنامه اتحادیه جهانی فراماسونها»^۱

ماده اول - «اتحادیه جهانی فراماسونها» جمعیتی است متشکل از بنایان - آزاد «مجازر کامل»^۲ که مستقلاً و فرداً به این جمعیت می گروند. هدف آن ایجاد پیوستگی و توسعه روابط هم پیوستگی بین بنایان آزاد در تمام جهان است و خواهان ایجاد تحرك و جنبش منظم «برادری» بین افراد و اقوام می باشد.

پیل به این مرام به وسایل ذیل میسر است:

الف - تبادل نظر شفاهی و کتبی -

ب - انتشار مجله ای برای اطلاع برادران -

ج - تشکیل مجالس بحث و محاوره -

د - تشویق مرتب مداوم و هرگونه مجاهدت به منظور ایجاد یگانگی و پیوستگی و اتحاد بین افراد و توسعه برادری جهانی و همگانی -

ه - انتشار کتب و اسناد مربوط به اتحادیه -

۱ - La ligue Universelle de Francs-Maçons «LUF»

۲ - مقصود بنای آزادی است که به موجب مقررات اساسی تنصیب شده و عضو لژ منظم و کاملی باشد تابع يك لژ بزرگتر -

و - تشکیل مجالس سخنرانی در معالک مختلف .

ز - دعوت و مبادله برادران برای سخنرانی .

ماده دوم - این اتحادیه از هر گونه دخالت در امور و فعالیت‌هایی که مربوط به ابدیانس^۱ها باشد احتراز می‌نماید و نیز در مسائل سیاسی و مذهبی رویه بیطرفی اختیار می‌کند .

ماده سوم - سمت عضویت در اتحادیه فقط به کسی داده می‌شود که با درخواست کتبی مدارك عضویت رسمی خود را در يك لث مجاز و کامل ارائه دهد . درخواست عضویت به این اتحادیه باید به هیئت رئیسه گروه محلی تسلیم شود و اگر در محل اقامت متقاضی چنین گروهی نباشد درخواست را به دفتر مرکزی اتحادیه می‌توان ارسال نمود .

ماده چهارم - اعضای که اعمالشان مخالف مرام این اتحادیه باشد - بعد از اخطار قبلی - به موجب تصمیم شورای اداری و مشورت با گروه ملی مربوطه از اتحادیه طرد می‌شوند .

ماده پنجم - اعضای که مستعفی می‌شوند ملزم هستند تصمیم خود را کتباً به دفتر گروه ملی خود و در صورت عدم آن به اداره مرکزی اتحادیه اطلاع دهند .

ماده ششم - اتحادیه متشکل است از اعضای رسمی و افتخاری . اعضای افتخاری بنا بر پیشنهاد شورای اداری توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و سهمیه‌ای نمی‌پردازند لیکن تمام مزایای يك عضو رسمی را دارا می‌باشند .

ماده هفتم - هیئت رئیسه برای مدت پنج سال از طرف مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و عبارت از نه عضو رسمی می‌باشد که از بین خود رئیس و دبیر و خزانه دار اتحادیه را بوسیله اخذ رأی انتخاب می‌نمایند . يك عضو دیگر را خود هیئت رئیسه از بین نه نفر منتخبه به سمت نایب رئیس انتخاب می‌نمایند .

۱ - منظور Obédience است .

مجمع عمومی می تواند علاوه بر نه نفر مذکور در این ماده، از رؤسای افتخاری یا اعضای افتخاری اتحادیه به عضویت هیئت رئیسه انتخاب نماید که با حق رأی در جلسات هیئت رئیسه شرکت کنند. هرگاه یکی از اعضای هیئت رئیسه در مدت تصدی کناره گیری کند هیئت رئیسه مجاز است جانشین او را از بین سایر اعضای هیئت رئیسه تکمیل نماید. مجمع عمومی این انتخاب را در جلسه بعدی تأیید می نماید.

ماده هشتم - رئیس و در غیاب او نایب رئیس نماینده اتحادیه در مقابل اشخاص ثالث می باشد و جلسات هیئت رئیسه و شورای اداری و مجمع عمومی را اداره می نماید. دبیر مأمور تنظیم صورت جلسات و مکاتبات است. خزانه دار مسئول اداره امور مالی است. گزارشهای آنها باید در اختیار مجمع عمومی گذاشته شوند، همچنین گزارش بازرس های حساب.

ماده نهم - هیئت رئیسه بر فعالیت ها و امور مالی اتحادیه مباشرت دارد. هر يك از اعضای هیئت رئیسه می تواند به وسیله نامه یا با دادن وکالت به عضو دیگر نسبت به تصمیمات هیئت رئیسه رأی بدهد.

ماده دهم - مقر رسمی اتحادیه همان محل اقامت رئیس شاغل است.

ماده یازدهم - شورای اداری متشکل است از هیئت رئیسه - از رؤسای گروه ملی (ماده ۱۲) - از اعضای افتخاری (ماده ۶) و از اعضای مؤثر اتحادیه که نظر به شایستگی خاصی توسط مجمع عمومی بنا به پیشنهاد شورای اداری انتخاب شده باشند.

ماده دوازدهم - مجمع عمومی می تواند اعضای را به سمت نماینده اتحادیه در بعضی کشورها انتخاب نماید. هیئت رئیسه هم می تواند این نمایندگان را انتخاب کند مشروط بر آنکه مجمع عمومی بعدی این انتصابات را تأیید نماید. همینکه در يك کشور عدد کافی باشند با موافقت هیئت رئیسه يك گروه ملی می توان تشکیل داد، سازمان و اختیارات و تکالیف گروه ملی در آئین نامه هائی تدوین می شود که

باید به تصویب کمیته مرکزی برسد. الحاق به گروه ملی برای اعضای که مقیم آن حوزه می باشند اجباریست. علاوه بر این اتحادیه روابط برادری بین بنایان آزاد تمام کشورها را طبق مدلول ماده يك تشویق می نماید و بدین منظور جمعیت های خاصی تشکیل خواهد داد که وظایف مخصوص بر عهده داشته باشند.

فعالیت این جمعیت ها بوسیله آئین نامه هایی که هیئت رئیسه تنظیم می نماید اجرا خواهد شد.

ماده سیزدهم - مجمع عمومی هر سال يك بار تشکیل می شود و عهده دار وظایف ذیل است :

- ۱ - تصویب گزارش سالانه و گزارش خزانه دار
 - ۲ - تعیین محل اجتماع و دستور کارکنگره و مجمع عمومی سال آتی .
 - ۳ - اتخاذ تصمیم درباره پیشنهادات واصله از هیئت رئیسه یا شورای اداری یا گروه های ملی یا اعضای پیشنهادات گروه های محلی و اعضاء باید ۱۵ روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی به هیئت رئیسه تسلیم شده باشد .
 - ۴ - اصلاح یا تغییر اساسنامه
 - ۵ - انتخاب هیئت رئیسه - انتخابات تکمیلی اعضای شورای اداری (ماده ۱۱) و انتخاب نمایندگان (ماده ۱۲).
 - ۶ - تعیین حق عضویت سالیانه و تقسیم آن بین هیئت رئیسه و گروه های ملی
 - ۷ - تعیین بازرس های حساب.
 - ۸ - انتخاب اعضای افتخاری .
- ماده چهاردهم - اخذ آراء در مجمع عمومی برای موضوعات مشروحه در ماده ۱۳ علنی و به اکثریت مطلق اعضاء حاضر می باشد . اخذ رأی مخفی با پیشنهاد دو نلث از اعضای صاحب رأی قابل اجرا می باشد .
- هر گونه تغییر در اساسنامه باید به اکثریت دو نلث از رأی دهندگان حاضر

در جلسه صورت گیرد .

ماده پانزدهم - اتحادیه زبانهای زنده مهم یا اسپراتو را مورد استفاده قرار خواهد داد .

ماده شانزدهم - انحلال اتحادیه فوقی امکان پذیر است که دو نلث از اعضای حاضر در مجمع عمومی به آن رأی داده باشند .

نحوه مصرف موجودی و دارائی اتحادیه در مجمع عمومی به اکثریت نسبی معین خواهد شد .

فصل سی و دوم

عقاید نویسندگان ایرانی

از روزی که کلمه «فراماسونری» و «فراموشخانه» به سکوت مطلق زبان فارسی راه یافت، همواره ایرانیان با آب و تاب فراوان از این مجمع اسرارآمیز یاد کرده و شاید هم اکنون نیز نظیر چنین افکاری درباره این سازمان وجود داشته باشد. از اوایل قرن هیجدهم میلادی هر وقت نویسندگان ایرانی درباره «فراموشخانه» بحث می کردند و یا مطالبی می نوشتند بیشتر نوشته ها و افکار آنها جنبه افسانه و حکایات عجیب و غریب داشته و کمتر توانسته اند به واقعیت پرداخته و مطالب عمیق و صحیحی تهی کنند.

در يك قرن اخیر به خصوص در سال های گذشته، که همیشه فراماسون های ایران مصدر کارهای بزرگ بوده و در دولت، مجلس، مقامات دولتی و حتی روحانی نفوذ کرده و شاعل حساس ترین مقامات بوده اند، تصورات و نظرات نویسندگان نیز درباره آنها عوض شده، همه اعضای این فرقه را عامل انگلیس ها دانسته و معتقدند که سازمان فراماسونری ایران شعبه ای از دولت و یا وزارت خارجه انگلستان در ایران است. نطقها، گفتارها، مقالات و کتبی که در زبان فارسی علیه فراماسونها ایراد و منتشر شده و می شود همه بلا جواب مانده و در تمام دوران ۱۵ ساله اخیر،

فراماسونها سکوت کرده و هیچ‌گاه حاضر نشده‌اند درباره او هام و خرافات، اتهامات و نسبت‌های روا یا ناروایی که به آنها می‌زنند، در مقام جواب گوئی بر آیند.

در مدت یکصد و پنجاه سال اخیر، فقط یکبار در محفلی که عده‌ای از فراماسونها گرد آمده بودند، یک نفر حاضر شد، درباره فرقه ماسونی در ایران و جهان سخن گوید و معلومات خود را در اختیار افکار عمومی بگذارد. این شخص محمود عرفان قاضی عالی مقام وزارت دادگستری است که در جلسه سخنرانی هفتگی حزب عامیون در سال ۱۳۲۷ درباره فراماسونها نطق مختصری ایراد کرد که خلاصه گفتار او در مجله یغما^۱ چاپ شده و در قسمت دیگر این کتاب نیز از این سخنرانی فکری شده است.

اطلاع از نوشته‌ها و نظرات مورخین و هم‌چنین نویسندگان و دانشمندان معاصر، به خصوص از شهر یور ۱۳۲۰ تاکنون، تا اندازه‌ای مهم و قابل توجه است. بهمین جهت تا آنجا که امکان دارد خلاصه‌ای از مقالات و گفتارها و نظریات و عقاید دانشمندان و نویسندگان معاصر را جمع‌آوری کرده و به نظر خوانندگان گرامی می‌رسانیم:

نصیر الدین میرزا فرصت حسینی شیرازی در کتاب
دیو و جن و نحو و صرف خط آریا و مختصر جغرافی هند، که پس از
عزیزیت مسافرت به هند نوشته در باره فراماسونری چنین
می‌نویسد:

«در این هفته می‌خواهم بروم (فری‌مسن) فراموشخانه اگر خدایتعالی بخواهد
شاید از آنجا هم چیزی نوشتم سابق بر این دوپست رویه می‌گرفتند شخص را
داخل می‌نمودند حال ارزان تر شده یک صد و پنجاه رویه می‌گیرند یکی از دوستان

۱ - مجله یغما شماره‌های ۱۰ تا ۱۲ سال دوم

۲ - نحو و صرف خط آریا و مختصر جغرافی هند قسمت دوم ص ۸۳

واقعی میل کرده از روی فتوت آن وجه را (در حقیقت ضرر را متحمل شود) مرا برده
سیر دهد و خودش رفته است نام او را در اینجا نوشته بودم از در داخل شد از دیدن
نام خود متغیر گردید فرمود نامی از این گمنام مبر لهذا حاك نموده تنگاشتم والسلام.
پیش از اینها مرد مغرضی کتابی در باب فری مسن نوشته به طبع رسانیده بود
اشکال عجیب و غریب (دیو و غفریت و جن) کشیده مذکور داشته بود که در آنجا این
اشکال را به نظر شخص جلوه می دهند و برخی مهملات بهم بافته انتشار داده بود
اصلا این مطالب حقیقتی ندارد و بعضی که گویند رفتن در آنجا موجب بی دینی و لامذهبی
است از روی بصیرت نگفته اند مردمانی که فری مسن رفته اند می بینم برودع و زهد
و دیانت و امانتشان افزوده جز طریق محبت و مودت به بنی نوع خود رفتار ندارند
و احدی را نیاز دارند و زیردستان را دستگیری نمایند. از برای این تشکیل سی
وسه درجه است تا نه (۹) درجه آن در بمبئی برقرار است زیاده از این در لندن
پاریس ترتیب داده شده که در بمبئی میسر نبوده و اسبابش ناموجود هر درجه را
نامی است مخصوص :

۱ درجه اول را (انترد اپر تیس) نامند یعنی دخول شاگرد بر استاد

درجه دوم را (فکوگراف) گویند یعنی رفقای هنرمند

درجه سیم را (مستر مسن) خوانند یعنی معمار یا مهندس

و این هر سه درجه را لاج می نامند و شش دیگر را (چپتر) می خوانند و فری-

مسن که نام تمام این اداره است معنیش مهندس یا معمار از او است و بنای این کار در
زمان بنای بیت المقدس شده و آنچه معلوم می شود معمار بیت المقدس هم آن خانه
را برای همین مقصودی که حالا دارند بنانهاده بوده ...»

دانشمند فقید محمود محمود نویسنده کتاب «تاریخ

روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم» در

مجلدات پنجم و هفتم کتاب خود، در باره فراماسونری در جهان

نوشته های

محمود محمود



و ایران مطالب فراوانی نوشته است.^۱ در این جا برای نشان دادن افکار و عقاید و نظرات يك مورخ و نویسنده ایرانی، قسمتهائی را که زائیده افکار اوست عیناً نقل می‌کنیم، و از ذکر قسمتهای تاریخی، سیاسی و آنچه که از کتب و آثار دیگران اقتباس و نقل کرده است، خودداری می‌شود:

«از تاریخ عملیات اولیه مجامع فراماسون پیدا است که در بدو امر خیلی ساده و مخصوص یک‌کعبه از طبقات بنا و عمل و کارگران آزموده و مفید بود که بطور آزاد در شهرهای معتبر اروپا برای ساختمان بنا و عمارات و غیره در دنبال کار بودند و این يك طبقه مخصوص را تشکیل داده بودند. بعدها رنگ مذهبی و سیاسی گرفت و صاحبان همت بلند مظاهر عالی، آنها را بدست گرفته، برای مقاصد سیاسی بکار بردند. رفته رفته قواعد نظامات برای آنها قائل شدند و جلسات و مذاکرات سری نگاهداشتند.

به مرور زمان اشخاص جاه طلب در آن محافل راه پیدا کرده اساس اولیه آنرا برهم زده از نو طرح دیگری ریختند و این محافل به هیئت‌های سری بسیار خطرناک مبدل گردید و هر موضوع خطرناک سیاسی بدست اعضای آن اجرا می‌شد بعدها همینکه روح ملیت در اروپا استحکامی پیدا می‌کرد این مجامع نیز رنگ ملی آن ملت را می‌گرفتند که مختصراً شرح آن گذشت.

این اواخر دیگر بقدری این محافل خطرناک شد و عملیات آن بقدری وحشت‌آور است که انسان از شنیدن و خواندن و اقدامات و عملیات آنها وحشت می‌کند. همینکه دول اروپا بفکر استعمار افتادند این محافل بهترین وسیله بود که توسط اعضاء آن می‌توانستند تولید اختلاف کنند و با اتفاق و دوئیت میان سکنه آن مملکتی که بتصرف آن تصمیم گرفته بودند موفق شوند.

داعیان جسور و از جان گذشته زیاد با طراف عالم مخصوصاً به آسیا و افریقا روانه داشتند. مأموریت اینها در این زمینه‌ها بوده که آداب و رسوم آئین و مذهب و اصول

حکومت آنها را بناوینی که فقط خود این داعیان به آنها آشنا هستند، درانظار
سکینه حقیر و بی اعتبار جلوه داده باعبارات دلغریب آنها را نسبت باصول زندگانی
و حکومت ملی خودشان بدین و ناراضی کنند. این کلمه آزادی که در میان يك قوم
یا ملت جاهل بر زبانها افتد غافل هستند چه اثرات شومی در میان آن ملت ساده لوح
تولید خواهد نمود.

کلمات سه گانه موهوم که عبارت از آزادی- برادری و برابری باشد يك آتشی در
سال ۱۷۸۹ در اروپا بوجود آورد که خشك و تر هر چه بود سوخت و روح ملت فرانسه
را طوری مسموم نمود که هنوز هم که هست از اثرات آن سم مهلك خلاص نشده
است و ملت فرانسه بحال طبیعی خود عود نکرده است.

روشن کننده همین آتش همان اعضاء مجامع و محافل فراماسون بودند که بعدها
رفته رفته شراره این آتش بتمام ممالك عالم سرایت نموده دنیائی را با آتش بیداد
خود سوزانید، امروز هم يك دام بس خطرناکی است که تمام ملل مقتدر و غیر مقتدر
را بوحشت انداخته است.

من بیش از این نمی خواهم در سر این موضوع معطل بشوم فقط می گویم همین
آتش بعدها بخرمن هستی ایرانی افتاد و ملت ایران را سالها گرفتار انواع مصائب و
محن نموده است. پس از آن دودمان آل عثمان را بباخاکستر سیاه نشانید و رسید یکصد و
شصت میلیون نفوس را باشعله های سوزان خود غافلگیر کرده هستی آن ملت غیر
مجبرب و جاهل را به باد فنا داد و هنوز هم خاتمه پیدا نکرده است. من این تذکر
مختصر را به موطنان خود می دهم که بعدها بیدار و هوشیار شده گول این شیاطین
شیاد را نخورند و به الفاظ فریب دهنده آنها گوش ندهند و به کتابهای شیرین و عبارات
نقز آنها مفتون نشوند، مجنوب نویسنده های آنها که دارای عنایین فضلا و علما
و غیره هستند نگردند، این الفاظ و این عبارات و این نویسنده های عالم و فاضل
آنهاست هستند که دنیا را با این کلمات شیرین و فریب دهنده اغفال نموده آتش فتنه و
انقلاب را در هر سرزمینی دامن زده اسباب اسارت دایمی سکنه آنها را فراهم می آورند.

باور بکنید از آن روزی که عنوان فراماسون در این مملکت پیدا شد و محفل سری آنها با اشاره لندن در این سرزمین تشکیل گردید از همان روز بدبختی و سیه روزی ملت ایران شروع شده است.

همینکه ناراضی‌ها و ساده‌لوحان و بعدها طبقه شیاد و ماجراجو در اطراف این محفل گرد آمدند از آن روز اساس حکومت ایران متزلزل گردید و امنیت از مملکت ایران رخت بر بست.

اینك با این مقدمه که فوق‌گذشت من تعجب دارم چگونه این نسبت را به سید جمال‌الدین داده او را داعی و مبلغ يك چنین مؤسسه دانسته اند که در ایران و سایر ممالك اسلامی عامل آنها را تشکیل داده است. من امیدوارم ریشه این درخت فتنه و فساد که عالمی را زیر و رو نموده است از ایران برانداخته شده است دیگر محفلی باین نام و نشان در ایران وجود ندارد هر گاه خدای نکرده باز هم اثری از آن در این سرزمین وجود داشته باشد من بنام ایران و ایرانیت از هموطنان خود تمنی می‌کنم از دور این شیادان پیاشند و پیرامون آنها نگردند و برای یک نفر ایرانی خیانت از این بالاتر نمی‌شود که داخل یکی از این محافل دشمن بشود.

دانشمند فقید در جلد هفتم چنین می‌نویسد:

«... نمایندگان دولت انگلیس که در ایران مأموریت پیدا می‌کردند در همه جا از این برادران داشتند و سراغ هم می‌رفتند و یکدیگر را پیدامی‌کردند و با آنها سروسر داشته و باهم رایگان بودند.

انگلیسها این محافل را نه تنها در ایران بلکه در تمام ممالك آسیائی و آفریقائی و سایر جاها داشتند. مأمورین رسمی دولت انگلیس دیگر در این ممالك غریبه نبودند، برادران دلباخته آزادی زیاد داشتند و آنها انگلیسها را دوست داشتند آنها را غریبه نمی‌دانستند. همینکه روبرو می‌شدند یکدیگر را می‌شناختند و باهم رایگان می‌شدند... و قتیکه انسان بطور دقت اعمال و شرح حال و حال درباری فتحعلیشاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه را مطالعه می‌کند، می‌بیند تمام آنها مانند اشخاص فرسوده، بی‌حال و بی‌علاقه، مهمل و بی‌کاره هستند.

مثل این است که مقدرات آنها دست خودشان نیست. از خود اراده ندارند، اینها نیستند که صاحب مملکت ایران هستند، بلکه ایران صاحب دیگر دارد که غیر از شاه و صدراعظم است.

وقتی که می‌دیدند در یک روزی اعتمادالدوله را که یگانه مرد توانای ایران است در یک روز با تمام اعوان و انصار و اولادش نیست و نابود می‌کنند آنوقت بجای او میرزا شفیع را می‌نشانند رجال دربار در فکر فرو می‌روند و نمیدانند که او را برد و دیگری را آورد.

وقتی که میرزا ابوالقاسم قائمقام را نمی‌گذارند یکسال صدارت کند و حاجی میرزا آقاسی را چهارده سال در صدارت حفظ می‌کنند پیداست که کار شاه نیست. هم چنین میرزا تقی خان امیر کبیر را با آن قدرت و توانایی از بین می‌برند و میرزا آقاخان لوری را در مسند صدارت می‌نشانند همه می‌فهمند که کار شاه نیست، این دست و دیگری است که میرزا تقی خان را می‌کشد و میرزا آقاخان را بجایش می‌نشانند. آن تشریفات که برای دخول بمحفل فراماسون داده‌اند هر تازه وارد از مشاهده آن تشریفات مات و مبهوت می‌شود اختیار از کف او خارج است خود را در مقابل چیزهایی مشاهده می‌کند که از خود بی‌خود می‌شود، در اینوقت است که از او قول و قرار می‌گیرند و تا آخر عمر به آن محفل خود را بسته می‌بیند و برگشت برای او نیست و او امر آن بدون چون و چرا باید اجرا شود تا به بهشت موعود که آزادی نام و تمام همه سکنه جهان در آن است برسند، آنوقت است که آزادی، برادری و برابری تمام روی کره زمین را خواهد گرفت.

در قرن نوزدهم چندین امام زمان برای ایرانیان تراشیدند ولی هیچیک جانی نگرفت، پیروان میرزا علی محمد باب حتی دست بشمشیر هم بردند فایده نکرد و چون که در زمان حاجی میرزا آقاسی علم کردند ولی صدارت او دوامی نکرد محمد شاه مرد و حاجی خلاص شد، رفت در حضرت عبدالعظیم بست نشست تا رندان اسباب مسافرت او را بختبات فراهم کردند. میرزا تقی خان امیر کبیر در دوره صدارت خود فتنه

باب را خوابانید و آنها را قلع و قمع کرد و خود او نیز برای سیاستی که در پیش گرفته بود وجودش غیر لازم بوده او را هم ازین بردند .

در زمان میرزا آقاخان نوری پیروان باب باز جایش کردند ولی این بار سخت مجازات دیدند و دیگر قد علم نکردند ولی پرفسور براون تا این اواخر هم سنگ آنها را به سینه می زد و برای آنها همیشه نوحی خوانی می کرد...

... توسعه سریع و فوق العاده فراماسون در قرن هیجدهم بسیار قابل ملاحظه است بچه سرعت عالمگیر شد و بطور مؤثری آزادی فکر و عقیده توسط پیروان آن توسعه یافت. این يك مؤسسه سری بوده افراد آن به قید قسم غلاظ و شداد باید اسرار آنرا حفظ کنند . افراد این مؤسسه سری عقیده و ایمان راسخی به اصول و شعائر را در میان بشر عمومیت دهند تا آنها هم از نعمت آزادی ، برابری و برادری بهره مند شوند . هر عضو ماسون وظیفه خود می دانست مبلغ از جان گذشته آن مؤسسه باشد .

آن کسیکه آتش فتنه را روشن می کند دود آن اول به چشم خود همان آتش - افرور می رود و بعد به چشم دیگران در سال ۱۷۷۶ انقلاب از امریکا شروع شد چونکه محفل ماسونها سال ۱۷۳۳ در امریکا تشکیل شده بود و استقلال خود را اعلام کرد . علت عمده این انقلاب بیدادگری دولت انگلیس بود که مستعمره خود انگلیس بر علیه دولت انگلیس قیام کرد و خود را آزاد نموده و برای همیشه خودشان را از چنگال بی رحم آن دولت غدار رهائی دادند هنوز هم قلب هر انگلیسی از دست رفتن این کفنی داغدار است .

انگلیسها هرگز تصور نمی کردند این فتنه اول داعنگیر خود آنها گردد ، مقصود آتش فتنه بود که جهانی را بسوزاند و خودشان ایمن بمانند ولی يك جرقه از آن بخرمن خود آنها افتاد . در سال ۱۷۸۹ این آتش بخرمن هستی ملت فرانسه افتاد در نتیجه آن انقلاب و حشتماك در فرانسه پدید آمد مانند وبا و طاعون بهترین رجال این ملت را درو کرد . قرنهای باید بگذرد تا ملت فرانسه زبان این انقلاب را

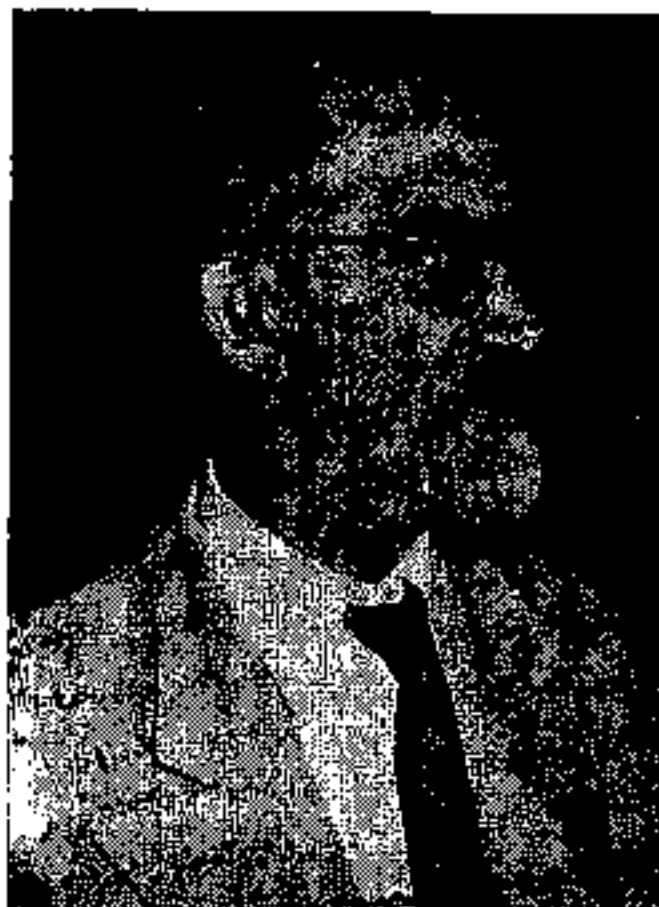
چهران کند و بحال طبیعی عود کنند.

چه کسانی از آن انقلاب پر خوف و وحشت تعریف می کنند؟ همانها که پیرو اصول فراماسون بودند، همانها بودند که این آتش را افروختند و جان هزاران نفر را به خاک هلاک انداختند. آشوب ایتالیا، فتنه اسپانیا تمام تحریکات فراماسونها بوده اول تون هایس می نویسد «لذرای فراماسون مراکز مناسب و جاهای امن برای تبلیغات بود. آزادیخواهان که روابط بسیار نزدیکی در میان ملت اسپانیول پیدا کرده بودند، می توانستند بواسطه علائم و اشارات و طرز مخصوص دست دادن اسامی و الفاظ سری و مرموز، بدین وسائل آزادی، برابری و برادری را به ملت اسپانیول تعلیم بدهند، در میان عناصر لامذهب و ضد روحانیت حتی در میان احبمنصبان قشون این نهضت توسعه یافت تا اینکه در گشتی اسپانیول جنگ داخلی شروع گردید ...»

استاد سعید نفیسی در کتاب «نیمه راه بهشت» در آنجائیکه از دستگاه اینتلیجنس سرویس و جاسوسی انگلستان بحث می کند، چنین می نویسد:

طریقات و عقاید
استاد سعید نفیسی

«این دستگاه همواره با فراماسونهای فرانسوی و انگلیسی رابطه عجیب داشته است و با زیر دستی خاصی فراماسونها را در هر جای ایران جمع خود بکار انداخته و آنها را کورکورانه باطاعت و فرمان برداری محض قرار کرده است. فراماسونها همیشه در همه جای جهان در پی مردم متوسط، اندک و کثرت، کوته نظر و ظاهر پرست گشته اند ... شاید هزاران هزار فراماسونهای در لاف و اطراف جهان بوده اند که صادقانه با کمال خلوص و صفا باین دستگاه جاسوسی خدمت کرده اند و خود نمیدانسته اند که از کجا مأمورند و بسود چه کسانی مبرمیدارند. برای رسیدن باین نتیجه راه بسیار ساده طبیعی دارند و آن اینست همین دستگاه جنایت پرور و خیانت گستر مردمان بی استعداد متوسط را از جای



استاد فقیه سعید نفیسی

پست برمی کشید و بجای بلند می برد ... در ایران از روز نخست با مردمی که اصل و نسب درستی نداشته و از مال جهان جز دلی هوی پرست و طبیعتی جاه طلب چیزی با آنها نرسیده بود بنای سازش را گذاشته اند. گروه گروه مردم از طبقه پست را پرو بال داده یا جاه طلبی آنها را راضی کرده و یا مکامشان را تسلیم بخشیده اند ... در صد سال پیش فراماسونهای فرانسوی بوسیله یک ارمنی که دعوی مسلمانان داشت لژی در تهران تاجز کردند. پیش از آن برخی از ایرانیان که در زمان فتحعلیشاه بعنوان فراگرفتن فنون جدید یا نمایندگی سیاسی پاکستان رفته بودند با فراماسونهای لندن آشنا شده و عضویت این جمع را پذیرفته بودند ولی در بازگشت بایران تعصبهایی که در پیش بود مانع شده بود که عده بسیاری را یا خود یار کنند و تقریباً پنج سال این کوششهای جسته و گریخته ایرانیانی که در انگلستان فراماسون شده اند بجائی نرسید و سازمان منظم و پسا برجائی نتوانستند فراهم کنند .

در هندوستان و مخصوصاً در کلکته فراماسونهای انگلیسی دستگاه وسیعی چیده بودند و گروه گروه مردم ملل مختلف را با خود یار می کردند. ایرانیانی که به هند رفتند درین جمع نیز راه یافتند و در بازگشت بایران بیشتر در فارس و اصفهان و سایر ایشار افکار فراماسونها و آن هم بیشتر در میان طبقه محدود و معینی فراهم شد.

مبلغان این فکر بیشتر تاجرانی بودند که برای سوداگری به هندوستان رفته و در بازگشت این کالای نو ظهور را هم با خود آورده بودند و برخی طلاب و واعظان اهل منبر بودند که بگفته خود برای ترویج عقیده خویش یا روضه خوانی در میان مسلمانان هند بآنجا رفته و در بازگشت این افکار را آورده بودند، اما هنوز نه شماره آنها و نه هنر دلاوری شان بجائی نرسیده بود که بتوانند دستگاه منظم فراماسونری انگلیس را در ایران بگسترانند.

گروهی دیگر از ایرانیان و بیشتر مردم آنزبایجان برای تجارت بخاک عثمانی و مصر می رفتند و در آنجا با فراماسونهای تربیت یافته فرانسه آشنائی شدند و در قاهره و استانبول از آنها تعلیمات می گرفتند و در بازگشت به ایران این افکار را ایشار می دادند.

فراماسونهای دسته فرانسوی نخست از یکی از شهرهای استانبول الهام گرفته اند. جوانی از ارمینان جلای اصفهان که بعدها می بایست درین گرو دار سیاستاروپائی در ایران کارهای بسیار بکند و حتی دو قلب در قمار و دلالتی گرفتن از خرید و فروش های دولتی وارد شود و چنان مردم را از شعبده ها و تیرنگهای گوناگون خود خیره کند که حتی نسبت حقه بازی و تردستی مخصوص باو بدهند مأموریت پستی در سفارت ایران در استانبول داشت و مترجم فرانسه آن سفارتخانه بود. این جوان ارمنی ملکم پسر میرزا یعقوب از بهترین و دلیرترین و با وفاترین پیشروان و پیشوایان فراماسونها در ایران بود که در استانبول او را تربیت کرده و به ایران برگردانده بودند تا مأموریت خود را انجام دهد ...

... فراماسونها خوب می‌دانند از حالت رعب مخصوصی که در اعضاء خود ایجاد می‌کنند چگونه برخوردار شوند ... دست آلوده چرکینی را می‌آورند، آلودگی و رسوائیش را بیادش می‌آورند و با او شرط و قراری می‌دهند که هر ساعت سر از فرمان پیچد فسقش آشکار خواهد شد ... اساس کار فراماسونها همواره در هر زمان و در هر کشوری بهره‌جویی و بهره‌یابی از مردم زبون و ناتوان سست پای سست دل سست رأی بوده است. در گام اول که می‌خواهند کسی را جلب کنند نخست آنچه می‌توانند درباره‌ی وی بحث و فحص می‌کنند و می‌پرسند و می‌جویند تا مطمئن نشده باشند که آن مردست نشانده فرمان بردارشان خواهد شد او را بیازی نمی‌گیرند. سپس که تصمیم بجلب او گرفتند و شرط و پیمانها را با او استوار کردند و قلاده سنگین بردگی جاودانی را بگردنش گذاشتند انواع وسائل مادی کودک فریب ابله ترسان را درباره‌ی وی بکار می‌برند.

شب تاریک در پی او می‌روند، در وسیله تقلیدای می‌نشانندش، چشمانش را تنگ می‌بندند، مدت‌ها و گاهی ساعتها در همان یکی دو خیابان او را می‌گردانند و بارها از این سو بآن سو می‌برند چنانکه آن مرد بیندازد که به مسافت بسیار دوری برده‌اندش.

در خانه کم‌وارد شدند باز چندین بار وی را در گرداگرد آن سرای می‌گردانند که حس تعین مسافت را بخلی درو بکشند و او را کاملاً گیج و سرگشته بکنند. از پله‌هایی چندین بار بالا و پائینش می‌برند و سرانجام در زیر زمین تاریکی و اودنی می‌کنند. در سر راهش صندلی‌ها و میزهای متعدد چیده‌اند که پایش یا آنها برخورد و باز رعب در دلش بیشتر شود. همیشه او را نشانند موسیقی بکنواخت و بساط آهنگی که گوئی از کیلومترها مسافت می‌آید مدتی در گوشش شاف می‌شنند. در میان سکوت محض ناگهان تیری در پی‌گوش وی در می‌زنند و بخلی حالت گشش اعصاب و اضطراب و خلجین فکر و منتهای رعب و هراس را درو پیش می‌آورند. در همین میان کسی با صدای مصنوعی بسیار خشن و زننده او را مخاطب می‌کند.

با بانک هم و کلمات مقطع و کشیده و بریده از نام و نسب و جزئیات زندگی او نمی‌پرسند و آن اسراری را که از او بدست آورده‌اند جسته جسته در میان آن محققان می‌گویند و بر او امید دارند که بد پرسشهای او پاسخ صریح و درست بدهد و اسرار بکار را بر زبان بیاورد.

بدینگونه این مرد ابله بدبخت را بکلی زبون و دست نشانده و فرو دست کردند و ذره‌ای غیرت و مردانگی و جرأت و دلاوری و حس غرور و خودخواهی او باقی نمی‌گذارند.

بدین حالت چشمش را می‌کشایند و در پرتو بسیار ضعیف شمع گرداگرد وی دو صف گروهی نشسته و گروهی پشت سر ایستاده‌اند که همه سیاه پوشیده و هر یک افزاری بدست دارند و به ترتیب درجات و شئونی که در آن جمع دارند نشسته‌اند. پس از این که مجلس بهم خورد و فضا روشن شد و بحال عادی گفت تازه می‌بیند کسانی که گرد وی را گرفته بودند بیشترشان دوستان نزدیک معاشران قدیم او هستند که درین سالهای دراز دوستی و معاشرت اندک اشارتی باین اوضاع نکرده‌اند و عجیب‌تر از همه آن که خانه و صاحبخانه و محله همه را ندانند و می‌شناسد و پی می‌برد که در کجاست و چگونه است ...

... خدا داند که دستگاههای فراماسونری فرانسوی و انگلیسی در این دو دهان گذشته در گوشه و کنار جهان چه بهره‌ها و چه سودهای مردم گزای از این دستگاه و ازین بازی زشت مردم او باش برده‌اند ...

... فراماسونهای ایران هم تابع همین اصول و بازیگر همین میدان‌اند. برخی آنها که در جوانی سری پرشور و دلی پر آرزو داشته‌اند و نمی‌خواستند به همان زندگی محقری که برایشان فراهم بود قناعت کنند بدین دستگاه سر فرو آورده‌اند ...

۱- در این قسمت از کتاب بجهت کلمات زشت و زننده‌ای بکار رفته که چون بکار او آن زنانه است از نقل آنها خودداری شده و تنها آنها را عقیده و شریفانی که نویسنده به آن توجه کرده نقل شد.

... اگر از نزدیک وارد زندگی ایشان بشوید می بینید در خانه خود گوشه‌ای و ساعتی مخصوص بخود دارد که در آن جا یگانه و نامحرم را جای نیست. همیشه اطلاقی یا پستویی و صندوقخانه و تاریک خانه‌ای مخصوص ایشانست که دیگران حق ورود بدان ندارند و چون خلوتگاه دیوان در قفسه‌هاییست که برای کودکان می‌گویند در ساعت معینی از شبانه روز بدانجا می‌روند و در را بروی خویش می‌بندند و چون صوفیان که در خلوت چله می‌نشینند و بمراقبه می‌پردازند آنها نیز بانفس - اماره خود خلوت می‌کنند و به مشورت می‌پردازند و عقل را به میانجی‌گری و قضاوت در برابر خویش می‌نشانند ...

... در هفته، روز معین و ساعت معین این آقای عزیز در میان انبوه شهرگم می‌شود و کسی نمی‌داند بکجا رفته است و هرگز زن و فرزندش هم کمترین اشارتی بدین (غیبت‌های صغری و کبری) از او نشنیده‌اند. در خانه جعبه‌ای یا چمدانی و صندوقی و کشوی میز مخصوص او هست که کسی نمی‌داند در آن چه نهفته و چه امانت گذاشته است. روزی که مرکب بر سرش فرود آید ... و سرانجام کلیه اسناد بدست محارم افتد. یکی چند ورق احکام و فرمان‌های لژ که بزبان خود (دیپلم) می‌گویند و بسته بدرجائی که پیموده نشانها و امتیازات ماسونها و اگر بمقام بلند رسیده باشد حمایت‌های آن بایک نسخه چاپی اساسنامه و نظامنامه لژ یگانه میراث مرده آنهاست ...

دکتر میمندی نژاد در کتاب « حوادث » در باره فراماسنهای

دکتر محمد حسین ایران چنین می‌نویسد :

« ... هیئت‌های حاکمه مزدوران سر سپرده فراماسونهای

مسلوب الاختیار و بیسوادی اکثریت مردم ایران اساس و پایه

نفوذ انگلستان در ایران می‌باشد .

کسانی که کتب سیاسی و اجتماعی نگارنده را مطالعه فرموده‌اند به خوبی

متوجه گردیده‌اند که برای متزلزل ساختن و فرو ریختن این پایه‌ها با صراحت مبارزه کرده‌ام. آنچه مرا وادار کرد باز هم به حاشیه بروم اینست که: پس از انتشار کتاب (مبارزه در راه حق ادامه دارد) بایکی از دوستان بدویدار یکی از فراماسونهای گوشه‌نشین که تازه از سفر آمده بود رفتم و کتاب را به او تقدیم کردم تا مطالعه کند. بحث تحت عنوان (سرم حقیقت) انقلابی در فکر و روحش ایجاد کرده بود. چند روز بعد که در تنهایی با آن پیرمرد که از بردن نامش معذور هستم^۱ روبرو شدم متأثر و مغموم در حالی که می‌لرزید و اشک می‌ریخت می‌گفت: شما بدون جهت تمام فراماسون‌ها را با يك چوب رانده‌اید خوب بود استثنائی قائل می‌شدید و وقتی قانون بدون استثناء امی شود چطور ممکن است در يك اجتماعي تمام اشخاص يك جور باشند شما خودتان نوشته‌اید: وقتی که دو اثر انگشت می‌یازد افراد هر شبیه نیست چگونه ممکن است طرز تفکر افراد شبیه باشد؟

گفتم: آنچه می‌فرمائید صحیح است. روی همین اصل بود که در کتاب در راه حق به صراحت نوشتم: (کسانی که وارد لژهای فراماسون می‌شوند ممکن است دل از ورود مردان با شرف و پاک و درستی باشند..)

در حالی که می‌لرزید گفتم: من به شما اطمینان می‌دهم اکثریت اشخاصی وارد این تشکیلات شده‌اند اشخاص با شرفی هستند. برای اینکه شما بدانید ای چه این اشخاص با شرف وارد این تشکیلات شده‌اند مانعی ندارد از مرام و بلکی که این جمعیت دارد باخبر باشید. همان‌طور که شما نوشته‌اید فراماسونری دنیا ریشه دوانده و در تمام کشورها این فلسفه با سرعت نفوذ یافته است. سر نفوذ این فلسفه در بین مردم عالم از این جهت است که مرامنامه این جمعیت برای تمام مردم فهمیده عالم قابل قبول است و هر کسی آن را کامل می‌یابد.

این جمعیت بین المللی يك جمعیت کامل اخلاقی است و برای تأمین رفاه و عايش مردم عالم تأسیس گردیده است و اگر به سرعت پیشرفت کرده برای این

۱ - این شخص بنا اظهار آفای دکتر میندی نژاد مرحوم فراگوزلو هم‌دانی بوده

است که پیروان این فلسفه خوبان عالم هستند. در بین ماسون‌ها اشخاص بی سواد هرزه و رسوا راه ندارند. من به کشورهای دیگر کاری ندارم در همین ایران افرادی از قبیل آیت‌الله سید محمد طباطبائی، شیخ هلاهدی نجم‌آبادی، حاج سید نصرالله تقوی، میرزا حسین خان مستوفی المعالک، مشیرالدوله پیرنیا، ادیب‌الملک فراهانی، علیخان ظهیرالدوله، کمال‌الملک، محمدعلی فرزین، ارباب کیخسرو، محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) و امثال آنها در این سازمان بوده‌اند.

شما که پرونده و سوابق سیاسی اشخاص را از بایگانی‌ها بیرون می‌کشید و از زیر خروارها خاک بیرون می‌آوردید آیا شنیده‌اید این اشخاص دزدی کرده باشند آیا هیچ کجا خوانده‌اید که از این بزرگوارها خلاقی سرزده باشد و یا عمل‌زشتی را انجام داده باشند؟

او منتظر بود جوابی به سؤالانش بدهم و چون سکوت مرا دید اظهار داشت: سکوت شما دلیل بر اینست که در برابر این سؤالات جوابی ندارید بدهید.

گفتم: سکوت مرا دلیل بر رضایت ندانید فرمایشات خود را بفرمائید تا بعداً جواب عرض کنم.

گفت: اصول و عقاید ماسونها در درجه اول اعتقاد به ذات پروردگار بگانه است او در نظر ما مهندس اعظم معمار اصلی است چون چنین ایمان و عقیده‌ای سرلوحه فلسفه فراماسون‌ها است پس از این جمعیت دارای تمامی مبانی اخلاقی می‌باشد.

فراماسونها تمام افراد عالم را برادر و برابر می‌دانند و کسانی که معتقد به ذات پروردگار می‌باشند ولو اینکه دین و مذهبشان با هم متفاوت باشد با یکدیگر برادر هستند. در بین فراماسونها آزادی و احترام به آن یکی از اصول اساسی را تشکیل می‌دهد. آزادی کار، آزادی مسکن، آزادی عقیده ارکان اصلی این

فلسفه می باشد. فراماسونها با اختلافات نژادی شدیداً مخالف هستند و اختلاف رنگ، پوست و تبعیضهای نژادی را بکلی متروک و همگی بیکدیگر به دیده احترام نظر می کنند. فراماسونها در هر کجای عالم باشند دارای هر مذهب و نژادی که هستند همگی با هم برادرند و به اصطلاح با یکدیگر صیغه برادری خوانده اند. برای سالکین این طریقه ۳۳ درجه تعیین گردیده است ولی بین افرادی که درجات مختلف را دارند هیچگونه مزیتی وجود ندارد و همگی با یکدیگر برادرو برابر هستند.

هر شخص فراماسونی را که در نظر بیاورید دروغگو نیست، تابع قوانین است، بدزیردستان رتوف و مهربان است، بشر دوست است، طالب علم و فرهنگ است، علیه خرافات می جنگد. بخل و حسد و تنگ چشمی ندارد. خلاصه يك فراماسون مردوارسته از خود گذشته و دارای سجایای اخلاقی و ملکات فاضله است.

بر خلاف تعبیر فارسی که کرده اند و فراماسون را فراموشخانه نامیده اند روان این فلسفه سعی دارند دنیای آزادی که روابط بین کشورها و افراد مختلف هماعات متفاوت یکسان و برابر باشد بسازند. شما فرانسه می دانید معنی لغت فراماسون در فارسی می شود (بنایان آزاد) هر کس دارای روح انسانی باشد و از بهرهای داشته باشد خواه و ناخواه در ساختن این دنیای آزاد شریک می باشد و شما هم با مبارزاتی که می کنید همین راه را پیروی می نمائید.

شما در کتاب (بسوی او) که نوشته اید درجه ایمان خود را به مهندس اعظم و مار بزرگ یعنی ذات پروردگار اثبات می کنید. مبارزات شما در جمعیت ضد بیسم نشان می دهد که در راه برابر دانستن تزاها از مسلک فراماسونها پیروی کنید. شما با خرافات مذهبی از طرفی می جنگید و از طرف دیگر افراد سالک ادب مختلف را در نزد خدایکسان می دانید. این اصل هم یکی از اصول فلسفه فراماسونها است. شما علیه دیکتاتوری و زور و قلندری مبارزه می کنید و در راه

آزادی حاضرید جان خود را فدا کنید اینها تمام اصول فلسفه فراماسون ها است. شما هم خواسته و نخواستہ در جزو (بنایان آزاد) هستید . منتهی تفاوت شما با آنها که وارد در این تشکیلات هستند اینست که تشریفات وارد شدن به این محافل را انجام نداده اید .

اگر فلسفه فراماسونری بد است ، شما و تمام افراد آزاده جهان هم بد هستید . آقای دکتر ... باور کنید سرم حقیقت شما صحیح نبود و نسبت به افراد این جمعیت اخلاقی بیجهت چنین حمله ناروایی کرده اید . از شما بعید بود این چنین رفتار بفرمائید . شاید در نتیجه عدم اطلاع بوده است . در هر حال در نوشته خود تجدید نظر بفرمائید و به يك عده مردم شرافتمند به این پایه حمله نفرمائید و تهمت ناروا نزنید زیرا در برابر خداوندی که به آن ایمان و عقیده دارید اجر و پاداش خود را از بین می برید .

گفتم : فرمایشات سرکار تمام شد

اظهار داشت : تصور می کنم متقاعد شده باشید .

گفتم : در برابر عبارات زیبا و فریبنده سرکار هر کسی متقاعد می شود

ولی ...

گفت : اگر آنها را صحیح نمی دانید اعتراضات خود را بفرمائید .

گفتم : فلسفه فراماسون ها را شرح فرمودید . با توجه به سوابق فاعیای

سرکار اطمینان دارم مسلمان هستید زیرا مسلمان زاده اید . من هم قسم به ذات

پروردگار مسلمان زاده هستم و دین و آئین خود را برتر و بالاتر از سایر ادیان

می دانم . می خواهم از سرکار که مسلمان هستید سؤال کنم : آیا دین اسلام دین

برادری و برابری نیست ؟ آیا در دین اسلام بین سیاه حبشی و سید قریشی اختلافی

گذاشته شده است ؟ آیا برای افراد مسلمان خدایگی نیست و به قول سرکار مهندس

اعظم و معمار بزرگ شریکی دارد ؟ آیا مسلمان حقیقی از خرافات گریزان است ؟

آیا فرد مسلمان دروغگو ، ریاکار ممکن است باشد ؟ آیا شخصی که ادعا می کند

مسلمان است نوع دوست، خیر، رئوف و مهربان نیست؟ آیا ممکن است شخص مسلمان طالب علم نباشد؟ آیا فرد مسلم علیه بی‌عدالتی و برای حفظ آزادی مبارزه نباید بکند؟ آیا در دین اسلام جهاد و ییکار کردن علیه زورگویان و متعديان و یا به اصطلاح امروزی مبارزه با دیکتاتوری فريضه اولیه نیست؟ آیا در آئین اسلام رعایت نکردن حقوق دیگران، احترام نگذاشتن به افراد دیگر عالم قید شده است؟ آیا آن همه مبارزه در راه اسلام برای این نیست که تمام عالم از آزادی و برادری و برابری و انتفاع از حقوق یکسان بهره‌مند گردند.

گفت: البته تمام اینها صحیح است.

گفتم: پس من برخلاف فرمایش سرکار جزو (بنایان آزاد) نیستم. من يك فرد مسلمان هستم و از شما تعجب می‌کنم با وجود این که کاملترین فلسفه‌های اخلاقی و اجتماعی در دین حنیف اسلام هست از فلسفه (بنایان آزاد) پیروی می‌کنید مگر مسلمانی چه عیب دارد و پیروی از آئین اسلام چه نقصی دارد که فرد مسلمان مجبور باشد از فلسفه فراماسونها پیروی کند؟

فکری کرد و گفت: شخص ممکن است هم مسلمان باشد و هم از فلسفه فراماسونها که با اسلام مخالفت ندارد پیروی کند. اثبات شیئی که نفي ماعدا می‌کند.

گفتم: فرض کنیم چنین باشد. پیغمبر اسلام چهارده قرن قبل آمد. مردم جهان را علناً به‌راه حق دعوت کرد، چون در راه حق می‌رفت و دسیسه‌ای در کار نبود احتیاج نداشت محافل و لژهای سری تأسیس کند و مردم را در خفا و پنهانی برای است گفتن، برای رئوف و مهربان بودن، برای دستگیری کردن از هموعان، برای شناختن ذات پروردگار، برای برادری، برابری، تساوی حقوق و بالاخره برای آزادی و دعوت کند.

تصور نمی‌فرمائید همین سری بودن محافل و لژها، همین مقررات سختی برای ورود اشخاص و پیوستن آنها به‌مسالکین این طریق وجود دارد از دسیسه‌ای

حکایت می‌کند که از نظر افرادی که وارد می‌شوند پنهان می‌ماند .

گفت : چنین شبهه‌ای را هرگز بخود راه نداده‌ام

گفتم : بهمین جهت است که در روز ورود تعهد سپرده‌اید : (بدون چون و چرا بلا اراده فرامین لژ بزرگ را که در لندن است اجرا کنید و با سپردن این تعهد خود را مسلوب‌الاختیار نموده‌اید) . ای آقای بزرگوار که سرم حقیقت بیشتری به قلبت زده و با این موه‌های سفید در برابرم اشک می‌ریزی آیا فکر نکرده‌ای که تحت این عبارات زیبا و فریبنده ، سرکار و امثال سرکار بدون اراده و چون و چرا برای معمار بزرگ و مهندس اعظمی که در لژها و محافل خود چشم آن را در مثلثی در بالای سر رئیس محفل نقش کرده‌اید و آن چشم چشم انگلستان است کار می‌کنید .

گفت : این چه حرفی است ، آن چشم چشم خدا است .

خندیدم و گفتم : خدا چشم ندارد ، تجسم دادن چشم خدا هم به آن شکل تصور می‌کنم انحراف از اصول مذهب است . شما که مسلمان هستید چرا چنین حرفی را می‌زنید ؟

فکری کرد و اظهار داشت : هر چه هست آن چشم چشم انگلستان نیست . گفتم : وقتی که فرامین و دستورات هر محفلی که در عالم باشد از محفل بزرگ که در لندن است می‌آید و تمام لژها و محافل از آنجا سرچشمه می‌گیرند و دستورات آنها را اجرا می‌کنند پس دنیای آزاد به دستور آن معمار و مهندس باید ساخته شود . شما بخواهید یا نخواهید نقشه طراحی شده توسط آن معمار و مهندس را عملی می‌سازند .

به عبارت دیگر سرکار آقا ایرانی هستید . ادعا دارید مسلمان می‌باشید و خواسته یا نخواسته ، عمله واکله‌ای بیش تشریف ندارید و چون مسلوب‌الاختیار می‌باشید و اراده‌ای از خود ندارید لذا به دستور مهندس اعظم و یا معمار بزرگ

نه غیر از انگلستان کسی نیست منافع و مصالح کشور آباء و اجدادی خود را پامال نکند.

شما و امثال شما در هر کشوری هستید خواسته یا نخواسته شدیدترین ضربات را بیکر هم میهنان و میهن خود به نفع يك دولت جابر بیگانه وارد آورده اید (هم در هر فرصتی که پیش بیاید وارد خواهید آورد).

به موجب صفحات تاریخ که شمای از آن را سعی کرده ام با اسناد مثبت به خود انتشار دهم آن عبارات فریبنده و زیبا داهی است برای جلب افرا د خوش و پاک و ولی همان طور که در کتاب (در راه حق) نوشته ام (.. مقررات ورود این محافل به نحوی است که وارد شده اراده خود را از دست می دهند و آلت زاده یا بنابه اعتراف یکی از شماها آلت فعل می شود که طبق فرامین و دستورات خود است رفتار کند و راه برگشت هم ندارد).

گفت: پس آن مردمان شریفی که نام بردم آنها هم.

گفتم: به اکثر آنها (نعل وارونه) زدند. اینها به طور غیر مستقیم به تصور که با استعانت و کمک مردم آزاده جهان که محافل آنها در پاریس بود، خواهند است ایران را از قید استبداد پادشاهان قاجار خارج کنند به این جمعیت به اصطلاح کار اخلاقی، پیوستند. از یکی از آنها قبل از مرگش شنیدم گفت:

(با کمال تأسف ما آن روزها نفهمیدیم، در پس قیافه آراسته ای که به ما عرضه داشتند قیافه کریه میبوی که ما همیشه از آن ترس داشتیم پنهان بوده است).

حرفم را قطع کرد و گفت: اگر راست می گوئید پس چرا وقتی که فهمیدند برگشتند.

گفتم: همین سؤال شما را از آن مرد شریف که مورد احترام من بود کردم، (جواب اظهار داشت: راه برگشت وجود ندارد تنها کاری که من توانسته ام انجام دهم اینست که در بازی ها وارد نشوم و به عناوین مختلف از زیر بار فرامینی که

می‌رسد شانه خالی کنم. مثل آن بزرگوار در بین مؤسبین این تشکیلات زیاد بودند و من با بعضی از آنها تماس نزدیک داشتم. بر من واضح و ملمس گردیده است اشخاص باسرف و با حیثیتی که وارد این سازمان گردیدند، پس از آگاه شدن بر حقایق گرفتار عذاب وجدانی شده زندگی روزمره را گذرانده‌اند و وجودشان مسموم. ثمر و اثری نبوده است. مثلاً جناب آقا که به من اعتراض می‌فرمایید و سائل این طریقه هستید و می‌کوشید از سرف و حیثیت خود دفاع کنید منشاء اثری نیستید. قصری زیبا دارید، ثروتی سرشار در اختیار شما است، قسمتی از سال را در خارج از ایران و بقیه را در این کاخ عظیم به سر می‌برید چه عمل مفیدی انجام می‌دهید؟ چه خدمتی به کشور آباء و اجدادی خود می‌کنید؟ چرا شما را به بازی نمی‌گیرند؟ قبل از اینکه سفر بروید يك روز از شما پرسیدم چرا خاطرات خود را نمی‌نویسید؟ جواب فرمودید: برای اینکه تأمین جانی ندارید آری؛ چون تأمین جانی ندارید. چون به زندگی علاقمند هستید. چون به این کاخ و درآمد سرشار دلبستگی دارید. سکوت را پیشه خود ساخته‌اید. به‌دید و باز دیده‌ها، به تعظیم و تکریم‌ها دل خوش کرده‌اید.

در برابر گفته‌هایم ساکت و آرام بود. با چشمهای نافذ و سیاهش گلهای قالی را می‌شمرد. دستها را بهم می‌مالید. ناراحتی عجیبی سراسر وجودش را به‌تزلزل درآورده بود. او خواسته بود بر من خورده بگیرد. اما من با گفته‌های خود ضربات شدیدی بر روحیه‌اش فرود آورده بودم او میل داشت این بحث خانمه یابد... اما من دست بردار نبوده و گفتم: وقتی که سرگوراولی به ایران آمد سفری به همدان کرد در آنجا توانست بزرگان متنفذ و دانای شمارا با عبارات زیبا بفریبد و سائل به این طریقه سازد شما هم که از آن خاندان بودید خواه ناخواه در این طریقه وارد شدید ولی وقتی که فهمیدید و دانستید کنار کشیدید، خانه نشین شدید، زندگی را ادامه می‌دهید شما را بارها به کار دعوت کردند. خستگی و بیماری را بهانه نمودید و از زیر بار کار کردن شانه خالی نمودید... اینطور نیست؟

های آورده اند . رسم این بزرگوار چنین بود در اول ورود به مهمان خود چای و اشارات و رموزی داشت که قبل از رفتن قهوه‌ای بیاورند همینکه قهوه به معلوم بود وقت ملاقات تمام شده است و باید او را راحت گذاشت . قهوه خوردم و از خانه‌اش خارج شدم ، او را در دریای غم و اندوه برجای گذاردم .

چند روز قبل که بایکی از دوستان برای گفتن خیر مقدم به سراغش رفته بود موقع خروج دوست من می گفت (زندگی پر تجمّل ، کاخ رفیع ، ثروت است اما با چنین وضعی ، بی کس و یاور و بازمانده‌ای تنها در این کاخ تن و غم خوری نداشتن از مرگ بدتر است)

در این ملاقاتی که به تنهایی از او کردم می خواستم اسناد و مدارکی به دست آورم ،

مورد ما به این ترتیب خاتمه یافت و من به مقصود نرسیدم . چند روزی بعد بود که در رادیو شنیدم در جراید هم خواندم . در تیرگی‌های شب ، در آن تاریکی ، در میان تمام آن تجمّلات ، بدون اینکه کسی در بالینش باشد به خواب فرو رفته است . روز بعد با تشریفات جسدش را به قبرستان خانوادگی که در تولدش بود انتقال دادند .

خدایش بیمارزد زیرا اگر قدمی در راه خیر و صلاح کشور برداشت و کار بی انجام نداد لا اقل ضرر هم نرزد که مورد ملامت و سرزنش قرار گیرد . اینکاش را اساساً دارای این شرافت اخلاقی بودند و آنطور که اعتراف کردند (آلت نمی شدند و فرضت می دادند ایرانیان با شرف ، ایرانی مستقل و آباد را با آبی که بر پایه عین پرستی طراحی می کردند دور از چشم مهندس اعظم و معمار که سازند اینکاش این (بنایان آزاد) تابع اجنبی ، پای خود را از صحنه سیاست می کشیدند و می گذاردند ملت با شرف و نجیب ایران اختیار خود را در کف

این آرزو البته جامه عمل به این سهولت نمی پوشد زیرا اکثریت پیروان ، موسس جوانهای جاه طلبی که امروزه عمده واکله مهندس اعظم و معمار بزرگ



دکتر میمندگی نژاد

می باشند پای بند شرافت اخلاقی و ایمان نیستند. اینها که متوجه هستند حساب از چه قرار است تابع غرائز شخصی: حب جاه، حب ثروت و گروهی برای ارضای شهوت از هیچگونه خوش رقصی فروگذار نمی کنند.

به همین جهت است که برخلاف طرز مبارزه ای که پیش گرفته اند نگارنده کمترین می گویم: مهندس اعظم و معمار بزرگ و بشایان آزاد را که مافد سلطان برپیکر ایران چسبیده اند بهم و بطنان خود معرفی کنم اطمینان دارم وقتی که ملت درد را شناخت چاره درد را خیلی زود خواهد کرد.

دکتر میمندگی نژاد در کتاب (در راه حق) نیز درباره فراماسونها بحث شدیدی کرده می نویسد:

«... در حال حاضر بهر گوشه عالم نظر شود، اوضاع هرج و مرج کشورهای جهان مورد بررسی قرار گیرد خواهیم دید در پس ظواهر قیافه های دو حریف

موروی و آمریکا و در پس آنها قیافه انگلستان که مشغول انگولک کردن این دو
بریف می باشد خود نمائی می کند .

حال بینیم چرا انگلستان تا این حد بازگر محنت سیاست شده است ؟
از روزی که تشکیلات جاسوسی در انگلستان به راه افتاد به موجب اسناد
نقضی در حدود هفتصد سال می گذرد . چنین تشکیلاتی با این همه سابقه ممتد و
لای توانسته است در کشورها به مرور ایام رسوخ و نفوذ کند و در هر کشوری
هالهائی به راه انداخته با قراردادن افراد سرسپرده ای در رأس آن سازمانها
با به نفخ خود بچرخاند . یکی از سازمانهایی که امروزه به نفخ این سازمان
جاسوسی کار می کند تشکیلات فراماسونها در عالم می باشد . تصور نمائید نگارنده
دارد در اطراف آنچه که تا کنون جسته و گریخته درجراید نوشته شده است
اجمع به این سازمان جاسوسی در ایران توضیحاتی داده اند بحث کنم و ماهیت
ادی که در حکم قازورات اجتماع می باشند به شما معرفی نمایم . به هیچ وجه
اگر ملاحظه می فرمائید در این اواخر گاهگاه افرادی که فامیلا سرسپرده
شدند از این سازمان در ایران بحث می کنند و چند نفر پیر گفتار را که يك پایشان
نگور است معرفی می کنند از آنجهت است که بساط کهنه و قدیمی این دستگاه
ایران بی ثمر شده و اربابها در فعالیت هستند سازمان جوانتری که از قوای
ان تشکیل می دهند جای آنرا بگیرد . البته در درجه اول این قوای جوان
همان فامیلهای و از بین همان طبقات انتخاب می شوند و افراد جوان و تازه نفس
باری را که مقامات حساس را در این کشور دارند در تشکیلات جدید
خلل می کنند . ضمناً از رسوا کردن این پیر گفتارهای بی ثمر مردم را سرگرم
نمایند و این طور وانمود می کنند که مرکز این سازمان فرا رسیده و دیگر
باط آنها برچیده می شود درحالی که حقیقت اینست که سازمان نو و جدیدی
پس از این سازمان پوسیده قدیمی شده و عناصر جوانی بر سر کار می آیند .

در این روزها این عناصر مرموز کثیف که اراده خود را از دست داده اند به
کسبیت ورود ارباب و سایه افکنیدن بر سر آنها جشنی برپا می سازند . اجازه

می‌خواهم از مجلس جشن و سرور آنها فائز می‌باشم و بتو ای خواننده عزیز تقدیم دارم تا ضمناً تغییر ذائقه‌ای داده و بر اسراری نیز واقف گردی. قبل از اینکه به این مجلس جشن وارد شویم برای اینکه ماهیت افراد معلوم شود بیایید حقه‌ای بزنیم تا بر اسرار واقعی واقف شویم. بدون تردید شنیده‌اید اخیراً سرمی تهیه کرده‌اند به نام (سرم حقیقت) خاصیت این سرم اینست که بهر کس تزریق شود هر چه در دل دارد خواهد گفت و ماهیت خود را علنی خواهد ساخت. برای اینکه اثر سرم حقیقت را امتحان کنیم قبلاً در چند مورد آنرا آزمایش می‌کنیم. سپس به آزمایش اصلی که مورد نظر است می‌پردازیم. مثلاً از نوکر خانه شما شروع کنیم: این نوکر خانه ادعا می‌کند سر بزرگ، پاکدامن، صحیح‌العمل و با به اصطلاح دزد نیست. شما هم بالاش قسم می‌خورید. این طور نیست؟

سرم را بدون اینکه خود او بفهمد به او تزریق می‌کنیم. منتظر می‌ایستیم اثر آنرا ببینیم. چند لحظه از تزریق سرم گذشته است. صدای قهقهه خنده نوکر که هیچگاه در جلوی شما نمی‌خندید و همیشه مؤدب بود بلند می‌شود عباراتی می‌گوید که چون نمی‌توانم آن مطالب را در اینجا نقل کنم زیرا به عفت و عصمت عمومی بر می‌خورد لذا به عوض آنها نقطه می‌گذارم:

(خواهر.... مادر.... زن.... تو خیال کردی، از روزی که قدم به خانه‌ات گذاردم پدرت را در آوردم و تو نفهمیدی. هر جنسی که خریده‌ام و زنش را دو برابر گفتم و قیمتش را گرانتر از آنچه بود حساب کردم آره احمق چون يك لا دولا پات حساب کردم تو خب نداری اسبابهائی که در دسترس نبوده و به آنها احتیاج نداشتی. یکی پس از دیگری فروخته شده و پولهایش را بجیب زده‌ام. حیوون چون درسته که من نوکرتم و تو آقا اما کردن کلفت تو مثل خر کار کردی و من به عوض تو آقای خونه بودم. هر وقت مرا دنبال کاری فرستادی دیر کردم. پرسیدی: کجا بودی؟ چرنی جوابت دادم. اما راستش را بخواهی سر تو احمق کلاه گذاردم. يك روزش با پول تو سینما بودم يك روزش سری بناحیه ده زدم. آخه چه طور نوکر کردن کلفت کار بشکم خورده کنار مامان جونت باشی و من راست راست راه بروم و سماغ بمیکم،

نه چونم، منم يك مامان جون پيدا كردم باو خوشم و از پول تو هر چه بخواهد برایش
 ميخرم. خانم احمق خيال مي كرد انگشتری را تو كوچه كم کرده است. راستی چقدر
 خراست. آن انگشتر را من برداشتم به مامان جونم هدیه كردم آخر او هم دلداره
 و از من هدیه ای می خواد. تو خيال كردی من اینجا ماندنی هستم. نه احمق جون
 همین كه پس اندازم كافی شد گور پدرت. راستی كه خیلی خر تشریف داری. احمق
 با این عقلت من نمی دونم چطور شده تو آقا شدی و من نوكر. منو اینطور نبین. من
 هفتاد تا مثل ترا سر جو می برم و آتشه بر می گردونم.. نوكر شما از این مباحث زیاد
 نمی گوید. ذكر تمام آنها باعث تصدیع است. صرف نظر می كنم... اثر سرم تمام شد
 الهفه خنده هم تمام می شود. نوكر همان نوكر سر بزیر، همان نوكر با وفا، همان
 نوكر مهربان در برابر آقا سر فرود می آورد. چون یادش نیست چه گفته ماند همیشه
 با صدائی محجوب می گوید: آقا خدا سایه شما را از سر چاكرون كم نكنه. من
 نوكرم، خانه زادم، ناعمر دارم خاك كفستان را سرمه چشمم می كنم.

آقا از شنیدن بیانات نوكر خود بر می انگیزد. اما چون او چیزی یادش
 نمانده برویش نمی آورد و برای اینکه بداند اثر سرم حقیقت چیست دست مرا
 گرفته قدمی از خانه بیرون می گذاریم. سراغ بقال سر گذر می رویم. آقامیرزا بقال
 روی چهار پایده ای برابر دكانش توی آفتاب نشسته و چرت می زند. آهسته و بدون
 آنكه بیدارش كنیم آمبول سرم را باو تزریق می كنم. بخیال اینکه تن پیمائی آزارش
 داده است دست خود را بجای سوزن می مالد

چشمهای خود را می گشاید. سلام می كند و از جای خود برای تعظیم كردن
 احترام گذاشتن به آقا بلند می شود و هنوز قد راست نكرده سرم اثر خود را
 می بخشد. روی چهار پایه می نشیند. قاه قاه - می خندد و بیانات زیبا و شیوائی را
 با آقا شروع می كند. قسمتی از صحبتهایش را اجازه می خواهم نقل كنم: «راستی
 بوجه مردكه احمقی هستی. می گویند تو آدم دانائی هستی. اما اگر از من بپرسند
 بخواهم گفت: از تو خرنر توی عالم کسی پيدا نمی شود. خوب مردكه احمق تو تا حالا

نفهمیدی من بانو کورت ساخته‌ام. هر چه می‌خره دو برابر یات حساب می‌کنه. بجای يك كيلو نیم كيلو جنس می‌خره و دوسره کلاه سرت می‌گذارد. منهم بعنوان حق السكوت سهم خودم را می‌گیرم.

راستی تو خیلی احمق! آن دختره پررو روداری که کلفت آورده بودی و تو آشپزخانه دور از چشمای خاتم‌باش می‌لاسیدی ما پشت همین دخل دخلش را آوزدیم احمق نزدیک بود گریبونت بگیره و هر چه ما کردیم بحسابت بزاره. خوب شد اصغر آقا که گلویش پیش دختره گیر کرده بود یارو رو ورداشت وزد بچاک محبت. راستی که خیلی خری تو مثل کبک سرت کردی زیر برف خیال می‌کنی کسی نمی‌بینه برو جلو زن یتیم‌ها رو بگیر. این آقا که هر روز نیستی خونه، میاد اونجا و بخانمت ورمیره کیه نمی‌شناسی؟ تعجب می‌کنی، خیلی خری، چون شما نباشه چون خودم پریشب دیدم توی تاریکی خانمت را بدیوار چسبانده و لباسو می‌مکه. دستپاشم اون پائینا بیکار نبود. بازم نفهمیدی که رامیگم همان جیگولوئی که آنروز همراهات بود آمدی سیکار بخری و بهت می‌گفت: داداش چون حالا فهمیدی «آقا ترقه شده قبل از آنکه بقیه حرفهای بقال را بشنود دستم را گرفته می‌کشد. بسرعت مرا از پیچ و لحیم چند کوچه می‌گذرانند. داخل خانه‌ای می‌شویم. می‌گویند آقا خواب است پاورچین پاورچین باطابق خواب‌ها وارد شدیم. به اشاره آقا بدو اینک سر و صدائی بشود آهپول سرم حقیقت را به او تزریق می‌کنم. بخیال اینکه پشهای را نش را گزیده است دستی به ران خود می‌برد. غلطی در تخت می‌زند چند لحظه صبر می‌کنیم تا اثر سرم بروز کند.

آقا دستی بشانه‌اش گذاشته و او را حرکتی می‌دهد و می‌گوید: حسن خان بلند شو منم.

حسن خان که تحت تأثیر سرم قرار گرفته بدستپاش تکه می‌کند. از جای خود بلند می‌شود. همینکه چشمش به آقا می‌افتد شروع بخنده می‌کند. اینقدر می‌خندد که دلش مالش می‌رود. دست بشکم گرفته در حال خنده می‌گوید راه نوئی

اگر یکساعت جلوتر آمده بودی خانمت را تو بفلم می دیدی راستی تو خیال کردی
 من عاشق چشم و ابروی توام یا بتو علاقه ای دارم که بتو برادر خطاب می کنم راستی
 لیلی خری، من می خواهم سربه تخت نباشه. تو چقدر خر تشریف داری. باز هم می خندد
 می گویند احمق چون تمام این بازیها برای اینه که در نبودن تو عشقی بخانمت برسونه.
 لی..... مرده شوی تو رو ببره وزن پیرافمی تو. من حساب چیز دیگری رومی کنم
 تمام فکر من اینه قاب دختر تو بدزدم. شانزده سالش بیشتر نیست و باب دندان
 نه. تو هنوز این رو نفهمیدی. راستی که خری فکر کن اگر دختر تو صاحب شدم
 حسابش رسیدم. حاضر خواهی شد با من وصلت کند. آنوقت تو هم تو رو غنه. راهش
 خوب بلدم که ثروت و دارائیت را یکسره همروکنم. بعد هم گور پدر تو وزن تو
 دخترت. اینقدر پدرشو در می آورم که بگه: مهرم حلال، هرچه دارم مال تو،
 جونم خلاص. حالا فهمیدی چرا بتو میگویم داداش جون...

آقا از شنیدن این اعترافات ناراحت شده دستم را می کشد. دوپله یکی از
 ایوان پائین آمده مرا از خانه داداش جوش بیرون می آورد. سرعت مرا بخانه
 خود برمی گرداند. سرکار علیه خانم اظهار خستگی کرده باطاق خواب رفته است.
 آقا آمبول سرم حقیقت و سرنگ را از من می گیرد. بفکر اینکه ممکنست ناموش
 در تخت خواب طوری خوابیده باشد و چشم من که نامحرم هستم بدن و بدن عریان
 بالمش بیفتد تنها وارد اطاق می شود و در را آهسته پشت سر خود می بندد. چند
 لحظه می گذرد. هر چه می گوشم از درز در، از سوراخ کلید، چیزی بینم میسر
 نمی شود. در همین موقع صدای خانم که می خندد بلند می شود. من بطور وضوح
 می شنوم: راستی جات خالی یکساعت قبل پیش حسن خان داداش جونت بودم. خیلی
 بمن خوش گذشت. اگر بدونی... نه تو خری. تو از این چیزها بلد نیستی... بیست و پنج
 ساله تو خونت سه تا کره از تو پس انداختم اما کیفیت زندگی رو حسن خان بمن فهموند.
 تو خیال کردی فقط نودل داری. تو احمق فکر نکردی منم چشم دارم. خوب می بینم
 که هر کلفت جوانی تو خوله می آرم. فوری سر و گوشت میجنبه و همینکه چشم منو

دور می‌بینی سراغش می‌ری . آخه منم دل دارم . حیف از جوانیم که پای نو پیر کردم . خوب شد سر آخری حسن خان پیدا شد و من لذت زندگی رو فهمیدم... صدای شرق و شرق چند کشیده در فضا می‌پیچد فریاد خانم بلند می‌شود (پدر.... چرا می‌زنی تو خیال کردی . الان پدر تو در می‌آرم . بهمه خواهم گفت . دزدی هاتو برای اهل محل شرح خواهم داد . روزی که من بخانه‌ات آمده‌ام آه در بیاطداشتی . رشوه‌هایی که گرفتی . حساب ساز بهائی که کردی همه را خواهم گفت...»

فریاد آقا بلند می‌شود : خفه شو پتیاره بی‌آبرو...»

صدای قیل و قال و بگو مگو زیاد است . معلوم است خانم و آقاست بگریبان شده‌اند . دیگر ماندن جایز نیست . آهسته از خانه خارج شدم . چون اثر سرم حقیقت کاملاً مشخص شد و معلوم گردید کاملاً مؤثر است بفکر افتادم بترتیبی در جشن فراماسونها بکار برم تا براسراری واقف گردم .

در فکر بودم چه کنم ؟ وارد شدن به این مجلس که میسر نیست . کارت مخصوصی می‌خواهد فقط اعضا و راه می‌دهند آنها که دعوت دارند حتی به زن و بچه خود نمی‌گویند . کجای می‌روند پس چه باید کرد فکری بخاطر رسید . شنیده بودم مخلوطی از مشروبات را می‌نوشند . بدون اینکه سر بطریها باز شود با سوزن سرنگ در هر بطری چند آمپول سرم حقیقت وارد می‌کنیم ببینیم چه می‌شود ؟

در عالم خیال باین مجلس می‌رویم . ساعت هفت بعد از ظهر است . مدعون یکی پس از دیگری می‌آیند آقایان همه موقر و سرشناس ریش دار و بی‌ریش همگی محترم صاحب جاه و مقام و آنهم مقامات حساس یکی پس از دیگری وارد می‌شوند در سالن بزرگ جمع می‌گردند تعارفات برآه است سرگوشی‌هایی می‌گویند جشن مجلل است زیرا سکوت حکم فرما است این بزرگوارانی که آمده‌اند از تیپ‌های مختلف هستند . سروران سیاسی ، مذهبی در لباسهای مختلف همگی مورد احترام مجلس جشن است اما خنده در قیافه‌ها کمتر دیده می‌شود همگی موقر و متین هستند چشمها بی‌فروغ ، صورتها بی‌رنگ و بی‌حالت . انواع بطریهای مشروب را که قبلاً آمپول

سرم حقیقت در آنها وارد کرده بودیم یکی بعد از دیگری باز می کنند محتویات آنها در قدح چینی بزرگی ریخته می شود. با طمأنینه و وقار مدعوین بسوی بار آمده هر يك گیلای بر می دارند صاحب خانه که شخصاً میزبان است با قاشق بزرگی گیلایها را بر می کند همینکه گیلایها پر شد رئیس محفل فراها سونها که می گویند راست رئیس کل لڑها نامیده می شود گیلای بدست بسوی تریبون می رود دیگران هم در جایگاههای خود جلوس و به بیانات رئیس گوش می دهند رئیس با کمال طمأنینه وقار بعموم مدعوین خیر مقدم می گوید و علاوه می کند :

برادران عزیز با افتخار این جشن بزرگوار پر افتخار که بعد از سه سال ناراحتی و محنت و عظمت خاصی بر گذار می شود گیلایهای خود را بنوشید همگی گیلایها را لب پرده تا قطره آخر مخلوط را می نوشند رئیس سینه خود را صاف نموده گیلای بروی تریبون می گذارد و اظهار می کند : برادران عزیز بسیار خوشوقتم بشما بگویم در این موقع سرم حقیقت اثر خود را بخشیده خطوط قیافه رئیس باز می شود رو خنده بر سیمایش ظاهر می شود و بصحبت خود ادامه می دهد بلی برادران عزیز بسیار خوشوقتم بگویم که ما پدر سوخته ترین و رذل ترین افراد این اجتماع هستیم. تمام مدعوین که تحت تأثیر سرم حقیقت قرار گرفته اند با چهره های خندان زیاد می کشند صحیح است احسنت .

رئیس ادامه می دهد یا آنچنان اشخاصی هستیم که گوشت و پوست و خون و پیه های ما در این آب و خاک پرورش یافته همگی بردوش این مردم سواریم و حاصل کار و دسترنج آنها را می خوریم خوش و خرم بسر می بریم و در برابر بزرگترین ظلمت را بر پیکر این اجتماع عوارض می سازیم من خودم کسی هستم که می خواستم بدستور ارباب قرار دادی را امضاء کنم که ایران یکسره تحت قیمومیت قرار گیرد آیا از این عمل رذلانه و خیانتی از این بزرگتر ممکن بود انجام شود .

تمام مدعوین فریاد می کشند البته خیر ، رئیس ادامه می دهد بلی آقایان ما مخالفان هستیم ما به میهن خود خیانت می کنیم ما کثیف ترین مردم روی زمین هستیم .

ما از انسانیت و شرافت بهره‌ای نداریم .

فریاد مدعون : صحیح است احسنت .

یکی از یزدگوارانی که ریش سفیدی دارد و باعامدانش منظره قارچ بهاری را دارد و در وسط جمعیت بلند می‌شود فریاد می‌کشد بله آقای رئیس صحیح فرمودید من بنوبه خود می‌گویم که وظیفه خود را بخوبی انجام داده مردم را بعالم لاهوت و ناصوت وارد می‌کنم همگی را به آخرت حواله می‌دهم تا به فکر این دنیا نباشند و ثروتشان را در این دنیا اربابان ما تناول فرمایند .

آقای دیگری که دکتر سرشناسی است از جای خود بلند شده نوبی دماغی می‌گوید: من برای اینکه مریض‌هایم نکنند خودم تریاکی شدم و به عوض هر داروئی به مریض‌هایم تریاک تجویز می‌کنم بله آقایا اینیم .

آقای دیگری از جای خود بلند شده فریاد می‌کشد : بله آقای رئیس شما صحیح فرمودید ما خائن هستیم زیرا من یکی تابحال چندین قرارداد بضرر هم وطنهای بیچاره‌ام با اربابان بسته‌ام و ثروت مردم را بسهم خود بجیب آنهار بسته‌ام . آقای رئیس زنگ جلو خود را صدا درمی‌آورد . سکوت برقرار می‌شود . رئیس بصحبت خود ادامه می‌دهد بله آقایان ما حقه بازهای مزور طبق دستور ، هرج و مرج و برادرکشی را در بین هم میهنانمان برای می‌اندازیم ما آنهارا به انواع و اقسام سرگرم می‌کنیم تا اربابانمان از آب گل آلود استفاده کنند آنچه را که بیان است و همگی بر آن واقف هستیم گفتن ندارد ما همه خیانت پیشه و آلت فعلیم و همگی سروته يك كراباس هستیم .

فریاد احسنت صحیح است ، از مدعوین بلند می‌شود . هر يك شمه‌ای از خیانت‌های خود بر می‌شمارد صداهای همگی مخلوط شده غوغائی برای افتاده است همگی حاضرین تحت تأثیر سرم حقیقت قرار گرفته سیات اعمال خود را بر می‌شمارند کلمات من خیانت کردم . جاسوس هستم . من در قتل شرکت داشتم . من در توطئه شرکت نمودم . جسته و گریخته بگوش می‌رسد . به آقایائی که وکیل شده است نزدیک

می‌شوم مضمون صحبت‌هایش اینست: من به ملت گفتم مصالحش را حفظ خواهم کرد در راه عمران و آبادی مملکت خواهم کوشید. اینها که گفتم دروغ است. کشت است زیرا من طبق میل اربابان باید قدمی در راه مصالح مردم برندارم من باید قوانین گمر شکن که ملت را بروز سیاه بنشاند تصویب کنم. آری من به ملت دروغ گفتم. صدای فریاد از هر گوشه بلند است. هر کسی پرده از کار خود برمی‌دارد. مانند صفحه گرامافون خود بخود آنچه بر لوح ضمیرش نقش گردیده است پس می‌دهد و ماهیت خود را بروز می‌دهد.

من چه بنویسم چه‌ها گفتند شما بهتر می‌دانید چه کرده‌اند و چگونه در لباس اترانیت یا در دست داشتن سجل احوال ایرانی و سلیس صحبت کردن فارسی ما را لیل و زیون کرده‌اند لذا بیش از این شما را بخواندن بیانات این حقه بازها بر گرم نشوده باصل مطلب می‌پردازم.



فرقه فراماسون که در عالم پخش گردیده و شعبات یا لژهای آن مانند چنگار سلطان در هر کشور بر پیکر تشکیلات و سازمانهای داخلی پیچیده است آلت اراده‌ای در دست سرویس جاسوسی انگلستان می‌باشد.

آیا همیشه اینطور بوده است؟

فراماسونهای اولیه هدفی جز تأمین (آزادی . برابری . برادری) در جهان نداشتند. پیروان این عقیده می‌کوشیدند تمام مردم عالم از این سه اصل کلی بهره‌مند. انگلستان که متوجه گردیده در پناه این کلمات زیبا می‌تواند استفاده‌های کلی برده‌این جهت کوشید تحت این نام تشکیلات و سازهان وسیعی در جهان برآورد. موجب اسناد تاریخی موجود انگلستان از سال ۱۷۱۷ سازمان فراماسون‌ها را راه انداخت و لژ عالی را در لندن برپا ساخت از آن پس به ترتیب در سال ۱۷۲۲ در ایرلند لژ وابسته تشکیل گردید در سال ۱۷۳۰ در هندوستان در سال ۱۷۳۲ در پاریس پایتخت فرانسه. در سال ۱۷۳۳ در آلمان و در شهر بوستون آمریکا در

سال ۱۷۳۶ در اسکاتلند انگلستان در سال ۱۷۳۷ در هند و پرتغال در سال ۱۷۴۰ در کانادا و سوئیس در سال ۱۷۴۲ در هند غربی در سال ۱۷۴۵ در دانمارک در سال ۱۷۵۳ و در شهر ویرژینیای آمریکا در سال ۱۷۶۳ در ایتالیا در سال ۱۷۷۱ در روسیه در سال ۱۷۷۳ در سوئد لژهای وابسته تأسیس گردیدند.

سرعت عمل در تأسیس لژهای فراماسون در قرن هیجدهم خیلی زیاد بود بطوریکه در اواخر این قرن در انگلستان بیش از ۱۶۰۰ لژ فرعی برپا شده بود و تمام کشورهای اروپا و آمریکا و قسمتی از آنها در این قرن محافل فراماسون داشتند. در قرن نوزدهم این لژها در کشورهای دیگر نیز تأسیس گردیدند.

راجع به تشکیل لژهای فراماسون در ایران به موجب اسناد موجود تصور می‌رود از زمان ورود سهارفورددجونس که در سال ۱۸۰۴ بطور غیر رسمی به ایران آمده است این محافل به راه افتاده‌اند. نامبرده در سال ۱۸۰۸ مأمور رسمی دولت انگلیس گردید و همانطور که در کتاب نعل وارونه نوشته برای بیرون کردن زغال گاردان فرانسوی از ایران با هدیه کردن يك انگشتر الماس و تحف و هدایائی «میرزا شفیع صدراعظم توفیق یافت. بعد از نامبرده جیمز موریه و فریزر که از مبلغین فراماسون بودند در راه تأسیس محافل فراماسون در ایران همت گماشتند و رجال درباری و اعیان و اشراف را به این محافل وارد کردند. نگارنده راجع به قتل صدراعظم‌های وطن پرست ایران در کتاب نعل وارونه توضیحانی داده‌ام در اینجا آنچه نوشته‌ام تکرار نمی‌کنم آنچه می‌خواهم تذکر دهم اینست که در آن دوره‌ها منجیح است شاه قدرت داشته و استبداد رأی داشته است معذالک از بین بردن صدراعظم‌های وطن پرست در نتیجه دسیسه‌های این محافل و به دستور لژ عالی بوده است. از زمان فتحعلی شاه به بعد اگر به رفتار صدراعظم‌های پرواقص که صدراعظمان دوام‌کرده است توجه کنیم خواهیم دید همگی اشخاص بی‌خال و بی‌کاره و بلاایاده بوده‌اند و اینطور بنظر می‌آید مانند عروسکی در دست سیاست‌مروزی که همان سیاست‌چرخاننده لژها بوده است قرار داشته‌اند اعتمادالدوله مدبر و سیاست‌

آنها را فتحعلی شاه با تمام فامیل و بستگانش به آن طرز فجیع به قتل می‌رساند. بین می‌برد. جایش میرزا شفیع رحمانه می‌آید. قائم مقام آن مرد بزرگ بیش کمال در مسند صدارت نمی‌ماند و سر به نیست می‌شود به جایش حاج میرزا آقاسی می‌نشیند. امیر کبیر آن مرد توانا نابود می‌شود در عوض او میرزا آقاخان گه تخم و ترکه‌اش هنوز هم دست از سر ملت ایران بر نمی‌دارند صاحب اختیار می‌شود.

نظری به سالهای اخیر مارا متوجه خواهد ساخت کور و بی‌حالت‌های جامعه کاره بوده‌اند. فراماسونهای اولیه مردم باشرقی بودند آنها خیر افراد بشر خواستند اما از زمانی که سیاست محیل و مکار روباه صفتان این سازمان را در گرفتند جامعه بشریت به بلای عظیمی گرفتار گردید. در هر کجا این سازمان تخم آزادی و برابری و برادری شروع کرد. آتش فتنه برپا شد در نتیجه مردم کشور زهر قتال و جانکاهی پیاور آورد.

چنانکه قبلا اشاره شد در سال ۱۷۳۳ لژ فراماسونها در آمریکا تأسیس شد. اشنگتن مؤسس لژ در شهر ویرژینیا بود. بنیامین فرانکلین به موجب نوشته (وینستر) در تاریخ جهان نه تنها کشت کننده تخم آزادی و برابری و برادری آمریکا بود بلکه فرانسویان نیز از افکارش بهره‌مند شدند.

ثمره آتش افروزی فراماسونها در آمریکا این شد که در سال ۱۷۷۶ استقلال آمریکا اعلام گردید و این قطعه زرخیز از انگلستان مجزا شد و همراهش این گردید که امروز شیشه حیات و معات انگلستان در دست آمریکا است و اگر کالیه‌ها بآدادن دلار حیات اقتصادی انگلستان را نچرخاند وادرا از نظر سیاسی بهالی نکند حسابش با کرام الکاتبین است.

فراماسونهای ایرلند هم برای انگلستان ثمره‌ای جز مستقل ساختن خود نیاوردند. همانطور که قبلا اشاره کردم در سال ۱۷۳۲ لژ وابسته به محفل

عالی فراماسون انگلستان در شهر پاریس تأسیس گردیده و در سال ۱۷۸۹ تقریباً نیم قرن بعد آتش به خرمن هستی ملت فرانسه زد. انقلاب فرانسه شروع شد. موريس نالمير راجع به انقلاب فرانسه و ارتباط آن با فراماسون ها در سال ۱۹۰۴ کتابی نوشته و پرده از رفتار این بزرگواران که فرانسه را به آتش و خون کشیده اند برداشته است و حتی از طرز تمرین هایی که در لژها برای کشتن شاه می کردند بحث نموده است.

با استناد به نوشته های فراماسون های بزرگ استدلال می کند هدف این فرقه ایجاد هرج و مرج کشت و کشتار خلاصه برگشت و رجعت به حال توحش است. دستوری که به تمام افراد فراماسون فرانسه داده می شد این بود (برادر خود را چنان نشان بده که مردم تصور کنند تو يك خدمت اجتماعی و عمومی انجام می دهی ولی هدفت باید فقط خراب کردن، منهدم ساختن باشد) این افراد همه جا فریاد می کردند (وطن در خطر است) و برای رفع خطر بزرگترین بالا را بر سر فرانسه آوردند زبانهای آتش شعله کشید سرهای سروران نامی فرانسه یکی بعد از دیگری به وسیله تیغ گیوتین از تن جدا شد. سرانجام آنچه را که در لژها تمرین می کردند و آن کشتن شاه بود عملی گردید.

داستان انقلاب فرانسه غم انگیز است و کارهای این جمعیت پلید و مرموز را نویسندگان بی طرف بخوبی روشن کرده اند. نگارنده بیش از این در اطراف آن بحث نمی کنم.

فراماسونها در تمام کشورهای آتش افروخته اند. در ایتالیا، در اسپانیا، در مصر و ترکیه و بسیاری کشورهای دیگر غوغاها برپا کرده اند. در روسیه چه کردند، آن هم بحث مفصلی است که در کتب گذشته اشاراتی کردم.

در ایران علاوه بر محافل فراماسون وابسته به انگلستان محافلی هم وابسته به لژ فرانسویها (گرا لداریان) تأسیس شد و ظهیرالدوله در رأس آن قرار داشت. و قتی که محمد علی میرزا خواست به خانه ظهیرالدوله حمله کند اسناد و مدارک

به سفارت فرانسه برسدند. لژهای فراماسون وابسته به انگلستان در زمان
 آواز هاردینگ بر فعالیت خود افزودند. قتل ناصرالدین شاه به شرحی که
 به عمل وارونه نوشتیم به دسیسه بازی سید جمال اسدآبادی و بدست میرزا
 گرمایی انجام شد.

مضامین والهدام تحت لوای آزادی و برابری و برادری و در لباس مشروطیت
 بگیر ایران گردید بنام آزادی خونها ریخته شد و جنایتها نصیب ملت ایران

کسانی که وارد لژهای فراماسون می شوند ممکن است قبل از ورود مردان
 و پاک و درستی باشند ولی مقررات ورود به این محافل بنحوی است که وارد
 زاده خود را از دست می دهد و آلت بالا را داده ای یا بنا به اعتراف یکی از آنها
 (علی) می شود که طبق فرامین و دستورات مجبور است رفتار کنند و راه برگشت هم
 به جوانانی که در فکر جاه و مقام و ثروت هستند و برای رسیدن به آنها گول
 زده و خود را اسیر و بنده و برده می سازند اعلام خطر می نمایم و می گویم :
 شما بشر هستید، در سایه پشتکار و فعالیت می توانید بدون از دست دادن
 دست خود بدون اینکه آلت فعل شوید به آنچه میل دارید برسید، از راه سعی
 و خدمت به مردم محبوب قلبها قرار گیرید چه احتیاجی است نوکر بیگانه
 به آنها؟ نوکری که حق چون و چرا ندارد و مانند حیوان باید بسربرد و اگر
 روزی هم وجدانش بیدار شد و خواست شخصیتی نشان دهد و خود را از قید
 نوکری برهاند برایش میسر نباشد.

من گویند روسها انقلاب جهانی را طالب هستند. رفتار انگلستان و سیاست
 های نشان می دهد قبل از روسیه شوروی انگلستان طالب هر چه و مرج و انقلاب
 تمام و برگشت به حال توحش و بربریت بوده است البته در کشورهای دیگر نه
 بود انگلستان زیرا لژها و محافل انگلیسی فقط به ساختن و پرداختن افرادی
 این روش را در کشورهای دیگر عملی سازد اقدام کرده و در داخل انگلستان

آب از آب تکان نخورده است.

نطقهای نمایندگان مجلس شورای ملی

علاوه بر کتب و رسالات و مقالاتی که درجراید له و علیه فراماسونها، زهانی اغراق آمیز و خالی از حقیقت و گاه نیز مستدل و صحیح نوشته شده است، پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ نمایندگان مجلس شورای ملی نیز نطقهایی علیه فرقه فراماسونری ایران ایراد کرده اند، که از نظر اهمیت این گفتارها و نشان دادن نظرات و عقاید نمایندگان مردم قسمتهای برجسته نطقهای بعضی از آنان نقل می شود:

عباس اسکندری فرزند مرحوم شاعرزاده محمد علی میرزا
نطقهای عباس
معروف بشاعرزاده علیخان که در دوره پانزدهم نماینده مجلس
شورای ملی بود، بیش از همه نمایندگان در باره سازمان

فراماسونری ایران در مجلس شورای ملی نطق کرده است.^۱
باینکه پدر او هستمس کزی «انجمن آدمیت» را که یکی از سازمانهای فراماسونری ایران شناخته شده، بنیان نهاده است، معذالک وی در دوره ۱۵ قانونگذاری در جلسات علنی مجلس شورای ملی حملات شدیدی به فرقه فراماسونری ایران کرده است. ناشر کتاب (نفت و بحرین) در مقدمه بخش هشتم کتاب چنین می نویسد:

«اما استیضاح عباس اسکندری از کابینه حکیمی چنان بوده که حکیمی به دست تقی زاده و عده ای از فراماسونها در مجلس و خارج مجلس برای مردمی

۱- عباس اسکندری که از خاندان قاجاریه بود در نوزده سالگی وارد جریانات سیاسی شد. در اوائل جنگ بین المللی اول در صف مجاهدان و مهاجران درآمد و چندی در توقیف و اسارت سپاهیان متغین بود. روزنامه سیاست را در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ منتشر کرد. سپس بفراسه رفت و در آنجا وارد حزب کمونیست شد در مراجعت بایران جزو ۵۳ نفر دستگیر شده زندان افتاد. پس از وقایع شهریور وارد حزب توده گردید و پایه حزب مزبور را بریزی کرد. سپس از حزب توده خارج شده در دوره ۱۵ بمجلس رفت اواز ملاکین و سرمایه داران تهران بشمار می رود.

وطنخواه و دموکرات و آزادی طلب معرفی شده بودند و مردم خوش باور که عادتاً به این گفته‌ها و شنیده‌ها اعتقاد دارند، از هویت حکیمی و همکاران وی مانند نجم‌الملک اردلان و غیره بی اطلاع بودند و فقط عباس اسکندری با طرح استیضاح اخیر، ده از روی اسرار بسیاری برداشت و به وسیله ارائه اسناد و مدارک مسلم از تالار اسفند عظمی مجلس شورای ملی به مردم اعلام کرده که همین حکم فراماسون ظاهر است. ملاحظه به موجب خط و امضای خود برای بستن مجلس و تعطیل دستگاه مشروطه کرده و بدبختانه اقدامات شوم وی نیز به نتیجه رسیده است.^۱

عباس اسکندری پس از نمایانیدن سیمای واقعی حکیمی در طی استیضاح او به معرفی فراماسون شماره دوم یعنی ابوالقاسم نجم (نجم‌الملک) وزیر دارائی و رفار حکیمی پرداخت و نوشته‌ها و دستورهای او را در مجلس خواند که برخلاف اصول اساسی مالیات وضع کرده ...

در جای دیگر همین فصل نوشته می‌شود:

فراماسون یا فراماسیون يك جمعیت و سازمان محرمانه است که از قرنهای بی در شرق و غرب وجود داشته در ابتداء هر ج يك نوع نهضت اخلاقی بوده و بعداً مل سیاست گشته است. این نهضت در زمان فتحعلیشاه توسط انگلیسها به ایران ایت کرده و هدف اصلی آن مبارزه با نفوذ روسها در ایران بوده است. رجال عضو جمعیت فراماسون ایران برای انجام منظور خود در ایران از سفارت انگلیس انهام گرفتند و تا قبل از مشروطه و کمی هم پس از مشروطه مبارزه آنان با دربار ایران و نگاه تزاری و کم و بیش به نفع ملت ایران تمام می‌شد اما بعد از مشروطه که پای سهای تزاری از میان رفت فراماسونری یکسره تسلیم انگلیسها گشتند و منافع آن را از نظر دور داشتند و در واقع مبارزه خود را با ترقی و تعالی ملت ایران آغاز

در حال حاضر دو نوع سازمان فراماسیونی در ایران هست یکی سازمان

فراماسون فرانسوی که از عوامل مؤثر و مهم سیاست محسوب نمی‌گردد و دیگر فراماسون وابسته به انگلیسپا که در تهران و یکی دوشهر ایران شعبه دارد و رجال مهم سیاسی ایران در آن جمعیت عضو هستند و چنانکه گفته شد با نهضت‌های ملی و استقلال‌طلبی ایران جداً مخالفت می‌کنند...

در جای دیگر در بخش هفدهم در باره فراماسونری چنین می‌نویسد:

ت - موضوع فراماسون تا حدی بر خوانندگان مشهود و مشخص است. این فرقه ابتدا بعنوان مؤسسه نیکوکاری در میان یهود پیدا شد و بعدها به روم قدیم و سایر ممالک اروپا سرایت کرد و اساساً به منظور آزادی قوم یهود از محالِم دیگران تشکیل شد و خدمات مهمی هم در آن زمینه انجام داد اما از اوایل قرن ۱۸ موضوع فراماسون که تا حدی منحصر به یهود و نژاد آنان بود از سیر عادی خویش انحراف یافت و به جای آن که وسیله خیر و نجات افراد بشر باشد آلات قتاله‌ای شد که فقط سیاستمداران مستعمره‌چی اروپا برای سرکوبی نهضت‌های شرق از آن سوء استفاده کردند و نیز بدبختانه تا حال حاضر آن جریان نامطلوب در کشورهای شرقی و بخصوص ایران باقی می‌باشد.

در حال حاضر دو نوع مؤسسه فراماسونی در ایران دایر است:

اول مؤسسه فراماسون فرانسوی که آنقدرها در سیاست روز تأثیر ندارد دوم فراماسون اسکاتلندی و انگلیسی که از اول مشروطه تا بحال تقریباً تمام امور سیاسی ایران را تا آنجا که توانسته است به نفع بیگانگان اداره کرده است این مؤسسه در شهرهای شیراز، آبادان و تهران لژ دایر کرده است و عده‌ای از آمریکائیان، انگلیسها، یهودیان، زردشتیان، آرامنه و ایرانیان مسلمان در آن عضویت دارند و بیشتر جلسات رسمی آنان در کلیسای انجیلی آمریکائیان واقع در خیابان قوام السلطنه تشکیل می‌یابد.

... بنده يك اصلی کلی می دهم دست شما را این را بگذارید
 علی عباس اسکندری مثل محکمی که می خواهید ببینید که این طلا هست یا نیست
 جلسه ۳ بهمن ۱۳۲۷ محاکم بزنید آنچه که به شما می گویم این در دایرة المعارف
 فرانسه نوشته شده و حاضر است و آن موضوع فراماسون
 سرگذشت هیرام بناکننده معبد سلیمان که بدست سه نفر از همکاران خودش
 شد و آن سه نفر هم آن سر را نگهداری کردند این حکایت پایه افسانه
 اسون است ولی فراماسون دو وجه داشته است در دنیا، يك وجهی که در
 وسطی خدمات بزرگی به بشریت کرده و يك مردمی بودند در آن موقع در
 بار فشار و ظلم اصول خان خانی در آسیایی و در جاهای دیگر اینها را پیداد
 می گرفتند می سوزانند در رم، شما همانطور که چهل چراغ می گذارید مردم
 گرفتند و صد ناשמع به تن آنها می گذاردند و می سوزانند در رم در آن
 این مؤسسه کمکهای بزرگی کرد اما زبان ما بیشتر زبان فراماسونها شد
 ۱۷۸۱ لژهای فراماسون به سمت آسیا حرکت کرد برای دفعه اول در دهلی آگراه
 اینها فراموشخانه ساختند سی و هشت لژ در ۱۷۲۷ در آگراه و دهلی ساختند
 موقع قبل از این که اینها بروند کمپانی هند آنجا شریاب شده بود در ۱۷۵۲
 لژ در مدرس ساختند و بعد از آن امپراطوری انگلستان از پشت سر
 هند نماینده فراماسون بوده در ۱۸۰۰ یعنی سال یازدهم سلطنت فتحعلیشاه
 در تهران و اصفهان گذارده شد ولی زمین ایران در آن موقع خوب حاصل
 نبود و نتوانست آنطوری که محصول می خواستند بدهد گذشته از آن موقعیت
 قبایی ایران هم به واسطه رقابتی که در بین بود مساعد نبود ولی بعد از تاریخ
 فراماسون در ایران پیشرفت شایانی کرد این فراماسون اصولی داشت اینها
 چیزی را پنهان نمی کنند باهم زندگی می کنند باهم کار می کنند در هر کشوری
 هستند اینها اگر در پنج هزار کیلومتر آن طرف... (رئیس جلسه را ختم می کنم
 به آینه سه شنبه ساعت ده و نیم صبح)

عباس اسکندری درباره تاریخچه فراماسون در آسیا و ایران، چنین گفت :

مذاکرانی که در جلسه قبل ما کردیم دلائل بررد قرار داد جلسه ۵ بهمن ۱۳۳۷ تمدیدی و تحمیلی بود از نظر حقوقی و بعد دلائل را که در خود قرار داد بوده ذکر می کردم بمناسبتی مجبور شدم که تذکر بدهم تشکیلات وسیعی را که امپراطوری انگلستان در دنیا دارد و یکی از آنها هم برای کارهایی که در خاورمیانه و مخصوصاً ایران داشته است و به کار انداخته در يك قرن اخیر بلکه يك قرن و نیم اخیر صحبت می کردم و او راجع به فراماسون بود .

البته دلائلی که برای رد قرارداد در داخل قرارداد است به واسطه توضیح این مقال معوق و متوقف مانده که بعداً به اطلاع آقایان خواهم رسانید تند نویس مجلس هم بایستی دقت بکند که تاریخها و مطالبی که گفته می شود آنها را اشتباه نکند از برای این که يك وقتی صحبت عادی می کنیم این صحبت معمولی اگر اشتباه بشود اهمیتی ندارد اما يك صحبتی که ارتباط تاریخی دارد وقتی که اشتباه شده هم برای مجلس شورای ملی خوب نیست هم برای گوینده گفته می شود که چیزی همین طور بی مطالعه گفته شده این طور نیست بنده آنچه که اینجا عرض می کنم که اشاره به يك تاریخی می شود تمام اسنادش اینجا موجود است و هر کس هم می خواهد می تواند ببیند .

بنده گفتم که در تاریخ ۱۷۲۷ اداره کشورگشائی انگلستان به نام فراماسون در پشت سر کمپانی هند شرقی وارد هندوستان شد در ۱۷۲۷ در کلکته و آکرام پست و هشت لژ و در بمبئی ۸ لژ در ۱۷۲۸ و در ۱۷۵۲ در مدرس ۲۰ لژ تأسیس گردیدند قدم اولی که این برادران طریقت در قرون وسطی پیش می گرفتند برای این بود که واقعا به مردم کمک بکنند اما در این زمان خواستند در طبقات عالی هندوستان، در پیش راجه ها ، مهاراجه ها به نام فراماسون اقدامات سیاسی را موفق شوند و

ما را به نوع دوستی تشویق کردند و نتیجه در ۱۷۵۲ آن آخرین قسمتی را که خواستند
 ام دادند و از پشت سر این مردمان خیر و نیکوکار سایه مهیب و شیطانی مستعمرانی
 استان پدیدار شد و هندوستان برای يك قرن و نیم متجاوز در چنگال آنها
 که خوشبختانه روزگار جدید يك آثار و اماراتی نشان می دهد که شاید دست
 زبان آنها بردارند در ۱۸۰۰ همین کمپانی، کمپانی فراماسون و کمپانی هند
 و ما را باید همه جا با هم مترادف بدانیم و يك معنی دارد، اینها به ایران
 در تهران و در اصفهان سه لژ تشکیل دادند.

چنانکه گفتیم ایران به واسطه موقعیت جغرافیائی و وضعیتی که در باران
 داشت زیاده زمین حاصلخیزی نبود و محصولی نگرفتند در زمان سلطنت
 آخرین شاه يك عددی وسیعتر ولی باز جلوگیری شد تا این که منتهی شد به ۱۹۰۴
 مشروطیت ایران در این اوان و در مشروطیت ایران توسعه زیادی پیدا کرد
 باید بفهمیم که فراماسون چه چیزی است؟ اینها يك اصولی را تبعیت می کنند
 هم بستگی و صداقت و تعهدی دارند مطالبی که هست از هم پنهان نکنند و در
 دایه دنیا هستند تبعیت بکنند از رئیس خودشان مطابق علائمی که دارند هر کس
 هر کشوری باشند فرق نمی کند در هر کشوری هم که وارد شوند آنها از متنفذین،
 بها، رجال کشور را عضویت دارند چون کار داشتند (حکمی - حقوق هم می گیرند)
 سه درجه دارند اول شاگرد، دوم رفیق و سوم استاد، استاد غالباً می تواند
 و رهبر باشد و يك درجاتی هم پیدا می کند و بالاخره مرشد بزرگ مرسوم
 الهائی (لومیه) است تشریفاتشان را کاری نداریم و زیاد مفصل است بجهت طریق
 و آنچه جور قسم می خوردند که وفادار باشند و بد نکنند و مطیع رئیس و اصول
 باشند و آنچه از شهر پاك به قول خودشان می گویند (مدینه طینه) از آنجا
 داده بشود مکلفند که اجراء بکنند، شما ایرانی هستید، هندی هستید، شما
 که هستید مجبور هستید آن مردمی که در استرالیا در هندوستان، در فرانسه
 و جزر فراماسون می باشند آنها را نزدیکي از هموطن خودتان و اگر به شما

از بالاتر دستور دادند مجبورید دستور او را اطاعت بکنید اگر چه مخالف با قوانین شما باشد اگر آئینائی که هستند و من می گویم تکذیب کردند قبول می کنم که بگویند ما تعهداتی که داریم اجبار نداریم که اجراء بکنیم .

آقایان نمایندگان وطن آنها فراماسون است و تبعیت آنها از قوانین فراماسون است و هیچ چیز دیگر در مقابل آنها رادع و مانع نیست هر چه هست آنست ، فراماسونی که به ایران آمد ، همانطور که در زمان قدرت انگلستان مستقیماً از لندن به اینجا مزاحم نمی شد هندوستان همیشه در این کار دخالت می کرد و کسانی که اسناد دولتی انگلیس را منتشر کرده و بنده دارم معلوم می دارد که همیشه وزیر خارجه انگلیس مراجعه می کند به نایب السلطنه هند که در این موضوع شما چه می گوئید او هم جواب می دهد و نظر موافق و مخالف خود را می گوید و همیشه مأموریتی که در هندوستان بوده اند مستقیماً نظر می دهند .

فراماسونی هم که در ایران آمد این فراماسون شعبه هند بود و مستقیم نبود (رحیمیان ممکن است چند نفر از فراماسونهای ایران را اسم ببرید) (ممنون) کوزرای سابق و اسبق) آقایان نمایندگان اصولاً من با افکار و عقاید مردم کاری ندارم به عقیده من هر کس آزاد است هر قسم فکری بخواهد بکند .

ما در قرن بیستم زندگی نمی کنیم که عقاید و افکار مردم را بخواهیم مالدور بکنیم ، اعمال مردم مورد تعقیب ما است (یکی از نمایندگان صحیح است) والا هر کس هر فکری دارد می تواند فکر خودش را پیروی بکند و ما هم طبق منشور ، اله متحد طرفدار این عقیده هستیم مردم آزادند و بهر قبیله ای می خواهند نماز بخواهند ولی اعمال آنها مورد نظر ما است ، بنده عقیده شخصی ام اینست که کسانی که در کشور ایران بستگی و تعهدی با هر دولت خارجی و با هر مردمی مطابق این اصول داشته باشند ، آنها نباید متصدی امور شوند (معدای از نمایندگان صحیح است) آنها در ایران در برابر لژ بزرگ انگلستان و در برابر لژ سن ژان اسکاتلند و او می زند و هر چه آنها بگویند عمل می کنند و اداره ای که در مقام خودش ، در کشور

موردش مورد تمجید و تحسین جهانیان است یعنی اینتلیجنس سرویس انگلستان، اداره کننده لژ انگلستان است.

من مکرر گفته‌ام که ما راجع به مملکت خودمان صحبت می‌کنیم، مردمی که کلیسی هستند مردمی که برای بقاء و عظمت کشور خودشان سعی می‌کنند و زحمت کشند آنها مورد تمجید منند و من همیشه آرزو دارم که در این کشور هم مردمی باشد که بتوانند همان نوع خدمات را برای کشور خودشان بکنند (حاذقی - شبخانه ما افراد وطن پرست زیاد داریم که برای وطنشان خدمت می‌کنند) بنده خیلی میل دارم که سعی بکنم امروز استیضاح را تمام بکنم و نمی‌خواهم تجمعات معترضه جواب بدهم، ولی این نکته را باید فهمید در صورتی که ما پدر مردم وطن پرست داریم، اینقدر مردم خوب داریم، همه حسن نیت دارند و می‌خواهم ببینم وضع مردم کشور ما چرا به این بدیست؟ می‌خواهم ببینم شولش کیست؟ (عده‌ای از نمایندگان - صحیح است - صحیح است) حالا خواهید بود که خدا خواست اداره کننده‌ها آنها هستند؟ (مکی - مملکت هم که امن و ان است توی مجلس وکیل را می‌زنند مملکت امن و امان است، راحت بخوابید دم‌نهران يك جانی که مصون از تعرض است وکیل را می‌زنند...) مرشد فراماسون (آن آقای حکیم‌الملک است و آقای نجم‌الملک هم اخیراً به مرتبه استادی رسیده‌اند) همان هم هستند و تمام کسانی که با ایشان کار می‌کنند و باهم همکاری می‌کنند اسامی خود را می‌دانم محتاج بذکر نیست مگر این که خودشان بردارند در روزنامه اعلان کنند که بنده نیستم جزو فراماسون و تشکیلاتی ندارم و یا با آن مخالفت دارم.

اگر اینکار را کردند خوب این بحث جداگانه است و بنده آنوقت با دلائلی دارم بعرض آقایان می‌رسانم و اگر اینکار را نکردند، با این دلائل کتبی که من دارم آلین نامه و نظامنامه فراماسونها، بنده بملت ایران توصیه می‌کنم از تمام آنها دور باشند (اکثریت نمایندگان صحیح است) من می‌شناسم اشخاص دیگری را که از نظر نهایت ادب میل ندارم حتی اسمشان را ببرم از برای اینکه می‌گویند که غرض رانی

می‌کند، و قتیکه بنده در ایران نبودم اطلاع پیدا کردم و در روزنامه‌های قاهره خواندم که متفقین هر سه دولت یادداشتی داده‌اند برای نظارت بین‌المتفقین در ایران یعنی مداخله در امور ایران. آقای حکیمی که آن موقع نخست‌وزیر بودند ایشان قبول می‌کنند و همین آقای نجم‌الملک وزیر خارجه بود و داخل مذاکره شدند اگر یک‌عده مردم آزاد بخواند در آن زمان نبودند یک‌دفعه دیگر بطومار سیاسی این مملکت نوار سیاه بسته بودند (حاذقی - اینطور نبود آقا، ایشان جزو مردم وطنپرست این کشور است) (امامی - مرد باشرقی است) باید خودشان تکذیب بکنند آقای امامی که جزء فراماسون هستند یا نیستند اگر هستند تابع این مقرراتند و اگر نیستند اعلان بکنند، در فراماسون کسیکه این انگشت چپ را بر می‌گرداند و علامت می‌دهد رئیس اوست و بایستی تبعیت بکنند از طرف او نگویند نیستند مرا و ادار نکنید که از ادب خارج شوم (امامی اهری - شما نسبت می‌دهید، دلائل را هم بچاید اقامه کنید) دلائل را من الان می‌گویم اما موضوع نظارت بین‌المتفقین را در حکومت ایشان کسی هست بتواند تکذیب کند...؟

دیپلمات خانه نشین رضا آشتیانی زاده که در دوره شانزدهم
 مجلس شورای ملی از ورامین انتخاب شده و در مجلس از جمله
 «منفردین» بود، همیشه از دولتها و اعمال آنها انتقاد
 می‌کرد.

ایشان در جلسه ۱۹۳۰ روز ۲۸ مهر ۱۳۳۰ در باره (نفت و نقش فراماسونها) مطالبی گفتند که قسمتهای کوتاه آنرا که مربوط به فراماسونهاست نقل می‌کنیم: ... روزی که آقای دکتر مصدق با فراماسونها آشتی کردند و چند نفر از آنها را در دستگاه حکومت خودشان شریک قرار دادند، من از ساده دلی و حسن نیت دکتر مصدق تعجب کردم و تذکر دادم که بیعت با رؤسای فراماسونها اتحاد آب و آتش است و بالاخره یکی از این دو دیگری را از میان خواهد برد. دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه کار نفت کرده و از روی تخیل خواب

گوشه اطاقش در تهران تکان نمی خورد و بکارهای دیگر مداخله نمی کرد، شاید چون اینکه خودش متوجه باشد یکایک فراماسونهای نشاندار را وزیرای او که بنظر دشالیم این کاره بوده هستند، در تمام مقامات حساس مملکت قرار دادند (دکتر می یکی هاستند مثلاً) و با يك نقشه بسیار ماهرانه، اول بر ضد خود دولت و بعد بر ضد کلیه کسانی که سر بر آستان لژ گراند اوریان سپرده اند مشغول فعالیت شدند...

آشتیانی زاده سپس به بحث درباره فراماسون ها در کابینه وقت ... پرداخته و بیض آقای شاه باغ حائری دادستان کل کشور را که به زعم ایشان از مخالفین فراماسونها و در کار نفت و ملی شدن آن بدولت و ملت خدمت کرده بود، مورد بحث قرار چنین می گویند:

«... تمام قانون شکنی ها، تجاوزات، سلب حقوق و آزادیهای مردم که دکتر در مدت عمر خود برای جلوگیری از آن کوشش داشت و بر آنها ایراد می کرد زمان حکومت خودش و شاید بدون اطلاع خودش و بدست خرابکارهایی که بدست اندر کار دولت بودند تکرار شد.

مثلاً همین تعویض آقای حائری شاه باغ که حتی برای یکبار هم ایشان بدو ام و لی از همه شنیده ام که این مرد در مدت تصدی خود برای استیفای حقوق و جلوگیری از تجاوزات ... نهایت درجه رشادت را بخرج داده [همه] تحت کنترل سخت گرفته... آشتیانی زاده سپس در جلسه علنی مجلس چنین گفت: ... عرض می شود که ماها یکعده ای هستیم که از پیرونده سازی و پاپوش دوزی اطلاع داریم و هم این بلاها بر خودمان آمده است.

آقای حاج سید نصر الله تقوی یکی از رؤسای بزرگ فراماسونها بودند، بی امامی، مرحوم حاج سید نصر الله یکی از بزرگان فراماسونری در ایران بودند، فراماسونها شریف هستند (نورالدین امامی - از ارکان مشروطیت بوده و خدمت

کرده) یا باید شهر بانی اعمال خودش را با قانون تطبیق می کرد یا باید دادستان را بدرجه يك مأمور کار آگاهی تنزل می نمود

برای تغییر دادستان شجاع و قانونی صبر کردند تا رئیس دولت به امریکا رفت و در غیاب ایشان این مرد شریف را عوض کردند .

من بهیچوجه کاری به صلاحیت یا عدم صلاحیت جانشین او ندارم ولی می پرسم علت برکناری دادستان کل چه بوده است. (صحیح است) آیا حائری شاه باغ رشوه گرفته بود؟ آیا قانون نمی دانست؟ آیا صلاحیت نداشت؟ چطور شد که تا چند ماه از حکومت دکتر مصدق صلاحیت شاه باغ محرز بود ولی همینکه عوامل مشغول نقشه کشیدن شدند و در صدد تجدید خاطرات ایام مختاری برآمد شاه باغ حائری فاقد صلاحیت شد؟

چه علت موجب تغییر شاه باغ حائری و انتصاب يك فراماسون بجای او شده است. دادستان کل باید کسی باشد که مردم باو اعتماد داشته باشند ... «
در آن ایام رئیس دولت در امریکا بودند و کفالت کابینه با آقای بسافر کاظمی بود. ایشان آقای شاه باغ حائری را تعویض و بجای وی دیگری را به سمت دادستان کل منصوب کردند .

آشتیانی زاده در دنباله بیاناتش که اشاره تلویحی به بقاء فراماسونها در پست های دولتی بعد از وقایع مشروطیت تا آنروز بوده و چنین گفتند :

« . . . امید ما این بود که دکتر مصدق پس از نیل بمقام نخست وزیری يك طبقه ای را سر کار بیاورد که آنها ارتباطی با آن جریان نداشته باشند یا بالعجب که مادر موقعی که با مبارزه کرده ایم یا می خواهیم باز هم مبارزه را ادامه بدهیم ، هنوز استخوان لای زخم ماست .

من با آقای کاظمی سابقه ای ندارم من آقا شما را می شناختم تا بحال خدمتتان رسیده بودم . کوچکترین سابقه سوء یا حسن سابقه ای بین بنده و آقا نبوده است برای اینکه ما توفقی چشم باز کردیم ایشان وزیر خارجه بودند، وزیر راه بوده اند

مقرر گیر ترکیه بوده اند، باز در موقع بیکاری برای استراحت سفیر گیر می شود
 می گویم چه شد که سید حسن مدرس شهید و تقی زاده و علاء [که] هر سه با اصلاح
 بن اساسی و تغییر قانون اساسی در مجلس پنجم مخالفت کردند [سر نوشت
 تلف داشتند] چه شد که مدرس را بردند با آن وضع فجیع شهید کردند [ولی]
 آن علاء بلافاصله سفیر گیر ایران در پاریس شد؟ بعد وزیر شد باز وزیر شد
 وزیر دربار است پس فردا هم باز لایق سفیر گیر

یوسف کنعان من برده دل و جان من

برده دل و جان من یوسف کنعان من

اینها را نمی فهمیم توی این مملکت اگر دکتر مصدق السلطانه خیال می کند
 این مملکت مزد نیست و «جز فراماسنها کسان دیگر» لایق وزارت نیستند،
 شاه می کنند تمام طبقات جوان این مملکت میهن پرست بوده و هنوز هم هستند
 بناچار چه بسا درشکه چی ها که لایق وزارت من هستند و چه بسا وزرای من
 لیاقت درشکه چی گیری ندارند. اشتباه است آقا ...»

نظرات جراید در باره ماسونها

روزنامه های ایران هیچگاه از «فراماسون» و «فراماسونری» به نیکی یاد
 نکرده اند.

هرگاه به معنایستی یادی از فراماسونری دو جراید ایران شده یا برای انتقاد
 یک از يك فراماسون فاسد بوده است و یا برای نمایاندن زشتی اعمال هیئت
 گنه ... روزنامه نگارانی که از فراماسونها انتقاد می کنند، اکثر آنها نمی هستند
 دارای افکار «دست راستی» بوده و با هیچ چسبی نمی توان آنها را بجناح «چپ»
 سپانید. برای نمونه چند سطر از بین ده ها مقاله انتقادی سالهای اخیر نقل
 می شود:

صادق بهداد مدیر روزنامه جهان بیش از همه روزنامه -
 روزنامه جهان نگاران از فراماسونها انتقاد می‌کند. او که همیشه در جناح
 «ناسیونالیستها»ی ایران جا داشته، در یکی از صدها مطلب
 انتقادی علیه ماسونها تحت عنوان «داوری ضد کمونیسم» می‌نویسد:

«در ایران خطر نفوذ بیشتر حزب کمونیست روز بروز زیادتر می‌شود. چون
 هنوز در مدت این بیست سال - ناسیونالیستها دولتی تشکیل نداده‌اند، حکومت -
 هائی هم که فراماسونها و تحصیلکرده‌های مکتب سیاسی انگلیسی و کمونیست‌ها و
 یا سوسیالیست‌های وازده یا متعصب تشکیل دهند در برابر کمونیسم قدرتی ندارد و
 نمی‌توانند جلو نفوذ آنرا بگیرند...»^۱

اسماعیل پوروالی مدیر روزنامه بامشاد که پایان نامه
 روزنامه بامشاد تحصیلی خود را در باره مشروطیت و ماسونها نوشته، در
 اکثر مقالات خود نام فراماسونها را می‌برد. ایشان در
 مقاله‌ای که عنوان «پیر مرد محترم» داشته و ظاهراً بایستی منظور «سید حسن
 تقی زاده» باشد می‌نویسد:

«... من عرض می‌کردم که مقالات سرکار را خواندم و فوراً فهمیدم که موضوع
 از چه قرار است... کدام مقاله را می‌فرمائید... همانتهائی که می‌نویسید... من
 فوراً فهمیدم که جنابعالی در زمره حضرات هستید. بله، بله، بله، این را که همه
 می‌دانند از کی وارد لژ شده‌اید؟»

... لژ؟ والله بنده اهل سینما و تئاتر نیستم و اگر هم گاهی به اصرار والده
 بچها ناچار شوم و سینما بروم، همان پانزده رباعی...

... بله می‌فهم، منتهی ملاحظه می‌فرمائید این اختلافی که در لژ افتاده باعث
 نهایت تأسف است فکرش را بکنید، اختلاف در لژ!!

... این اختلاف آخرش بضرر همه ما تمام شد، هیچ معنی ندارد که در لژ

دستگی باشد ...

— والله ما جسارتی نکردیم. اصلاً بنده نمی‌دانم جناب‌عالی اشاره‌تان به ..

... بخیر، بخیر، اینها همه دلیل اختلاف در لڑ است، اگر او امروز تشخیص دهد که همین چهارتا عمارت فکسی که اسمش را دانشگاه گذاشته‌ایم چه ضرری بماند و می‌خواهد این ضرر را جبران کند و مرد درندی که سالها امتحان بندگی را داده بود این کار کرده، دلیل نمی‌شود که ..

... والله بنده تصور می‌کنم که جناب‌عالی عوضی گرفته‌اید. از ارقامی که گفتید بنده الله‌میدم چون تمام زندگی بنده را که جمع کنند ۳۰ تومان بیشتر ارزش ندارد. از تاریخ چیزی نمی‌دانم و از مسائلی که به آن اشاره فرمودید چیزی سر در آوردم. بعلاوه بنده خودم پیرمردم و نسبت به دریش سفیدها همیشه احترام قائلم. باره لڑ هم والله بالله بنده اهل سینما نیستم و ...

— خواهش می‌کنم جلوی من خودتان را به‌کوچه علی‌چپ نزنید.

این پیرمرد محترم یکروز اقرار کرد که ناچار بوده این کارها را بکند. آنوقت می‌دارد هرچه دلش می‌خواهد بعنوان تاریخ نویسی به‌آورد و بیراه می‌گوید. من گذشته‌ها کاری ندارم، همین سه‌ماه پیش این مرد تشخیص داد که بهبود مملکت با اهل معارف نسبت مستقیم دارد و بعد توی لڑ صحبت شد و گفتند این مرد درندی که خودش را به‌هالوئی زده برای از میان برداشتن مانع اصلی از همه بهتر است و تظاهرات برپا شد و تا تیر در رفت و یکنفر دراز شد یارو سر کار آمد و حالا هم اگر چه تظاهرات و شوت انقلابی دارد اما هرچه لڑ بگوید سمعاً طاعت‌آمی پذیرد چونکه پیرمرد محترم هم پنجاه شصت سال پیش که عمامه را کج می‌گذاشت همین‌شات و شوت انقلابی را راه انداخته بود و خودش خوب وارد اینگونه مسائل هست و از آن هفت خطها ..

— والله جناب آقا فکر می‌کنم جناب‌عالی اصلاً عوضی گرفته‌اید اسامی خارجی

داخلی و پیرمرد هفت خط و مرد درنده‌الو و همه این مسائل برای بنده عجیب و

غریب جلوه می‌کند اگر اجازه می‌دهید...

در این موقع تلفن زنگ زد و آقای ناشناس بدون آنکه منتظر بقیه حرف‌های من شده باشد خودش مستقیماً پای تلفن رفت و گوشی را برداشت و گفت:
 - بله خودم هستم .. نخیر خیلی احمق است .. فکر می‌کنم عوضی گرفته باشیم .. نه ، چیزی نفهمید .. خودش را به حماقت زده ؟ نه نه فعلاً تا احمق است چشم‌چشم همین الان ، بعد بطرف من برگشت و بدون اینکه خدا حافظی کند کلاهش را سرش گذاشت و رفت و من نفهمیدم مگر غیر از لژسینما لژ دیگری هم هست و پیر مرد محترم که پنجاه سال پیش شلوغ چی بوده و بعد سالها از ما دوری کرده و دوباره برگشته کیست و این مرد درند هالو که مأمور است ضرز چهار ناصی عمارت فکسنی را جبران کند کیست ؟ خدا عاقبت همه را بخیر کند ..^۱

مم جعفر

دکتر عبدالرسول عظیمی در مقاله «از انحلال دانشسرای عالی
 پیغام امروز تا انحلال دانشگاه» درباره اداره دانشسرای عالی به‌وسیله
 فراماسن‌ها (دکتر فیلسوفی و دکتر تسلیمی) می‌نویسد:
 «... همه مردم می‌دانند وزیر فرهنگ شخصاً اطلاع کامل از مسائل تربیتی و حتی
 تشکیلات و سازمان فرهنگ ندارد و او را دسته‌ها و گروه‌هایی [فراماسن‌ها] از
 پشت سر می‌گردانند. از جمله ، دست‌هایی که پشت سر وزیر فرهنگ هست ،
 دست مزدی است بنام دکتر تسلیمی که گویا از جانب دسته‌های فراماسو نری حامی
 وزیر فرهنگ بوی معرفی شده و تا انحلال دانشسرایک نیز زمینه دار می‌باشد
 که از ناحیه او عنوان گردیده است ...

... وزیر فرهنگ [درخشش] بی آن که بداند چه می‌کند برنامه‌هایی را
 که از جانب فراماسونها حمایت می‌شود ، فقط از روی جاه طلبی اجرا می‌کند ...

۱- بامشاد - ۱۶ شهریور ۱۳۴۰

۲- پیغام امروز ۲۵ دیماه ۱۳۴۰

برنامه‌ای که دکتر تسلیمی^۱ طرح کرده و وزیر فرهنگ می‌خواهد اجرا کند نتیجه برسد، باید گفت نخستین ضربت مورد علاقه حامیان وزیر فرهنگ و ماسونها به دانشگاه وارد می‌گردد ...»

روزنامه آژنگ به مناسبت ورود هولمز سفیر آمریکا به تهران
نامه آژنگ و اشغال پست «سفارت آمریکا» می‌نویسد^۲:

«... دولت آمریکا باید بداند که ایران دوستانه است که نتیجه سیاست انگلیسی قرار گرفته و هر چه سیاستمدار و رجال و دیپلمات و سناتور داشته و داریم غالباً در یکی از مکتب‌های وابسته به سیاست انگلیس جنس سرویس و فراماسونری (تعلیم گرفته‌اند. و اصلاً ماهنوز کسی را شناسیم که بجائی رسیده باشد و این چنین مکتب‌هائی را ندیده باشد ... در این فقط يك سیاست می‌تواند جلو کمونیسم را بطور قطع بگیرد، و آن نیروی سونیالیسم ایران است. بدست مثنی فراماسون و نوکر سیاست خارجی نمی‌شود کمونیسم را گرفت با کمونیست‌های ساخت‌نیو نمی‌شود جلو کمونیسم را گرفت ماهنوز ولوشما هم تاکنون امکان داده نشده که ناسیونالیست‌ها بر مملکت حکومت کنند، از نیروی عظیم ناسیونالیسم ایران غافل نباشید، همین نیروئی بود شاهنشاهی هخامنشی و ساسانی را بوجود آورد و همین طرز فکر شاه عباس و شاه را بر قسمتی از جهان آن روز مسلط ساخت، ما از کمونیسم هیچ باک نداریم شرط این که دفاع از کشورمان بدست خودمان باشد.»

جهانگیر تفضلی و روزنامه ایران ما نیز در چندین شماره

ایران ما بحث‌های مفصل و منطقی درباره فراماسونری و فراماسن‌های

ایران و انتقاد از اعمال و کردار آنها نموده است. در یکی از

۱- دکتر تسلیمی عضو لژهای فراماسونری فرانسه در ایران است رجوع شود به فصل

بیست و هشتم همین کتاب

۲- روزنامه آژنگ ۲۳ خرداد ۱۳۴۰

مقالات مشهور تحت عنوان «آمریکا و انگلستان در ایران و خاور میانه فراماسون» - های مصر و ایران - گفتگوی يك ناسیونالیست بایك فراماسون» می نویسد :^۱

چندماه پیش یکی از آشنایان قدیمی من که معلومی شود اگر از فراماسونها نیست لااقل از طالبان طریقت آن است می گفت : من مقالات تو را درباره انگلستان از همان چند سال پیش باکمال علاقه و اعتقاد می خوانم ، ما هم مثل شما طرفدار دوستی متقابل با انگلستان می باشیم و ما هم مثل شما از نوکری انگلستان بیزاریم اما انگلستان در برابر دو رقیب که دارد چه می تواند بکند جز این که دوستی برادران فراماسون را مغتنم بشمارد -

به او گفتم : یکی از بزرگترین خدمتانی که این فرقه به سیاست استعماری انگلستان کرده اینست که در کشورهای خاورمیانه ، که این فرقه آشیانه و لژ ساخته همواره کوشیده است که غرائز و طمخواهی و ملی را بکشد و خوب می دانید همانطور که کمونیستها در سراسر جهان بیکدیگر «رفیق» می گویند و يك رفیق کمونیست از کشورهای اجنبی ، خیلی بريك هموطن غیر کمونیست ترجیح دارد ، برای این فرقه نیز «يك برادر» فراماسون هزاربار بريك ایرانی غیر فراماسون ترجیح دارد .

این فرقه در سراسر خاورمیانه مأموریت داشته است که با احساسات ملی مردم کشورهایی که هدف سیاست استعماری بوده اند مبارزه کند و حس حق طلبی و مردانگی و جوانمردی و عصیان را در جوانان و مردان افسرده و معدوم سازد و راه پیشرفت سیاستهای استعماری را هموار سازد .

(۱) ایران ما ۴ خرداد ۱۳۳۵ . مقالات معروف دیگر ایران ما عبارتست از :

۱- شیوخ خجسته خصال - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۵

۲- جفا بینیم و منت داشته باشیم ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۵

۳- بنایان آزاد ۱۴ - اردیبهشت ۱۳۳۵

۴- جمعیت برادران لژ همایون ۱۱ خرداد ۱۳۳۵

۵- نفوذ مغربی و روز افزون شماره ۲۷۷

خلاصه این فرقه مأموریت دارد و تاکنون این مأموریت را انجام می داده است که مردم را به تحمل و بردباری در برابر زور و تجاوز، وقتی که از طرف سیاست استعماری انگلستان باشد عادت بدهد و مردم را توسری خور باریاورد .

از این آشنای فراماسون پرسیدم که :

آیا می داند که در لژ فراماسونهای مصر یهودیها را بکلی از فرقه بیرون کرده اند .

- بلی ، این موضوع را خبرگزاری رویتر پارسال انتشار داد و روزنامه های تهران هم نوشتند تنها روزنامه اطلاعات بجای لژ فراماسونری نوشته بود «فراموشخانه قاهره» یهودیها را اخراج کرده است .

- می داید چرا ؟

- بلی برای اینکه مصریها باکشور اسرائیل دشمن و مخالفند .
- خیلی اشتباه می فرمائید اولین شرط فراماسونی بیوطنی است ، یعنی اگر ایران فی المثل با مصر جنگ کند ، فراماسون ایران نه تنها جنگ با فراماسون مصری نمی کند ، بلکه در آئین اوست که در درجه اول به برادر خود خدمت کند^۱ و یکی از علل اینکه یهودی های فراماسون در اغلب لژهای خاورمیانه صاحب جاه بودند، همین بیوطنی آنها بود .

- پس چرا یهودیها را از لژ فراماسونهای مصر خارج کردند .
- خود یهودیها بیرون رفتند . در ایران هم چند نفر یهودی که با لژ «ح» تهران همکاری می کردند مدتی است خود را کنار کشیده اند .

۱- در حادثه شوم شهریور ۱۳۲۰ عده ای از اپرایهای عضو شرکت نفت ایران وانگلیس ملیم آبادان ، در شب حمله مجلس شیاقتی ترتیب داده و از افسران ایرانی دعوت بنام کردند . آنها که عضو لژ فراماسنی «پیشاهنگ آبادان» بودند، مأموریت سرگرمی افسران در شب حمله و دستگیری آنها را داشتند و مأموریت خود را هم بخوبی انجام دادند . یکی دو نفر از آنها هم اکنون در لژ این سینا عضویت دارند .

برای اینکه اکنون یهودیها دارای وطن شده‌اند و دیگر نمی‌توانند با وطن..
خواهی و وطن پرستی و خیالیه ناسیونالیسم مبارزه کنند ...»

مجله این هفته که مدت کوتاهی در سال ۱۳۳۶ در تهران
انتشار یافت سلسله مقالاتی تحت عنوان «تاریخ فراماسوگری
یا فراموشخانه (بنای آزاد)» منتشر کرد.

این سلسله مقالات که بقلم دانشمند محترم احمد خان ملک ساسانی است،
پنده از روی بسیاری از نکات مبهم فراماسوگری برمی‌دارد. بطوریکه مکرر در این
کتاب آمده، متأسفانه در زبان فارسی درباره «فراماسوگری» کتاب و یا رسالات که
راهنمای مردم باشد، منتشر نشده است. به همین جهت سلسله مقالات ناقص «خان
خلک» در مجله این هفته از نظر محققین قابل توجه و دقت فراوان می‌باشد.

مجله خوشه ... در سال ۱۳۴۱ از شماره ۶۴ تا ۷۵ مقالاتی بقلم مازیار
(جهانگیر تفضلی) درباره فراموشخانه و فراماسوگری منتشر کرده است. تجزیه و
تحلیلی که در این شماره‌ها شده، بیشتر بر روی مندرجات کتاب «فکر آزادی» دکتر
فریدون آدمیت است. این سلسله یادداشتها و بررسیها اگر ادامه پیدا می‌کرد و یابه
صورت کتابی در می‌آمد، در هدایت افکار مردم بخصوص در واقع «مشروطیت» و روشن
شدن گوشه‌ای از تاریخ میهن ما مؤثر بود. چون انتشار همه آنها میسر نیست، علاقمندان
را به مطالعه شماره‌های فوق‌الذکر راهنمایی می‌کنیم.

معرفی هشتصد و پنجاه و هفت نفر از فراماسونهای کنونی

فراماسونهای ایرانی، اگر چه دارای تشکیلات و سازمانهای مختلف، لژهای گوناگون و فعالیتهای متنوع در زمینه های متفاوت هستند و هم چنین از نظر وابستگی لژهای بزرگ جهانی اختلاف چشم گیری، بایکدیگر داشته، و از این جهت از هم اینز هستند، اما در يك نکته باهم اتفاق نظر دارند، و آن رعایت دقیق اصول انکاری می باشد. فراماسون ها در حفظ اسرار محرمانه و کوشش در مخفی داشتن مدارك، و چگونگی فعالیت سازمان های خود و بخصوص اسامی و مشخصات و اعضای لژها، اتفاق نظر دارند و تلاش فراوان می کنند.

در طول این دو قرن که از آغاز کار لژهای فراماسونری در ایران می گذرد، چون مرکز فهرستی از اسامی اعضای این فرقه منتشر نشده، و گاه نیز که در موارد استثنائی، نام پاره ای از این افراد فاش می شده، بشدت در مقام انکار بر آمده و با وجود ارائه سند و مدرك عضویت خود را در سازمان های فراماسونری تکذیب کرده اند.

با توجه باین نکات و هم چنین ملاحظه مطالب و اسناد و مدارکی که طی فصول اول کتاب از نظر خوانندگان گذشت و حکایت از تلاش فوق العاده فراماسونها، پنهان داشتن اسرار محرمانه، بخصوص اسامی و مشخصات افراد می کنند، بسادگی و آن دریافت که دست یافتن به لیست اسامی متجاوز از هشتصد فراماسون ایرانی، هم با ارائه اسناد و مدارك انکار ناپذیر، برای هر يك از آنها، کاری ساده و آسان

بدون اینکه قصد خودستایی داشته باشیم و با بخواهیم منتی ابواب جمع خوانندگان کتاب بکنیم که خوشخوانانه درسراسر کتاب از هر دو انحراف تبری جسته‌ایم - اشاره باین نکته را ضروری می‌دانیم که :

زحمات بیست‌ساله نگارنده در راه تهیه اسناد و مدارك و تدوین و نگارش كتاب يك طرف و كوشش توافرسائی كه برای دسترسی باین اسامی و مدارك هستند مربوط به آنها مبذول شده است، يك طرف دیگر... زیرا با وجود آماده شدن مطالب كتاب، اگر دسترسی باین اسامی و یا اسناد مربوط به آنها میسر نمی‌شد، چون اصولا كتاب را بدون این لیست اسامی ناقص می‌دانستیم، شاید انتشار كتاب سالهای دیگر نیز بتأخیر می‌افتاد.

دو نکته مهم، تهیه و انتشار این لیست اسامی را با مشکلات بزرگی رو بر ساخته بود: نخست اینکه اصرار داشتیم هر يك از اسامی و مشخصات، همراه با اسناد و مدارك قاطع و انكار ناپذیر باشد، تا علاوه بر حفظ شیوه «مستدل و مستند» كتاب، احیاناً پاره‌ای افراد و خانواده‌ها، اشتباهاً متهم بارتباط با فرقه مورد بحث كتاب نشوند. و همچنین سعی کرده‌ایم، جایی برای انكار و تكذیب اعضای لژها - كه بهیچ قیمتی با فاش شدن نام و ارتباط و انتساب خود بالژهای فراماسونری موافق نیستند، باقی نماند.

نکته دوم كه تهیه و تدوین لیست اسامی را فوق‌العاده دشوار می‌ساخت، كار تفكیک اسامی اعضای لژهای مختلف از یکدیگر بود. زیرا، چنانكه در فصول پیشین كتاب ملاحظه شد - هر يك از افراد، اغلب در چند لژ مختلف عضویت دارند، لذا برای معرفی دقیق آنها ناچار می‌بایستی نخست اسامی افراد، با توجه بانتساب آنها بهر يك از لژها، از یکدیگر تفكیک شده و آنگاه وابستگی عضو مورد بحث بهر کدام از این لژها مشخص گردد، تا خواننده بمحض مراجعه به لیست اسامی، علاوه بر شناختن اسم و مشخصات فرد مورد نظر، از عضویت او، در يك یا چند لژ فراماسونری نیز آگاه گردد.

تصور می‌کنیم همین مقدمه برای نشان دادن اهمیت تهیه لیست اسامی بیش

هستند فراماسون ایرانی کنونی کافی باشد. لذا سخن را کوتاه کرده به معرفی آنها می پردازیم. ولی توجه خوانندگان را قبل از مطالعه لیست به این چند نکته نگاه جلب می کنیم:

- ۱- در این لیست گاه نام کسانی را می بریم که فقط در يك سند از آنهاذکری است. اینگونه افراد را با زیر نویس مشخص کرده ایم.
- ۲- در تهیه اسامی فراماسونهای کنونی، از اوراق محرمانه لژها که گاه به شاه ایران پرستان و در اکثر موارد با پرداخت مبالغ قابل توجهی، بدست آمده، بهره شده است. در این لیست فراماسونی که معرفی می کنیم، در یکی از مراتب از گانه زیر عضویت داشته و یا دارند:
- الف- رأی به پیشنهاد عضویت «بیگانه» این گونه افراد اکثراً از جریانی در خفا، و در لژها در باره آنها می گذرد، بی اطلاع هستند.
- ب- رأی به تقاضای کتبی «داوطلب» ورود به جرگه ماسون ها
- ج- شورها و اخذ رأی اول و دوم داوطلب
- د- فراماسونهای که مناصب و مقامات مختلف و یا به درجات گوناگون نگاه می یابند.
- بنابراین آنهایی که نامشان با اسم لژی که در آن عضویت دارند قید شده، یکی عضو محافظ فراماسونی ایران هستند.
- ۳- هنگام معرفی بعضی از فراماسونها، نام لژی که در آن عضویت دارند، ذکر نشده، و این بدان جهت است که فراماسون مورد بحث در چند لژ شرکت داشته و ما چون خود فراماسون نیستیم، طبعاً از عضویت اینگونه افراد در لژهای اولیه و یا لژی که در آن فعالیت می کنند، بی اطلاعیم. ولی بهر حال نام اینگونه افراد نیز در اسناد مختلف نوشته شده است. اینک به معرفی فراماسونهای کنونی که در لژهای انگلیسی-فرانسوی-آلمانی ولژ مستقل فعالیت دارند، می پردازیم:

آ :

آبتین	عیسی (محمد مهدی)	-
آبتین	موسی (مهدی)	مولوی - کسرا
آبتین	منوچهر	-
آبتین	انوشیروان	فارابی
آقاجان زاده	سیوگی	تهران
آقازادیان	سورن	-
آبکار	آندرانیک	
آذری	امیرقلی	همایون
آذری	نصرالله	تهران - خوزستان
آذری	سرهنگ رحیم	کسرا
آذرفر	حسین	آفتاب
آذرین فر	حسین	مهر
آرام	عباس	ستاره سحر
آرتور	فردریک	لایت
آرمین	دکتر کمال الدین	کورش
آرین پور	قاسم	همایون
آرواین	ریچارد	لایت
آزرم	غلامحسین	سعدی
آزما	علی محمد	اصفهان

مهر	دکتر احمد	زیر
سعدی	مهندس طلعت	ایالتی
همایون	زید	کافلی
«	مهدی	وده
«	بزرگ علینقی	ری
«	محسن	پیشی
—	یدالله	پیشی
—	دکتر مهدی	سعدی
قارایی	—	الفتحی
مهر	دکتر علی	ری
صفا	یوسف	دانه
—	—	ساج فر
تهران	علینقی	نالی
خیام	دکتر احمد علی	سعدی
—	دکتر ناصر	میرزاده
همایون	سرهنگ محمد علی	مگر
وفا	محمد	نورث
همایون	سرتیپ محمد حسن	کوی
اهواز	علی اصغر	ایب محمدی
مهر	ابراهیم	پیشی

۱ - نام این شخص فقط یکبار در یک سند دیده شده .

۲ - ایضاً .

ادیبی	هادی	کوروش
اربابی	مهندس علی اصغر	کوروش
اربابی	هوشنگ	تهران
ارداقی	خسرو	آفتاب
اردلان	دکتر اسمعیل	صفا
اردلان	سلطان حمید	فراشه
ارسطوزاده	سلیمان	همایون
ارفع	مهندس حیدر علی	زاهدانک
ارفع	دکتر فرج الله	-
ازداک	جون	لایت
ازدردی	دکتر احمد	تهران
ازدردی	عباس	تهران - کوروش
استریک	ال - دی	مولوی
استوار	مهندس مسعود	فارابی
اسدی	مهندس حسن	تهران
اسدی لنگرودی	نصرت الله	صفا
اسفندیاری	دکتر امیر	مولوی
اسفندیاری	دکتر حسین	خیام
اسفندیاری	رضا	مولوی
اسفندیاری	عباس	خیام
اسفندیاری بختیاری	اسعد	-
اسفندیاری دارائی	علیرضا	-
اسکندانی	دکتر محمد تقی	مهر
اسکندری	حسن	تهران

کورش	دکتر اسماعیل	همایلی
سعدی (افتخاری)	لئون	کندر
ستاره سحر	علی	احمدی
همایون	امیر قاسم	علی
همایون	حبیب الله	علی
مهر	دکتر علی اکبر	علی
مهر	حمید	ایمان
همایون	محمد رضا	علی
تهران	محمد حسن	ابراهیمی
تهران	احمد	علی
مولوی - ابن سینا	محمد	علی
تهران	امیر اصلاص	علی
کورش	دکتر منید علی	علی
تهران	دکتر منوچهر	علی
همایون - مولوی	احمد	علی
-	عزیز الله	ایرانیانکی
فارابی	دکتر	علی
مولوی	عباس	علی
ابن سینا	آقا جان	ایمان
ابن سینا	حبیب بابائی	ایمان
فرانس	داود بابائی	ایمان
ابن سینا	ف	ایمان
دقا	دکتر خان بابا	ایمان
-	-	ایمان

امام	سید احمد	همایون - کورش - اهواز
امام	دکتر سید رضا	« « «
امام	دکتر سید ضیاء	« « «
امام جمعه	جلال	همایون - اهواز
امام شوشتری	سید محمد علی	مولوی
امامی	دکتر احمد	تهران
امامی	دکتر سید حسن (امام جمعه)	نور
امامی خوئی	ابراهیم	سعدی
امامی	فتح الله	کسرا
امید	دکتر احمد	سعدی
امید سالار	مهندس محمد حسین	سعدی
امید سالار	محمد رضا	سعدی - فرانسه
امرائی	ابراهیم	خوزستان
امیر ابراهیمی	دکتر جهانگیر	صفا
امیر ابراهیمی	هادی	سعدی
امیر حکمت	سنا تور دکتر علی	ستاره مخر
امیر حکمت	دکتر کیومرث	مهر
امیر حکمت	دکتر عبدالحسین	همایون
امیر سلیمانی	مهندس علیرضا	تهران
امیر شارب	هادی	-
امیری	عنایت الله	صفا
امیری	محمد صادق	-
امیری قراگوزلو	بغلامحسین	تهران - فرانسه
امیر نیرومند	دکتر ناصر	همایون - اصفهان

اصفهان	دکتر عیسی	امیر بیرومند
فارابی	غنی	امین
صفا	سید جعفر	امین
صفا	دکتر شفیع	امین
اصفهان	دکتر محمد کاظم	امین
رفا	ایرج	امینی
-	دکتر بهمن	امینی
کورش	دکتر رضا	امینی
لایت - تهران	اوانس	انسف
لایت - تهران	ژرژ	انسف
ابن سینا (افتخاری)	ر	وی
فرانس	داوید	همایون
خوزستان	دکتر حسین	یری
کورش	مهندس منوچهر	اری
فارابی	محمد رضا	شاری
		ب
فرانس - سعدی	دکتر اسد	ایمان
کسرا	دکتر عباس	اک
ابن سینا	« فریدون	انقلاب
همایون	میر و سلاواو گستین	دین
روشنائی	ویلیام	اکلی
همایون	اورا هام	الاس
-	ابوالفضل	امداد

بجائیان	هارتون	لایت - سعدی
بخشی	دکتر غلامرضا	کوروش
بختیار	آقاخان	مهر
بختیار	ابدال - غلامحسین	تهران
بختیار	خانی	آفتاب
بختیار	عبدالحمید	ژاندارک
بختیار	علی اصغر	تهران - اصفهان
بدیع	محمد	فرانس
بدیع	مهندس ناصر	فرانس
براقلو	احمد	همایون
براون	ای - اف	لایت مابین سینا (افتخاری)
برومند	قدرت الله	اصفهان
برومند	عبدالعزیز	اصفهان
برومند	محمد باقر	اصفهان
برومند	محمد طاهر	اصفهان
بشر السلطان	محمد	همایون
بصری	حسین	فارابی
بشیری	محمد حسن	مولوی
بقائی	حسن	مولوی
بقائی	مهندس سیروس	تهران
بکری	دبلیو	لایت
بلادی	سید محمد	همایون
بنی سلیمان شیبانی	مصطفی	اصفهان
بنی هاشمی	جلال الدین	آفتاب

آفتاب	ژوزف
ابن سینا	داریوش
همایون	غلامحسین
مزددا - کسرا	محمد علی
ابن سینا	ج - ب
ابن سینا (افتخاری)	اس - جی
خیام	مهندس شاهپور
گورش	■ عنایت
روشنائی - تهران	سلیمان
گورش - تهران	مهندس ناصر
سعدی	مهدی
مولوی - کسرا	جمشید
کسرا	زردین
کسرا	دکتر مجید
تهران	دکتر حمید
فرانسه - سعدی	مهندس بهمن
گورش	دکتر علی اصغر
مولوی	عیسی
-	همایون
مهر - آفتاب	سیف الله
مولوی	محمدود
مولوی	محمدود
آفتاب	پرویز
-	عیسی

بیانی	دکتر خان بابا	سعدی
بیت وردا	باباخان	مزدآ
بیکه لیکه	عزیز الله	آفتاب

پ :

پارکر	A . T . Parker	ابن سینا (افتخاری)
پارسا	مهندس ابراهیم	آریا
پارسی	دکتر فرخ	تهران
پایا	دکتر محمد رضا	تهران
پرتو	دکتر علی	کورش
پرتو اعظم	-	ابن سینا
پروو	ژرژ	مولوی (افتخاری)
پطرسیان	-	-
پناه	ابراهیم	همایون
پورسرتیب	فتح الله	همایون
پورنگی	دکتر رسول	وفا
پویان	حسین	آفتاب
پویانی	دکتر حسین	مهر
پیراسته	دکتر سید مهدی	ستاره سحر
پیرزاریان	ویگن	-
پیر مرادیان	حاجی	-
پیرنیا	دکتر ابوالقاسم	تهران - کورش
پیرنیا	باقر	مزدآ
پیرنیا	دکتر حسین	آفتاب

تهران	هرمز	ریا
تهران	مهندس محمد حسین	روز
تهران	دکتر جواد	روز بهشت
		۱۲
وفا	منوچهر	بخش
تهران	مهندس عباس	(محمدی سابق)
همایون	غلامعلی	ت
مولوی	عماد	ی
ابن سینا	منوچهر	پس
ابن سینا	او	شیان
مهر	دکتر تقی	لی
آفتاب	سید حسن	زاده
آفتاب	دکتر منوچهر	انی
مهر - آفتاب	احمد	ابان
تهران	دکتر	انا
-	محمد	جیدی
تهران	دکتر محمد حسن	ران
کوروش	عبدالله	کل
لایت - کوروش	احمد	وکیلی
تهران	علی اصغر	وکیان
تهران	سرتیپ عبدالله	وماج
بن سینا (افتخاری)	R.R. TOWNLY	والی
تهران	علی	مهوریان

ث :

کرا	دکتر محمود	تقوی
تهران	مهندس سعید	ثقة الاسلامی
همایون	موسی	ثقة الاسلامی

ج :

آریا - مهر	مهندس عبدالوهاب	جالینوس
کرا	محمد علی	جاوید
کورش	رضا	جعفری
مولوی - ابن سینا	پرویز	جلالی
مولوی - سعدی	فتح الله	جلالی
-	فضل الله	جلالی
مهر	علی	جمالپور
تهران	جهانبخش	جمهری
سعدی	دکتر محمد جواد	جنیدی
ابن سینا (افتخاری)	R.A. JOUNS	جونز
تهران	دکتر جعفر	جهان
سعدی	جهانگیر	جهاننداری
آفتاب - وفا	کیکاس	جهاننداری
مزدا	غلامحسین	جهانشاهی
مولوی	محمد	جهانشاهی
آفتاب	سید ابوالحسن	جلیلی
کورش	محمود	جلیلی یزدی

مزد	مهندس پرویز	ارژ
همایون - مزد	صالح	اگوتاهی
لایت - کورش	ادوارد	ایات
لایت - کورش	صالح	ایات
ابن سینا	اف	حیان
فراشه	دکتر ابراهیم	هرازی
خیام	دکتر محمد حسین	الزی
فرانس	دکتر محمد حسین	احبی
وفا	دکتر مسعود	افطی
فارابی	مهندس	احی اصغرزاده
اهواز	حسنعلی	همازی
همایون	سمیر	هداد
فرانس	دکتر کمال	هداد
کورش	دکتر محسن	هداد
خیام	دکتر ناصر	هداد
مهر	فتاح	مهر بر فروش
کورش	محمد جواد	مهریری
نهران	دکتر محمد	حسابی
لایت	ک. م	احو
لایت	ح. م	احو

حقیق	فضل الله	سعدی
حکمت	بهمن	تهران
حکمت	حسنعلی	تهران
حکمت یار	فضل الله	همایون
حکیم زاده	رضا	آفتاب
حولوی	ام - اف	فرانس

خ :

خاچاطوریان	البریک	مولوی
حازلی مقدم	مهدی	خیام
خان اکبر	نعمت الله	سعدی - تهران
نخان زاده	مارک	سعدی
بهاالری گودرزی	مهدی	سعدی
خجسته	محمد میر شکار ^۱	-
خداداد	حسین	سعدی
مخداداد فر	محمد داود	-
خدایار	امیر مسعود	-
خرازی	دکتر عباس	تهران
خر علی	شیخ احمد فیصل	تهران - فیحا
خزیمه عالم	امیر حسین	همایون
ختو	تقی	تهران
خسروانی	دکتر خسرو	مهر
خسروانی	شهاب	مولوی - همایون

۱- فقط در یک سند نام این شخص دیده شده است

فرانس - کورش

سعدی - همایون

-

مولوی - همایون

همایون از خرمشهر

فرانس

-

حافظ - همایون از شیراز

مولوی

مولوی

-

تهران

ابن سینا

دکتر علی اصغر

موسی

پرویز

دکتر عباسقلی

محمد - ن

یعقوب

علی اکبر

مهندس

حبیب

امیر مهدی

محسن

دکتر غلامحسین

یوسف

مشار

مطمان

مشرائی

معتبری

مظفری

مظفری

مظفری

مظفری

مظفری

مواجوی

مواجه نوری

موش بین

موش کیش

:

لایت

همایون

سعدی - کسرا

-

همایون

-

کورش

کورش

همایون

فیروز

محمد

دکتر احمد

طغرل

یهودالثون

محمود

دکتر مهدی مسیح

دکتر حسین

محمد

ازابچی

آخور

ازرائی

ازرائی

زاتر

زاتر زاده

زاتشی

داودی

داودیان

داوید	د	ابن سینا (افتخاری)
داریوش	مهندس	فرانس
دبی	الیاس	تهران روشنائی
درا بل	M.S. DRABBLE	مولوی - سعدی (افتخاری)
دره	علیرضا	-
دروزی	آ. ال	مولوی - سعدی (افتخاری)
دری	مهندس کمال	کسرا
دری	محمد	مهر
دستغیب	کاظم	حافظ
دفتریان	حسین	مزدا
دوبسکی	ماکس	مولوی (افتخاری)
دورقی	محمد	کوروش - اهواز
دولت‌شاهی	عباس	همایون
دولو قاجار	جمشید	همایون
دیویس	E.P. POYIES	ابن سینا
دهستانی	مهندس عبدالعلی	کوروش
دهقان	محمود	حافظ - همایون
دهقان	محمد علی	مولوی
دیبا	ابوالحسن	فرانس
دیلا نیان	زوریک	لایت - ابن سینا
دیلمقانی	مهندس عبدالحسین	تهران
دیوید	د	روشنائی
دیویدخانیان	بهرام	تهران

کوروش - همایون	صدی	الریاستین
فرانس	محسن	ش
مولوی	محمود	ش
فرانس	مهدی	ش
کسرا - سعدی	ابراهیم	بن روحانی
سعدی - ژاندارک	یوسف	ش سمیع
فرانس	سعید	ش
کوروش	محمد	ش
همایون	محسن	ش
مژدا - مولوی - همایون	دکتر عبدالحسین	ش
تهران	دکتر مسعود	ش
فارابی	دکتر	ش
خیام	دکتر هوشنگ	ش
تهران - همایون	هلاکو	ش
تهران - کوروش	حسین	ش
کوروش	سیروس	ش
-	مهندس روح الله	ش
کوروش - فرانس	حسین	ش
-	ایرج	ش
سعدی	مهندس رضا	ش

کورش	دکتر مرتضی	رسانا
کورش	دکتر عبدالحسین	رشیدی حائری
مولوی - کسرا	عبدالامیر	رشیدی حائری
-	حسین	رضوی
سعدی	دکتر پرویز	رفوآه
-	محمد مهدی	رفیع
-	دکتر احمد	رفیعی
فارابی	دکتر عزیزالله	رفیعی
تهران	علی اصغر	رفیعی
همایون تبریز	فضلعلی	رفیعی
مولوی	اسداله	دکتری فرد
تهران	لطیف	رمضان نیا
لایت	و - ه	روپ
ابن سینا	W. H. ROBINSON	روبینسن
سعدی	مهندس ابوتراب	روحانی
-	سید طاهر	روحانی
-	علاءالدین	روحانی
مزدا	محمود	روحانی
-	محمد حسن	روخی
مولوی	محمد	روستا
فرانس	ابراهیم	ریاحی
لایت	ال. ی.	ریچارد

ز:

سعدی

مهندس جلیل

زراندوز

فارابی	رستم	در آشتی
آفتاب - همایون	دکتر عباس	باب خونی
وفا - مهر	علی اصغر	پن گفش
مهر	دکتر عبدالحسین	پن کوب
آفتاب	اسمعیل	
آفتاب	امیر حسین	
روشنائی	دکتر بهمن	
تهران	تقی	
آفتاب	دکتر داریوش	
آفتاب	شاهرخ	
ژاندارك	علیمراد	
-	اعظم	
فارابی	اکبر	
مهر - آفتاب	ادوارد	رف
مولوی (اختخاری)	ژرژ	ان
مولوی	محمد	اعد
کوروش	عیسی	الار بهزادی
تهران	دکتر محمد	نام
-	تیکران	یاهاکیان
تهران	مهندس حسین	پن

ستوده	مهندس فتح الله	ژاندارك
ستوده	دكتر يحيى	تهران
سراج حجازى	حسن	تهران
سردارى	دكتر امير منصور	لايت
سردارى	خان بابا	لايت
سر كيسيان	دكتر سر كيس	ابن سينا
سردار گودرزى	عزت الله	همايون
سرمد	سيد مرتضى	همايون
سرمد	صادق	همايون
سعيدى	عبدالله	مولوى - همايون
سلامت	مهندس محمود	مزدا - همايون - تهران
سلامتى	عزت الله	لايت
سلجوقى	مهندس ابراهيم	تهران
سلسبيلى	على اصغر	مولوى
سلطان	محمد بشير	همايون
سلطانزاده پسيان	دكتر حسينقلی	آفتاب
سلطاني	مهندس مجتبى	كسرا
سلطاني	مهندس سلطان محمد	تهران
سليمان	ج	لايت
سليمان خانى	يوسف	فرانس
سليمى	محمد	-
سمندرى عطوف	عبدالعلى	مولوى
سميعى	پرويز	مولوى

مولوی - همایون	عبدالحمید	ممدجی
همایون	مرتضی	بی
مولوی - همایون	علی	لی
وفا	حمید	ج
همایون	محمد ولی	بی منتظم
سعدی	محمد علی	حسنی
وفا	حسین	حبیب
همایون	امان الله	
لایت	راجیک	لیان
شمس تبریزی - کورش	دکتر عبدالله	
نور	محمد علی	لیان
سعدی	دی - ال	
همایون	عباس	
ژاندارک	کاظم	
-	محسن	
ژاندارک	دکتر منوچهر	
سعدی	رضا	ان
قارابی	موسی	ان
فرانس - ابن سینا	امیر منصور	کی
ابن سینا	ابوالحسن	
وفا	مهندس نصرت اله	بیر
همایون	عباس	نده
همایون	موسی	ا

ابن سینا	R. SHEPHERD	شپرد
آفتاب	والتر	شتنگل
تهران	دکتر هاشم	شجاع نیا
همایون	عبدالرسول	شریعتمداری
ستاره سحر	مهندس جعفر	شریف امامی
مولوی	ناصر	شریف رازی
لایت	د	شعشعو
همایون	دکتر جلال	شفا
همایون	دکتر احمد	شفائی
تهران	سر لشکر اسمعیل	شفائی
صفا	احمد	شفیعیها
تهران	مهندس حسین	شفاقی
تهران	نصرت اله	شکوفی
مولوی - همایون	مهدی	شوکتی
همایون	مسعود	شکوه
همایون	باقر	شهنائی
کورش	میر شهاب الدین	شهابی
همایون	دکتر یحیی	شهر دار
اهواز	دکتر حسن	شهمیرزادی
فرانس	مهندس	شهیدی
آفتاب	دکتر احمد علی	شیبانی
تهران	دکتر ابوالحسن	شیخ
آفتاب	مهندس حسینعلی	شیخ الاسلامی
آفتاب	دکتر امیر	شیلاتی

خیام	مهندس نصرت‌اله	پهلانی فرد
ژاندارك	دکتر حسین	بلخ‌نیا
کوروش	حسن	زاده
فرانس	علی اکبر	قی
مولوی - مرزا	غلامحسین	قی
فارابی	منوچهر	قی
وفا - مهر	نصرت‌اله (مختارالملک)	
همایون	امین	قی
مهر	مهدي	زاده
وفا	دکتر حسین	ترقی
فرانس	دکتر محمد علی	تری
همایون - اهواز	محمد حسن	بقی
همایون	محمد علی	بقی
تهران - اصفهان	احمد	نریه
اصفهان	سید کاظم	نریه
همایون	رضا	راف زاده
وفا	دکتر جواد	مالی
همایون	عبدالصاحب	مالی
صفا	عبدالعلی	شمالی سمنانی
صفا	دکتر ذبیح‌اله	صفا

نور	مرتیب محمد علی	صفاری
-	دکتر ابراهیم	صفرزاده
مزدآ	فرهاد	صفانیا
تهران	دکتر ضیاء الدین	صفی نیا
همایون	احمد	صلاحی
-	رضا	صلحجو
ابن سینا	مهدی	صناعی
تهران	نعمت اله	صوفی
مولوی	اسدالله ^۱	صوفی املشی
همایون - اهواز	مظفر	صولتی
اهواز	محمد	صمیمی
همایون - اهواز	اسدالله ^۱	صمیمی بهبهانی

ض :

-	جلال	ضیاء پور
تهران	دکتر خلیل	ضیائی
تهران	دکتر طاهر	ضیائی
مزدآ	علی اکبر	ضیائی
مزدآ	محمود	ضیائی
فرانس	دکتر محمد	ضیائی
سعدی	ضیاء الدین	ضیائیان

ط :

ابن سینا - مولوی	مهندس خلیل	طالقانی
------------------	------------	---------

طاهری	مهندس محمد	تهران
طباطبائی	سید علی اکبر	کورش
طباطبائی	دکتر سید محمد	کورش
طباطبائی یزدی	عبدالله	وفا
طلیعه	منوچهر	مولوی
طوب	موسی	همایون
طوبی	حاج حسین	همایون در اصفهان
طه	دکتر ابراهیم	فرانس

ظ :

ظریف	عباس	کورش - فرانس
ظفر	مهندس کیقباد	تهران
ظلی	دربادار عبدالله	مولوی
ظلی	دکتر هوشنگ	مولوی - فرانس

ع :

عاطفی	دکتر احمد	کورش
عاملی	دکتر باقر	خیام
عامری	احمد	همایون
عامری	دکتر بهادر	تهران
عامری	دکتر مظفر	تهران
عامری	مصطفی	تهران
عامری	مهندس نظام	اهواز
عامری	هوشنگ	خیام

عبادی	محمد علی	مولوی
عبدالوند	-	صفا
عجم	ناصر	همایون
عدل	احمد حسین	همایون
عدل	مهندس فیروز	کورش
عدل	مجید	همایون
عدیلی	جلال	-
عرب شیبانی	اسد الله	کورش
عرب شیبانی	عباسقلی	تهران
عرب شیبانی	مسعود	کورش
عرفان	محمود	مهر
عن رضی	محمد	تهران
عطری	سید علی	کورش
عظیمی پور	دکتر حسین	همایون
علاقبند	حسین	فارابی
علاء	دکتر پرویز	تهران - آریا
علاء	دکتر فریدون	وفا
علم	دکتر محمد علی	تهران و اهواز
علوی	دکتر حسن	ابن سینا
علوی مقدم	مهدیقلی	همایون
علومی	دکتر محمود	کورش
علی آبادی	دکتر احمد	کورش
عماد تربتی	عماد الدین	همایون - مولوی

فرائس	دکتر ابراهیم	ی
همایون	علی اکبر	ی موسوی
وفا	حسنعلی (معاون الدوله)	ی
ابن سینا	محمود	ی
ابن سینا	۴ - ح	ی
-	کریم	ی
مولوی - فرائس	دکتر عبدالله	ی
آفتاب	غلامحسین	ی طباطبائی
ژاندارک	علیرضا	ی
همایون	مصطفی	ی
مهر	هوشنگ	ی
	دکتر امیر مظفرالدین	ی
لایت	ارفع المطنه خان فرخ	ی
همایون	علی	ی
کوروش	مهندس هوشنگ	ی
حافظ	دکتر تمدن	ی
خیام	دکتر	ی
مهر	محمود حسن	ی
تهران	مهندس محسن	ی
همایون	مسعود	ی
مهر	دکتر حافظ	ی

فرما	اکبر	
فرمند	محمود	تهران
فرهنگ	مصطفی	کورش - تهران
فرهمنده	محمد	ژاندارک
فرهمنده فر	دکتر	حافظ
فرهوری	سید حسین	مولوی
فرهودی حسابی	مهدی	سعدی
فرهودی حسابی	مهندس	-
فرود	اسدالله	تهران
فرود	سید فتح الله	تهران
فرود	مهندس همایون	تهران
فروهر	سروش	تهران
فروهر	عباس	تهران
فروهر	غلامحسین	کورش
فری	کریمستوفراسحق	لایت - تهران
فریار	دکتر عبدالله	همایون
فزون	مهندس جعفر	کورش
فشارکی طباطبائی	سید کاظم	کورش
فضائلی	محمد	تهران
فلاح	دکتر رضا	مولوی - فروغی
فلاح رستگار	احمد	مهر
فن شپالارت	فرا تیزگورگ	آفتاب
فونر لیب	سویی	همایون
فوکل	دکتر نودور	آفتاب

فیروز	شاهرخ	ابن سینا
فیروز	مهدی	سعدی
فیروزی	مهندس محمد علی	همایون
فیضی	حاج علی	همایون
فیلسوفی	دکتر اسمعیل	سعدی - مولوی
آذری نژاد	دکتر رحیم	ژاندارک
آزادیان	دانیل	-
آقای نیمی	حسین	ستاره سحر - همایون
آقای نوائی	دکتر حسین	همایون
آقای آگوزلو	مهندس محمد	کوروش
آقای بان	دکتر ذبیح	حافظ
آقای باب	جمشید	همایون
آقای بشی	محمد	همایون
آقای ایاغ	حسینقلی	همایون
آقای باب	سید کاظم	همایون
آقای کیلانی	مهندس محمد علی	تهران
آقای قاری	دکتر ضیاء الدین	کوروش
آقای مانی	محمد	همایون
آقای مانی	مهدی	همایون - تهران
آقای مام	محمد	مهر
آقای مام	هادی	وفا
آقای مامی	رحمت	تهران - ابن سینا

قوامی

محمد علی

همایون

قویسی

مهندس حسن

وفا

ک :

کاپداند

داوید

لایت

کاریابی

محمد

تهران

کازرونی

خلیل

تهران

کاسمی

نصر الله

همایون

کاشانی

جمال الدین

لایت - آریا

کاشانی

کریم

-

کاظمی

دکتر پرویز

کوروش - تهران

کاظمی

دکتر محمد

ژاندارک

کاظمی

مشفق

مولوی

کامیاب

داریوش

ژاندارک

کامیاب

عزیز الله

تهران

کاهانا

-

کسرا

کرامتی

محمد

همایون

کرامتی

نعمت الله

همایون

کرباس فروشان

دکتر محمد علی

خیام

کرمر

دکتر گئورک

آفتاب

کسرائی

هدایت الله

مзда

کشاورزی

دکتر

سعدی

کشاورزیان

محمد

کوروش - ژاندارک

کشفی

جمشید

همایون

اهواز	مهندس نظام	کعب عامری
همایون	جعفر	کفائی
مزدا	محسن	کلاتری
سعدی	جان	کلی
سعدی	جواد	کمالیان
سعدی	مهدی	کمالیان
مولوی - ابن سینا	مایکل	کندال
همایون	مهدی	کنیم
کوروش - تهران	علی	کوچکعلی
ابن سینا	سی-بی	گودورت
آفتاب -	حسن	کورس
تهران	کاظم	کورس
ابن سینا (افتخاری)	S. G. KNIGHT	کنیت
همایون	دکتر امیر	کیا
همایون	حاج علی	کیا
تهران	دکتر غلامرضا	کیان
فارابی	مهندس جلال الدین	کیان
-	مرتضی قلی	کیان
کسرا	صدری	کیوان
تهران	مهندس محمد	کیوان
تهران	هوشنگ	کیوان
وفا-صفا	مهندس رضا	کیوانی
تهران	مهندس پرویز	کیهان

همایون	ایوب	گبریل
ابن سینا	اف.ای	گرائنت
خیام	مهندس	گرجیان
مولوی (افتخاری)	ن	گرائشتین
کسرا	-	گرین تن
فارابی	-	کلچینی
مولوی	عباسقلی	کلشائیان
لایت	ابوالقاسم	کلشن
ژاندارک	غلامحسین	کلشن بزرگ
وفا	مهندس رضا	کنجه
-	جواد	کنجینه
تهران	مهندس جمال	کنجی نیشابوری
همایون	فریدون	کنجیوش
لایت	ن.اس	گوبای
ابن سینا - (افتخاری)	سی.ئی	گودورث
کوروش	-	گونیلی
وفا	مهندس ابوطالب	گوهریان

ل :

ستاره سحر	قاسم	لاجوردی
کوروش	محمد مهدی	لاریزاده
لایت	پرل الکساندر	لاهور
سعدی	مهدی	لشکری

همایون	بالاس - اورا هام	شیر
سعدی	درا بل	نارک
لایت	فس	کرون
کوروش	یوسف	اولدی
تهران	حسینقلی	ای
همایون	عباسقلی	ای
کسرا	فتح اله	ای
مولوی	عیسی	الک
مولوی	دکتر لقمان	الک
مولوی (افتخاری)	پیر	زید
فارا بی	دکتر	بین
تهران	محمد	نور
خیام	محمد رحیم	ای ابروایی
فرانسه	جمشید	مثنائی
همایون	دکتر علی اکبر	مجتهدی
آریا	محمد	ملسی
کسرا	مهندس خلیل	محلوجی
همایون	امیر سلیمان	محمندی
تهران - اهواز	علی اصغر	محمندی
تهران	مهندس طاهر	محمندی
همایون	احمد	محمودیه
اصفهان	دکتر اصغر	محمی
کوروش	مهندس عزت اله	مخاطب رفیعی

مداروی	دکتر علی	کوروش - ژاندارك
مدرسی چهاردهی	مرتضی	تهران
مدنی	دکتر محمد	ژاندارك
مرآت اسفندیاری	حسن	کوروش
مرادپور	حبیب‌الله	تهران
مرتضوی	ابوالحسن	کوروش
مرتضوی	سید محمد	کوروش
مرتضوی	سید محمد علی	اهواز
مرشد	دکتر حسن	مهر
مرشدزاده	دکتر رحمت‌الله	تهران - کوروش
مرعشی	علی اکبر	کسرا - همایون
مرتدی	علی	مولوی
مریا	ژاک	مولوی (افتخاری)
مرید	محمد جواد	کوروش - خوزستان
مزینی	دکتر مهندس مصطفی	مزدا
مژده‌ی	-	-
مستوفی‌زاده	خسرو	کسرا - اهواز
مستوفی‌زاده	ناصر	کسرا - اهواز
مستوفی‌زاده	محمد جواد	تهران
مسعود	قیصر	وفا
مسعود	...	فرانس
مسعودی	محمد علی	کوروش
مشکاتی	نصرت‌الله	همایون
مشکوتی	مهندس محمدولی	صفا

سعدی	عبدالاحسین	مشیر فاطمی
تهران	رضا	مشیری
وفا (افتخاری)	علی	مشیری
مولوی	محمد حسن	مشیری
کوروش	محمد	مشیری یزدی
فرانسه	ب	مصدقی
تهران	هادی	مصدقی
همایون	هدایت اله	مصدقی
همایون	محسن	مصدقی
همایون	محمود	مصدقی
کوروش	سید حسن	مصدقی نائینی
فارابی	محسن	مصدقی
مهر	محمود	مصدقی
تهران	حسینقلی	مصدقی
تهران	حسینقلی	مصدقی
تهران	دکتر علی	مصدقی
همایون	دکتر عباس	مصدقی
تهران	دکتر فضل اله	مصدقی
مولوی	دکتر عباس	مصدقی
فرانس	منصور	مصدقی
کسرا	ابوالحسن	مصدقی
مزدکسرا	مهندس علی	مصدقی
فرانس	دکتر ابوالقاسم	مصدقی
آفتاب	حسین	مصدقی

مولوی	عبدالاحسین	مفتاح
مولوی	عبدالعلی	مفتاح
صفای	دکتر جمشید	مفتح
تهران	سر هنگ فضل‌اله	مقدم
تهران	ل .	مفتح
وفا	محمد	مقیم
-	باقر	مکی
همایون	محمود	ملایری
آفتاب	دکتر امانوئل	ملک اصلاتیان
تهران	ذبیح‌اله	ملک‌پور
وفا	سیدهاشم	ملک‌مدنی
فرانس	امیر اسمعیل	ملک‌منصور
فارابی	امیر حسین	ملک‌منصور
فرانس	محمود	ملک‌نیا
تهران-فرانس	ابوالقاسم	ملکی یزدی
همایون	عبداله	ممتاز
ابن‌سینا	الف	مناشی
مولوی	جواد	منصور
همایون	حسنعلی	منصور ^۱
تهران	احمد	منصوری

۱ - در یکی از جلسات لژ فروغی که جواد منصور - هویدا و دیگر یاران حسنعلی منصور حضور داشتند، تقاضای عضویت آن مرحوم مطرح شد ولی چون دو نفر از حضار بامهر - کبود با عضویت او مخالفت کردند، مورد قبول واقع نشد. مرحوم منصور پس از انحلال لژ همایون همواره علیه فراماسونها سخن می‌گفت.

منسوریان	جعفر	مولوی
موله	ژالت	سعدی
موحد	دکتر افضل	تهران
موسوی	مهندس کمال الدین	تهران
موسوی	سید محمد علی	همایون
موسوی	علی اکبر	تهران
موسوی	نیرالدین	تهران
موسوی	اسحق	همایون
موسوی ماکوئی	سید اسداله	تهران
موسوی ماکوئی	میر اسداله	کورش
موسوی غروی	دکتر ابراهیم	-
موسوی غروی	علی اکبر	سعدی
موسوی گرگانی	دکتر محمد حسین	ژاندارک
موقر	علی	همایون
مولر	بورز	آفتاب
مؤید کاشانی	جمال الدین	تهران
مهران	دکتر محمود	همایون
مهران	احمد	همایون
مهدوی	مهندس مسعود	ژاندارک
مهدوی	دکتر رحیمی ^۱	کورش
مهبین	دکتر علی محمد	همایون
میر جلالی	سر لشکر	مولوی
میر حسینی	دکتر احمد	همایون

۱. آقای دکتر رحیمی مهدوی استاد دانشگاه تهران تنها کسی بود که پس از انتشار این کتاب در ایران، در ملی شرحی در روزنامه کیهان عضویت خود را در انجمن موسیقی تکذیب کردند.

میر عبدالباقی	مهندس عبدالرسول	تهران - لایت
میر مهدی	سید حسین	-
میر هادی	سید محمد	سعدی - کسرا
میرزا حسایی	ابراهیم	سعدی
میرزا حسایی	دکتر مهدی	تهران
میشا	روبرت	مولوی (افتخاری)
میشائیل	داود	مولوی
میلز	ود	فرانس - ابن سینا (افتخاری)
میکه	فریدون	آفتاب
میکه	دکتر غلامعلی	آفتاب

ن :

نادری	احمد	حافظ
ناصر	اسمعیل	-
ناصر	علی اصغر	فرانس
ناصری	ناصرالدین	فرانس
ناظریون	خسرو	تهران
نامدار	دکتر مصطفی	خیام - سحر
نبوی	عزیز	مزدآ
نبوی	مهدی	آفتاب
نجات	مهندس امیر	تهران
نجات	عبد الحمید	تهران - آریا
نجفی	حسین	تهران
نجفی	دکتر غلامرضا	کورش

تهران	نصراله	لجفی
مهر	سیفاله	لجفی عرب
همایون	دکتر محمود	آبادی
همایون	دکتر عباس	لجفوانی
لایت	دکتر عدل	لجستین
تهران	محمد علی	شاطر
تهران - سعدی	سید علی	مین
مزدا	احمد	ایام
گورش	-	نصرت بخش
فرانس	دکتر ابراهیم	کوی
تهران	محمد علی	شیرزاده مشایخ
همایون	داریوش	لجچی
فرانس	دکتر پرویز	آب
اصفهان	دکتر عبدالباقی	آب
-	علی	آب ترکی
تهران	دکتر محمد حسن	ری
فرانس	نصیرالدین	روی خواجوی
فارابی	دکتر هوشنگ	ناوندی
همایون	سلیم	سبازی
همایون	عباسقلی	سبازی
مهر	کاظم	شامیر
لایت	عبدالحسین	شک پور
-	دکتر بهروز	شکذات
-	آلکس	شکلاس

نیری

حسن

تهران

نیری

حمید

تهران

و :

وارسته

عباس

وفا

والا

مهندس عبدالله

کوروش

والا

عزت‌الله

ژاندارك

والا

دکتر فتح‌الله

کوروش

واعظ‌پور

اسمعیل

تهران

وان هک

ارنست

مولوی-ابن سینا (افتخاری)

وان آلست

ادیه

ابن سینا- سعدی

وانشافت

اسکار

آفتاب

وایت

اف-اج-ار

ابن سینا

وئوق

علی

وفا

وحیدیا

دکتر سیف‌الله

تهران

وحیدی

دکتر ایرج

خیام

ورهرامیان

هرمز دیار

کوروش

ورزی

مرتضی

تهران

ورزیده

حبیب‌الله

مهر

ویشکائی

-

مولوی

ویلسن

کت

ابن سینا

ویودل

شارل

مولوی-سعدی (افتخاری)

و ه :

هادی

مهندس محمد

فارابی

لالیت	ب	هال
ابن سینا	اماف	هالودی
-	سیدعلی	هاشمی حائری
کوروش	دکتر حسن	هاشمیان
مهر	زاون	هاکوپیان
کوروش	دکتر حبیب اله	هدایت
ناهید	مهندس خسرو	هدایت
سعدی	علیقلی	هدایت
مزدآ- کسرا	مسعود	هدایت
-	دکتر جواد	هدایتی
مهر	محمدعلی	هدایتی
ابن سینا (افتخاری)	ر	هارگراوز
کوروش	علیرضا	هروی
ابن سینا	جی	هرن
آفتاب	گرت	هسپا
کوروش	مهندس ابراهیم	همایونفر
صفا	دکتر علی اصغر	همایونفر
مهر	محمد	همایونفر
تهران	رکن الدین	همایون فرخ
مولوی - کسرا (افتخاری)	ای - جی - ال	همبرت
تهران	محمدعلی	هنجی
تهران - مولوی - سعدی	دکتر نصرالله	هنجی
-	مهندس ژردژ	هوانسیان
ابن سینا (افتخاری)	ام - اف	هولووای

مولوی	دکتر احمد	هومن
مولوی	دکتر محمود	هومن
فروغی	-	هویدا
تهران	ادیب	هویدا
سعدی	دکتر جمیل	هویدا
تهران	فرید	هویدا
تهران	دکتر ضیاء الدین	هیئت

ی :

مهر	دکتر احسان	یار شاطر
همایون	حسن	یاسائی
لایت	ر - ی	یاورد
مولوی	حسینعلی	یاوری
همایون	دکتر حبیب الله	یدیدی
کسرا	محمد	یزدانفر
تهران	حسن	یزدی
همایون	اژن	ینیموف
خیام	دکتر ناصر	یگانه
تهران - کورش	دکتر هادی	یگانه حائری
ابن سینا	اسفندیار	یکانکی
کسرا	پرویز	یکانکی
همایون	جمشید	یکانکی
کرا - همایون	حاج علی	یوسفی
همایون	مهدی	یوسفی

فصل سی و سوم

مکاتبه با گراندهای جهان

و

قانون اساسی اسکاتلند

چنانکه در فصول و مجلدات مختلف کتاب حاضر ملاحظه شد، سازمانهای فراماسونری در ایران پیوندی مستقیم و ارتباطی مداوم با تشکیلات فراماسونری جهان، از جمله لژهای بزرگ انگلیسی و فرانسوی و امریکائی دارند. لذا بررسی فعالیتهای يك سازمان محلی، در يك کشور بخصوص بدون توجه به ریشههای خارجی و پیوندهای آن سازمان با لژهای جهانی، نمیتواند يك بررسی کامل و همه جانبه باشد. بهمین جهت نگارنده پس از پایان کار تحقیق و مطالعه در ایران استفاده از کلیه مآخذ و منابعی که دسترسی بهر کدام از آنها متضمن تلاش پی گیر و زحمات شبانه روزی فراوان بوده و هم چنین پس از استخراج مطالب مورد نیاز از رسالات، کتب و یادداشتهای چاپی و خطی در کتابخانههای ایران و جهان به بررسی دقیق و یادداشت مشاهدات و معلومات خصوصی افراد، و بهره برداری از پروندههای خصوصی و یادداشتهای شخصی فراماسونهای که سالها در سازمانهای فراماسونری فعالیت داشته و اینک زندگی را بدرود گفته اند، پرداختیم. بعد از خاتمه تحقیقات در داخل کشور، در صدد برآمدیم از منابع و مآخذ تاریخی گراندهای لژهای فراماسونی جهان نیز از طریق مکاتبه و ارتباط مستقیم استفاده کنیم، تا کار بزرگی که توفیق انجام آن بدست آمده بوده، از همه نظر کامل و بدون نقص باشد.

قبل از اتخاذ این تصمیم بارها بمسئولان لژهایی که در ایران کار می‌کنند مراجعه کرده و از آنها خواستیم که به منظور کمک به روشن شدن نکاتی تاریک از تاریخ کشورشان، با نگارنده همکاری کرده و اطلاعات و معلومات تاریخی خود را در ایران، برای راقم این سطور باز گویند. ولی آنها باین تقاضا پاسخ منفی دادند.

آنها به نگارنده تکلیف می‌کردند که عضویت یکی از لژهای فراماسوئری را بپذیرم، زیرا برای دست یافتن به مطالب مورد نیاز و اسرار محرمانه فراماسوئری، جز پذیرفتن عضویت لژها، راه دیگری وجود ندارد، و قبولی این پیشنهادات هم مورد قبول و هدف ما نبود.

پس از نوبیدی از همکاری آنان، به ناچار نامه مشترکی برای پاترزه گرانلد لژ اصلی فراماسوئری که در انگلستان، فرانسه، بلژیک و آمریکا دایر بوده و سازمانهای وابسته به آنها، همواره در ایران فعالیت مداوم دارند^۱، نوشته شد. باین امید که پاسخ آنها بیش از پیش به مستند بودن مطالب کتاب و روشن شدن نکات تاریک تاریخ معاصر ایران، نگارنده رایاری کند. متن نامه ارسال شده بدین شرح بوده:

آقای محترم

چون مشغول مطالعه و نگارش تاریخی در باره «فراماسوئری در ایران» هستم خواهشمندم جواباً به من اطلاع دهید:

- ۱ - در چه تاریخی اولین لژ شما در ایران تأسیس شده؟
- ۲ - از ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۲ چند نفر ایرانی عضو لژ شما بوده‌اند؟
- ۳ - آیا ممکن است اسامی اعضای برجسته ماسونهای ایرانی را از بدو فعالیت در ایران ذکر کنید؟

۱ - نشانی محافل و مجامع فراماسوئری با مشخصاتی که ذکر شده عیناً از سالنامه‌های صومئ مرکز جهانی فراماسوئری استخراج شده است.

۴ - ممکن است مرا راهنمایی کنید که در باره چگونگی فعالیت‌های
اماسونری در ایران چه کتابهای قدیم و جدیدی را مطالعه کنم ؟

گراند لژ اسکاتلند در تاریخ ۱۰ اگست ۱۹۶۰ جوابی
به نامه فوق داد و دبیر اعظم لژ اسکاتلند طی این پاسخ نوشت:
« از وصول نامه شما با تشکر واقف شدم. من با نماینده
خودمان در ایران تماس گرفتم و به آنها اطلاع دادم و خواهم
که به سئوالات شما پاسخ گویند و به شما کمک و راهنمایی کنند ».

چهل و یک روز پس از وصول این نامه، چون هیچگونه تماسی با نگارنده
دار نشد و از طرف فراماسنهای ایرانی نامه و یادداشتی نرسید، در تاریخ ۱۱ اکتبر
نامه دیگری به دبیر اعظم گراند لژ اسکاتلند به این شرح نوشته شد:
آقای عزیز و محترم

نامه مورخ ۳۰ اگست ۱۹۶۰ شما رسید، متأسفانه تا امروز هیچیک از
شما به نگارنده مراجعه نکردند و تصور هم نمی‌کنم که هیچگاه چنین
مراجعه‌ای بشود. زیرا سابق فراماسونری در ایران نشان داده است که ایرانیانی که
در این مؤسسه بظاهر اخلاقی و تعاونی جهانی را در ایران دارند، از این
بهره‌برداری سیاسی می‌کنند.

فراماسونهای ایرانی برای اینکه همیشه مقامات عالی مملکتی را در دست
گیر باشند، این مؤسسه اخلاقی را بصورت و شکل دیگری بمردم معرفی کرده‌اند.
وجودی که بارها در مطبوعات، کتب و پارلمان ایران چندین بار بشدت به تشکیلات
اماسونری حملات زنده و غیر مؤدبانه صورت گرفته است، با اینحال حتی
بعضی ترین فراماسون ایرانی هم دفاعی در مقابل این حملات نکرده و نمی‌کنند.
آنها می‌ترسند به حیثیت سیاسی و اجتماعی آنها لطمه وارد شود !!

من در نوشتن تاریخی که از سال‌ها قبل تهیه و تدوین آن را شروع کرده‌ام و یقیناً آن را به پایان می‌رسانم تا آنجا که توانسته‌ام سعی کرده‌ام فقط «حقایق تاریخی» را ذکر کنم و از شما خواهش دارم بدون مراجعه به ایران مرا در راه مطالعه فقط «تاریخ فراماسوئی در ایران» نه «در دنیا» راهنمایی کنید و منابع و مآخذی را که سوابق تاریخی از ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۲ را در ایران روشن می‌کند، در اختیارم بگذارید. قبلاً از مرحمتی که می‌نمائید تشکر می‌کنم.

گرناند لژ اسکاتلند پس از چندی نامه‌ای را که در فصل ۲۶ صفحه ۱۸۳ نقل شد، در پاسخ نگارنده ارسال داشت. این نامه مرا از ادامه مکاتبه با لژهای انگلیسی مأیوس کرد. در عوض از میان یازده نامه‌ای که به گرناند لژهای امریکائی نوشته شده بود، پنج سازمان فراماسوئری امریکاکه خودمختار و مستقل هستند و عبودیت و سروری و برتری لژهای انگلستان را قبول ندارند، جوابهائی همراه با فتوکیبی صفحاتی از کتب چاپ شده و با معرفی کتبی که در آنها درباره ایران مطالبی نوشته شده است، برای نگارنده فرستادند. ضمناً در سفر سال ۱۳۴۰ به لندن با معرفی و وساطت (دانشگاه لندن - قسمت شرق شناسی) از دبیر گرناند لژ انگلند تقاضا کردم اجازه مطالعه کتب کتابخانه سیصدساله خود را به نگارنده بدهند. ولی به موجب نامه مورخ ۱۴ اپریل ۱۹۶۱، آنان نیز چنین اجازه‌ای را ندادند. عین نامه گرناند لژ که گراور شده همراه با سایر نامه‌ها، از نظر خوانندگان می‌گذرد.

ضمائم

- ۱- مکاتبه بالتره‌های انگلیسی و امریکائی
- ۲- قانون اساسی ، آئین نامه و فضاها
لتره‌های اسکاتلند در ایران
- ۳- مآخذ و منافع فراماسونری در کتب ،
جراید و مجلات زبان فارسی

THE GRAND LODGE OF SCOTLAND

Telegraphic Address
 "MICA, EDINBURGH"

FREEMASONS' HALL
 96 GEORGE STREET
 EDINBURGH 2

1/3

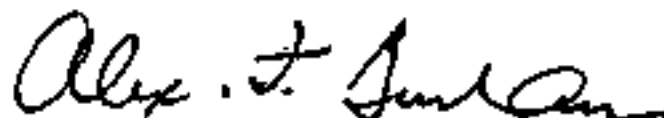
30th August 1960.

Mail Raeln, Esq.,
 Eshrat-abad,
 Chen,
 No. 11,
 ran,
 n.

Sir,

I acknowledge with thanks your letter. I am
 in touch with our Representative in Iran and am
 asking him to reply to you on my behalf.

Yours faithfully,



Grand Secretary.

نامه سی ام اگست ۱۹۶۰ دبیر کل گراند لژ اسکاتلند.

در این نامه دبیر کل لژ، با اطلاع داد که: در آتیه نزدیکی نمایند. ما شما مراجعه
 می کند. و من از او خواسته ام که بشما در این راه کمک کند.

TELEGRAPHIC ADDRESS -
LITCHWORTH, WESTGENT, LONDON
PHONE
HOLBORN 3653.



GRAND SECRETARY'S
OFFICE,

A.G.S.

United Grand Lodge of England.

*Freemasons' Hall,
Gr. Queen Street, London, W.C.2.*

14th April, 1961

Dear Sir,

I have received your letter of the 11th April but, as you will appreciate, this is not a public building, and entrance to it is normally limited to members of our Order and to those who may be accompanying them.

In the circumstances I am afraid it will not be possible to accede to your request.

Yours faithfully,

[Signature]
Grand Secretary

نامه ۱۴ اپریل ۱۹۶۱ دبیر کل سرانند لڑانگلند

در یازدهم آپریل ۱۹۶۱ پاراهتمائی قسمت شرق شناسی دانشگاه لندن، از قدیمی ترین سازمان فراماسونری انگلستان تقاضا شد که اجازه مطالعه کتابخانه سیصدساله را به ما بدهند. ولی دبیر کل سازمان مذکور روز ۱۴ آپریل جواب داد که کتابخانه آنها عمومی نیست و فقط اعضاء فراماسون حق استفاده از آن را دارند.

**GRAND LODGE
FREE AND ACCEPTED MASONS
OF THE
STATE OF NEW YORK
71 WEST 23 STREET
NEW YORK 10, N. Y.**

August 18, 1960

Mr. Esmail Arein
Eshratabad
Kooye Shafei, House 9
Tehran, Iran

Dear Sir:

At the request of the New York Public Library, we are sending a short list of current books on Freemasonry throughout the world. We have not been able to find one on Iran alone. This is in answer to your inquiry dated 31 July 1960.

Sincerely yours,

نامه ۱۸ اگست ۱۹۶۰ سازمان فراماسونری نیویورک

در پاسخ نامه ۳۱ جولای شما، بدینوسیله لیست کوتاهی از کتبی که درباره فراماسونری جهانی، از جمله ایران مطالبی نوشته شده برای شما می فرستیم. متأسفیم که نتوانستیم درباره ایران کتاب بخصوصی پیدا کنیم.

The Supreme Council

MODERNA COUNCIL OF THE WORLD
OF THE
THIRTY THIRD AND LAST DEGREE

CLAUDE F. YOUNG 33°
ATTORNEY AT LAW
C. F. KLEINNECHT 33°
ASSISTANT ATTORNEY GENERAL



OFFICE
1355 BRIDGEWATER STREET, N. W.
WASHINGTON, D. C.

ANCIENT AND ACCEPTED SCOTTISH RITE OF
FREEMASONRY, SOUTHERN JURISDICTION, U. S. A.

AIR MAIL

October 17, 1960

Imail Rasin,
Ave. Nahrat-Absd,
Kutcheh Shafiei No. 11,
Tehran, Iran.

Dear Mr. Rasin:

We have your letter of October 13th asking for information about Freemasons' Lodge in Iran; how many Iranians were members of the Freemasons' Lodge between 1800 and 1924; and if it is possible to mention the names of prominent Iranian Freemasons, and last the names and titles of books in which Iranian Freemasonry is mentioned.

Replying to these questions, will state that we do not have very much information concerning Freemasonry in Persia. However, we are attaching what information we have and we trust it will be beneficial to you.

Sincerely yours,

Claude F. Young
GRAND SECRETARY GENERAL

COPY:UE

نامه ۱۷ اکتبر ۱۹۶۰ شورای طریقت ماسونی آمریکا

دیر بزرگ شورای طریقت ماسونی آمریکا در جواب نامه ۱۳ اکتبر به ما می نویسد . متأسفانه جواب ما اینست که اطلاعات مادر باره فراماسونری در ایران زیاد نیست . بهر حال با ارسال اطلاعات مختصری که موجود است ، اطمینان کامل داریم که این اطلاعات برای شما سودمند خواهد بود .

THE MASONIC SERVICE ASSOCIATION

OF THE UNITED STATES

700 TENTH STREET, N.W.

WASHINGTON 1, D. C.

JOHN D. CUMMINGS
Executive Secretary

Oct. 17, 1960

CONRAD HAIN
Editor
WILLIAM C. BISHOP
Chief Field Agent

Mr. Ismail Rasin
Ave. Eshrat-abad
Kutcheh Shafiei No. 11
Tehran, Iran

Dear Mr. Rasin:

Thank you for your letter of October 12. It raises some very interesting speculations concerning the spread of Freemasonry, but unfortunately we are in no position to give you any information or any answers to the questions you ask.

The only book that I find any mention of Freemasonry in Iran is Gould's History of Freemasonry Throughout the World in six volumes. In Volume four, page 494, there is a paragraph concerning Freemasonry in Persia which states, "No lodges, however, were established in Persia at any time by the Grand Lodge of England, nor -- so far as the evidence extends -- by any other external authority."

It may be that some Masonic lodges were established in Iran since that book was written, but we have no knowledge of that fact. Perhaps the Grand Secretary of the United Grand Lodge of England, Mr. J. W. Stubbs, Freemasons Hall, London, England, might be able to help you secure that information.

Sincerely yours,

Conrad Hain

CONRAD HAIN
Editor

نامه ۱۲ اکتبر ۱۹۶۰

کتراد هاین مدیر اتحادیه خدمات ماسونی

در جواب نامه مامی نویسد : ضمن تشکر از ارسال نامه ۱۲ اکتبر شما و اطلاعات جالبی که از ما خواسته بودید ، متأسفانه ما در ضمنی هستیم که نمی توانیم به استیالات شما پاسخ بدهیم . فقط صفحه ۴۹۴ جلد ششم تاریخ گاولد را که در باره فراماسونری در ایران شرحی نوشته است برای شما می فرستیم ممکن است بعضی از لفظ های فراماسونری در این ایام در ایران دایر شده باشد . شاید J. W. stubbs کمک دهبی بزرگ اتحادیه بزرگ فراماسون انگلستان بتواند به اطلاعات مورد نیاز شما کمک کند .

The Supreme Council

OF SUPREMACY GRAND INSPECTOR GENERAL
OF THE THIRTY-THIRD AND LAST DEGREE
OF THE ANCIENT ACCEPTED SCOTCH
RITE OF FREEMASONRY FOR THE
NORTH AMERICAN JURISDICTION
OF THE UNITED STATES
OF AMERICA

GEORGE E. DUSHNEILL, 33°
Grand Master
FRANK S. MERRILL, 33°
Grand Secretary General

CABLE ADDRESS
SCOTITE BOSTON
117 STATE BUILDING
BOSTON 19, MASSACHUSETTS

November 1, 1960

Mr. Esmad Razin
Ave. Eshrat-Abad,
Kutcheh Shafiei No. 11,
Tehran, Iran

Dear Sir:

Your letter addressed to the late F. Elmer Raechig, who was my predecessor as the Grand Secretary General, has been received at this office. The transactions of this office embrace only matters pertaining to the Supreme Council and not to Grand Lodges. The register which I refer to states that the Grand Lodges of Tehran, Iran, are under the Grand Lodge of Scotland. I suggest that you write to the Grand Secretary at 96 George Street, Edinburgh 2, Scotland, for your information.

Very truly yours,

Frank S. Merrill
Frank S. Merrill
Grand Secretary General

نامه اول نوامبر ۱۹۶۰

شورای طریقت فراماسونی وابسته به اسکاتلند

فراکشمریل دبیر بزرگ سازمان ماسونی مذکور که نامه ما را به عنوان دبیر کل سابق دریافت داشته بود، در جواب می نویسد، « به دبیر کل گرامتد لنز اسکاتلند در ادنبورگ مراجعه کنید »

THE MASONIC SERVICE ASSOCIATION

OF THE UNITED STATES

700 TENTH STREET, N.W.

WASHINGTON 1, D. C.

November 28, 1960

CONRAD HAHN
Editor

WILLIAM C. EDMUNDS
Chief Staff Agent

Mr. Ismail Rasin
Eshtrabad, Kooye Shafee
House #11
Tehran, Iran

Dear Mr. Rasin:

In response to your letter of October 24, I am happy to enclose two Thermofaxed pages from GUILLS HISTORY OF FREEMASONRY THROUGHOUT THE WORLD. However, I find that we gave you the wrong page number in the letter I wrote to you earlier in October, for the pages were 194-195, rather than 193.

With this correction, I think you will find the enclosed paragraph on "Persia" the only paragraphs I can find on Freemasonry in Iran that have been printed, so far as they have been brought to my attention.

With all good wishes,

Sincerely yours,



CONRAD HAHN
Editor

CH:en

فایده دیگری از طرف کنراد هان مدیر اتحادیه خدمات ماسونی
در باره آنچه را که گاولد انگلیسی تحت نام (یرشیا) درباره فراماسونری ایران نوشته است.

اساسنامه و قوانین

لژ اعظم بنایان آزاد و پذیرفته شده اسکا تلند



مضوب سال ۱۹۵۸ میلادی

ضمیمه دوم

«اساسنامه و قوانین»

ماده ۱ - لژ اعظم بنایان آزاد قدیمی و پذیرفته شده اسکاتلند ترکیب می یابد از صاحب منصبان اعظم (به استثنای نگهبان خارجی اعظم) و کلیه استادان اعظم حائز شرایط و استادان اعظم ایالتی و ناحیه ای و استادان اعظم ایالتی و ناحیه ای پیشین و استادان اعظمی که نمایندگان نواحی باشند به علاوه استادان ارجمند و سرپرستان هر لژ که بطور منظم تابع لژ اعظم باشند یا نمایندگان استادان ارجمند و سرپرستان لژهای تابعه .

ماده ۲ - هر عضو لژ اعظم باید برادری باشد متصف به صفات تصریح شده در ماده ۲۷۷ و فقدان هر یک از صفات لازم یا عدم پرداخت حق عضویت سالیانه (ناسی و یکم ژانویه سال بعد) یا عدم پرداخت مقرریهای مخصوص و افتخاری که در فهرست شماره یک قانون مندرج است مانع عضویت در لژ اعظم خواهد بود .

ماده ۳ - افسران در لژ عبارتند از استاد اعظم - استاد اعظم قبلی - قائم مقام استاد اعظم - معاون استاد اعظم - سرپرست اعظم اول - سرپرست اعظم دوم - مدیر اعظم - خزانه دار اعظم - امین اعظم و جوه خیریه - خطیب اعظم اول - خطیب اعظم دوم - راهنمای اعظم اول - راهنمای اعظم دوم - مدیر اعظم تشریفات - کتابدار اعظم - معمار اعظم - زیوردار اعظم - حامل اعظم کتاب - شاعر اعظم - شمیردار

اعظم - مدیر اعظم موسیقی - معاون رئیس تشریفات اعظم - معاون دبیر اعظم - ارگ نواز اعظم - نی نواز اعظم - مدیر اعظم انتظامات - بیرق دار اعظم اول - بیرق دار اعظم دوم - نگهبان اعظم داخلی - رئیس مباشرین عظام - نگهبان اعظم ارجی .

ماده ۴ - لقب و عنوان استاد ارجمند اعظم و استاد بنای اعظم متعلق است فقط به استاد اعظم لژ اعظم .

ماده ۵ - عنوان (حضرت ارجمند) اطلاق می شود به تمام استادان اعظم پیشین قائم مقام استاد اعظم و معاون استاد اعظم و سرپرستان اعظم و دبیر اعظم و خزانه دار اعظم و امین اعظم و جوه خیره عنوان (بسیار ارجمند) اطلاق می شود به خطبای اعظم و راهنمایان اعظم و مدیر اعظم تشریفات - کتابدار اعظم - معمار اعظم - زیور لژ اعظم و حامل کتاب و عنوان (ارجمند) اطلاق می شود به شاعر اعظم - شمشیر لژ اعظم - مدیر اعظم موسیقی - معاون رئیس تشریفات اعظم - معاون دبیر اعظم ارگ نواز اعظم - نی نواز اعظم - مدیر اعظم انتظامات - بیرق دار اعظم اول - بیرق دار اعظم دوم - نگهبان اعظم داخلی و رئیس مباشرین عظام .

ماده ۶ - افسران اعظم به غیر از چهار نفری که بعداً ذکر خواهد شد سالیانه انتخاب می شوند قائم مقام استاد اعظم و معاون استاد اعظم همه ساله به توسط شخص در دو روز تنصیب افسران برگزیده می شوند . انتخاب دبیر اعظم و معاون دبیر اعظم سالیانه انجام نمی گیرد ولی مدت تصدی آنها همه ساله قابل خاتمه یافتن است . شروط برای آنکه تصمصیم لژ اعظم در این باره سه ماه قبل باطلاع آنها رسیده باشد .

ماده ۷ - در آخرین جلسه از جلسات فصلی لژ اعظم که بلافاصله قبل از میل سینت اندرو تشکیل می شود نامزد کردن و انتخاب افسران اعظم برای سال بعد از در مواردی که تکلیف آن طبق مواد دیگر بنحود دیگری تعیین شده است بعمل خواهد آمد . تمام جلسات ارتباطیه نامیده می شود .

ماده ۸ - انتخاب غیابی برادری برای اشغال منصبی در لژ اعظم شایسته

خواهد بود مگر با رضایت قبلی او وضمانت یکی دیگر از برادران .

ماده ۹ - دادز رأی جهت انتخاب افسران اعظم به وسیله بلند کردن دست صورت می گیرد وقتی برای اشغال منصبی بیش از يك نفر نامزد باشد، اخذ رأی جدا جدا نسبت بهر نامزد صورت می گیرد و دارنده رأی بیشتر انتخاب شده اعلام می گردد. اگر پیش از يك منصب دارای کاندیدهای متعدد باشد برای هر منصب با رعایت اولویت بشر تیب فوق علیحده رأی گرفته خواهد شد و هنگامی برای منصب بعدی اخذ رأی به عمل می آید که اخذ رأی برای منصب قبلی خاتمه یافته و نتیجه اعلام شده باشد .

ماده ۱۰ - برادرانی که در هر سال به عنوان افسران اعظم انتخاب یا منصوب می شوند در روز سینت اندرو (سی ام نوامبر) قبل از انجام مراسم عید سینت اندرو تنصیب می گردند در صورتیکه عید سینت اندرو با شنبه یا یکشنبه تصادف کند تنصیب و مراسم عید در روز جمعه قبل برگزار خواهد شد .

افسری که بتواند در آن روز شرکت کند در اولین جلسه ارتباطیه بعد که در آن حضور یابد تنصیب خواهد شد .

ماده ۱۱ - افسران اعظم انتخابی (بااستثنای استاد اعظم - دبیر اعظم - خزانه دار اعظم - امین اعظم و جوخ خبریه - مدیر اعظم تشریفات - کتابدار اعظم - معاون دبیر اعظم - ارگ نواز اعظم - لی نواز اعظم و نگهبان اعظم خارجی) نمی توانند بیش از دو سال بطور متوالی در يك منصب باقی بمانند .

ماده ۱۲ - در صورت فوت - استعفا یا سلب صلاحیت هر يك از افسران اعظم انتخابی لژ اعظم در اولین جلسه ارتباطیه بعدی یا در جلسه ارتباطیه ای که به موجب اخطار قبلی تشکیل شده باشد می تواند برادر شایسته ای را بجای او انتخاب نماید .

ماده ۱۳ - هر يك از افسران اعظم پیشین و افسران اعظم پیشین ایالتی و ناحیه ای و اعضاء کمیته اعظم و مباشر اعظم در صورت پرداخت مقرری مندرج در

بند ۱۳ از قسمت اول از فهرست اول محقق خواهد بود که گواهی نامه‌ای از دبیر اعظم دریافت دارد مشعر بر اینکه شاغل آن منصب یا سمت بوده است.

ماده ۱۴ - استاد بنای اعظم عضو قهری هر لژ تابع و هر لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای می‌باشد ولی باین عنوان ملزم به هیچ نوع پرداخت یا مشارکت مالی در لژهای فوق‌الذکر نخواهد بود.

ماده ۱۵ - دبیر اعظم مسئول و مدیر امور لژ اعظم بوده و نسبت به کلیه کارمندان لژ اعظم سمت ریاست و مدیریت دارد و مکاتبات و مراسلات به‌عنوان او ارسال و ارتباطات با او برقرار می‌گردد. دفاتر - اسناد - مهر و تمام دارائی منقول لژ اعظم زیر کلید دبیر اعظم است که باید در تمام جلسات ارتباطیه لژ اعظم و جلسات کمیته اعظم شرکت داشته - صورت جلسات را تهیه - دفتر ثبت نام اعضاء را نگهداری - اسامی اعضاء تازه وارد و ملحقه و اعضاء مؤسس را در دفاتر مربوطه ثبت و دفتر ثبت نام استادان تنصیب شد و استادان مار لژ را نگهداری و تمام فرامین - مأموریتها و دیپلمها و غیره را که از طرف لژ اعظم صادر می‌شود تهیه و توزیع نماید و هر سه ماه به سه ماه يك نسخه چاپی از صورت جلسات لژ اعظم - کمیته اعظم و کمیته خیریه و صورت جلسه هیئت مقرریهای سالیانه را که توأم با گزارش مبالغ دریافتی لژ اعظم در ظرف سه ماه گذشته باشد به صورت قابل تقدیم به جلسه ارتباطیه بعدی تهیه و برای هر يك از لژهای تابعه و دبیران اعظم ایالتی و ناحیه‌ای و برای هر يك از اعضاء لژ اعظم ارسال دارد و همچنین همه ساله خلاصه‌ای از صورت حساب لژ اعظم را که به گواهی ممیز حساب کل رسیده باشد برای هر يك از آنها خواهد فرستاد و نیز رونوشت خلاصه مذاکرات لژ اعظم را برای دبیران اعظم لژهای اعظم شناخته شده ارسال می‌دارد و همچنین برای هر بنای آزادی که تقاضا کنند و مبلغ تعیین شده در بند ۱۸ از قسمت اول فهرست یکم را سالیانه و قبلاً پرداخت نموده باشد ارسال خواهد داشت.

دبیر اعظم افسران و اعضاء لژ اعظم را برای مشارکت در جلسات ارتباطیه

به وسیله بخشنامه که حاوی دستور کار جلسه باشد دعوت می‌کند و همچنین کمیته اعظم را به وسیله بخشنامه‌ای دعوت می‌نماید و موضوع کارهای آن را تا آنجا که به نظر او لازم آید در بخشنامه ذکر خواهد نمود.

دبیر اعظم دبیر قهری تمام کمیته‌ها بوده باید به این سمت به تشکیل آنها اقدام نماید و باید ترتیبی بدهد که دیپلمها - فرامین - برگهای الحاق - کتابهای قوانین و قانون اساسی و امثال اینگونه اموال ثبت و حساب سالیانه آنها تراز گردد. دبیر اعظم همچنین باید تمام دستورهای لژ اعظم و کمیته اعظم را ابلاغ و اعلام نماید.

دبیر اعظم باید حساب کلیه وجوه مربوط به لژ اعظم را که به وسیله او دریافت و پرداخت شده است صحیحاً و طبق فورمول‌های مصوب کمیته اعظم منظمآً نگاهداری نماید.

دبیر اعظم مراقبت خواهد نمود که کلیه وجوه قابل پرداخت به لژ اعظم اسکا تلند عیناً در دفتر مربوط به وجوه واصله ثبت گردد و قبوض رسید یا اعلامیه های وصول مربوطه را بدون تأخیر برای اشخاص یا لژهاییکه وجوه مزبور را پرداخت کرده‌اند ارسال خواهد داشت. رسیدهای وجوهی که از طرف تازه‌واردین یا ملحق شدگان و یا کسانی که استاد مارک می‌شوند و یا اعضاء مؤسس لژها را تشکیل می‌دهند و به لژ اعظم واصل می‌گردد باید بنام همان اشخاص که وجوه از طرف آنها و یا به نام آنها پرداخت شده است صادر گردد. دبیر اعظم هرگز نباید بیش از پنجاه یوند از وجوه لژ اعظم را در نزد خود نگاهدارد و هر وجهی که علاوه بر این مبلغ باشد باید بحساب مخصوص به آن وجه در حسابهای بانکی لژ اعظم واریز گردد هیچ صورت حسابدایی نباید از طرف دبیر اعظم پرداخت گردد مگر به وسیله چک و آن هم در صورتیکه قبلاً به تصویب کمیته امور مالی رسیده باشد. در آخر هر سال مالی (آخرین پنجشنبه ماه نوامبر) دبیر اعظم باید صورت کاملی از حسابها را تهیه و توأم با دفاتر و اسناد خرج مربوطه تسلیم ممیز حساب کل بنماید

دبیر اعظم باید صورت کلیه قسمت‌ها و آپارتمانها و مغازه‌های متعلق و وابسته به کاخهای لژ اعظم را که به اجاره واگذار شده و یا قابل انتفاع باشد و همچنین درآمد آنها را به تفکیک در دفتر مخصوص ثبت و نگاهداری نماید.

ماده ۱۶ - دبیر اعظم باید تمام وقت خود را به مصرف انجام وظائف باین شغل برساند و در مقابل خسارات ناشیه از کسر و کمبودی که ممکن است بیاورد تا مبلغ یک هزار لیره بیمه می‌شود. و حق این بیمه از وجوه لژ اعظم پرداخت می‌گردد و حقوق او بهر میزانی که از طرف لژ اعظم هر چند مدت یکبار تعیین می‌شود باید پرداخت گردد و هر کمک اضافی دیگری که از طرف دبیر اعظم تقاضا و به تصویب کمیته اعظم برسد از وجوه لژ اعظم باید پرداخت شود.

در غیاب دبیر اعظم وظائف او را معاون دبیر اعظم انجام خواهد داد.

ماده ۱۷ - معاون دبیر اعظم در غیاب او نمایندگی او را خواهد داشت و همچنین مجاز است در غیاب دبیر اعظم کاملاً در مقابل دبیر اعظم مسئول بوده و تابع او خواهد بود.

ماده ۱۸ - دبیر اعظم کلیه وجوه مربوط به صندوق خیریه لژ اعظم را دریافت و پرداخت خواهد نمود و حساب آنرا نگاه خواهد داشت.

به منظور تأمین هزینه صندوق‌های لژ اعظم مبلغی معادل ده درصد از جمع درآمد سالیانه هر يك از صندوق‌های زیر :

صندوق خیریه ماسونی اسکاتلند صندوق عمومی مقرریهای سالیانه صندوق مقرریهای سالیانه ایتام - صندوق کمکهای اتفاقی و همچنین ده درصد از مازاد هوایداموال غیر منقول داده خواهد شد مبالغی که از درآمد اماکن ماسنی اسکاتلند برای اداره امور باید تخصیص داده شود ارقام متناسبی خواهد بود که هر چند وقت یکبار از طرف کمیته اعظم برای این منظور تعیین می‌گردد و مبالغی که از این محل تخصیص داده می‌شود در آخرین روز سال مالی به حساب بستانکار صندوق عمومی واريز خواهد شد.

ماده ۱۹ - معاون دبیر اعظم باید تمام وقت خود را به مصرف انجام وظائف مربوطه به این شغل برساند و در مقابل خسارات ناشیه از کسر و کمبودی که ممکن است بیاورد تا مبلغ یک هزار لیره بیمه می شود و حق بیمه آن از وجوه لث اعظم پرداخت و همچنین حقوق او بهر میزانی که از طرف لث اعظم هر چند وقت یکبار تعیین می شود پرداخت می گردد .

ماده ۲۰ - در مواردیکه حضور دبیر اعظم و کتابدار اعظم برای انجام مأموریت های لث اعظم ضروری باشد هزینه های مربوطه از طرف لث اعظم پرداخت می گردد .
ماده ۲۱ - امین اعظم وجوه خیریه باید منافع صندوق خیریه و صندوق مقرری های سالیانه لث اعظم را حفظ نماید و مراقبت کند که لث های تابع تعهدات خود را نسبت باین صندوق ها ایفاء نمایند و توجه کمیته اعظم را نسبت به لثی که تخلف کند جلب نماید و با تصویب کمیته اعظم در مواقعی که وضعیت این صندوقها ایجاب نماید مساعدت لث ها و برادران را نسبت به آنها خواستار شود .

ماده ۲۲ - خطبای اعظم در جلسات ارتباطیه حاضر خواهند شد و در آنجا دعا های مخصوص را به تناسب موقعیت بر طبق رسوم باستانی بنائی آزاد خواهند خواند .

ماده ۲۳ - مدیر اعظم تشریفات منحصرأ مشول است که افسران و سایر اعضاء لث اعظم را بر حسب اقدمیت مرتب نماید و جزئیات امور تشریفاتی لث اعظم را در هر عمارتی که جلسات آن تشکیل گردد سرپرستی نماید .

ماده ۲۴ - الف - کتابدار اعظم باید محتویات موزه و کتابخانه لث اعظم را تحت مراقبت قرار داده توجه کند که در فهرست ها ثبت شده بشود مطلوب مرتب و در شرایط خوب منظمأ نگهداری و هر چند مدتی یکبار کنترل گردد . کتابدار اعظم باید منافع موزه و کتابخانه را حفظ نموده و بخششهایی که برای آنها می شود تصدیق نماید و نیز سایر وظایفی را که مربوط بشغل او بوده و هر چند مدتی یکبار از طرف کمیته اعظم (یا کمیته موزه و کتابخانه تعیین می گردد) باید انجام دهد و هر نوع کمکی

که احتیاج پیدا کنند و بتصویب کمیته اعظم برسد از طرف لثراعظم پرداخت خواهد شد. کتابدار اعظم در مقابل خدمات خود می تواند حقوق یا حق الزحمه به میزانی که هر چند مدت یکبار از طرف لثراعظم تعیین می شود دریافت دارد.

ماده ۲۴ - مدیر اعظم انتظامات حرکت دسته جمعی لثراعظم را در خارج از محل آن ترتیب داده و سرپرستی می نماید و لژهای تابع و سایر لژهایی که در مراسم مزبور شرکت نمایند تحت مدیریت مدیر اعظم انتظامات خواهند بود.

ماده ۲۵ - نگهبان خارجی اعظم باید در تمام جلسات ارتباطیه شرکت کند و در ترتیب دادن امور مربوطه کمک نماید و مراقبت کند که فقط برادرانی پذیرفته شوند که متصف به صفات لازم باشند. به نگهبان خارجی اعظم حقوقی پرداخت خواهد شد که هر چند وقت یکبار از طرف لثراعظم تعیین می گردد. او در لثراعظم حق دادن رأی نخواهد داشت.

ماده ۲۶ - لثراعظم در جلسه ارتباطیه فصلی ماه نوامبر خود یک نفر ممیز حساب برای سال بعد تعیین خواهد نمود. شخصی که باین سمت تعیین می شود باید حسابدار یا حسابرس حرفه ای بوده و عضو مرتب و حائز شرایط لژ تابعی باشد. ممیز حساب مزبور سه ماه به سه ماه و در آخر هر سال کلیه حسابهای صندوقهای لثراعظم را مورد رسیدگی قرار داده و کتباً گزارش خواهد داد. همچنین در فواصل مواعد مزبور هر نوع گزارش و اطلاعات دیگری مربوط به امور صندوقهای فوق الذکر که از طرف لثراعظم و کمیته های آن خواسته شود خواهد داد.

ممیز حساب در مقابل خدمات خود حق الزحمه ای که هر چند وقت یکبار از طرف لثراعظم تعیین می شود دریافت خواهد داشت. در صورتی که در ضمن سال مالی پست ممیز حساب بهر علتی که باشد خالی شود کمیته اعظم می تواند یک نفر شخص واجد شرایط را به جانشینی او برای بقیه مدت سال تعیین نماید ولی این انتصاب باید در اولین جلسه ارتباطیه فصلی بعدی لثراعظم تأیید گردد.

ماده ۲۷ - لثراعظم هر سال در جلسه ارتباطیه فصلی خود حداکثر پنجاه نفر

از اعضاء خود را بعنوان مباشرين عظام تعيين مي نمايد. باین هیئت تحت مدیریت کمیته اعظم، اداره امور عید سینت اندرو و سایر جشنها محول خواهد شد.

مباشرين عظام در لباسهای مخصوص و باعصاهای سمت خود تمام حرکات دسته جمعی لژ اعظم را بدرقه خواهد نمود و هر برادری که به سمت مباشر اعظم تعیین می شود قبل از اینکه سمت خود را اجراز نماید باید مقرری افتخاری مخصوصی را که در بند ۲۲ قسمت اول از فهرست اول مقرر شده است بپردازد.

ماده ۲۸ - هیئت مباشرين عظام در ظرف مدت هفت روز بعد از تعیین شدن، یکنفر را از بین خود بسمت نایب رئیس هیئت فقط برای یکسال انتخاب خواهد کرد. نایب رئیس این هیئت قبل از اینکه باین سمت شروع بکار نماید باید مقرری افتخاری که در بند ۲۲ از قسمت اول از فهرست اول مذکور است پرداخت نماید.

ماده ۲۹ - لژ اعظم در هر سال چهار جلسه ارتباطیه فصلی در اولین پنجشنبه هر يك از ماههای فوریه - مه - اوت و نوامبر ساعت سه بعد از ظهر یا در ساعت دیگری که لژ اعظم یا کمیته اعظم بعداً تعیین نمایند خواهد داشت. حد تصاب لازم برای تشکیل این جلسات حضور بیست و یک نفر از اعضاء واجد شرایط خواهد بود و تاریخ تشکیل جلسات مزبور ممکن است برای يك یا چند روز به تعویق انداخته شود. کارها در لژ اعظم در درجه سه انجام می شود.

ماده ۳۰ - تشکیل جلسه ارتباطیه مخصوص در هر موقع بنا بدعوت استاد بنای اعظم یا در غیاب او بر حسب دعوت استاد اعظم قبلی یا قائم مقام وی یا معاون استاد اعظم و یا بنا بدستور کمیته اعظم میسر خواهد بود همچنین بیست و یک نفر اعضاء واجد شرایط لژ اعظم می توانند طی تقاضا نامه ای که با امضاء آنها رسیده و موضوع بحث جلسه در آن صریحاً قید شده باشد دعوت جلسه ارتباطیه مخصوص را تقاضا نمایند.

بموصول دستور یا تقاضای منظم جهت منظور فوق دبیر اعظم فوراً جلسه ارتباطیه را دعوت خواهد کرد که ظرف ۱۴ روز بعد از تاریخ وصول دستور یا تقاضا نامه تشکیل گردد.

در بخشنامه‌ای که به موجب آن جلسه ارتباطیه دعوت می‌شود باید موضوع بحث ذکر شود و کار دیگری در آن جلسه انجام نخواهد شد و جلسه ارتباطیه مخصوص نیز ممکن است برای يك یا چندروز به تعویق افتد.

ماده ۳۱ - همه ساله در موقع دریافت حق عضویت سالیانه اعضاء کارتهائی از طرف دبیر اعظم به آنها داده می‌شود که به موجب آن حق حضور در جلسات لژ اعظم را خواهند داشت و صاحب کارت باید آنرا در موقع ورود ارائه دهد. این کارتها قابل انتقال بغیر نبوده و تخلف از این امر تقلب و تزویر تلقی و مستلزم مجازات خواهد بود. فقط اعضاء لژ اعظم حق حضور به داخل کاخ را خواهند داشت.

ماده ۳۲ - اعضاء لژ اعظم که مقرری سالیانه خود را پرداخته‌اند چنانچه در طرف همان سال استعفا داده یا عدم صلاحیت آنها محرز گردد باید کارتهای ورودی خود را به دبیر اعظم مسترد دارند.

ماده ۳۳ - در غیاب استاد بنای اعظم جلسه لژ اعظم بریاست استاد اعظم قبلی و در غیاب او به ترتیب حضور تحت ریاست یکی از اشخاص زیر تشکیل می‌گردد: یکی از استادان اعظم پیشین - قائم مقام استاد اعظم - معاون استاد اعظم - قائم مقام پیشین استاد اعظم - معاون پیشین استاد اعظم - استاد اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای - سرپرست اعظم اول - سرپرست اعظم دوم - راهنمای اعظم دوم - و در صورت غیبت کلیه اشخاص فوق یکی از افسران اعظم حاضر در جلسه بر حسب اقدمیت.

ماده ۳۴ - مفهوم تائید صورت جلسه لژ اعظم این است که جریانات جلسه ارتباطیه قبل صحیحاً به ثبت رسیده است - هیچ امر یا مطلبی را که در جلسه ارتباطیه پیشین نسبت به آن اقدام شده است نمی‌توان در موقعی که صورت جلسه برای تائید مطرح می‌شود مورد بحث یا سؤال و پرسش قرار داد.

ماده ۳۵ - هر پیشنهاد باید کتبی بوده و به امضای دو نفر از اعضاء واجد شرایط لژ اعظم که یکی پیشنهاد کننده در جلسه ارتباطیه لژ اعظم قرائت شود و قبل از جلسه ارتباطیه‌ای که در جریان آن پیشنهاد داده شده است به دبیر اعظم

تسلیم گردد .

استاد اعظم یا برادری که کرسی ریاست را عهده دار است می تواند پیشنهاد
کننده را از قرائت پیشنهاد خود در جلسه (شخصاً) معاف نماید .

ب - و یا این که به وسیله پست سفارشی برای دبیر اعظم فرستاده شود .

کلیه پیشنهادات باید فوراً به کمیته قوانین و مقررات ارجاع گردد .

ماده ۳۶ - هر پیشنهاد اعم از اینکه در لژ اعظم داده شده یا به دبیر اعظم
رسیده باشد باید به ضمیمه گزارش کمیته قوانین و مقررات به کمیته اعظم تقدیم گردد
و کمیته اعظم تصمیم خود را از لحاظ شایستگی و منظم بودن و قابل قبول بودن
مفاد آن پیشنهاد در اولین جلسه عادی کمیته اعظم که زودتر از ۱۴ روز بعد از
تاریخ تقدیم یا وصول پیشنهاد تشکیل نشده باشد اتخاذ خواهد نمود مگر آن که
در آن تاریخ هنوز گزارش کمیته قوانین و مقررات حاضر نشده باشد که در این
صورت تعیین تکلیف آن به جلسه عادی بعدی کمیته اعظم موکول خواهد شد .

دبیر اعظم پیشنهاد کننده و تائید کننده پیشنهاد مزبور را از تاریخ تشکیل
جلسه ای که برای مطرح شدن آن در کمیته اعظم تعیین می شود و همچنین از هر
تاخیری که در این خصوص رخ دهد مطلع خواهد ساخت و این اعضاء چنانچه
حضور یابند توضیحات آنها نسبت به نکاتی که مورد سؤال و بحث واقع شود شنیده
خواهد شد . در باب مزایای پیشنهادی طول کلام جایز نیست و در تصمیم کمیته اعظم
از محاسن آن ذکری نخواهد شد و کمیته اعظم می تواند به میل خود هر اصلاحی که
لازم بداند در آن بنماید .

در صورتی که پیشنهاد (خواه بدون اصلاح و خواه پس از اصلاح) در کمیته
اعظم مورد قبول واقع شود مطابق ماده ۳۸ بخشنامه شده و نسبت به آن عمل خواهد
شد در صورتیکه پیشنهاد در کمیته اعظم پذیرفته نشود اعضاء ذی ربط حق دارند
مستقیماً به لژ اعظم استیناف دهند، در صورت پذیرفته نشدن پیشنهاد چه در کمیته
اعظم و چه بعداً در لژ اعظم متن آن در صورت جلسه درج نخواهد شد و در هر حال

کافی است در صورت جلسه نوشته شود پیشنهادی که از طرف برادران (فلان و فلان) داده شده بود مورد قبول واقع و یا مورد قبول واقع نگردید.

ماده ۳۷ - رو نوشت پیشنهاداتی که به لژ اعظم داده شده و از طرف کمیته اعظم قبول شده است برای دبیر هر يك از لژهای اعظم ایالتی و یا ناحیه‌ای و برای دبیر هر يك از لژهای تابع با تذکر این نکته که باید در جلسه لژهای مربوطه با اطلاع برادران برسد ارسال خواهد شد.

پیشنهادی که به دبیر اعظم رسیده و از طرف کمیته اعظم پذیرفته شده است در بخشنامه‌ای که برای تشکیل جلسه ارتباطیه فصلی بعدی ارسال می‌شود درج می‌گردد و این عمل خود در حکم اجرای دستور مندرج در جمله اول این ماده قانون خواهد بود.

و نیز این پیشنهاد در بخشنامه مربوط به تشکیل جلسه ارتباطیه مابعد که باید منظور جمله فوق‌الاشعار را مورد بحث و تصمیم قرار دهد تکرار خواهد شد.

ماده ۳۸ - برادرانی که پیشنهاد آنها مورد قبول کمیته اعظم واقع شده است باید در جلسه ارتباطیه فصلی که این پیشنهاد در آن مطرح می‌شود حضور داشته باشند این جلسه ارتباطیه جلسه ایست که بعد از جلسه ارتباطیه فصلی قبلی که پیشنهاد مزبور برای اولین مرتبه جهت اطلاع در دعوتنامه آن بخشنامه شده بود تشکیل می‌گردد چنانچه پیشنهادکننده غایب باشد تأییدکننده آن صلاحیت دارد سمت پیشنهادکننده را در موقع طرح در لژ اعظم احراز نماید مشروط بر اینکه فرد دیگری از برادران حاضر عنوان تأییدکننده را قبول نماید و در صورتی که پیشنهادکننده حاضر ولی تأییدکننده غائب باشد هر يك از برادران حاضر می‌تواند بعنوان تأییدکننده پذیرفته شود ولیکن چنانچه هم پیشنهادکننده و هم تأییدکننده غائب باشند پیشنهادکننده لم‌یکن تلقی خواهد شد.

ماده ۳۹ - وقتی که پیشنهاد شایسته‌ای منظمأً پیشنهاد گردید و تأیید شده و جریان خود را طی کرده باشد استاد اعظم یا برادری که عهده دار کرسی ریاست می‌باشد

ناگزیر از اینست که نسبت به آن اخذ رأی بعمل آورند تعویق طرح پیشنهادی که در دستور لژ اعظم قرار گرفته است بدون علت ممکن نیست و از نظر تسهیل و پیشرفت آن ممکن است پیشنهاد را تقسیم و نسبت بهر قسمت علیحده بحث و رأی گرفته شود. ماده ۴۰ - پیشنهاد تغییر یا حذف يك قانون موجود و یا ایجاد يك قانون جدید را که در جلسه ارتباطیه فصلی داده می شود نمی توان قبل از اولین جلسه ارتباطیه بعدی در لژ اعظم مورد بحث قرارداد و چنانچه پیشنهاد طبق ماده ۳۵ بوسیله پست سفارشی برای دبیر اعظم ارسال شده باشد نمی توان قبل از دومین جلسه ارتباطیه فصلی که بعد از تاریخ بررسی آن توسط کمیته اعظم تشکیل شده باشد در لژ اعظم مورد بحث قرار داد.

ماده ۴۱ - پیشنهادی که موضوع آن یکبار مورد تصمیم لژ اعظم قرار گرفته است نمی توان قبل از نقض ۱۲ ماه از تاریخ تصمیم مزبور مجدداً در لژ اعظم عنوان نمود یا مورد بحث قرارداد.

ماده ۴۲ - قوانین مصوب و تصمیمات متخذه در جلسات ارتباطیه را نمی توان زودتر از ۱۲ ماه از تاریخ تصویب یا تصمیم لغو نمود یا تغییر داد در صورتی که در تفسیر و تعبیر قانونی تردیدی حاصل شود اختیار اخذ تصمیم نسبت به آن بوسیله لژ اعظم اعطاء می شود و نه بوسیله رئیس جلسه.

ماده ۴۳ - لژ اعظم نمی تواند باستناد دلیل اقامه شده دستور جلسه را معلق بگذارد مشروط بر اینکه لااقل دوسوم از اعضاء حاضر و واجد شرایط باین تعلیق رأی موافق دهند.

ماده ۴۴ - بعد از بحث در يك موضوع رأی اکثریت اعضاء واجد شرایط و رأی دهنده نسبت به موضوع قاطع است در صورت تساوی آراء رأی طرفی که رأی استناد ارجحند (یا برادری که در کرسی ریاست می باشد در آن واقع است قاطع خواهد بود) و در سایر موارد دادن رأی از طرف رئیس اختیاری است.

ماده ۴۵ - فقط اعضاء واجد شرایط حق صحبت و دادن رأی در موضوعات مشروطه را دارند و هیچ عضوی اجازه ندارد بیش از يك مرتبه راجع به يك موضوع

صحبت کند مگر منحصرأ برای دادن توضیح و فقط پیشنهاد کننده حق دارد جواب دهد.

ماده ۴۶ - اعضاء لژ اعظم نسبت بهر موضوع که مصالح خاندان را در آن تشخیص می دهند رأی خواهند داد. لژ اعظم ایالتی و ناحیه ای و لژ های تابع حق ندارند به نمایندگان خود دستور دهند که رأی خود را بنحو مخصوصی بدهند و آنها فقط می توانند نمایندگان خود را از نظریات خودشان آگاه سازند.

ماده ۴۷ - هیچ برادر میهمان را نمی توان در جلسه ارتباطیه پذیرفت مگر پس از اینکه توسط سه نفر از مباشرین عظام که باین منظور از طرف رئیس یا نائب رئیس تعیین شده اند مورد امتحان قرار گیرد و یا بنحودیگری شایستگی او طبق مقرر تضمین شده است.

ماده ۴۸ - هیچ برادر نباید جلسه ارتباطیه را قبل از بسته شدن آن بدون درخواست و کسب اجازه از استاد اعظم یا برادری که کرسی ریاست را عهده دار است ترک نماید.

ماده ۴۹ - موقعی که استاد اعظم - استاد اعظم پیشین - قائم مقام استاد اعظم یا معاون استاد اعظم و یا قائم مقام یا معاون استاد اعظم و یا قائم مقام یا معاون پیشین و یا یک سرپرست اعظم یا سایر افسران اعظم یک لژ ایالتی یا ناحیه ای یا یک لژ تابع را رسماً سرکشی می کنند استاد ارجمند - سرپرستان و سایر افسران لژ باید کرسی های خود را متناسباً با مورد بنفع افسران مربوطه لژ اعظم خالی نمایند. در صورتی که استاد اعظم یا یکی دیگر از افسران ریاست هیئت سرکشی کننده را عهده دار باشد و طبق حق خود گرمی ریاست را اشغال نماید استاد ارجمند لژ در دست راست او خواهد نشست.

ماده ۵۰ - قبل از اینکه استاد اعظم یا دیگر افسران برای سرکشی لژ تابع حرکت کنند دبیر اعظم باید لژ مزبور را بوسیله اطلاعیه ای مطلع نموده و همچنین لژ اعظم ناحیه ای و یا ایالتی مربوط را نیز مستحضر نماید و اگر سرکشی باید به یک لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای بعمل آید اطلاعیه مذکور باید برای دبیر اعظم ایالتی

یاناحیه‌ای فرستاده شود و او به نوبه خود بدل‌لرهای تابعه در ایالت یاناحیه مربوطه اطلاعاتیه خواهد فرستاد.

ماده ۵۱ - چنانچه سرکشی صرفاً جنبه کارداشته و به منظور تحقیق در نحوه اداره لژ و رسیدگی به دفاتر و از قبیل آن باشد احتیاجی به فرستادن اطلاعاتیه درباره این سرکشی برای سایر لژهای تابعه در آن ایالت یاناحیه نخواهد بود.

ماده ۵۲ - تشریفات عید سینت‌اندرو باید در لژ دائر در درجه اول برگزار شود و هر برادری از خاندان که کارت ورود مربوطه را برای خود تهیه نماید می‌تواند در آن حضور یابد و بهاء کارت ورود با تصویب لژ اعظم در جلسه ارتباطیه فصلی که بلافاصله قبل از روز سینت‌اندرو تشکیل می‌شود از طرف کمیته اعظم تعیین می‌گردد. جشن عید مزبور باید به نحوی اداره شود که مخارج آن (باستثناء هزینه متعارف موسیقی و سایر مخارج اتفاقی که از طرف کمیته اعظم معین می‌شود) از محل وجوه مأخوذه از برادرانی که حضور می‌یابند تأمین گردد.

ماده ۵۳ - در مواقعی که از استاد اعظم تقاضا شود برای انجام مراسم گذرانیدن سنگهای پی پیشروانی نماید درخواست مربوطه از طرف دبیر اعظم بعمل می‌آید و او آن درخواست را برای طرح به کمیته اعظم تقدیم خواهد کرد و چنانچه درخواست مزبور پذیرفته شود کمیته اعظم اختیار دارد اقدامات لازم را در اجرا منظور، بعمل آورد.

ماده ۵۴ - چنانچه مراسم گذرانیدن سنگهای پی باید در ایالتی انجام یابد که لژ اعظم شرکت خود را در تشریفات آن مقتضی ندانسته و یا دعوت نشده باشد استاد اعظم ایالتی ترتیب مراسم مزبور را خواهد داد و در این صورت ریاست انجام مراسم مزبور با استاد اعظم ایالتی - در غیاب او استاد اعظم ایالتی قبلی یا هر يك از استادان ایالتی پیشین یا قائم مقام یا معاون استاد اعظم ایالتی یا سرپرست اعظم ایالت اول یا دوم و در غیاب آنها با استاد ارجمند لژ تابع ارشد در آن ایالت خواهد بود. در صورتیکه فعالیت لژ اعظم ایالتی در حال توقف باشد لژ اعظم یا کمیته اعظم یکی از برادران

واجد شرایط را برای پیشوائی در انجام مراسم مزبور تعیین خواهد کرد و او خود سایر افسران لازم را انتخاب خواهد نمود.

ماده ۵۵ - يك لژ تابع مراسم نهادن سنگهای پی در صورتی که در منطقه مرکزی باید انجام شود با اجازه قبلی لژ اعظم یا کمیته اعظم انجام خواهد داد و چنانچه مراسم مزبور باید در حوزه ایالتی و یا ناحیه‌ای انجام یابد با موافقت استاد اعظم ایالت یا ناحیه مربوطه باین کار اقدام خواهد شد.

ماده ۵۶ - موقعی که لژهای اعظم ایالتی برای مراسم تأسیس یا جهت انجام سایر تشریفات ماسونی محتاج به گرفتن ظروف مخصوص به تقدیس از لژ اعظم باشند. درخواست مربوطه باید از طریق دبیر اعظم بعمل آید و تمام مخارج مربوطه به نقل و انتقال ظروف مزبور و غیره بر عهده اشخاص درخواست کننده خواهد بود.

ماده ۵۷ - در تمام جلسات ارتباطیه و در تمام تظاهرات دسته جمعی و در کلیه اعمال دیگر در لژ اعظم مراتب تقدم و تأخر بشرح زیر تنظیم می شود.

مقام «پیشین» به افسران اعظم پیشین و استادان اعظم پیشین ایالتی و ناحیه‌ای که عضو واجد شرایط لژ اعظم باشند داده می شود و افسران اعظم افتخاری بلافاصله بعد از افسران اعظم هم منصب خود در ردیف اقدمیت قرار خواهند گرفت.

استاد اعظم - استادان اعظم پیشین - قائم مقام استاد اعظم - قائم مقامان پیشین استاد اعظم - معاون استاد اعظم - معاونین پیشین استاد اعظم - استادان اعظم ایالتی و ناحیه‌ای و نمایندگان استادان اعظم ناحیه - نمایندگان لژهای اعظم وابسته - سرپرستان اعظم - سرپرستان اعظم پیشین - دبیر اعظم - دبیران اعظم پیشین - خزانه دار اعظم - خزانه داران اعظم پیشین - امین خیریه اعظم - امنای خیریه اعظم پیشین - خطبای اعظم - خطبای اعظم پیشین - راهنمایان اعظم پیشین - مدیر اعظم تشریفات - مدیران اعظم تشریفات پیشین - کتابدار اعظم - کتابدار اعظم پیشین - مهندس لژ اعظم - مهندسين پیشین لژ اعظم - زیوردار اعظم - زیورداران اعظم

پیشین - کتاب بر اعظم - کتاب بران اعظم پیشین - شاعر اعظم - شاعران اعظم پیشین -
 شمشیر دار اعظم - شمشیر داران اعظم پیشین - مدیر اعظم موسیقی - مدیران اعظم
 پیشین موسیقی - معاون اعظم تشریفات - معاون دبیر اعظم تشریفات پیشین -
 معاون دبیر اعظم - معاونین دبیران اعظم پیشین - اعضاء کمیته اعظم - ارگه نواز
 اعظم - ارگه نوازان اعظم پیشین - نی نواز اعظم - نی نوازان اعظم پیشین - مدیر
 اعظم انتظامات - مدیران اعظم پیشین انتظامات - بیرق دار اعظم اول - بیرق دار
 اعظم دوم - بیرق داران اعظم پیشین و نگهبان اعظم داخلی - نگهبانان داخلی اعظم
 پیشین - رئیس کارپردازان عظام - رؤسای کارپردازان عظام پیشین - کارپردازان
 اعظم - نگهبان خارجی اعظم .

ماده ۵۸ - سایر اعضاء لژ اعظم بلافاصله بعد از افسران اعظم - افسران اعظم
 پیشین - استادان اعظم ایالتی و ناحیه‌ای و سایر کسانی که در ماده ۵۷ عنوان آنها ذکر
 گردید هر يك بر حسب اقدمیت لژهای خود به نحوی قرار می گیرند که نام لژ آنها
 در فهرست لژ اعظم ثبت شده است .

ماده ۵۹ - ترتیب تقدم لژهای تابع بر حسب اقدمیت آنها به نحو ثبت شده
 در فهرست لژ اعظم خواهد بود و افسران آنها بر حسب تقدم پست هایشان قرار
 خواهند گرفت .

ماده ۶۰ - در تمام تظاهرات دسته جمعی حمل چکش در منطقه مرکزی با
 ارشد ترین عضو غیر افسر لژ شماره ۸ «بنایان روزمزد» می باشد و حمل ابزار کار
 در این تظاهرات با کار آموزان همان لژ می باشد . در موارد دیگر موقعی که لژ
 اعظم گذاردن سنگهای پی را پیشوائی می نماید اعضاء مشابه لژ تابع ارشد ایالتی
 یا ناحیه‌ای عهده دار انجام وظائف خواهند بود . سایر لوازم در تمام موارد باید
 توسط افسران لژ اعظم حمل گردد .

ماده ۶۱ - تظاهرات دسته جمعی یا عمومی خاندان با بکار بردن زیور آلات
 ماسونی ممنوع است مگر با اجازه استاد بنای اعظم یا استاد اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای

و در غیاب آنها قائم مقام یا معاون استاد اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و در منطقه مرکزی با اجازه رئیس کمیته منطقد مرکزی .

ماده ۶۲ - استادان ارجمند و سرپرستان لژهای تابع که مایل باشند شخصاً به نمایندگی از طرف لژهای خود در لژ اعظم حضور یابند باید بلافاصله بعد از تنصیب مراتب را به وسیله دبیر لژ خود به اطلاع دبیر اعظم برسانند و این اطلاعیه هیچ وقت نباید دیرتر از ۱۵ ژانویه بعدی اعلام گردد .

ماده ۶۳ - هر لژ تابعی که استاد ارجمند آن بروفق ماده قبل در لژ اعظم حضور نیابد می‌تواند يك استاد واجد شرایط را بعنوان استاد وکیل به نمایندگی خود در لژ اعظم تعیین نماید و این نماینده اختیار دارد در صورت لزوم وکلای برای سرپرستان لژ معین نماید .

ماده ۶۴ - تعیین نمایندگان لژهای تابع باید در روز انتخابات سالیانه افسران لژ بعمل آید و اسناد مأموریت کلیه نمایندگان لژهای تابع به استثنای لژهایی که در خارجه واقع است باید قبل از روز پانزدهم ژانویه در اختیار دبیر اعظم گذاشته شود و اسناد مأموریت وکلای لژهای واقع در خارجه در هر موقع قابل پذیرش است. در مورد لژهایی که از طرف استاد ارجمند نماینده تعیین نشده باشد و همچنین در صورتیکه وکیل استاد ارجمند نماینده سرپرستان را معین ننماید کمیته اعظم اختیار دارد که خود نمایندگان مزبور را تعیین نماید. اشخاص که بدین صورت تعیین می‌شوند دارای همان اختیارات و مزایا و تابع همان مقررات بوده و عیناً مانند این است که طبق ماده ۶۳ یا ۶۷ قانون تعیین شده باشند .

ماده ۶۵ - لژ تابعی که از طرف آن نماینده استاد ارجمند طبق مواد ۶۳ و ۶۴ تعیین شده است نمی‌تواند به وسیله استاد ارجمند خود در لژ اعظم شرکت نماید مگر اینکه نمایندگی که قبلاً داده است بروفق ماده ۶۶ ملغی شده باشد .

ماده ۶۶ - لژ تابعی که به وسیله وکیل در لژ اعظم دارای نماینده می‌باشد نمی‌تواند نمایندگی مزبور را لغو و باطل نماید مگر در روز انتخابات سالیانه

افسران لژ و همچنین مأموریت وکیل ملغی شده است مگر در صورتیکه ابلاغ آن در ظرف ۱۴ روز بعد از تاریخ الغاء یا ابطال به وسیله پست سفارشی برای دبیر اعظم و استاد و کیلی که دارای مأموریت ملغی شده بوده است ارسال گردد.

ماده ۶۷ - در صورت فوت - استعفاء یا سلب صلاحیت وکیل استاد لژ تابعی که این نمایندگی را داده است می تواند فوراً تشکیل جلسه داده و استاد وکیل دیگری انتخاب نماید ولی باین حال سرپرستان وکیل که قبلاً تعیین شده اند تا روز انتخابات سالیانه افسران لژ به نمایندگی خود ادامه خواهند داد.

ماده ۶۸ - استاد وکیل می تواند وکلای سرپرستان لژ مربوطه را که برای آن سال مقرری سالیانه خود را پرداخت کرده اند تغییر دهد مگر در مورد فوت - سلب صلاحیت یا استعفاء.

ماده ۶۹ - تعیین نماینده از طرف لژهایی که در پرداخت مقرری های خود تأخیر کرده باشند پذیرفته نمی شود و چنانچه لژی یکسال در این پرداخت تأخیر کرد یا معلق شده و یا اینکه فعالیت آن در حال توقف باشد این نمایندگی ها بلافاصله از درجه اعتبار ساقط خواهند شد.

ماده ۷۰ - همینکه دبیر اعظم مأموریت محوله به يك استاد وکیل را منظم و رضایت بخش تشخیص داد موضوع در فهرست لژ اعظم به ثبت رسیده و گزارش مربوطه به جلسه ارتباطیه بعدی داده خواهد شد. برای اینکه وکالت یا نمایندگی به ثبت برسد بایستی مقرری مخصوص مذکور در بند هفتم قسمت اول از فهرست اول پرداخت شده باشد.

ماده ۷۱ - هر لژ اعظم ناحیه ای می تواند يك عضو واجد شرایط هر يك از لژهای تابع را که دارای وضع مرتب باشد بعنوان نماینده استاد اعظم ناحیه ای تعیین نماید و این نماینده می تواند در لژ اعظم به این سمت انجام وظیفه نموده در رأی شرکت نماید.

ماده ۷۲ - هیچ برادر نمی تواند در عین حال نمایندگی بیش از يك لژ اعظم

لاحیه‌ای یا لژ تابع را قبول نماید.

ماده ۷۳ - چنانچه برادری شخصی را که عضو واجد شرایط لژ اعظم نیست به این عنوان وارد لژ اعظم نموده یا در رأی دادن شریک کند و یا چنین شخصی را در یکی از این کارها کمک و معاونت نماید از تمام مزایای ماسونی تا هر موقع که لژ اعظم صلاح بداند خلع می‌شود و همین مجازات درباره شخصی که برخلاف این ترتیب و به این عنوان داخل شده یا رأی داده است چنانچه عضو خاندان ماسونی اسکاتلندی باشد اعمال خواهد شد.

ماده ۷۴ - هر عضو لژ اعظم به اشتتای نمایندگان لژهای تابع باید بعنوان دلیل عضویت خود مبلغ تعیین شده در بتدیک قسمت يك از فهرست اول راسالیانه پرداخت نماید. حق عضویت اعضاء باید در هر موقع از سال که اسم آنها در صورت اعضاء منظم آن سال وارد می‌شود پرداخت گردد.

ماده ۷۵ - فهرست اسامی اعضاء لژ اعظم باید روز اول فوریه هر سال تنظیم گردد و حاوی اسامی تمام برادرانی که در آن روز اعضاء واجد شرایط لژ اعظم شناخته شده باشند خواهد بود و فقط اعضاء موسوم در فهرست مزبور صلاحیت دارند در جلسات ارتباطیه فصلی که تا قبل از جلسه ارتباطیه فوریه سال بعد تشکیل می‌گردد در لژ اعظم رأی دهند - به استثنای موارد زیر :

۱ - نام برادرانی که بجای اعضای متوفی یا مستعفی و یا آنهایی که سلب صلاحیت از آنها شده است وارد لژ اعظم می‌شوند ممکن است در هر موقع از سال در فهرست مزبور ثبت گردد.

۲ - اسامی نمایندگان لژهای تابع واقع در خارجه را ممکن است در هر موقع از سال وارد فهرست نمود.

۳ - اسامی نمایندگان لژهای تابعی که افسران خود را در ماه ژوئن در روز سینت جان تعیین می‌کنند می‌توان تا تاریخ اولین دوشنبه ماه اوت همان سال وارد فهرست اسامی اعضای لژ اعظم نمود.

ماده ۷۶ - هر لژ تابع باید حقوق مربوط به گواهینامه سالیانه و نمایندگی خود را در لژ اعظم قبل از اول ژانویه همان سال پرداخت نماید .

ماده ۷۷ - به کلیه اعضاء لژ اعظم - تمام لژها و همچنین به تمام برادران عموماً توصیه می شود از آخرین چاپ این قوانین که به وسیله مقامات لژ اعظم چاپ و منتشر شده باشد نسخه یا نسخه هایی برای خود تهیه نمایند بهای این نسخه ها از طرف کمیته اعظم تعیین می گردد .

ماده ۷۸ - استاد بنای اعظم اختیار دارد برادران ممتاز را برای عضویت افتخاری لژ اعظم نامزد نماید . این عضویت باید از طرف لژ اعظم تأیید گردد .

ماده ۷۹ - اعضاء افتخاری در لژ اعظم حق رأی ندارند .

ماده ۸۰ - نشان اعضاء افتخاری روی سینه گذارده می شود .

ماده ۸۱ - نمایندگان لژ اعظم در لژهای اعظم وابسته ممکن است در هر يك از جلسات ارتباطیه فصلی تعیین گردند .

نمایندگان لژهای اعظم وابسته را ممکن است در هر جلسه ارتباطیه فصلی به محض ارائه شدن سنداً موریت آنها پذیرفت . این نمایندگان باید اعضاء لژ اعظم باشند و بعد از آنکه به این عنوان پذیرفته شدند در ردیف این قبیل نمایندگان جای داده خواهند شد .

ماده ۸۲ - اعضائی که در لژهای اعظم وابسته نماینده می شوند می توانند مانند افسران اعظم هلبس به لباس های زیر شوند :
پیش بند - گردن بند - نشان باروبان .

نشان هایی که از طرف لژ اعظم تهیه شده است متعلق به لژ اعظم خواهد بود و به نماینده جدیدی که برای يك لژ اعظم وابسته تعیین می شود موقتاً داده می شود .

ماده ۸۳ - به برادرانی که دارای لیاقت عالی و برجسته بوده و نسبت به خاندان خدمت کرده باشند ممکن است بنا به تعیین استاد بنای اعظم هر درجه افسری افتخاری لژ اعظم که مناسب تشخیص شود اعطاء گردد .

ماده ۸۴ - درجات فراماسونی که از طرف لژ اعظم اجازه آن داده شده و اداره می شود عبارتند از کارآموزی - کاریاری (که متضمن مارك نیز می باشد) و درجه استاد ماسونی .

ماده ۸۵ - لژ اعظم تشریفات تنصیب استاد ارجمند را به رسمیت می شناسد . این تشریفات فقط در باره استاد بنای اعظم یا استاد اعظم ایالتی و ناحیه ای و یا در باره استادان ارجمند لژهای تابع در موقع تنصیب آنها یا در دوره ای که صندلی ریاست را اشغال کرده اند و همچنین در باره هر استاد قبلی یا پیشین که برای ریاست لژ به مدت یکسال بعنوان استاد ارجمند انتخاب شده باشد اجرا می گردد .

این تشریفات باید در حضور لااقل سه استاد تنصیب شده اجرا گردد . در مورد لژهایی که سه استاد تنصیب شده حاضر نداشته باشند استاد ارجمند آن لژ یا هر استاد پیشین آن می تواند تشریفات مزبور را در لژ دیگری که سه استاد تنصیب شده حاضر داشته باشد اجرا کند مشروط بر اینکه مدرک کافی به استادان تنصیب شده مزبور ارائه دهد مبنی بر اینکه او عملاً و قانوناً استاد ارجمند آن لژ بوده و یا اینکه مدت یکسال باین عنوان خدمت کرده است . در مورد لژهای واقع در خارجه تشریفات مزبور را ممکن است با اجازه معافیت مخصوصی که از طرف استاد اعظم ناحیه ای صادر شده باشد با حضوریکی یا بیشتر از استادان تنصیب شده اجرا نمود و در این موارد چنانچه لژ اعظم ناحیه ای وجود نداشته باشد اجازه معافیت باید از طرف کمیته اعظم صادر گردد . برای اینکه استاد ارجمندی استحقاق دریافت دیپلم استاد تنصیب شده را از لژ اعظم احراز نماید گواهی های زیر باید از طرف دبیر لژ جهت استاد لژ اعظم ارسال گردد :

۱ - يك گواهی امضاء شده از طرف سه استاد تنصیب شده که نام آنها باین عنوان در لژ اعظم به ثبت رسیده باشد مبنی بر اینکه تشریفات مزبور در باره برادر مورد نظر بموقع اجرا گذاشته شده است (این گواهی در مورد لژهای واقع در خارجه ممکن است تحت شرایط مذکور در فوق فقط دارای يك امضاء یا بیشتر از استادان

تنصیب شده و ثبت شده به نحو فوق باشد).

۲ - يك گواهی به امضای دبیر لژ مبنی بر اینکه برادر مزبور مدت يكال سندلی ریاست لژ را به عنوان استاد ارجمند اشغال کرده است. جهت صدور این دیپلم و ثبت آن بایستی حقوق مذکور در بند ۱۲ از قسمت اول از فهرست اول به لژ اعظم پرداخت گردد.

ماده ۸۶ - اختیار صدور دیپلمهای مربوط به خاندان اسکاتلند فقط متعلق به لژ اعظم اسکاتلند می باشد در صورتیکه دیپلم برادری مفقود شده یا معدوم شده باشد المثنی آن ممکن است از طرف لژ اعظم صادر شود مشروط بر اینکه این امر از طرف لژ درخواست کننده توصیه شده و اظهار نامه ای از طرف صاحب دیپلم بصورتی که برای لژ اعظم رضایت بخش باشد با حقوق مذکور در بند ۱۵ از قسمت يك از فهرست اول به دبیر اعظم رسیده باشد (این اظهار نامه باید در مقابل يك قاضی یا يك محکمه صلح یا يك سردفتر اسناد رسمی و یا در مقابل قنصل دولت انگلستان که اوضاع و احوال مفقود شدن یا معدوم شدن نسخه اصلی را گواهی نمایند اظهار شده باشد) حقوق مذکور در فوق در موارد ترمیم یا تکمیل يك دیپلم نیز باید به لژ اعظم پرداخت گردد.

ماده ۸۷ - استاد بنای اعظم یا قائم مقام و یا معاون او بنام خود و از طرف خود مختار است هر نوع معافیتی را که مقتضی بداند اعطاء نماید و لوازمیکه موضوع معافیت اختصاصی در این قوانین ذکر نشده باشد. و برای هر معافیت که اعطاء شود بایستی حقوق مذکور در بند ۱۶ قسمت اول از فهرست اول به لژ اعظم پرداخت گردد.

قانون اساسی لژ اعظم ناحیه ای ایران

ماده ۱ - ترکیب لژ اعظم ناحیه ای ایران تابع قوانین اساسی لژ اعظم اسکاتلند بوده و اعضای آن عبارتند از : استاد اعظم ناحیه ای - استادان اعظم ناحیه ای - پیشین - تمام افسران اعظم لژ اعظم ناحیه با استثنای نگهبان خارجی اعظم ناحیه ای - تمام استادان ارجمند پیشین که لا اقل مدت يكسال رسمی استادی يك لژ تابع قانون اساسی اسکاتلندی را بر عهده داشته و عضو منظم يك لژ تابع واقع در حوزه ناحیه

باشند. به علاوه استادان ارجمند شاغل و سرپرستان لژهای تابع مزبور (به عنوان سمت خود در لژهای تابع) به جای استاد یا استادان ارجمند يك يا چند لژ تابع که خارج از حوزه تشکیل لژ اعظم ناحیه‌ای بوده و دارای وضع منظم باشند و همچنین به جای سرپرستان نماینده آنها شرکت خواهد نمود.

ماده ۲ - جلسات ارتباطیه - جلسات ارتباطیه لژ اعظم ناحیه‌ای در ماههای شهر یور-آذر اسفند و خرداد هر سال در روز وساعتی که از طرف استاد اعظم ناحیه‌ای تعیین شود تشکیل خواهد شد. تمام کارها در درجه سوم انجام می‌شود و احیاناً ممکن است بعضی جلسات را به عنوان تنفس تعطیل و بقیه کارهای آنرا بوقت دیگر موکول نمود مشروط به اینکه هیچ کار جدیدی که از ابتدا جزو دستور جلسه ارتباطیه نبوده در جلسه یا جلسات تکمیلی بعدی آن مطرح و انجام نگردد. اتمهای سال شمسی لژ اعظم ناحیه ایران آخر اسفند آن سال خواهد بود.

ماده ۳ - نمایندگان استاد ارجمند و سرپرستان.

الف - لژهایی که استاد ارجمند یا سرپرستان آنها قادر یا عایل به حضور یافتن در جلسات ارتباطیه لژ اعظم ناحیه‌ای نباشند می‌توانند نماینده معین کنند مشروط بر اینکه این نمایندگان از بین استادان ارجمند قبلی یا تنصیب یافته‌ای که عضو لژ اعظم ناحیه ایران باشند انتخاب شده باشند.

ب - معرفی نامه نماینده باید روی نمونه مخصوص تنظیم و لااقل سی روز قبل از روز تشکیل جلسه برای دبیر اعظم ناحیه‌ای ارسال گردد تا او بتواند به این عنوان در لژ اعظم ناحیه‌ای رأی داده و عمل نماید (نمونه مزبور از دبیر اعظم لژ اعظم ناحیه‌ای اخذ می‌گردد).

ج - نماینده استاد ارجمند باید مراقبت نماید که انتخاب او و همچنین انتخاب نمایندگان سرپرستان لژ مربوطه قبل از اینکه در دادن رأی و سایر امور لژ اعظم ناحیه شرکت کنند توسط دبیر اعظم ناحیه‌ای به ثبت رسیده باشد.

د - لژ تابعی که بجای استاد ارجمند و سرپرستان آن در جلسات لژ اعظم ناحیه نماینده معرفی کرده است جز به وسیله آنها در جلسات مزبور شناخته نخواهد شد و لواینکه استاد و سرپرستان مذکور در جلسه حضور یافته باشند .

ه - لغو انتصاب نماینده قبل از شش ماه از تاریخ انتصاب مجاز نیست و تغییر او در ظرف این مدت فقط در صورت فوت یا استعفاء یا علل دیگری که برای کمیته اعظم ناحیه ای در موقع معرفی جانشین اوقابل قبول باشد میسر خواهد بود .

و - استاد ارجمند هر لژ تابع موظف است مراقبت نماید که لژ او در هر جلسه ارتباطیه لژ اعظم ناحیه ای طبق موازین فوق معرفی و مشارکت داشته باشد .

ماده ۴ - افسران انتصابی و افسران انتخابی لژ اعظم ناحیه ای .

الف - بطوری که در مواد ۱۱۷ و ۱۱۸ قوانین اساسی لژ اعظم اسکانلندی مصرح است قائم مقام استاد اعظم ناحیه ای و معاون او دبیر و خطیب یا خطبای لژ اعظم ناحیه ای توسط استاد اعظم ناحیه ای منصوب می شوند و تغییر آنها نیز در صلاحیت او خواهد بود و همچنین تعیین و انتصاب نظار منطقه ای برای قسمتهائی از ناحیه که احتیاج به ناظر داشته باشد به عهده استاد اعظم ناحیه ای می باشد .

ب - بقیه افسران ناحیه ای سوای استاد اعظم قبلی ناحیه ای انتخابی بوده و همه ساله در جلسه ارتباطیه ماه سپتامبر لژ اعظم ناحیه ای انتخاب می گردند و عبارت خواهند بود از :

سرپرست اعظم اول ناحیه ای - سرپرست اعظم دوم ناحیه ای - خزانه دار اعظم ناحیه ای - امین خیریه اعظم ناحیه ای - راهنمای اعظم اول ناحیه ای - راهنمای اعظم دوم ناحیه ای - رئیس تشریفات اعظم ناحیه ای - کتابدار اعظم ناحیه ای - زیوردار اعظم ناحیه ای - کتاببر اعظم ناحیه ای - شمشیردار اعظم ناحیه ای - ارگ نواز اعظم ناحیه ای - مدیر اعظم انتظامات ناحیه ای - نگهبان داخلی اعظم ناحیه ای -

رئیس اعظم کارپردازان ناحیه‌ای^۱ نگهبان خارجی اعظم ناحیه‌ای .

ج - تمام افسران اعظم ناحیه‌ای و تمام اعضای کمیته اعظم ناحیه‌ای باید محل اقامتی در حوزه لژ اعظم ناحیه‌ای برای خود تعیین نمایند .

د - استاد اعظم ناحیه‌ای می‌تواند هر يك از اعضاء لژهای تابع را که خدمتی ارزنده نسبت به طریقت بنائی آزاد اسکا تلندی انجام داده باشند برای افسری افتخاری لژ اعظم اسکا تلند پیشنهاد کند .

ماده ۵ - انتخاب افسران : انتخابات افسران انتخابی در لژ اعظم ناحیه‌ای در جلسه ارتباطیه ماه سپتامبر هر سال صورت می‌پذیرد . کمیته اعظم ناحیه‌ای قبلاً فهرستی مشتمل بر اسامی برادرانی که شایسته هر پست تشخیص می‌دهد تهیه و نام آنها را در دعوتنامه ذکر و در جلسه انتخابات توصیه می‌نماید ولی این توصیه حق اعضاء لژ اعظم را از اینکه نامزدان واجد شرایط دیگری طبق مقرر پیشنهاد کنند سلب نخواهد نمود و نسبت به پیشنهادهای در جلسه انتخاب بوسیله رأی کتبی و جمعی به اکثریت صورت خواهد گرفت و هیچ برادر غایب را نمی‌توان نامزد سمتی نمود مگر اینکه رضایت کتبی او قبلاً تحصیل و در موقع معرفی یا پیشنهاد ارائه داده شود .

ماده ۶ - دبیر اعظم ناحیه‌ای صدور دعوتنامه برای تمام جلسات لژ اعظم

ناحیه‌ای و همچنین جلسات کمیته اعظم ناحیه‌ای با دبیر اعظم ناحیه‌ای می‌باشد که باید خود در تمام جلسات مزبور شرکت نموده صورت مجلس تهیه و کلیه کارهایی که معمولاً به عهده دبیر می‌باشد با انجام رساند . حفظ و حراست اسناد و دفاتر و اسناد مربوط به اموال منقول و غیر منقول لژ اعظم ناحیه‌ای باستثنای آنچه از دفاتر و اسناد که اختصاصاً در زیر کلید خزانه‌دار است و انجام سایر وظایف مقرر در قوانین اساسی به عهده دبیر اعظم ناحیه‌ای می‌باشد . او باید فهرستی

۱ - در هر سال لژ اعظم ناحیه‌ای از بین اعضاء واجد شرایط خود هیتی را به عنوان هیأت کارپردازان اعظم ناحیه‌ای انتخاب می‌نماید و وظایف این هیأت در ناحیه نظیر وظایف هیأت کارپردازان اعظم در لژ اعظم می‌باشد . لژ اعظم ناحیه‌ای می‌تواند در هر سال در حدود فهرست مجاز و مندرج در قوانین اسکا تلندی افسران دیگری که لازم داشته باشد انتخاب نماید .

از اسامی افسران و اعضای که لژ اعظم ناحیه‌ای را تشکیل می‌دهند همه ساله بعد از جلسه تنصیب آنها تنظیم و نگهداری نماید و با لژ اعظم اسکاٹلند و یالژهای تابع و همچنین با برادران در موضوعات مربوط به لژ اعظم و لژ ناحیه‌ای مکاتبه نماید

ماده ۷ - خزانه دار اعظم ناحیه‌ای.

دریافت تمام وجوهی که باید به لژ اعظم ناحیه‌ای برسد و نگهداری حساب منظم آنها و نیز تهیه و تقدیم حساب سالیانه به لژ اعظم ناحیه در جلسه ارتباطیه ماه سپتامبر به عهده خزانه دار می‌باشد که باید به دستور استاد اعظم ناحیه‌ای و در غیاب او به دستور قائم مقام و یا نبودن قائم مقام به دستور معاون استاد اعظم ناحیه‌ای تمام مخارج جاری لژ اعظم ناحیه‌ای را پرداخت کند. تمام وجوه دریافتی باید به حساب معینی در بانک سپرده شود و برداشت از این حساب یاد و امضاء از پنج اعضاء زیر میسر خواهد بود: استاد اعظم ناحیه‌ای یا قائم مقام استاد اعظم - معاون استاد اعظم ناحیه‌ای - دبیر اعظم ناحیه‌ای - خزانه دار اعظم ناحیه‌ای.

ماده ۸ - نگهبان خارجی اعظم ناحیه‌ای - حضور یافتن به موقع و به مدت کافی برای آماده نمودن اطاق لژ جهت تشکیل جلسه، زیر نظر قرار دادن هر کس که به لژ نزدیک می‌شود و مراقبت در اینکه دفتر حضور و غیاب از طرف اعضاء و مهمانان به امضاء برسد و همچنین مسئولیت البسه و زیور آلات (در مواقع تشکیل جلسات) بر عهده نگهبان خارجی اعظم ناحیه‌ای می‌باشد.

ماده ۹ - کمیته اعظم ناحیه‌ای

الف - این کمیته مرکب است از استاد اعظم ناحیه‌ای و استادان اعظم پیشین ناحیه‌ای و قائم مقام و معاون استاد اعظم ناحیه‌ای و صاحبان پیشین این سمت‌ها و سرپرستان اعظم ناحیه‌ای و دبیر اعظم ناحیه‌ای و خزانه دار اعظم ناحیه‌ای و امین اعظم خیریه ناحیه‌ای یا معاونت هر يك از سه عضو اخیر الذکر در صورت غیبت آنان - کمیته اعظم ناحیه‌ای تحت ریاست اعظم ناحیه‌ای و در صورت غیبت او به ریاست عضوی که در سلسله مراتب مندرج در قوانین اساسی اسکاٹلندی برای جانشینی رئیس در لژها تعیین شده است تشکیل می‌گردد و با حضور پنج نفر از اعضاء رسمیت خواهد

یافت و امور عمومی لژهای تابع واقع در ناحیه را طبق اختیارات و وظائفی شبیه به اختیارات و وظائف کمیته لژ اعظم با تفسیرات لازم جهت انطباق با رعایت سایر موازین این آئین نامه اداره خواهد نمود و حداقل چهار مرتبه در سال تشکیل می گردد -
 دعوتنامه برای جلسات کمیته اعظم ناحیه ای با دستور جلسه باید لااقل ۱۵ روز قبل (جز در موارد ضروری) با اطلاع اعضا برساند برای جلسات فوری نیز باید اعضا لااقل پنج روز قبل از تاریخ دستور جلسه مطلع گردند. کمیته اعظم ناحیه ای می تواند به تعدادی که صلاح بداند و در مواردی که لازم تشخیص دهد کمیته های فرعی از بین اعضاء خود انتخاب و تعیین نماید .

ب - کمیته اعظم ناحیه ای یکی از اعضاء لژ اعظم ناحیه ای را که در امر حسابرسی دارای تجربه و معلومات لازم باشد معین می نماید که حسابهای صندوق های لژ اعظم ناحیه را رسیدگی و حسابرسی نموده و گزارش وضع آنها را طبق روش معمول در لژ اعظم اسکاگلند تهیه و به لژ اعظم ناحیه ای بدهد .

ج - کمیته اعظم ناحیه ای اختیار تام دارد که اسناد و اوراق و دفاتر مربوط به حسابها را تا آنجا که احتیاج داشته باشد خواسته و مورد امتحان و رسیدگی قرار دهد. کسیکه ریاست جلسه کمیته اعظم ناحیه ای را عهده دار است دارای حق رأی در این کمیته بوده و در صورت تساوی آراء طرفی که رأی رئیس در آن واقع است برنده شناخته می شود .

د - کمیته اعظم ناحیه ای می تواند موضوعی را که نزد او مطرح شده در صورتیکه صلاح بداند به يك کمیته فرعی که از اعضاء خود تشکیل می دهد ارجاع نماید و استاد اعظم ناحیه ای در هر جلسه از کمیته های فرعی که حضور داشته باشد ریاست آنها را بر عهده خواهد داشت .

ماده ۱۰ - استاد اعظم ناحیه شخصاً یا به وسیله قائم مقام یا معاون خود همه ساله هر يك از لژهای تابع را که در حوزه مسئولیت او واقع است سرکشی نموده در هر موقع و در هر مکان که صلاح بداند جلسه لژ اعظم ناحیه ای را دعوت و

تشکیل داده و در موارد لزوم به لثرا اعظم اسکا تلند گزارش خواهد داد، قبل از سرکشی های مزبور دبیر اعظم ناحیه ای باید استاد لثرا تابعی را که لثرا و مورد سرکشی واقع می شود به وسیله اطلاعیه ای مطلع نمایند.

ماده ۱۱ - زیورها - نشانها و علامات لثرا اعظم ناحیه ای.

الف - زیورها و نشانها طبق قوانین لثرا اعظم اسکا تلند تهیه خواهد شد.

ب - لثرا اعظم ناحیه ایران می تواند علامات خاصی برای خود انتخاب نماید.

ج - شعار لثرا اعظم ناحیه ای ایران عبارت است از :

به افتخار نوع بشر

ماده ۱۲ - لثرا های تابع - حقوقی که باید از طرف هر لثرا تابع واقع در ناحیه

به لثرا اعظم ناحیه ای پرداخت شود هر چند وقت یکبار بر اساس ماده ۱۴۰ قوانین

اساسی لثرا اعظم اسکا تلند از طرف لثرا اعظم ناحیه ای ایران تعیین می شود و تمام حقوقی

که لثرا های تابعه مزبور باید به لثرا اعظم اسکا تلند پرداخت نمایند تحویل دبیر اعظم

لثرا اعظم ناحیه ای می شود که برای لثرا اعظم اسکا تلندی ارسال دارد.

ماده ۱۳ - حقوقی که اعضاء باید پرداخت کنند.

الف - هر يك از اعضاء لثرا اعظم ناحیه ای ایران (به استثنای نگهبان خارجی

استاد اعظم ناحیه و استادان اعظم پیشین ناحیه ای و سرپرستان لثرا های تابعه واقع

در ناحیه) در صورتی دارای وضع مرتب خواهند بود که همه ساله قبل از ۳۱ اکتبر

آن سال مبلغ هفتصد ریال به عنوان حق عضویت به لثرا اعظم ناحیه ای پرداخت

نمایند و این حقوق علاوه بر مبلغی است که هر يك از افسران لثرا اعظم ناحیه ای

باید بابت حق سمت افسری خود در لثرا اعظم پرداخت نمایند و در صورت تأخیر يك

سال در پرداخت حق عضویت فوق الذکر حق شرکت در رأی، از عضو تأخیر کننده

سلب می شود.

ب - چنانچه برادری بعد از اتمام دوره ریاست خود در لثرا مایل نباشد به

عضویت خود در لثرا اعظم ناحیه ای ادامه دهد باید فوراً دبیر اعظم ناحیه ای را کتباً

مطلع نماید و در غیر این صورت نام او کماکان در لیست اعضاء لژ اعظم ناحیه‌ای باقی خواهد ماند.

ج - پرداخت حقوق عضویت ده سال بطور یکجا عضو پرداخت کننده را عضو دائمی لژ اعظم ناحیه‌ای قرار خواهد داد ولی فقط استادان ارجمند پیشین و استادان ارجمند شاغل حق دارند از این مزیت استفاده نمایند.

د - حقوقی که افسران باید پرداخت کنند.

افسران اعظم لژ اعظم ناحیه‌ای باید در موقع شروع به خدمت افسری حقوق مخصوص زیر را پرداخت نمایند:

۲۵۰۰ ریال	استاد اعظم ناحیه‌ای
۱۵۰۰	قائم مقام استاد اعظم ناحیه‌ای
۱۲۰۰	معاون استاد اعظم ناحیه‌ای
۱۰۰۰	ناظر اعظم مخصوص يك منطقه از ناحیه
۷۰۰	سرپرست اعظم اول ناحیه‌ای
۷۰۰	سرپرست اعظم دوم ناحیه‌ای
۵۰۰	دبیر اعظم ناحیه‌ای
۵۰۰	خطیب اعظم ناحیه‌ای
۵۰۰	خزانه دار اعظم ناحیه‌ای
۵۰۰	امین اعظم ناحیه‌ای
۵۰۰	راهنمای اعظم اول ناحیه‌ای
۵۰۰	راهنمای اعظم دوم ناحیه‌ای
۵۰۰	مدیر اعظم تشریفات ناحیه‌ای
۵۰۰	معاون دبیر اعظم ناحیه‌ای
۵۰۰	کتابدار اعظم ناحیه‌ای

معمار اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰ ریال
زیور دار اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰
کتاب بر اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰
شاعر اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰
شمسیر دار اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰
مدیر موسیقی اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰
ارگ نواز اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰
مدیر انتظامات اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰
بیرق دار اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰
نگهبان داخلی اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰
رئیس اعظم مباشرین اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰
مباشر یا مهماندار اعظم ناحیه‌ای	۵۰۰

۵ - حقوق مذکور در فوق باید عیناً از طرف برادرانی هم که سمتهای فوق را بطور افتخاری دریافت می‌دارند پرداخت گردد مگر اینکه صراحتماً استاد اعظم ناحیه‌ای آنها را از پرداخت آن معاف نموده باشد.

۶ - حقوق فوق‌الذکر باید فوراً بعد از جلسه تنصیب پرداخت گردد و در صورتیکه ظرف شش ماه از آن تاریخ پرداخت نشود سمت افسری مربوطه ممکن است بلا متصدی اعلام گردد ولی این اعلام برادر تأخیر کننده را از مسئولیت پرداخت حقوق معوقه در مقابل لژ اعظم ناحیه‌ای مبری نخواهد ساخت.

۷ - حقوقی که بابت تعیین نماینده از طرف سرپرستان آن به لژ اعظم ناحیه‌ای پرداخت می‌شود ۲۰۰ ریال است و این حقوق باید از وجوه لژ تابع مربوطه پرداخت شود.

۸ - کمیته اعظم ناحیه‌ای می‌تواند در صورت تمایل دبیر اعظم ناحیه و خزانه

دار اعظم ناحیه‌ای یا معاونین آنها را از پرداخت کلیه حقوقی که باید از طرف آنها تأدیه شود معاف نماید.

ماده ۱۴ - حقوقی که هر لژ تابع علاوه بر پرداختی به لژ اعظم ناحیه‌ای باید به لژ اعظم ناحیه‌ای بپردازد بشرح زیر است :

الف - حقوق سالیانه ۱۰۰۰ ریال

ب - بابت ورود هر داوطلب یا هر الحاق ۲۰۰ ریال

ج - بابت هر عضو لژ تابع که دارای درجه استادی باشد ۵۰ ریال

د - بابت عضویت دائمی در لژ (بطور مقطوع) ۵۰۰ ریال

ه - بابت هر معافیت یا هر کسب اجازه مخصوص و یا اجازه تغییر آئین نامه و نظائر آن که احتیاج به تصویب لژ اعظم ناحیه داشته باشد ۵۰۰ ریال

ماده ۱۵ - حسابهای زیر باید توسط لژ اعظم ناحیه‌ای ایران ایجاد و افتتاح

گردد .

الف - حساب عمومی - این حساب برای تمام دریافتی‌ها و مخارجی که طبق

ماده ۷ مجاز باشد ایجاد و نگهداری می‌شود .

ب - حساب وجوه خیر .

۱ - از حقوقی که بابت ورود یا الحاق هر تازه وارد به لژ اعظم ناحیه‌ای

پرداخت می‌شود مبلغ ینجهاد ریال به حساب وجوه خیریه لژ اعظم ناحیه‌ای ریخته می‌شود .

۲ - کلیه حقوقی که افسران اعظم ناحیه‌ای سالیانه بابت سمت افسری خود به

لژ اعظم ناحیه پرداخت می‌نمایند .

تبصره - این حساب از حساب وجوه عمومی لژ اعظم ناحیه جداگانه نگاه -

داشته می‌شود و استفاده از آن منوط به تصمیمات کمیته اعظم ناحیه‌ای خواهد بود .

ماده ۱۶ - اصلاح یا تغییر آئین نامه - هیچ پیشنهاد اصلاح یا تغییر یا اضافه به

این آئین نامه (یا به مواد تغییر یافته و یا اضافه به آن) در لژ اعظم ناحیه‌ای به عمل

نخواهد آمد مگر اینکه بصورت کتبی واصل و موضوع در دعوتنامه جلسه‌ای که پیشنهاد باید در آن مطرح شود درج شده باشد و در این صورت نیز موافقت اکثریت دوثلث اعضاء حاضر واجد شرایط دادن رأی در جلسه مزبور و تصویب از طرف لژ اعظم اسکاتلندی ضروری است و بدون طی این مراحل صورت قانونی نخواهد گرفت. ماده ۱۷- در موارد پیش بینی نشده در این آئین نامه طبق قوانین اساسی لژ بزرگ اسکاتلند (مخصوصاً مواد ۱۱۶ تا ۱۴۳) رفتار خواهد شد و هر مورد که مغایرتی بین مواد این آئین نامه با قوانین اساسی مزبور استنباط شود مفهوم قوانین اساسی لژ بزرگ اسکاتلند معتبر و متبع می‌باشد.

این آئین نامه بتصویب کمیته اعظم لژ اعظم اسکاتلند رسیده و اجازه اجرای آن داده شده است.

لژهای تابع

ماده ۱۴۴- هرگاه عده‌ای از استادان منظم بنائی آزاد که تعداد آنها از هفت نفر کمتر نباشد بخواهند لژ تابع جدیدی تأسیس کنند می‌توانند بوسیله یک درخواست دلائلی که به موجب آن شائق ایجاد چنین لژ جدیدی هستند اظهار داشته و از لژ اعظم استدعا کنند آنها را بصورت یک لژ منظم درآورده و به آنها فرمان لازم را اعطا نماید.

ماده ۱۴۵- درخواست کنندگان لژ جدید باید به ضمیمه درخواست خود توصیه‌ای ممضی به امضای استاد ارجمند و سرپرستان لااقل دو لژ تابع دیگر واقع در ایالت یا ناحیه‌ای که لژ جدید را می‌خواهند در آن تأسیس کنند تقدیم دارند. استاد ارجمند و سرپرستان توصیه کننده باید قبلاً موافقت لژهای خود را جلب کرده باشند. این درخواست باید مورد تأیید لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای مربوطه بوده و در صورتیکه محل پیشنهادی در منطقه مرکزی باشد مورد تأیید کمیته منطقه مرکزی واقع گردد و در صورتیکه درخواست برای تأسیس لژی داده شود که محل پیشنهادی آن خارج از منطقه مرکزی بوده و در قلمرو هیچ لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای نباشد باید توصیه استاد ارجمند و سرپرستان دو لژ که در نزدیکی محل لژ پیشنهاد شده

واقع باشند ضمیمه گردد. توصیه مزبور پس از جلب موافقت لژهای مربوطه صادر خواهد شد .

ماده ۱۴۶ - هر فرمان مورخ بتاریخ اعطاء آن بوده و ترتیب تقدم لژهای تابع از این رو تعیین می گردد کلیه فرامین باید بوسیله دبیر اعظم در دفتر ثبت فرامین لژ اعظم ثبت گردد .

ماده ۱۴۷ - حقوقی که باید بابت هر فرمان به لژ اعظم تأدیه شود در بند ۴ قسمت اول از فهرست اول تعیین گردیده و این مبلغ بایستی در موقع تسلیم درخواست به دبیر اعظم پرداخت گردد هر يك از برادران واجد شرایطی که درخواست فرمان می کنند بعد از صدور فرمان باید حقوق مخصوص مذکور در بند ۵ قسمت اول از فهرست اول را به لژ اعظم پرداخت کنند . همچنین باید حقوق مذکور در بند ۱۰ قسمت سوم از فهرست اول به لژی که تأسیس می شود بپردازد .

ماده ۱۴۸ - مراقبت در حفاظت کامل فرمان يك لژ وظیفه خاص استاد ارجمند می باشد. هرگاه فرمان يك لژ مفقود - معدوم یا مورد تصرف غیر قانونی واقع شود صدور المثنی ممکن است از طرف کمیته اعظم اجازه داده شود و برای صدور المثنی حقوق مذکور در بند ۱۴ قسمت اول از فهرست اول باید پرداخت گردد. این المثنی باید به اعضای استاد بنای اعظم و دبیر اعظم برسد و دارای همان قوت و اعتبار نسخه اصلی خواهد بود. تقاضای صدور المثنی فرمان باید کتبی بوده و اظهار نامه ای که طبق مقررات تنظیم شده باشد مشعر بر جریان واقعه و علت احتمالی فقدان معدوم شدن یا تصرف غیر قانونی فرمان ضمیمه درخواست باشد . این اظهار نامه باید توسط استاد ارجمند و سرپرستان لژ در مقابل يك قاضی عالی مقام دادگاه بخش - دفترخانه اسناد رسمی یا قنصل انگلستان تنظیم شده باشد و در صورت فوت یا غیبت افسران فوق الذکر اظهار نامه مزبور به همان ترتیب توسط پنج برادری که به این منظور از طرف لژ به آنها اجازه داده شده است تنظیم خواهد شد .

ماده ۱۴۹ - يك لث قبل از اين كه بتواند طبق فرمان خود عمل نمايد بايد تقدیس گردد هرگاه فرمانی برای تأسیس لث در ناحیه ای اعطاء شود كه لث اعظم ایالتی یا ناحیه ای در آن وجود نداشته باشد لث اعظم در این حال برادر واجد شرایط را تعیین خواهد نمود كه آن لث را تقدیس نماید .

ماده ۱۵۰ - فرمان لث باید در تمام مدت هس جلسه در اطاق لث موجود و برای ملاحظه برادران باز باشد و چنانچه فرمان در اطاق لث نباشد جلسه قابل تشکیل نخواهد بود . فرمان - کتب - اوراق - زیورآلات - البسه و اثاثیه پیرایشی يك لث قابل انتقال به غیر نمی باشند . چنانچه اکثریت اعضاء يك لث از آن خارج شوند اختیار ادامه دادن كار آن بدست اقلیت خواهد افتاد ولی چنانچه عده برادران واجد شرایط از هفت نفر کمتر شود لث را می توان در حال توقف اعلام كرد و در این صورت فرمان - کتب - اوراق - زیورآلات - البسه - اثاثیه پیرایشی و موجودی های صندوق ها (كه شامل صندوق مقرریهای سالیانه و صندوق خیریه نیز خواهد بود) به لث اعظم مربوطه تخصیص یافته فوراً منتقل شده و تحویل لث اعظم خواهد گردید . هرگاه فرمان کتب - اوراق - زیورآلات - البسه - اثاثیه پیرایشی و وجوه صندوقها از طرف يك یا چند نفر از اعضاء خاندان اسكانتند نصب شود آن شخص یا اشخاص معلق با اخراج خواهند شد . دبیر اعظم - دبیر اعظم ایالتی یا ناحیه ای یا هر يك از اعضاء باقیمانده لث در حال توقف كه این مأموریت به او داده شود می توانند از طرف لث اعظم از محاكم حقوقی درخواست كنند تا حكم استرداد احوال فوق الذکر و پرداخت وجوه مزبور را به لث اعظم صادر نماید .

يك لث در حال توقف ممكن است توسط لث اعظم ایالتی یا ناحیه ای احیاء گردد و برای این منظور باید لااقل هفت نفر از برادران واجد شرایط كه ساكن ایالت یا ناحیه مربوطه بوده و یا (چنانچه در آن ناحیه لث اعظم ایالتی یا ناحیه وجود نداشته باشد) در داخل یا در نزدیکی حوزه محل لث پیشنهادی سکون داشته

باشند درخواست احیاء لژ در حال توقف را بنمایند مشروط بر این که یکی یا بیشتر از اعضای لژ در حال توقف در این درخواست شرکت نماید.

ماده ۱۵۱ - هر لژ تابع برای تشکیل جلسات خود باید دارای محل یا محل های ثابت باشد که طبق ترتیب مقرر در ماده ۱۶۱ این قانون به تصویب رسیده باشد و تغییر این مکان یا امکانه نیز باید به همان ترتیب به تصویب برسد.

ماده ۱۵۲ - در صورتی که اوضاع و احوال ایجاب نماید لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای و در منطقه مرکزی کمیته منطقه مرکزی برای تقاطعی که لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای وجود ندارد کمیته اعظم می تواند اجازه دهد که لژی جلسه یا جلسات خود را در محل دیگری در همان شهر یا منطقه تحت شرایط و محدودیت هایی که از طرف مقام اجازه دهنده مقرر می شود تشکیل دهد.

ماده ۱۵۳ - لژها از تشکیل هر نوع جلسه در روز های یکشنبه ممنوعند مگر اینکه موضوع جلسه نیایش خداوند یا مجلس تذکر یا تشییع جنازه يك برادر باشد.

ماده ۱۵۴ - هر لژ تابع باید قبل از شروع هر سال از لژ اعظم تقاضای تجدید اجازه نامه خود را برای آن سال بنماید و این اجازه نامه باید تا اول ژانویه واصل شده باشد. اجازه نامه مزبور برای لژ متضمن این امتیاز است که می تواند طرف دوازده ماهی که به ۳۱ دسامبر همان سال ختم می شود، جلسات ماسونی خود را با صحنه لژ اعظم و تحت سرپرستی آن تشکیل دهد. این اجازه نامه باید قبل از اول ژانویه هر سال مبلغ تعیین شده در بند ۶ قسمت اول از فهرست اول را پرداخت نماید. این حقوق شامل حقوق نمایندگی در لژ اعظم و بهای نسخ خلاصه مذاکرات لژ اعظم و حقوق هر نماینده باوکیل لژ در لژ اعظم خواهد بود.

ماده ۱۵۵ - برای اینکه لژی استحقاق دریافت گواهینامه کار سالانه خود را پیدا کند باید اقرار نامه ای به اعضای استاد ارجمند و دبیر لژ (و در غیاب آنها به اعضای دو نفر از افسران لژ که از طرف لژ مجاز شده باشند) بسرای دبیر اعظم

فرستاده شود مشعر براین که با ضامن دادن شرافت خودشان بعنوان بنایان آزاد اعلام می‌دارند که لث حقیقتاً به نامیک لث بنائی آزاد دائر و دقیقاً طبق این قوانین اداره می‌شود و همچنین مواد فرمان اعطاء شده از طرف لث اعظم بنحو شایسته رعایت شده و کاملاً طبق این قوانین رفتار می‌شود.

ماده ۱۵۶ - لث‌های تابع می‌توانند بر گهای انتقال را طبق نمونه مخصوصی که قبلاً از عضویت تأخیر کرده است شناخته خواهند شد طرف لث اعظم در مقابل حقوق مذکور در بند ۱۷ قسمت اول از فهرست اول در اختیار آنها گذاشته شده است به اعضا واجد شرایط بدهند. این مبالغ طبق مصوبات کمیته اعظم می‌باشد. برگ انتقال باید به اعضای استاد ارجمند و دبیر لث صادرکننده آن رسیده و از طرف دبیر اعظم نیز تأییداً امضاء شده باشد. این برگ در لثی که برادر متقاضی به آن منتقل می‌شود نگاهداری می‌گردد.

برگ انتقال تا مدت ۱۲ ماه از تاریخ صدور دارای اعتبار است و چنانچه در ظرف این مدت برای عضو شدن در لث دیگری از آن صرف نظر نشود عضویت کامل برادر استفاده کننده در لث صادر کننده برگ انتقال ابقاء می‌گردد و هائند عضوی که در پرداخت حق شد. [کذا]

ماده ۱۵۶ - الف - عضویک لث تابع می‌تواند از عضویت خود به وسیله اعلامیه کتبی که به دبیر می‌دهد استعفا دهد و چنانچه دارای وضع مرتب بوده و در تاریخ استعفا خود مورد بازخواست‌های ماسونی نباشد لث می‌تواند یک گواهی استعفا به ترتیب و فور می‌که از طرف لث اعظم تعیین گردیده است به او بدهد و حقوق مربوط به برگ استعفا مانند حقوق مربوط به برگ انتقال است که در ماده ۱۵۶ بالا ذکر گردیده و توسط کمیته اعظم تعیین شده است. گواهی استعفا باید به اعضای استاد ارجمند و دبیر لث رسیده و دارای اعضای تأییدی دبیر اعظم باشد. برادری که از یک لث استعفا داده و بخواهد مجدداً عضویت همان لث پذیرفته شود باید در خواست کتبی طبق فورم مقرر بدهد این در خواست باید به اعضای دو نفر از برادران واجد شرایط یکی

بعنوان پیشنهاد کننده و دیگری بعنوان نائید کننده رسیده باشد. این درخواست در جلسه عادی لژ فرائت و فوراً به کمیته تحقیق برای رسیدگی و گزارش ارجاع می گردد و سپس نسبت به آن به نحو مقرر در ماده قانون ۱۸۰ با مهره رأی گرفته خواهد شد و در صورتیکه مخالفی نباشد در خواست کننده مجدداً عضویت پذیرفته می شود و باید حقوق مذکور در بند ۹ قسمت سوم از فهرست اول یا هر مبلغ بیشتری را که در آئین نامه داخلی لژ مقرر شده باشد در موقعی که مجدداً جزو اعضاء لژ محسوب می گردد پرداخت نماید.

ماده ۱۵۷ - لژهای تابع منحصرأ می توانند در درجات کارآموزی - کاریاری (که متضمن مارك نیز می باشد) و در درجه استادی و همچنین برای انجام تشریفات تنصیب استاد ارجمند کار کنند و کار کردن در درجات دیگر برای آنها اکیداً ممنوع می باشد و نیز لژهای تابع بهیچ گونه تشکیلاتی را که جنبه ماسونی به خود گرفته ولی از طرف لژ اعظم یا سازمان ماسونی اعظم دیگری به رسمیت شناخته نشده است مورد توجه و اعتنا قرار دهند.

ماده ۱۵۸ - عضو يك لژ تابع نمی تواند بهیچ عنوان در انجام مراسم هیچ درجه یا آئین یا نظامی که ادعای ماسونی بودن داشته ولی از طرف لژ اعظم یا لژهای اعظم وابسته و شناخته شده مجاز تشخیص نشده باشد بعنوان مهمان یا هر عنوان دیگری مرارده نماید. هر برادری که برخلاف این قانون رفتار کند معلق یا اخراج خواهد شد.

ماده ۱۵۹ - مارك فقط به استادان بنائی آزاد که اسامی آنها در دفاتر لژ اعظم ثبت شده باشد اعطا می گردد و به برادرانی که تابع سازمان ماسونی دیگری باشند قبل از اینکه نام آنها بعنوان عضو ملحق شده در دفاتر لژ اعظم ثبت شود اعطاء نخواهد شد ولی يك لژ تابع مجاز است که خواهش لژ تابع دیگری را مبنی بر اعطای مارك بدون الحاق به یکی یا بیشتر از اعضای آنها بپذیرد و این کار فقط در صورتی ممکن است که در خواست کتبی به امضای استاد ارجمند و سرپرستان لژ درخواست

کننده به لژ اعطاء کننده مارك برسد و این درخواست در صورت جلسات هر دو لژ باید درج گردد.

ماده ۱۶۰ - لژ تابع می‌تواند در آئین نامه داخلی خود حقوقی برای مارك مقرر بنماید مشروط بر این که از مبلغ تعیین شده در بند ۳ (الف) از قسمت سوم از فهرست اول کمتر نباشد چنانچه به منظور فوق حقوقی در آئین نامه پیش‌بینی نشده باشد حقوق مذکور در بند ۳ (ب) از قسمت سوم فهرست اول دریافت خواهد شد. هر برادر قبل از اینکه مارك به او اعطاء شود باید حقوق مذکور در بند ۱۰ قسمت اول از فهرست اول را برای ثبت دیپلم برادری که مارك به او اعطاء شده به لژ اعظم پرداخت نماید.

ماده ۱۶۱ - به استثنای موادی از این قوانین که منحصراً مربوط به لژ اعظم - کمیته اعظم - لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای بوده (و قابل عمل در لژهای تابع را با تغییرات لازم جهت انطباق تنظیم خواهد نمود) و در مورد لژهای تابع عنوان (جلسه عادی) جایگزین اصلاح (جلسه ارتباطیه فصلی) می‌شود هر قسمت از آئین نامه‌های داخلی که با این قوانین و آئین نامه عمومی (متدرج در فهرست دوم که شامل تمام لژهای تابع می‌باشد) مغایرت داشته باشد بلا اثر خواهد بود. آئین نامه داخلی برای هر لژ جز در موارد زیر ضرورت نخواهد داشت.

تعیین محل یا محلهای جلسات - طرز دعوت جلسات - تاریخ و ساعات جلسات عادی (که شامل جلسات مربوط به انتصابات - انتخابات و تنصیب افسران نیز می‌باشد) افسران لژ - کمیته‌ها - ممیزین حساب و انتصاب آنها - حق الزحمه افسران - اداره صندوقهای مختلف وجوه لژ - حفظ و اداره اموال انتقالی یا غیر منقول و به کار انداختن سایر سرمایه‌های لژ - ورودیه‌ها و سایر حقوق مبلغ حقوق عضویت سالیانه اعضا و مبلغ مربوط به حقوق عضویت یکجا (در صورتی که پرداخت حقوق عضویت را برای یک مرتبه و یکجا مجاز تشخیص دهند) و همچنین کلیه موضوعات دیگری که بنابه تجویز کمیته اعظم باید در آئین نامه داخلی تکلیف آنها معین گردد آئین نامه داخلی

لژها و تجدید نظریا اصلاح آن در مرحله اول محتاج به موافقت و تصحیح از طرف لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و در منطقه مرکزی محتاج به موافقت و تصحیح کمیته منطقه مرکزی می‌باشد و سپس باید برای تصویب به کمیته اعظم تقدیم گردد.

در مواردی که لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای وجود ندارد آئین نامه‌های داخلی باید برای تجدید نظر و تصویب مستقیماً به کمیته اعظم تقدیم گردد. از تمام آئین نامه‌های داخلی تصویب شده باید دو نسخه چایی به لژ اعظم ارسال گردد و همچنین دو نسخه به لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای (در صورت وجود) یا به کمیته منطقه مرکزی (در صورتیکه لژ مربوطه تابع لژ اعظم منطقه مرکزی باشد) ارسال خواهد شد.

ماده ۱۶۲ - تعداد جلسات عادی یک لژ در هر سال مالی جهت اعطاء درجات (یا مارک) نباید از بیست و پنج جلسه تجاوز نماید. استاد ارجمند یک لژ و در غیاب او استاد ارجمند قبلی یک قائم مقام یا معاون استاد ارجمند اختیار دارد اجازه دهد جلسات فوق العاده یا مخصوص برای هر موضوع که با مقررات وفق دهد تشکیل گردد. عده جلسات فوق العاده یا مخصوص که یک لژ می‌تواند برای اعطاء درجات یا مارک ظرف دوازده ماه تشکیل دهد نباید از تعداد جلسات عادی آن لژ در همان مدت تجاوز نماید.

ماده ۱۶۳ - هر لژ باید دارای مجموعه‌ای از دفاتر زیر باشد که عبارتند از :

- ۱ - دفتر درخواستهای عضویت که دارای فهرست نیز می‌باشد . ۲ - دفتر ثبت صورت جلسات . ۳ - دفتر صورت اسامی اعضاء . ۴ - دفتر ثبت حضور اعضاء . ۵ - دفتر چکه قبوض رسید وجه . ۶ - دفاتر حسابهای خزانه‌داری نمونه هر یک از این دفاتر نزد دبیر اعظم برای راهنمایی لژها نگاهداری می‌شود .

ماده ۱۶۴ - دفاتر لژهای تابع باید همه ساله از طرف لژ اعظم توسط استاد لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای یا بوسیله برادرانی که از طرف آنها تعیین شوند مورد رسیدگی قرار گیرد و در منطقه مرکزی این رسیدگی از طرف کمیته منطقه مرکزی

انجام می‌گیرد اشتباه یا غلط یا از قلم افتادگی که در دفاتر روی داده باشد باید اصلاح گردد.

ماده ۱۶۵ - هر لژ تابع ملزم است يك نسخه چاپی از آخرین چاپ این قوانین داشته باشد و اعضاء لژ می‌توانند در مواقع لازم این امر را بازرسی نمایند. بهر داوطلب در موقع ورود و بهر عضو سازمان ماسونی دیگر در موقع الحاق يك نسخه از چاپ اختصاری این قوانین که تحت نظر کمیته اعظم تهیه و در اختیار لژهای تابع گذاشته شده است به بهائی که از طرف کمیته اعظم تعیین می‌گردد داده می‌شود. این چاپ اختصاری باید فهرستهای اول و دوم را به طور کامل حاوی باشد.

ماده ۱۶۶ - هر لژ تابع باید در سال يك جلسه برای انتخاب افسران خود تشکیل دهد در این جلسه باید لااقل هفت عضو واجد شرایط حضور داشته باشند مگر در مورد لژهای واقع در خارج که ممکن است نسبت به تقلیل تعداد مزبور از استاد بنای اعظم یا از استاد اعظم ناحیه معافیت گرفته شده باشد.

در این انتخابات (و در انتخاب تمام کمیته‌هایی که صرفاً برای موضوعات ماسونی تشکیل می‌گردد) کارگاه باید در درجه سوم کار کنند. فقط اعضاء واجد شرایط حق شرکت و رأی‌دادن و انتخاب شدن یا منصوب شدن برای سمتهای افسری و عضویت کمیته‌ها را خواهند داشت.

انتخابات مزبور باید در يك جلسه تمام شود و نباید به تعویق انداخته شود.

در مدتی که انتخابات به عمل می‌آید يك نسخه از این قوانین باید روی میز باشد و این امر در صورت مجلس قید گردد. این مقررات در مواردی نیز که در ظرف سال محل خالی یکی از انتخاب‌شدگان اشغال می‌گردد لازم الاجرا خواهد بود. هرگاه يك لژ جلسات جداگانه برای نامزدی و برای انتخاب افسران داشته باشد فاصله این دو جلسه باید لااقل شش‌روز تمام (بجز روز تعیین نامزدها و روز

انتخابات) باشد.

ماده ۱۶۷ - اعضاء ملحق شده به يك لژ برای اينكه بتوانند در انتخاب افسران شرکت نموده يا به عنوان افسر يا عضو کمیته‌ای انتخاب يا منصوب شوند بايد لااقل در جلسه‌ای که چهارده روز قبل از جلسه نامزدی افسران تشکیل یافته است به عضویت لژ پذیرفته شده باشند.

ماده ۱۶۸ - هر لژ تابع بايد دارای افسران زیر باشد: استاد ارجمند - قائم مقام استاد ارجمند - معاون استاد ارجمند - سرپرست اول - سرپرست دوم - دبیر - خزانه‌دار - امین خیریه - راهنمای اول - راهنمای دوم - نگهبان داخلی و نگهبان خارجی. استاد ارجمند قبلی خود بخود افسر لژ می‌باشد يك لژ می‌تواند چنانچه عادت یا سنت آن بوده و با این قوانین مغایر نباشد پستهای افسردیگری داشته باشد. هیچ لژی نمی‌تواند استاد ارجمند مارك یا افسران دیگر برای درجه مارك انتخاب نماید مگر اينكه موضوع در فرمان آن ذکر شده باشد و کارهای این درجه وظیفه استاد ارجمند لژ بوده و باید بوسیله او یا برادرانی که استاد ارجمند برای این کار انتخاب بنماید انجام پذیرد.

ماده ۱۶۹ - هر عضو واجد شرایط لژ می‌تواند برای انتخاب شدن جهت هر يك از پستهای افسری انتخابی در آن لژ نامزد گردد به استثنای مواردی که معافیت از کمیته اعظم گرفته شده باشد. هیچ برادری نمی‌تواند در بیش از يك لژ در يك موقع استاد ارجمند باشد و یا در يك لژ دو منصب را اشغال کند و یا اينكه در آن واحد در دولتر از يك ایالت یا ناحیه عهده دار سمت افسری باشد ولی هیچ يك از این ممنوعیتها شامل پست نگهبان خارجی و عضویت کمیته‌ها در لژهای تابع نخواهد بود و معافیت مزبور در نواحی واقع در خارجه از استاد اعظم آن ناحیه باید اخذ شود.

ماده ۱۷۰ - هر لژ تابع باید روز ثابتی را برای تنصیب سالیانه افسران خود داشته باشد و در این جلسه (جز در مورد لژهای واقع در خارج که می‌توانند

باجازه استاد بنای اعظم یا استاد اعظم ناحیه‌ای از این قاعده معاف شوند) باید
 لااقل هفت عضو و احد شرایط حضور داشته باشند و برادری که به سمت افسر انتخاب
 یا تعیین نمی‌شود نمی‌تواند قبل از انجام مراسم تنصیب به این عنوان عمل نماید .
 ماده ۱۷۱ - هر لژ تابع در روز تنصیب سالیانه باید برای صندوقهای خیریه
 لژ اعظم وجوهی جمع آوری نماید . وجوه مزبور در هر سال بنا به تصمیم کمیته
 اعظم ممکن است کلاً یا جزئاً برای يك یا چند صندوق مخصوص از صندوقهای فوق
 اخذ گردد و قبل از جمع آوری این وجوه استاد ارجمند باید بوسیله بیان خود
 كمك به صندوقهای خیریه مزبور را به برادران توصیه نماید . تمام آنچه به این
 عنوان جمع آوری می‌شود باید بدون تأخیر توسط خزانه‌دار لژ برای لژ اعظم ارسال
 شود و به حساب مذکور در بند ۴۳ قسمت اول از فهرست اول تخصیص یابد و صورت
 اسامی لژها و اعانات ارسالی آنها ضمن گزارش لژ اعظم در ماه هر سال انتشار
 خواهد یافت .

ماده ۱۷۲ - دبیر هر لژ باید ظرف یکماه از تاریخ انتخابات سالیانه افسران
 اسامی و نشانی‌های استاد ارجمند - سرپرستان - دبیر و خزانه‌دار را برای دبیر
 اعظم ارسال دارد و در غیر این صورت هیچ نماینده لژ مجاز نخواهد بود که در جلسات
 لژ اعظم به این سمت حاضر شده و رأی بدهد .

ماده ۱۷۳ - عنوان استاد ارجمند در لژهای تابع «حضرت ارجمند» و عنوان
 سرپرستان «... ارجمند» می‌باشد .

ماده ۱۷۴ - در غیاب استاد ارجمند و استاد ارجمند قبلی یکی از استادان
 ارجمند پیشین بر حسب تقدم یعنی هر کدام که تاریخ اشغال کرسی ریاست او مقدم
 باشد ریاست لژ را عهده‌دار خواهد شد و در غیاب تمام آنها قائم مقام یا معاون استاد
 ارجمند کرسی ریاست را اشغال خواهد نمود و هیچ افسر یا برادر نمی‌تواند شاغل
 کرسی ریاست گردد . در موقع اعطاء درجات استاد ارجمند یا برادری که ریاست
 می‌کند می‌تواند به سایر افسران یا برادران اجازه دهد قسمتهائی از ریتول را که

معمولاً توسط استاد ارجمند اجرا می‌شود انجام نماید ولی در هر حال سوگند باید توسط استاد ارجمند یا استاد ارجمند پیشین - قائم مقام یا معاون استاد ارجمند یا یکی از سرپرستان اول یا دوم لث یا توسط استاد تنصیب شده لث دیگری که تابع لث اعظم بوده یا تابع يك لث اعظم وابسته باشد انجام پذیرد .

ماده ۱۷۵ - هر داوطلب ورود (به درجه اول) یا الحاق باید تقاضانامه‌ای حاوی اسم - شغل - تاریخ و محل تولد - ملیت و محل سکونت خود را به لث تابع تسلیم نماید و در همان تقاضانامه نکات زیر باید اعلام گردد :

۱ - آیا قبلاً تقاضانامه‌ای برای ورود در یکی از لث‌های زیر نظر لث اعظم یا زیر نظر لث اعظم وابسته تقدیم داشته است ؟ و در این صورت چه وقت و به کدام لث یا لث‌ها .

۲ - آیا قبلاً تقاضایی آورده شده است ؟ و در این صورت چه وقت و از طرف کدام لث یا لث‌ها ؟ چنانچه تقاضانامه‌ای به لثی داده و بعداً آن را پس گرفته است باید این موضوع و دلیل استرداد تقاضا را نیز اعلام نماید هر تقاضانامه باید به اعضای داوطلب و دو نفر از اعضاء واجد شرایط لث تابع (یکی به سمت پیشنهاد کننده و دیگری به سمت تأیید کننده) رسیده باشد . هر داوطلب الحاق علاوه بر دیپلم یا گواهی نامه عضویت خود که از طرف لث اعظم یا يك لث اعظم وابسته صادر شده باشد باید یکی از مدارك زیر را ارائه دهد .

الف - برگ انتقال که روی نمونه منظم صادر شده باشد .

ب - و چنانچه مایل باشد در عین حال به عضویت در لث خود باقی بماند باید گواهی نامه ممضی به اعضای استاد ارجمند و دبیر لث مربوطه مشعر بر اینکه در وضع مرتب و منظمی می‌باشد ارائه دهد و بهای این گواهی نامه از طرف کمیته اعظم تعیین می‌گردد .

ج - و اگر از لث خود استعفا داده باشد گواهی استعفائی که طبق ماده ۱۵۶ - الف از این قوانین به او داده شده باشد ارائه دهد. درخواست ورود از شخصی که

بکلی کور یا کرولال باشد و یا اینکه تقاضای او برای پذیرش در لژ دیگری هنوز مورد تصمیم قرار نگرفته است پذیرفته نخواهد شد ولی لژها مختارند درخواست ورود داوطلبانی را که يك عضو را يك دست یا يك پای او قطع شده یا چلاق باشد بپذیرد. هر داوطلب ورود یا الحاق که ظرف دوازده ماه از تاریخ اخذ رأی نسبت به او خود را برای انجام مراسم معرفی نماید باید درخواست جدیدی بدهد و نسبت به این درخواست عیناً از هر جهت همان گونه رفتار خواهد شد که نسبت به تقاضا نامه بدوی.

ماده ۱۷۶ - هیچ لژ تابعی درخواست ورود داوطلبانی را که محل اقامت دائم آنها در انگلستان یا لژ اعظم ایرلند باشد مورد توجه قرار نخواهد داد مگر این که قبلاً از استادبنای اعظم معافیت از این قاعده اخذ شده باشد - حقوق مربوط به این معافیت طبق بند ۱۶ قسمت اول از فهرست اول علاوه بر حق ورودیه باید از داوطلب اخذ گردد این ماده قانون شامل اعضاء ارتش یا دشاهی انگلستان که در لیست اکتیف هستند و همچنین شامل لژهای دانشگاهها و کالجها و مدارس نخواهد بود. ماده ۱۷۷ - هر لژ تابع دارای يك کمیته تحقیق خواهد بود که اعضاء آن عبارتند از :

استاد ارجمند - استاد ارجمند قبلی - سرپرستان دبیرخانه دار و لااقل دو نفر دیگر از اعضاء واجد شرایط لژ که در جلسه انتخابات سالیانه یا در جلسه تنصیب افسران تعیین می گردند وحد نصاب برای تشکیل کمیته چهار نفر می باشد. کلیه درخواست های ورود یا الحاق باید در جلسه لژ قرائت شود و فوراً به کمیته تحقیق ارجاع گردد.

ماده ۱۷۸ - وظائف کمیته تحقیق عبارت است از : تحقیق کامل نسبت به اخلاق و صفات داوطلبان، مصاحبه با پیشنهاد دهنده و تأییدکننده راجع به اینکه از چه تاریخ داوطلب را شناخته و چه مناسبات و موجباتی باعث شده که نسبت به اخلاق و شایسته بودن او جهت عضویت اطمینان حاصل نماید.

مکاتبه با هر لژی که احیاناً تقاضانامه داوطلب را برای عضویت دریافت داشته ولی رد کرده است و نیز با هر لژی که داوطلب قبلاً به آن تقاضانامه داده و سپس مسترد داشته است. مصاحبه با خود داوطلب و در مورد داوطلب ورودی که کمتر از سه سال قبل از تاریخ تقاضانامه در ایالت یا ناحیه‌ای که لژی در آن واقع است یا در نزدیکی آن لژ سکونت یا مشغول داشته است باید از لژ مزبور و یا از هر منبع دیگری که مورد قبول کمیته اعظم یا دبیر اعظم واقع شده باشد تحقیقات لازم بعمل آید. کمیته تحقیق باید کلیه جریانات خود را در صورت مجلسهای خود قید نموده و نگهداری نماید و نتیجه تحقیقات خود را به لژ گزارش دهد. مادامی که گزارش کمیته تحقیق نرسیده است هیچ درخواست عضویتی مورد توجه لژ واقع نخواهد شد و این گزارش باید در ظرف دوازده ماه داده شود. در مورد لژهای تابع واقع در خارج رعایت مقررات مذکور در این ماده راجع به داشتن سه سال سکونت یا مشغول یا کار ضرورت نخواهد داشت ولی در این موارد لژهای اعظم ناحیه (و در تقاطعی که لژ اعظم ناحیه‌ای نباشد) کمیته اعظم مقرراتی را برای تحقیقات شایسته بدانند می‌تواند برقرار نماید.

ماده ۱۷۹ - پس از آنکه کمیته تحقیق گزارش خود را که مربوط به درخواست داوطلب است تکمیل و بدبیر لژ تسلیم نمود این گزارش باید به اطلاع اعضاء لژ برسد. درخواست ورود فقط در جلسه عادی لژ مطرح و بامهره نسبت به آن رأی گرفته خواهد شد. فاصله بین قرائت درخواست داوطلب (که طبق ماده ۱۷۷ به عمل می‌آید) و اخذ رأی به آن نباید از چهارده روز کمتر باشد. و فاصله بین تاریخ وصول گزارش کمیته تحقیق به لژ و تاریخ اخذ رأی نباید از هفت روز کمتر باشد و بین تاریخ اخذ رأی و موقع انجام تشریفات ورود به درجه اول نباید کمتر از چهارده روز فاصله باشد. در محاسبه هر یک از فاصله‌های چهارده روز و هفت روز مذکور در این ماده روز چهاردهم و روز هفتم جزء مدت محسوب می‌گردد.

ماده ۱۷۹ الف - ۱ - چنانچه خبر تشکیل جلسه‌ای که درخواست ورود طبق

ماده ۱۷۹ در آن طرح و اخذ رأی بعمل می آید به وسیله دعوت نامه یا اطلاعیه داده شد این دعوت نامه یا اطلاعیه باید لااقل پنج روز قبل از جلسه بهر عضو واجد شرایط تسلیم و یا برای او به پست داده شود و باید حاوی اسم - شغل - تاریخ - محل تولد - ملیت و محل سکونت داوطلب بوده و اسامی پیشنهاد کننده و تأیید کننده را نیز دربر داشته باشد.

۲- چنانچه دعوت بوسیله آگهی بعمل آید باید روزنامه‌ای که آگهی در آن درج می شود لااقل چهل و هشت ساعت قبل از ساعت تشکیل جلسه در محل انتشار یابد و کلمه رأی بامهره باید در اعلام فید گردد.

۳- در لژهایی که دعوت بوسیله اطلاعیه - دعوتنامه یا آگهی در روزنامه معمول نیست طرح تقاضای ورود و اخذ رأی نسبت به آن در جلسه عادی بعمل می آید که بفاصله لااقل چهارده روز از تاریخ قرائت تقاضانامه در جلسه عادی و هفت روز از تاریخ وصول گزارش کمیته تحقیق به دبیر لژ تشکیل شده باشد در صورتیکه گزارش بدلتی دیرتر از مدت هفت روز فوق به دبیر لژ واصل شده باشد وصول گزارش کمیته تحقیق در جلسه منظم عادی که قبل از انقضای هفت روز مزبور تشکیل گردیده است به اطلاع لژ خواهد رسید و تذکر داده خواهد شد که این گزارش و درخواست مربوط توأماً در جلسه منظم بعدی طرح و مورد اخذ رأی واقع خواهد شد.

ماده ۱۸۰- در جلسه‌ای که درخواست مطرح می شود گزارش کمیته تحقیق قرائت و سپس نسبت به آن با مهره اخذ رأی بعمل می آید کلیه درخواستهای که به کمیته تحقیق ارجاع می شود باید گزارش آن داده شود و نسبت به آن اخذ رأی بعمل آید مگر آنکه موضوع از طرف لژ مسترد و خارج شده باشد. تصمیم لژ نسبت بدخواست هر داوطلب باید توسط دبیر لژ کتباً به او اعلام گردد. سه مهره سیاه مانع ورود داوطلب می گردد ولی لژهای واقع در خارجه می توانند در آئین - نامه داخلی خود مقرر بدارند که دو مهره سیاه مانع ورود خواهد بود. در مواقع تردید نسبت به نتیجه اخذ رأی بشرط اینکه بلافاصله عمل شود ممکن است اخذ.

رأی یکبار تجدید گردد. فقط اعضاء واجد شرایط لث حق دادن رأی دارند قبل از انجام مراسم ورود یا الحاق هم داوطلب و هم پیشنهادکننده و تأییدکننده او باید دفتر مخصوص ثبت درخواستها را اعضاء نمایند.

ماده ۱۸۱- سن داوطلب باید در موقع درخواست ورود لااقل بیست و یک سال باشد به استثنای پسران استادان بنیان آزاد تابع لث اعظم که می توانند بعد از رسیدن به هیجده سالگی تقاضای ورود بدهند.

ماده ۱۸۲- در موقع ورود یا الحاق از يك لث اعظم وابسته هر داوطلب باید شرافت خود را ضامن دهد که حافظ این قوانین بوده و از آئین نامه داخلی لثی که در آن وارد یا به آن ملحق می شود اطاعت خواهد نمود.

ماده ۱۸۳- هیچ داوطلب ورودی با کمتر از میزان حقوق مقرر در بند يك قسمت سوم از فهرست اول پذیرفته نخواهد شد و این مبلغ به او حق می دهد درجات کارآموزی کاریاری (توأم با عارک که مستلزم پرداخت حقوق اضافی مذکور در ماده ۱۶۰ نیز می باشد) و همچنین درجه استادی را بگیرد تمام حقوق مذکور در فوق باید قبل از ورود پرداخت شود بدون اینکه به هیچ دلیل چیزی از آن کسر بویا به تعویق انداخته شود حقوقی که در موقع الحاق به لث تابع پرداخت شود عبارت است از مبلغ مذکور در بند ۲ قسمت سوم از فهرست اول علاوه بر آن (در صورتیکه آئین نامه داخلی لث مقرر داشته باشد) مازاد حقوق ورودی لثی که می خواهد به آن ملحق شود نسبت به حقوق ورودی لثی که عضو آن بوده یا برگ انتقال از آن دریافت داشته است.

ماده ۱۸۴- ورود مجانی در خاندان و الحاق مجانی به لث ها ممنوع است.

ماده ۱۸۵- هر لث تابع باید برای هر داوطلب که وارد می کند مبلغ معینی که بند ۸ قسمت اول از فهرست اول مندرج است و برای هر داوطلب که ملحق می کند مبلغ مخصوصی که در بند ۹ قسمت اول فهرست اول تعیین شده به لث اعظم بپردازد این مبلغ باید توأم با گزارش مذکور در پاراگراف اول از ماده ۱۹۲ ظرف یکماه از تاریخ ورود یا الحاق توسط خزانه دار لث برای لث اعظم ارسال گردد. هر داوطلب

ورود در موقع ورود و هر دو طلب الحاق از سایر سازمانهای ماسونی در موقع الحاق باید مبلغ مذکور در بند ۱۱ قسمت اول از فهرست اول را به عنوان مشارکت مستقیم و انفرادی در صندوق عمومی لژ اعظم (و نه به عنوان حقوق اضافی به لژ تابع) پرداخت نماید. به این مشارکت انفرادی توسط لژ تابع بحساب لژ اعظم وصول می شود و توأماً با سایر وجوهی که باید لژ تابع پرداخت کند به لژ اعظم ارسال خواهد گردید. ماده ۱۸۶- دیپلم های اعضای پذیرفته شده در لژهای تابع فقط از طرف لژ اعظم صادر می شود.

دیپلمهای واردین به درجه اول فقط بعد از آنکه به درجه استادی بنای آزاد نائل شدند صادر می گردد و دیپلم های الحاق شدگان و اعضاء مؤسس و استاد بنایان مارك فقط بعد از آنکه اسامی آنها باین عنوان در دفاتر لژ اعظم به ثبت برسد صادر خواهد شد.

ماده ۱۸۷- هر لژ تابع ملزم است از کلیه اعضاء خود (باستثنای کارآموزان و کاریاران که حق اظهار عقیده و رأی ندارند) حق عضویت سالیانه ای که کمتر از مبلغ تعیین شده در بند ۴ قسمت سوم از فهرست اول نخواهد بود وصول نماید و این حق عضویت جز در صورتی که آئین نامه داخلی لژ نحوه دیگری مقرر داشته باشد باید قبل از تاریخ تشکیل جلسه سالیانه ای که افسران در آن نامزد می شوند پرداخت گردد. لژ تابع می تواند در آئین نامه داخلی اعضای واجد شرایط را که مدت ۲۱ سال متوالی حق عضویت سالیانه خود را پرداخته اند از پرداخت این وجوه در سالهای بعد معاف دارد. جمع وصولی حقوق عضویت سالیانه باید مبلغی که کمتر از مبلغ مذکور در بند ۶ قسمت سوم از فهرست اول نباشد برداشت و به صندوق خیریه لژ ریخته شود و بقیه را بحساب صندوق عمومی لژ منظور گردد. هر يك از اعضای لژ از جمله کارآموزان و کاریاران باید دیر لژ را از هر تغییری که در نشانی آنها حاصل می شود مطلع سازند. ماده ۱۸۸- در صورتی که لژی دارای حقوق تخفیف یافته بوده یا تصمیم به داشتن آن گیرد اعضای واجد شرایط می توانند حقوق عضویت سالیانه خود را برای

تمام عمر یکجا پیردازند و مبلغ آن باید از طرف لژ تعیین و در آئین نامه داخلی لژ ذکر گردد. و در هر حال این مبلغ نباید از حداقل حقوق تخفیف یافته که در بند ۵ قسمت سوم از فهرست اول معین شده است کمتر باشد. مبالغی که از این بابت وصول می گردد باید در حساب جداگانه نگهداری شده و قسمتی از آن که در آئین نامه داخلی لژ تعیین شده است همه ساله برداشت و به جمع وجوه حاصله از حق عضویت سالیانه اعضاء اضافه و بهمان طریق نسبت به آن رفتار گردد مشروط بر اینکه میزان برداشت مزبور در آخر هر سال مالی از نسبتی که در بند ۵ قسمت سوم از فهرست اول تعیین شده است زیادتر نباشد.

ماده ۱۸۹- صندوق خیریه هر لژ تابع شامل وجوه زیر خواهد بود.

قسمت ۱- از حقوق عضویت سالیانه به نسبتی که در ماده ۱۸۷ تعیین گردیده است. و قسمتی از وجوه برداشتی سالیانه از صندوق «حقوق تخفیف یافته» به نحوی که در ماده ۱۸۸ معین شده است و تمام وجوهی که از صندوق عمومی لژ گاه بگاه به صندوق خیریه انتقال داده شود و همچنین تمام حبه ها و بخششها به لژ که توسط مؤسسات یا اشخاص (چه در زمان حیات و چه بموجب وصیتنامه) از هر منبع دیگری که باشد. وجوه صندوق خیریه را نمی توان به مصرف پرداخت هزینه ها یا دیون لژ رسانید؛ این وجوه باید بامنت سپرده شده و از سایر وجوه لژیکی جداگانه نگهداری شود و فقط طبق تصمیمات لژ آنها منحصراً برای امور خیریه ماسونی اداره شده و به مصرف برسد. بکار انداختن وجوه این صندوق فقط به نحوی که با قوانین تراستهای اسکاتلند مطابقت داشته باشد ممکن می باشد و تمام سرمایه گزاری ها از این محل بنام استادار جمند و دبیر لژ و خزانه دار (یا امین خیریه) و جانشینهای آنها به عنوان معتمدین صندوق مزبور انجام خواهد شد ولی لژ می تواند تصمیم بگیرد که این سرمایه گزاری بنام هر بانکی که از طرف کمیته اعظم تصویب شده باشد یا بنام اشخاصی که از طرف آن بانک بعنوان معتمد معرفی شوند بعمل آید وجوه صندوق خیریه باید در حساب مخصوصی در بانک ریخته شود.

مقررات فوق در مورد هر صندوقی که نظیر آن در لژ اعظم بنام صندوق سالیانه نامیده می‌شود و همچنین در مورد هر صندوقی که از طرف لژ تابع برای منظورهای خاص خیریه‌های ماسونی تأسیس شده یا بشود با تغییرات لازم جهت انطباق باید رعایت گردد.

ماده ۱۹۰ - تمام حسابهای بانکی لژ و رسید سپرده‌ها باید بنام لژ باشد. چکها و برانهائی که روی این حسابها کشیده می‌شود باید به امضای دو نفر از افسران زیر باشد. استاد ارجمند - دبیر و خزانه‌دار (یا امین خیریه) - و ظهرنویسی‌ها به نفع لژ نیز به طریق فوق انجام خواهد شد.

ماده ۱۹۱ - هر برادری که در پرداخت حق عضویت سالیانه خود موضوع ماده ۱۸۷ این قانون تأخیر کننده شناخته شود حقی به دریافت اطلاعیه مربوط به دعوت جلسات را نداشته - قابل انتخاب شدن برای پست افسری و عضویت کمیته نبوده حق مداخله و دادن رأی در موضوع پرداخت‌هائی که از صندوقهای لژ می‌شود نداشته و نسبت به هر موضوعی که در لژ مطرح شود حق اظهار نظر و دادن رأی نخواهد داشت.

تأخیر پرداخت هر قدر باشد هیچگاه بابت پیش از پنج سال آن از تأخیر کننده مطالبه نمی‌شود و هیچ تخفیفی بیش از این نمی‌توان برای تأخیر کننده قائل شد مگر در لژهای واقع در خارج آنهم در صورتی که در آئین نامه داخلی لژ مقرر شده باشد که تأخیرات عضو تأخیر کننده را بتوان در مقابل مبلغ معین مذکور در آئین نامه داخلی واریز نمود ولی این مبلغ در هر حال نمی‌تواند کمتر از وجه حق عضویت سالانه آن لژ باشد. عدم پرداخت حق عضویت سالیانه هیچ برادر را از حق حضور یافتن در لژ خود محروم نخواهد کرد ولی حق حضور در سایر لژها را نخواهد داشت. لژ تابع می‌تواند در آئین نامه داخلی خود تفاوتی بین حق عضویت سالیانه اعضائی که در داخل یا خارج از شعاع معینی سکونت دارند قائل شود مشروط بر اینکه در هر صورت حد اقل تعیین شده برای حق عضویت سالیانه هر عضو از آنچه در ماده

۱۸۷ این قانون مقرر شده است کمتر نباشد .

ماده ۱۹۲ - هر کس در لژ تابع وارد یا به آن ملحق می شود باید نامه او در دفاتر لژ اعظم ثبت گردد . هر لژ تابع باید ظرف یکماه بعد از هر ورود بدرجه اول یا الحاق گزارشی به لژ اعظم بدهد که شامل نام - مشغل و سن تازه وارد یا ملحق شونده و همچنین تاریخ اعطاء درجه با قبول الحاق و مبلغی که برای ورود یا الحاق دریافت شده است باشد به علاوه در مورد برادری که ملحق می شود تاریخ ثبت نامه و شماره لژ اصلی او و همچنین تاریخ دیپلم او باید در گزارش مزبور برای لژ اعظم ذکر گردد و نیز لژ باید در ظرف یکماه از تاریخ اعطاء درجه دوم یا سوم یا اعطاء هارک به هر عضو اطلاعاتیه مربوطه را برای لژ اعظم ارسال دارد . هر لژ تابع ظرف سه ماه از تاریخ درخواست دبیر اعظم باید صورت اسامی تمام اعضاء واجد شرایط لژ را طبق نمونه ای که به تصویب کمیته اعظم رسیده باشد برای لژ اعظم ارسال دارد و همچنین در آخر هر سال از آن تاریخ روی نمونه دیگری که به تصویب کمیته اعظم رسیده باشد کلیه تغییراتی را که ظرف ۱۲ ماه از تاریخ آخرین گزارش حاصل شده است ارسال دارد .

ماده ۱۹۳ - هرگاه لژ تابعی در ارسال اطلاعاتیه مربوط به عضو جدید خود یا در پرداخت حقوق مربوط به او به لژ اعظم کوتاهی کند عضو ذینفع با ارائه مدرکی به دبیر اعظم متعذر بر اینکه حقوق لژ را کاملاً پرداخته است حق خواهد داشت که اسم خود را در لژ اعظم به ثبت برساند و لژ مربوط باید فوراً حقوق لازم را پرداخت نماید .

ماده ۱۹۴ - هر لژ تابع که يك سال در فرستادن اطلاعاتیه های مذکور در ماده فوق با حقوق لژ اعظم تأخیر نماید خود به خود حق داشتن نماینده در لژ اعظم از آن سلب می شود و تا موقعی که این گزارشها نرسد و حقوق تأخیر شده پرداخت نگردد او از این حق محروم خواهد بود . لژی که در پرداخت حقوق لژ اعظم دو سال تأخیر نماید را که محسوب خواهد شد ولی تجدید فعالیت آن با شرایطی که

لتر اعظم تعیین نماید امکان پذیر خواهد بود .

ماده ۱۹۵ - هر لتر تابع که گزارشهای خود را به لتر اعظم ندهد یا حقوق خود را نپردازد یا گزارشهای ناقص یا فریب دهنده بدهد یا سایر تعهدات مالی خود را انجام ندهد فرمان آن در معرض استرداد و ابطال قرار می گیرد یا ممکن است از مزایای ماسونی معلق شده و یا بنابه تصمیم لتر اعظم به نحو دیگری درباره آن حکم شود .

ماده ۱۹۶ - يك لتر تابع نمی تواند در يك روز بیش از يك درجه اعطاء کند و جز در مورد مارك تعداد داوطلبانی که در يك روز درجه می گیرند نباید از پنج نفر تجاوز نماید . لتر تابع نمی تواند درجه و مارك را در یکروز بدهد یا اینکه همان درجه یا مارك را بیش از یکبار در يك روز اعطاء نماید يك کار آموز را نباید به درجه کاریاری واصل کرد ، و يك کاریار را نمی توان به درجه استادی ارتقاء داد مگر اینکه لااقل چهارده روز از تاریخ اعطاء درجه قبلی به داوطلب گذشته باشد . کمیته اعظم می تواند به استادان اعظم ناحیه و به استادان لترهای تابع در خارج که دارای لتر اعظم ناحیه ای نیستند اختیار معافیتی بدهد مشعر بر اینکه در صورت ضرورت اجازه دهند درجه بالاتر را در فاصله لااقل هفت روز (به جای چهارده روز) به برادران اعطاء نموده و تعیین مدت این اختیار معافیت با کمیته اعظم می باشد . در محاسبه چهارده روز و هفت روز مذکور در این ماده روز هفتم و روز چهاردهم جزء مدتهای مذکور فوق احتساب خواهد شد .

ماده ۱۹۷ - چنانچه برادری هنوز عضو لتر تابع نشده و بخواهند او را به درجه کاریاری رسانیده و یا بدرجه سوم ارتقاء دهند باید قبل از انجام تشریفات درجه مزبور از طریق الحاق عضو لتر گردد ولیکن لتر تابع می تواند از راه مساعدت با رعایت ماده ۱۹۶ بدون الحاق نیز کار آموز یا کاریار عضو لتر تابع دیگر را به درجه دوم رسانیده یا به درجه سوم ارتقاء دهد مشروط بر اینکه درخواست کتبی یا امضاء استاد ارجمند و سرپرستان لتر درخواست کننده برای این مساعدت رسیده باشد

و این درخواست باید در صورت مجلس های هر دو لژ درج گردد این مساعدت ممکن است در باره عضو لژ تابع هر يك از لژهای اعظم وابسته نیز به عمل آید مشروط بر اینکه طبق قرارداد با لژ اعظم متقابلاً همین مساعدت از طرف لژهای اعظم وابسته ای که چنین درخواستی دارند نسبت به اعضاء لژهای تابع لژ اعظم اسکاتلند نیز بشود و در این مورد درخواست مربوطه باید با رعایت شرایط مذکور در فوق از طریق دبیران اعظم دو لژ اعظم به لژ تابع واصل شده باشد.

ماده ۱۹۸ - چنانچه یکی از اعضاء لژ تابع متهم به خلافی شود لژ مزبور حق دارد او را محاکمه نماید. شکایت نامه کتبی که موضوع اتهام در آن تصریح شده باشد به وسیله نامه ای با پست سفارشی به آخرین نشانی معلوم به برادر متهم ابلاغ می شود و او می تواند در ظرف چهارده روز از تاریخ به پست دادن نامه مزبور یا در ظرف مدت بیشتری که در شکایت نامه تعیین شده باشد کتباً به آن پاسخ دهد. به وصول پاسخ مزبور یا در آخر مهلت مرقوم در فوق موضوع شکایت برای رسیدگی و قضاوت در جلسه عادی لژ مطرح خواهد شد. در دعوت نامه جلسه ای که شکایت در آن مطرح نمی شود باید از طرف دبیر لژ جریان شکایت و پاسخ آن (اگر رسیده باشد) و این که موضوع شکایت مورد رسیدگی و قضاوت لژ واقع خواهد شد درج گردد و در مورد جلسه هایی که به وسیله دعوت نامه تشکیل نمی گردند این جلسه به طریق که کمیته اعظم مقرر بدارد یا دبیر اعظم از طرف آن معین کند تشکیل خواهد شد. اطلاعیه این جلسه باید لااقل چهارده روز کامل قبل از روز تشکیل جلسه به وسیله پست سفارشی به آخرین آدرس معلوم برادر متهم اعم از اینکه به شکایت نامه پاسخ داده یا نداده باشد فرستاده شود و او حق خواهد داشت در این جلسه و هر جلسه بعدی دیگری که موضوع جهت طرح در آن به تعویق افتد حضور یافته و مدافعات خود را ابراز دارد و بعد از آن که مطلب مورد رسیدگی و سنجش قرار گرفت تصمیم لژ به وسیله رأی اکثریت اعضاء واجد شرایط که نسبت به موضوع رأی داده اند اتخاذ می گردد و فقط اعضائی که در تمام جریان بحث مطلب حاضر بوده اند حق رأی

دادن خواهند داشت. چنانچه شکایت وارد تشخیص شود لژ رأی خود را به صورت توییح نامه یا دادنامه‌ای بهر نحوه اکثریت آراء تصویب نماید صادر خواهد کرد معذلتك لژيك تابع نمی‌تواند دادنامه‌ای مشعر بر اخراج صادر کند زیرا این اختیار فقط به لژ اعظم تعلق دارد ولی چنانچه اوضاع و احوال تخلف را بقدر کافی شدید و مهم نشان دهد يك لژ تابع می‌تواند به لژ اعظم توصیه کند برادری از بخاندان اخراج گردد. رأی صادر شده از لژ باید بلافاصله کتباً به وسیله پست سفارشی به برادر مورد رأی ارسال گردد و در این نامه ذکر شود که رأی صادر شده قطعی است مگر این که ظرف يك ماه از تاریخ به پست‌دادن نامه اخیرالذکر به لژ اعظم ایالتی یا با ناحیه‌ای و یا به لژ اعظم (در صورتی که لژ در حوزه حاکمیت يك لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای نباشد) از آن دادنامه استیناف خواسته شود. در اوضاع و احوال خاص کمیته اعظم می‌تواند به وسیله دبیر اعظم مهلت يك ماه مقرر برای دادن استیناف را تمدید نماید.

ماده ۱۹۹ - هیچ دادنامه قبل از قطعیت نباید اجراء یا منتشر گردد ولی لژ تابع اختیار دارد چنانچه به لحاظ رعایت آرامش و هماهنگی مصلحت بداند در فاصله بین صدور دادنامه و قطعیت آن برادر معلق را به جلسات خود نپذیرد.

ماده ۲۰۰ - از هر دادنامه‌ای که طبق ماده ۱۹۷ صادر شود باید فوراً اطلاعیه‌ای توسط دبیر لژ تابع برای دبیر اعظم یا دبیر اعظم لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای (بر حسب مورد) فرستاده شود. در این اطلاعیه باید گواهی شود که دادنامه صادر طبق ماده ۱۹۸ کتباً جهت برادر مورد رأی ارسال گردیده و نیز باید تاریخ به پست‌دادن نامه فوق که برای برادر مزبور فرستاده شده است در اطلاعیه ذکر گردد.

ماده ۲۰۱ - برادری که رأی صادره از لژ تابع (بر علیه خود را) عادلانه نمی‌داند می‌تواند ظرف مهلت مذکور در ماده ۱۹۸ به لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای و یا به لژ اعظم (بر حسب مورد) مراجعه و از آن پترویش بخواهد بر حسب این که از هر يك از مراجع (لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای - کمیته اعظم یا لژ اعظم)

خواسته شده باشد طبق مواد ۱۲۸ - ۹۵ - ۱۰۴ تا ۱۱۱ جریان خود را طی نخواهد کرد .

ماده ۲۰۲ - دادنامه صادر شده نسبت به برادری که به موقع از آن استیناف نخواست و از طرف کمیته اعظم نیز ماده ۹۵ تغییر داده نشده است به خودی خود قطعی می شود. مزایای ماسونی از چنین برادری سلب شده تلقی و دیگر مجاز نخواهد بود در لژ اعظم یا در هر يك از لژهای اعظم ایالتی یا ناحیه ای و در هیچ لژ تابع حضور پیدا کند مگر این که مدت محکومیت مزبور منقضی شده و یا قطع گردد.

ماده ۲۰۳ - مدت دادنامه های مشعر بر تعلیق که بدون مدت صادر شده باشد فقط به وسیله لژ اعظم قابل تعیین می باشند .

ماده ۲۰۴ - لژهای تابع و برادران منفرداً و مجتمعاً از اینکه جریان لژ اعظم یا کمیته اعظم را به وسیله اعلان در جراید یا ارسال اطلاعیه یا گزارشی به وسائل دیگر به اطلاع لژها و اعضاء خاندان برسانند ممنوعند مگر با اجازه از کمیته اعظم و از اعطاء این اجازه بدون دلیل عقلانی خودداری نخواهد شد .

ماده ۲۰۵ - برادران از استعمال علامات در بنا و لواحق محل کسب و کار خود یا دیگران ممنوعند .

همچنین از استعمال علامات ماسونی در هر اطلاعیه یا اعلامی که مستقیماً و منحصر آ مربوط به اطلاعات ماسونی و تشریفات و البسه و زیورها یا اثاثیه ماسونی نباشد ممنوع می باشند و نیز ممنوعند از اینکه هیچ کلمه ای را که به عقیده لژ اعظم یا کمیته اعظم اشاره یا دلالت بر بستگی یا ینائی آزاد دارد جزء اسم تجاری خود قرار داده یا به نام و عنوان کسب و کار خود ملحق یا مربوط نمایند .

ماده ۲۰۶ - درخواست هایی که برای کمک به صندوق های يك لژ تابع تهیه می شود در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی و یا انجمن هایی که از اعضاء آن تشکیل نیافته باشد گذاشته نمی شود مگر با اجازه کمیته اعظم آنهم در صورتی که کتباً به تصویب استاد اعظم لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای یا کمیته منطقه مرکزی (بر حسب

مورد) رسیده باشد.

ماده ۲۰۷ - لژهای تابعی که با بی احترامی نسبت به استاد اعظم - استاد اعظم ایالتی یا ناحیه ای و هر کس که از طرف آنها عمل می نماید و یا نسبت به لژ اعظم - کمیته اعظم - لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای و یا نسبت به کمیته اعظم ناحیه منطقه مرکزی رفتار نمایند و یا طبق دستورات و قضاوت های آنها رفتار نکنند و یا اینکه از متابعت از هر يك از این قوانین تخلف نمایند آنها در معرض تعلیق یا ابطال قرار می گیرد و چنانچه در هر يك از موارد فوق بی احترامی یا تافرنای از طرف يك فرد لژ باشد آن برادر در معرض تعلیق قرار خواهد گرفت.

ماده ۲۰۸ - برادر عضو لژ تعلیق یافته یا عضو لژی که فرمان آن ابطال گردیده قابل انتخاب به سمت عضو لژ اعظم یا يك لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای یا يك لژ تابع دیگر نخواهد بود مگر اینکه کتباً عدم موافقت خود را نسبت به رفتاری که منجر به تعلیق لژ یا ابطال فرمان گردیده است اظهار داشته ورد ایراد از او مورد قبول کمیته اعظم واقع شده باشد.

ماده ۲۰۹ - لژهای تابعی که دارای شرکت های انتفاعی وابسته به خود می باشند نمی توانند عضویت در چنین شرکت هایی را شرط عضویت در لژ قرار داده یا اینکه این موضوع را شرط لازم برای سمت افسری در لژ قرار دهند. لژهایی که چنین شرکت های انتفاعی دارند باید حساب های آن را بکلی از حساب های لژ جدا نگاهدارند.

فهرست اول

حقوق و سایر مبالغی که به وسیله قوانین پیش گفته معین شده یا مجاز تشخیصی

دارد شده است.

یادداشت : تمام مبالغ مذکور در قسمت اول از این فهرست باید به درآمد صندوقهای عمومی واریز شود مگر اینکه به نحو دیگری مقرر باشد . این مبالغ باید به لیره انگلیسی پرداخت گردد .

قسمت اول

مبالغی که باید به لژ اعظم پرداخت شود :

بند ۱ - (ماده ۷۴) حق عضویت سالیانه هر عضو لژ اعظم غیر از نمایندگان .
لژهای تابع (که شامل بهای نسخه اوراق چاپی جریانات لژ اعظم نیز خواهد بود)
۰۰۰۰۰ - ۱۰ - ۱۰ پوند

بند ۲ (ماده ۱۱۴) که از طرف استادان اعظم ایالتی و ناحیه ای . بابت این
مأموریت
۰ - ۱۰ - ۱۰ پوند

بند ۳ (ماده ۱۱۵) بابت هر تجدید مأموریت بند ۲ ۰ - ۲ - ۲ پوند
بند ۴ (ماده ۱۴۷) فرمان لژهای تازه
۰ - ۱۰ - ۱۰ پوند

بند ۵ (ماده ۱۴۷) ثبت نام و دیپلم هر عضو مؤسس
الف - اگر عضو يك لژ تابع باشد
۰ - ۵ - ۰ پوند

ب - اگر عضو تابع يك لژ اعظم دیگر باشد
۰ - ۱۰ - ۱ پوند

بند ۶ (ماده ۱۵۴) لژهای تابع پرداختهای سالیانه لژ تابع بابت گواهی نامه
کار سالیانه و حقوق نمایندگی در لژ اعظم و بهای چهار نسخه از اوراق جریانات چاپی
لژ اعظم ۰ - ۰ - ۳ پوند و این مبلغ تشکیل می شود از :

لژ اعظم ۰ - ۱۰ - ۱ پوند - چهار نسخه از جریانات چاپی لژ اعظم ۰ - ۱۰ - ۱ پوند
جمعاً
۰ - ۰ - ۳ پوند

بند ۷ (ماده ۷۰) حقوقی که باید از طرف هر عضو وکیل لژ اعظم در موقع
انتصاب پرداخت گردد
۰ - ۱۰ - ۰ پوند

بند ۸ (ماده ۱۸۵) بابت هر تازه وارد از طرف لژ ۰ - ۱۵ - ۰ پوند که به شرح
زیر تقسیم می شود :

برای دیپلم * - ۵ - * برای ثبت نام * - ۱۰ - * - ۰ - ۱۵ - *
 و از طرف لژهای تابع واقع در اسکاتلند يك شیلینگ از هر پوند که بابت پذیرش از هر تازه وارد دریافت می گردد .

بند ۹ (ماده ۱۸۵) بابت هر الحاق از طرف لژ: الف - اگر نام قبلا در دفاتر لژ اسکاتلند به ثبت رسیده باشد و از بابت ثبت دیپلم * - ۵ - * - پوند ب - اگر نام قبلا در دفاتر لژ اسکاتلند به ثبت رسیده باشد همان مبلغ که برای هر تازه وارد پرداخت می شود و در بند ۸ بالا ذکر گردیده .

بند ۱۰ (ماده ۱۶۰) بابت ثبت نام هر استاد هارک که شامل دیپلم نیز خواهد بود * - ۵ - * - پوند

بند ۱۱ (ماده ۱۸۵) از طرف اعضاء جدید لژهای تابع مبلغی که باید هر تازه وارد و هر عضو الحاقی از يك لژ اعظم دیگر (علاوه بر آنچه که باید به لژ بدهد) به لژ اعظم * - ۱۰ - * - پوند بپردازد . بند ۱۲ (ماده ۸۵) استادان تنصیب شده حق ثبت نام استاد تنصیب شده و بابت دیپلم او ۶ - ۱۰ - * - پوند

بند ۱۲ (ماده ۸۵) حق گواهی نامه خدمت افسران اعظم پیشین * - ۵ - * - پوند .

بند ۱۴ (ماده ۱۴۸) المثنی فرمان * - ۲ - ۲ - * - پوند

بند ۱۵ (ماده ۸۶) المثنی یا اصلاحیه دیپلم * - ۵ - * - پوند

بند ۱۶ (ماده ۸۷) حق معافیتی که استاد بنای اعظم صادر می کند * - ۱ - ۱ - * - پوند .

بند ۱۷ الف (ماده ۱۵۵) دفترچه شامل ۱۲ گواهی ثبت نام ۶ - ۳ - * - پوند .

بند ۱۷ ب (ماده ۱۷۵) دفترچه شامل ۱۲ برگ تصفیه حساب بالتر ۶ - ۳ - * - پوند .

بند ۱۸ (ماده ۱۵۵) نسخ اوراق جریانات چاپی نسخ چاپی فوق الذکر قابل تحویل به

عضو خاندان (بنای) آزاد در مقابل مبلغ فوق خواهد بود .

بند ۱۹ - (ماده ۱۰۷) اوراق چاپی - اوراق درخواست - اوراق شکایت - اوراق پژوهش یا سایر لوايح هر کدام ۰ - ۵ - ۰ پیوند . سایر اوراق چاپی مربوط به عملیات یا اقدامات بابت هر ورقه ۱ - ۱ - ۰ پیوند . بابت هر گزارش عمل یا اقدام ۱ - ۱ - ۰ . مستخرجه از نسخ اوراق چاپی یا مربوط به اقدامات .

الف - بابت صفحه اول که شامل ۲۵۰ کلمه یا کمتر باشد ۶ - ۲ - ۰ پیوند .
ب - بابت هر يك از صفحات بعدی که شامل ۲۵۰ کلمه یا کمتر باشد ۶ - ۱ - ۱ پیوند .

بند ۲۰ (ماده ۷۷) قوانین اساسی بابت نسخه کامل قوانین اساسی (هر مبلغ که کمیته اعظم تعیین نماید) .

بند ۲۱ (ماده ۱۶۵) نسخه طبع شده اختصاری قوانین مزبور (هر مبلغ که کمیته اعظم تعیین نماید) .

بند ۲۲ (ماده ۲) حقوق اقتضاری (که سالیانه به صندوق خیریه لژ اعظم پرداخت شده و علاوه بر حق عضویتی است که باید به صندوق عمومی پرداخت شود) .

استاد بنای اعظم	۰ - ۱۰ - ۱۰ پیوند
استاد بنای اعظم پیشین	۰ - ۵ - ۵ پیوند
قائم مقام استاد بنای اعظم	۰ - ۵ - ۵ پیوند
معاون استاد بنای اعظم	۰ - ۵ - ۵ پیوند
سرپرست اعظم اول	۰ - ۳ - ۳ پیوند
سرپرست اعظم دوم	۰ - ۳ - ۳ پیوند
استاد اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای	۰ - ۳ - ۳ پیوند
استاد اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای پیشین	۰ - ۲ - ۲ پیوند
وکیل استاد اعظم ناحیه‌ای	۰ - ۳ - ۳ پیوند

۰ - ۲ - ۲	پوند	خزانه‌دار اعظم
۰ - ۲ - ۲	پوند	امین خیریه اعظم
۰ - ۱ - ۱	پوند	خطیب اعظم اول
۰ - ۱ - ۱	پوند	خطیب اعظم دوم
۰ - ۲ - ۲	پوند	راهنمای اعظم دوم
۰ - ۱ - ۱	پوند	رئیس اعظم تشریفات
۰ - ۱ - ۱	پوند	کتابدار اعظم
۰ - ۱ - ۱	پوند	مهندس اعظم
۰ - ۱ - ۱	پوند	زیوردار اعظم
۰ - ۱ - ۱	پوند	کتاب‌بر اعظم
۰ - ۱ - ۱	پوند	شاعر اعظم
۰ - ۱ - ۱	پوند	شمشیردار اعظم
۰ - ۱ - ۱	پوند	رئیس اعظم موسیقی
۰ - ۱ - ۱	پوند	معاون اعظم رئیس تشریفات
۰ - ۱ - ۱	پوند	مدیر اعظم انتظامات
۰ - ۱ - ۱	پوند	بیرق‌دار اعظم اول
۰ - ۱ - ۱	پوند	بیرق‌دار اعظم دوم
۰ - ۱ - ۱	پوند	نگهبان اعظم داخلی

رئیس کارپردازان عظام (علاوه بر حقوقی که بتواند کارپرداز اعظم می‌پردازد)

۶-۱۰-۰ پوند.

(ماده ۲۸) نایب رئیس کارپردازان عظام (علاوه بر حقوقی که به عنوان کارپرداز

اعظم می‌پردازد) ۶-۱۰-۰ پوند.

(ماده ۲۷) هر کارپرداز اعظم ۶-۱۲-۱ پوند.

بند ۲۳ (ماده ۱۷۱) سایر مبالغ

مبالغی که به موجب این ماده دریافت می‌شود یا بعداً دریافت شود باید به حساب صندوق های خیریه لژ اعظم به تناسبی برده شود که کمیته امور مالی (بعد از توجه به گزارش کمیته هیئت های خیریه و خانه های ماسونی) هر چند وقت یکبار تعیین نماید و به تصویب کمیته اعظم رسیده باشد .

«قسمت دوم»

مبالغی که به لژهای اعظم ایالتی یا ناحیه ای پرداخت می‌شود به منطقه مرکزی باید پرداخت شود .

الف - مبالغی که به لژهای اعظم ایالتی و ناحیه ای باید پرداخت شود و شامل لژ اعظم منطقه مرکزی نیز خواهد بود

بند ۱ - از طرف لژهای تابع (ماده ۱۴۰) برای کارهای لازم .

۱ - حداقل مبلغ سالیانه ۰ - ۰ - ۱ پوند .

۲ - بابت هر تازه وارد یا هر الحاق ۰ - ۵ - ۰ پوند .

۳ برای صندوق خیریه . به مناسبت هر تازه وارد یا هر الحاق حداکثر مبلغ ۰ - ۵ - ۰ پوند

ب - مبالغی که به لژ اعظم ایالتی و ناحیه ای فقط (که شامل لژ اعظم منطقه مرکزی نباشد) باید پرداخت شود .

بند ۲ (ماده ۱۴۱) بابت حقوق عضویت (که سالیانه پرداخت می‌شود) هر مبلغی که از طرف لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای تهیه شده باشد .

بند ۳ - (ماده ۱۴۱) بابت حقوق تخفیف یافته (که اختیاری است مبلغ حداقل ده برابر حقوق سالیانه که باید در صندوق جداگانه نگهداری شود و بیشتر از ده درصد از مبلغ اضافه شده به این صندوق را در هر سال نمی‌توان برای منظور داشتن به حساب حق عضویت سالیانه برداشت نمود .

بند ۴ (ماده ۱۴۱) بابت حقوق افتخاری . هر مبلغی که از طرف لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای تعیین شده باشد .

بند ۵ (ماده ۱۳۱) بابت اوراق چایی. نصف حقوق تعیین شده در بند ۱۹ از قسمت اول از این فهرست.

ج - مبالغی که به لثاعظم ناحیه ای منحصر آ پرداخت می شود (که شامل لثاعظم ایالتی یا لثاعظم منطقه مرکزی نخواهد بود)

بند ۶ (ماده ۱۴۲) از طرف لثهای تابع - بابت حقوق سالیانه هر عضو و بابت حقوق تخفیف یافته مربوط به هر عضو و بابت حق اعطای معافیت ها و بابت تجدید نظر در آئین نامه های داخلی و سایر اقدامات اداری (کلا به هر مبلغ که از طرف لثاعظم ناحیه ای تعیین گردد)

« قسمت سوم »

مبالغی که باید به لثتابع پرداخت شود

(بند ۱ ماده ۱۸۳) حق ورود - حداقل ۰ - ۷ - ۷ پوند

بند ۲ (ماده ۱۸۳) حق الحاق - حداقل ۰ - ۳ - ۳ پوند

بند ۳ (ماده ۱۶۰) مارك

الف - حداقل ۶ - ۱۰ - ۰ پوند و (که آئین نامه داخلی کمتر از آن تعیین نخواهد کرد) یا .

ب - برای ثبت نام و دیپلم (اگر تعیین نشده باشد) ۰ - ۵ - ۰ پوند .

بند ۴ (ماده ۱۸۷) حق عضویت سالیانه حداقل ۰ - ۱۰ - ۰ پوند .

بند ۵ (ماده ۱۸۸) صندوق تخفیف یافته که (اختیاری است) که حداقل ده برابر مبلغ عضویت سالیانه که باید در صندوق مخصوص ریخته شود و بیشتر از ده درصد از مبلغی که در هر سال مالی به این عنوان اخذ می گردد نباید جهت اضافه کردن به وجوه حقوق عضویت سالیانه اعضاء در همان سال برداشت گردد .

بند ۶ (مواد ۱۸۷ و ۱۸۹) صندوق وجوه خیریه . مبلغی که کمتر از یک شلینگ نخواهد بود از هر حق عضویت سالیانه و بهمین تناسب از آن مبلغ که در هر سال

از وجوه حقوق عضویت سالیانه برداشت شده است .

بند ۷ (ماده ۸۷) معافیت اخذشده از استاد بنای اعظم . حقوقی که باید به لژ اعظم پرداخت شود در بند ۱۶ از قسمت اول از این فهرست تعیین گردیده است .
بند ۸ (ماده ۱۶۱) سایر مبالغ .

بهر نحوی که در آئین نامه داخلی تعیین شده باشد .

بند ۹ (ماده ۱۵۶) الف - بابت حقوق مربوط به تجدید عضویت حداقل
۰ - ۲ - ۲ پوند

بند ۱۰ (ماده ۱۴۷) بابت حق مؤسس حداقل ۰ - ۰ - ۳ پوند .

فهرست دوم - آئین نامه عمومی

«مقدمه»

از لحاظ ماده ۱۶۱ قانون اساسی لژ اعظم آئین نامه و مقرراتی که يك لژ تابع مكلف به رعایت آن می باشد تشکیل می شود از قوانین مربوط به لژ اعظم - آئین نامه عمومی مربوط به کلیه لژها که ذیلا درج می گردد و همچنین آئین نامه داخلی آن لژ .

قسمت اول «جلسات»

جلسه فوق العاده و جلسه خاص - دعوت جلسه فوق العاده برای اعطاء درجات یا مارك ممكن است در هر موقع از سال از طرف استاد ارجمند و در غیاب او از طرف استاد ارجمند قبلی یا قائم مقام استاد ارجمند و یا معاون او بعمل آید . دعوت برای تشکیل يك جلسه خاص ممكن است برای هر منظور دیگر به ترتیب مذکور در فوق و یا بر اثر درخواست هفت نفر از اعضاء واجد شرایط که درخواست خود را اعضاء کرده و موضوع تشکیل جلسه را در درخواست تعیین نموده و برای دیر ارسال داشته باشند نیز بعمل آید و در این صورت دیر لژ باید فوراً درخواست مزبور را به اطلاع استاد ارجمند برساند . دعوت برای تشکیل يك جلسه خاص به وسیله بخشنامه یا اعلانی که حاوی موضوع مخصوص کار جلسه باشد بعمل می آید و در چنین جلسه ای کار دیگری نمی توان انجام داد .

قسمت دوم «افسران»

۱- توصیه‌ای که از طرف کمیته برای انتخاب افسران بعمل می‌آید لطمه‌ای به حق اعضاء لژ نسبت به نامزد کردن هر برادر جهت هر سمت افسری وارد نخواهد بود. هیچ برادری رانمی‌توان در غیاب او برای سمت افسری نامزد نمود. مگر اینکه رضایت او قبلاً کسب و بوسیله برادر و واجد شرایط دیگری شهادت داده شده یا ضمانت شده باشد.

۲- در انتخاب افسران لژ یا اعضاء کمیته‌ها برای منظورهای ماسونی رأی ممکن است بامهره یا بابلند کردن دست به هر نحو که لژ تصمیم گرفته باشد اخذ گردد.

۳- پستهای افسری که خالی می‌شود. در صورتیکه استاد ارجمند فوت کند، استعفا دهد یا سلب صلاحیت او بشود انجام وظائف سمت او در عهده استاد ارجمند قبلی خواهد بود و در صورتی که هر يك از اتفاقات فوق برای یکی دیگر از افسران انتخابی لژ پیش آمد کند لژ در جلسه عادی بعدی یا هر جلسه عادی لاحق می‌تواند برادر دیگری را برای تصدی سمت پست خالی شده (تا موقع انتخابات سال بعد) انتخاب نماید مشروط بر اینکه موضوع قبلاً به کلیه برادران واجد شرایط اطلاع داده شده باشد.

۴- غیبت افسران - به استثنای استاد ارجمند هر افسر دیگری که سه جلسه عادی متوالی غیبت کند باید از طرف دبیر باو اخطار شود و چنانچه دلیل قانع کننده‌ای جهت غیبت خود به لژ ارائه ندهد لژ می‌تواند آن پست افسر را خالی شده اعلام و برادر دیگری را به نحو مقرر در بند ۳ بالا بجای او انتخاب نماید.

۵- استاد ارجمند استاد ارجمند رئیس کلیه جلسات لژ و کمیته‌های آن خواهد بود در هر امری که بین اعضاء اختلافی شود رئیس می‌تواند رأی خود را به نفع هر طرف که بخواهد اعلام نماید و در صورت تساوی آراء نظر ظرفی که رأی رئیس در آن واقع است قاطع خواهد بود.

در غیبت استاد ارجمند کرسی ریاست به ترتیب مقرر در ماده ۱۷۴ از قوانین

اساسی اشغال خواهد شد و بهمین ترتیب در جلسات کمیته‌ها نیز رفتار می‌شود به‌جز در کمیته‌های خاص که برادر دیگری جهت ریاست آن (در غیاب استاد ارجمند) تعیین شده باشد.

۶- دبیر- دبیر وظیفه دارد دعوتنامه جلسات لژ و کمیته‌های آنرا صادر نماید در تمام جلسات حضور پیدا کند - کلیه جریانات را بطور منظم و مشخص ثبت نموده و در دفتر صورت جلسات وارد نماید و صورت جلسات را به لژ اعظم ایالتی و یا ناحیه‌ای ارسال دارد.

دبیر ضبط‌کننده تمام دفاتر و اسناد و مدارکی که به لژ تعلق دارد می‌باشد به استثنای فرمان لژ که مراقبت نسبت به آن در عهده استاد ارجمند خواهد بود و همچنین به استثنای وجوه دفاتر و اوراق مربوط به خزانه‌داری که به عهده خزانه‌دار بوده و دبیر باید صورت موجودی و سیاهه آنها را داشته باشد.

۷- خزانه‌دار- خزانه‌دار وظیفه دارد کلیه وجوه متعلق به لژ را وصول نمود و ضبط و ربط نماید.

دفاتر خزانه داری به خزانه‌دار تحویل شده و او باید حساب کلیه عملیاتی که نسبت به زجوه لژ انجام می‌دهد در آن دفاتر بطور صحیح ثبت و نگاهداری نماید. خزانه‌دار باید يك حساب بانکی برای هر يك از صندوقهای لژ نگاهداری کند که استفاده از این حساب‌ها به اعضای استاد ارجمند و دبیر و خزانه‌دار یا به امضای دو نفر از سه نفر مزبور خواهد بود و خزانه‌دار در صورتی که حضور داشته باشد باید یکی از آن دو نفر باشد و ظهر نویسی اوراق بهادار از طرف لژ نیز در مواقع ضرورت به همین طریق انجام خواهد شد. خزانه‌دار نمی‌تواند هیچگاه بیش از هم ارز پنج لیره انگلیسی از وجوه لژ را در نزد خود نگاهدارد. خزانه‌دار باید تمام حقوق لژ اعظم و لژ اعظم ایالتی یا ناحیه‌ای را ولو اینکه لژ یا هر يك از کمیته‌ها خلاف آن را دستور دهند پرداخت نماید و همچنین باید تمام مطالبات اشخاص را بعد از آن که مورد تصویب لژ واقع و به پاراف استاد ارجمند یا برادر دیگری که در غیاب

استاد ارجمند ریاست لژ را عهده‌دار است رسیده باشد بپردازد. کمیته می‌تواند در هر موقع از خزانه‌دار بخواهد که حساب عملیات خود را بدهد و خزانه‌دار باید در آخر هر سال مالی حسابهای خود را بسته و خلاصه صورت درآمد و هزینه را توأم با بیلان لژ تهیه و در اختیار ممیزین حساب گذارد.

پس از آنکه صورت حساب و بیلان توسط ممیزین حساب گواهی شده و یا مورد اطمینان نظر واقع گردید باید به چاپ رسیده و در اختیار کلیه اعضاء و اجد مشرابط لژ (به ترتیب مقرر در آئین‌نامه داخلی) قرار گیرد.

مقررات مذکور در این بند عیناً شامل امین‌خیریه یا خزانه‌دار وجوه خیریه نسبت به وجوهی که در اختیار او گذاشته شده باشد نیز خواهد بود.

قسمت سوم «کمیته‌ها»

۱- کمیته عمومی - در جلسه انتخابات سالیانه هر لژ يك کمیته عمومی برای اداره امور لژ انتخاب می‌گردد و مرکب از افسران یا اعضائی از آن لژ خواهد بود که در آئین‌نامه داخلی تعیین شده باشد. این کمیته می‌تواند اختیار خود را به سوکمیسیون‌هایی که از اعضاء آن تشکیل یافته باشد واگذار نماید. انتخاب اعضاء این کمیته باید در همان جلسه تکمیل گردد و قابل تعویق نخواهد بود.

۲- کمیته‌های خاص - لژ می‌تواند گاه‌بگاه و به موجب ضرورت کمیته‌های مخصوصی تعیین و منصوب نماید.

۳- در کمیته عمومی و کمیته تحقیق حدنصاب از طرف لژ تعیین خواهد شد.

۴- گزارش اقدامات و تصمیمات کمیته‌ها باید در جلسه عادی بعدی لژ به اطلاع برادران رسد و مورد تصویب اعضاء کمیته که حضور دارند واقع گردد.

قسمت چهارم «ترتیب کارها»

۱- در هر جلسه عادی لژ که شامل جلسه انتخابات سالیانه نیز می‌باشد صورت جلسات قبلی اعم از عادی - فوق‌العاده و خاص که تشکیل یافته باشد باید قرائت شود

و پس از تائید از طرف لژ باید توسط برادری که ریاست را عهده‌دار است و همچنین از طرف دبیر امضاء گردد. سپس گزارش کمیته‌ها مطرح و بعداً سایر کارهایی که در دستور جلسه قرار داده شده به ترتیبی که در دعوت‌نامه ذکر گردیده و یا اینکه مجاز باشد انجام خواهد یافت.

۲- برادری که بخواهد در لژ صحبت کند باید بپا خیزد و در تمام مدت صحبت خود ایستاده بماند و استاد ارجمند یا برادری را که ریاست می‌کند مخاطب قرار داده نظم و آداب حسن سلوک را رعایت نماید. هیچ برادری بیش از یکبار نسبت به يك موضوع نباید صحبت کند مگر برای توضیح یا جواب و یا برای تقدیم يك پیشنهاد آنهم با اجازه برادری که کرسی ریاست را عهده‌دار است.

۳- نسبت به تمام موضوعاتی که مطرح می‌شود نظر اکثریت اعضاء حاضر و واجد شرایط که رأی دهند قاطع خواهد بود و دادن رأی بوسیله بلند کردن دست انجام می‌شود مگر اینکه بنا به تصمیم لژ رأی بامهره اخذ گردد.

اخذ تصمیم نسبت به وجوه لژ و تفسیر آئین‌نامه داخلی از این قاعده مستثنی بوده و به نحو مقرر نسبت به آنها اخذ رأی بعمل خواهد آمد.

۴- تمام کارها در درجه يك انجام خواهد شد به استثنای انتخاب افسران و اعضای کمیته‌هایی که صرفاً برای منظورهای ماسونی تعیین می‌گردند.

۵- استاد ارجمند یا برادر دیگری که وظیفه ریاست را عهده‌دار است به ترتیب انجام سایر کارها که در این آئین‌نامه ترتیب آنها ذکر نشده است تصمیم می‌گیرد ولی اختیار اخذ تصمیم نسبت به تفسیر يك ماده قانون اساسی یا يك ماده از آئین‌نامه داخلی را نداشته و یا يك موضوع را در جلسه مطرح نماید.

قسمت پنجم «دارائی و صندوقهای وجوه»

۱- تمام اموال لژ اعظم از منقول و غیر منقول با هر مشخصاتی که باشد به استثنای وجوهی که در بانک گذاشته شده در اختیار افسران و اعضای گذاشته می‌شود که هر چند وقت یکبار از طرف لژ تعیین شوند (یا در اختیار

جانشین‌های آنها). این اشخاص امانت‌دار تلقی شده و لژ همواره می‌تواند کار آنها را مورد کنترل و رسیدگی قرار دهد. امانت‌داران مزبور باید اموال و دارائی لژ را در مقابل آتش سوزی یا سرقت به هر مبلغ که لازم تشخیص دهند بیمه نمایند.

۲- وجوه صندوقهای عمومی لژ به مصرف هزینه‌های لازم لژ و تهیه و نگاهداری البسه و زیورآلات لژ خواهد رسید.

۳- پیشنهاد واگذاری قسمتی از دارائی یا وجوه لژ برای يك منظور فوق‌العاده و غیر عادی داده نمی‌شود مگر اینکه اطلاعیه‌ای مربوط به چنین پیشنهاد در جلسه‌ای که لا اقل يك ماه قبل تشکیل گردیده است علناً و کتباً به لژ داده شده باشد. رو نوشت این پیشنهاد باید در دعوتنامه جلسه‌ای که موضوع جهت اخذ تصمیم در آن طرح خواهد شد قید گردد و چنانچه جلسه بوسیله اعلان در روزنامه دعوت شود باید بطور روشن نسبت به آن در اعلان اشاره شود. چنین پیشنهادی باید لا اقل از طرف ثلث اعضاء واجد شرایط تصویب گردد تا بتوان آن را پذیرفته شده تلقی نمود.

۴- پیشنهادی که ماهیت آن یکبار در لژ مطرح و مورد تصمیم قرار گرفته است نباید مجدداً تقدیم یا مورد بحث قرار گیرد مگر بعد از انقضای دوازده ماه از تاریخ مزبور.

قسمت ششم «حق عضویت سالیانه»

هر برادری که حق عضویت سالیانه خود را پرداخت نکرده باشد حق دریافت دعوتنامه مربوط به تشکیل جلسات را نخواهد داشت.

قسمت هفتم «پذیرش اعضاء»

۱- هیچ تقاضا کننده عضویت را که در نتیجه اخذ رأی به وسیله مهر پذیرفته نشود نمی‌توان قبل از انقضاء مدت يك سال از تاریخ اخذ رأی مزبور مجدداً پیشنهاد نمود.

اعضاء و برادران مهمان از سعی در کشف اینکه کدام برادر با پذیرش تقاضای

عضویت مخالفت کرده است ممنوع می باشد .

۲ - برادران لژهای دیگر را که به سبب ابراز لیاقت در بنائی آزاد مشخص شده اند می توان بنابه پیشنهاد استاد ارجمند و تصویب هر جلسه عادی بعضویت افتخاری لژ پذیرفت . اعضای افتخاری دارای تمام مزایای اعضاء عادی به استثناء افسر شدن و شرکت در مذاکره و دادن رأی (در کارهای لژ) می باشند .

۳ - يك لژ تابع می تواند تحت شرایط زیر بهر يك از اعضاء خود عنوان عضو خدمتگذار مشخص را اعطا نماید .

این افتخار فقط به برادری اعطاء می شود که هدایت مدیریتی خدمت شخصی را نسبت به لژ انجام داده باشد چنین برادری در عین حال که تمام حقوق و مزایای عضو عادی را خواهد داشت ممکن است بر حسب تصمیم لژ از پرداخت حق عضویت سالیانه در آینده معاف گردد . این پیشنهاد باید در لژ دایر از طرف استاد ارجمند بعمل آید و قبول شدن آن موکول به این است که لااقل دو سوم از اعضاء واجد شرایط و رأی دهنده که حاضر باشند در جلسه عادی بعدی که دعوت نامه آن حاوی اطلاعیه مربوط به این پیشنهاد خواهد بود رأی موافق بدهند . چنین پیشنهادی را به لژ نمی توان کرد مگر بعد از آنکه از طرف لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای یا از طرف بازرس اعظم ناحیه ای یا از طرف رئیس کمیته اعظم ناحیه مرکزی و یا (در صورتی که لژ مستقیماً تحت نظارت لژ اعظم اداره می شود) از طرف استاد بنای اعظم تصویب شده باشد و چنین افتخاری را قبل از تصویب مزبور نمی توان اعطاء نمود .

قسمت هشتم «رفتار در لژ»

۱ - به محض اینکه استاد ارجمند برادران را به نظام فرا خواند سکوت فوری و مطلق برقرار خواهد شد .

هر برادر باید در جای خود ثابت بماند به استثنای آن عده از افسران لژ که وظیفه آنها انجام حرکت را ایجاب نماید . هیچ برادر نمی تواند داخل لژ شده و یا

از آن خارج شود مگر اینکه احترام لازم را نسبت به کرسی و استاد ارجمند معمول دارد .

۲ - چنانچه برادری به نحوی رفتار نماید که مزاحم هماهنگی لژ گردد و بعد از اخطار استاد ارجمند یا برادر ریاست کننده نیز در رویه نامطلوب خود سماجت نماید رئیس جلسه می تواند به او امر دهد که از لژ خارج شود و این امر به باید فوراً به موقع اجرا گذاشته شود .

قسمت نهم «مهمانان»

هیچ برادری را نمی توان بعنوان مهمان در لژ داخل نمود مگر اینکه قبلاً توسط يك استاد بنای شناخته شده به یکی از افسران لژ معرفی و تضمین شده باشد و اینکه دیپلم صادره به نام او و از طرف لژ اعظم و یا مدارك کتبی دیگری که به امضای دبیر یا خزانهدار لژ او رسیده و حاکی از عضویت او در آن لژ باشد ارائه داده و توسط دو نفر از برادرانی که از طرف استاد ارجمند (یا برادر دیگری که ریاست لژ را عهده دار است) تعیین شده باشند مورد امتحان قرار گرفته و گزارش موافق داده و پذیرش او را توصیه نموده باشند .

قسمت دهم «اصلاح یا تغییر یکی از مواد آئین نامه داخلی»

پیشنهاد اضافه کردن هر ماده جدید به آئین نامه مزبور مورد توجه لژ قرار نخواهد گرفت، مگر اینکه لااقل يك نامه قبل از آن پیشنهاد در جلسه عادی لژ قرائت و رونوشت آن به ضمیمه دعوت نامه جلسه ای که باید در آن طرح گردد بخشنامه شده باشد و یا در اعلان دعوت جلسه مزبور اشاره روشنی نسبت به آن بعمل آمده باشد . چنین پیشنهادی چنانچه به تصویب لااقل دو نلث از اعضاء واجد شرایط و رأی دهنده حاضر برسد بعد از تأیید لژ اعظم ایالتی یا ناحیه ای (در صورت

وجود) و یا بعد از تأیید کمیته اعظم کاملاً قوت قانونی یافته و به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

قسمت یازدهم «کلی»

هر موضوعی که در آئین نامه داخلی یا آئین نامه های مخصوص لژ (در حدود قوانین اساسی) تکلیف آن معین نشده باشد باید قوانین اساسی لژ اعظم اسکاتلند نسبت به آن موضوع مراعات گردد.

پایان جلد سوم

ضمیمه دوم

فهرست منابع و مآخذ

۱ - کتابها

- آراء و معتقدات سید جمال الدین افغانی - بقلم مرتضی مدرس چهاردهی -
سال ۱۳۲۷ شمسی - ۲۲۰ صفحه .
- اسرار سازمان مخفی یهود - ژرژ لامبلن - ترجمه مصطفی فرهنگ -
۱۵۰ صفحه .
- اسرار فراموشخانه ها یا انجمنهای مخفی کنونی در اروپا و آمریکا -
البر لانتون - ترجمه دکتر جعفر شاهید - ۷۲ صفحه - از انتشارات روزنامه جوانمردان .
- انقلاب ایران - پرفسور ادوارد براون - ترجمه و حواشی احمد پثروه -
۴۹۶ صفحه .
- الماسونیه العام - منذ نشاتها الی هذال یوم - جرجی زیدان - ترجمه حسن
فرامرزی (برای نگارنده کتاب) .
- اقتصاد اجتماعی یا حقوق صنعتی و قوانین کار - دکتر شیدفر .
- انقلاب مشروطیت ایران - دکتر مهدی ملکزاده - هفت جلد - ناشر
کتابفروشی ابن سینا .

آئین فراماسونری - منظومه خطی ادیب الممالك فراهانی در ۵۰۰ بیت و ۹۳ صفحه - این آئین نامه با حواشی و زیرنویس های آن که تا کنون منتشر نشده است، به خط و امضاء و مهر ادیب الممالك می باشد و مالک آن مرحوم اشراق محضر - دار بوده که موقتاً به طباطبائی قاضی عدلیه داده و او آن را به هاشمی حائری مدیر روزنامه طلوع واکذار کرده است . میکرو فیلم این منظومه در اختیار ما می باشد.

بیداری ایرانیان - ناظم الاسلام کرمانی - چاپ سنگی در هفتاد و یک جزوه دو ورقی که هر جزوه شامل ۱۶ صفحه می باشد .

تحفة العالم - عبداللطیف بن ابيطالب موسوی شوشتری جزایری چاپ حیدرآباد هندوستان جمادی الاولی ۱۲۱۶ - اکتبر ۱۸۰۱ - ۳۸۸ صفحه .

تاریخ تحولات اجتماعی - مرتضی راوندی از سلسله انتشارات حزب توده ۳۸۰ صفحه .

جمعیت های سری از قدیم تا عصر جدید - تألیف و تلخیص مرتضی زاده پنجابی - ۶۱ صفحه - چهار گفتار و نقل قسمتی از مقاله سالنامه کشوری ایران - چاپ تهران از نشریات لث همایون - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۲ - چاپخانه فردوسی .

جمعیت های سری و جنبش های تخریبی - استاد محمد عبدالله غنان - ترجمه هاشمی حائری مدیر روزنامه طلوع - این کتاب ابتدا بصورت یاورقی در روزنامه طلوع چاپ شده، سپس در ۲۶۶ صفحه در چاپخانه تابش تجدید چاپ و بوسیله کتابخانه ابن سینا، پخش و منتشر شده است .

چهار رساله پرنس ملکم خان - چاپ تهران - ۱۰ صفر ۱۳۲۶ - ۱۹۰۸ ناشر عبدالله تهرانی مشهور به کاوه .

حوادث - دکتر محمد حسین میمنندی نژاد - ۱۲۲ صفحه - رایگان .

حکومت خانواده ها - ابوالفضل قاسمی - چاپ گیلان - ۲۱۹ صفحه .

در راه حق - دکتر محمد حسین میمنندی نژاد - چاپ اول ۸۲ صفحه - رایگان توزیع شده .

دیوان ادیب المماليك قراھانی قائم مقامی - تدوین و حواشی وحید دستگردی مدیر ارمغان - آبان ۱۳۱۲ در ۷۵۶ صفحه اصل و ۴۵ صفحه ضمیمه و متفرقه .

روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم - تألیف شادروان محمود محمود - مجلدات پنجم و هفتم .

روسیاها - چاپ اول ۱۵۴ صفحه - رایگان توزیع شده .

رهبران مشروطه ایران - جلد اول - ابراهیم صفائی - سال ۱۳۴۳ .

زعامداران انگلستان - لرد کهن - ارنت گلام - ترجمه اسماعیل نشاط - ۱۰۱ صفحه .

زندگانی و فلسفه اجتماعی و سیاسی سید جمال الدین افغانی - مرتضی مدرس چهاردهی - ۲۱۱ صفحه .

سرگذشت مسعودی - بقلم سلطان مسعود میرزا ظل السلطان - ۳۶۸ صفحه چاپ سنگی - سال ۱۳۲۵ هجری .

سفرنامه میرزا حسین خان آجودانباشی - معروف به (سفرنامه چهار فصل) نوشته عبدالفتاح گرم رودی - سفرنامه شامل جزئیات مسافرت هجده ماهه آجودانباشی است که در ۲۳ ربیع الثانی ۱۲۵۵ هجری - ۱۲ ژوئن ۱۲۳۹ آغاز شده . نسخه کپی شده بفرمایش میرزا محمود خان پهلوی - گنجینه کتب خطی مجلس شورای اسلامی .

ایضاً - شرح مأموریت آجودانباشی - تألیف محمد مشیری - ۵۱۷ صفحه - تحقیقات عالمانه ای که مؤلف درباره سفرنامه آجودانباشی بعمل آورده در خور ستایش فراوان است . متأسفانه پس از خاتمه چاپ جلد اول کتاب حاضر ، این اثر نفیس انتشار یافت و ما نتوانستیم از آن استفاده کنیم .

سفر نامه رضاقلی میرزا یا تاریخ قاجاریه - نوشته رضاقلی میرزا پسرزاده فتحعلیشاه .

يك نسخه از این سفر نامه خطی در کتابخانه ملك بشماره ۳۷۴۸ نگهداری می شود. نسخه مزبور بنام «تاریخ قاجاریه» ثبت شده و در ۷۲۱ صفحه می باشد. نسخه مزبور که اسم کاتب ندارد در سال ۱۳۲۲ قمری نوشته شده و نویسنده در آخر یادداشتها که ناتمام است چنین نوشته است :

«مخفی نماند که مرحوم رضاقلی میرزا نایب الایاله ولد مرحوم حسنعلی میرزا فرمانفرمای مملکت فارس ولد مرحمت پناه فتحعلیشاه قاجار موفق نشده که زیاده از این روزنامه نگاری کند یا آنکه از اصل نسخه افتاده در هر حال این نسخه از روی نسخه که بخط میرزا مصطفی ابن مرحمت پناه حاجی میرزا محمد رضای حکیم الهی شیرازی بوده نقل شد و آن مرحوم چنانکه خود نوشته از روی نسخه که بخط نایب الایاله مرحوم بوده در ۲۸ شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۱ هزار و سیصد و یازده هجری به اتمام رسانیده و نسخه منقول عنها بیش از این نداشته و استنساخ این نسخه که از روی خط مرحوم میرزا مصطفی استخراج شده تاریخ تحریر آن در روز بیست و چهارم شهر صفر المظفر سنه هزار و سیصد و بیست دو می باشد الحق عجیب سفر نامه ای است که باعث عبرت و موجب خیرت است ان فی ذلک لقبره فاعتبروا یا اولیابصار»

صد مکتوب میرزا آقاخان کرمانی - کتابخانه ملی پاریس - خطی - بقطع ۲۱×۳۳ سانتیمتر - در روی این نامه ها که جمعا ۱۰۸ صفحه اصلی و چهار صفحه ضمیمه است، این جمله باخط نستعلیق نوشته شده «سلامت الانسان فی حفظ البیان» و نویسنده کننده نامه ها که خود را معرفی نکرده در حاشیه صفحه اول قول داده ، جواب نامه های میرزا آقاخان را بدهد. ولی در مجموعه کتابخانه ملی پاریس اثری از جواب دیده نمی شود .

صد مکتوب میرزا آقاخان - رونویس شده عباس اقبال - از مجموعه کتب خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه

صد مکتوب - رونویس شده به وسیله پدر جلال آل احمد نویسنده معاصر - نسخه مذکور که بنظر می رسد کامل ترین نسخ باشد در اختیار آقای آل احمد می باشد. سیزده رساله خطی میرزا ملکم خان ناظم الدوله - مجموعه کتابخانه ملک - شماره ۳۱۱۶

- سیاستگران دوره قاجار - جلد اول - سید احمد خان ملک ساسانی - ۳۴۳ صفحه .

صرف و نحو خط میخی آریائی و جغرافیائی هند - نصیرالدین میرزا فرصت حسینی شیرازی چاپخانه ناصری بمبئی - ربیع الاول ۱۳۲۲ - بخش دوم فرامین .

فراوشخانه - آنتونی کوئن - ترجمه همایون فر بود - ناشر کانون معرفت ۵۶ صفحه .

فراوشخانه - رساله خطی - اثر میرزا ملکم خان ناظم الدوله . از این رساله : ۱ - به خط علی منشی تبریزی که از روی نسخه اصلی میرزا محمد حسین نایب اول و منشی سفارت اطریش رونویس شده . کتابخانه مرکزی دانشگاه شماره ۳۲۵۷

۲ - کتابخانه ملی ملک شماره ۳۱۱۶ - بدون نام رونویس کننده . در پایان این رساله ، جوابی که به میرزا ملکم خان در باره فراماسوئری داده شده است بسیار جالب می باشد .

مجموعه آثار میرزا ملکم خان - تدوین و تنظیم و تألیف سید محمد محیط طباطبائی - با مقدمه و حواشی جامع - این اثر گرانها نخستین بار در زبان فارسی در باره فراوشخانه ملکم و فعالیت های سیاسی و اجتماعی او نوشته شده است - ۲۱۷ صفحه با ۱۹ صفحه ملحقات - سال ۱۳۲۷

مجموعه اسناد و مدارك چاپ نشده درباره سيد جمال الدين مشهور به
افغانی - اصغر مهدوی - ایرج افشار - ۱۶۵ صفحه از انتشارات دانشگاه تهران.
مردان خود ساخته - از انتشارات فرانکلین .

مردان نامی شرق - غلامحسین تراقی فرخزاد - جلد اول - ۳۵۵ صفحه -
سال ۱۳۰۸ شمسی .

نماه های سیاسی سفیر بریتانیا یا پایه سیاست انگلستان در ایران -
ترجمه احمد توکلی - ۵۳ صفحه .

نفت و بحرین یا عباس اسکندری در خدمت مجلس پانزدهم - ۴۷۹ صفحه
سال ۱۳۳۱

نیمه راه بهشت - سعید نفیسی - ۲۸۹ صفحه - سال ۱۳۳۲
یادگار جشن پنجاهمین سال انجمن اخوت - (۱۳۱۷ - ۱۳۶۷) - ۸۳

صفحه - سال ۱۳۲۷

۲ - جراید و مجلات

آخر الساعه - مجله - شماره ۱۱۶۳ - سال ۱۹۵۷

آسیای جوان - مجله - ۲۴ خرداد ۱۳۳۵

اتحاد ملی - روزنامه هفتگی - شماره ۳۰۸ - سال ۱۳۳۳

اطلاعات - روزنامه - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۴

اطلاعات هفتگی - مجله - شماره ۸۰۶ - ۲۶ بهمن ۱۳۳۵

ایران ما - روزنامه هفتگی - از شماره ۲۷۳ تا ۲۷۷ - سال ۱۳۳۵

این هفته - مجله هفتگی - از شماره ۵ تا ۱۰

بامشاد - مجله هفتگی - ۱۲ شهریور ۱۳۴۰

پیک ایران - روزنامه هفتگی - شماره ۶۵

تهران مصور - مجله هفتگی - شماره‌های ۶۱۱ - ۶۴۰ - ۱۷ آذر ۱۳۳۴

شماره‌های ۷۰۶ - ۹۶۲ - ۱۰۳۱

جهان - روزنامه هفتگی شماره ۱۰۸۶

خواندنیها - مجله - ۲ اردیبهشت ۱۳۳۳ - ۲۶ خرداد ۱۳۳۴ - ۴ آذر ۱۳۴۰

شماره ۱۹ تا ۳۴

خوشه - مجله - شماره‌های ۶۳ تا ۶۹ - سال ۱۳۳۴

دنیا - سالنامه - سال ۱۳۳۶ - صفحه ۹۹

فرمان - روزنامه - از شماره ۷۰ تا ۷۴

شماره - مجله - دوره قدیم و جدید

لایف - مجله امریکا ئی - ۸ اکتبر ۱۹۶۵

نشریه وزارت امور خارجه - ۵ اسفند ۱۳۲۸ - جلد اول.

واهمه - شماره ۱۳۲ - اردیبهشت ۱۳۳۴

یادگار - مجله - سال اول شماره های ۳ و ۵

یغما - مجله - سال دوم شماره های ۱۰-۱۱-۱۲ - سال ۱۳۲۸